

# مکارم الآثار

در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

تألیف

مؤرخ محقق دانشمند

مرحوم میرزا محمد علی معتمد حبیب آبادی

۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ق

جلد نهم

وقایع سالهای ۱۳۶۸ - اواسط ۱۳۷۹ ق

بیاد بزرگان بر آوز نفس

# مکارم الآثار



جلد ششم

وقایع سالهای ۱۲۶۸ - اواسط ۱۲۷۹ ق

- چاپ نخستین
- دو هزار نسخه
- کاغذ ۷۰ گرمی
- چاپ « نشاط » اصفهان
- شروع چاپ : صفر ۱۳۹۷
- « بهمن ۱۳۵۵ »
- پایان و نشر : قعده ۱۴۰۵
- « مرداد ماه ۱۳۶۴ »
- جمیع حقوق طبع محفوظ است
- نشر نفائس مخطوطات اصفهان

# مکارم الآثار

در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری

تألیف

مؤرخ محقق دانشمند

مرحوم میرزا محمد علی (معلم حبیب آبادی)

۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نحمده تعالی و نعتصم به ونصلی علی  
نبیه الاعظم وآله سادة الامم .

بادیده خونبار از فقدان معلم بزرگوار  
« علیه رحمة الملك الغفار » اینک شروع  
باستنساخ جلد ششم کتاب عزیز « مکارم  
الاثار » و تحریر تعلیقات ببقدر نموده،  
و از حضرت پروردگار درخواست توفیق  
استمرار در این کار مشقت بار و تسهیل  
مشکلات آنرا دارد، انه علی کل شیء قدير  
و بالاجابة جدير .

بتاریخ پنجشنبه ۱۴ صفر المظفر ۱۳۹۷

هجری قمری .۴۰

سنه ۱۲۶۸ قمری مطابق سنه ۱۲۳۰ شمسی  
 شنبه یایکشنبه غره محرم الحرام (۰۰۰) عقرب ماه برجی

### ﴿۱۱۳۶﴾ - کشته شدن امیر کبیر اتابک اعظم ، (ره)

وی مرحوم میرزا تقی خان بن کربلائی محمد قربان طباح فراهانی است .

**فراهان** قصبه نئی است در ناحیه عراق عجم از توابع شهر سلطان آباد .

و کربلائی محمد قربان - بطوری که در کتاب « کرج نامه : ۲۶۵ » نوشته - فرزند عباس بن طهماسب از اهل قریه هزاره (بکسرهاء وزای) از توابع فراهان مذکور است ، و این عباس دو فرزند داشته : یکی حاج شهبازخان ، و دیگری محمد قربان مذکور ، و او نخست طباح مرحوم میرزا عیسی قائم مقام و فرزندش میرزا ابوالقاسم بوده و پس از آن ترقی کرده بنظارت نائل شد ، و فرزندانی داشته : یکی میرزا حسن خان که مدتی وزیر - نظام آذربایجان و در حدود ۱۲۷۰ و ۷۱ نایب الحکومه عراق بوده .

و دیگری مرحوم امیر کبیر صاحب عنوان که از اجله و معاریف رجال دوران و درسیاست و کفایت و امور مملکت گیری و مملکت داری و تدبیر کارهای لشگری و کشوری نظری برای او کم پیدا شده و در رجال مشرق زمین یکی از مفاخر و نوابغ محسوب می شود و فقط خشونت نفس و غرور فوق العاده او که هیچ چیز را مخل کار خود نمیدید مخالف عقل و شرع بوده و آن را نقص وی دانسته اند .

شرح احوال او در چندین کتاب بنظر رسیده ، لکن غالب که در زمان ناصرالدین شاه تألیف شده از حقیقت دوری جسته و مفاخر و شرح عزل و قتل او را برخلاف واقع نوشته اند ،

تا این که در این اواخر در «آگهی شهان از کار جهان ۳: ۴۵» و «مجله ارمغان . سال پانزدهم» و کتاب «گلهای رنگا رنگ» پرده از روی این کار برداشته و مقامات او را طبق آنچه رخ داده نوشته اند ، و ما اینک از شماره سیم و پنجم سال مرقوم «ارمغان» و جلد (یا شماره) ۹ تا ۱۴ «گلهای رنگا رنگ» مختصری از احوال او را این جا می آوریم و چنین گوئیم که:

امیر کبیر بواسطه این که پدرش در خانواده میرزا عیسی قائم مقام بوده منظور نظر فرزند وی میرزا ابوالقاسم گردیده و هوش فطری و استعدادی که از او در کودکی بروز می کرد قائم مقام را بر آن داشت که بتربیت وی همت گماشت و از هر گونه مساعدتی در حق او کوتاهی ننمود و روزی نظر بوی انداخته فرمود فرزند او تو در آتیه مشاغل مهمه را اشغال خواهی کرد و روزی ییاید که اگر مغرضین بگذارند کشتی شکسته مملکت را از گرداب بلا نجات خواهی داد ، و مرحوم امیر در اثر قابلیت ذاتی در تحت نظر معلمین خود علوم مختلفه را فرا گرفته و در جوانی مردی دانشمند و قوی الاراده و تناور و با تجربه و کاردان برآمد و در دستگاه محمد خان زنگنه بی که در آن ایام در دربار نایب السلطنه عباس میرزا امیر نظام بود وارد و در سلك مستوفیان وی داخل شد و در اثر خدمات برجسته و اراده خستگی ناپذیر محرم اسرار و طرف مشورت او در امور مهمه قرار گرفت تا موقعی که گریبایدوف روسی - چنان که در ( ۱۲۶۳ ج ۵ ص ۱۷۰۰ ش ۱۰۳۱ ) گذشت - بقتل رسید و بنا شد يك نفر از شاهزادگان باعندار نزد ایمبراطور روسیه برود و خسرو میرزا ابن عباس میرزای نایب السلطنه برای این کار معلوم شد . عباس میرزا که نیز ملتفت مقام امیر از هر جهت و بخصوص حسن سلوک و معاشرت او با مأمورین خارجی شده در شوال سنه ۱۲۴۴ وی را به همراه خسرو میرزا بروسیه روانه کرد و او در اثر حسن سیاست و اظهار کفایت این مأموریت را بخوبی انجام و در نتیجه پس از مراجعت وزیر نظام آذربایجان گردید .

و در سنه ۱۲۵۴ که نیکلای اول ایمبراطور روسیه بقفقاز آمد و از محمد شاه دعوت کرد که برای ملاقات یکدیگر بایروان برود و محمد شاه بواسطه سفر هرات عذر آورد و بنا شد ناصرالدین شاه با محمد خان زنگنه امیر نظام و چند نفر از مردان کار آزموده بخدمت ایمبراطور بروند ، میرزا تقی خان ثانیاً بروسیه رفته و بخدمت پادشاه روس رسید ، و با هم

بیزان روسی صحبت کرده و خیلی در نزد امپراطور پسندیده شده و به اعطاء و اوفیه‌دان از طرف او سرافراز گردید .

ودرسنه ۱۲۵۷ علیرضا پاشا از طرف دولت عثمانی شهر محمره را که اینک خرم شهر می گویند قتل و غارت نمود ، ودرسنه ۱۲۵۸ نجیب پاشا در کربلا همین کار را کرد ، و در اثر آنها میرزا تقی خان به ارز روم رفته که با حضور نمایندگان دولتن روس و انگلیس قراری در جبران اینکار و اخذ خسارت آن ازدولت عثمانی با سفیران دولت بدهند و این سفر چهار سال و خورده ئی طول کشید و از امیر کفایت و سیاست محیر العقول و کاردانیهای فوق العاده بظهور رسید ، ودرسنه ۱۲۶۳ با یران برگشت و به پیشکاری ناصرالدین شاه در تبریز بر - قرار و اهمیت و معروفیتی شایسته پیدا کرد ، تا درسنه ۱۲۶۴ محمد شاه رحلت نمود .

چون خبر وفات محمد شاه بتبریز رسید میرزا تقی خان با خالی بودن خزانه در ظرف چند روزی بوسیله استقراض باعتبار شخصی خود چندین عرابهٔ توپ و سرباز و سایر تجهیزات مجلانه فراهم کرده و در حفظ ولایت آذربایجان تدابیر عمیقانه نمود و دستورات کافی داده و ناصرالدین شاه را با ابهت و جلاسی تمام از تبریز بتهران حرکت داد ، و چون وی این کفایت و کاردانی را از میرزا تقی خان دید در بین راه منصب محمد خان زنگنه را که امارت نظام بود بمیرزا تقی خان داده و از این پس وی را **امیر نظام** گفتند که هم بجزء اولش (امیر) مشهور گردید .

تا در ۱۸ ذی القعدة این سال (۱۲۶۴) ناصرالدین شاه را بتهران رسانید و در شب ۲۲ وی را بتخت سلطنت جلوس داد ، و حاجی میرزا آقاسی وزیر محمد شاه از ترس خود بشاه عبدالعظیم (ع) متحصن شد و چندین نفر دیگر منتظر الوزاره امید ها از خود ابراز داشتند لکن ناصرالدین شاه پی بمقام بزرگی او برده مقام **صدارت عظمی** را با اختیارات تامه بوی واگذار و او را **اتابیک اعظم** لقب داد .

میرزا تقی خان چون بمقام صدر اعظمی رسید و زمام امور ایران را در کف کفایت خود گرفت نتایج تجارب و کاردانی های چندین سالهٔ خود را در مقام عمل نهاده و باصلاح امور مملکت پرداخت ، اما چه مملکتی و چه ایرانی که در اثر سوء سیاست شاه و وزیر سابق

چنان شیرازه اش از هم گسیخته که تصور نمی رفت باین آسانی ها بتوان بدن سر و صورتی داد ، و این نایبۀ روزگار در اندک مدتی چنان شالوده ئی ریخت که می توان گفت اگر هنوز هم چیزی از ایران مانده از تدابیر او باقی می باشد ، و شرح آنها از ترتیب امور لشکر و تعدیل مالیات ها و تنظیم دخل و خرج خزانه و سرکوبی چندین نفر از اشراف که هریک از گوشه ئی خروج کرده و درست یک ملوک الطوائفی تشکیل داده بودند و ترتیب امور تجارت و زراعت و اقتصاد ولایت و پیش بینی های غریبه ئی که نموده از نوشتن در این مقام خارج و در بسیاری از کتب باز نموده شده .

اما افسوس که عوامل داخلی و خارجی که هریک برای نفع شخصی از ایران و ایرانیان چشم پوشیده نتوانستند آن را به بیند و شاه را بوی بد دل نموده و خواهی نخواهی وی را برضد او وادار کردند ، و در نتیجه در ۱۸ محرم این سال از تمام مناصب و مراتب معزول و جلیل خان نیابت با صد سوار او را بقریۀ فین کاشان آورده و در آنجا محصور گردید ، و زوجه اش عزة الدوله دختر محمد شاه چون این بی وفائی را از برادر خود دید ترك وفا نمود ، و بهمراه او بقیه سفر فرمود و همواره وی را تسلی داده با غم او شرکت می کرد ، تا معاندین رقم قتل او را از شاه گرفته و حاجی علیخان حاجب الدوله - که در (۱۲۸۵) بیاید - با دوسه نفر دیگر فراش غضب بقصد قتل او روانۀ کاشان گردیدند ، و در روزیک شنبه هیجدهم ماه ربیع المولود این سال - مطابق (... ) جدی ماه برجی - موقعی که امیر در حمام بود بغتۀ بدون این که بگذارند عزة الدوله مطلع شود وارد حمام فین شدند و حکم قتل را باو ارائه دادند و گفتند شاه فرموده که بهر طور خودش اختیاری کند او را بکشید !

آن بزرگ مرد چون حکم قتل را دید فرمود اطاعت دارم و بدون هیچ ترس وضعی خودش گفت تا هردوستش را فصد نموده از هردستی دو رنگ و دستها را بر زمین نهاده خون مانند فواره بجریان افتاد و شروع کرد بشرح خدمات خود نسبت بایران و حاجی علیخان همه را تصدیق نموده و از این مأموریت شرمنده گردید ، تا ضعف بروی طاری شده و از کثرت آمدن خون بیهوش بزمین افتاد و جان خود را برای ایران فدا نمود .

و پس از آن مأمورین بتهران حرکت و جسد او را بکر بلا برده در حجره سالون پشت گنبد

مطهر دفن کردند

وهم اورا پسری بوده بنام میرزا احمد خان ساعد الملك که از اعیان زمان بشمار می‌رفت. و دخترش امیرزاده خانم زوجة خان مؤتمن از سادات و هابیه تبریز بوده و از او فرزندان زیادی داشته و در سال (۱۳۵۴) ذکر می‌شود، چنانکه در کتاب «رجال آذربایجان: ۱۹۵» فرموده . و از «مجله یادگار. سال ۳۱ ص ۴۰» چنین برآید که وی از عزة الدوله دو دختر بنام تاج الملوك و همدم السلطنه داشته . تاج الملوك زن مظفرالدین شاه و مادر محمد علی شاه و ملقب به ام‌الخاقان شده . و همدم السلطنه زن ظل السلطان و مادر جلال الدوله و کوب السلطنه و شوكة السلطنه بوده و در سنه ۱۲۹۶ وفات نموده ، انتهى .

و در کتاب «امیر کبیر» تألیف میرزا فریدون آدیت (ج ۱ چاپ ۲ ص ۹) نوشته که ام‌الخاقان دختری هم از مظفرالدین شاه بنام عزة الدوله داشت که زوجه عبدالحسین میرزا فرمانفرما گردید ، و خودش پس از وفات مظفرالدین شاه بنکاح معتمد السلطنه درآمد و در وقتی که بسفر عتبات میرفت در صحنه بیمار شده و وفات کرد ، انتهى .

و سید حسین مکی نیز کتابی بعنوان «زندگانی میرزا تقی خان امیر» در احوال او نوشته، چنان که در «الذریعه ۱۲: ۲۵۲ ش ۳۶۲» فرموده .

قتل مرحوم امیر چنان که نوشتیم روز یکشنبه ۱۸ ع ۱۶ بوده ، لکن در کتاب «سالنامه پارس ، سال ۱۳۰۸ شمسی در قسمت ۱ ص ۵۰» شرحی نوشته بخلایفة اینکه : تعطیل دوشنبه‌ها بعد از ظهر از روز دوشنبه ۵ آذر موقوف و به بعد از ظهر ۵ شنبه‌ها مقرر گردید «تعطیل دوشنبه‌ها پس از قتل امیر کبیر بامر ناصرالدین شاه بر اثر پشیمانی و عذاب وجدانی از آثار آن عصر بود» انتهى .

و از این سخن «سالنامه» چنین برآید که قتل امیر ۲ شنبه بوده ، و این مبنی بر اختلاف غره ماه ربیع الاول آن سال برؤیت و حساب بوده ، یا این که قتل که يك شنبه بوده فردای آن را که دوشنبه بوده تعطیل رسمی قراردادند . و ۲ شنبه ۵ آذر را که نوشته این تعطیلات را موقوف داشتند مقصود ۵ آذر باستانی سال ۱۳۰۷ شمسی مطابق ۱۳ ج ۲ سنه ۱۳۴۷ هجری قمری است .

وهم در «سالنامه» مذکور درمحل مزبور نوشته که جلوس شاه را که ۲۵ آذر بوده و همه ساله تعطیل می کردند در همین روز موقوف داشتند ، انتهی .

و نظیر این قتل امیرازرگ زدن دست و خون آمدن تا بیجان شود ، درباره مطهر بن عبداللّه و زبیر عضدالدوله واقع شده که وی چون از مأموریتی که عضدالدوله در دفع دزدان بطیحه بوی داده بود و از عهده بر نیامد خودش رگ های دست خود را زد و آن قدر خون آمد تا در گذشت ، چنانکه در کتاب «شاهنشاهی عضدالدوله : ۲۲۷» نوشته .

### ❦ (۱۱۳۷- تولد مرحوم آقا فتحعلی زنجانی ، ره) ❦

وی چنان که در کتاب «فهرست مشاهیر علماء زنجان : ۹۷» نوشته ، فرزند حاج ولی ابن علی عسکر و برادر زاده مرحوم ملا قربانعلی زنجانی است که در (۱۳۲۸) بیاید .  
 مرحوم آقا فتحعلی از علما و فقهاء بزرگ عصر خود بود ، و در چهار شبه بیستم ماه ربیع الاخر این سال ، چنان که در «احسن الودیعه» نوشته - مطابق (...). دلو ماه برجی - متولد شده ، و در نزد چندین نفر از اجله علما درس خوانده و کتب چندی تألیف کرده ، از آن جمله کتاب «مفتاح اللباب» در شرح «خلاصة الحساب» که آنرا در تهران تألیف کرده و در ۱۷ صفر سنه ۱۲۹۲ از آن فارغ شده . و در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت در نجف وفات نموده ، چنان که در «الذریعه ۹: ۸۰۷: ۵۴۴۶» فرموده ، و آنجا وی را خواهر زاده ملا قربانعلی مذکور نوشته ، و «دیوانی در اشعار فارسی» از او ذکر کرده .

سنه ۱۳۳۱ شمسی

یکشنبه بیست و نهم جمادی الاولی : اول حمل ماه برجی

﴿(۱۱۳۸- تولد شیخ عبدالعلی زنجانی)﴾

وی فرزند ملا عبدالصمد بن ملاعلی اکبر بن محمد سعید ، و خود عالمی جلیل و فقیهی پارسا بوده ، و همانا در سیزدهم ماه رجب الفرد این سال - چنان که در «تقواء البشر: ۱۴۱» ش ۱۶۶۷» فرموده با ملاحظه «فهرست علماء زنجان : ۷۳» - متولد شده ، و در وطن خویش مقدمات و سطوح را درس خوانده ، و هم بر میرزا قربانعلی زنجانی قرائت نموده ، و سپس بنجف اشرف مشرف و در نزد شیخ محمد حسن مامقانی و فاضل شرایانی درس خواند ، و همچنین بمجالس دروس غیر آنها از اعلام آن زمان حضور بهم رسانید . و بالاخره زیاده بر ده سال در آن اراضی مقدسه بسربرد ، و بدروس فقها و أبحاث ایشان ملازمت داشت ، و از آنها بدریافت اجازت نائل گردید ، و بعد از آن بزنجان برگشت و بتدریس و ترویج پرداخت . و او مردی باصلاح و تقوی و ورع و نزد مریدان موقو بود ، و بسیاری از مؤمنین بجماعت او حاضر میشدند ، و استخاراتش مورد تجربه مردم آن حدود گردیده ، و کتب چندی تألیف کرده : اول «شرح دعاء صباح» . دویم «حاشیه بر رسائل شیخ انصاری» . و آخر ، پس از مدت هشتاد سال و یازده ماه قمری عمر ، در روز چهارشنبه سیزدهم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۹ هـ از رو سیصد و چهل و نه - مطابق ۱۳ ابان ماه باستانی - وفات کرد .

## ﴿۱۱۳۹- تولد صمد علی ، عارف تهرانی﴾

وی بطوری که در «طرائق ۳: ۱۱۹» نوشته ، نامش آقا محمد تقی ابن حاجی عبدالکریم تبریزی ، واز جمله عرفاء عصر خود است که در شب آدینه بیست و هشتم ماه رجب الفرد این سال - مطابق (... ) ثور ماه برجی- متولد شده ، ودر سنه ۱۲۹۱ بخدمت حاجی میرزا علی نقی جتعلی که در (۱۲۹۶) بیاید رسیده وداخل سلسله عرفان و ملقب به صمد علی گردید ، چنان که هم در اشعار تخلص صمد می نماید . و پس از وفات جتعلی بدعوائی خلافت وی برخاست و جمعی با وازادت ورزیده اند ، و او تألیفاتی دارد : اول کتاب «مشکوٰۃ الحقیقه» در سیر و سلوک دویم «دیوان اشعار» ، و این چند شعرا از آن است :

الا ای دل یا در کوی لیلی      بین در کوه دل سینه چوسینا  
 مرا از چشم جنت داد روزی      که دیدم زوی او با جمله اعضا  
 صمد خاموش شولب را بهم نه      مکن اسرار دل دیگر هویدا

وله ایضاً :

برویت ای شه خوبان بگو نقاب چراست

میان عاشق و معشوق این حجاب چراست

### ﴿ ۱۱۴۰ - تولد میرزا محمود خان علاء الملک تبریزی ﴾

وی فرزند میرزا سید علی اصغرین میرزا رفیع بن میرزا ابوطالب وزیر ابن میرزا سلیم نایب الصدر، از نژاد علی ۱۱ الشاعر الشهاب است که در (۱۱۹۵ ج ۱ ش ۱۳ ص ۳۲) گذشت . میرزا محمود خان از اعیان زمان خود بود که در آدینه غره ماه شعبان المعظم این سال - مطابق (... ) ثور ماه برجی - متولد شده و در زمان مظفر الدین شاه و ادوار مشروطیت وزارت های چندی را تحمل نموده . و پس مدت هفتاد و پنج سال و نه ماه قمری و بیست و هفت روز عمر ، در دوشنبه بیست و هفتم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار - مطابق ۲۳ آذرماه باستانی - در طهران وفات کرد ، و جنازه اش را بقم حمل کرده و آنجا دفن نمودند . و کتابی بعنوان « گزارش های سیاسی علاء الملک » بنام او منتشر شده که در « ماهنامه وحید ، سال ۷ ش ۱۱ سلسل ۸۳ » چندی از آن نقل کرده .

### ﴿ ۱۱۴۱ - تولد مرحوم میرزا عبدالرحمن مدرس مشهدی ، ره ﴾

وی فرزند مرحوم میرزا نصرالله فارسی ( ۱۲۹۰ ) و خود از اعظام علماء مشهد مقدس بوده و در شب سه شنبه دوازدهم ماه شعبان المعظم این سال - مطابق (... ) جوزا ماه برجی - در شیراز متولد شده ، و پس از تحصیل علوم در آن آستان قدس بتدریس مشغول شد ، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله : « تاریخ علماء خراسان » و غیره . و یکی از شاگردان او مرحوم ادیب پیشاوری ( ۱۲۶۰ ج ۵ ش ۵۶۲ ص ۹۶۳ ) است .

شرح احوال صاحب عنوان در « مطلع الشمس ۲ : ۴۰۰ » و « المآثر : ۱۵۹ » و از همه

بهر «مجله ارمغان» سال ۲۵ ش ۴ صادره در خرداد ۱۳۳۰ - شعبان - رمضان ۱۳۷۰ ص ۱۶۴ « بنظر رسیده ، و از این اخیر چنین بر آید که وی علاوه بر اینکه از علما و فقها و در آستان قدس رضوی مدرس اول بوده ؛ در نظم شعر عربی و فارسی تجرّی تمام داشته و هم از اهل سیر و سلوک بوده ، و نخست در ۴ سالگی در شیراز در مکتب مدرسه منصوبه که پدرش در آن مدرسه سمت تدریس داشته ، نزد پدر خود و غیره بدرس خواندن مشغول شد ، و در سنین هفت و نه و ده که رسید تقریرات دروس صرف و نحو و منطق خود را نوشته ، و هم چنین تعلیقات و شروحاتی بر کتبی که درس می خواند مینوشت . و در ۱۱ سالگی به همراه پدر بمشهد مقدس آمده مجاورت اختیار کرد ، و آنجا در نزد چندین نفر از علما و فضلا مانند ملا عبدالرحمن شیخ الاسلام (۱۲۹۲) و پدر خود و میرزا محمد شاگرد حاجی ملاهادی سبزواری و حاج شیخ محمد رحیم بروجرودی در انواع علوم شرعی و ریاضیه و حکمیّه درس خواند ، و چندین کتاب تألیف کرد ، از آن جمله :

اول «تاریخ علماء خراسان» که ذکر شد . دوم «تقریرات» دروس پدرش برای او در مشکلات صرف و اشتقاق ، چهار هزار بیت . سیم کتاب «تراکیب اشعار و امثال و آیات مستشهد به در شرح قطرانندی» شش هزار بیت . چهارم «شرح بر البهجة المرضیة سیوطی» پنج هزار بیت . پنجم «شرح کبری» سید شریف ، شش هزار بیت . ششم کتاب «حکمة العارفين» در سیر و سلوک بنظم . هفتم «اشعار عربی و فارسی» در سیر و سلوک و غیره که شطری از آنرا در «مجله» ذکر کرده .

و در سیر و سلوک خدمت میرزا باباء ذهبی (۱۲۸۶) ارادت داشته . و در (شمار ۵ همین مجله ص ۲۲۳) وفات او را در نیمه دوم صفر ۱۲۹۸ شمسی نوشته که مطابق عقرب ماه برجی سنه ۱۳۳۸ قمری بوده باشد .

و در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۳۱۰» در پاورقی « وفاتش را در مشهد در سنه ۱۳۳۶ و قبرش را در ایوان طلای ناصری روضه رضویه گفته .

و ما در این کتاب در (۱۲۹۸) شرحی درباره «تاریخ خراسان» که در تألیفات او نوشتیم ذکر خواهیم کرد .

بعد از نوشتن مرقومات فوق کتاب «تاریخ علماء خراسان» بنظر رسید در مقدمه آن آقای ساعدی شرحی در احوال وی نوشته وما در این کتاب از هردوی آنها نقل می کنیم ، و در آنجا در (صی) وفاتش را در نیمه دوم صفر سال ۱۳۲۸ و مدفنش را در ایوان طلای صحن جدید ذکر کرده ، و در آخر کتاب (ص ۳۲۵) در غلطنامه ۱۳۲۸ را نادرست و ۱۳۳۸ را درست ، و در (ص ۱۳۴) که احوال مؤلف عنوان شده (۱). وفات را در (۱۳۲۸ هـ - ۱۹۱۹ م) نوشته . و ما را از این اقوال مختلفه چنین بنظر رسید که همان ۱۳۳۸ درست و ۱۳۲۸ غلط است.

### ☞ (۱۳۴۲- وفات مرحوم صابرعلیشاه گرجویه ئی ، ره) ☞

گرجویه ناحیه ئی است از توابع اصفهان که در طرف میان مشرق و جنوب آن از نسه فرسنگ تا بیست و پنج فرسنگ افتاده و آنرا در این ازمنه جرقویه بجیم و قاف می گویند . و صابرعلیشاه از اهل قریه نصر آباد این ناحیه و از معاریف عرفا و ارکان صوفیه عصر خود بوده ، و از نخست بدلالت مرحوم حاجی شروانی خدمت مرحوم مجذوبعلیشاه رسید

(۱) آقای ساعدی در صدرهء عناوین تاریخ تولد و وفات معنومین را هر کدام معلوم بوده بهجری قمری و میلادی اضافه مینموده . منته .

از این تطبیق هم معلوم گردید که ۱۳۲۸ غلط چاپی است ، چون ۱۹۱۹ م مطابق ۱۳۳۸ بوده . در اینجا اشاره باین مطلب لازم است که در شرح حال مختصری که از میرزا عبدالرحمن مدرس بقام آقای سید محمد تقی مدرس رضوی «سلمه الله» در یادداشت های قزوینی ۸: ۲۶۷ چاپ شده و از جمله تألیفات او «تعریب گلستان سعدی» را ذکر کرده اند ، تاریخ وفات آن مرحوم را باین صورت نوشته اند که خیلی غریب است : «وفاتش در دهه دوم سال ۱۳۱۸ شمسی هجریست» انتهى . م.

آنگاه از خدمت رحمتلیشاه تکمیل شد ، و پس از وفات حاجی شروانی از طرف رحمتعلی شاه منصوب گردید و با اخلاق نیکو و صدق و صفا قلوب مؤلف و مخالف را بخود جذب نمود ، و همواره یار و یاور فقرا و سالکان بود ، تا در ماه رمضان المبارک این سال - مطابق (جوزاء - سرطان) ماه برجی - در همان نصرآباد وفات کرد و هم آن جا دفن شده و اینک قبرش مزاری معروف است . و سه فرزند ذکور از او بازماند :

اول میرزا جعفر خان که در سنه ۱۳۰۴ در شیراز وفات کرد .

دو دیگر آقا محمد باقر و حاجی زین العابدین که در نصرآباد زراعت می کرده اند .

و پس از فوت وی مرحوم رحمتلیشاه امور صوفیه اصفهان را به آقا میر محمد علی

مشهور به قناد اصفهانی واگذار کرد ولی طولی نکشید که او هم وفات کرد .

### ﴿ ۱۱۴۳ - وفات حاجی درویش حسن نقیب الممالک شیرازی ﴾

حاجی درویش حسن از اهل محله بازار مرغ شیراز و مردی تقال و سخن طراز بوده و همواره لطایف حکم و مواعظ را بطور افسانه در مجالس اعیان و معاریف نقل می نموده ، و مرحوم محمد شاه خلیلی با و مایل بوده ، و در این سال وفات کرد و چندین نفر فرزند باز نهاد :  
اول حاجی میرزا احمد نقیب که در (۱۲۳۸ - ج ۴ ش ۵۳۸) گذشت .

دویم حاجی میرزا محمود شیخ المحققین که علوم ادبیه و عربیه را نیکو فرا گرفت و در نزد حاجی شیخ محمد مهدی کجوری که در (۱۲۹۳) بیاید علم فقه و اصول را درس خواند ولی روزگارش مهلت نداد و بچوانی وفات کرد و یک پسر از وی بنام شیخ علی بازماند که باستحقاق بلقب پدر نائل گردید .

سیم آقا میرزا ابوالقاسم که در کمالات موروثی استاد بوده .

چهارم آقا میرزا محمد نقیب الاشراف که سفر یسزد و کرمان و عراقین را نموده و آخر در تهران ساکن شده و چندین فرزند بنام میرزا ابوالحسن خان و میرزا جلال الدین خان که چند سال در لندن درس خوانده و میرزا حبیب الله و میرزا فضل الله باز نهاده .

﴿ ۱۱۴۶ - تولد حاج میرزا حسین علوی سبزواری ، ره ﴾

شرحی از شعب سادات علوی سبزواری در (۱۲۶۲ هـ ش ۱۰۱۰) گذشت (۱) .  
 حاج میرزا حسین صاحب عنوان فرزند مرحوم میرزا حسن علوی ، و خود از علما  
 و ادبا و حکماء این عصر بود که در این سال متولد شده ، و چنان که در «فهرست کتابخانه رضویه  
 ۳۱۹:۴ درپاورقی» نوشته بهفده سالگی با اجازت مرحوم حاج ملاهادی سبزواری بمجلس  
 درس آن حکیم الهی حاضر شده و کتاب «أسفار» و سایر علوم حکمت را در آن مدرس مبارک  
 تحصیل نموده ، آنگاه بعتبات رفت و علوم شرعیه را در نزد فاضل اردکانی و میرزای  
 شیرازی درس خواند ، و چند ماهی بعد از وفات جلوه در مدرسه سپهسالار طهران در ریاضی  
 و حکمت تدریس مینمود ، و پس از آن بسبزواری بازگشت و در آن شهر مرجعیت و ریاستی تمام  
 بهم رسانید . و درقبال مرحوم حاج میرزا حسین سبزواری (۱۲۹۶) بمیرزا حسین کبیر شهیر  
 گردید ، و چندین کتاب تألیف کرد :

اول «ارجوزه ئی در فلسفه عالیه» . دویم «حاشیه بر فرائد شیخ» که فقط بر حجیت ظن  
 و بر اثبات دریک جلد است .

و در پنجشنبه بیست و سیم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو - مطابق  
 ۱۹ بهمنماه باستانی - وفات کرد ، چنان که در جلد ۱ «الذریعه : ش ۲۴۲۵» است ، و در  
 «جلد ۶ ش ۸۵۳» در سنه ۱۳۵۳ بدون ماه و روز نوشته ، و ظاهراً وی همان باشد که در

(۱) بشماره  $\frac{ج}{۴۵}$  رجوع شود . رجوع شود بضمیمه «تاریخ علماء خراسان : ۳۷۹ ش

۳۸۱ و ۵» . یادداشت مؤلف . و شماره متعلق بمجموعه نامه های واصله بمؤلف است . ۴۰ .

«تاریخ سرتیپ» وفاتش را در سنه ۱۳۴۲ نوشته و اشتباه کرده ، چنان که در «الذریعه» در هر دو موضع مذکور نام پدرش را محسن نوشته و آنچه ما حسین نوشتیم طبق نامه‌ئی است که آنرا سید محمد حسن علوی (۱۳۴۹) در «۲۰ شعبان ۱۳۷۲» بما نوشته و البته آن اصح از قول «الذریعه» است، و آنجا نوشته که دودختر حاج میرزا عبدالکریم علوی (۱۳۳۷) در زوجیت حاج میرزا حسین مذکور بودند و هر دو در خانه وی بلاعقب وفات کردند ، و وفاتش را در ۲۱ یا ۲۲ شوال مذکور ذکر کرده و گوید : اصل او از قریه آزاد منجر سه فرسنگی سبزواری است که هم اکنون طایفه وی آنجا سکنی دارند ، و فرزندانش بعضی اهل علم بودند لکن درسلك غیر اهل علم درآمدند و فوت شدند ، انتهى .

**ویهر حال** ، وی پس از فوت در سبزواری در مقبره استاد مذکورش دفن شد ، و او را شاگردان چندی است : اول سید عبدالله برهان سبزواری (۱) . دوم حاج میرزا علی اکبر نوقانی (۱۳۰۰) .

و این حاج میرزا حسین صاحب عنوان ظاهرأ همان باشد که در «مطلع الشمس ۳: ۲۱۹» او را بعنوان **حاجی میرزا محمد حسین** ذکر کرده و فرماید : میرزای شیرازی بر اجتهاد و مقامات فضل و علم ایشان تصدیق فرموده و بدادن فتوی مجاز نموده‌اند ، انتهى . و نیز در «المآثر و الآثار: ۱۷۲» وی را بعنوان حاج میرزا محمد حسین مجتهد سبزواری ترجمه کرده و فرماید : در آن مملکت از مروجین شریعت است و می گویند از حجة الاسلام رئیس الشیعه حاج میرزا محمد حسن شیرازی تصدیق اجتهاد دارد ، انتهى .

و دو نفر دیگر از علماء سبزواری که در اسم و عصر با این حاج میرزا حسین تقریباً شرکت دارند در (۱۲۹۶) و (۱۳۱۷) یابند .

(۱) شرح حال مرحوم سید عبدالله برهان المحققین در سال تولدش (۱۳۰۳) یابید.م.

﴿(۱۱۴۵- تولد بدیع ، نظام الشریعہ خوانساری)﴾

در «تذکرہ شعرای خوانسار: ۳۲» (۱) گوید: «میرزا رضامقلب بنظام الشریعہ و متخلص بدیع فرزند محمد ، از شعرای قرن اخیر است کہ در سال ۱۲۶۸ قمری بدنیآ آمدہ . بدیع خط رقاع و ثلث و نسخ را بسیار زیبا مینوشت و در خط نسخ استاد بود ، خود او در یک قطعہ چنین ادعا کردہ است :

تا کسردہ خدا لوح و قلم را ایجاد کس خط ننوشتہ چون من و میرعماد  
 من در خط نسخ او خط نستعلیق بودیم بعصر خویش ہر یک استاد  
 قطعات و کتابہای خطی او کم نظیر و گرانہا و تماشائی است ، مدار زندگانی بدیع  
 بکتابت و نویسندگی اُسناد و قبالہ جات و حکاکسی و تعلیم خط و مساحت اراضی میگذشت  
 و در ساختن مرکبہای برجستہ وثابت نیز مہارت داشت . تا آنکہ گوید :

«کمال واقعی و ہنر بدیع در ساختن مادہ تاریخ بودہ و این کار را بدرجہ اعلا رسانیدہ  
 است» . سپس چند مادہ تاریخ بعنوان نمونہ از آن مرحوم آورده و گوید :

«بدیع در سال ۱۳۲۹ بکھزار و سیصد و بیست و نہ قمری در شصت سالگی بمرض

ذات الریہ در گذشت و قبل از فوت برای سال تاریخ خود چنین نوشته است :

مادہ تاریخ وفات این حقیر است:

بسان سکہ وزر چون چون مرا ولای علی است مقیم جنت فردوس کرد یزدانم  
 «صدرالمشاہخ اختر کہ از نزدیکترین دوستان آن مرحوم بود قطعہ رادر مرگ اوسرودہ

کہ مشتمل بر ۱۲ بیت است و از ہر ۲۴ مصراع این قطعہ تاریخ فوت بدیع بدست میآید، این مادہ تاریخ  
 در شرح حال اختر نوشته شد. از آثار بدیع یک «مثنوی» بجای مانده کہ متمم «تاریخ منظومہ» است الخ.

(۱) در نسخہ اصل ہمین چند کلمہ بیشتر نوشته نشدہ ، لذا شرح حال بدیع را بتلخیص

از مأخذ نقل کردیم م.

❁ (۱۱۴۶- تولد شیخ طاهر جزائری دمشقی) ❁

وی فرزند شیخ صالح بن احمد ، و خود ازاهل علم و ادب زمان خویش بوده و شعر هم می‌گفته ، و در اینسال - چنان که در «مجم المطبوعات العربیه : ۶۸۸» نوشته - در دمشق متولد شده (۱) و عشقی و افر بجمع کتب خطی و بحث در اطراف آن داشته ، و در اثر همین خصالت کتابخانه ئی در مدرسه طاهریه بدمشق تأسیس نموده و کتب منفرد در آن جمع کرد ، و هم در بیت المقدس کتابخانه ئی بنانهاد و ظاهر آ در سنه ۱۲۸۶ هجری قمری مکاتب در دمشق بوده . و در حدود ۱۳۳۲ از ترس اترک بقاهره رفته و در حدود ۱۳۳۶ بدمشق برگشت و آنجا عضو مجمع علمی عربی و مدیر کتابخانه طاهریه گردید . و او اعتنائی تمام بنشر کلامات و آثار

(۱) محمد کرد علی رئیس مجمع علمی عربی دمشق ، پنجاه صفحه از مقدمه کتاب خود «کنوز الاجداد . ط دمشق . ۱۳۷۰» را بشرح حال دوستش شیخ طاهر جزائری اختصاص ، و الحق تصویر جامعی از او بدست داده که یکی از بهترین سبک های نگارش تراجم احوال و شایسته اتباع است . در آنجا تاریخ ولادتش را در ربیع الثانی ۱۲۶۸ و وفاتش را در روز ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۸ قید کرده . عناوین آن شرح حال از این قرار است : ۱- اصله و نشأته ۲- علمه و عمله ۳- اخلاقه و عاداته ۴- غرایب عاداته ۵- تألیفه و رسائله ۶- رسائله الخاصه ، و در آخر نیز تصویر يك نامه ۸ صفحه ئی بخط شیخ طاهر است . کرد علی درص ۹ گوید که شیخ طاهر از کودکی مفتون کتب ابن تیمیه بود و لذا بسیاری از تألیفات او را چاپ کرد و رواج داد با اینکه عموم فقهاء عصر ؛ ابن تیمیه را تکفیر مینمودند . بعد میگوید شیخ طاهر مسلمانی بود مجتهد و آزاد ، نه حنبلی بود و نه مالکی و نه حنفی ، و گاه در مسائل حق را بعلماء شیعه و گاه به اباضیه و گاه نیز بمعترله می‌داد . و درص ۲۶ او را به گانندی فیلسوف هندی تشبیه نموده است . م.

ابن مقفع فارسی داشته . و خود چندین کتاب تألیف نموده :

اول کتاب «اتمام الانس» در عروض فرس . دوم کتاب «اختصار شرح کتاب امنیة الالمی و منیة المدعی» تألیف رشید ابن الزبیر در ملح و فکاهیات که در آن علوم چندی را درج کرده و صاحب عنوان در این اختصار تمه ئی بر آن علوم و موضوعات آنها نوشته . سیم کتاب «ارشاد الالباء» در طریق تعلیم الف با ، که در آن دواشکال و معانی و أعداد و ترتیب و رسم و حرکات و ضبط حروف هجا بحثی وافی نموده ، و آن قسم اول از کتاب «مراقی علم الادب» او است که آنرا سه قسم قرارداد ، و دویم آن کتاب التمرین ، و سیم کتاب تدریب است که هر دو بیاید . چهارم کتاب « بدیع التلخیص و تلخیص البدیع » که آن قصیده بدیعیه ئی است بدین مطلع :

بدیع حسن بدور نحوذی سلم قد راقنی ذکره فی مطلع الکلم

با شرح آن . پنجم کتاب «تدریب اللسان» بر تجرید بیان که قسم سیم «مراقی» است . ششم کتاب «تسهیل المجاز» بسوی دوفن معما و آغاز . هفتم کتاب «التقرب» برای اصول تقرب که در آن بحث در اطراف بعضی از عربات و راه تعرب نموده . هشتم کتاب «تلخیص ادب الکاتب» ابن قتیبه که در «الذریعه ۴ ش ۱۸۴۸» نوشته . نهم کتاب «التمرین» بر بیان و تبیین که قسم دویم «مراقی» است . دهم کتاب «تمهید العروض» بسوی فن عروض . یازدهم کتاب «توجیه النظر» بسوی اصول علم اثر (یعنی مصطلح حدیث) . دوازدهم کتاب «جدول الحروف» در اشکال حروف عربی قدیم و یونانی و هندی و غیره .

سیزدهم کتاب «الجواهر الکلامیه» در عقائد اسلامیة و توحید . چهاردهم کتاب «حدائق الافکار» در دقائق اشعار . پانزدهم کتاب «الحکم المنشوره» .

شانزدهم دائره ئی در معرفت اوقات و ایام . هفدهم رسائل متفرقه در علم خط . هیجدهم «شرح خطب ابن نباته» . نوزدهم «شرح کتاب کافی» خودش که اینک ذکر میشود . بیستم کتاب «عمدة المغرب و عمدة المعرب» که آن قصیده ئی است در الفاظ نحویه . بیست و یکم کتاب «الفوائد الجسم» در خواص اجسام .

بیست و دویم کتاب «کافی» درمنشأ و اشتقاق لغت که گفتیم خودش شرحی برخطبه آن نوشته . بیست و سیم کتاب «مدخل الطلاب» بسوی علم حساب . بیست و چهارم کتاب «مدالراحه» برای گرفتن مساحه .

کتاب «مراقی علم الادب» که چون اجزاء آنرا در عدد آوردیم خودش رانیاوردیم . بیست و پنجم کتاب «منیة الاذکیا» درقصص انبیاء که ترجمه از ترکی است . بیست و ششم کتاب «میزان الافکار» درشرح «معیار الاشعار» که ظاهراً مقصود «معیار- الاشعار» محقق طوسی باشد ، درعروض و قوافی .

و او پس از مدت هفتاد سال قمری عمر، در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت وفات کرد .

### تولد میرزا عبداسقلیمخان سپهر، مشیرافخم، (ره) (۱۱۴۷-)

وی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی سپهر (ره) است که در (ج ۲) سال ۱۲۱۶ ص ۵۸۰ ع (۲۳۷) گذشت ، و خود از اجله فضا و اعظم رجال دربار ناصری و مظفری بود ، و بتألیف کتب نفیسه نافع تاریخی که بسیاری از آنها در احوال حضرات ائمه اطهار (صلوات الله علیهم) از روی خلوص نیت و حسن عقیدت تألیف شده شهرتی مهم بهم رسانیده .

شرح احوال وی بطور اختصار در «المآثر والاثار: ۱۹۰ ص ۲» ذکر شده و آنجا درباره او فرماید : «منشی و شاعر و در این دوفن شریف هردوماهر» . و توصیفی از او در تتبع و استقراء واحاطه و استقصا و سایر شرایط تألیف نموده ، و هم خود وی در دیباچه جلد دویم «احوال حضرت امام محمد باقر علیه السلام» فهرستی از تألیفات خود نوشته . و در «روزنامه شرف» ش ۷۳ سال ۱۳۰۷ «دریحانه الادب» نیز احوال او ذکر شده .

و بهتر از همه شرحی است که آقای جهانگیر قائم مقامی در مقدمه «تاریخ قاجاریه» تألیف مرحوم پدرش سپهر بزرگ در (ص ۲۱) نوشته که جامع مواضع مذکور و مغنی از همه می باشد .

و از این مآخذ کلا چنین برآید که وی در این سال - بنص این مأخذ- از بطن دختر نیک اختر فتحعلیخان ملک الشعرا (چنان که درص ۱۸ فرموده) متولد شده، و پس از تحصیلات لازمه در سنه ۱۲۸۷ بخدمات دولتی در آمد و بسمت منشی مخصوص وزارت خارجه بکار پرداخت، و در سنه ۱۲۹۳ داروغه دفتر وزارت خارجه گردید، بعد از آن رئیس مجلس اجراء و احکام آن وزارتخانه، و در سنه ۱۲۹۹ منشی اول و در سنه ۱۳۰۰ نایب دویم وزارت خارجه شد، و در خلال این ایام مأموریت ترجمه کتاب «وفیات الاعیان» تألیف ابن خلکان را یافت و او شروع بدین کار نموده و اصل کتاب را بر چهار بخش قسمت نموده و از بابات شرح و تفصیلی که در آن بکار برده هر ربعی را در چند جلد ترجمه کرد چنان که ذکر می کنیم.

و در سنه ۱۳۰۲ ملقب به سپهر ثانی شد و بنیابت اول وزارت خارجه ارتقاء یافت (در مقدمه آقای قائم مقامی اشتهاها این نیابت را نیز مانند اول نیابت دوم نوشته). و پس از چند ماه بخدمت وزارت عدلیه در آمد و مستشار الوزاره لقب یافته و مستوفی دویم دیوان گردید. و بعد از سال ۱۳۰۷ مستوفی اول دیوان شد. و در سنه ۱۳۱۱ وزیر دارالشوری گردید. و خودش در بسیاری از تألیفات درباره خویش نوشته: «مستوفی اول دیوان اهل و وزیر تألیفات مجلس شورای کبری».

و بالاخره تا بعد از قتل ناصرالدین شاه هم در خدمات دولتی بوده لیکن بعنوان نگارش و کارهای علمی، و پس از پیدایش مشروطیت دست از همه کشیده و فقط بکار تألیف پرداخت. و اینک شرح تألیفات او بر ترتیب حروف اوائل اسماء آنها تقریباً:

همانا آن مرحوم خود در خاتمه کتاب احوال حضرت امام زین العابدین (ع) صورتی از تألیفات خویش که تا سنه ۱۳۱۶ تألیف نموده نوشته که ما آنرا با آنچه در مقدمه قائم مقامی (ص ۲۲) ذکر کرده با یکدیگر ملفق نموده و می نویسیم و چنین گوئیم که در مقدمه مزبوره فرموده که آثار او قریب نهصد هزار بیت است، و منظور از بیت سطرهای بطول سطور مجلدات «ناسخ التواریخ» می باشد، انتهی.

اول «احوال حضرت امام زین العابدین علیه السلام» در دو جلد، صد هزار بیت که ۲۰۳۰ صفحه رحلی بزرگ است و انجام تألیف ج ۱ آن سنه ۱۳۱۲ و دویم «احوال حضرت

امام محمد باقر علیه السلام» سه جلد ایضاً صد هزار بیت که جلد سیم آن ۶۷۵ صفحه رحلی ۲۵ سطری است ، انجام تألیف آن سنه ۱۳۲۳ و خود در ربیع الاول سنه ۱۳۲۴ فهرستی برای آن تنظیم کرده . سیم «احوال حضرت صادق علیه السلام» چهار جلد قریب ۳۰۰۰ بیت و جلد پنجم آن در ۱۳۳۲ در دست تألیف بوده . چهارم «احوال حضرت کاظم علیه السلام» در سه جلد بزرگ ، آغاز تألیف جلد دوم آن شنبه ۲۰ ذی القعدة سنه ۱۳۲۴ انجامش ۵ شنبه ۱۱ ج ۱ سنه ۱۳۲۶ و آغاز تألیف ج ۳ همین روز ۱۱ مذکور و انجام آن روز ۵ شنبه ۱۵ شعبان سنه ۱۳۴۰ چنان که در اول و آخر آنها نوشته . پنجم «احوال حضرت رضا علیه السلام ۱۵۰۰۰ بیت . ششم «احوال اولاد ناصرالدین شاه» . هفتم «احوال سلاطین بنی آشور و بابل» . هشتم کتاب «ارشاد الخلائق» در احوال حضرت رسول و ائمه و آباء و اجداد ایشان تا حضرت آدم علیهم السلام ۱۰۰۰۰ بیت . نهم کتاب «برهان النبوه ناصری» در اثبات نبوت خاصه ۵۰۰ بیت . دهم «تاریخ بنی امیه» چهار جلد که جلد دوم آن بقطع وزیر بزرگ در ۷۱۵ صفحه ۱۷ سطری است ، انجام تألیف آن ذی الحجه سنه ۱۳۲۰ .

یازدهم «تاریخ دولت مظفرالدین شاه» . دوازدهم کتاب «تذکره ناصری» در احوال شمرای عصر ناصرالدین شاه که جلد اول آن بنام «اوصاف ناصری» است . سیزدهم «ترجمه احتجاج ابوالنذیل» . چهاردهم «ترجمه رساله روزنامه انگلیس» . پانزدهم «ترجمه عوامل جرجانی» بفارسی در نحو . شانزدهم «ترجمه کتاب القوائد الضیایه» که «شرح جامی» باشد بر «کافیة ابن حاجب» در نحو . هفدهم «خلاصه سفرنامه میرزا فضل الله خان درماجن» . هیجدهم «خلفای عباسی» . نوزدهم دیباچه هائی بر بعضی از کتب بیستم «دیوان اشعار» پنج هزار بیت .

بیست و یکم «رساله نئی در نتایج احوال روی زمین» . بیست و دویم کتاب «سلوک الملوك مظفری» در گفتار و رفتار پادشاهان و حکما و دانشمندان ۱۵۰۰ بیت . بیست و سیم کتاب «شامل التواریخ مظفری» دو جلد در احوال سلاطین مغول ۲۰۰۰۰ بیت ، انجام تألیف آن ۲۵ ج سنه ۱۳۱۶ . بیست و چهارم کتاب «شهبانان اندرز ناصری» در سه جلد بسبک «کلبه و دمنه» . بیست و پنجم «شرح عوامل جرجانی» که ظاهراً غر از

ترجمه آن است که گذشت . بیست و ششم کتاب «طراز المذهب مظفری» در احوال حضرت زینب کبری علیها السلام ، بیست هزار بیت . بیست و هفتم کتاب «محمود التواریخ مظفری» در احوال سلطان محمود غزنوی ۳۰۰۰ بیت . بیست و هشتم «مختصر احوال اجداد سلاطین قاجاریه» . بیست و نهم و سی ام کتاب «مختصر مظفری که دو کتاب بدین نام تألیف کرده ، یکی «مختصر تاج المآثر» صدرالدین حسن نظامی ۱۳۰۰۰ بیت ، و دیگری «مختصر آئین اکبری» ابوالفضل هندی ۱۲۰۰۰ بیت ، هر دو بنام مظفرالدین شاه .

سی و یکم کتاب «مستجمع الاجوبه» در اجوبه حاضره ۱۰۰۰۰ بیت . سی و دویم «جواب های عرایض زردشتیان» که پارسی سره نوشته . سی و سیم کتاب «مشکوة الادب ناصری» در ترجمه «وفیات» که ذکر کردیم و نوشتیم که آنرا بر چهار ربع قرارداد هر ربعی چند جزء یا جلد . جزء اول از ربع اول چهل هزار بیت . جزء اول از ربع دوم بیست و پنج هزار بیت . جلد دوم از ربع دوم بیست هزار بیت . جزء اول از ربع سیم سی هزار بیت . جزء دوم از ربع سیم بیست هزار بیت . سی و چهارم مطالب ادبیه و نحویه سی هزار بیت . سی و پنجم مقالاتی در بعضی مطالب دولتی . سی و ششم «منتخب بعضی از لغات فارسی» . سی و هفتم «منشآت و تالیفات مخصوصه» ۵۰۰۰ بیت . سی و هشتم کتاب «مهر و سپهر» در مطالب متفرقه مفید بحال عامه ۵۰۰۰ بیت .

مرحوم سپهر چون در تواریخ و احوال ائمه علیهم السلام کتاب می نوشته و آن مستلزم نوشتن احادیث آن بزرگواران بوده نه تنها مردی مورخ بشمار می رفته بلکه می توان وی را در عداد محدثین بشمار آورد ، و گویا خود هم متوجه این دقیقه بوده که از مرحوم حاج ملا فیض الله در بندی از علماء معروف طهران در آن زمان استجازات نموده ، و وی در سنه ۱۳۰۳ اجازهئی برای او نوشته که صورت آن در پشت جلد دوم احوال حضرت امام زین العابدین علیه السلام بدین نحو ذکر شده :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي خلق الانسان و علمه البيان و انزل الفرقان و اوضح سبيل الهدى و الايمان بمحمد سيد الانس و الجن الذي خصه الله عز و جل بالفرقان و جعله لسان محكمات آيات العسان . فاسخ الاحكام

سايرالاديان معبراً بلسان الوحي من تاريخ سوائف الازمان ومواضى الاعوام  
والايام ، صلى الله عليه وآله السفراء المعصومين الذين هم تراجمة وحى الله  
سيما ابن عمه واخيه ووصيه ووزيره على اميرالمؤمنين الذى هو لسان وحى الله  
فى ملكه وملكوته و آية هيبه الله فى عظمته وجبروته .

وبعد ، فانى لما رأيت منبع الفضائل و معدن القواضل قطب دائرة  
الكمال وبدر دائرة الفضل والافضال ذا الحسب المنيع والمجد الرفيع أعنى به  
نائب الوزارة الجليله الخارجة مقرب الخاقان ومؤتمن السلطان الاميرزا عباسقليخان  
الملقب بسيهر - دام اجلاله العالى - ابن المرحوم المبرور الملقب باسان  
الملك الساكن فى اعلى غرفات الجنان و حليف خازن فراديس رضوان ، الذى  
نسخ تاريخ ناسخه تواريخ الكفرة من اهل النيران ؛ قد صنف كتاباً جامعاً  
لجوامع مايتعاق بحالات مولانا و امامنا و سيدنا و مقتدانا الامام الهمام  
زين العابدين وسيد الساجدين على بن الحسين بن على بن ابي طالب عليهم -  
الصلوة والسلام ، وهو الكتاب الذى أسفر عنه وجه الفجر وتوج به مفرق الدهر  
و يباهى به أبناء العصر ويتعلق بكعبة الفضل ، صحيفة تنشر الزهر على صفحات  
الحدائق وتغرس الدررى رياض المهارق ، ولقد تحيرت فى وصفه فتارة اقول  
انه الماء المرىء واخرى أرجحه على العيش الهنىء وآونة اشبهه بالسحر البالى ؛

كتاب كان الله قال لحسنه تشبه بمن قد خطك اليوم فأتمر

فأين بيان الصبح من وجه فضله وهبات أين الفجر من صفة لقمه

ولعمرى لقدأ هدى هذا الكتاب الى معاشر الموالين محاسن الدين  
والدين بما تضمن من احوال سيد الساجدين وسند العابدين ، عليه وعلى آبائه  
وأبنائه المعصومين افضل صلوات المصلين .

فاستخرت الله تعالى أن أجيزله فى الروايات فأجزت له بعد ما  
استجازنى رواية ما روته عن مشايخى الثقات بأسانيدى المتصلة الى النبى  
والائمة الهدات ، عليه وعليهم السلام والصلوة . ههنا ما أرويه عن شيخى

الاجل الانبل الاوحد الاشيم الافضل الحاج المولى على الطهرانى الاصل  
 النجفى المـمكن والمدفن ابن المرحوم الحاج الاميرزا خليل بن ابراهيم بن  
 محمد على الرازى رحمهم الله تعالى . عن الشيخ العالم الورع التقى النقى الشيخ  
 جواد بن الشيخ تقى مولى كتاب . عن شيخه الشريف السيد جواد العالمى  
 صاحب «مفتاح الكرامة» رحمه الله تعالى . عن السيد العلامة السيد محمد مهدى.  
 عن المشايخ الذين منهم المحقق البهباني (ره) الاقا محمد باقر بن محمد  
 اكمل . عن آيه . عن جماعة منهم الاقا ميرزا محمد الشروانى (ره) والشيخ  
 جعفر القاضى (ره) و محمد شفيح الاسترابادى ، بأسانيدهم عن الائمة الطاهرين  
 صلوات الله عليهم اجمعين .

وهنهم المولى محمد باقر الهزارجربى عن اساتيده محمد بن  
 محمد زمان و اميرزا ابراهيم القاضى باصبهان بحق روايتهم عن الامير محمد  
 حسين بن امير محمد صالح و محمد طاهر بن مقصود على و محمد قاسم بن  
 محمد رضا الهزارجربى الطبرسى (ره) جميعاً عن مولانا الاعظم المولى محمد  
 باقر المجلسى (رحمه الله تعالى) بأسانيده المتصلة اليهم (صلوات الله عليهم اجمعين)  
 المذكورة فى أربعينه .

وهنهم الشيخ يوسف البحرانى صاحب «الحدائق» (ره) عن الشيخ  
 حسين الماحوزى البحرانى والشيخ عبدالله بن على البلادى عن شيخهما الشيخ  
 سليمان بن عبدالله الماحوزى والشيخ سليمان بن على الشاخورى عن الشيخ  
 على بن سليمان المتقدم البحرانى عن شيخه الشيخ بهائى عن آيه حسين بن  
 الشيخ عبدالصمد الحارثى عن شيخه الشهيد الثانى (ره) الشيخ زين الدين العالمى  
 الجبى . و روى الشيخ سليمان بن عبدالله الماحوزى المتقدم أيضاً عن الشيخ  
 احمد بن الشيخ محمد بن يوسف عن الشيخ على بن سليمان المتقدم . وروى  
 الشيخ احمد المذكور عن السيد محمد مؤمن الحسينى الاسترابادى صاحب  
 كتاب « الرجعة » عن السيد نورالدين عن أخويه أحد هما لايه و هو صاحب

«المدارك» والاخرلامه وهو صاحب «المعالم» (ره) عن جماعة منهم والد صاحب «المدارك» السيد علي ومنهم الشيخ حسين بن عبدالصمد . وللشيخ سليمان الماحوزي المذكور طرق يوجب ذكرها التطويل المنافي لغرض المستجيز (دام اقباله العالی) . وللسيد محمد مهدي الطباطبائي (ره) صاحب «المنظومة الغروية» طرق اخر أيضاً . وأيضاً أجزت لجناب المستجيز أن يروي عنى ما رويته عن السيد (رحمه الله) بفروعه وشعبه ، ملتئماً منه أن لا ينساني من الدعوات فى الخلوات ومظان الاستجابات ، انه تعالى غافر الخطيئات وولى الحسنات وانه عز وجل قريب مجيب . كتبه يده للدائرة لجانبة الفانية خادماً لاجبار أحقر عباد الله المستفيض من فيض الله فيض الله **الدر بندي الشرواني** فى دار الخلافة طهران يوم السبت من شهر رجب من شهر سنة ۱۳۰۳ .

\*

بالاخره مرحوم سپهر در نوزدهم ماه جمادى الاخرى سنة ۱۳۴۲ هـ زار و سيصد و چهل و دو در طهران وفات کرده ، چنان که در مقدمه قائم مقامى ( ص ۲۲ ) نوشته ، و آن مطابق شنبه ۶ دلو ماه برجى بوده .

وچنان که خود در کتاب «احوال حضرت كاظم (ع) : ۲۴ و ۲۵» فرموده زوجه وى دختر محمد حسين خان معظم المالك فرزند احمد خان بن محمد حسين خان بن قاسم خان قاجار (که در ۱۲۲۰ ج ۳ ص ۶۷۶ در عنوان سليمان خان عزت گذشت) بوده ، انتهى .

و در صفحه مرقومه مقدمه قائم مقامى فرمايد که دو پسر از او بازماند :

اول ميرزا محمد تقى خان مستوفى ملقب بكمال السلطنه (که در ۱۳۲۹ يابيد) . دويم عبدالمجيد سپهر که پس از وفات پدر بدنيا آمده و مدير «روزنامه واهمه» و در صفحه مرقومه فرمايد در قيد حيات است .

\*

وچون ما تاريخ تولد و وفات حاج ملا فيض الله مرقوم را نميدانيم بايد در اينجا بگوئيم که در «المآثر والاثار: ۱۶۲ س ۲» عنوانى مخصوص براى او آورده و در آن فرمايد :

« عالمی فاضل و محدثی کامل است ، اصلاً از باب الابواب داغستان و فعلاً در دارالخلافة طهران می باشد ، در تفسیر و حدیث و فقه و اصول و ادبیات مهارتی وافر دارد ، و در نهی از منکرات و حفظ حدود شرعی و ارقام انوف ظلام بی اختیار است ، أحياناً بوعظ مسلمین و تشکیل مجالس ارشاد و هدایت عامه می پردازد و مردم را باستماع تحقیقات و مطالب وی و امی عظیم و مبلی مفرط است ، چرا که باحق شریعت مقدسه موافق سخن می راند و از تأویل و تطبیق مابین ظاهر و باطن که سیره سایرین است اجتنابی سخت می ورزد ، اینک بدارالخلافة نزد خواص و عوام قرین قبول نام و در نهایت اعزاز و احترام است » انتهى .  
 و دیدی که وی از مرحوم حاج ملاعلی میرزا خلیلی روایت می کند ، و خود اجازت روایت بمرحوم صاحب عنوان داده .

### ❁ (۱۱۴۸- تولد سید عبدالحسین آل کمونه نجفی ، ره) ❁

آل کمونه يك سلسله از سادات حسینی میباشند که نژادشان منتهی می شود بآبومنصور جعفر (۱۸) بن ابومنصور (۱۷) بن طراد (۱۶) بن شکر (۱۵) الاسود بن ابوجعفر النقیس هبة الله (۱۴) بن ابوالفتح محمد ۱۳ نقیب کوفه ابن ابوطاهر عبدالله (۱۲) بن ابوالفتح محمد (۱۱) معروف بابن صخره بن محمد (۱۰) الاشرعرجی که در (۱۲۱۰ ش ۳) گذشت .  
 و آنها را بنسبت عبدالله (۱۲) بنی عبدالله نیز گویند .

وسید عبدالحسین صاحب این عنوان فرزند سید علی بن سید محمد بن سید ثابت نجفی از این خانواده و از ادباء عصر خود بود . و او در این سال در بروجرد متولد شده و هم آنجا نشو و نما و توطن نموده چندان که بیروجردی معروف شده و تألیفاتی دارد : اول «ارجوزه فی در رجال» . دوم «کتابی در اصول فقه» در دو جلد ۱- در مباحث الفاظ ۲- در برائت و اشتغال .

و پس از مدت شصت و هشت سال قمری عمر در سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش

در نجف وفات کرد (۱).

### ❦ (۱۱۴۹) تولد مجیدی ، ملك الکلام کردستانی ❦

وی مجدالدین عبدالمجید بن کریم و خود عالمی عظیم بوده که در این سال در سن متولد شده و در صغر سن بواسطه استعداد فطری در نظم و نثر قدرتی وافر بهم رسانیده و مسافرت بکردستان و کرمانشاهان و طهران و تبریز و اصفهان نموده و بصحبت بزرگان رسیده ، تا آخر در سنج متوطن شده و تألیفاتی فراهم فرموده : اول «دیوان اشعار». دویم «منظومه مجدیه». و آخر در حدود (۵-۱۳۴۴) وفات کرده، چنان که در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۶۵ و ۶» تألیف خانابا مشار فرموده.

### ❦ (۱۱۵۰) تولد شیخ علی فومنی رشتی ❦

وی فرزند ملاحسین بن ملامحمد علی فومنی است .

ملامحمد علی قاضی نواحی فومنات رشت بوده . فرزندش ملاحسین از علما و زهاد

بوده و در سنه ۱۲۸۷ وفات نموده و در کربلا دفن شده .

فرزندش شیخ علی صاحب عنوان از علماء این عصر بود ، او در این سال در رشت متولد شده و در خدمت چندین نفر از اعظام علما درس خوانده تا در علوم معقول و منقول

(۱) شرح حال نسبه مفصلی از صاحب عنوان در «نقباء البشیر: ۱۰۵۳- ۱۰۵۶» موجود

و آنجا تولدش را در بروجرود در روز دوشنبه ۱۶ ذی الحجه ۱۲۶۸ و وفاتش را در نجف

مشرف دزماه رجب ۱۳۳۶ و مدفنش را در صحن شریف مرتضوی نوشته است .م.

تبریزی تمام بهم رسانید ، و چهار جلد کتاب در «اصول» و هشت جلد در «فقه» تألیف کرد ، و در شب آدینه بیست و سیم ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۲۷ هـ از سویصد و بیست و هفت - مطابق ۲۲ ثور ماه برجی - در رشت از ضرب گلوله چندین نفر که در شب ۲۲ بخانه او ریختند و بر او گلوله زدند درگذشت و جسدش را در رشت امانت نهاده و پس از آن بکربلا بردند و آنجا در حجرهئی از زاویه جنوبی و شرقی صحن حسینی (ع) دفن کردند ، چنانکه در «شهداء الفضیله: ۳۶۸» نوشته .

### ۱۱۵۱- تولد مرحوم شیخ علی آل کاشف الغطا ، رحمه الله علیه

وی فرزند مرحوم شیخ محمد رضاء آل کاشف الغطاء نجفی است که در (۱۲۹۷) ییاید. مرحوم شیخ علی (اعلی الله مقامه) از اجله علماء متبعین نجف اشرف است ، و در این سال - چنان که در «الاسناد المصنفی: ۳۶» نوشته - متولد شده (۱) .

و پس از تحصیل علوم سفرها بایران و غیره نموده ، و در اثر آن تبعی تمام و اعلامی کافی در احوال علما بهم رسانیده ، و چندین هزار جلد کتاب که بسیاری از آنها از نفاثتس و منفردات کتب است جمع کرده و زیاده بر صد جلد از آنها را بخط خود نوشته و کتاب خانهئی بغایت مهم فراهم نموده ، و چندین کتاب هم خود تألیف کرده از آن جمله کتاب «نهج الصواب» در کتابخانه ها و کتابت و کتاب. و از چندین نفر روایت کرده و هم چندین نفر از او روایت می کنند . و آخر در بامداد روز سه شنبه غره ماه محرم الحرام سنه ۱۳۵۰ هـ از سویصد و پنجاه - مطابق ۲۸ اردی بهشتماه باستانی - وفات کرده ، و در مقبره آل کاشف الغطا در نجف دفن شد. و او را فرزندان چندی بود: اول شیخ احمد که در (۱۳۴۴) ییاید. دویم شیخ محمد حسین (۱۲۹۵).

(۱) چون که در «نقیاب: ۱۴۳۷ ش ۱۹۴۹» مخصوصاً نوشته که «خودش تولد خود را بمن در حدود ۱۳۶۸ فرمود» لذا باید شرح احوالش در سال وفاتش (۱۳۵۰) نوشته شود، و اعتباری بهر جا که تولدش را در ۱۲۶۸ بدون تقیید بحدود نوشته اند نباید نمود. و یا ۱۵۵۱ اشت مؤلف.

### ❖ (۱۱۵۲- تولد مولوی فقیر محمد لاهوری) ❖

وی فرزند حافظ محمد جهلمی و خود از اهل علم و ادب بود ، و بطوری که در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۸۷۳» نوشته در اینسال درچتن از توابع شهر جهلم متولد شده ، و کتابی بنام «حدائق الحنفیه» در تذکره علمای حنفی تألیف نموده .

### ❖ (۱۱۵۳- تولد مرحوم میرزا لطفعلی صدرالافاضل، ره) ❖

مرحوم میرزا لطفعلی فرزند محمد کاظم امین السفراء شیروانی تبریزی ، و خود از بزرگان ادبا و اهل علم و عرفان و حکمت بوده و شعر هم می گفته و تخلص دانش می نموده . شرح احوالش در چند موضع بنظر رسیده ، مانند «طرائق الحقائق ج ۳» و «مجله یادگار: ص ۱ ش ۸ ص ۷۹ و ص ۵ ش ۴ و ص ۵ ش ۸۴» و «الذریعه ۹: ۳۱۶ ش ۱۸۷۷» ، و از آنها همه چنین برآید که وی در این سال متولد شده (۱) ، و در اوائل امر خویش بطهران آمده، و علوم عقلیه

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۱۷: ۲۲۵ ش ۲۳۷» . یادداشت مؤلف . ترجمه عبارت «ذریعه» دوهو وضع مذکور چنین است : «قیدالتواظر و نزهه الخواطر» تألیف لطفعلی بن محمد کاظم بن لطفعلی بن کاظم خان تبریزی شیرازی ، مدعو به فانی سپس دانش و ملقب بصدرالافاضل متولد در شیراز روز چهارشنبه ۱۹ ماه رمضان ۱۲۶۸ و متوفای پس از اقامت بطهران در روز پنجشنبه ۶ ماه شعبان ۱۳۵۰ . این کتاب در فهرست تألیفاتش در مقدمه چاپی کتاب دیگرش «الکلم والحکم» بقلم آقای فخرالدین نصیری امینی ذکر شده ، و نواده مذکورش (آقای نصیری امینی) در فهرست کتابخانه خود گوید که آن کتاب مجموعه ثنی است از منتخبات و در کتابخانه وی موجود و در ۱۳۰۲ تألیف شده است ، انتهى . م.

را در خدمت آقا علی مدرس و میرزای جلوه تحصیل کرده، و چندین کتاب تألیف نموده:

اول «دیوان اشعار» که از آن جمله مرثیه ثی برای استادش مرحوم جلوه و مرثیه برای حاج شیخ فضل الله شهید (رضی الله عنهما) میباشد. دویم کتاب «اندرزنامه». سیم «قصیده انصافیه» و شرح آن. چهارم کتاب «ایضاح الادب». پنجم کتاب «ترجمان الجال» در احوال خودش مختصراً در چهار صفحه که شیخ مهدی الهی قمشه ثی بر آن حواشی نوشته. ششم کتاب «جواهر البلاغه» در منشآت خودش. هفتم کتاب «مفتاح الخط کوفی». هشتم «مقدمه اصلاح المنطق» که ظاهراً از ابن السکیت (یا ابن قتیبه) باشد، چون ما خود آنرا ندیده ایم و این هردو نفر کتابی بدین عنوان دارند. نهم کتاب «الملخص» در تذکره شعرا. دهم کتاب «نمکدان». یازدهم کتاب «هزارستان» در محاضرات، و در «الذریعه» در مخاطرات نوشته که ظاهراً اشتباه باشد.

و او در شعر تخلص دانش مینموده، و ما فهرست اسماء کسانی را که دانش تخلص می نموده اند در جلد دویم (سال ۱۲۱۰ ع ۱۵۵ ص ۳۹۰) ذکر کردیم که بالغ برده نفر می شدند، و این دانش صاحب عنوان را آنجا نوشتم که با وی ۱۱ نفر خواهند شد. و خود هم شاگردانی دارد از آن جمله حاجی محتشم السلطنه اسفندیاری که در (۱۲۸۳) بیاید. و پس از مدت هشتاد و دو سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۰ هز از ویصد و پنجاه وفات کرده، چنان که در «مجله یادگار: س ۱ ص ۸ ص ۷۹» نوشته.

و از او فرزندی مانده بنام میرزا مجدالدین نصیری امینی. و در «س ۵ ص ۴» فرماید که وی نزد میرزای جلوه نیز درس خوانده و در عهد مظفرالدین شاه بتعلیم چند نفر از شاهزادگان منصوب بود و سپس در زمان محمد علی شاه معلم احمد شاه گردید، و وفاتش را در شعبان ۱۳۵۴ نوشته (۱).

(۱) این سهواً القلم مرحوم معلم است، زیرا عین عبارت مجله چنین است: «وی در روز چهارشنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ششم شعبان هزار و سیصد و پنجاه هجری قمری در طهران وفات یافت» الخ. و ناگفته نماند که در این او اواخر بهمت والای و دو نفر فرزندان فاضل و ارجمند مرحوم میرزا مجدالدین نصیری امینی جنابان دکتر صدرالدین نصیری و حاج میرزا فخرالدین نصیری امینی «دامت افاضاتهما» چند جلد از آثار مهم نیای گرامیشان صاحب ترجمه بطبع رسیده و از جمله آنها کتاب «خلافت و ولایت در اسلام» است که در مقدمه آن شرح حال و آثار مؤلف بتفصیل ذکر شده و در (ص ۵) وفاتش را در (روز پنجشنبه ششم شعبان) و مدفنش را در جنب مزار شیخ صدوق (ره) در این بابویه شهرری نوشته. لکن مطابق تقاویم آن سال ششم ماه شعبان چهارشنبه بوده است. شاید وفات در چهارشنبه و دفن روز پنجشنبه واقع شده است.

### ❦ (۱۱۵۳- وفات محمد افندی بیومی مصری) ❦

وی از علماء ریاضین عصر خویش بوده وهمانا درسنه ۱۲۴۱ برای اولین بار که از مصر رسولی باروپا فرستاده شد وی بعنوان رسالت باروپا رفت و نه سال آنجا ماند وبمدرسه مهندسی فرانسه درآمد وازهرجهت فنون هندسی را تحصیل کرد ، ودرسنه ۱۲۵۰ بمصر برگشت ودر مدرسه هندسی بولاق بتعلیم این علم پرداخت و بعداز آن مترجم دیوان مدرسه وسپس ناظر آن گردید وبکمک رفاعة بك بترجمی کتب تاریخ و جغرافیا مشغول شد . وهمانا اومردی بزرگوار ومهیب ودارای رأی صائب وفکری ثاقب بوده ، وچندین کتاب تألیف نموده :

اول کتاب «ثمره الاکتساب» درعلم حساب . دویم کتاب «جامع الثمرات» در حساب مثلثات ، واین دومعرب ازکتب دیگران است . سیم کتاب «جبرومقابلة مکمله» . چهارم کتاب «میکانیقه» یعنی جرأثقال که آنرا بکمک احمد طویل تألیف کرده . پنجم کتاب «الهندسة الوصفیه» که معرب است .

واو دراینسال - چنانکه در«معجم المطبوعات: ۶۲۲» نوشته - وفات کرد .

### ❦ (۱۱۵۵- تولد محمد رضاخان قوام‌الملک شیرازی) ❦

وی فرزند مرحوم میرزا علی محمد خان قوام‌الملک بن حاجی میرزا علی اکبر قوام‌الملک است که در (۱۲۰۳ ش ۸۶) گذشت . مرحوم میرزا علی محمد خان از اعیان عصرخود درفارس بوده ، تولدش سنه ۱۲۴۵ وفاتش صفرسنه ۱۳۰۱ قبرش درتکیه قوامیه درپهلوی حصارمغربی تکیه حافظیه شیراز.

فرزندش محمد رضا خان از رؤسا و بزرگان مملکت فارس بود ، و در این سال در شیراز متولد شده و قسطنطینی و افر از علوم و فضائل فراهم نمود، و در روز شنبه چهارم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۲۶ هزار و سیصد و بیست و شش - مطابق ۱۷ حوت ماه برجی - در شیراز کشته شد. و دو نفر فرزند باز نهاد : یکی میرزا حبیب الله خان که در (۱۲۸۶) بیاید . و دیگر میرزا محمد علی خان که در هزار و دو بیست و نود و اندی در شیراز متولد شده و از معاریف فارس در زمان خود گردید .

### ﴿(۱۱۵۶) - تولد مرحوم میرزا محمد علی نججویی ، (ره)﴾

وی فرزند مرحوم حاجی خداداد ، و خود از اَجَلَة علماء و فقهاء اُمجاد بود .  
او در این سال در نججویان متولد شده و در نزد چندین نفر از بزرگان علماء درس خواند و عمری را با اعراض از دنیا و اقبال بآخرت بسر آورد ، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «دعای الحسینیه» .  
و آخر در ساعت چهارم شب آدینه هفتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار - مطابق ۲۱ دلو ماه برجی - در کربلا وفات کرد و در نجف در حجره ئی پهلوی مسجد عمران در صحن مطهر دفن شد (۱) .

(۱) این ترجمه اختصاری است از «احسن الودیعہ ۱: ۲۲۰-۲۲۳» . و مخفی نماند که این کتاب یکی از مأخذ اولیه مرحوم مؤلف است و چنانکه خود میگفت در آن اوائل مقید بذکر مصادرنه بوده اگرچه بعداً در مراجعه مجدد برخی از تراجم را مسند کرده است .  
شرح حال مفید دیگری از نججویان صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۴۲۹» ذکر شده و تاریخ ولادت او و مأخذ آن ترجمه را ضبط نفرموده ، لکن از «ذریعه ۸: ۱۹۸» معلوم میشود که از «احسن الودیعہ» استفاده کرده . و «دعای الحسینیه» که در نقباء و ذریعه «الدعای الحسینیه» قید شده کتاب مفید مرغوب و محققانه ئی است بصورت سؤال و جواب درسه -

## ﴿وفات حاجی ملامحمد مهدی نراقی ثانی، اعلیٰ اللہ مقامہ﴾

شرح احوال او در (۱۲۰۹ ش ۱۴۸) گذشت .

## ﴿۱۱۵۷- وفات محمد مؤمن خان ، شاعر دهلوی﴾

وی از شعراء اردو زبان در مملکت هند بوده ، و در این سال - چنانکه در رساله احوال سید عبدالحی حسنی (۱۲۸۶) در (ص ع) « نوشته وفات نموده .

## ﴿۱۱۵۸- تولد مرحوم سید مرتضی کشمیری ، ره﴾

وی چنانکه در «دیوان سید موسی طالقانی : ۷۸ پاورقی» فرموده ، فرزند مرحوم سید مهدی بن محمد بن کرم الله بن حبیب الله بن مهدی بن سید رضاء رضوی (رضی الله عنه) ، و خود از اجله علماء و فقها و صاحب مقامات نفسیه و معارف الهیه بوده ، شرح احوالش در

- بخش ۱- در مسائل مربوط بعزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام (تا ص ۹۴) . ۲- در مسائل متفرقه مهمه (تا ص ۱۳۳) . ۳- در مسائل نقل جنائز (تا آخر) . و این کتاب شریف که عموم مطالب آن موافق آراء و عقائد امامیه است در ۱۹۲۲ صفحه باندازه رقعی و خط مرغوب در مطبعه سنگی مظفری بمبئی بسال ۱۳۳۰ ق چاپ شده و عبارت صفحه اول چنین است: «... دعوات الحسینیه من مصنفات حضرت مستطاب اعلم العلماء والمجتهدین وأفقہ الفقہاء المتبحرین ، مروج احکام اشرف المرسلین ومحیی آثار المذهب والدین حجة الاسلام والمرسلین الشیخ محمد علی الغروی النخجوانی ، مدظله العالی» الخ.م.

«احسن الودیعه ۱: ۱۵۲» و «الاسناد المصفی: ۲۲» نوشته، واز آن ها و هم از «کتابچه آفای الفت» بخط خودش (ص ۱۷) چنین برآید که او (در این سال ۱۰ م) در کشمیر متولد شده و در نجف سکونت داشته و در نزد دائی خود سید ابوالحسن کشمیری (۱۲۶۰ ج ۵ ص ۱۶۳۱ ش ۹۷۱) درس خوانده، و از چندین نفر از تلامذه صاحب «جواهر» و غیر آنها از آن جمله آقا میرزا محمد هاشم چهارسوئی (ره) روایت نموده، و کتابی بنام «اعلام الاعلام» در رجال تألیف فرموده که اوسط از «جیزه علامه مجلسی» است. و جناب آفای شیخ آقا بزرگ طهرانی (ادام الله تعالی ایامه) از او روایت می کند، و همچنین حاج آقا حسین قمی (ره) چنان که در «اجازه میرزا محمد علی اردوبادی برای شیخ حسین آل محفوظ» نوشته.

و در اواخر عمر بمرض سل و بواسیر مبتلا شد و پنج سال این درد طول کشید تا برای معالجه بیغداد رفت، و آخر در آنجا - یا کاظمین - در اول مغرب شب دوشنبه چهاردهم ماه شوال المکرم سال ۱۳۲۳ یک هزار و سیصد و بیست و سه - مطابق ۱۹ قوس ماه برجی ۱۲۸۴ - بسن پنجاه و اندی وفات کرد و نعش او را از آنجا بحائط ظاهر آورده و در آن زمین مقدس در حجره هندی ها نزدیک درب زینیه پهلوی دائی مذکورش دفن کردند، و مرحوم حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل در نجف برایش فاتحه گرفت.

و فرزندش سید محمد در (۱۳۰۸) بیاید. و فرزند دیگر او دختری بوده زوجه سید عبدالرسول و مادر سید محمد حسن طالقانی که در مستدرکات سال (۱۳۵۰) بیاید. و در «نقباء البشر: ۹۶۴ در پاورقی» وفاتش را در روزیک شنبه ۱۳ نوشته.

سنه ۱۲۶۹ قمری مطابق سنه ۱۲۳۱ شمسی  
غرة محرم الحرام (... ) میزان ماه برجی

﴿(۱۱۵۹) - تولد مرحوم شیخ اسمعیل محلاتی ، (ره)﴾

وی فرزند مرحوم ملامحمد علی محلاتی است که در (۱۲۳۲ ج ۳ ص ۹۵۷ ش ۴۴۴) گذشت. مرحوم شیخ اسمعیل از اعیان علما و فقیها بوده، او در عصر چهارشنبه بیست و هشتم ماه جمادی الاولی این سال ، چنان که خود در «انوار المعرفه» گفته - مطابق (... ) حوت ماه برجی - در محلات متولد شده و در خدمت چندین نفر از علما درس خوانده و در نجف ساکن شد، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «انوار العلم و المعرفه» که آن را «انوار المعرفه» نیز گویند در اصول دین در دو جلد : ۱- در توحید، انجام تألیف آن عصر ۳شنبه ۵ محرم سنه ۱۳۴۱ . ۲- در اصول اربعه دیگر.

و پس از مدت هفتاد و سه سال و نه ماه و نیم عمر، در یک شنبه سیزدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه - مطابق ۲۰ میزان ماه برجی - وفات کرد . و فرزندش آقا محمد در (۱۲۹۵) بیاید . و دیگر شیخ حسن روحانی که از علماء قم است و در «آینه دانشوران : ۱۶۷» ذکر شده ، و شیخ عبدالحسین روحانی که در «الذریعه ۱۸ : ۲۷۶ ش ۹۱» ذکر شده .

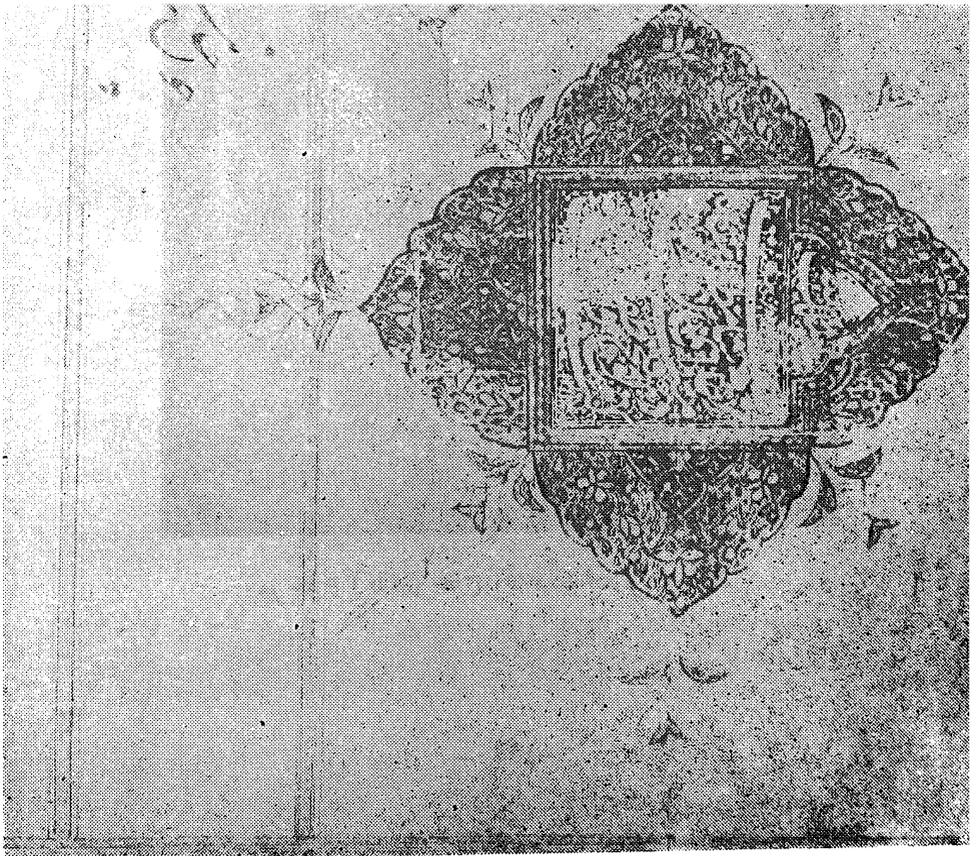
سنه ۱۲۳۲ شمسی

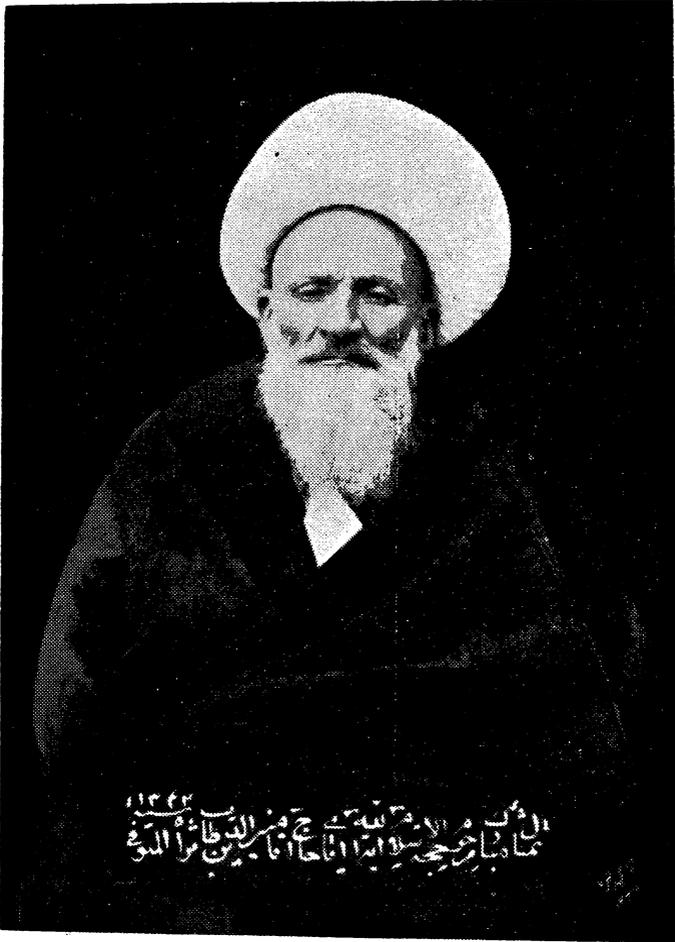
اول حمل ماه برجی

دوشنبه دهم جمادی الاخری

### ☞ (۱۱۶۰- تولد مرحوم مظفرالدین شاه قاجار ، ره) ☜

وی فرزند ناصرالدین شاه قاجار است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۲۹۴ ش ۶۹۳) گذشت .  
 مرحوم مظفرالدین شاه پادشاهی سالم وملایم بود و در صفحه تاریخ ایران برای این  
 مملکت کاری نمود الا این که چون مشروطه را بمردم ایران عطا کرد محبوبیتی در قلوب آنها  
 بهم رسانید ، وبهر حال او در روز آدینه چهاردهم ماه جمادی الاخرای این سال - مطابق ۵  
 حمل ماه برجی - از یطن شکوه السلطنه دختر فتح الله میرزا شعاع السلطنه ابن فتحعلیشاه (که در  
 سال چهارم سلطنت ناصرالدین شاه بمزاجت او در آمده و در ۴ شنبه ۱۴ شوال سنه ۱۳۰۹  
 وفات کرده و در یکی از حجره های رواق نجف دفن شده) متولد گردید ، و در ذی القعدة سنه  
 ۱۲۷۸ و لیعهد پدرش شد و در ۲ شنبه ۲۶ ذی الحججه سنه ۱۳۱۳ پس از قتل پدر رسماً جلوس  
 بسلطنت نمود ، و پس از مدت پنجاه و پنج سال و پنج ماه قمری و ده روز عمر ۱۰ و سال ۱۰ و  
 ماه و ۲۸ روز سلطنت ، در بامداد روز چهارشنبه بیست و چهارم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۲۴  
 هزار و سیصد و بیست و چهار - مطابق ۱۸ جدی ماه برجی - وفات کرد و در کربلا در حجره  
 میان مسجد پشت سرو رواق مطهر دفن شد ، و فرزندان چندی ذکوراً و انثاءً از زوجات عدیده  
 از او باز ماند . از آن جمله چند نفر پسر از او در این کتاب نوشته می شود : اول محمدعلیشاه  
 در (۱۲۸۹) ، دویم شعاع السلطنه در (۱۲۹۷) ، سیم ابوالفتح میرزا سالارالدوله که در (۱۲۹۸) ییاید .





مرحوم آية الله حاج آقا منیر الدین اصفهانی

مظفرالدین شاه شعرهمی گفته و «دیوان» کوچکی از اشعار بنام وی بطبع رسیده در سنه ۱۳۱۷ در تهران که تخلص درمقاطیع آن مظفر دین نموده .

### ﴿ ۱۱۶۱ - تولد مرحوم حاج آقامنیرالدین اصفهانی ، نورالله قبره ﴾

وی فرزند آقا جمال الدین بن ملاعلی بن محمد شریف بروجردی است .  
مرحوم ملاعلی بروجردی از اجله علماء زمان خود و داماد مرحوم میرزای قمی بوده  
در سنه ۱۲۶۲ وفات کرده و در بروجرد دفن شد و چندین فرزند برگذار کرده : یکی شیخ  
مهدی که در (۱۳۳۶) ییاید، و دیگر آقا جمال الدین که فرزندش مرحوم حاج آقامنیرالدین (ره)  
از اعظم علماء اصفهان بود .

مرحوم حاج آقا منیرالدین در سنه بیست و یکم ماه رجب الفترد این سال - مطابق (...)  
ثور ماه برجی - متولد شده ، و در بروجرد و اصفهان درس خوانده تا از علما و فقها گردید  
و در اصفهان سکونت گزید و بامامت و قضاوت (۱) و طی مراجعات اشتغال ورزید ، و در تتبع  
تواریخ و احوال علما و رجال و ذکر حکایات نادره و صحت استخاره تبرز و تبرعی (۲) تمام  
بهم رسانید ، و خود می فرمود که «منظومه الفیه» عربی در احوال علما بنظم آورده ام ، و در ماه  
رجب سنه ۱۳۳۸ - که این فقیر نیز در همان ماه بدان مکان شریف بودم - در مشهد مقدس  
بود و خود می گفت که چندین نفر را در این سفر اجازه داده ام ، انتهی .

و یکی از آنها - چنان که در «نقا: ۱۵۶۳» فرموده - شیخ علی معصومی کتابدی است.  
و آخر پس از مدت هفتاد و دو سال و هفت ماه قمری و بیست و شش روز عمر ، در ظهر روز دو شنبه هفدهم  
(۱) قضاوت که در اصطلاح فارسی کنونی بمعنای داورى گفته و نوشته می شود با این  
شکل در عربی نیامده و صواب آن قضاء است .م.  
(۲) مقصود از «تبرز و تبرع» تفوق و برتری است و ظاهراً این دو کلمه در زبان عرب  
معانی دیگری غیر از مقصود مؤلف دارد .م.

ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو - مطابق ۴ قوس ماه برجی - در اصفهان وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه ملک بخاک رفت که هم اکنون قبروی آنجا معلوم است .  
 و او را فرزندان چندی ذکوراً و انثاً باز ماند ، از آن جمله یکی از پسرانش مرحوم میرزا اسمعیل بود که از جمله علما بشمار می آمد و بسن جوانی در ۴ شنبه ۳ شعبان سنه ۱۳۵۲ وفات کرده و در نزد پدر دفن شد . و دیگر دختری که زوجه مرحوم حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی که در (۱۳۶۳) بیاید بود . و مادر این دو نفر دختر مرحوم حاجی میرزا جعفر نوری که در (۱۳۰۰) بیاید بوده . و دیگر دختری که زوجه میرزا محمد باقر نقیبه ایمانی بود که در (۱۳۷۰) بیاید (۱) .

### تولد نيسان شاعر شهشاهي (۱۱۶۲- تولد نيسان شاعر شهشاهي)

وی مرحوم حاجی میرزا عبدالحسین بن میرزا ابوالقاسم بن محمد الملقب به میران از اعیان سید علاءالدین حسینی معروف بشاه شاهان اصفهانی است .  
 سید علاءالدین شاه شاهان در سنه ۸۵۰ مقتول و در اصفهان مدفون و اینک محله ثی را که قبر او در آن است بنام وی شاه شاهان یا بطور تخفیف شهشاهان می گویند .  
 و حاج میرزا عبدالحسین از مردم این محله و از علما و شعرا و اهل کمال و عرفان بوده ، و در ماه رجب الفرد این سال - مطابق (حمل - ثور) ماه برجی - در همین محله متولد شده و کسب علم و فضایل نموده تا عالمی فاضل گردید ، و چندین سال در ایران و هند مسافرت و سیاحت نموده ، و آخر در همدان ساکن شد ، و کتابی بنام «سرتمدن» تألیف کرد ، و شعر هم می گفت و تخلص نيسان داشت . و آخر در همدان در سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج -

(۱) مختصر شرح حالی از صاحب عنوان در «دانشمندان و بزرگان اصفهان : ۵۰۵»

مذکور است ، جز اینکه چهار سطر آخر آن صفحه شایسته ذکر نبوده و نیست .۴۰

چنانکه آقای الفت میفرمود - وفات کرده وهم آنجا در قبرستان اهل قبور دفن شد (۱) .

﴿۱۱۶۳﴾- تولد مرحوم میرزا محمد ابراهیم ۳۴ چهارسوئی ، (ره)﴿﴾

وی فرزند مرحوم میرزا محمد صادقی ۳۳ چهارسوئی ( ۱۲۲۸ ج ۳ ص ۸۵۰ ش ۳۸۷ ) ، ونخود از علماء اصفهان بود که در پانزدهم ماه رمضان المبارک این سال ، چنان که در « شجره نامه چهارسوئی ها » نوشته - مطابق (... ) سرطان ماه برجی - متولد شده ، و چنان که در « احسن الودیعه ۲ : ۸۰ » احوال او را عنوان کرده و از آن برآید ؛ در نزد عمش میرزا محمد هاشم در اصفهان وهم نزد چندین نفر از علما در عتبات درس خوانده و از چند تن روایت نموده ، و در اصفهان ریاستی شایسته بهم رسانید (۲) .

و پس از مدت شصت و یک سال و هفت ماه قمری و هشت روز عمر ، در شب سه شنبه بیست و سیم ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۳۱ هـ از رو سیصد و سی و یک - مطابق ۱۲ حمل ماه برجی - در اصفهان وفات کرد و در تخت پولاد در بقعه عمش آقا میرزا محمد باقر دفن شد. و تاریخ وفاتش بدین طور مطابق آن است که این فقیر خود بخاطر دارم و در همان ایام ضبط نمودم ، لکن در « شجره نامه »

(۱) چند سطری در احوال صاحب عنوان در « نقباء البشر : ۱۰۲۸ » و چند سطری در « دانشمندان و بزرگان اصفهان : ۴۰۷ » نوشته شده ، لکن در « فرهنگ سخنوران » مطلقاً شاعری با تخلص نیسان بنظر نرسید م.

(۲) آن مرحوم سالها در مسجدی واقع در نزدیکی محله خلجها وهم در خانه خود در محله چهارسوی شیرازیها اقامه جماعت مینموده و پس از نماز بر فراز منبر عوام و خواص را مستفیض میفرموده . شنیده شد که مرحوم آیه الله آقا نجفی مسجد شاهی مکرر در ایام ماه مبارک رمضان بخانه آن مرحوم آمده و پای منبرش می نشست است م.

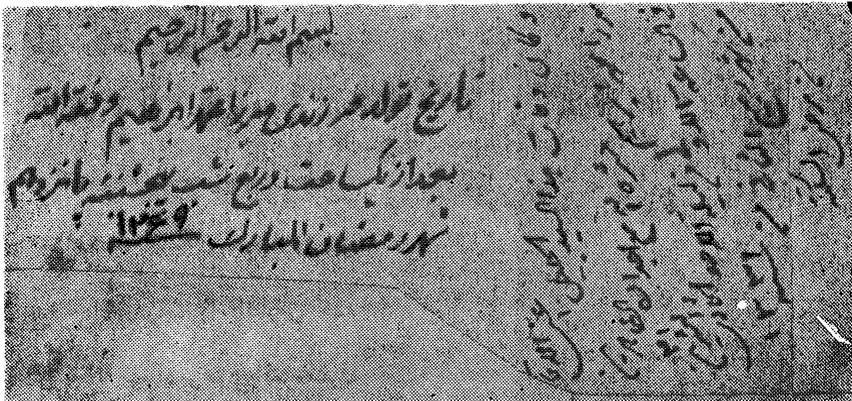


مرقومه در نوزدهم ربیع الآخر مذکور نوشته (۱).

او مخدرة آمنه بیگم ۳۴ دختر عمش آقا میرزا محمد هاشم را بزوجیت داشته و از او فرزندان چندی بهم رسانیده بشرح ذیل طبق «شجره نامه» :

اول آقا میرزا ابوالقاسم ۳۵ که در سنه ۱۳۱۱ متولد شده و اینک از علماء اصفهان

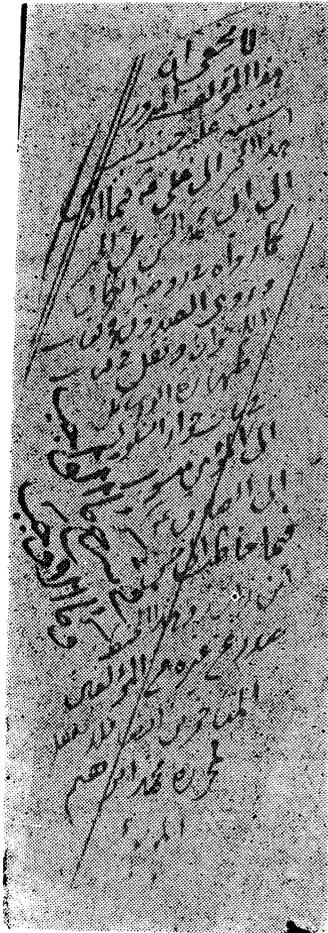
(۱) تاریخ مذکور را اینجانب بنقل از روی سنگ قبر صاحب ترجمه در «شجره نامه» نوشتم ، بعداً صفحه ئی مشتمل بر تواریخی چند بخط پدر آن مرحوم و غیره یافتیم که اینک تصویر تاریخ تولد بخط پدر و تاریخ وفات بخط پسر عمش مرحوم آقا میرزا



مجتبی روضاتی ابن صاحب الروضات در اینجا نقل شده و چنانکه دیده میشود اینجا تاریخ وفات در نخستین ساعت شب یکشنبه ۲۱ ربیع دوم ۱۳۳۱ قید گردیده که نظر بوثاقت نویسنده و قرائن دیگر همین تاریخ باید صحیح باشد ، و شاید آنچه مرحوم معلم نوشته اند راجع بر وزدن باشد ، والله العالم . صاحب عنوان چند ماهی قبل از فوت در اثر عارضه سکنه فالج گردیده و بستری بوده است . رحمة الله تعالی علیه . و ناگفته نماند که سنگ قبر آن مرحوم در حدود سی سال قبل توسط بازماندگانش تهیه و نصب شده و ایاتی که در رثاء و تاریخوی بر روی آن دیده میشود از مرحوم حاج میرزا حسن خان حابری انصاری است که در همان ایام نصب سنگ سروده و بیت ماده چنین است :

سر برون آورد جبریل و بگفتا کامده چون خلیل الله ابراهیم مهمان جلیل م.

در مسجد مریم بیگم امامت دارد (۱). ۹۵ ویم آقا میرزا محمود ۳۵ که در جمعه ۲۴۳ سنه ۱۳۲۲ متولد شده ، و هریک اولاد چندی دارند .



تحقیقی است از صاحب ترجمه  
برهامش ص ۱۰۸ نسخه چاپی کتاب  
«الاثنا عشریه فی المواعظ العدیدیه .  
طبع اول سنگی طهران» . از تعلیقات  
فراوانی که آن مرحوم بر این نسخه و  
بر کتب دیگر بالاخص اخبار و احادیث  
نوشته کمال احاطه و استحضار و تحقیق  
و تتبع او ظاهر میشود . افسوس که  
کتابخانه مهم آن مرحوم بالمره متفرق  
گردیده و از دست رفت . م.

(۱) آقا میرزا ابوالقاسم موسوی خوانساری در شب دوشنبه ۱۳ ماه رمضان ۱۳۸۱ وفات یافت و در بقیعه صاحب روضات دفن شد . ولادت آن مرحوم بنا بر ضبط والد ماجدش تقریباً سه ساعت پس از طلوع آفتاب روز شنبه دهم ربیع الآخر ۱۳۱۱ ، و ایضاً ولادت برادرش آقا میرزا محمود موسوی خوانساری بنا بر همان ضبط نیم ساعتی پس از طلوع آفتاب روز چهارشنبه هشتم ربیع الآخر ۱۳۲۲ بوده و تاریخ متن اشتباهست . صاحب عنوان دخترهای متعددی نیز داشته که عموماً مزوجه و دارای اولاد و اعیانند . م.

﴿(۱۱۶۴- تولد مرحوم حاج شیخ محمد حسن آل کبه، ره)﴾

وی فرزند حاج محمد صالح آل کبه است که در (۱۲۸۷) بیاید .  
 و خود از بزرگان علمای شیعه در عراق عرب بود و شعر هم می گفت ، و در ماه رمضان المبارک این سال - مطابق (جوزا - سرطان) ماه برجی - در کاظمین (ع) متولد شده ،  
 و خدمت چند نفر از علما درس خوانده تا خود از علماء بزرگوار گردید و شهرت و اهمیتی  
 بغایت بهم رسانید ، چندانکه مرحوم سید حیدر حلی - که در ۱۲۴۴ گذشت (۱) - کتابی  
 بنام «العقد المفصل» در مدح او نوشته . و کتاب هائی تألیف کرد ، از آن جمله :  
 اول «دیوان اشعار» . دویم کتاب «الرحلة المکیة» که قریب بیست نفر از اهل علم  
 و ادب تقریظاتی بر آن نوشته اند و در «الذریعه ۱۵: ۲۹۸» اسماء آنان یاد شده . سیم «شرح  
 کتاب ارشاد الالذهان» بسوی احکام ایمان تألیف علامه (ره) .  
 و در عصر پنج شنبه هفدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش -  
 مطابق ششم سرطان ماه برجی در نجف وفات کرد ، و هم آنجا در مقبره پدر خود نزدیک درطوسی  
 دفن شد . و فرزندى بنام شیخ مهدى بر جا نهاد .  
 و تاریخ وفات او را در جلد پنجم «الذریعه . ش ۸۳۶» در عصر ۵ شنبه ۱۹ ماه رمضان  
 این سال نوشته و ما هم اینجا از آن نقل کردیم ، و تبدیل ۱۹ به ۱۷ با استناد تقویم آن سال  
 است که ۵ شنبه ۱۹ نبوده بلکه ۱۷ بوده .

(۲) مع الاسف شرح حال مرحوم سید حیدر حلی بعلت سهو مؤلف (ره) در سال تولدش  
 ۱۲۴۴ چاپ نشده بناچار در سال وفاتش (۱۳۰۴) ذکر خواهد شد . م.

### ﴿۱۱۶۵﴾ تولد احمد خان مجاهدالدوله تهرانی﴾

وی فرزند محمود خان ملک الشعراء است که در (۱۳۱۱) بیاید .  
احمد خان از فضلاء این اعصار بوده که در این سال متولد شده و کسب علوم و فضائل  
نموده تا درمهندسی و نقشه کشی استاد گردید . و پس از مدت هفتاد و هفت سال قمری عمر در  
سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرد .

### ﴿۱۱۶۶﴾ وفات ثاقب افندی اخسخه ئی﴾

حکیم ثاقب افندی بطوری که در کتاب «لغت نامه دهخدا . جلد حرف ث : ۱۱»  
نوشته از اهل اخسخه است ، و آنگاه که بدرجه سعادت درآمد در مدرسه قره مصطفی پاشا  
واقع در بازار ارغاد بتحصیل علوم پرداخت ، و طب آموخت ، پس از اكمال تحصیل در مقابل  
جامع شریف سلمانیه در میریضخانه بتعلیم طب مشغول شد . و او را اشعاری است . و در این سال  
در ۱۲۰ سالگی وفات کرده ، انتهى .

### ﴿۱۱۶۷﴾ تولد میرزا حسنخان ملک الحکماء خراسانی﴾

وی فرزند مرحوم میرزا محمد خان خجسته است که در (۱۲۳۹ ج ۴ ص ۱۰۷۸) گذشت ،  
و خود از اهل علم و فضل بوده و در این سال متولد شده و در مشهد طبابت می نموده و در شب

سه شنبه بیست و هفتم ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه - مطابق ۳ قوس ماه برجی - وفات کرد.

### ﴿۱۱۶۸﴾ وفات مرحوم شیخ رضاء عاملی ، رحمه الله

وی فرزند مرحوم شیخ زین العابدین بن شیخ بهاء الدین محمد بن شیخ محسن بن زین العابدین بن شیخ بهاء الدین ابوالعالی محمد بن شرف الدین محمد مکی بن ضیاء الدین محمد بن شمس الدین علی بن جمال الدین حسن بن زین الدین بن محمد بن علی بن شهاب الدین محمد بن احمد بن محمد بن شمس الدین محمد بن بهاء الدین علی بن ضیاء الدین ابوالقاسم (یا ابوالحسن) علی بن شیخ جلیل شهید شمس الدین ابوعبدالله محمد بن جمال الدین ابومحمد مکی بن شمس الدین محمد بن حامد بن احمد نبطی جزینی (ره) است .  
مرحوم شیخ جمال الدین مکی بن محمد جزینی (رضی الله عنه) از علما و مشایخ اجازات بوده .

فرزندش مرحوم شیخ شمس الدین ابوعبدالله محمد معروف بشهید اول (یا شهید مطلق) (اعلی الله مقامه) از آجله علما و عظاما و فقهاء فرقه شیعه است ، و در علوم شرعیه از فقه و اصول و حدیث و هم چنین در علوم ادبیه و تاریخ و رجال نادره اعصار بوده و با این همه در علوم باطن و عرفان و توحید و اخلاق فاضله و ملکات ملکوتیه از مراتب رضا و تسلیم و شوق و ذوق و وجد و حال و غیره دارای مقامات عالیه می باشد و شعر هم می گفته و تقریباً در میان علماء این فرقه نظیری در بزرگی و بزرگواری برای او نتوان یافت و او در سنه ۷۳۴ متولد شده و کتب نفیسه چندی تألیف کرده که اعظم و اشهر همه کتاب «اللمعة للمشقیه» در فقه امامیه است . شهادتش چاشت پنج شنبه ۱۹ ج ۱ سنه ۷۸۶ در میدان دمشق و پس از شهادت جسد مبارکش را سوزانیدند ، و وی را يك دختر و سه پسر بوده که

عقاب آنها تا کنون در بلاد شام و غیره موجود و آنها را بیت شمس الدین می گویند ؛ از آن جمله پسر اوسط او مرحوم شیخ علی (علیه الرحمه) که هم از علما و مشایخ اجازه بوده ، و در سال (۱۳۶۶) در احوال شیخ محمد امین آل شمس الدین شهید اول ذکری از او میشود .

و شیخ شرف الدین محمد مکی بن محمد از بزرگان علما در مائه دوازدهم بوده و کتب چندی تألیف نموده : اول کتاب «سفینه نوح» که از هر چیز خوبی در آن جمع کرده . دوم کتاب «الروضة العلیه» . سیم کتاب «الدرة المضيئه» در دعوات . و او روایت می کند از چند نفر : اول برادرش شیخ ابراهیم ، دوم شیخ حسین بن محمد بن جعفر مأحوزی و فاتش سنه ۱۱۷۱ ، و چندین نفر از او روایت می کنند ؛ از آن جمله شیخ محمد رضا و شیخ محمد ابراهیم و شیخ محمد اسمعیل فرزندان مرحوم ملا عبدالمطلب تبریزی که در (ج ۲ سال ۱۲۰۸ ش ۱۳۷ ص ۳۴۴) گذشت و در عید غدیر سنه ۱۱۷۸ برای ایشان اجازه نوشته .

فرزندش شیخ بهاء الدین محمد از علما بوده و بهند هجرت نموده و هم آنجا وفات کرده و قبرش در هند مزاری معروف است .

نواده اش شیخ محسن هم از اهل علم و فضل بوده .

فرزندش شیخ بهاء الدین محمد از علماء اجلاء در عصر خود بوده .

نواده اش شیخ رضا بن زین العابدین صاحب عنوان از علما و فقهاء بزرگوار بوده ، و نژادش را تا شیخ شرف الدین محمد مکی و ازوی تا مرحوم شهید (اعلی الله مقامه) بدین طور در «شهداء الفضیله» نوشته ، و از شهید تا شرف الدین تقریباً مطابق میزان معمول ، لکن از شرف الدین تا صاحب عنوان بواسطه کثرت واسطه فی الجملة مشکل بنظر رسید :

و بهر حال مرحوم شیخ رضا از دختر مرحوم سید محمد جواد عاملی که در (۱۲۲۶ ج ۳ ص ۳۷۶) گذشت متولد شده و تحصیل علوم و فضائل نموده تا عالمی جلیل و فقیهی نبیل گردید ، و کتب چندی تألیف فرمود : اول کتاب «التحفة الرضویه» در شناختن اصول دین مرضیه . دوم کتاب «الرسالة الرضویه» در احکام مرضیه در طهارت و نماز ، بنا بر آنچه در جلد سیم «الذریعه» ابن دو کتاب را احتمالاً از وی دانسته . سیم «شرح شرایع» .

و او روایت می کند از چند نفر : اول جدش سید محمد جواد مذکور . دوم سید عبد الله

شبر که در ( ۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۳ ص ۱۱۶۴ ) گذشت . و فرزندش شیخ جواد که اینک ذکر می شود در نزد او درس خوانده . و روایت می کند از او مرحوم حاج ملاعلی میرزا خلیلی که در ( ۱۲۲۶ ج ۳ ش ۳۷۲ ص ۸۲۷ ) گذشت .

او در این سال وفات کرد ، یا در سنه ۱۲۷۲ چنان که در حاشیه «اجازه سید حسن صدر برای حاج میرزا ابوالهدی» نوشته ام ، و در مدارس هند دفن شد ( ۱ ) .

و فرزندش شیخ جواد شاگرد پدر خود و مرحوم حاجی شیخ محمد حسن نجفی که در ( ۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۱۰۱ ص ۱۸۲۶ ) گذشت بوده ، و دو نفر پسر بنام شیخ علی و شیخ محمد داشته .

### وفات حاج میرزا عبدالفتاح شیخ الاسلام تبریزی

شرح احوال او در ( ج ۲ سال ۱۲۰۹ ص ۳۵۷ ش ۱۴۶ ) گذشت .

(۱) اولاً کلمه مدارس اشتباه و صواب مدراس است . ثانیاً در شرح حال خوبی که مؤلف «الکرام البرره: ۵۵۲ بعد» برای صاحب عنوان نوشته او را از اولاد جناب حبیب بن مظاہر اسدی شهید (علیه السلام) دانسته نه از اولاد شهید اول (ره) و صورت نسب با اینجا اختلاف دارد . وثالثاً وفات او را بنقل از «الحصون المنیعہ» در نجف اشرف در شب پنجشنبه یازدهم ذی الحجه ۱۲۶۹ نوشته و مدفنش را در یکی از حجرات قبلی صحن شریف علوی تعیین کرده است . برای اطلاع بیشتر رجوع بکتاب مذکور و «ماضی النجف و حاضرها» ۴: ۳۱۶ بعد و «معارف الرجال ۱: ۳۲۱ بعد» شود . م.

﴿۱۱۶۹- وفات شیخ عبدالله حکیم یمنی﴾

وی فرزند حمزة بن هادی بن یحیی بن محمد قاضی دوارصنعانی ، و از اهل علم و ادب و شعرو طب بوده و مخصوصاً در علوم فلک و نجوم و حساب و حکمت و ریاضیات عالیہ تبرزی تمام داشته و استخراج احکام می نموده و کتب بسیاری در طب و حساب بخط خویش نوشته و خود نیز چندین کتاب بنظم و نثر تألیف فرموده : اول کتاب « بلغة المقتات » در علم اوقات . دوم کتاب « معدن الجواهر » در استخراج ضمائر در حدود و جزء . سیم کتاب « المهدویہ » که آن منظومه ئی است در ملاحمه در وقایعی که در همه شهرها رخ می دهد ، در حدود دویست بیت بنام امام مهدی عبدالله بن احمد متوکل که در آخر آن در اظهار عدم اعتقاد خود بتأثیر نجوم چنین فرموده :

برسم امام العصر دام له العلا	وسميتها بالمهدوية كونها
بعلم علوم الغيب علماً مفصلاً	مع العلم والاقرار لله وحده
يدل على المظنون ظناً مخيلاً	ولكنه ظن وعلم بحد سنا
على فعل ما يختار انشا وان بلا	وان اعتقادي ان ربي قادر

وهم این دو شعر از اوست که در تورات بنام ولقب خود گفته :

ومذأشرقت بالعلم كالشمس أنواری

صعدت على الافلاك (فاض. كذا) و(دواری)

ولی قلم فی العلم جل صفاته

يدل على ما كان من حكمة الباری

و او در اینسال در صنعاء - چنان که در «معجم ادباء الاطبا ۱: ۲۲۲» فرموده - وفات کرد.

### ❀ (۱۱۷۰- تولد میرزا علی اکبر آقا اردبیلی ، ره) ❀

وی فرزند حاج میرزا محسن اردبیلی (۱۲۹۴) و خود از علما و فقها بوده ، و در این سال - چنانکه در «الذریعه ۳ ش ۴۳۶» و «نقباء البشر: ۱۶۰۵» فرموده - متولد شده ، و کتب چندی تألیف نموده ، از آن جمله کتاب «خطاء الخوانساری» ( ۱ ) درباره شیخ أحسائی در رد کلمات مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوئی در «روضات» در تعریف شیخ احمد أحسائی و رد کلمات خود شیخ مرقوم . و از این کتاب چنین برآید که او سخت بذاء و فحاش بوده و نسبت باین دو بزرگوار وهم چنین - چنان که در «أحسن الودیعه» نوشته - بمرحوم ملامحمد کاظم خراسانی بی ادبی هائی نموده . و آقا میرزا احمد روضاتی (۱۳۴۷) در ترجمه مختصری که برای صاحب عنوان در پشت کتاب مرقوم نوشته بعضی از کلمات او را جواب داده .

و بالاخره وی در شنبه بیست و پنجم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش - مطابق ۲۸ بهمنماه باستانی - در اردبیل وفات کرد .

### ❀ (۱۱۷۱- وفات انجم ، شاعر نقری فارسی) ❀

وی علی اکبرخان بن محمد تقی خان بن حاجی حسین خان فارسی است . حاجی حسین خان و فرزندش محمد تقی خان هر یک در زمان خود حاکم ایل نقر فارس بوده اند . و علی اکبرخان صاحب عنوان فرزند محمد تقی خان هم بجای آنها حاکم آن ایل و غیره بوده و علم و فضل وافر داشته و شعر هم می گفته و تخلص انجم می نموده ، و در این

(۱) نامش «کشف خطاء الخوانساری» است.م.

سال وفات کرده . و فرزندش محمد حسن خان از شغل پدران خود کناره جوئی نموده (۱).

❁ (۱۱۷۲- تولد شیخ علیرضا همدانی) ❁

وی بطوری که در «نقباء: ۱۶۱۵ ش ۲۱۵۸» فرموده ، فرزند میرزا علی محمد بن محمد علی شیرازی و عالمی صالح و فاضل وزکی بوده ، و همانا در اینسال در قریهٔ زاغه از قرای همدان متولد شده ، و در نزد شیخ عبدالله بروجردی همدانی و غیره درس خوانده تا دارای فضیلت سامیه و معرفت تامه گردید ، و در سنه ۱۳۰۵ در همدان سکونت گزید ، و با علم فراوان و خلق پسندیده که داشت هم در غایت ورع و صلاح و زهد و عبادت و عفت و قناعت بود ، و بواسطه این اخلاق و وعظ و ارشادی که می نمود محبوب مردمان گردید و همی دور او را گرفتند، و وی بر تلاوت قرآن و اذکار و زیارات مواظبت داشت، تا پس از مدت هفتاد و چهار سال عمر در سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه در همدان وفات کرد و در سنه ۱۳۴۵ او را بنجف حمل کردند. انتهى.

❁ (۱۱۷۳- وفات مرحوم سید علیشاه رضوی ، ره) ❁

وی فرزند مرحوم سید صفدر کشمیری است که در (۲۵۵ ج ۵ ش ۸۵۵) گذشت . و خود ساکن لکهنو و عالمی جلیل و کبیر بوده ، و کتابی بنام «کاشف الغمه» در اصالت برائت ذمه تألیف نموده ، و در این سال در لکهنو وفات کرده ، و فرزندش سید ابوالحسن در (۱۲۶۰ ج ۵ ش ۹۷۱) گذشت .

(۱) مرحوم مؤلف این شرح حال را از «فارسانه ناصری: ۳۱۴» گرفته است .م.

## ﴿(۱۱۷۴) - تولد امین خاقان شیرازی﴾

«مؤلفین کتب چاپی

ج ۴ س ۵۹۷» (۱)

«امین خاقان درویش علیمحمد بن محمود شیرازی خرسند بن خرم حمزوی ( متولد ۱۲۶۹ ق متوفی ۱۳۴۶ق) . خطوط هفتگانه را خوش مینوشت . در اوائل منشی میرزا علی اصغرخان اتابک بود ، بعد از طهران بهندوستان رفت و از آنجا بشیراز بازگشت و در آنجا مدرسه مسعودیه را افتتاح نمود و چند سال ریاست دبیرستان شعاعیه را داشت . چند روز قبل از وفاتش اداره معارف اورا از این شغل برکنارداشت» انتهى . سپس آقای مشار تالیفی از او بنام «سیدالانشاء نوظهور» ذکر کرده و این کتاب که باندازه وزیری يك بار در بهی و دوبار در طهران چاپ سنگی شده قریب ۲۰۰ صفحه میباشد .م.

## ﴿(۱۱۷۵) - وفات مرحوم آقا غلامعلی خوشنویس اصفهانی﴾

مرحوم آقا غلامعلی فرزند محمد رحیم ، چنانکه در «سخنوران نامی معاصر ۳: ۲۰۰» نوشته ، و خود از خطاطین مهم عصر خویش بوده ، و در خط نویسی و آوازه خوانی صنایع عجیبه می نموده ، و در این سال وفات کرده . و نواده پسریش آقا عبدالکریم بن حاج محمد

(۱) مرحوم مؤلف پس از عنوان فقط نام مأخذ را قید کرده بود ، بناچار عیناً شرح حال از آنجا نقل شد و تفصیل با نمونه ئی از اشعار صاحب ترجمه در «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۲: ۴۳۱» که تنها مأخذ آقای مشار بوده مذکور است .م.

رضا بن آقا محمد رحیم بن آقا غلامعلی مرقوم در (۱۳۱۶) ییاید . ونواده دختریش آقامیرزا محمد کاظم غمگین در (۱۲۸۶) ییاید . وشاگردش میرزا محمد ابراهیم ساغر در (۱۳۰۲) ییاید .

### ﴿۱۱۷۶- وفات مرحوم آقا فتحعلی حجاب شاعر شیرازی﴾

از «آثار عجم» چنین برمی آید که وی فرزند آقا محمد جعفر و از اهل فضل و کمال بوده و خط نستعلیق را نیکومی نوشته و شعر را خوب می گفته و تخلص حجاب می نموده ، و در این سال وفات کرده و در حرم شاه چراغ (ع) دفن شده ، و این اشعار را از او آورده:

بیتغم از بزنی از تو کی برم امید	که هست کشته تیغ تو زنده جاوید
کست درست نیارست دید پرده مبند	بس است حاجب خورشید پر تو خورشید
ز عشق زلف سیاه تو نیز نپندم	بخویشتن که شوم روز حشر نامه سفید
مگر بسایه سرو قلدت شوم قانع	مرا که کرده تهی دست روزگار چو یید
ز عکس روی تو و مستی دو چشم تو کرد	سکندر آینه را و شراب را جمشید

گمان میر که حجاب از زغصه خاک شود

برد غبار وی از دامن تو دست امید

انتهی . و در «گلشن وصال : ۲۷۹» نوشته که او فن خطاطی و سخنوری را در نزد

مرحوم وصال آموخته .

## ﴿۱۱۷۷- وفات مرحوم سید محمد زنجانی ، (ره)﴾

وی بطوری که در «فهرست علماء زنجان : ۱۲۰» فرموده فرزند مرحوم سید ابوالقاسم حسینی سردانی ، و خود از جمله علما و امام جمعه زنجان بوده ، وهمانا که در قریه سردانه - از دهات طارم سفلی از مضافات زنجان - متولد شده ، و چندی در اصفهان در نزد حاجی کرباسی درس خوانده ، سپس با شهادت علمیه بزنجان باز آمد و یکی از زعمای مراجع روحانی آن شهر گردید ، و از جانب عبدالله میرزای دارا فرزند فتحعلیشاه - که درج ۲ (سال ۱۲۱۱ ص ۳۹۸ ش ۱۶۲) گذشت - متولی مدرسه سید که مؤسس و واقف آن شاهزاده مزبور بود گردید ، و هماره در آن شهر با فاده و افتاء و تدریس بصری برد ، تا در اینسال وفات کرد ، و تألیفاتی چند از او بازماند : اول کتاب «انیس الفقها» در فقه زیاده بر هفت جلد . دویم «رساله در خروج مسافر از محل اقامت تا کمتر از حد مسافت» که آنرا بامراستاد مذکور خود تألیف کرده . سیم «حاشیه بر معالم الاصول» . چهارم «رساله در مسائل عملیه با اصول عقاید» . پنجم «کتابی در فقه» در سه جلد غیر از «انیس الفقها» . ششم کتاب «لسان الصدق» .

مرحوم سید محمد رافرنندان و نوادگان چندی بوده همه از علماء بزرگوار: اول میرزا عبدالواسع که در (۱۲۳۵ ج ۳ ص ۹۸۸ ش ۴۷۶) گذشت . دویم سید فتح الله بن سید قوام الدین بن سید محمد صاحب عنوان که در نجف درس خوانده و از فضلا بوده .

## ﴿۱۱۷۸- وفات ملا محمد حجة الاسلام مامقانی تبریزی﴾

وی فرزند حسین بن زین العابدین بن علی بن ابراهیم ، و خود از علماء معروف آذربایجان بوده و در فقه و فلسفه و تخلق بملکات فاضله و حسن بیان از نوادر بشمار می آمده ، و در «المآثر: ۱۶۱ س ۱» اورا عنوان نموده و فرماید : از مشایخ مشاهیر شعبه شیخیه است ، انتهی . و او در مجالس مباحثه با میرعلی محمد باب در تبریز حضور داشته . و بطوری که در «الذریعه ۹: ۱۲۴۱» فرموده شاگرد شیخ احمد آحسائی بوده ، و در اینسال وفات نموده ، انتهی . و در جلد قاجاریه «ناسخ : ۵۶۱» و نیز در مقدمه ثی که میرزا علی اکبر عماد بر «آتشکده» فرزندش نیز نوشته در ۱۲۶۸ گفته اند . و پس از خود فرزندان بازنهاد ، یکی میرزا اسمعیل نیاز که از اهل علم و فضل بوده و شعر هم می گفته و تخلص نیاز می فرموده و پس از وفات پدر جانشین او شده . و دیگر میرزا محمد تقی حجة الاسلام که در (۱۲۴۸ ج ۴ ص ۱۳۳۷ ش ۷۳۱) گذشت .

## ﴿۱۱۷۹- وفات سید محمد قطیفی حائری﴾

وی فرزند مرحوم سید مال الله موسوی و از شعراء بوده ، و در اینسال وفات نموده ، چنانکه در «أعیان الشیعه ۱: ۴۰۴» فرموده .

﴿ ۱۱۸۰ - وفات مرحوم حاج ملامیرزا محمد تر کابادی ، (ره) ﴾

وی فرزند میرزا محمد علی بن میرزا محمد بن غلامرضا بن ملا محمد (ره) است که جد اعلایش ملامحمد مرقوم از اهل علم و فضل بوده ، و خود نیز - چنانکه در «لباب الالقاب: ۶۳» فرموده - فاضل فقیه صالح متقی بوده و نخست در کاشان نزد حاج ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ ج ۴ ص ۲۳۵ ش ۶۵۳) و حاج سید محمد تقی پشت مشهدی (۱۲۵۸ ج ۵ ص ۱۵۷۵ ش ۹۶۳) و میرزا ابوالحسن معروف بمجنهد و حاج ملا ابوالقاسم تر کابادی (که از معارف علماء کاشان و شاگرد میرزای قمی بوده و در پهلوی مقبره ملامحسن - چنانکه در «لباب: ۶۳» فرموده - دفن است) درس خوانده ، آنگاه بعراق عرب رفت و در نزد شریف العلماء و آقا سید محمد کر بلائی درس خواند و هم از این استاد اخیر اجازت گرفت و بکاشان برگشت ، و آنجا در نهایت فقر و فاقه بسر آورد و از همین رو غالباً بنماز و روزه نیابت می پرداخت چنانکه حج او هم بنیابت بوده ، و چندین کتاب تألیف نموده :

اول کتاب « زبده الاصلاح » در مختصر « اصلاح العمل » سید محمد مرقوم . دویم « الرسالة الجعفریه » در دیات . سیم « مجموعه ئی در اخلاق » . چهارم « مجموعه ئی در اعمال ایام هفته » . پنجم « مجموعه ئی در ادعیه مدها » . ششم « شرح زبده الاصلاح » خودش . هفتم کتاب « مجمع الفوائد » که در آن کتاب « جامع الشتات » میرزای قمی را جمع کرده . هشتم کتاب « معتمد الانام » در فقه . نهم کتاب « هلال الاحکام » . دهم کتاب « محبوب القلوب » در احوال انبیا و حکما و سلاطین و غیره . یازدهم تلخیص و اختصار بسیاری از کتب دیگر .

او در اینسال بشصت و شش سالگی وفات کرده و در کاشان در کلپقانه دفن شد . و فرزندش میرزا محمد رضا هم از علما بوده و پس از پدر در مسجدش بجای او امامت جماعت می نموده و کتابی بنام « منافع » در شرح « نافع » تألیف کرده و احوال پدر خود را او بطوری که نوشتیم نقل کرده چنانکه در «لباب» بدان تصریح نموده ، و طوری آنجا عبارت را آورده که

این تاریخ وفات درست معلوم نمیشود با تألیف «منافع» که از پدر است یا پسر، الا اینکه ما بقرینه اساتید آنرا مربوط بپدر و تألیف «منافع» را از پسر دانستیم .

میرزا ابوالحسن استاد صاحب عنوان - چنانکه در «لباب: ۷۷» فرموده - از علماء فاضل و مرجع مراعات در کاشان و معروف به مجتهد و از آقرباء امی مؤلف «لباب» و شاگرد حاج ملا محمد مهدی نراقی کبیر و میرزای قمی بوده و «رساله ئی در حجیت مظنه» تألیف فرموده .

### ❀ (۱۱۸۱- وفات صبور ، شاعر تبریزی) ❀

صبور- از قراری که در «دانشمندان آذربایجان» و «ریحانة الادب ۲: ۴۵۷» نوشته - نامش محمد حسین و از شعراء عثمانی و اصالت تبریزی بوده و از آنجا باسلامبول رفت و بواسطه حسن خطی که داشت باستنساخ دو او این بعضی از شعرا پرداخت و این شعر از اشعار ترکی طریقه او است :

آل شانه دستوه صنما طاره تلرون

گو گلوم کبی داغیت نه رخساره تلرون

و در این سال وفات کرده .

### ❀ (۱۱۸۲- تولد صفاء شاعر اصفهانی) ❀

وی از بزرگان عرفا و حکما و اهل زهد و تقوی و اعراض از دنیا و سایر مراتب تجرد و تقدس بوده و شعر هم می گفته . شرح احوالش را آقای سهیلی خوانساری در مقدمه دیوانش

(که در بهمن ۱۳۳۷ شمسی = رجب - شعبان ۱۳۷۸ قمری در تهران چاپ شده) در چندین صفحه بطور تفصیل نوشته ، و خلاصه آن چنین می شود که :

وی بنام محمد حسین واصلا از اهل فریدن اصفهان بوده ، وهمانا در اینسال در این ناحیه متولد شده و روزگار جوانی را برنج کسب فضل ودانش در همانجا گذرانید ، آن گاه بار سفر بسته وبا برادر خود میرزا علی محمد ( که در ۱۳۴۳ بیاید ) رحل اقامت بتهران افکندند ، وهریک در مدرسه ئی منزل گزیده وبسختی با اندک سرمایه ئی اسباب معاش را فراهم نموده وبکسب علوم می کوشیدند ، تا آن که در علم و فضل وحکمت وفلسفه وکلام وفقه وعرفان مقام استادی یافته ودر سخنوری نیز بدرجه اعلا رسیدند ، ودیری نگذشت که شهرتی پیدا کرده وارباب ذوق دورایشان را گرفتند .

آن گاه برادر مهتر صفا صاحب این عنوان در سالی که حاجی میرزا محمد رضای مستشار الملک ( مؤتمن السلطنه ) وزیر خراسان برای انجام بعضی ازاموردیوانی بطهران آمد وبرگشت در رکاب وی بمشهد مقدس رفت وهماره در سرای وی بسر می برد ، وبر خلاف آنچه بعضی نوشته اند هیچگاه در مدرسه منزل نگرفت ومؤتمن السلطنه نهایت پذیرائی واحترام را از وی بعمل می آورد وبا اینحال مقام تقدس وتقوای صفا چنان بود که هیچ در «دیوان» وی اشعاری در مدح اودیده نمی شود .

وچون مؤتمن السلطنه در سنه ۱۳۰۹ وفات کرد و وزارت خراسان بفرزند ارشدش میرزا علی محمد مؤتمن السلطنه ( چنانکه در «ص ب» نوشته ) یا میرزا محمد علیخان ( چنانکه در «ص و» فرموده ) قرار گرفت ، وی نیز چون پدر صفا را گرامی میداشت و در حق او احسان فراوان بیجا می آورد ، چنان که در سنه ۱۳۱۳ خانه ئی برای وی در مشهد در کوچه پشت مقبره ( یعنی پشت مقبره نادر شاه ) که نزدیک منزل خودش بود خرید ، واثاث الیبت زندگانی او را هر چه بایست فراهم کرد ، تا پس از چند سال مؤتمن السلطنه ثانی از وزارت خراسان معزول وناچار بتهران رهسپار شد ، وصفا را پسر عم خویش میرزا حسنخان ( معروف به آباخان ) سپرد . نوشته اند که وی در ایام اقامت بمشهد کمتر با مردم معاشرت داشت وهماره در خانه خلوت پای در دامن عزلت کشیده و بیرون نمی آمد ، و گاهی که بیرون می شد عبا را بسر

می‌افکند و قصایدی که در مدح ائمه (ع) می‌سرود، در مسجد گوهرشاد کنار مناره می‌ایستاد و آن‌ها را با خضوع و خشوع می‌خواند و بازمی‌گشت، چنان‌که در مدت عمر عیال اختیار نکرد، و در سنه ۱۳۱۴ پهلوی بر بستر بیماری نهاد و مدتی رنجور بود و پس از بهبودی گاهی برای اجتماع قوای فکریه استعمال حبشیش می‌نمود و در اثر آن کار حواسش مختل شده و بدون احتفاظ سربکوجه و برزن مینهاد، و برای گذران معاش علاوه بر آنچه مؤتمن السلطنه می‌داد از دیوان دولت نیز مبلغی مستمری داشت، تا این‌که میرزا کریم خان بنان‌الدوله فرزند میرزا فضل‌الله آنرا قطع کرد و در حق شاعری رازی دیگر که تخلص او نیز صفا بود برقرار نمود، چنان‌که در مقدمه (ص ۵) فرموده.

وما فهرست شعرائی را که تخلص صفا داشته‌اند در (۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۳۰ ش ۳۰۶) نوشتیم، و آیا این صفا یکی از آنها یا دیگری است ندانیم. و در «الذریعه ۹: ۶۰۸ و ۱۰» صفا تفرشی و صفا لوسانی را نوشته که نزیل طهران بوده‌اند.

و صفا صاحب عنوان با این‌که در اشعار خود نام هیچ‌کس را بزشتی نبرده با این صفا لوسانی بی‌صفائی نموده و وی را مورد هجو قرار داده.

و بهر حال، صفا پس از مدت پنجاه و سه سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو، چند ماهی پس از مرگ آباخان بیماری و با درمشهد وفات کرد و جسدش را در مدرسه ملاتاج بخاک سپردند.

در مقدمه (ص و) فرماید: این مدرسه در شمال صحن عتیق و بنام ملاتاج معروف بوده و مرحوم حاجی میرزا محمد رضا مؤتمن السلطنه آنرا بخرج خویش ترمیم کرد و موقوفاتی برای نگاهداری آن معین فرمود و تولیت آن پس از وی با خاندانش بود، بدین مناسبت صفا را در آنجا دفن کردند در پای مناره ثنی متصل بنیای ایوان عباسی که در عهد نادر شاه ساخته شده ولی اکنون بسبب خرابی بسیار سنگ قبر و دیگر آثار در زیر آوار پنهان شده شاید اگر توده‌های خاک برداشته شود قبر او آشکار گردد، انتهی.

در «مطلع الشمس ۲: ۲۴۲» که اجمالا اسماء مدارس مشهد را نوشته این مدرسه را ذکر کرده لیکن در (ص ۲۴۷) و ما بعدها که شرح و تفصیل بعضی از آنها را آورده از این مدرسه چیزی ننوشته.

## ﴿﴿ ۱۱۸۳ - تولد سید مهدی لکهنوی هندی ﴾﴾

از جلد دوم «فهرست کتابخانه رضویه و ج ۶ ص ۵۷۵» چنین برمی آید که وی فرزند سید علی از علماء لکهنواست و در این سال متولد شده و کتابی بنام «مواظدا المتقین» تألیف کرده.

## ﴿﴿ وفات مرحوم حاجی میرزا هاشم مشهدی ، (ره) ﴾﴾

شرح احوال او در (۱۲۰۹ ج ۲ ص ۳۴۷ ش ۱۴۰) گذشت .

سنه ۱۲۷۰	قمری	مطابق	سنه ۱۲۳۲	شمسی
غرة محرم الحرام		( ... )		میزان ماه برجی

## ﴿﴿ ۱۱۸۴ - تولد سلطان حسین کامل خدیوی مصری ﴾﴾

وی فرزند اسمعیل پاشا خدیوی مصری است که در (۱۲۷۹) بیاید . سلطان حسین کامل در نوزدهم ماه صفر الخیر این سال - مطابق ( ... ) عقب ماه برجی - در قاهره متولد شده و در مصر و پاریس تحصیل علوم عدیبه نمود ، و در سنه ۱۳۳۳ پادشاه مصر شد ، و در ظهر روز سه شنبه بیست و دویم ماه ذی الحجة الحرام به افق مصر و ۲۱ باقی تهران سنه ۱۳۳۵ هزار و سیصد و سی و پنج - مطابق ۱۶ میزان ماه برجی - پس از مدت شصت و پنج سال و ده ماه قمری و سه روز عمر وفات کرد و فردای آن در نزد پدرش دفن شد .

## ﴿﴿ وفات احمد ، شاعر قاجار ﴾﴾

ماه صفر . شرح احوال او در (۱۲۱۸ ج ۳ ش ۲۵۷ ص ۶۴۹) گذشت .

﴿ (۱۱۸۵) - تولد مرحوم حاجی نایب‌الصدر شیرازی ، رضی الله عنه ﴾

وی مرحوم معصوم علیشاه میرزا محمد معصوم بن رحمت‌علیشاه شیرازی است که در (۱۲۰۸ ج ۲ ش ۱۳۱) گذشت .

مرحوم حاجی نایب‌الصدر از أجلة فضلا و بزرگان رجال این عصر بود ، و در سحر شب شنبه چهاردهم ماه ربیع‌المولود این سال از بطن دختر میرزا مهدی خلیفه سلطانی جرقویه ئی (که در سنه ۱۳۰۰ وفات کرده و در صحن کوچک حایر حسینی ع دفن است) در شیراز متولد شده ، و سال ها در همانجا و عتبات و تهران در خدمت چندین نفر از علما و عرفا و حکماء بزرگ و اهل فضل و کمال و علم و عرفان درس خواند تا بدرجات عالیه در علوم شریعت و طریقت و عرفان و حکمت نائل گردید و شعر هم می گفت و تخلص معصوم می نمود چنان که هم در طریقت معصوم‌علیشاه لقب داشت ، و در سنه ۱۲۹۵ ( بعد از فوت برادرش منصور علی ) از طرف ناصرالدین شاه به نایب‌الصدر ملقب شد ، و چندین سال در اطراف بلاد هند و ایران سفرهای عدیده نمود و حاصل معلومات خود را در ظرف این سنوآت کتابی کریم تألیف فرموده بنام «طرائق الحقائق» در سه جلد :

اول در اثبات حقیقت تصوف . انجام تألیفش ۲ شنبه ۱۶۹ سنه ۱۳۱۵ .

دویم در احوال عرفاء صدر اسلام تا شاه نعمت‌الله . انجام تألیف آن روز ۱ شنبه ۸ شوال سنه ۱۳۱۶ .

سیم در احوال شاه نعمت‌الله تا زمان تألیف و اعیان معاصرین هر یک از عرفا در این دو جلد . انجام تألیف آن عصر ۲ شنبه ۶ صفر سنه ۱۳۱۸ .

در کتاب «تأیفة علم و عرفان : ۳۶۴» نوشته که وی چند سالی حالش خوش بود ولی بعداً مدتی انقلاب حال برایش دست داده و خود دعوی جانشینی حاج آقا محمد نمود و خود را معصوم علیشاه نامید . و هم او در انقلاب مشروطیت وارد بود و در زمان محمد علی شاه

خواستند وی را بدین سبب بقتل برسانند ، او فرار کرده و بشاه عبدالعظیم (ع) پناهنده شد و مرحوم اعتمادالتولیه نزد شاه از اوشفاعت کرد و وی قبول نموده از قتل او گذشت بشرطی که از شاه عبدالعظیم (ع) بیرون برود . لاجرم او حرکت کرده و مستقیماً بگنابند آمد و از کردار خود پشیمان و بتقصیر خویش معترف بود ، و حاج ملا سلطانه‌لی او را مورد لطف خود قرارداد و وی آنجا بود تا حاج ملا سلطانه‌لی را بقتل آوردند و اشعاری در مرثیه اوسرود ، و بعداً با حاج ملاعلی و سپس با فرزندش صالح علی‌شاه تجدید عهد نمود . و در اواخر چندی رئیس اوقاف گرگان شد ، و بعد از آن ریاست اوقاف گنابند را یافت ، و بعد از آن بمشهد رفت تا وفات کرد .

و بالاخره وی پس از مدت هفتاد و چهار سال و چهار ماه قمری و بیست و هفت روز عمر ، در چهارشنبه یازدهم ماه شعبان‌المظم سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار - مطابق ۵ اسفند ماه باستانی - در مشهد وفات کرد ، و هم آن جا در بیرون دروازه سراب که سمت غربی شهر است دفن شد در قبرستان دویم که از یک حد بیابغ منبع می پیوندد و بقیه حدود بصحرا است در میان قبرستان در میان زمینی بمساحت نه گز مربع که یک چهاریک ارتفاع دارد .

و او را چندین نفر فرزند از زنان عدیده بهم رسیده: اول میرزا محمد حسین که در «طرائق ۳: ۳۴۸» نامی از او برده شده ، تولدش آخر شب ۴ شنبه ۱۴ محرم سنه ۱۲۹۷ . دویم میرزا محمد تقی ناصرعلی ، تولدش شب شنبه ۲۶ ذی‌الحجه سنه ۱۳۰۶ . و این دو پسر با دو دختر (سکینه متولد در اول روز ۴ شنبه ۶ ذی‌القعده سنه ۱۳۰۷ و رباب متولد در اول روز شنبه ماه رمضان سنه ۱۳۱۱) از دختر حاج میرزا مهدی بن میرزا علی اردکانی اند که در (۱۲۵۹ ج ۵ ش ۹۵۲ ص ۱۶۰۵) گذشت .

و هم او را دو دختر دیگر بنام رقیه و خدیجه (متولد در ساعت هشت و نیم از شب ۴ شنبه ۱۳ شوال سنه ۱۳۱۶) ازدو بطن دیگر بوده .

در «مجله وحید . س ۱۱ ش ۷ ص ۷۹۱» نوشته که صفیعلی‌شاه این شعر را در باره حاجی نایب‌الصدر شیرازی که سر بسلسله طاوسیه سپرده بود گفته :

هشته عم ارشد پسر مایه را      خوانده با با عمه همسایه را!

## ﴿(۱۱۸۶- تولد میرزا محمد باقر مدرس رضوی ، ره)﴾

وی فرزند میرزا اسمعیل رضوی است که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۲ ص ۱۱۶۳) گذشت. و خود از اعظم علماء اعلام و مدرسین بسیار و الامقام عصر حاضر بود، و شرح احوالش در «منتخب التواریخ» باب ۱۰ در خاتمه ص ۴۹۶ و «الذریعه ۱۳: ۳۳ ش ۱۰۸» و برخی از جلد های دیگر و «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه ۵: ۵۰۵ در پاورقی» و ضمیمه «تاریخ علماء خراسان: ۱۰۱ ش ۱۲۰» نوشته، و از آن ها چنین بر آید که او در هفدهم ماه ربیع المولود (که میلاد مسعود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بوده) این سال متولد شده، و در سنه ۱۲۹۴ بسبب زوار رفت و مدتی از روحانیت حکیم بزرگوار مرحوم حاج ملا هادی «قدس سره العزیز» و اثر آن خاک پاک و تربت تابناک استفاده مطالب عالیه نموده، و سپس در سنه ۱۳۰۶ بعثت عالیات مشرف شد و از مدرس مقدس آخوند خراسانی بهره مند گردید، و در سنه ۱۳۲۵ از حاج شیخ حسنعلی مشهدی اجازت روایت گرفت، آنگاه در مشهد مقدس بتألیف و تدریس مشغول شد، و زیاده بردویست نفر بمجلس درس او می آمدند و «دوره» «شرح لمعه» را بیش از بیست مرتبه درس گفت، و تدریس هر دوره دو سال و نیم طول می کشید، و حتی ایام آخر عمر هم ترك تدریس نفرمود، و چندین کتاب تألیف نمود:

اول «حاشیه بر شرح لمعه». دوم «حاشیه بر فصول». سیم «حاشیه بر قوانین». چهارم «رساله در خط». پنجم کتاب «شجره طیبه» در احوال و انساب سادات رضوی (۱). ششم «شرح احادیث مشکله». هفتم «کتابی در احوال خواجه ربیع». هشتم «کتابی در عروض و قافیه و بدیع». نهم کتاب «اللالی العالمثوره» در مطالب متفرقه.

(۱) این کتاب شریف با تکمله و تصحیح و تهیه مشجرات بسی و اهتمام آقای سید محمد تقی مدرس رضوی (آیة الله) فرزند دانشمند مؤلف بسال ۱۳۵۲ ش در تهران طی حدود ۵۰۰ صفحه وزیری چاپ شد. م.

وآخر، پس از مدت هفتاد و دو سال و هشت ماه قمری و بیست و دو روز عمر، در روز شنبه نهم ماه ذی الحجۃ الحرام سنه ۱۳۴۲ هـ و سیصد و چهل و دو - مطابق ۲۱ سرطان ماه برجی - در قریه سوران پنج فرسنگی مشهد مقدس وفات کرد و جنازه اش را بمشهد آورده ، و در روز جمعه عید قربان (که دو عید بود) در زبردرب پائین پای حرم مطهر رضوی (ع) دفن کردند آنجا که بدار السعاده می رود ، چنانکه در «منتخب التواریخ» است ، و آنجا وفاتش را بدون تعیین ماه و روز در سنه ۱۳۴۳ نوشته بهفتاد و سه سالگی. و در ضمیمه «تاریخ علماء خراسان» در ۵ شنبه نهم ذی الحجۃ سنه ۱۳۴۲ نوشته که در تعیین روز هفته اشتباه شده ، چه طبق تقویم آن سال غره ذی القعدة ۵ شنبه و آن ناقص ، و غره ذی الحجۃ جمعه و نهم آن شنبه بوده . و بر فرض تمام بودن ذی القعدة باز غره ذی الحجۃ شنبه و ۹ آن یکشنبه خواهد بود نه ۵ شنبه (۱) .

سنه ۱۲۳۳ شمسی

اول حمل ماه برجی

سه شنبه بیست و یکم جمادی الاخری

﴿۱۱۸۷- تولد مرحوم حاجی امین الواعظین ۶۵ تهرانی﴾

وی حاجی شیخ اسدالله ۶۵ بن شیخ ابوالقاسم ۶۴ بن شیخ محمد باقر ۶۳ بن شیخ عبدالرضا ۶۲ بن شیخ شمس الدین ۶۱ جابری انصاری است .

(۱) خداوند رحمت کناذ مؤلف جلیل القدر را که اینهمه دقت در کار تألیف ازمختصات آن مرحوم بود و در جاهای دیگر کمتر بیچشم می خورد . م.

شیخ شمس‌الدین ۶۱ جابری در (۱۲۱۴ ش ۲۰۰) گذشت .  
 فرزندش شیخ عبدالرضا ۶۲ از جمله أسخیا بوده و در ذوق فلفل دلفن است .  
 فرزندش شیخ محمد باقر ۶۳ مردی زاهد و عالم بوده .  
 فرزندش مرحوم شیخ ابوالقاسم ۶۴ از جمله علما و شاگرد پسر عمش مرحوم حاجی  
 شیخ مرتضی انصاری «اعلی الله مقامه» بوده ، وفاتش سنه ۱۲۸۰ ق بر سر دروادی السلام .  
 فرزندش مرحوم حاجی امین الواعظین ۶۵ صاحب عنوان (ره) از علما و وعاظ و مردی  
 ادیب و مورخ بود . او در سه شنبه سیزدهم ماه رجب الفرد این سال - مطابق ۲۲ حمل ماه  
 برجی - در نجف متولد شده ، و پس از تحصیل علوم عدیده در تهران ساکن و بموعظه و تألیف  
 پرداخت ، و از جمله مؤلفات وی کتاب «حدائق الادب» در نواد عرب است مانند «کشکول» در  
 دو جلد . انجام تألیف جلد اول آن شب ۲ شنبه ۴ رجب سنه ۱۳۰۷ . و ما خود در روز يك-  
 شنبه غره ۱ ع ۱۳۵۲ در تهران خدمت اورسیدیم و بعد از آن در جلد دوم «الذریعه ش ۴۹۴»  
 بنظر رسید که وی در حدود سال ۱۳۵۲ وفات کرده و اعقاب پسری و دختری او هم اینک در  
 تهران موجود اند (۱) .

(۱) در سال (۱۳۴۹ ش) کتابی بنام «کشکول امینی» یا «کنز الافاده فی بیوت العباد»  
 تألیف مرحوم حاج امین الواعظین صاحب ترجمه در ۳ جزء بطبع رسیده که در مقدمه جزء اول  
 شرح حال مختصری با دو تصویر از او دیده میشود و در آنجا وفاتش را بدون قید روز و ماه  
 در سال ۱۳۵۲ نوشته اند ، لکن در آخر جزء سوم (ص ۳۳۱) بنقل از کتاب «زندگانی و شخصیت  
 شیخ انصاری : ۱۷۶» تاریخ وفات را در دو موضع بسال ۱۳۵۳ در تهران نوشته و نیز در آنجا  
 گوید که «شیخ اسدالله حدود چهل کتاب متنوع تألیف نموده که از آنهاست : ۱- «حدائق  
 الادب فی نوادر العرب» در دو جلد ۲- «کنز الافاده فی بیوت العباد» ۳- «الحیاض الطریقه»  
 ۴- «تذکره العروض» در علم عروض ۵- «اصطلاحات العلوم» ۶- «النوادر» ۷- «أخبار  
 الخلفاء» ۸- «مجموعه در نحو» ۹- «مجمع اللغات» ۱۰- «جنگ موعظ» ۱۱- «نهج النصاحه»  
 ۱۲- «دیوان شعر» فارسی و عربی در دو جلد ۱۳- «مرآة الحیات» در ۱۴ جلد در سوانح عمر  
 خود و بر هر چه از وقایع مهمه اطلاع پیدا نموده ، انتهى . و از مقدمه جزء اول مستفاد \*

﴿وفات میرزا حبیب‌الله حکیم قآنی ، ره﴾

۵ شعبان . شرح احوال او در (۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۱۹ ص ۷۴۵) گذشت .

بموجب آنچه آقای روضاتی در یک صفحه کاغذ نوشته‌اند شرح احوال او باید در این سال بنقل از « مجله هفتگی وحید ، سال ۶ ش ۷ ش مسلسل ۶۷ ص ۵۴۷ » دو باره نوشته شود (۱) .

✽ میشود که جنازه مرحوم امین‌الواعظین در امامزاده عبدالله دفن شد . و هم فرزندی از وی بنام «مرحوم حجة الاسلام شیخ محمد حسن جابری» در آنجا یاد شده که فرزندش آقای علی جابری پوراقدام بطبع کتاب مذکور نموده است . جزاه‌الله خیراً م .

(۱) یادداشتی که اینجانب برای مرحوم مؤلف بحیب آباد فرستادم و اینک ضمیمه اوراق اصل موجود است باین شرح بود :

«جناب آقای معلم . شما شرح حال مرحوم حکیم قآنی را در سال ۱۲۲۲ ق نوشته‌اید که در (جلد سوم مکارم ص ۷۴۵ بعد) چاپ شد . اما شرح حالسی بقلم خود حکیم در «مجله هفتگی وحید سال ۶ ش ۷ ش مسلسل ۶۷ ص ۵۴۷» چاپ شده است که آنجا تولدش را در ۲۹ شعبان ۱۲۲۳ و وفات را در ۲۷ رجب ۱۲۷۰ نوشته است . لازم است شما شرح حال چاپ شده در مکارم را با آنچه در مجله است تطبیق و تلفیق کنید و یک شرح حال جامع بنویسید و بیاورید» .

مرحوم مؤلف در ذیل مکتوب چنین نوشته بود :

«این شرح حال انشاءالله اگر حیاتی باشد در سال ۱۲۷۰ که سال وفات او است نوشته خواهد شد» .

مع‌الاسف فرصت این کار را نیافت و وفات کرده، اینک همین تذکر کافی بنظر می‌رسد. م.

❀(وفات عباس پاشا خدیوی مصری)❀

ماه شوال . شرح احوال اودر(۱۲۲۸ ج ۳ ش ۳۹۰ص ۸۶۵) گذشت .

❀(وفات سید شهاب‌الدین آلوسی بغدادی)❀

۳ذی‌القعده . شرح احوالش در(۱۲۱۷ ج ۳ ش ۲۴۳ص ۶۲۳) گذشت .

❀(۱۱۸۸- وفات میرزا مهدی ۳۷ ملک‌الکتاب فراهانی ، ره)❀

وی فرزند مرحوم میرزا روح‌الله ۳۶ بسن میرزا اقدس ۳۵ بن میرزا ابوالفتح ۳۴ مهردادحسینی (ره) است .

میرزا ابوالفتح ۳۴ مهرداد در(۱۲۱۲ش ۱۸۶) گذشت .

نواده اش میرزا روح‌الله ۳۶ از وزراء زندیه ودرهنگام فتح بصره همراه نواب محمد صادقخان اعضادالدوله بوده .

فرزندش میرزا مهدی ۳۷ صاحب عنوان از امله فضلا ورجال دوره قاجاریه بوده . شرح احوالش در«مجله یادگار. س ۴ش ۸ صادره درج ۲- رحب ۱۳۶۷ ص ۲۲- ۳۴» نوشته ، واز آن چنین برآید که او درحدود سال (۱۱۸۲) تقریباً متولد شده و کسب فضائل و کمالات عالییه نموده تا باقصی مدارج علم و فضل نائل گردید ، وبخصوص درانشاء و کتابت وخط خوش که هنر خانوادگی ایشان بود درجه ئی عالی یافت ودرنوشتن انواع خط استاد

زمان خود شد ، و بشیوه درویش رفتار می‌کرد ، و قدرت قلم او بجائی رسید که مکرر در مدت هفت ساعت هزار بیت چیزی می نوشت در نهایت سرعت و یک صفحه را نه کثیف می کرد نه سیاه . و کتب بسیاری بخط او برای فتحعلیشاه و شاهزادگان تحریر یافته . و شعر هم می گفته و تخصص عشرت می کرده .

و بهر حال ، در سنه ۱۲۱۹ که میرزا عیسی قائم مقام بزرگ (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۴ ص ۱۰۴۰) وزیر عباس میرزای نایب‌السلطنه شد میرزا مهدی را بزوجیت دختر خود مفتخر کرده وی را با خود بتبریز برد . و در سنه ۱۲۲۶ وی را برای کارهای عباس میرزا بتهران فرستاد و این وقت بحضور فتحعلیشاه باریافت . و در سنه ۱۲۲۷ رسماً وکیل امور نایب‌السلطنه در دستگاه پدرش شد . و در (ج ۲ سنه ۱۲۳۰) کاتب خاصه پادشاه گردید . و در (ج ۱ سنه ۱۲۳۵) لقب ملک‌الکتابی یافت . و پس از وفات میرزا عیسی میرزا ابوالقاسم فرزندش که قائم مقام مطلق باشد نیز این شوهر خواهر خود را مانند پدر در کارهای خود وارد کرد و همواره خود در تبریز بنزد نایب‌السلطنه بود و امور او را که می بایستی در دربار حل و فصل شود بمیرزا مهدی رجوع می کرد .

و چون مرحوم معتمد الدوله نشاط (۱۲۴۴ ج ۴ ش ۶۳۶ ص ۱۲۰۸) در اواخر عمر خود مجذوب گردید خدمات محوله بوی نیز بمیرزا مهدی رجوع می شد . و پس از وفات عباس میرزا که قائم مقام می خواست محمد شاه را ولیعهد کند و تا رسمی نشده هیچ کس نفهمد میرزا مهدی را محرم این راز دانسته و امور مربوطه باین کار را در دربار میرزا مهدی انجام داد . تا بالاخره بمقصود خویش نائل و قائم مقام جزای خود را از این پادشاه و همچنین منسوبان او از آن جمله میرزا مهدی بدترین وجهی یافتند ، و خلاصه این که وی همیشه نزد فتحعلیشاه بمنزله چشم و گوش قائم مقام بود و هیچ وقت از او دوری نمی نمود ، چنان که در موقعی که فتحعلیشاه در اصفهان وفات کرد نیز میرزا مهدی همراه بود و در مخفی نمودن فوت شاه سعیی بلیغ بجا آورده ، و در موقعی که محمد شاه در تبریز بتخت برآمد و ظل السلطان در تهران داعیه سلطنت نمود برای پیشرفت کار خود بمیرزا مهدی متوسل شد ، ولی او با ظل السلطان همراهی نکرده و مقصد قائم مقام را تعقیب نمود ، و پس از جلوس محمد شاه و وفات

قائم مقام که منسوبان او همه بزدان افتادند و اموالشان بغارت رفت میرزا مهدی نیز مستثنی نشده زندانی گردید و بعد از چندی فرار کرده بقم گریخت و آنجا متحصن شد و عیال و اطفالش در تهران بخانه میر محمد مهدی امام جمعه پناه بردند تا موقعی که محمد شاه وفات کرد و در دوران ناصرالدین شاه که میرزا تقیخان امیر روی کار آمد وی پیاس محبتهایی که از قائم مقام دیده بود بازماندگانش را مورد اُطاف خود قرار داده و میرزا مهدی را در سنه ۱۲۶۵ از قم بتهران خواست و اموال و باغات و خانهایش را بوی رد کرد، و چیزی نشد که در سنه ۱۲۶۸ امیر نیز براه قائم مقام رفت و باز میرزا مهدی و غیره بشکنجه افتادند.

این بود که او در سنه ۱۲۶۹ تهران را ترک گفته بفراهان رفت، و در ماه ذی الحجة الحرام این سال در قریه آهنگران این بلوک در ۸۸ سالگی وفات کرد، و جنازه اش را بقم آورده و در مقبره شیخان دفن کردند.

و فرزند وی از وی بنام حاج میرزا محمد حسین ۳۸ بازماند (۱۲۶۴ ج ۵ ش ۱۰۵۲ ص ۱۷۴۱).

و عشرت که تخلص شعری او است نیز تخلص چند تن دیگر از شعرا است از آن جمله:  
 ۱- سراج الدین ابن مولوی عبدالقادر لکنوی . ۲- عشرت الله آبادی، که هر دو از شعراء هند و در شماه مذکور مجله مرقومه (پاورقی ص ۳۳) نوشته اند، و غیر آنها.

و مرحوم میرزا مهدی صاحب عنوان دختری ۳۸ داشته که او زوجه میرزا علی قائم مقام (۱۳۰۰) بوده.

### وفات مرحوم حاجی ملااسدالله بروجردی، رضی الله عنه

وی فرزند مرحوم حاج عبدالله و از اجله علما در عصر خود بوده، و احوالش در «الروضة البیہ» و «روضات الجنات» و غیره نوشته، و در «قصص العلماء» در ضمن احوال حاج سید محمد باقر بیدآبادی مطالبی راجع بوی نوشته که بسیار از او دور و شانش اجل از آن

است ، و بالعکس در «المآثر» درمذایح او افراط نموده و مرقومات «الروضه» و «روضات» را که اصح بواقع می نماید از اغلاط نوشته .

و بالاخره وی «تعلیقہ ئی بر قواعد علامہ» تألیف نموده .

و در اواخر این سال ، چنان که در «روضات» و جلد اول «سفینة البحار» در ماده (أسد) آورده اند ؛ وفات کرده و قبرش در بروجرد معروف است . و تاریخ وفات او را در جلد قاجاریه «ناسخ» و جلد دوم «مرآت البلدان» و جلد سیم «منتظم ناصری» و «المآثر» در سنه ۱۲۷۱ نوشته اند (۱) .

و بهر حال ، وی فرزندان چندی داشته : اول و دویم حاجی میرزا داود و حاجی میرزا ضیاءالدین که این دونفر از یک مادر و در «المآثر: ۱۷۳» عنوانی دارند ، و حاج میرزا داود ( بنا بر آنچه آقای ساعدی در نامه ئی که در ۳ ذی الحجه ۱۳۷۳ باین فقیر نوشته فرموده ) شاگرد شیخ انصاری بوده و «شرحی بر قضاء شرایع» دارد که در سنه ۱۲۶۰ از تألیف آن فارغ شده و آنجا در اول آن شرح اجازه ئی که از شیخ دارد ذکر کرده و نسخه تخطی این شرح جزو کتب خطی آقا شیخ حسین پدر آقای ساعدی مرقوم موجود است .

سیم و چهارم حاجی میرزا عسکری و میرزا محمد مهدی ، و این دو نفر هم از یک مادرند .

پنجم آقا جمال الدین محمد ، و فانش سنه ۱۳۰۲ ، و فرزند او آقا نجم الدین علی اکبر است .

ششم آقا فخرالدین محمد ، و فرزند او آقا اسمعیل است که شعر می گفت و تخلص نافذ می نمود و در (۱۳۳۵) بیاید .

(۱) آخرین و بهترین کوششی که در نگارش شرح حال صاحب ترجمه و خاندانش بعمل آمده است بقلم عالم فاضل ، محقق متبوع حاج شیخ غلامرضاء مولانا بروجردی در جلد دوم کتاب نفیس « تاریخ بروجرد : ۳۱۸ - ۳۴۴ » می باشد . جزاه الله تعالی خیراً . در آنجا عبارت سنگ قبر را که نقل فرموده حاکی از آنست که وی در دهه سوم محرم ۱۲۷۱ وفات یافته است ، و الله العالم . م .

هفتم آقا نورالدین محمد ، و مادر این سه نفر دختر مرحوم میرزای قمی است که در (۱۲۳۱ ج ۳ ش ۴۲۴ ص ۹۱۱) گذشت ، که پس از فوت میرزا در سن ۱۲۳۷ - چنان که از «المآثر» برمی آید - بنکاح حاجی ملاسداالله درآمده .

و پوشیده نباشد که این حاج ملاسداالله صاحب عنوان غیر از ملاسداالله بروجردی دیگری است که معاصر او بوده ، یعنی قدری عقب تر از او وفات نموده که او فرزند محمدصادق است و کتابی بنام «صحیفه الشیعه» در اصول دین تألیف کرده ، چنانکه در «الذریعه» ۸ ش ۱۰۱۳ آورده . و در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۱: ۵۴۹» عنوانی بنام شیخ اسداالله بن عبدالله صدوق بروجردی آورده و کتابی بنام «مفتاح الجنان» از او ذکر کرده و وی را همین صاحب عنوان دانسته (۱).

### ❁ (۱۱۹۰- وفات میرزا ابوالحسن ، امید نهایندی) ❁

وی از اهل فضل و ادب و صاحب منصبان دیوان خانه بوده و شعر هم می گفته ، و همانا در سنه ۱۲۱۰ هزار و دو بیست و ده متولد شده ، و چون احوال او را در آن سال نوشته ایم در این سال که سال وفات او است تدارک کردیم .  
و بهر حال ، او مدتی ریاست کتابخانه سلطنتی را داشته و «دیوانی در اشعار» دارد ، و پس از مدت شصت سال قمری عمر در این سال وفات کرده ، چنان که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: ۱۴۰» فرموده (۲) .

(۱) توضیح پیرامون این اشتباه موقوف به «تاریخ بروجرد ۲: ۳۲۴» است .م.  
(۲) دیگر از مآخذ شرح حال امید بنوشته «فرهنگ سخنوران» ۱: - «نگارستان دارا» و «مجمع الفصحا ۲: ۷۱» و «فهرست کتابخانه مجلس ۳: ۲۳۰» و «انجمن خاقان» و «سفینه المحمود» و «الذریعه ۹: ۹۷» و «تذکره دلگشا» و «محک شعرا» می باشد .م.

### ❦ (۱۱۹۱- وفات مرحوم ملا حسن نائینی ، قدس سره) ❦

مرحوم ملاحسن «اعلی الله مقامه» بطوری که در «تاریخ نائین ۴: ۱۵» نوشته ، فرزند زکریا ونخود ازأجله اهل علم و عرفان وحکمت وریاضت وزهد وتقوی بوده ، اصلا از اهل قریه آرنند نائین ودمدرسه نماورد اصفهان سکونت داشته و سالها آنجا بریاضات شاقه وتدریس انواع واقسام علوم بجهت طلاب فنون مختلفه روزمی گذاشته وبقناعتی فوق العاده وانزواء وانقطاع وتجرد (اززن وفرزند) و اخلاق ملکوتی وصفات ملکئی وتهذیب نفس بسر آورده ، تا دراین سال هم در آنجا بعالم اعلی پیوسته ودرتخت فولاد درتکیه بابا رکن الدین در دم ایوان بقعه طرف راست وارد شونده دفن شده وقبرمطهرش آنجا معلوم ومعین است . در «تاریخ امامی : ص ۴۷» نوشته که وی دختر وپسری داشته که جزوزارعین بوده اند.

### ❦ (وفات حسنعلی میرزاشجاع السلطنه) ❦

شرح احوال اودر (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۰ ص ۱۵۶) گذشت .

### ❦ (۱۱۹۲- تولد غبار، شاعرهمدانی) ❦

وی آقا سید حسین بن سید رضا بن سید صادق بن آقا هاشم بن آقا مهدی بن سید ابراهیم رضوی است (که ازقم بهمدان رحلت کرده واولاداودر آنجا مانده اند) . ونواده اش

سید صادق منسوب بگلیایگان و امام جمعه همدان بوده .

و نواده او آقا سید حسین صاحب عنوان در این سال در همدان متولد شده و پس از کبارت بتحصیل علوم پرداخته و لب بشعر گفتن گشوده و در مقاطیع تخلص غبار نمود . و پس از مدت پنجاه و دو سال قمری عمر ، در سنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو ، هم در همدان وفات کرد ، چنان که این همه را باندک تغییری در «الذریعه ۹: ۷۸۵: ۹ ش ۵۲۹» فرموده . و در آن صفحه دو نفر دیگر شاعر غبار تخلص ذکر کرده که با این غبار صاحب عنوان سه نفر بشوند: یکی غبار اصفهانی که نامش میرزا ابوتراب بن التفات خان و در عهد عالمگیر پادشاه گجرات بوده . و دیگر غبار رازی که در (۱۲۷۲) بیاید (۱) ..

### ❁ (۱۹۳) - تولد پرنس میرزا رضاخان ارفع الدوله تبریزی ❁

وی فرزند حاجی شیخ حسن ایروانی و از فضلاء آذربایجان بوده و شعر هم می گفته و تخلص دانش می نموده ، و در این سال در تبریز متولد شده و سالها در وزارت خارجه ایران شغل های مهم و در تفلیس و استانبول و پترسبورگ سمت سفارت داشته ، و در سنه ۱۳۱۷ مأمور صلح لاهه شده ، و کتب چندی نظماً و نثراً تألیف کرده : اول کتاب «منتخبات دانش» . دویم

(۱) مخفی نماند که «دیوان اشعار غبار همدانی» بسال ۱۳۴۲ ق طی ۶۶ صفحه رقعی در آغاز مجموعه « دانشنامه » باهتمام شاد روان حاج شیخ محمد باقر آفت نجفی اصفهانی بچاپ رسید و دو سال قبل نیز تجدید طبع شد . در کتاب «بزرگان و سخن سرایان همدان ۲: ۱۶۷» گوید که دیوان غبار را قبل از آن «توسط مدیر چاپخانه صفائیه همدان دوستانش در ۱۳۲۵ ق چاپ کرده اند» و ایضاً «دفعه سوم در همدان بتوسط آقای عراقچیان در ۱۳۳۴ ش. این نسخه که بوسیله آقای عراقچیان بچاپ رسیده مشتمل است بر مقدمه ئی مفصل که بوسیله شخصی بنام مرتضی کیوان نوشته شده» ، انتهی . مؤلف کتاب مذکور در شرح حال غبار ❁

کتاب بسیاری راجع به الفباء پارسی، واستقرار صلح عمومی، وطول عمر طبیعی انسان وغیره. و او در ماه محرم الحرام سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش - مطابق حمل ماه برجی - در تهران وفات کرده، چنان که در «مجله یادگار. س ۳ ش ۳ ص ۳۴» نوشته. و در «الذریعه: ۹: ۳۱۵-۳۱۷» چندین نفر شاعر دانش تخلص را ذکر کرده.

﴿۱۹۴- وفات مرحوم حاج سید رضی لاریجانی، رضی الله عنه﴾

وی از اجله حکما و فضلا و در حکمت متعالیه نخست در اصفهان و بعد از آن در تهران تدریس می فرموده، و در این سال وفات نموده. و فرزندش مرحوم شمس الادبا در (۱۲۵۳ ج ۴ ش ۸۰۸ ص ۱۴۲۰) گذشت. و یکی از شاگردانش میرزا محمد تنکابنی (۱۳۰۲) است. و دیگر آقا محمد رضا قمیسه ئی (۱۳۰۶) و چنان که در «مجله یادگار. س ۳ ش ۱ ص ۷۶ و ۷۵» نوشته: خود شاگرد بلا علی نوری و میرزا عبدالجواد شیرازی بوده.

\* گوید: «ولادت او در سال ۱۲۶۵ هجری قمری در محله کبا بیان همدان بوده است». و در شرح حال مختصری که مرحوم الفت در «دانشنامه: ۶۶» نوشته گوید: «غبار در حدود دیکهزار و دوست و هفتاد در شهر همدان تولد یافته». ظاهراً در «الذریعه» بکلمه حدود اعتنائی ننموده و ولادتش را در (۱۲۷۰) قید کرده اند. اشتباه دیگری که در «الذریعه» واقع شده و از آنجا بمن این کتاب آمده است نسبت دادن حاج سید صادق جد غبار بگلپایگان است که صواب کبا بیان می باشد نه گلپایگان. بنا بقول «فرهنگ سخنوران» آزاد همدانی شرحی راجع به غبار در «مجله ارمغان: ۱۰: ۳۲۱ - ۱۷۰۳۲۶: ۵۵۴ - ۵۵۵» نوشته است. و در فرهنگ جمعاً پنج نفر غبار تخلص و هشت نفر غباری را ذکر کرده م.

﴿ (۱۱۹۵- تولد شیخ عبدالهادی آل شلیله بغدادی) ﴾

وی ابوالحسن بن حاج شیخ جواد بن شیخ کاظم بن شیخ علی بن شیخ کاظم همدانی .  
 و خود از علما و اهل شعرو ادب در این عصر و معروف بهمدانی بود که در اینسال - چنان که در  
 «الذریعه ۸: ش ۴۰۶» نوشته - متولد شده و چندین کتاب تألیف کرده :

اول کتاب «الدرة المنتظمة» که آن ارجوزه ئی است در اصول فقه . دویم کتاب «العقد  
 الفرید» انجام تألیف آن سنه ۱۲۹۷ . سیم کتاب «فرايض الفقيه» که آن ارجوزه ئی است  
 در ارث و نام آن ماده تاریخ آن است که (۱۳۱۷) میشود . چهارم کتاب «لؤلؤة المیزان» که  
 آن ارجوزه ئی است در منطق . پنجم شرح آن ، چنان که در «احسن الودیعه ۲: ۱۰۸» نوشته .  
 و اوروایت می کند از استادش حاج شیخ محمد طه نجف ، و از او سید عبدالله بلادی  
 (۱۲۹۱) و حاج شیخ اسمعیل نجفی اصفهانی (۱۲۸۸) . و چندین نفر از علما از شاگردان اویند ،  
 از آن جمله سید مهدی آل بحر العلوم (۱۳۳۵) .

و او در آخر عمر بقصد زیارت مشهد بطرف ایران حرکت کرد و چون بکند رسید در  
 سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه ، پس از شصت و سه سال عمر وفات نمود ، و نعش او را  
 از آنجا بنجف آورده و در آن زمین برین دفن کردند ، چنان که در «الذریعه ۱: ش ۲۲۷۴» فرموده .  
 در «دیوان سید موسی طالقانی ۱: ۲۶۱» پاورقی «چندین نفر از علما را که در کردند وفات  
 کرده اند ذکر کرده ، و ما در احوال حاجی شیخ جعفر شوشتری علمائی که در کردند وفات  
 کرده اند ذکر نموده ایم .

## ❁ (۱۱۹۶- وفات قطره ، شاعر چهارمحلی) ❁

چهارمحل (چنانکه در «تاریخ اصفهان: ۱۸۳ قسمت بالای صفحه» و نیز کتاب «تاریخ و جغرافیای چهارمحل و بختیاری آقای کریم نیکزاد امیرحسینی» فرموده اند) ناحیه ئی است در جنوب غربی اصفهان یعنی مابین مغرب و جنوب که ابتدای آن در سیزده فرسنگی شهر و انتهایش در بیست و هشت فرسنگی آراست، و از شمال محدود است بدهستان لجان و کرون، و از مشرق بسمیرم علیا، و از جنوب بکوه سوخته میانه اردل و شلمزار، و از مغرب بفریدن؛ و آنرا بچند شعبه قسمت کرده اند که یکی شعبه راراست مشتمل بر چند قریه که یکی از آن ها سامان است.

و قطره از شعرای آن محل و بطوری که در کتاب مذکور (ص ۱۰۲) فرموده نامش **عبدالوهداب بن مهدی**، و خود اولین شاعر معروف سامان بوده که در حدود سال ۱۱۹۸ متولد شده، و اوائل عمر خود را در سامان گذرانیده و سپس بدر بارودرگاه فتحعلیشاه راه یافته، و کتابی دارد بنام «فتحنامه» در فتوحات مختار بن ابوعبیده ثقفی، و خود در «مجمع الفصحا» عنوانی دارد. و **آخر** در اینسال وفات کرده، و فرزندان او داشته، یکی نصرالله دریا که در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۹۰ ص ۱۲۸) گذشت. و دیگر میرزا عبدالله جیحون که در (۱۲۶۴ ج ۵ ش ۱۰۷۷ ص ۱۷۸۵) گذشت.

﴿﴿ ۱۱۹۷ - تولد حاجی میرزا سید علی ۳۷ شیرازی ، ره ﴾﴾

وی فرزند مرحوم حاجی میرزا حسن ۳۶ خان فسائی است که در (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۸ ص ۱۰۴۳) گذشت .

حاجی میرزا سید علی از علما و معاریف فارس بوده و در این سال از بطن دختر مرحوم میرزا سید علی نیاز که در (۱۱۹۷ ش ۳۱) گذشت متولد شده و تحصیل علوم عقلیه و نقلیه نموده تا از فضلا گردید و بتدریس مدرسه منصوریه برقرار شد ، و شعر هم می گفت ، و پس از وفات پدر بتولیت مدرسه مرقومه نائل و لقب **مهدب الدوله** یافت ، و در دوره سیم مجلس وکیل مردم شیراز شد ، و در روز آدینه بیست و چهارم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۲۷ هـ از وی رسید و بیست و هفت - مطابق ۱۸ سنبله ماه برجی - وفات کرده و در نزد پدر دفن شد .

﴿﴿ ۱۱۹۸ - تولد حاج علی زین عاملی ﴾﴾

وی فرزند حاج سلیمان بن شیخ علی بن شیخ زین صیداوی عاملی است .  
 شیخ زین در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۸ ص ۴۰۳) گذشت ، و چیزی که باید آنجا بگوئیم و نگفته ایم این که خزرچی که آنجا ذکر شده منسوب است به خزرچی که نام شخصی معروف از اعراب زمان جاهلیت در مدینه طیبه بوده و بعد از ظهور اسلام و اظهار دعوت حضرت رسول (ص) اولاد و اعقاب او یاری آن جناب برخواسته وی را بمدینه دعوت کردند و از این رو بکلمه **أنصار** مشهور شدند ، و بعد از آن شعب کثیره و طوائف عدیده در بلاد متفرقه از آنها بهم رسید و هر کدام بنامی معروف شدند ، از آن جمله این خانواده **زین** در جبل عامل که منسوب بشیخ زین مذکور اند ، و او معلوم میشود که شهرتی بسزا داشته که اعقابش بوی معروف شده اند .

در «نقباء البشر: ۱۲۷ ش ۲۸۶» فرماید: آل زین از طوائف شریفه جبل عامل است که در آن علما و فقها و فضلا و زعما و رؤساء چندی بهم رسیده اند که در تاریخ صحیفه ثی بیضاء برای آنان بهم رسیده، انتهی.

و شیخ علی فرزند این شیخ زین از امراء و حکام شیعه در آن نواحی بوده، و فاتش سنه ۱۲۳۲ در جبل عامل، چنانکه در «شهداء الفضیله: ۲۶۴» گفته.

فرزندش حاج سلیمان در سنه ۱۲۶۳ وفات کرده و سه فرزند داشته: یکی شیخ حسین ابوخلیل که در (۱۲۸۴) بیاید. و دیگری شیخ محمد که در (۱۳۱۷) بیاید.

و دیگری حاج علی صاحب عنوان که از شعرا و ادباء این عصر بود و او در این سال در صیدامتولد شده، و این با وفات پدرش در (۱۲۶۳) نمیسازد، و ما هر دورا بدین طور در «شهداء الفضیله: ۲۷۳ و ۲۶۹» دیدیم، و چون در جای دیگر چیزی بنظر نرسید نتوانستیم در آن تحقیقی بنمائیم تا پس از این چه بشود (۱).

و بهر حال، حاج علی پس از کسب علوم بشاعری رغبت نموده و اشعار آبدار بسیاری سروده. و پس از مدت هفتاد و نه سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرده. و فرزندش شیخ احمد زین در (۱۳۰۱) بیاید.

### ﴿۱۱۹۹- تولد حاجی میرزا علی اکبر همدانی﴾

حاجی میرزا علی اکبر فرزند شیر محمد و ملقب به دبیر و مکنی به ابوالمکارم و معروف به صدر الاسلام و از علماء این عصر بود. و او در این سال - چنانکه در «نقباء البشر: ۱۶۰۱» فرموده - متولد شده، پدرش مستوفی امیر همدان بوده و وی را نیکو تربیت نموده، و چون بحد رشد و تمیز رسید بجای او بهمان کار پرداخت، و چون حضرت حق - جل جلاله تعالی - برای او خیر می خواست؛ هجرت بنجف نمود و با ملاحسینقلی همدانی اخلاقی (۱) در «اعیان الشیعه ۳۵: ۳۵۷» وفات حاج سلیمان را ۱۲۷۲ نوشته است. م.

آمیزش بهم رسانید و اموال وی را از شبهات تطهیر و نفوسش را از رذائل پاک کرد، و حاجی میرزا علی اکبر بمکه معظمه رهسپار شد و از آنجا بنجف رفت، و چندی بدروس بعضی از علما رفت تا آخر بمجالس دروس آقای شریعت و حاجی آقا رضا همدانی و حاجی نوری راه یافت و از این بزرگوار مجاز در روایت گردید، و در سنه ۱۳۲۲ بهمدان باز آمد، و پس از دوسه سالی در سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کرد، و چندین فرزند صغیر باز نهاد (۱).

(۱) شرح حال صاحب ترجمه را آقای دکتر مهدی درخشان در کتاب «بزرگان و سخن سرايان همدان ۲: ۷۳-۷۵» ذیل عنوان «صدر همدانی = صدر الاسلام = گلشن = دیر» بنقل از چند مأخذ چاپی ذکر کرده است، اما اطلاعی از خاندان و باز ماندگان آن مرحوم بدست نداده و درباره مدت عمر و وفات و مدفنش گوید: «... در سال ۱۳۲۵ ق در حالی که بیش از ۴۵ مرحله از عمرش نمیکدشت دارفانی را وداع گفت و جسدش را بنجف اشرف منتقل کردند»، انتهى.

بهترین شرح حالی که از صاحب ترجمه در دست است رساله ئی است بخط خود آن مرحوم در ۱۶ صفحه باندازه وزیری که در یکی از تألیفاتش «کاسه درویشان» وارد کرده و نسخه اصل آن با چند تألیف دیگر نزد فاضل ارجمند آقای حاج میرزا فخرالدین نصیری امینی (حفظه الله تعالی) موجود است و معظم له این جزوه را در سر آغاز کتاب نفیس دیگر صاحب عنوان «تکالیف الانام فی غیبة الامام علیه الصلوة والسلام» در سال ۱۳۹۶ ق در تهران عیناً هر دو از روی خط زیبای مؤلف با ضامم نفیس دیگر «جمعاً در ۳۱۳ صفحه» بطبع رسانیده و حسباً توزیع نموده اند. جزاه الله تعالی عن الاسلام و اهله خیراً. مراجعه باین مجموعه جلیله بسیار مغتنم می باشد.

باری صاحب عنوان در مقدمه رساله گوید: «این حقیر اسم علی اکبر خلیف مرحوم میرزا حاجی میرزا شیر محمد بن حاجی گل محمد بن ثقه عادل آقا محمد طاهر الهمدانی، و نام مادر مرحومه مغفوره ام حاحیه خورشید خانم بنت مرحوم ثقه عادل آقا محمد شریف همدانی است» الخ. آنچه شایان توجه است اینکه در اواخر رساله گوید: «... زمان مجاورت در نجف اشرف که حالت صحت بدن و اسباب جمع داشتم روزی یکهاز و دو بیست بیت تحریر می نمودم و فعلاً قریب بده سال است «ناسخ التفسیر» را نمی توانم از سواد به بیاض بیاورم، و این اوقات قادر بر این نیستم که روزی يك صفحه بنویسم چرا که فعلاً عمرم از چهل\*

واو شعر هم می گفته و تخلص دبیرالدین می نموده (۱) ، و چندین کتاب نظماً و نثراً تألیف فرموده ، از آن جمله : کتاب «اخوان الصفا» در اخلاق ، و کتاب «ناسخ التفاسیر» هشتاد هزار بیت ، و غیره .

و پس از مدت پنجاه و پنج سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۵ هـ اروسید و بیست و پنج وفات کرد.

### ﴿﴿۱۲۰۰- وفات مرحوم ملاعلی مددکاشانی ، ره﴾﴾

وی فرزند مرحوم رمضان ساوه ئی و خود از علمای عظام و فقهای بسزرگ عصر خود بوده ، و در نزد صاحب «ضوابط» و غیره - چنان که در «لباب الاقاب : ۷۷» نوشته - درس خوانده ، و کتب چندی تألیف نموده ، از آن جمله : «شرح ارشاد علامه» که فقط دو جلد از آن در موضوع بیرون آمده ، و در این سال در ساوه وفات کرده و در رقم در مقبره ابن بابویه در پائین دیوار شرقی دفن و بر قبر او بنجره کوتاهی می باشد .

و فرزندش مرحوم حاجی میرزا حبیب الله در (۱۳۴۰) بیاید .

\*سال متجاوز است وقوا و مشاعرم بتخلیل رفته و کسالت و غلت مزاج فرصت نمیدهد» .  
سپس صورت تألیفات و بعد از آن اسامی اولاد خود را ذکر نموده و آخرین تاریخی که در این رساله دیده میشود در سطر آخر آنست که گوید : «تاریخ تولد نورچشمی نورالهدی خانم صبیبه رابعه در همدان وقت مغرب شب دوشنبه چهارم شهر ربیع الاول سنه یکهزار و سیصد و بیست و شش سنه ۱۳۲۶» ، انتهى .

پس معلوم میشود وفات صاحب عنوان متأخر از تاریخ فوق بوده و قول به ۱۳۲۵ خطاء محض می باشد ، والله العالم .م .

(۱) در «فرهنگ سخنوران» ازده نفر دبیر تخلص یاد کرده که یکی از آنها نیز همدانی است ، اما از صاحب عنوان اطلاعی نداشته و ذکر ی نکرده است .م .

﴿(۱۳۰۱- وفات محمد ، صائب شاعر ترکی عثمانی)﴾

در «ریحانة الادب: ۲: ۴۰۸» بعد از ذکر محمد صائب (۱۲۶۲ هـ ۵ ش ۱۰۲۲ ص ۱۶۹۱) اورا ذکر کرده و گوید : عاشق مشرب بوده و اخیراً بنای عیش و عشرت گذاشته و عاقبت مبتلا باختلال حواس گردیده و بیمارستان رفته و در این سال درسی و چهار سالگی در همانجا درگذشت، و این شعر را از او آورده:

باده ویردی حاصل عمریم جفای روزگار

صائبا اوراق تدیرین قضا سوزانید ور

انتهی .

﴿(۱۳۰۲- تولد مرحوم حاجی سید محمد لاجوردی ، ره)﴾

وی فرزند مرحوم سید حسین مظفری است که در (۱۲۱۵ هـ ۲ ش ۲۱۸) گذشت .  
 مرحوم حاج سید محمد از علماء این عصر و نزیل کربلا می‌باشد . او در این سال در نجف متولد شده و خدمت چندین نفر از علماء تحصیل نموده ، و «تقریرات دروس» آنها و برخی از کتب دیگر را تألیف کرده ، و آخر در ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۵۳ هـ از اوس صد و پنجاه و سه - مطابق (ابان- آذر) ماه برجی- در کربلا وفات کرد .  
 و فرزندش سید زین العابدین در فواضل و فضائل جانشین وی گردید .

﴿۱۲۰۳﴾- تولد مرحوم حکیم هیدجی ، قدس سره (العزیز) ﷺ

هیدج - بکسرهاء هوز وسکون یاء حطی وفتح دال ابجد وسکون جیم - چنانکه در کتاب «فهرست علماء زنجان : ۱۳۳» نوشته ، قریه بزرگی است از مضافات زنجان در نزدیکی ابهر رود که از اعمال خمسه ومیانہ زنجان وقزوين افتاده .

ومرحوم هیدجی صاحب این عنوان - چنانکه در (ص ۱۳۵) این کتاب فرموده - نامش حاجی ملا محمد بن حاج معصوم علی ، ونخود از مشاهیر حکماء الهین و معاریف اساتید ومدرسین این عصر در تهران بود ، وشرح احوالش در آخر حاشیة خودش بر «شرح منظومه : ۴۳۵» و«فهرست علماء زنجان : ۱۳۵» و«الذریعه ۶: ۱۳۶ ش ۷۴۱ و ۱۳: ۹۰ ش ۱۸۶۳ و ۹: ۱۳۰۴ ش ۸۳۶۴» نوشته ، واز آنها همه چنین برآید که وی در اینسال (۱۲۷۰) بنص این مأخذ اخیر در هیدج متولد شده ودر سنه ۱۲۹۷ مهاجرت بقزوين نمود وعلوم منطق ونحو و صرف ومعانی و بیان را تحصیل کرد ، آنگاه در ۳۵ سالگی بطهران ونجف رفت و پس از بیست سال بطهران باز آمد ، ودر نزد میرزا محمد حسین مدرس سبزواری (۱۳۱۷) علوم کلام وریاضیات را ، ودر نزد میرزای جلوه معارف حقه وفنون حکمت را ، ودر نزد علماء دیگر فنون فقه واصول وحديث وغيره را درس خواند .

آن گاه در مدرسه منیریه امامزاده سید ناصرالدین بعنوان تدریس معقول بر قرار ودر حدود سی سال آنجا بتدریس معقول مشغول بود ، وگاهی شعرهم بفارسی وترکی می گفت وتخلص از نخست معنی وسپس هیدجی بنسبت قریه مرقومه می نمود ، بعد از پدر علائق ارثی را از ملک ومواشی ببرادران خود واگذار ومجرداً در طهران بانزواء وقناعت عمری را بسر آورد ، وغیر از حج وزیارت ائمه (ع) سفری دیگر نکرد ، بلکه خود را آلوده بتزویج نیز نفرمود .

«وتعلیقه ثی بر شرح منظومه حاجی» در حکمت که ذکر شد و«مجموعه ثی در نظم ونثر

عربی و فارسی و ترکی» در آداب و اخلاق و حکم و امثال تألیف کرد، و در «الذریعه ۳ : ۹۰ ش ۱۸۶۳» تعبیر از این تعلیقه به «شرح منظومه» نموده. و نیز منظومه ئی دارد بنام «دانشنامه» (۱) در برابر «شاهنامه». و اینک این چند شعر از او نوشته شد :

پاکی دل پیران پارسا سوگند	که من بجاه و جلال جهان نیم در بند
من از تمام جهانم بگوشه ئی خشنود	من از متاع جهانم بتوشه ئی خرسند
ز مال و مکننت دنیا نگاه پوشیدم	چو از نخست چنین داد پیرا هم پند
که ای جوان ز جمال جهان فریب مخور	دل از محبت این پیره زال باید کند
منه بمال و بفرزند دل ، نبخشد سود	ترا برو قیامت نه مال و نه فرزند
بدان که عزت جان است با قناعت جفت	چنان که ذلت آن است با طمع پیوند

قسم بکیش مسیحا که هیدجی زین پس  
پای خود نگذارد کسی گذارد بند

و آخر در ماه ربیع الآخر این سال ، چنان که در «الذریعه ۶ : ش ۷۴۱» نوشته - مطابق (مرداد - شهریور) ماه باستانی - در طهران وفات کرد و جنازه اش را بقم برده و در قبرستان بابلان دفن کردند .

و در مدرسه منیریه که وی در آن مدرس بوده - چنان که در (ص ۱۳۷) جلد مرقوم «الذریعه» در پاورقی نوشته - از بناهای امیر نظام حاکم طهران است که اتمام آنرا خواهرش منیر السلطنه زن ناصرالدینشاه نموده و بنام او موسوم شده . و در آن مقبره امامزاده سید ناصرالدین از اولاد حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) جد سادات طالقان واقع شده ، و نصف این مدرسه و امامزاده در سنه ۱۳۵۱ که خیابان خیام را احداث می کردند در خیابان مرقوم افتاد ، انتهى .

(۱) بگفته مؤلف «فرهنگک سخنوران : ۶۳۶» چاپ سیم «دانشنامه و دیوان هیدجی» در تبریز انجام شده و ترجمه حال حکیم هیدجی بنحو اجمال در آن آمده ، و نیز از مآخذ شرح حال آن مرحوم کتاب «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت : ۱۸۴-۱۸۳» را یاد کرده است . ۴۰

و منیر السلطنه مرقومه را در «المآثر: ۱۵» منیره السلطنه (با تاء تأنیث) و دختر محمد

تقیخان معمارباشی و مادر نایب السلطنه (۱۲۷۲) نوشته .

### ﴿(۱۲۰۴- وفات ارتضا علی خان صفوی مدراسی)﴾

محمد ارتضا علی خان مردی فاضل و ادیب بوده و کتب چندی تألیف نموده : اول کتاب «التصریح المحشی» در منطق. دویم کتاب «النفائس الارضیه» در شرح «الرساله العزیزیه» تألیف شیخ عبدالعزیز دهلوی درمعانی و بیان باحاشیه ثی بر آن . و در اینسال وفات کرده ، چنان که در «معجم المطبوعات : ۴۲۱» نوشته .

### ﴿(۱۲۰۵- وفات مرحوم حاج سید محمد تقی قزوینی ، رحمه الله)﴾

وی فرزند مرحوم میر مؤمن بن میر محمد تقی بن میر محمد رضا بن میر محمد قاسم حسینی قزوینی است .

میر محمد رضا از علما بوده و کتابی در اعمال شهر رمضان بنام «صیامیه» تألیف نموده . نواده اش حاج سید محمد تقی صاحب عنوان از اجله علما و اهل شعر و ادب بلکه خدایوند کرامات و مقامات و قدس و تقوی بوده ، و کتب چندی تألیف نموده : اول «ارجوزه الفیه ثی در نحو» که مطلع آن این است :

قال التقی بن التقی بن الرضا      مفتخراً بالمصطفی والمرضی

و در اینجا ظاهراً برای نظم شعر نام پدر خود را ذکر نکرده . دویم کتاب «خلاصه التفاسیر»

در تفسیر. و او شاگرد سید محمد کربلائی که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۱۱ ص ۱۱۵۸) گذشت بوده و هم از او روایت نموده.

و مرحوم حاج سید محمد مهدی قزوینی که در (۱۲۲۲) گذشت (۱) از او روایت نموده باجازه مفصله‌ئی که نزدیک به «لؤلؤتی البحرین» می‌شود. و در این سال وفات کرده. و نواده‌اش سید آقای قزوینی در (۱۳۳۳) بیاید.

### ❁ (۱۲۰۶- تولد میرزا محمد جواد شباب شاعر کرمانشاهی) ❁

وی از بزرگان شعرا و اهل علم و ادب عصر ما بود که در انواع و اقسام اشعار مهارتی بسزا و طبعی سرشار داشت و تخلص شباب می‌نمود، و قصائد و غزلیات وی در کتابهای ادبی و مجموعه‌های شعری نوشته شده، و همانا وی در اینسال - بنص کتاب «سخنوران نامی معاصر ۲: ۱۶۵» - در کرمانشاه متولد شده و هم آنجا تحصیل علوم نمود، و چندی روزنامه‌ئی بنام «فصاحت» منتشر کرد، و کلیات اشعار او زیاده بر پنجاه هزار بیت است که هر قسمتی از آن بهر یک از نام‌های ذیل میباشد: ۱- شکرستان ۲- مخزن لآلی ۳- نشاط شباب ۴- چشمه نوش ۵- دبستان معرفت ۶- تیرشهاب ۷- پریشان ۸- لسان العاشقین ۹- کیمیای سعادت. و هم در کتاب «وحید بهبهانی: ۳۳۳» شرح احوال او ذکر شده و آنجا فرماید: «وی از خاندان ملا عبدالجلیل کرمانشاهی است (چنان که ما نیز در سال (۱۳۱۹) در احوال ملا عبدالجلیل مذکور اشاره بدان نمودیم) و طبعی روان و قریحه‌ئی سرشار داشته و در بدیهه- گوئی استاد بوده...».

آن‌گاه نوشته‌ئی که «رساله‌ئی در رد عارفنامه ایرج میرزا» از وی در مجموعه اشعاری که بخط او بود بنظر رسید. و از عجایب این که در این مجموعه که بسال ۱۳۴۱ نوشته شده در قطعه‌ئی که در آخر آن است تاریخ فوت خود را صریحاً بنظم آورده که نه سال پیش از وفاتش

(۱) شرح حال قزوینی بهنگام طبع از قلم مؤلف ساقط شده بناچار در (۱۳۰۰) سال

فوتش بیاید. م.

بوده ، و آن این است :

چون سال حیات من بهشتاد رسید      بگذشت بمن عمرچه زیبا وجه زشت  
 هنگام رحیل را که بر بستم رخت      رضوان جنانم خط احضار نوشت  
 تاریخ وفات خویشتن را گفتم :  
 باحب علی شهاب را جای بهشت

۱۳۵۰

انتهی و اینک این غزل از او از «سخنوران» آورده شد :

چنانکه ابر و گل اندر بهار گرید و خندد  
 دل من ولبت ای گل‌گذار گرید و خندد  
 به بینوائی فصل خزان و شادی گل‌ها  
 شگفت نیست گر ابر بهار گرید و خندد  
 دلم بسینه گه از درد یار و گه بامیدی  
 کزان نگار شود کامکار گرید و خندد  
 بروزگار من و وعده‌های وصل دروغی  
 که یار می‌دهدم روزگار گرید و خندد  
 ز هجر یار و بید عهدی جهان پس مردن  
 روان پاک من اندر مزار گرید و خندد  
 بدار اگر بکشندم بجرم عشق حبیبم  
 پیاپیداری من پای دار گرید و خندد  
 کسی که همچومش باپری بود سرالفت  
 یقین شهاب که دیوانه وار گرید و خندد

او در عصر جمعه نوزدهم ماه ربیع‌الآخر سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو - مطابق ۲۰ مرداد ماه باستانی - وفات کرد . لیکن دیدی که در کتاب «وحدید» وفاتش را بدون تعیین

ماه وروزدرسال ۱۳۵۰ نوشته ، وظاهراً وی در ۱۳۵۰ که مطابق قطعه تاریخ باشد وفات نکرده و مؤلف کتاب «وحید» اشتباه نموده ودرست همان قول «سخنوران» است .

### ﴿(۱۲۰۷- وفات زرگر شاعر اصفهانی)﴾

وی بطوری که در «مجمع الفصحا ۲ : ۱۵۰» نوشته نامش آقا محمد حسن وازعظماء شعراء زمن خود بوده ولطافت وجذابیتی که در اشعار او هست در اشعار کمی از متأخرین دیده میشود . و او در اصفهان بزرگری اشتغال داشته ودر این سال لوای سفر آخرت برافراشته . و در (۱۲۹۷) فهرست اسماء چندین نفر از بزرگان که بکلمه زرگر شهرت دارند بیاید (۱) .

### ﴿(۱۲۰۸- وفات سعیدالعلماء بارفروشی مازندرانی)﴾

وی بطوری که در کتاب «تاریخ رجال ایران در سه قرن اخیر ۲ : ۷۱» نوشته باملاحظه بعضی از مواضع دیگر: نامش ملا محمد سعید (۲) و مقیم بارفروش بوده . پس از تحصیلات مقدماتی برای تکمیل اصول و فقه بعراق عرب رفت و در حوزة درس ملا محمد شریف ملقب بشریف العلماء آملی داخل شده در جزء شاگردان وی گردید ، سپس از او اجازه اجتهاد گرفته بیارفروش برگشت ... سعیدالعلماء در سال ۱۲۷۰ بناخوشی و با درگذشت : تلخیص از «تاریخ رجال ایران» .

(۱) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و چهارتن زرگر تخلص دیگر در «فرهنگ سخنوران :

۲۴۷» یاد شده است .م.

(۲) مع الاسف مرحوم معلم از این شرح حال بیش از همین چند کلمه را نوشته بناچار

شرح فوق را از دو مأخذ مرقوم آوردیم .م.

ودر «الکرام البرره : ۵۹۹» بتقریبی گوید که وی از اعظم علما و اکابر فقها و مشاهیر اجلاء عصر خود بوده و بقیامت و اجتهاد معروف و در ردیف آخوند ملا آقای دربندی و سید شفیع جابلاقی و شیخ مرتضی انصاری و أقرانشان بوده ، و جماعتی از بزرگان علما ، چون ملا محمد اشرفی و شیخ زین العابدین مازندرانی و غیر آنان در نزد او درس خوانده اند . و سید محمد بن ربیع شوشتری در حدود (۱۲۴۶) برخی از «تقریرات دروس» وی را نوشته است ، سعیدالعلما نزدیک بسال (۱۲۷۰) وفات یافت ، انتهی م.

### ﴿(۱۲۰۹- وفات شاهد ، شاعر ایزد خواستی)﴾

وی مرحوم حاجی آقا میرمحمد مؤمن بن سید ابوالقاسم و اصلاً از سادات رضوی خراسان و اجدادش از آنجا بفارس آمده و در ایزد خواست توطن نموده اند . و حاجی آقا میر محمد مؤمن سیدی عالی همت و شاعر - نیکو فطرت بوده و در اشعار تخلص شاهد می نموده ، و او در ایزد خواست متولد شده و در شیراز تحصیل علوم نموده ، و در این سال - چنان که در «فارس نامه» نوشته - وفات کرده . و در «طرائق» اشتبهاً نقل از «فارسنامه» در سنه ۱۲۶۱ نموده . و بهر حال ، وی فرزندی داشته : اول حاجی میرزا حسن تولدش سنه ۱۲۴۹ . دویم حاجی میرزا حسین که در سنه ۱۲۵۲ در شیراز متولد شده و پس از مدت ۵۴ سال عمر در سنه ۱۳۰۶ در تهران وفات کرده و دو نفر پسر از او بازمانده . سیم میرزا محمد صادق تولدش سنه ۱۲۵۴ . چهارم میرزا علی تولدش سنه ۱۲۵۸ ،



و فرزندش میرزا هادی در حدود سال (۱۳۰۶) با سنی متجاوز از هفتاد در قم وفات نمود.  
 و در «روزنامه اطلاعات» س ۲۴ ش ۷۱۰۹ صادره در غره ع ۱-۳۶۹ « وفات نصرت  
 آقای صدری نجل صدر الممالک اردبیلی را در کربلا نوشته ، انتهى .  
 و ظاهراً وی نتواند پسر بلافاصله صدر الممالک باشد و چنین برآید که وفات وی در  
 اواخر صفر این سال بوده . و در شماره ۷۱۱۲ (۱۳۰۵) وی را جوان و پدر او را فضل الله و در  
 حین فوت وی زنده نوشته ، انتهى . پس معلوم میشود که نصرت آقای متوفی پسر فضل الله  
 و او شاید پسر یکی از فرزندان صاحب عنوان که شاید میرزا هادی مرقوم باشد بوده و مقصود  
 از نجل نواده میباشد .

❁ (۱۲۱۱- تولد مرحوم ثقة الاسلام حاجی شیخ) ❁

❁ (محمدعلی اصفهانی ، ره) ❁

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ محمد باقر اصفهانی است که در (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۸۹  
 ص ۱۰۰۷) گذشت .

مرحوم حاج شیخ محمد علی از بزرگان علما و فقهاء عصر خود در اصفهان بود و در فروع  
 و شعب مسائل فقه تبحر و اطلاعی تمام داشت . و او در احوال ربیعین این سال - مطابق (قوس  
 - جدی) ماه برجی - از بطن دختر مرحوم آقا سید صدرالدین عاملی (ره) متولد شده و در  
 نزد چندین نفر از علما از آن جمله پدر خود و میرزای رشتی - چنانکه در «فهرست کتابخانه  
 رضویه ۵: ۵۸۱» نوشته - درس خواند ، و کتب چندی تألیف کرد ، از آن جمله : اول  
 «رساله ثنی در ولایات» (۱) . دویم کتاب «لسان الصدق» در مواعظ و اخبار (چنانکه در «الذریعه

(۱) این رساله محققانه فقهی عربی که در مسئله ولایت پدر و جد و وصی و حاکم شرع  
 است ، بقطع ربع در ۱۷۴ صفحه (ظاهراً در اصفهان) چاپ شده سعی و اهتمام حاجی میرزا  
 محمد جعفر گلستانه تاجر کتابفروش اصفهانی (از سادات گلستانه) و آقا محمد حسین بن محمد \*

۱۸: ۳۰۵ش ۲۲۳» فرموده (۱) .

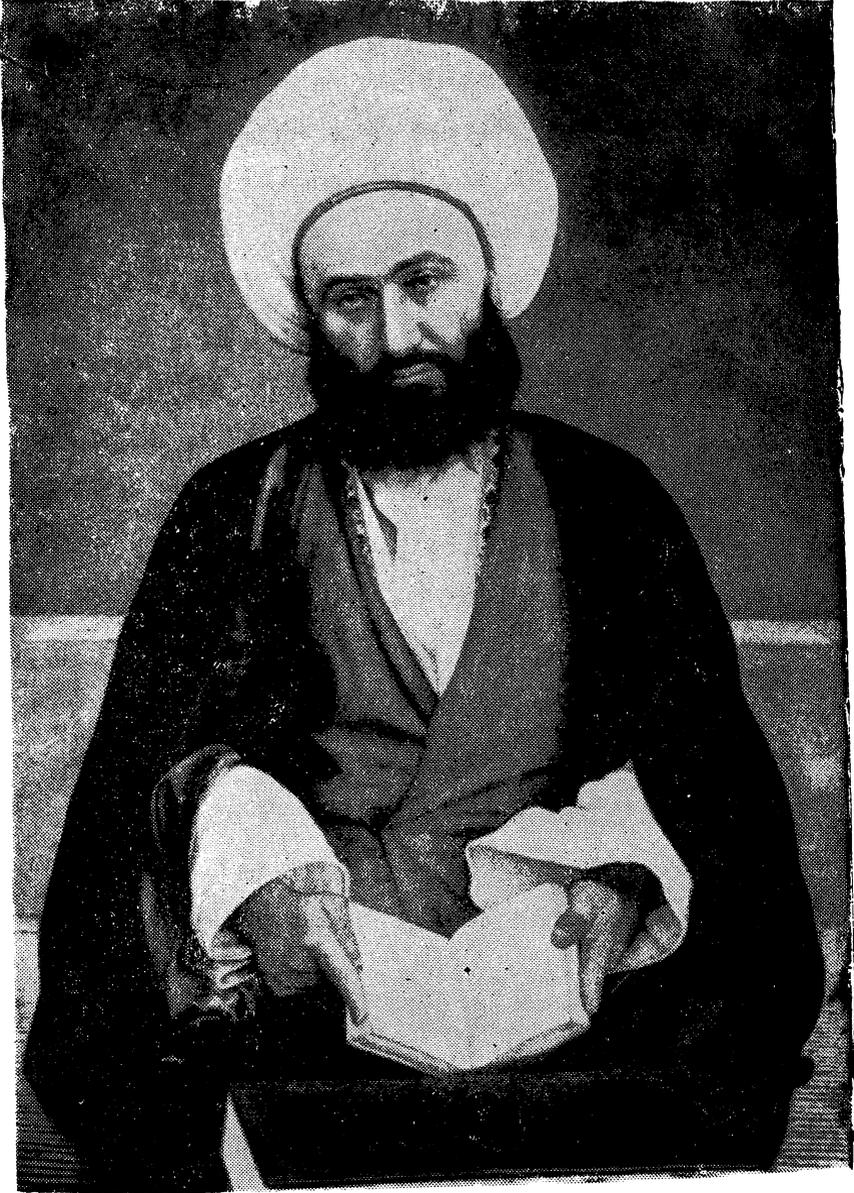
سیم «رساله ئی در اصول دین و اخلاق» (۲) .

و اوروایت می کند از پدر خود از شیخ حسن بن شیخ جعفر و صاحب «جوهر» چنان که خود در «اجازه» ئی که برای سید فانی (که در ۱۲۸۱ بیاید) نوشته ذکر کرده . و از او سید فانی مذکور.

\* جعفر تاجر کتاب فروش اصفهانی و کاتب آن «اقل الطلاب واحقر الکتاب» محمد علی بن محمد صادق ورنو سفاردانی سدهی اصفهانی است که در ۸ ماه رمضان ۱۳۱۳ از آن فراغت یافته و لابد در همان سال بطبع رسیده است . روی صفحه اول مدح بلیغی از مؤلف نوشته شده ، و خود در سر آغاز کتاب گوید : «اما بعد، فیقول العاثر الفاقر محمد علی بن محمد باقر: هذه «وجیزة فی مسائل الولايات» الخ .

(۱) این مطلب ظاهراً با اشتباه وارد «الذریعه» شده است و در جای دیگر چنین چیزی بنظر نرسید . کتاب «لسان الصدق» با اوصاف مذکور که به نظر راقم این سطور رسیده تألیف مرحوم آقا شیخ احمد واعظ خوانساری اصفهانی (متوفی ۱۳۴۵) است که در «الذریعه» ۱۸: ۳۰۶ش ۲۲۷» نیز مذکور، و شاید منشأ اشتباه شرحی باشد که شیخ احمد در صفحه آخر کتاب خود در تجلیل از مرحوم آقای حاج شیخ ابوالفضل نجفی ووالدش صاحب عنوان نوشته ، والله العالم . ضمناً در همین جای ذریعه تاریخ فوت را اشتبهاً (۱۳۱۷) قید کرده است .م.

(۲) گویا این رساله همانست که در «الذریعه» ۱: ۱۹۰ش ۷۲۰ و «فهرست مشار» ذکر شده و گویند در ۱۲۸۸ تألیف و در ۱۲۹۷ چاپ شده است . و دیگر از تألیفات چاپ شده صاحب عنوان «رساله در کیفیت نماز شب واستخاره و نماز جعفر طیار» است که بخواهش میرزا سلیمان خان رکن الملک تألیف و در مقدمه «قرآن کریم» چاپ رکن الملک بسال ۱۳۱۱ طبع شده ، چنانکه در شرح حال صاحب ترجمه در کتاب «زندگانی آیه الله چهارسوقی: ۱۹۹» ذکر کردیم . و نیز از تألیفات آن مرحوم «رساله در مناسک حج» است که آن نیز بطبع رسیده . ایضاً در سنه ۱۳۰۸ رساله عملیه فارسی در عبادات بنام «سراج العوام ومشکوة الظلام» تألیف میرزا احمد بن محمد علی واعظ اصفهانی با حواشی صاحب عنوان و برادرش مرحوم آیه الله آقا نجفی بطبع رسیده است .م.



ودرسه ۱۳۰۰ با برادر کوچک خود حاج آقا نورالله بسفر حج رفت و چندین سال زندگی و زندگانی با ریاست و شایسته بدون زحمتی نمود، لکن چنانکه طبیعت روزگار است که این طور زندگانی نمی باید وی نیز به پنجاه سالگی نرسیده، در شب سه شنبه چهارم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۸ هزار و سیصد و هیجده - مطابق (... قوس ماه برجی - در اصفهان وفات کرد و جسدش را پیش از دفن حمل بعثبات و در نجف نزد برادرش حاج شیخ محمد حسین (که در ۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۰۹۳ ص ۱۸۰۷ گذشت) دفن نمودند.

و او مخدره فاطمه ملقبه بمیرزا بیگم دختر آقا محمد ابراهیم قزوینی را (که مردی تاجر محترم بوده و مادرش «زوجه آقا محمد ابراهیم» خدیجه سلطان بیگم سیده رضویه است و خود میرزا بیگم در شب آدینه غره ج ۲ سنه ۱۳۵۲ در اصفهان وفات کرده و در قم در حجره پهلوی حجره حاجی شیخ فضل الله شهید دفن شده) بزوحیت اختیار کرده، و سه نفر پسر و چهار دختر داشته، و پسران: اول حاجی شیخ مهدی است که در (۱۲۹۸) بیاید. دویم مرحوم آقا شیخ محمد حسین که در شنبه ۱۹ محرم سنه ۱۳۱۸ وفات کرده. سیم حاجی شیخ ابوالفضل که از اعیان رجال عصر در اصفهان است و در علوم تاریخ و حوادث جهان و برخی از علوم اسلامی و مقتضیات زمان و معاشرت با ابناء آن بصیرتی شایان دارد و در سنه ۱۳۰۹ متولد شده و زمزم خانم دختر عمش حاج آقا جمال الدین را بزوحیت پذیرفته، و بطوری که آقای روضاتی در مقدمه «کتاب الاوائل مقدس» نوشته در ظهر جمعه ۱۶۲۵-۱۳۹۱ در اصفهان وفات کرده و جسدش را بقم بردند، انتهى.

**و دختران یکی بنام خانم جهان زوجه برادر زاده اش حاجی شیخ محمد باقر الف است (که در ۱۳۰۱ بیاید) و در ۳۳ شنبه ۷ ذی القعدة سنه ۱۳۸۷ وفات کرده. و دو نفر دیگر زوجه های دوتن از آقایان سادات کتاب فروش اصفهانی اند بنام بی بی خانم و زهرا خانم و شوهران ایشان بترتیب حاج میرزا هلال الدین کتابی و حاج میرزا محمد صادق کتابی اند. و این دو نفر کوچک ترازی بی خانم اند، و بزرگ تر از او سکینه خانم زن حاج میرزا محمد هاشم بن حاج میرزا عبدالجواد بن آقا محمد مهدی کرباسی است که بجمله چهار دختر باشند.**

## ﴿ ۱۲۱۲ - تولد مرحوم میرزا هدایت‌الله ۳۴ چهارسوئی، (ه) ﴾

وی فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر ۳۳ چهارسوئی است که در (۱۲۲۶ ج ۳ ص ۳۷۰ ۷۹۸) گذشت .

مرحوم میرزا هدایت‌الله از علماء اصفهان بود ، در آدینه بیست و هفتم ماه جمادی - الاخرای این سال - مطابق (... ) حوت ماه برجی - متولد شده ، و در نزد پدر و عم خود درس خواند تا عالمی فاضل و فقهی کامل گردید ، چندین سال در اصفهان بامامت و تدریس اشتغال ورزید ، و پس از مدت هفتاد و چهار سال و سه ماه قمری و پنج روز عمر ، در ساعت آخر روز سه شنبه دویم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج - مطابق ۱۵ فروردین ماه باستانی - وفات کرد ، و در پائین پای پدر بزرگوار دفن شد (۱) .

(۱) صاحب عنوان عالمی جلیل‌القدر و دارای نفس قدسی و ذکاء فطری و دقت فہمی ممتاز بوده ، راقم این سطور در کتاب «کواکب منتشره»ی خود که در ۱۳۶۶ ق تألیف کرده بنقل از فرزندان آن مرحوم وی را مجاز از دو نفر استاد مذکورش (والد ماجد و عم اجل) و مرحوم میرزا عبدالجواد حسین آبادی (مجاز از صاحب «جواهر») دانسته و نوشته ایم که تألیف مستقلی از ایشان در دست نیست ، لکن حواشی مفیدی بر «شرح لمعه» و «فرائد شیخ» دارد . آن مرحوم از اساتید برادر زاده خود مرحوم آقای حاج میرزا سید حسن چهارسوئی (۱۲۹۴) در «شرح لمعه» بوده لذا شرح حال دیگری از وی بنقل از «مقالات مبسوطه» مؤلف این کتاب در «زندگانی آية الله چهارسوئی: ۱۷۷ بعد» نقل نموده ایم که خالی از فائده نیست ، و اجازه مختصره پدر بزرگوارش برای او بتاريخ ۸ صفر ۱۳۰۸ می باشد و صورت آن در «ریاض الابرار» موجود است . فرزند اکبر آن مرحوم در ظهر نسخه ئی از «روضات الجنات» شرحی در کیفیت بیماری و وفات والد خود نوشته و از آن مستفاد میشود که وی یکسال مریض بوده و سرانجام به اسهال سخت در گذشته و در خانه خود جنازه اش را غسل داده و بعد \*



آقا میرزا ہدایت اللہ چہار سوئی و فرزند ان و ملازمان

و فرزندانی از اوطبق «شجره نامه های چهارسوئی ها» بازماند ، بدین شرح : اول آقا میرزا حبیب الله ۳۵ که در سنه ۱۳۰۸ متولد شده و ازسید محمد مهدی کاظمینی (۱۳۱۹) روایت می کند و در محله چهارسوی شیرازیان امامت و ریاست دارد و فرزندانش چند از او بهم رسیده (۱) .

دویم آقا میرزا محمود ۳۵ که هم از علماء اصفهان است و فرزندانی دارد . تولدش ۵ شنبه ۱۶ محرم سنه ۱۳۱۵ (۲) .

سیم آقا میرزا اسدالله ۳۵ که در سنه ۱۳۱۸ متولد شده و نیز طبق شجره نامه اولادی چند دارد (۳) .

\* بمسجد عتیق چهارسو شیرازیها که خود ووالد بزرگوارش صاحب روضات در آن اقامه جماعت ووعظ وارشاد مینموده اند حمل ومرحوم آیه الله حاج میر محمدصادق مدرس خاتونابادی (۱۳۴۸) وجمعی کثیر براو نماز گذارده ودر روز چهارشنبه برسر دست تا تخت پولاد تشییع شد وجمعیت مشیعین بالغ بریست هزار نفر گردید ، وپس از آن سه روز مجلس ترحیم باعظمت وکم نظیر برای آن مرحوم تشکیل شد . غفرالله تعالی لنا ولهم .م.

(۱) آقا میرزا حبیب الله در نیمه شب یکشنبه ۱۶ ع ۱۳۷۹ بعارضه سکنه وفات یافت ودر بقعه تکیه معروف بگلزار در تخت پولاد مدفون شد . وی از مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی (مجاز از شیخ زین العابدین مازندرانی) با اجازه مورخه ۸ ج ۲ - ۱۳۴۳ و از مرحوم میرزا محمد حسین غروی نائینی (مجاز از حاج میرزا حسین میرزا خلیل و شیخ محمد طه نجف) با اجازه مورخه ۱۴ ع ۱۳۴۴ و از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (در هاشم اجازه میرزای نائینی) و از مرحوم حاج سید صدرالدین صدر (مجاز از مرحوم سید حسن صدر) با اجازه مورخه ۹ ج ۱ - ۱۳۶۶ نیز روایت می کند و اصول اجازات در حین تحریر این سطور بنظر قاصر رسید .م.

(۲) آقا میرزا محمود مقارن طلوع آفتاب جمعه پنجم صفر ۱۳۹۶ وفات یافت ودر داخل بقعه تکیه صاحب «روضات الجنات» مدفون شد . وی ازوالد ماجدش و مرحوم شیخ شیخ محمد رضا زنجانی کاظمینی و مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری روایت می کند وراقم سطور از آن مرحوم اجازه روایت دارد .م.

(۳) تاریخ تولد معظم له در ۲۶ ع ۱۳۱۸ می باشد . و این هرسه فرزندانش صاحب عنوان از دانشمندان طاقته و مروجین شریعت مطهره بشمارند .م.



آقا میرزا هدایت‌الله چهارسوئی و فرزندانش و ملازمان

«توضیحاً عکس من ۱۹۷۸ متعلق بشرح حال مرحوم حاج میرمحمدحسین  
روضاتی اصفهانی است که در (۱۲۷۵) بیاید و اینجا اشتهاً چاپ شده» .

سنه ۱۲۳۴ شمسی

اول حمل ماه برجی

چهارشنبه دویم رجب المرجب

﴿۱۲۱۳- تولد مرحوم سید ابوتراب ۳۴ خوانساری، رضی الله عنه﴾

وی مرحوم سید عبدالملی ۳۴ فرزند سید ابوالقاسم ۳۳ خوانساری است که در (۱۲۸۰) بیاید.

مرحوم سید ابوتراب (ره) ازاجله علماء معقول و منقول و عظماء فقهاء نجف اشرف بود (۱). شرح احوالش در چندین کتاب نوشته و از آن جمله «احسن الودیعه ۲: ۳ تا ۵»

(۱) عالم فاضل متنب آقای حاج شیخ رضا استادی تهرانی از اعظم مشتغلین حوزه علمیه قم (دام توفیقه) در محرم ۱۳۹۵ ق رساله ئی (در ۳۲ صفحه رقی) در آن بلده طیه چاپ کرده اند که عنوانش «معجزات و یاد نامه استاد علامه مرحوم آقا سید ابوتراب خوانساری طاب ثراه» است و از (ص ۳ تا ۱۸) شرح حال صاحب ترجمه شامل نام و نسب و خاندان و تولد و اساتید و مشایخ اباز و شاگردان و فرزندان و وفات و اسامی تألیفات و آثار منظوم و منثور که بالغ بر ۴۳ اثر می باشد. و از (ص ۱۹ تا ۲۲) منظومه ئی از آن مرحوم بعنوان «قصیده عام الخوارق» و سپس تا آخر رساله شرحی است پیرامون معجزات و خوارق عادات معصومین (علیهم السلام) و ترجمه گونه ئی از قصیده یاد شده که در آن هشت کرامت ظاهره و معجزه باهره از مرقد مطهر شاه ولایت اسدالله الغالب (صلوات الله و سلامه علیه و علی اولاده الطیبین الطاهرین) در اوائل ۱۲۹۹ ق آشکار شده و بسمع همگان رسیده است. خداوند منان بصدیق گرامی مامؤلف و ناشر رساله جلیله جزای خیر دهد. م.

«الذریعه ۸: ش ۲۹۰» و غیره ، و از آنها چنین برآید که : او در شب پنج شنبه هفدهم ماه رجب الفرد این سال - مطابق ۱۶ حمل ماه برجی - در خوانسار متولد شده ، و در سنه ۱۲۹۱ باصفهان و در ۱۲۹۵ بنجف آمده و در آنجا خدمت چندین نفر از اعظم علما درس خوانده و از برخی اجازت روایت درست کرد ، و پس از آن خود بتدریس و تألیف پرداخت و کتب بسیاری تألیف کرد ، از آن جمله کتاب «سبل الرشاد» در شرح «نجات العباد» حاجی شیخ محمد حسن نجفی در فقه، درده جلد . انجام تألیف کتاب روزه سنه ۱۳۰۳ ، انجام تألیف کتاب ارث سنه ۱۳۰۴ (۱) .

و چندین نفر از بزرگان از مجلس درس او برخوابسته یا از او روایت می نمایند .  
و آخر پس از مدت هفتاد و چهار سال و نه ماه قمری و بیست و سه روز عمر ، در دو ساعت و نیم روز شنبه دهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش - مطابق ۱۳ آبان ماه باستانی - در نجف وفات کرده و دروادی السلام دفن شد .  
و او را سه نفر پسر بنام سید محمد علی ۳۵ و سید محمد مهدی ۳۵ و سید محمد حسین ۳۵ بوده که هر سه در حیات پدر وفات کردند .

### ﴿﴿ ۱۲۱۴ - تولد مرحوم سید محمد جواد خراسانی ، ره ﴾﴾

وی فرزند مرحوم سید محمد رضا خراسانی است (۱۳۰۲) .  
مرحوم سید محمد جواد از علماء اصفهان بود که در روز آدینه بیست و پنجم ماه رجب الفرد این سال - مطابق ۲۴ حمل ماه برجی - متولد شده ، و همواره در مسجد جارچی و مسجد

(۱) مبحث روزه و ارث این کتاب مفید در سال ۱۳۳۲ ق طی ۳۵۴ صفحه بزرگ در طهران چاپ شده و صفحه اول و دو صفحه آخر آن پیرامون حالات مؤلف است . ناگفته نماند که نام کتاب در عنوان بالای صفحه اول آن اشتهاً «سبل الرشاد» با یاء نوشته شده است . م .

حاجی رضا بجای پدران خود امامت می نمود ، و تألیفات چندی هم دارد : اول «رساله ثی در احوال جد و پدر خود و برخی از علماء دیگر» آغاز تألیف آن ۴ شنبه ۱۹ ذی الحجه سنه ۱۳۳۹ . دوم «رساله ثی در تعبیر خواب» . سیم کتاب «رؤیای صادقه» در خواب های خود و دیگران که دیده اند و راست در آمده ، و این هر سه رساله بخط خودش پیوست یکدیگر در نزد جناب آقای سید محمد رضا «سلمه الله تعالی» (۱) موجود و ما آن را اجمالاً مطالعه و از رساله اول شرح احوال پدر و جدش را در این کتاب آورده می آوریم ، و نیز تاریخ تولد خودش را در «رؤیای صادقه» درص ۱۵ ذکر کرده و آنجا در روز جمعه ۲۷ رجب این سال نوشته ، لکن ما (از این که در جلد قاجاریه «ناسخ» و جلد دوم «مرآت البلدان» و جلد سیم «منتظم ناصری» عید نوروز آن سال را ۴ شنبه ۲ رجب نوشته اند و قراین دیگر هم بر صحت آن داشتیم ، چنان که آنفاً در ذکر اول حمل و تولد سید ابوتراب خوانساری نیز همین طور آدینه را بیست و هفتم منافی دیده و هفته رادرس و ماه را غلط دانسته) تولد او را در بیست و پنجم آوردیم . و بهرحال، سید محمد جواد در (... سنه ۱۳۵۲ در اصفهان وفات کرده و در تخت پولاد در حوالی قبر جدش حاجی سید یوسف (۱۲۴۶ ج ۴ ش ۶۶۷ ص ۱۲۶۲) دفن شد ، یعنی بطرف بالاسرمایل بقبله بفاصله ده قدم . و چندین نفر برای او مرثیه و ماده تساریخ گفتند ، از آن جمله حاجی میرزا حسن خان انصاری (۱۲۸۷) فرماید (چنان که بر روی قبر هم نوشته):

(۱) این بزرگوار که فرزند صاحب عنوان و سالهای متمادی تا آخرین ایام حیات با عزت و اعتبار در مقام زمامداری حوزه علمی اصفهان و قیام بوظائف امامت و تدریس و تکفل امور طلاب عظام علوم دینیه اشتغال داشت : در حین طبع این اوراق برحمت ایزدی پیوست . در روز عید مبعث (۲۷ ماه رجب ۱۳۹۷) گرفتار حمله قلبی شد و پس از انتقال بیمارستان بهنگام طلوع فجر یکشنبه ۲۹ (مطابق ۲۶ تیر ماه باستانی) جان بجان آفرین تسلیم کرد و در همان روز جنازه اش با تجلیل و احترام شایسته تشییع و در تخت پولاد جوار مزارفاضل اصفهانی (هندی) و پهلوی قبور نیکانش بخاک سپرده شد و در این ایام مجالس ترجمه متعدد در مدارس و مساجد شهر و جاهای دیگر منعقد گردید ، رحمة الله تعالی علیه . شرح حال آن مرحوم در سال تولدش (۱۳۱۱) مذکور خواهد شد . م.

اذأ بائی عسرجاعوا وقالوا :

ثوی حرزالجواد طاب مثنواه

۱۳۵۲ = ۱۲۴ + ۱۳۴۰

ووی رافزندان چندی است ، از آن جمله : حاجی سید مرتضی که از علماء اصفهان بود . و دیگر سید محمد رضا که در (۱۳۱۱) بیاید .

### ❀ (۱۲۱۵- تولد احیاء شاعر جهرمی) ❀

وی، بطوری که در «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۱ : ۲۳۷» نوشته ، نامش حاج عبدالوهاب ملقب بحکیم باشی فرزند شیخ محمد حکیمباشی جهرمی است ، و خود در نهم ماه شوال المکرم اینسال - مطابق (... ) سنبله ماه برجی - در جهرم متولد شده و در طفلی دوران زندگی هم در آنجا بطبابت اشتغال داشته ، و همانا بدو در نزد پدر خود تحصیل کرده ، و پس از آن بشیرازرفت و از محضر شریف الحکما و همچنین حکیمباشی (مشهور بحکیمباشی کر) مستفید گردید ، و خصوصیات اخلاقی ممتازی داشته چنانکه در معالجه مرضی بهیچوجه دارای نظر مادی نبوده و بیشتر علاوه بر آنکه از فقرا حق العلاج نمی گرفته از خود پول دوا و غذای آنها را هم می داده ، و در اواخر عمر با وجود مزیقه مالی باز مناعت طبعش مانع از آن بوده که حق العلاج مطالبه کند ، و در نتیجه مهارت و تجربیات متمادی اغلب ساعت مرگ بیماران صعب العلاج و معالجه نشدنی را پیش بینی می کرد ، و با آنکه ادویه قدیمی چندان بهایی نداشت او نسخه هارا متناسب با وضع مالی بیماران می نوشته ، و علاقه مفرطی با سب سواری و شکار داشته ، و عاقبت در نتیجه زمین افتادن از اسب مبتلا ببول الدم گردید ، و در شب سه شنبه

دوازدهم ماه رمضان المبارک سنه هزار و سیصد و پنجاه و شش - مطابق ۱۲ آذرماه باستانی سال ۱۳۱۶ - پس از مدت ۸۴ سال و ۱۱ ماه و ۳ روز عمر وفات کرد و در قبرستان شاهزاده حسین دفن شد .

### ﴿۱۲۱۶﴾- وفات مرحوم شیخ محسن خنفر، (ره) ﴿﴾

وی (۱) فرزند مرحوم محمد ، و خود از اجله علما و افاضل فقهاء متبیین بوده ، و در احوال رجال تبعی عظیم داشته .

شرح احوالش در «فوائد الرضویه ۲: ۳۷۴» و «احسن الودیعہ ۱: ۱۹» نوشته و از آنها چنین برآید که وی در نجف ساکن و آنجا در خدمت شیخ جعفر و فرزندانش شیخ موسی و شیخ علی درس خوانده و خود نیز در آن زمین برین تدریس می نموده ، و چندین نفر از علما از مجلس درس او بیرون آمده اند : اول میرزا محمد تنکابنی (۱۳۰۲) . دوم حاجی شیخ محمد طه نجف ( ۱۲۴۱ ج ۴ ص ۶۰۸ ) . سیم سید محمد کاظمینی (۱۳۰۳) . چهارم سید محمد هندی (۱۲۴۲ ج ۴ ص ۶۲۵ ) ، و این شاگرد اخیر «تقریرات دروس» آن استاد را در کتابی بنام «تقریرات» جمع نموده ، چنان که در احوال وی اشاره بدان نمودیم .

در «فوائد الرضویه» کراماتی برای شیخ محسن نوشته و فرماید وی بعلت صعوبت مسلکی که داشت در حیات صاحب «جواهر» مرجع عامه واقع نشد و پس از وفات وی اکثر عرب باور جوع کردند ، لکن طولی نکشید که او خود وفات کرد ، انتهى .

و از «قصص العلماء: ۱۱۵» چنین برآید که وی زمانی هم باصفهان آمده . و بنص «فوائد

(۱) رجوع شود به «دارالسلام ۲: ۳۸۸» . یادداشت مؤلف .

الرضویه» در بیست و نهم ماه ذی القعدة الحرام اینسال - مطابق (... ) اسد ماه برجی - وفات کرده ، و در «الذریعه ۳ ش ۱۴۱۴» درسنه ۱۲۷۰ نوشته ، و در «احسن الودیعه ۱: ۲۰» درسنه ۱۲۴۷ نوشته که آن غلط است .

و بهر حال ، وی در نزد شیخ خضر شلال دفن شد و دو پسر بنام شیخ احمد و شیخ محمد حسن که هر دو از اهل علم و فضل اند برج نهاد . و نام هر دو در «دارالسلام نوری ۲: ۳۸۸» برده شده .

### † (۱۲۱۷- تولد میرزا اسمعیل خان دبیر تفرشی) †

از «مجله یادگار. س ۴ ص ۲۰ تا ۲۳» چنین برآید که وی از اهل علم و ادب و شعر بوده و در ماده تاریخ گفتن تخصصی بسزا داشته ، و در ماه ذی الحجة الحرام اینسال - مطابق (اسد- سنبله) ماه برجی - متولد شده ، چنان که این ماده تاریخ که خود گفته بدان مشعر است : **بد اسمعیل را ذی الحجة مولود** . و کتابی بنام «نخبة التواریخ» از آغاز اسلام تا حدود ۱۳۲۲ تألیف کرده در تاریخ تولد و وفات معاریف و بزرگان و برخی از وقایع دیگر و زیاده بر هزار ماده تاریخ متناسب و متین نظم کرده ، و درسنه ۱۳۲۲ هزار و سیصد و بیست و دو وفات نموده ، و قصیده ئی در سفر مظفرالدین شاه بفرننگ گفته که هر مصرعی ماده تاریخ سال سفر است که ۱۳۱۷ باشد .

و چندین نفر از کسانی که اشعار مشتمل بر ماده تاریخ بدین طور گفته اند در ( ۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۸۶ ص ۱۱۲۷ ) گذشت .

﴿(۱۲۱۸- تولد سید احمد بك شافعی حسینی)﴾

وی سید شهاب‌الدین احمد بن احمد بن یوسف مصری از عظماء علماء فرقه شافعیه است که در این سال متولد شده چنانکه مفهوم از «لغت نامه دهخدا: ۳۱: ۱۴۲۰» است که آنجا پس از عقد عنوان وی چنین نوشته: (۱۲۷۱-۱۳۳۲)، و مفهوم از این پرانتز و درون آن تولد و وفات او است. و بهر حال، وی چندین کتاب تألیف کرده: اول کتاب «اعلام الباحث بقیح ام‌الخبائث» در مضار شراب و تحریم آن از کتاب و سنت. دوم کتاب «بهجة المشتاق» در حکم زکوة اوراق، و رقه های نوت بانگها. سیم کتاب «الیان» در اصل تکوین انسان. چهارم کتاب «تبیان‌التعلیم» در حکم آغاز نشده بسم‌الله الرحمن الرحیم. پنجم کتاب «تحفة الرأی السدید الاحمد» برای ضیاء تقلید و مجتهد در اصول فقه. ششم کتاب «الدرة» در حکم جرة و حکم قی و مره، در رقه شافعی. هفتم کتاب «دفع‌الخیالات» در رد مفتریات که بر «القول‌الوضاح» او وارد شده. هشتم کتاب «دلیل‌المسافر» در مختصات سفرکننده از نماز و روزه و غیره. نهم «رساله‌ئی در اصول». دهم کتاب «رشد‌الانام» برای بره‌ام‌الامام در شرح عبادات کتاب «أم» امام شافعی در ۲۴ جلد. یازدهم کتاب «القول‌الفصل» در قیام فرع برجای اصل. دوازدهم کتاب «القول‌الوضاح» در اینکه خوردن قربانی معین بجعل بعضی از آن سنت است و بعضی مباح. سیزدهم کتاب «کشف‌الستار» از حکم نمازگیرنده بر مستجمر بأحجار، در رقه شافعی. چهاردهم کتاب «نهاية الاحکام» در آنچه برای نیت است از احکام، در رقه شافعی. و او در سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو بطوری که ذکر کردیم پس از مدت شصت و یک سال قمری عمر وفات کرد.

❁ (۱۳۱۹- تولد ادوار کلازر آلمانی) ❁

کلازر از جمله خاورشناسان این عصر بود که در این سال در بوهمی متولد شده و در آثار عرب و برخی از لغات و تاریخ و جغرافیای عربستان تألیفاتی نموده ، و پس از مدت پنجاه و چهار سال قمری عمر در سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج وفات کرده .

❁ (۱۳۲۰- تولد مذنب شاعر بديا يونی) ❁

وی چنان که در «الذریعه ۹: ۱۰۲۵ ش ۶۶۷۱» نوشته نامش مولوی حافظ علی احمد است که در این سال متولد شده ، و در سال تألیف تذکره «صبح روشن» (۱۲۹۶) بتکمیل علوم باطن اشتغال داشته ، انتهى .

و در این صفحه «الذریعه» چهار نفر دیگر شاعر مذنب تخلص ذکر کرده که با این مذنب صاحب عنوان پنج نفر بشوند :

اول يك نفر مذنب که نامش را در دیوانش نوشته اند .

دویم مذنب بمرودی که «مقامات حسینی» محمد اکبر منشی را از شعراء قرن دوازدهم (که نام تمام بوده) با تمام رسانیده .

سیم مذنب تبریزی که نامش فتحعلی بن حسن ایروانی و در قرن ۱۲ بوده . چهارم مذنب خراسانی که وی شیخ غلام رضای واعظ ابن محمد علی صاحب «مخزن الاشعار» است .

## \* (۱۳۳۱- تولد حاجب شاعر مرودشتی) \*

مرودشت ، بطوری که در «فارسانامه . گفتار ۲: ۲۹۳» نوشته بلوکی است در فارس میانه مشرق و شمال شیراز که قصبه آن - چنانکه در (ص ۳۰۰) گفته - قریه فتح آباد است ، و آن قصبه را سه قسمت نموده اند بنام خفرك سفلی و خفرك علیا و مرودشت ، و یکی از دیهات قسمت این مرودشت خاص قریه کناره است که يك فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فتح آباد است . و حاجب مذکور نامش حیدرعلی بن جعفر ، و خود از رجال فاضل این زمان ، و بطوری که در «سخن سرایان نامی معاصر ۳: ۷۶» نوشته ؛ در اینسال در قریه کناره مذکوره متولد شده و در شیراز سکونت گزیده و تحصیل دانش نمود و در نقاشی و قلمزنی مهارتی پیدا کرد و همواره از این راه زندگی می کرد ، و در اواسط عمر بتهران رهسپار و آنجا سکونت نموده و بتکمیل علوم ادبیه و عربیه پرداخت ، و هم در آنجا بشغل خود مشغول بود ، چنانکه خط شکسته و نستعلیق را هم خوش می نوشت ، و پس از چندی بتصوف و عرفان گرویده و در سلسله ذهبیه درآمد ، و بعضی از رجال دولت همچون میرزا علی اصغر خان صدراعظم و نایب السلطنه بوی کمک ها می کردند و اشعارش را صله ها می دادند ، تا آخر در سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار بدرود زندگانی گفته و در خانقاه خود مدفون شد ، انتهی (۱) .

(۱) شرح حال مختصری از حاجب مرودشتی نزدیک بمطالب متن در کتاب «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۲: ۱۷۷ بعد» با مقداری از اشعار او مندرج است و آنجا گوید که منتخب اشعار او بنام «دیوان حاجب شیرازی» مکرر - اما ناقص و مغلوط - چاپ شده است . و نیز بنقل از «مدینه الادب» و «أشعه شعاعیه» گوید : «حاجب در سال ۱۳۳۴ در طهران وفات یافت و در صحن امامزاده زید مدفون شد» ، انتهی .

## ﴿۱۲۲۲- وفات شیخ عبدالحسین آل محیی الدین﴾

خانواده آل محیی الدین در سال (۱۲۱۹ ج ۳ ش ۲۶۵ ص ۶۶۰) گذشت. و شیخ عبدالحسین - چنانکه در «دیوان سید موسی : ۳۹۰ پاورقی» فرموده - فرزند قاسم بن شیخ حسین ، و خود از اعلام و افاضل اهل ادب بوده و اشعار بسیاری در فنون عدیده سروده ، و در اینسال در نجف وفات نموده (۱) .

## ﴿۱۲۲۳- وفات مسکین شاعر اکبر آبادی﴾

وی بطوری که در «الذریعه ۹ : ۱۰۳۸» فرموده ، نامش شیخ عبدالواحد ومصاحب خانصاحب بوده و «دیوانی در اشعار» دارد، و در این سال وفات نموده .  
و در این صفحه «الذریعه» صفحه ۱۰۳۹ هشت نفر شاعر مسکین تخلص دیگر ذکر کرده که با صاحب عنوان نه نفر شوند ، و بعضی غیر از آن هارا نیز ما خود یافته ایم که اینک همه را اینجا بترتیب حروف اوائل کلمات مضاف الیه تخلص های آنها می نویسیم بدین شرح :

(۱) شرح حال و نمونه اشعار صاحب عنوان در کتاب «ماضی النجف و حاضرهما - ۳ : ۳۱۲ بعد» مذکور و نام و نسبش در آنجا چنین است : «الشیخ عبدالحسین بن الشیخ قاسم ابن الشیخ محمد بن الشیخ احمد بن الشیخ علی بن الشیخ حسین محیی الدین» ، و وفاتش را در شب جمعه ثی ازماه صفر ۱۲۷۱ و مدفنش را در مقبره معروف آل محیی الدین در صحن شریف علوی ذکر کرده است .

ایضاً شرح حال صاحب عنوان در «الکرام البرره : ۷۱۸-۷۱۹» مذکور و نام و نسبش را همانند «ماضی النجف و حاضرهما» آورده است . م.

اول مسکین اصفهانی که در (۱۳۰۳) بیاید . دویم مسکین بخاری . سیم مسکین تتوی از قرن ۱۲ که فرزند ملا عبدالحکیم عطائی و «دیوانی» دارد ، و این دودر «الذریعه» است . چهارم مسکین حبیب آبادی که در (۱۳۵۱) بیاید . پنجم مسکین زنوزی از قرن ۱۳ . ششم مسکین فراهی ، و این دونیزدر «الذریعه» است ، ودویم بعنوان معین فراهی درص ۱۰۷۸ نوشته . نهم مسکین هندی که در (۱۳۳۴) بیاید (۱) .

### ❖ (۱۲۳۴- تولد قدرت شاعر قمی) ❖

بطوری که در «الذریعه ۹: ۸۷۶ ش ۵۸۲۸» و برخی از مواضع دیگر نوشته وی مرحوم آقا سید علی فرزند سید عزیزالله بن حسن بن میرابوالفتح رضوی است که آن سید عزیزالله فرزندانانی داشته ، یکی حاج آقا حسن که در (۱۳۵۲) بیاید ، و دیگر آقا سید علی صاحب این عنوان که وی از شعرای عصر خود بوده ، و در این سال متولد شده ، و پس از مدت چهل و پنج سال قمری عمر ، در سنه ۱۳۱۶ هـ اروسید و شانزده وفات کرده و در رواق آینه صحن قم دفن شد . (۲)

(۱) مأخذ شرح احوال صاحب ترجمه و برخی از مذکورین فوق و مسکین های دیگر در «فرهنگ سخنوران» یاد شده است .م .

(۲) در «فرهنگ سخنوران» نام قدرت قمی را سید باقر و مأخذ شرح حالش را مقاله سید مهدی رضوی در «مجله ارمان» . م ۱۳ : ۶۷۷ بیعد و ۷۶۶ بیعد و «حدیقه الشعراء» دیوان یکی ذکر کرده است .م .

﴿۱۲۲۵﴾ تولد شیخ علی مانع نجفی ﴿﴾

وی از علمای اعلام و فضیلتی ایام بوده که شرح احوالش در کتاب «نقباء البشیر: ۱۵۰۸ ش ۲۰۲۴» نوشته و از آن با ملاحظه برخی از مواضع دیگر چنین برآید که وی فرزند شیخ مانع بن شیخ درویش بن حسین بن عبدالله بن حسن بن احمد بن عبد علی بن محسن بن محمد ابن شمس محاولی است .

محاول قریه ئی است که امروز از نواحی لواء حله بر سر جادهٔ عمومی افتاده . و آل محاولی خانواده ئی هستند در نجف اشرف که بواسطهٔ سکونت بعضی از اجدادشان در آن قریه بدین کلمه مشهور شده اند . و بعضی از این خانواده که از اجداد صاحب ترجمه بوده اند در زمان خود مکاتبی بسزا داشته اند ، چنانکه شیخ محمد و شیخ حسن فرزندان شیخ عبد علی مذکور ، در قرن ۱۱ هجری از اهل علم در نجف و ترجمهٔ ایشان در «الروضه النضرة ، در مائه حادیه عشره» تألیف مؤلف بزرگوار «نقباء» ذکر شده .

و پس از آن در حدود یک قرن و نیم ذکر این خانواده پنهان مانده تا در اواسط قرن ۱۳ شیخ درویش مذکور ظهور نموده ، در «نقباء» فرموده که من ندانم در این مدت آنها از نجف بیرون رفته و باز بدانجا برگشته اند یا اهل علمی در آنها نبوده . و بهر حال ، شیخ درویش از اصحاب شیخ راضی نجفی بوده و در سنه ۱۲۴۷ ( که طاعون جارف در عراق عرب بدنباله سال ۱۲۴۶ واقع شد بشرحی که در سال مذکور «۱۲۴۶» سمت تحریر یافت ) فرزندی برای او متولد شد که ولادت او در اواخر طاعون بود ، شیخ راضی وی را شیخ مانع نامید ( که یعنی وی مانع طاعون شده ) و این شیخ مانع پدر خانواده بزرگی در نجف گردیده که اشهر آنها شیخ علی صاحب این عنوان است (۱) .

(۱) خاندان محاولی و شرح حال رجالش در «ماضی النجف و حاضرها ۳: ۲۶۸ -

۲۷۳» مذکور است م .

مرحوم شیخ علی از علماء اعلام و مشاهیر رجال فضل بوده که در اینسال متولد شده و در نزد چند نفر از اهل فضل و مدرسین درس خوانده و سپس بمجالس دروس فاضل ابروانی و شیخ محمد حسن مامقانی و فاضل شرایبانی و شیخ محمد طه نجف و آقا سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و آقای شریعت رفته ، چنانکه قبلاً نیز در کربلا نزد حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی درس خوانده و این بزرگوار اخیر وی را بسمت وکالت از خود بشائنه عین التمر برای هدایت مردمانش که بر عقیده شیخیه می رفتند روانه کرد ، و در سنه ۱۳۱۷ برای زیارت حضرت رضا (علیه السلام) با فرزند بزرگ خود شیخ محمد جعفر با ایران آمد ، پس مردمان ایران اقبالی شایسته بوی نمودند و سلطان عصر مظفر الدین شاه او را گرامی داشت ، و چون بمشهد رسید و قبۀ مطهره را دید قصیده عصمائی بنظم آورد که همان اول و آخر منظوم او بوده . سپس با هنگ حج حرکت کرد و از راه قفقاز و دریای آسود و دریای احمر و سویس براه افتاد و در باکو و باطوم و غیره از شهرهای قفقاز مقدمش با احترام و بتجلیل متلقی گردید ، و در آستانه با سلطان عبدالحمید خان ملاقات نمود و بوی فرمود که شهر نجف مانند حریم شریفین مقدس است و قرعه را از آب آن برداشت ، و سلطان فرمانی برای اوصاد کرد و راتبه ئی باندازه راتبه قاضی القضاة برایش مقرر داشت ، و چون بمکه معظمه رسید مهمان شریف عون گردید و ابن رشید امیر حجاز او را تکریم نمود .

و چون بنجف برگشت استقبالی لایق برایش بعمل آمد ، و در ثوره عراقیه بر ضد انگلیس شرکت داشت ، و چون آن مردم مستولی بر عراق شدند مانند بسیاری دیگر گریخته و با ایران آمد و بسلطان عصر احمد شاه پیوست ، و چون امیر فیصل اول پادشاه عراق گردید بنجف برگشت و آنجا عبادت و تألیف تا آخر عمر مشغول شد .

و او تألیفات چندی دارد : اول کتاب «اثبات قبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام» که آنرا بنام سلطان عبدالحمید خان تألیف کرده و برای او فرستاد و وی امر به احداث نهر سنیه نمود . دویم کتاب «حیة النجف» . سیم کتاب «العقاید و الشرایع» .

شیخ علی در ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۴۸ هزار و سیصد و چهل و هشت - مطابق (شهریور - مهر) ماه باستانی - وفات کرد و در محله مشراق نجف در مقبره مخصوصی واقع در شارع

رسول دفن شد ، و پس از چندی فرزندش حاج محمد رضا استخوانهایش را با استخوانهای دیگران از آن خانواده که آنجا دفن بودند در آورده و در بیرون شهر در خانه ثی از خود نزدیک شارع هانف دفن کرد . و چندین نفر برای او مرثیه گفتند ، از آن جمله شیخ حسن سبتی گفته :

أيا تالياً حزناً سطوري بها اعتبر      بدن فارق الدنيا وشط مزاره

فطوبى لمن قد كان يعمل صالحاً      لينجو وفسى الاخرى يقال عثاره

فيا سعد زر مثوى على مسلماً      وأرخ : فنى الفردوس صار قراره

و صورت حساب این تاریخ چنین است : **فنى الفردوس صار قراره** .

۱۳۴۸

و سه فرزند از وی بازماند : اول شیخ محمد جعفر که بزرگتر و نوشتیم درسفرایران همراه او بوده و سلطان عبدالحمید خان لقب مدرس بوی داده که در مدرسه سلیمیه نزدیک خانه پدرش درس می گفت و هم در مسجدی که آنجا بود امامت می نمود و در سنه ۱۳۶۱ وفات کرد و نزد پدرش دفن شد ، و نیز شیخ حسن سبتی در مرثیه او گفته :

فقیه آل مانع      فقدان هـ ز النجف

جعفر من بعلمه      قد حاز فضلاً وشرف

حتى جرى جاری القضا      وطائر الموت هتف

خار لقاء ربه      خیر جوار و کنف

و فسی جنان خلدہ      أرخته : فال عرف

۱۳۶۱

دویم شیخ مهدی که از اهل فضل و ادب بوده و در سفر دویم پدرش بتهران همراهی نموده ، و در سنه ۱۳۵۷ وفات کرده و نزد پدرش دفن شده .

سیم که کوچکتر بوده حاج محمد رضا که مؤلف «نقبا» فرماید : در سلك معلمین مدارس جدیده در آمده و مرا با وی پیوستگی تام بود و چه شبها در مسجد کوفه بسا یکدیگر بسر بردیم و همی . همان حضرت حق (جل جلاله تعالی) بوده و التماس پذیرائی و بخشش

و خوشنودی او را می نمودیم ، تا وی در عصر روز چهارشنبه ۲۹ محرم سنه ۱۳۸۴ وفات کرد . نزد پدر و برادرانش دفن شد ، و مجلسی برای چلهٔ وی در مسجد شیخ طوسی بر گزار گردید ، انتهى .

### ﴿وفات قاسم بیک شاعر آذربایگانی﴾

شرح احوال او در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۰۷ ص ۲۰۸) گذشت .

### ﴿۱۲۲۶- وفات مرحوم سید محمد خطی ، ره﴾

وی فرزند مرحوم سید معصوم بن سید مال الله ، موسوی قطیفی حایری است ، چنان که در «الذریعه ۴ ش ۳۴» فرموده ، و در (شماره ۷۸۱) و (ج ۹: ۹۸۸ ش ۶۴۶۷) فرزند مال الله ابن معصوم نوشته .

و بهر حال ، او از اهل علم و ادب بوده و شعر هم می گفته و در خدمت مرحوم سید عبدالله شیر که در (۱۲۴۲ ج ۴ ش ۶۱۳ ص ۱۱۶۴) گذشت درس خواند و تألیفاتی دارد ، از آن جمله : اول «دیوان اشعار» که دارای قصائدی است مرتب بترتیب حروف ، و بعضی از اصحابش مقدمه ثی بر آن نوشته ، و در آن است تلخیص «رأیة سید رضی (ره)» و تخمیس «قصیدهٔ نونیهٔ» ابوالولید احمد بن عبدالله بن احمد بن غالب بن زیدون مخزومی اندلسی متوفی در سنه ۴۶۳ و برگردانیدن آن بمصیبت حضرت سیدالشهدا (ع) که اول آن چنین است :

ذکر الطفوف شجی الارزاء یسینا      وعن تغنی الغوانسی الغمید یغنینا

و رب معلمة بالحال یاسینا      أضحی التافی بدیلا عن تدانینا

و آن عن طیب لقمانا تجافینا

و همچنین تشطیر «مقصوره ابن درید»، و همه آنها در مرثیه حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است، و نیز در آن قصیده نئی طولانی در مرثیه آن حضرت است که متضمن اسماء جمیع سور مبارکه قرآنی است، و نیز در آن مرثیه هائی است برای چندین نفر از علما که آخر آنها مرثیه شیخ محسن خنفر است که در همین سال (ش ۱۲۱۶ ص ۱۹۸۵) گذشت، و چون آنجا نوشتیم که وی در ۲۹ ذی القعدة این سال وفات کرده پس سید محمد بعد از این تاریخ فوت شده، چنان که وفات هر دورا نیز در بعضی مواضع در (۱۲۷۰) نوشته اند.

و بهر حال، از تألیفات صاحب عنوان: دویم «رساله نئی در ترجمه استادش سید شبر» مرقوم (ره).

و او این سال در کربلا وفات کرده (۱).

### وفات آقا محمد ابراهیم ذوق، شاعر دهلوی (۱۲۲۷-)

وی از شعراء اردو زبان در مملکت هند بوده و در این سال چنانکه در «رساله احوال سید عبدالحی حسنی (۱۲۸۶) درصع» نوشته وفات نموده.

(۱) برای اطلاع بیشتر درباره سید محمد بن معصوم رجوع فرمائید به «انوار البدرین: ۳۴۷»، و نیز به «اعیان الشیعه ۴۶: ۲۱۱» ذیل عنوان محمد بن مال الله بن معصوم، و لکن اعیان وفاتش را در ۱۲۶۹ قید کرده و سپس شرحی از کتاب «الطلیعه» تألیف علامه سماوی با مقداری از اشعارش آورده است. م.

### ﴿۱۳۲۸- تولد سید محمد حسین بلبل کوچک خراسانی﴾

وی فرزند سید اسماعیل و خود از اهل علم و ادب بوده و شعر هم می گفته، و همانا در این سال - چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۸۸۴» فرموده - در کربلا متولد شده و از آنجا مهاجرت بدکن حیدرآباد و سپس بکلکته نموده و تا ۱۳۹۵ زنده بوده، انتهی .

### ﴿۱۳۲۹- وفات شمیم شاعر شیرازی﴾

وی مرحوم حاجی محمد علی معروف بحکاک است که دارای فضائل و فواضل بوده و از علما محسوب می شده، و موقعی که سفر مشهد رفته خدمت مرحوم حاج ملا هادی سبزواری (ره) مشرف و او چون پایه فضیلتش را دیده عمایه بر سرش نهاده، و در این سال وفات کرده .

و فرزندش میرزا علی محمد صاحب طبع بوده و از طرف مرحوم فرصت شیرازی نسیم تخلص یافته، چنان که این همه را در «آثار عجم» نوشته (۱) و این اشعار را از شمیم صاحب عنوان آورده:

با لب می گون او من می پرستی می کنم      با نگاه مست او بی باده مستی می کنم  
تندرستی را همه عالم بجان جویند و من      پیش درد او وداع تندرستی می کنم

گفتمش هستم غلام و شرمسار از گفته ام

با وجودش ای عجب اظهار هستی می کنم

(۱) مؤلف «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۳: ۳۱۹ و ۴: ۶۲» در عنوان این پدر و پسر اطلاعاتی زاید بر مطالب فرصت بدست نداده است. م.

و نیز این دو شعر را از نسیم نوشته :

دلّم از کوجه عشق تو بدر می نرود  
خود گرفتم نظر از روی تو بر تا بم من

عمرها رفته و این راه بسر می نرود  
چه کنم روی تو از پیش نظر می نرود

### ﴿۱۲۳۰﴾ تولد شیخ محمد علی دزفولی اصفهانی (۵)

وی فرزند نصرالله بن ابوالحسن بن حاج لطفعلی بن حاجی فتح الله بن میر کلبعلی منگره ئی ، و خود از علماء عصر در اصفهان بود و در علوم غریبه و منطق تبحری تمام داشت و همواره بگوشه گیری و ریاضت بسر می برد و نام خانوادگی خود را «مدرس فتیحی» بنسبت جد مذکور خود قرار داده بود . و او در این سال در دزفول متولد شده و چندین سال در اصفهان سکونت داشت ، و کتب چندی تألیف کرده :

اول کتاب «نور الانوار» در منطق ، انجام تألیف آن شب ۳ شنبه ۲۵ ماه رمضان سنه ۱۲۹۵ . دویم کتاب «کشاف الغایه» در حاشیه بر «تهذیب منطق» محقق تفتازانی که در آخر «نور الانوار» آنرا ذکر کرده . و در شب جمعه (عرفه) نهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۸ هزار و سیصد پنجاه و هشت - مطابق ۲۸ بهمنماه باستانی - هم در اصفهان وفات کرد ، و آقای میرسید حسن مدرس در مرثیه و ماده تاریخ او گوید :

رفت یکی عالمی زدست ما مردمان	که بدیگانه بدهر فرید عصر و زمان
عالم وهم با علم زاهد و گوشه نشین	محتجب از مردمان قدرش بر ما نهان
صرف نمودی بسی عمر بفقّه و اصول	جامع حکمت ولسی حکمت ایمانیان
چندی از عمر خویش صرف ریاضت نمود	ذکر الهیّش بود دایم ورد زبان
الحق مانند او چرخ نژاد است و نیست	مثل وی از هر جهت بهیچ شهری عیان
نام گرامیش بود شیخ محمد علی	مدرس فتحیش لقب بدی بسی گمان
سن شریفش نود دو سال کمتر بدی	مولد دزفول ولیک اصفاهانش مکان

ورا بدی سه پسر یگانه و بسی نظیر  
اول نامش حسن بخلق وخلق وسلوک  
سوم جو اذ آنکه هست جوان با فروهوش  
ز بهر تاریخ او کرد مدرس سؤال

صالح وهم متقی فاضل نیکو روان  
دوم محمد که هست مایه رشگک جهان  
حفظ کند هر سه را خدای کون و مکان  
ز پیشگاه خرد گفت ز روی بیسان

اضافه کن چارده بسال شمسی و گو :

شدی محمد علی بسوی جنت روان

$$۱۳۰۴ + ۱۴ = ۱۳۱۸$$

و کتاب «نور الانوار» وی در سنه ۱۳۶۸ در طهران چاپ شده و در ورق جلو آن تاریخ تولد و وفاتش بطوری که ذکر شد (غیر از تطبیق با هفته و شمسی) و در ورق آخر، اشعار مذکور نوشته که از آنها هم که گوینده اش را ندانستیم (۱) چنانکه دیدی فی الجمله احوال او بدست می آید. و مدرک تمام آنچه ما در اول عنوان تا کنون نوشتیم همان کتاب و مقدم و مؤخر آن می باشد. و در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۴۳۲» نیز شرح احوال وی را بعنوان شیخ محمد علی دزفولی تذکره کرده (۲).

(۱) سراینده اشعار جناب سیدالعلما آقا میرسید حسن مدرس (فرزند مرحوم آقا میر سید محمد که شرح احوالش در ۱۲۹۰ بیاید فرزند آقا میرسید علی ج ۴ ش ۸۱۷ ص ۱۴۳۲) از دانشمندان و مروجین معاصر در اصفهان و خود چنانکه در حین طبع این اوراق (ماه شعبان المعظم ۹۷) شفاهاً اظهار داشتند سالها با صاحب ترجمه همسایه و کاملاً معاشر بوده و هم کتاب «شرایع الاسلام» و «شرح تجرید الکلام» را در نزد او درس خوانده، و تفصیلی از فضائل علمی و اخلاقی آن مرحوم بیان داشتند م.

(۲) چند سطری نیز راجع بصاحب ترجمه در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۳۶۴» مذکور و در ملحقات «تذکره القبور: ۲۲۳» بتقریبی چنین آمده است: «شیخ محمد علی دزفولی از اجلاء علماء اصفهان و عمرش قریب نود سال بود، در ادبیات عرب از نوادر بشمار میرفت، از مدرسین سطح اصفهان و در مدرسه جده تدریس میفرمود، در سال ۱۳۵۶ وفات یافته در ترکیه سیدالعراقین مدفون گردید» انتهى. لکن ۱۳۵۶ خطا و صواب آن ۱۳۵۸ است و نیز محل تدریس آن مرحوم سالهای متمادی در مدرسه معروف به جده کوچک بوده م.

### ﴿﴿۱۲۳۱- وفات غازی شاعر مازندرانی﴾﴾

وی محمد قاسم خان بن میرزا حسن وهمشیره زادهٔ محمد مهدی خان شحنه است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۱۳ ص ۱۳۱۶) گذشت. و خود از شعراء بزرگ بلکه از فقرا و اهل عرفان بوده و در بدایت حال چاکر تخلص می نموده و سپس غازی را اختیار فرموده. و بالاخره در این سال در مازندران وفات کرده. و در «الذریعه ۹: ۲۱۴» چندین نفر شاعر چاکر تخلص را ذکر کرده (۱).

### ﴿﴿۱۲۳۲- تولد مرحوم فرصت شاعر شیرازی ، قدس سره﴾﴾

وی مرحوم میرزا محمد نصیر فرزند میرزا جعفر بهجت شیرازی است که در (۱۲۲۱ ج ۳ ش ۲۹۷ ص ۷۲۱) گذشت.

مرحوم فرصت «قدس الله سره» از اجله و اعظم فضلا و اهل علم و ادب بوده و در این مآت اخیره مانند وی کمتر کسی بهم رسیده، چنان که در علوم ادبیه و سرودن اشعار و خط خوش و نقاشی و حکمت و خبلی از علوم و فضائل دیگر بدرجهٔ بلند ارتقا یافته. و این فاضل فرزانه در این سال از دختر رجعی خان مذهب متخلص به تسلی در شیراز متولد شده، و در خدمت

(۱) مأخذ این شرح حال «مجمع الفصحا» بوده، و در «فرهنگ سخنوران» ده نفر بتخلص چاکر و سه نفر چاکری و هشت تن غازی یاد شده اند، و از جمله مأخذ ترجمهٔ صاحب عنوان در آنجا «مدایح معتمدی» بهار اصفهانی و «مدایح معتمدی» فنا و «ریحانة الادب» را ذکر کرده است. م.

چندین نفر از بزرگان علما و حکما و اهل ادب و عرفان و فضل و کمال علوم عقلیه و نقلیه و فنون ادب و ریاضیه را درس خواند، و در سنه ۱۲۸۲ که بنای شعر گفتن نهاد از طرف استاد بزرگوارش شیخ مفید داور شیرازی متخلص به فرصت گردید و بدین کلمه مشهور و همچنین به میرزا آقا معروف شد.

و در سنه ۱۳۲۳ به تهران رفت و از طرف مرحوم مظهر الدین شاه لقب فر صة الدوله یافت، و کتب چندی در فنون متفرقه تألیف کرد، از آن جمله کتاب «آثار عجم» در نقشه آثار سلاطین باستان ایران و بسیاری از فنون و فوائد دیگر که از نفائس تألیف می باشد. انجام تألیف آن ذی الحجه سنه ۱۳۱۳.

و آخر در حدود اذان صبح شب شنبه دهم ماه صفر المظفر ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه - مطابق ۳۱ میزان ماه برجی - در شیراز وفات کرد و در تکیه حافظیه در پائین پای او بنیم گز فاصله دفن شد و سنگی که خط خوش خود وی بر آن است در روی آن نصب است. و این حکیم فاضل و عارف کامل در مدت عمر زن نگرفت و مجردانه این دنیای دون را ترک گفت (۱). و خواهر مجلله او زوجه شاکر گرش مرحوم قدسی شیرازی است که در (۱۳۶۱) بیاید.

(۱) شرح حال مبسوطی از مرحوم فرصت با نمونه اشعارش در «دانشمندان و سخن سرايان فارس ۴: ۹۴ - ۱۲۵» و کتاب «شیراز در گذشته و حال: ۳۹۳ - ۳۹۹» و مآخذ ترجمه اش نیز در «فرهنگ سخنان» مذکور است، و در «روزنامه کیهان شماره های ۹۸۶۳ و ۹۸۶۴ یکشنبه و دوشنبه ۱۶ و ۱۷ ح ۱۳۹۶» «دو گزارش مبسوط پیرامون کتاب «دریای کبیر» بزرگترین اثر فرصت و گوشه هایی از احوال و آثار او چاپ شده است. م.

﴿۱۲۳۳- تولد نعمت ۳۸ شاعر فسائی ، ره﴾

وی مرحوم میرزا محمود ۳۸ خان بن میرزا زین العابدین ۳۷ فسائی است که در (۱۲۲۰ج ۳ش ۲۸۱ص ۶۹۳) گذشت .  
مرحوم نعمت از شعراء نامی و عرفا و رجال فاضل این عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده ، از آن جمله کتاب «بديع التواریخ» در ماده تاریخ هائی که برای متقدمین و متأخرین بنظم آورده ، و در اشعار تخلص نعمت می نمود ، و در عصر روزیک شنبه چهارم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد و چهل و چهار- مطابق ۴ مرداد ماه باستانی - وفات کرد (۱) .

﴿۱۲۳۴- وفات مرحوم آقا محمود بهبهانی ، ره﴾

وی فرزند مرحوم آقا محمد علی بهبهانی است که در (۱۲۱۶ش ۲۲۶) گذشت .  
مرحوم آقا محمود (۲) از اعظم علما و فقهاء سلسله بهبهانیه بوده و از قراری که در

(۱) مآخذ ترجمه نعمت در «فرهنگ سخنوران» چنین مذکور است : « آثار عجم » ، «فارسانامه ناصری» ، «شکرستان پارس» شعاع الملك شیرازی و «نامه فرهنگیان» عبرت نائینی.م.  
(۲) در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ۱۱: ۲۰۹۳» تولد او را در ۱۲۱۹ نوشته ، و در «فهرست کتب کتابخانه مدرسه سپهسالار ۱: ۵۴۴» تألیف ابن یوسف تولدش را در سنه ۱۲۰۰ نوشته و چندین کتاب از تألیفات او ذکر کرده . باید برای تکمیل بدان جا مراجعه شود.  
﴿یادداشت مؤلف﴾.

«مجمع الفصحا» نوشته برخلاف سیره پدر بزرگوار بصحبت اهل حال مایل و خود عارفی کامل بوده و شعرهم می گفته و تخلص بنام خود هم محمود می نموده . و در «المآثر» درعنوان خود او همچون «مجمع» وی را از عرفا نوشته و درعنوان حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی گوید کتاب «تنبيه الغافلین» را در رد صوفیه تألیف کرده . و در «طرائق» مرقومات «مجمع الفصحا» و «المآثر» را درباره اوف نقل کرده و در «الذریعه» هم گوید وی کتاب «تنبيه الغافلین» و ایقظا الراقدین» را در رد صوفیه تألیف کرده و در شعبان سنه ۱۲۲۸ از آن فارغ شده (۱). و بهرحال، وی در این سال در قریه دز آشوب شمیران وفات کرده چنانکه در «المآثر» درعنوان خود او آورده ، و درعنوان حاجی میرزا محمد حسین شهرستانی در سنه ۱۲۶۹ نوشته . و بالاخره وی در کربلا نزد جدش آقا محمد باقر بهبهانی دفن شد . و پس از وی چندین فرزند از او بازماند : اول حاجی آقا محمد که پس از پدر در مسجد حکیم تهران امامت داشته و فرزندش بحر العلوم داماد حاجی ملاعلی کنی بوده . دویم حاجی محمد مهدی که در مسجد قنبرعلیخان در تهران امامت داشته و مردی عارف و از مریدان حاجی استاد غلامرضا شیشه گری بوده و در سنه ۱۳۱۴ وفات نموده و فرزندانی از او بازماند . سیم آقا هادی و فرزند او حاجی آقا احمد است که در (۱۲۹۱) بیاید .

### ❁ (۱۲۳۵- تولد مهدی خان علیم الدوله تهرانی) ❁

وی فرزند محمود خان ملك الشعراء است که در (۱۳۱۱) بیاید .  
علیم الدوله از فضلاء عصر خود بود و در این سال متولد شده و کسب فضائل و کمالات نموده تا در نقاشی و خط و سایر صنایع یدی تالی پدر با هنر گردید ، و آخر در سه شنبه ششم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش - مطابق ۲۸ حوت ماه برجی - وفات کرد .

(۱) پس این تاریخ با تولدش در ۱۲۰۰ سازگار است نه با ۱۲۱۹ م.

﴿۱۳۳۶- وفات هلاکو شاعر قاجار﴾

وی هلاکو میرزا فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه است که در (۱۲۰۴ ش ۹۰) گذشت ، و مادرش دختر مرتضی قلیخان بن محمد حسنخان عم فتحعلی شاه بوده، و خود هلاکو میرزا طبع شعری خوش و خطی دلکش داشته بلکه در بسیاری از کمالات دارای مقاماتی بوده و در اشعار بتمام خود (هلاکو) تخلص می کرده ، و در این سال در نجف رو بعالم آخرت آورده (۱)، و در رساله «شرح حال طیب شاعر اصفهانی» تألیف کیوان سمعی ( که در آخر «دیوان طیب» چاپ شده) ص ۶۹ نام وی را احمد میرزا مشهور بهلاکو و متخلص به خراب نوشته و نقلی از تذکره «مصطبه خراب» او در احوال حاج میرزا رحیم فخرالدوله نموده.

شمسی	۱۳۳۴	سنه	مطابق	قمری	۱۲۷۲	سنه
		(...)				
		سنبله				
		ماه برجی				
						آدینه غره محرم الحرام

﴿۱۳۳۷- وفات مرحوم حاج ملامحمود نظامالعلماء تبریزی (ره)﴾

وی- بطوری که در «الکرام البرره ۱: ۴۸ ش ۱۰۳» در ضمن ترجمه سید ابوالقاسم

(۱) مأخذ این شرح حال «مجمع الفصحا» است و در «فرهنگ سخنوران» نیز جز این مأخذی ذکر نکرده و از خراب نیز در آنجا خبری نیست .م.

مازندرانی نوشته - فرزند محمد تبریزی ، و خود از علماء بزرگ آذربایگان و معلم ناصرالدین شاه در زمان ولیعهدی وی بوده ، و شعر هم می سروده ، و کتب چندی تألیف فرموده : اول « کتابی در اخلاق » که آنرا در سنه ۱۲۵۵ بامر محمد شاه در قصبه طیبه حضرت شاه عبدالعظیم ( علیه السلام ) تألیف نموده و سید ابوالقاسم مذکور از او خواش کرده که دلیلی عقلی بر شعور جمیع موجودات بدان ملحق نما ، و وی چنین کرده ، و در شب آدینه ۱۱ ذی القعدة سنه ۱۲۵۵ از تألیف آن فارغ شده . دویم کتاب « الشهاب الثاقب » در رد نواصب ، انجام تألیف آن شب ۵ شنبه ۱۲ج ۱۲۶۸ .

و در موقعی که در تبریز مجلسی تشکیل شد برای مکالمه با میرزا علی محمد باب و چند نفر از علما در آن بودند یکی هم صاحب عنوان بوده .

و او بنص « فهرست کتابخانه رضویه ۵ : ۲۸۵ در پاورقی » در یکشنبه هفدهم ماه محرم الحرام این سال - مطابق (...) میزان ماه برجی - وفات نموده ، چنان که هم در جلد قاجاریه « ناسخ » و جلد دویم « مرآت البلدان » و جلد سیم « منتظم ناصری » بدون ماه و روز نیز در این سال نوشته اند ، لکن در متن « فهرست » مذکور در سنه ۱۲۷۰ و در « دانشمندان آذربایجان » و جلد اول « الذریعه » در حدود ( ۱۲۷۰ ) نوشته اند .

و پس از وی در همان سال نصرالله خان قاجار دائی ناصرالدین شاه نظامالعلما شد . و پس از وی - چنانکه مفهوم از « المآثر : ۲۶ » است میرزا محمد خان ، و بعد از او ظاهر آ میرزا رفیع تبریزی ( ۱۳۲۶ ) نظامالعلما شده باشد ( ۱ ) .

( ۱ ) ابن شرح حال طبق نظر مرحوم مؤلف تلفیقی است از آنچه خود در این سال و هم در سال ۱۲۷۰ مکرراً نوشته بود . انشاءالله خطائی در آن نرفته است . م .

﴿وفات میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهرانی﴾

۱۳۱۵ . شرح احوال او در (ج ۲ سال ۱۲۱۵ ش ۲۱۴) گذشت.

﴿۱۲۳۸- وفات حاجی شیخ ابوتراب امام جمعه شیرازی﴾

وی فرزند مرحوم شیخ محمد مفید زاهد شیرازی است که در (۱۲۲۹ ج ۳ ش ۴۰۹ ص ۸۷۶) گذشت ، و خود از علما و امام جمعه شیراز بوده و آنجا ریاستی معتد بها داشته و در سه شنبه غره ماه ربیع الاخر این سال - چنان که در جلد قاجاریه «ناسخ» نوشته - در شیراز وفات کرده و در قبرستان دارالسلام دفن شد ، و سه نفر پسر از او بازماند :

اول : حاجی شیخ یحیی که از علما بوده و در سنه ۱۲۴۷ متولد و پس از پدر امام جمعه شیراز شد و شش نفر پسر از او در «فارسنامه» نوشته : ۱- شیخ احمد تولدش سنه ۱۲۶۵ .  
 ۲- شیخ محمد . ۳- شیخ عبداللطیف . ۴- شیخ ابوتراب مشهور بشیخ آقا ، تولد این دو نفر سنه ۱۲۷۷ . ۵- شیخ بهاءالدین که در (۱۲۸۸) بیاید . ۶- شیخ علی تولدش سنه ۱۲۸۹ .

دویم : حاجی شیخ مجدالدین که مردی عالم و عابد بوده .

سیم : حاجی شیخ عبدالنبی که در (۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۱۱۳ ص ۱۸۴۴) گذشت .

### ❦ (۱۲۳۹- وفات فریدون میرزای فرخ قاجار) ❦

وی فرزند مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا است که در ( ۱۲۰۳ ج ۱ ش ۸۲ ص ۱۴۶) گذشت .  
 مرحوم فریدون میرزا از شاهزادگان بزرگ قاجاریه و شعراء این خانواده است و در شعر تخلص فرخ می نموده و لقب فرما نقر ما داشته و چندی حاکم مشهد مقدس بوده . و هم در آن شهر در روز چهارشنبه شانزدهم ماه ربیع الاخر این سال - مطابق (... ) جدی ماه برجی - وفات نموده و در دارالحفاظ مبارک در ایوان میانی شرقی دفن شد ، و وفات وی را در روز و ماه و سال مرقوم در جلد قاجاریه «ناسخ» و «منتخب التواریخ» نوشته اند ، و هم چنین «منتظم» بدون ماه و روز، و در «مجموع الفصحا» بدون روز و ماه در سنه ۱۲۷۱ ذکر کرده .

### ❦ (۱۲۴۰- تولد مرحوم سید ابوالقاسم ۴۸ دهکردی ، ره) ❦

وی (۱) فرزند مرحوم سید محمد باقر ۴۷ بن سید ابراهیم ۴۶ بن میر محمد هادی ۴۵ بن میر شمس الدین ۴۴ بن سید حسین ۴۳ بن سید محمد ۴۲ بن میرزا علی ۴۱ بن سید دراج ۴۰ بن اسمعیل ۳۹ بن سید شجاع ۳۸ بن سید جعفر ۳۷ بن سید احمد ۳۶ بن شمس الدین ۳۵ بن محمد ۳۴ بن سید شمس الدین ۳۳ بن الغانم ۳۲ بن سید اکبر ۳۱ بن سید ابوالوفا ۳۰ بن سید موسی ۲۹ بن سید جلال ۲۸ بن سید احمد ۲۷ بن سید جلال ۲۶ بن سید مقصود ۲۵ بن سید میرکی ۲۴ بن سید موسی ۲۳ بن سید عباس ۲۲ بن سید احمد ۲۱ بن سید سلیمان ۲۰ بن سید شمس الدین ۱۹ بن سید احمد ۱۸ بن سید فضال ۱۷ بن سید مقداد ۱۶ بن سید محمد ۱۵ بن سید عباد ۱۴ بن سید ابوالوفا ۱۳ بن سید شمس الدین ۱۲ بن محمد ۱۱

(۱) رجوع شود به «تاریخ چهارمحال : ۱۶۱» . یادداشت مؤلف .

۱۱ بن سید حسین ۱۰ بن سید عباس ۹ بن سید علی ۸ بن سید محمد ۷ بن سید محمد ۶ بن تاج العارین ابوالحسن سید محمد ۵ پرهیز کار ابن عبدالله ۴ بن الامام زین العابدین ۳ علیه السلام است .

حضرت امام زین العابدین ۳ (ع) در فصل دویم مقدمه گذشت .

فرزندش حضرت امامزاده عبدالله ۴ (ع) از بطن فاطمه دختر حضرت امام حسن (ع) متولد شده یعنی با حضرت باقر (ع) از یک مادر و خود ملقب به **باهر** بوده برای ابن که هر جا می‌نشسته نور جمالش حاضران را مبهور می‌نموده ، و اومتولی صدقات حضرت امیر (ع) و در پنجاه و هفت سالگی وفات کرده و عقب او قلیل است ، چنان که این همه را در «عمدة الطالب» گفته ، و هم آن جا نوشته که عقب او فقط از ابوعبدالله محمد ۵ الارقط (که چون آبله رو بود او را ارقط گفتند) بجای ماند ، لکن ظاهراً این سید محمد پرهیز کار غیر از ارقط باشد و پرهیز کار فرزند با واسطه عبدالله الباهر بوده (۱) .

**و بهر حال** ، مرحوم سید ابوالقاسم صاحب عنوان از اعظم علما و فقهاء اصفهان بود ، و تخمیناً نیم ساعت پیش از طلوع آفتاب روز شنبه غرة ماه رجب الفرد این سال - مطابق (... ) حوت ماه برجی - از بطن دختر ملا محمد ابراهیم دهکردی - که مانند سید محمد باقر پدر خودش هر دو از علماء دهکرد بودند - در دهکرد متولد شده ، و چندین سال در اصفهان و عراق عرب خدمت چند نفر از اجله علما و فقها درس خواند و از برخی اجازت روایت درست کرد ، و پس از آن در اصفهان بتدریس و تألیف و امامت و موعظه و ارشاد مشغول شد و چندین نفر از مجلس درس او برخواستند ، و کتب چندی تألیف کرد از آن جمله کتاب «منبر الوسیله» در اصول ختمه اعتقادیه در دو جلد (۲) .

(۱) در سال (۱۳۹۲) در احوال حاج سید فخرالدین امامت کاشانی فرزند دیگری بنام اسمعیل ۶ برای محمد ۵ ارقط ذکر میشود. **منه (ره)**.

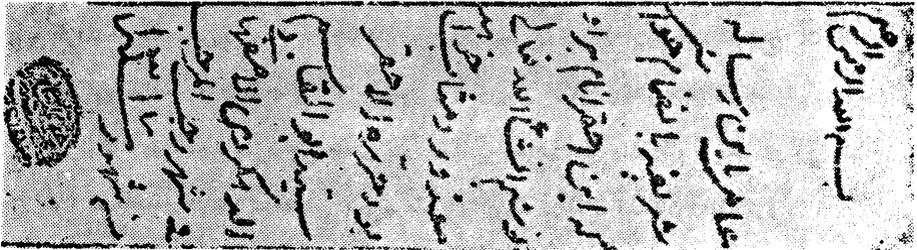
(۲) کتاب «منبر الوسیله» که گاه «وسیله» یا «وسیلة المعاد» نیز گفته میشود دو جلد است: جلد اول در توحید و عدل که در لیله جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ از تألیف آن فارغ شده و چندی بعد طی ۱۳ صفحه وزیری در اصفهان چاپ سنگی شده است. جلد دویم در نبوت و امامت \*

و پس از مدت هشتاد و یک سال و سه ماه قمری و پنج روز عمر، يك ساعت پیش از غروب روز شنبه ششم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۳ هزار و سیصد و پنجاه و سه - مطابق ۲۲ دی ماه باستانی - در اصفهان وفات کرد ، و روز ۷ در مقبره زینبیه سه ربيع فرستگي در یکی از حجرات طرف مغرب صحن دفن شد . و چندین نفر فرزند پسر و دختر از او بازماند که هیچ يك چندان شهرتی ندارند ، از آن جمله آقا حسین ۴۹ که پس از پدر چندین سال در اصفهان در محله در کوشک در مسجد سفره چی بجای پدر بامامت جماعت مبرداخت ، تا آخر در روز شنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۳۷۷ - مطابق ۱۴ تیر ماه باستانی - در همان اصفهان وفات کرد .

مرحوم آقا سید ابوالقاسم صاحب عنوان - بنا بر آنچه در کتاب «تحفة الاحباب : ۳۲» نوشته برادری داشته بنام سید محمود ۴۸ که آخوند ملا محمد کاشی می فرموده : اگر

✽ و معاد که چاپ نخورده و از نسخه آن اطلاعی نداریم . بخش چاپ شده شامل فوائد متفرقه مفیدی است . دیگر از آثار مطبوعه صاحب عنوان «حاشیه نخبه» است . «نخبه» رساله عملیه مرحوم حاج محمد ابراهیم مجتهد کرباسی (متوفی ۱۲۶۱) است در مسائل عبادات و چون خیلی سهل و ساده نوشته شده بود بسیار مورد توجه عموم واقع و از مرحوم حاج شیخ مرتضی محقق انصاری (متوفی ۱۲۸۱) گرفته تا بیش از نیم قرن برخی از مجتهدین بر آن حاشیه نوشته و آراء خود را اظهار داشتند . در سال آخر حیات چند تن از مراجع تقلید بزرگ اصفهان امثال حجج اسلام آقا میرزا محمد هاشم موسوی چهارسوقی (۱۳۱۸) و میرزا محمد حسن نجفی (۱۳۱۷) صاحب ترجمه که در آنوقت ۴۵ ساله بوده اقدام بتحشیه «نخبه» نمود و متن رساله را با حواشی مرحومین آیتین حاج شیخ مرتضی انصاری و حاج میرزا محمد حسن شیرازی با حاشیه خود بخط «علی بن مرحوم ملا محمد اسمعیل اصفهانی» از کاتبان خوب زمان که بعداً نیز نسخه «منبر الوسیله» یاد شده را برای چاپ استنساخ کرد نویسانده و بطبع رسانید و بلافاصله پس از رحلت آن دو مجتهد بزرگ اصفهان منتشر نمود ، اما از قرار مسموع با وجود نشر این رساله و حاشیه «جامع عباسی.ظ» باز هم آن مرحوم چندان مرجعیت تقلیدی نیافت ، والله اعلم .م.

زاهد در اصفهان هست دونفراند ، یکی همین سید محمود را گفته ودیگری سید حسن لبنانی که در صفحه مذکوره «تحفه» ذکر شده (۱) .



شرحی است که آقای دهکردی بخط خود در هامش رساله «نخبه» نوشته . و این است منهاج صحیح در گواهی اعتبار رساله های عملیه تا مقلد با اطمینان خاطر بدان استاد نماید .م.

(۱) رساله «تحفه الاحباب» تألیف سید سند جلیل القدر صدیق واعظ متعظ فاضل معاصر آقا سید طاها بهشتی چهارسوقی (سلمه الله تعالی وعافاه) صاحب تألیفات متعدد بنظم و نثر است که برخی از آنها بطبع رسیده ، و این رساله که در ماه شوال ۱۳۸۵ از تألیف آن فراغت یافته چندی بعد طی ۸۰ صفحه کوچک در اصفهان چاپ شده ومشتمل است بر خلاصه ئی از شرح احوال رجال فاضل و نامدار خاندان بهشتی از سادات حسینی اصفهان و در فن خود مغتنم است ، جزاه الله تعالی خیراً . شرح حال مومنه در سال تولدش (۱۳۲۲) خواهد آمد .  
 و ناگفته نماند که چون آقای دهکردی صاحب عنوان از اساتید نیای ما ادری راقم این سطور بوده اند لذا شرح حال مبسوطی از آن مرحوم در کتاب «زندگانی آیت الله چهارسوقی: ۹۱-۱۹۸» ذکر کرده ایم که مراجعه بآن برای تکمیل مطالب متن مفید است .م.



مرحوم آقا سیدا بو القاسم دهکردی

﴿وفات میر محمد صادق مدرس خواتون آبادی﴾

شب آدینه ۱۴ رجب . شرح احوال او در (۱۲۰۷ ج ۲ ش ۱۲۹) گذشت .

سنه ۱۲۳۵ شمسی

اول حمل ماه برجی

آدینه چهاردهم رجب المرجب

﴿(۱۲۴۱- تولد مرحوم حاج میرزا محمد ۲۴ کاظمینی، ره)﴾

وی فرزند مرحوم میرزا محمد صادق ۳۳ چهارسوئی (۱۲۲۸ ج ۳ ش ۳۸۷) و خود از علماء عصر بود که در سیزدهم ماه شعبان المعظم این سال (۱) چنان که در «شجره نامه چهارسوئی ها» نوشته - مطابق (... ) حمل ماه برجی - در اصفهان متولد شده ، و در

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۱۹ : ۳۶۲ ش ۱۶۱۷» که آنجا تولد وی را در ۱۳ شعبان ۱۲۷۳ نوشته و کتابی بنام «المجالس العامره» در فضائل و مصائب از تألیفات او آورده . یادداشت مؤلف (ره) . کتاب دیگری که از آن مرحوم در «الذریعه ۱۲ : ۲۸۳» ذکر شده بنام «السير والسلوك فی نوائح الرعايا والملوك» است بفارسی که آنرا صاحب عنوان خود بمؤلف ذریعه فرموده است ، و توضیح کافی درباره تاریخ ولادت دقیق و صحیح آن مرحوم در حاشیه آیه داده ایم ، مراجعه فرمایند م.

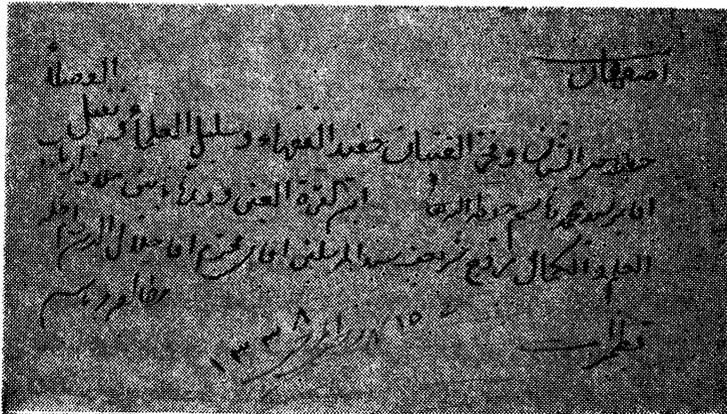
«احسن الودیعه ۲: ۳۵» درسنه ۱۲۷۳ فرموده (۱) .

وبہر حال، او در عتبات تحصیل کرده و در کاظمین سکونت نموده تا ہم آنجا در نزدیکی مغرب شب چهارشنبه بیست و دویم ماه محرم الحرام سنہ ۱۳۵۵ ہزار و سیصد و پنجاہ و پنج - مطابق ۲۶ فروردین ماه باستانی - وفات کرد و ہم در آن زمین برین در صحن مطہر در حجرۃ چہارم طرف راست آن کہ از در قبلہ بیرون رود دفن شد . و فرزندش سید محمد مہدی ۳۵ در (۱۳۱۹) بیاید .

(۱) سنہ ۱۲۷۳ در طبع دوم کتاب نیز بہمین صورت با ارقام ہندیہ چاپ شدہ . و اما ماخذ این جانب در «شجرہ نامہ» و جاہای دیگر ہمانا ورق یادداشت (مذکور در ص ۱۹۲۵) است کہ در آن مطالب و تواریخی بخط والد ماجد صاحب عنوان نوشتہ و اینک در نزد حقیر موجود و تاریخ ولادت آن مرحوم بخط پدرچنین است : «بسم . تاریخ تولد فرزندى محمد الملقب بالجواد والمکنى بأبى المعالى (وفقه الله تعالى) یکساعت بغروب یوم شنبہ سیزدہم شہر شعبان المعظم مانده بود کہ خداوند عالم مرحمت فرمود ، شمس در برج حمل ہشت ساعت مانده بود کہ بہ برج ثور داخل شود» تا آنکہ گوید : «مورخہ ۱۳ شعبان من شہور سنہ ۱۲۷۲ سنہ ۱۲۷۲» انہی، و ذکر سنہ را خود تکرار فرمودہ است . و اطلاع زائد بر این مقدار در احوال و آثار صاحب عنوان موکول بتألیفات مطبوع و غیر مطبوع فرزند علامۃ آن مرحوم آیۃ اللہ سید محمد مہدی (متوفی ۱۶ محرم ۱۳۹۱) و برخی نوشتجات این ضعیف خواہد بود کہ در آنہا شرح احوال رجال خاندان خود را بتفصیل نگاشتنہ ، و فقہ اللہ تعالی لا کمالہ بمحمد وآلہ علیہم السلام و مخفی نماند کہ مرحوم حاج میرسید محمد تاسی سالگی خود در اصفہان میزیستہ و آن ہنگام بعتبات عالیات مہاجرت و در روز بعین ۱۳۰۴ بکربلاى معلی وارد شدہ ، بشرحی کہ در «احسن الودیعه ۲: ۳۵» مذکور است .



مرحوم آقای حاج میرزا سید محمد کاظمینی و خواهر زاده او مرحوم آية الله حاج میرزا سید حسن چهار سوقی (۱۲۹۴) از يك عكس جمعی در سفر اخیر اصفهان بسال ۱۳۴۷ ق . این دو بزرگوار بیکدیگر بسیار علاقمند بوده و مکاتبات فراوانی «بین کاظمین و اصفهان» از ایشان در دست می باشد .م.



نخط حاج میرزا محمد کاظمینی روی يك نامه پنهان والد راقم این سطور «۱۳۱۹-۱۳۵۶» .م.

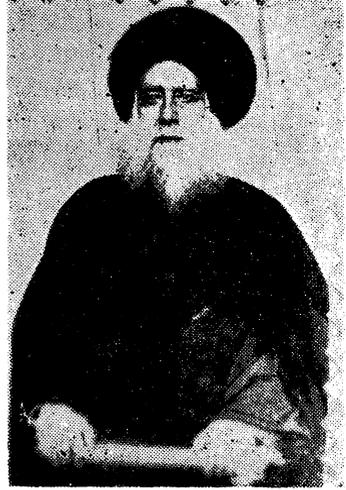
❁ (۱۲۴۲- تولد مرحوم آقا سید حسن ۳۷ صدر کاظمینی) ❁  
❁ (اعلیٰ الله مقامه) ❁

وی مرحوم سید ابو محمد ۳۷ فرزند مرحوم سید محمد هادی ۳۶ کاظمینی است که در (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۹۴ ص ۱۰۱۵) گذشت .

مرحوم سید حسن (اعلیٰ الله مقامه) از اجله واعظم علما وفقها بود و در احوال رجال و علماء فریقین و سیر و تواریخ تتبع و تبحری فراوان داشت ، او در هنگام زوال روز آدینه (۱) بیست و نهم ماه رمضان المبارک این سال - مطابق (... ) جوزا ماه برجی - در کاظمین (ع) متولد شده و در خدمت چند نفر از بزرگان اهل علم و ادب و عظماء علما و مشایخ اجازات درس خواند تا خود عالمی عامل و فقیهی فاضل و متبعی کامل گردید ، و مخصوصاً در فنون رجال و درایت و تتبع احوال علما و تراجم رجال فریقین مقامی منبع و مرتبتی رفیع بهم رسانید ،

(۱) اینکه تولد مرحوم آقا سید حسن در آدینه ۲۹ رمضان این سال باشد در بسیاری از جاها که شرح احوال و تولد او را نوشته اند بنظر رسیده ، از آن جمله جلد ۱ «الذریعه» لکن یکی از روز هفته یا ماه آن اشتباه است زیرا که در روزنامه های آن سنوات و برخی از جا های دیگر غره ماه رمضان آن سال را ۳ شنبه یا ۴ شنبه نوشته اند ، چنانکه در عنوان شیخ اسد الله زنجانی هم بنا به چهارشنبه آوردیم ، و اختلاف افق ایران با عراق عرب این اندازه نخواهد شد . منته (ره) . خود صاحب عنوان نیز در «طبقات الاجازات بالروایات ص: ۳ نسخه خطی» گوید : «لتولای فی تاسع و عشرين شهر رمضان المبارک یوم الجمعة عند الزوال سنة الف و مائین و اثین و سبعین» افتھی . و در مقدمه الطبع «تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام» و «الشیعة و فنون الاسلام» دو تألیف مهم آن مرحوم نیز در شرح حال مبسوط مؤلف بنقل از «بغیة الراغبین» علامه شرف الدین بهمین کیفیت نوشته اند . و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان و خاندانش رجوع شود به «زندگانی آیت الله چهارسوقی» نگارش راقم این سطور (عفی الله عنه) . م.

رساله  
ارشاد المقلدین  
تالیف حضرت ایتة الله فی العالمین  
حجة الاسلام والمسلمین سرکار آقای  
آقا سید حسن صدر الدین العاملی الکاظمی  
ادام الله تعالی ظله العالی بمحمد  
وآله الطاهرین آمین



مرحوم آقا سید حسن  
صدر الدین کاظمینی

صفحہ اول و جلد روى كتاب  
«ارشاد المقلدین»

فی جامعہ المہذبہ بالصنائف المعروف بالکافی فالبروری رام بتدایہ کل هذه الطرق  
والمسئله الدنایہ عند مضانہ الاحابہ و المسئله الاخری ما هو انجلی واحوط  
فی کل شیء و فی کل حال فاسئل ان یجیبی به الذیہ کا احیایا بانہ الا کریم  
خبره العبد الراجی فضل ربہ ذی المن ابن المنازی حسن المعروف  
بالبیروت صدر الرئی فی لیلہ السبت رابع عشر من المحرم الحرام ۱۲۳۵

آخرین سطور اجازہ آقا سید حسن صدر برای مرحوم  
آقا شیخ محمد رضانجفی در سر آغاز نسخه «نجمۃ المراد»

بطوری که کمی از علماء شیعه و سنی را مانند ابیان خیرت و احاطت توان پیدا کرد ، و در اثر آن مؤلفات نافعہ و تصنیفات شریفه چندی از قلم مبارکش سرزد کہ همه در موضوع خود از جلال تالیف و نفایس سفاین بشمار آید ، از آن جمله :

اول کتاب «تکملة الامل» در تتمیم کتاب «امل الامل» در احوال علماء جبل عامل و غیره تالیف مرحوم شیخ حر عاملی (اعلی الله مقامه) در سه جلد ضخیم بزرگت : اول در احوال علماء جبل عامل ، دوم و سیم در احوال سایر علماء کہ در مقام خود از مؤلفات جلیله نافعہ است . ۵۹۵ و سیم کتاب «الغالیه» برای اهل انظار عالیہ ، در حرمت ریش تراشی بعبری ، انجام تالیف آن غره ۲۷ سنه ۱۳۱۵ . سیم کتاب «اللعمه الحیدریه» در اجازه برای سردار کابلی چنانکہ در «اجازه میرزا محمد علی اردوبادی بسرای شیخ حسین آل محفوظ» نوشته . چهارم کتاب «ذکر ذوی النهی» در حرمت حلق لحي (یعنی ریش تراشی) ایضاً بعبری ، تالیف آن ج ۲ سنه ۱۳۴۳ (۱) .

(۱) در مقدمه الطبع دو کتاب سابق الذکر تعداد هشتاد و دو تالیف در فنون مختلفه برای صاحب عنوان ذکر کرده و در کتاب را نوشته اند کہ بطبع رسیده است از آن جمله «الغالیه» و «ذکر ذوی النهی» . ۵۹۵ و دیگر از آثار مطبوعه آن مرحوم کہ در مقدمه ذکر نشده رساله «ذکر المحسنین» است در شرح حال سید محسن مقدس اعرجی کاظمینی کہ با مجلدی از «وسائل الشیعه» مرحوم سید محسن بسال ۱۳۲۱ در تبریز چاپ شده . و دیگر کتاب «ارشاد المقلدین» کہ رساله عملیه آن مرحوم است بفارسی در طهارت و صلوة و صوم و زکوة و خمس در ۱۳۳ صفحه رقمی کوچک کہ نام مطبعه و تاریخ و محل طبع را ننوشتہ اند و بنظر اینجانب در بغداد بطبع رسیده و تاریخ ختم تالیف آن آخر ماه رجب ۱۳۳۸ یعنی پس از فوت پسر عم و شوهر خواهرش مرحوم آیت الله حاج سید اسمعیل صدر از مراجع تقلید مشهور زمان بوده و گویا مؤلف نخواسته است در عراقین کسی بر این رساله مطلع شود زیرا نہ در مقدمه موصوفه ونه در «الذریعه» ونه در فہارس جناب مشار ونه در جاهای دیگر مطلقاً اسمی از آن نیست و نسخہ ثانی ہم کہ بدست اینجانب رسیده از ہندوستان وارد شدہ است . دیگر از آثار آن مرحوم کہ در اوائل سال جاری چاپ شدہ کتاب «فصل القضا» است کہ باہتمام تام جناب ثقة الاسلام حاج شیخ \*

واو از بسیاری از مشایخ و اساتید خود اجازت روایت دارد ، از آن جمله حاج میرزا حسین خلیلی ، چنان که در آن اجازه نوشته . و چندین نفر از علماء عصر فیض اجازت روایت از او دریافته اند (۱) .

وبالآخره وی در اواخر عمر که مزاجش از اعتدال منحرف شد برای تغییر آب و هوا از کاظمین بقصر جعفرخان بیرون کاظمین رفت و همان جا پس از مدت هشتاد و یک سال و پنج ماه قمری و دوازده روز عمر ، در شب پنج شنبه یازدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار - مطابق ۲۲ خرداد ماه باستانی - بدرجات جنان صعود نمود و جسدش را بکاظمین آورده و در صحن مقدس در حجره پدر بزرگوارش دفن کردند .

وازوی سه دختر ۳۸ و دو پسر بازماند . و پسران: یکی حاجی سید محمد ۳۸ صدرالدین است که در (۱۳۰۰) بیاید . دوم : آقا سید علی ۳۸ که کوچک تر از او و از علما و ائمه جماعت کاظمین و مادرش خواهر سید حسین قاری هندی است که در (۱۳۳۰) بیاید . چنان که مادر خود آقا سید حسن صاحب عنوان - بطوری که در «الذریعه ۸: ش ۹۴۲» نوشته خواهر

\* رضا استادی تهرانی از افاضل حوزه علمیه قم (سلمه الله تعالی) در مجموعه نفیس «آشنائی با چند نسخه خطی ، دفتر اول» که بکوشش سید سند و عالم محقق معتمد صدیقنا الاعز جناب حاج سید حسین مدرسی طباطبائی (دامت افاضاته) منتشر شده بزبور طبع آراسته گردیده ، جزاها الله تعالی عن الاسلام واهله خیراً م.

(۱) از آن جمله سید مشایخنا الامام آیت الله حاج سید صدرالدین صدر نزیل قم (اعلی الله مقامه) و علامه مرحوم حاج شیخ محمد باقر القت هردو بیک اجازه بسیار مفید و مبسوط بنام «طبقات الاجازات بالروایات» که نسخه اصل آن نزد مرحوم القت بود و اینجانب درسی سال قبل (جمادی الاخره ۱۳۶۷) نسخه ئی از آن بخط خود برای درج در کتاب «ریاض الابرار» در ۴۵ صفحه استنساخ کردم . تاریخ ختم تألیف این اجازه روز شنبه دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۲۵ می باشد . و از جمله: علامه مرحوم شیخ محمد رضا ابوالمجد نجفی مسجد شاهی که سید صدر اجازه ئی در چهار صفحه برای وی در مقدمه نسخه اصل کتابش «نیجة المرئاد فی شرح نجات العباد» در شب شنبه ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۳ نوشته و آن نسخه در کتابخانه ارقام این سطور است م.

شیخ جابر کاظمینی (۱۲۲۲ ج ۳ ص ۳۱۸ تا ۷۴۳) است. وسید علی مذکور کتابی دارد بنام «ابانه» از کتب خزانه (۱)، در فهرست کتب کتابخانه پدر بزرگوارش (اعلی الله مقامه)، و نیز کتابی دارد بنام «حقیبه» در فوائد متفرقه مانند «کشکول»، و وی بطوری که در مجله مبارکه «المرشد» س ۳ ش ۱ صادره در ۱ ماه رمضان ۱۳۴۶ ص ۲۸ نوشته؛ اعلانی منتشر نموده دایره برای نکه پس از این وی را بنام شرف الدین که یکی از اجداد او میباشد بخوانند.

### ❁ (۱۲۴۳- تولد کامران میرزای نایب السلطنه قاجار) ❁

وی فرزند مرحوم ناصرالدین شاه است که در (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۳ ص ۱۲۹۴) گذشت. کامران میرزا از شاهزادگان آل قاجار و از اهل علم بوده، و در سه شنبه نوزدهم ماه ذی القعدة الحرام این سال - مطابق (... سرطان ماه برجی - از یطن منيرة السلطنة (۲) دختر محمد تقی خان معمار باشی متولد شده. و سه شنبه بودن ۱۹ این ماه از آن است که در «الذریعه» انجام تألیف «اکسیر العبادات» را در آدینه نیمه آن نوشته و نیز در روزنامه های آن سال چنین است.

و بهر حال، وی در روز آدینه ۲۷ شعبان سنه ۱۲۷۵ ملقب به نایب السلطنه گردید، و پس از مدت هفتاد و چهار سال و نه ماه قمری و سیزده روز عمر، در شب سه شنبه دویم ماه

(۱) صاحب عنوان در «طبقات الاجازات» کتابی باین نام را از تألیفات خود ذکر کرده؛ شاید اصل تألیف از پدر و جمع و تدوین از فرزند باشد. و مؤلف «الذریعه» در این کتاب آنرا بفرزند و در شرح حال خوبی که برای پدر در «نقباء البشر» نوشته درص ۴۴۸ آنرا جزو تألیفات خود آن مرحوم آورده است. و آقا سید علی مذکور در این سنین اخیره برحمت ایزدی پیوست م.

(۲) در «بدایع و نوادر: ۵ ش ۸۲» نوشته که خیابان منیریه بنام این منيرة السلطنة است. همنه (ره).

رمضان المبارک سنہ ۱۳۴۷ ہزار و سیصد و چہل و ہفت - مطابق ۲۳ بہمنماہ باستانی۔ وفات کرد ، و درقم دربقعہ قبر فتحملیشاہ دفن شد . و دختر او ملکہ جهان خانم زنی با علم و فضل و زوجہ محمد علیشاہ پسر عمش کہ در (۱۲۸۹) بیاید بودہ و کتابی بنام «برہان الایمان» در ادعیہ و اُوراد تألیف نمودہ . و مادر این دختر کہہ زوجہ نایب السلطنہ باشد سرور الدولہ (۱۳۲۶) بودہ .

و فرزند دیگر نایب السلطنہ محمد باقر میرزای کامرانی امیر ارفع بودہ کہ در «روز- نامہ اطلاعات . س ۲۹ ش ۸۶۴۹-۱۸ شعبان ۱۳۷۴ ص ۲» اعلان فوت او در ہامبورک نوشتہ شدہ و اینکہ جسدش بقم حمل و آنجا دفن شد .

و فرزند دیگر نایب السلطنہ محمد مہدی میرزای مذکور در «فہرست رضویہ ۶: ۳۵۰-۳۵۱» است .

### ﴿۱۲۴۴﴾- تولد میرزا عبدالرحیم گلی بری انصاری تبریزی ﴿﴾

وی فرزند مرحوم ملا نصر اللہ انصاری و خود از علما و فقہاء عصر بود . شرح احوالش در (ص ز) از مقدمہ کتاب «شیعہ چہ می گوید» تألیف فرزندش حاج سراج انصاری (س) نوشتہ ، و از آن چنین برآید کہ نژاد او بحضرت جابر انصاری (علیہ الرحمہ) میرسد ، و پدران وی از دو بیست سال پیش از این تا کنون کہ معلوم و اسمائشان در دست بودہ ہمہ از علما و معروف بہ انصاری بودہ اند ، و پدرش ملا نصر اللہ از علما و فقہا و شاگرد صاحب «جواہر» بودہ . و میرزا عبدالرحیم خود در روز پنج شنبہ پنجم ماہ ذی الحجۃ الحرام این سال - مطابق (...) اسد ماہ برجی - در قریہ ہجرت ندیس نزدیک قصبہ گلپور متولد شدہ و علوم مقدماتی را از پدرش یاد گرفت ، و در اوائل سنہ ۱۳۰۰ بعتبات رفت و مدتی درسارہ نزد میرزای شیرازی درس خواند و بعد از آن بمدرس ملامحمد کاظم خراسانی شتافت و از

تلامذه دوره اول وی گردید ، وازوی و آقا سید محمد کاظم و آقای شریعت اجازت اجتهاد یافت ، وچندین نفر ازعلما درنزد وی درس خوانده اند وچندین کتاب تألیف کرد :  
اول کتاب «اجتهاد و تقلید» . دویم کتاب «بهجة العناوین» در مواعظ . سیم «رساله ئی در شرط متأخر» . چهارم کتاب «صراط النجاة» در اصول دین . پنجم کتاب «مشکوة السالك» در ادعیه .

او در وقت طلوع آفتاب روزجمعه نهم ماه صفرالخیرسنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهارم - مطابق ۲۴ قوس ماه برجی - وفات کرد ودر تبریز در سمت زاویه شرقی قبرستانی که در طرف مشرق صحن امامزاده حمزه (ع) واقع است دفن شد . و فرزندش حاج سراج مذکور در (۱۳۱۳) بیاید .

وچند نفر غیر از صاحب عنوان خود را ازاعقاب جابر نوشته اند :

- ۱- حاج میرزا علی انصاری (۱۳۰۵) و خانواده او.
- ۲- ملاحسینقلی همدانی که در سال (۱۲۳۹ج ۴ش ۵۵۵ص ۱۰۸۷) گذشت .
- ۳- حاج میرزا موسی خان انصاری (۱۲۷۳ش ۱۲۸۲) که ظاهر آوی نیز از خانواده حاج میرزا علی میباشد .
- ۴- ملا محمد باقر صفا شاعر نائینی که در «الذریعه ۹ : ۱۰۶ش ۴۳۵۸» نوشته .

﴿وفات مرحوم ملاابوالحسن تهرانی ، ره﴾

شرح احوال او در (۱۲۰۰ ج ۱ ش ۵۲ ص ۱۰۳) گذشت .

﴿۱۳۴۵- تولد مرحوم شیخ جعفر، هر، کر بلائی، ره﴾

وی فرزند مرحوم شیخ صادق بن احمد حائری مشهور به هر و خود از علما و فقها بوده، و در این سال در کر بلا متولد شده و در نزد چندین نفر از علما درس خوانده و شعر هم می‌گفته و چند نفر در نزد او درس خوانده‌اند. و آخر در پنج شنبه غره ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۷ هـ از ویسید و چهل و هفت - مطابق ۲۴ ابان ماه باستانی- در کر بلا وفات کرد و هم آن جا در نزدیکی قبر مرحوم آقا سید علی کر بلائی (ره) دفن شد.

و فرزندش شیخ موسی نیز از علماء این عصر می باشد، و هر دو (پدر و پسر) در «مقالات مبسوطه» در (۱۳۴۷) نوشته‌اند (۱).

﴿۱۳۴۶- تولد شیخ حبیب آل شبیر خاقانی خرم شهری﴾

وی از علما و فقهاء عصر است که در این سال - چنان که در «الذریعه ۷ ش ۱۱۱۴» نوشته- در سوق الشیوخ متولد شده و در خرم شهر که آنرا سابقاً محمره می گفتند سکونت نموده و چندین کتاب که از آن جمله است کتاب «خلاصة الفقه» تألیف فرموده.

﴿۱۳۴۷- تولد آقا حسین نجم آبادی نهرانی﴾

وی فرزند مرحوم حاجی آقا محمد نجم آبادی است که در (۱۲۳۶ ج ۳ ش ۵۰۸ ص ۱۰۳۱) گذشت، گرچه در «نقا: ۲۱۴ ش ۱۷۴۰» وی را فرزند شیخ عبدالله نجم آبادی (۱) در «مقالات مبسوطه» مأخذ ترجمه را «اعیان الشیعه» و ورقه ثی بخط شیخ موسی نوشته است م.

نوشته ، لکن آن غلط است چنانکه درحاشیه نوشته ایم. و بهر حال ، وی عالمی جلیل و محققى  
 بى بدیل بود که در این سال متولد شده و در تهران ریاستی شایان داشته ، و در پنج شنبه هفتم  
 ماه رجب الفرد سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت - مطابق ۲۹ آذرماه باستانی - وفات  
 کرد. و او چندین سال در نجف در نزد مرحوم حاج میرزا حسین (۱۲۳۰ج ۳ش ۴۲۰ص ۸۹۴)  
 درس خواند و در حدود (۱۳۲۰) بتهران بازگشت. و کتبی تألیف کرد: اول «حاشیه بر  
 کتاب ارث از قواعد علامه». دوم کتاب «میزان المقادیر». و روایت می کند از استادش حاج  
 میرزا حسین مرقوم از صاحب «جواهر» ، و از او: آقا نجفی تبریزی (س) .  
 و فرزندش آقا حسن در (۱۳۰۷) بیاید .

### ❦ (۱۲۴۸- تولد مرحوم حمیدرخان قاجار، ره) ❦

وی فرزند نصرالله خان قاجار نهاوندی و خود از اجله حکما و عرفا و فلاسفه و صوفیة  
 عصر بوده و در این سال متولد شده و کسب علوم معقول نموده تا حکیمی کامل و فیلسوفی  
 فاضل گردید ، و سالها در مدرسه سپهسالار قدیم در تهران بتدریس مشغول و بر ریاضت و تهذیب  
 اخلاق عمری را بسر رسانید ، تا در دوشنبه چهاردهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۱۸ هزار  
 و سیصد و هیجده - مطابق (... سنبله ماه برجی - بدرجات جنان صعود فرمود .

### ❦ (۱۲۴۹- تولد رحمت شاعر شیرازی) ❦

وی مرحوم میرزا عبدالله فرزند میرزا محمود حکیم است که در (۱۲۳۴ ج ۳ش ۴۷۳  
 ص ۹۸۴) گذشت.

مرحوم رحمت ازاجله اهل علم وادب ودانشمندان بزرگواراست ودرشعروخط وطب وعلوم ریاضیه وغیره سرآمد أقران خود بوده ، او دراین سال - چنان که نص «فارسانمه» و«طرائق» ومفهوم از«گلشن وصال» است - ازبطن دخترمرحوم رحمتعلیشاه متولد گردید . گرچه در«گلشن وصال» تصریح به ۱۲۷۰ نموده لکن اشتباه است . و علاوه بر کمالات مرقومه که ازآن جمله نظم اشعاربتخلص (رحمت) است چندین کتاب درعلوم ادبیه وریاضیه تألیف نموده ، ودرعرفان ازجد بزرگوار مادری خود ارث برده ، ودرطبابت بأقسام عدیده خدمات نافعه بأبناء نوع خود فرموده .

وآخردرشب پنج شنبه سلخ ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۴ هزار و سیصد وچهل وچهار- مطابق ۲۲ اردی بهشت ماه باستانی - درشیراز وفات کرده ودربیرون شهر دربقعه شیخ ابوالوفا دفن شد . و دو فرزند ازدخترعمش مرحوم وقار از او بازماند : اول میرزا مصطفی بهجت که در(۱۲۹۵) بیاید . دوم میرزا یوسف وصال که در(۱۳۰۳) بیاید .

### ❁ (۱۲۵۰- تولد حاجی میرزا عبدالرحیم طالب اوف تبریزی) ❁

وی فرزند ابوطالب بن علی مراد نجار، وخود ازفضلاء کبار بوده که دراین سال در تبریزمتولد شده وکتب چندی تألیف نموده ازآن جمله : «ترجمه هیئت فلاماریون» وکتاب «نخبه سپهری» دراحوال حضرت رسول (ص) . ودرواسط ماه ربیع الاخرسنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست ونه - مطابق حمل ماه برجی - در تیمورخان شوره ولاد قفقاز وفات کرد ، چنان که درشماره ۱۸ «روزنامه شمس وتمدن» نوشته ودرشماره (۹-۱۰، ج-۱ ج-۱۳۲۹/۲) «مجله بهار» وهمچنین در«دانشمندان آذربایجان» و«رجال آذربایجان» درسنه ۱۳۲۸ نوشته اند ، ودر«معاریف» درسنه ۱۳۳۶ گفته که آن ظاهراً اشتباه است .

❀ (۱۲۵۱- تولد عزیز جنگ شمس العلما) ❀

وی احمد عبدالعزیز نائینی متخلص به ولا فرزند محمد نظام الدین است که بطور مفهوم از «مؤلفین کتب چاپی ۵۸:۴» در اینسال متولد شده و چندین کتاب تألیف کرده : اول کتاب «آصف اللغات» هفده جلد . دویم کتاب «تصویر بلاغت» که شعر است . سیم کتاب «کلیات نظم ولا».

❀ (۱۲۵۲- وفات مرحوم آقا محمد اسمعیل نائینی، ره) ❀

وی فرزند مرحوم حاج محمد حسن نائینی (ره) است که در (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۴۶۷ ص ۱۳۷۱) گذشت .

مرحوم آقا محمد اسمعیل (ره) از اهل علم و عرفان بوده ، و از قراری که در «طرائق الحقائق» فرموده وی در خدمت پدر نامور نشوونما کرده و فیض یاب گردید، و میرزا محمد حسین وزیر اصفهان که از ارادت مندان حاجی محمد حسن بوده بوی نوشت که هر کدام فرزندان آن را که بیشتر دوست می‌دارید با اصفهان بفرستید که یک دختر دارم او را بوی تزویج نموده و املاکمی که هست با لوازم دیگر بوی بخشم . حاجی محمد حسن آقا محمد اسمعیل را فرستاد و آن وزیر بوی نظیر بگفته خود رفتار کرد و دختر خود را بدو تزویج نمود و هر چه داشت بوی داد و نهایت اخلاص و ارادت را بظهور رسانید . مردمان حاسد را این معنی ناگوار شد و در خدمت مرحوم حاجی سید محمد باقر بیاد آبدی شهادت مجعول و مزورانه داده تا حکم کفر آقا محمد اسمعیل صادر و زوجه اش بی طلاق بمیرزا عبدالحسین برادر زاده

میرزا محمد حسین شوهر کرد ، و گویند که فتنه اصفهان و قتل میرزا عبدالحسین از شامت آن تزویج بود (۱) . و آقا محمد اسمعیل از مردم گریخته بمشهد رفت و در یکی از حجرات متصل برواق مقدس سالها پنهان بود و پدرش بفراق وی مبتلا ، تا محمد شاه بتخت نشست و آقا محمد اسمعیل ظاهر شد و بنائین آمد و از خانواده ئی دیگر زن گرفت و چندین نفر فرزند پسر و دختر آورد ، و در این سال وفات کرد و در نزد پدر دفن شد ، انتهى . و بطوری که در «تاریخ نائین ۱۷:۴» نوشته وی سه دختر و هفت پسر داشته و از پسران : اول که اکبر وارشد همه است حاجی پیرزاده در (۱۳۲۱) بیاید . دویم آقا حسن . سیم عبدالمولی . چهارم حاج آقا حسن . پنجم حاج علی محمد خان . ششم حاج آقا محمد خان . هفتم آقا عبدالوهاب . و از بعضی از اینها احفاد و اولادی بهم رسیده که در (ص ۱۸) بشرح نوشته شده .

### وفات میرزا محمد باقر کوب شاعر خراسانی (۱۲۵۳-)

بطوری که در «مجمع الفصحا ۲: ۴۲۵» فرموده کوب از اهل خاوران خراسان و شاعری بلند مکان بوده و از علوم ادبی و ریاضی و طبیعی بهره ئی تمام داشته و در این سال لوای سفر آخرت برافراشته . آن گاه لختی از اشعارش را از مسوده ئی که فرزندش بوی داده ذکر کرده . و شعرائی که کوب تخلص داشته اند در (۱۲۳۹ج ۴ش ۵۵۷ص ۱۰۹۲) گذشت . (۱)

(۱) داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی و قصد اهانت بر روحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجة الاسلام (اعلی الله مقامه) بوده است ، کمالاتی م۰.

(۲) مآخذ شرح حال صاحب عنوان و دیگر کوب و کوبی تخلص ها در «فرهنگ سخنوران» بتفصیل آمده است م۰.

﴿ ۱۲۵۶ - تولد حاج شیخ محمد تقی تربتی خراسانی ﴾

وی فرزند حاج علیبنی خان شجاع‌الملک است که او فرمانده فوج قرائی خراسان بوده و در سنه ۱۳۲۷ کشته شده .

وحاجی شیخ محمد تقی خود از علما و فقها و اهل فضل و ادب عصر خویش بود که در این سال - چنان که در «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه (ع) ۳۸۷:۵» نوشته - در قریه دولت آباد چهارفرسنگی شهر تربت حیدریه متولد شده ، و چون پدرش مردی نظامی بود وی نیز تا چهارده سالگی بتحصیل علوم فارسی و فنون نظامی مشغول بود ، آن گاه از این کار سر باز زده و در حدود هزار و دوویست و هشتاد و اندی بمشهد مقدس مهاجرت نمود و در مدرسه میرزا جعفر سکونت اختیار کرد و باشوقی وافر و جدی متکاتر بتحصیل علوم دینی پرداخت ، چندان که در اواخر امر سرآمد تلامذه مرحوم میرزا نصرالله تربتی (۱۲۳۰) گردید (۱) .

آن گاه برای تکمیل علوم شرعیه در سنه ۱۲۹۸ بنجف رفت و در خدمت میرزای رشتی و غیره درس خواند و بانیل بمقام اجتهاد بایران برگشت و در مشهد مقدس ساکن و همی بتألیف و تدریس اشتغال جست ، و چندین کتاب تألیف نمود : اول کتاب «تقریرات» که مجموعه‌ئی است از مسوده های مختلف و اکثر آنها در مباحث و مسائل متفرقه و بعنوان حواشی بر «طهارت» و «مکاسب» شیخ انصاری است که بیشتر آنها ناتمام مانده . دویم «حاشیه بر مبحث تعادل و تراجیح فرائد» آن مرحوم .

و آخر در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۰ هزار و سیصد و سی - مطابق (اسد - سنبله) ماه برجی - در مشهد وفات کرد ، و هم آنجا در منزل شخصی خود در کوچه حمام سالاردفن شد . و فرزندش آقای شجاعی اینک از قضاة عالی مقام معاصر است .

(۱) شرح حال میرزا نصرالله تربتی باجمعی دیگر از معنومین (۱۲۳۰) بهنگام طبع از قلم مرحوم مؤلف سهواً ساقط شده ، بناچار در سال وفاتش (۱۲۹۸) ذکر خواهد شد ، انشاءالله تعالی .م.

### ❀ (۱۲۵۵- وفات مرحوم آقا محمد حسین یزدی ، ره) ❀

وی فرزند محمد اسمعیل بن محمد مهدی بن محمد صادق ، و خود از خانواده ؤعلم و از علماء اکابر و مجاور حائرها طاهر بوده و در نزد صاحب «جواهر» و شیخ انصاری درس خوانده و چندین کتاب تألیف نموده ، اول : کتاب «قسطاس مستقیم» در منطق . دوم کتاب « کلمه باقیه» در اخلاق . سیم کتاب «فلك المشحون» در اصول . چهارم کتاب «مقالید» در فقه . و او در این سال در کربلا وفات نموده و هم آن جا در صحن کوچک دفن شده با شاهزاده رکن الدوله .

### ❀ (۱۲۵۶- تولد سید محمد مهدی ، کشوان کاظمینی) ❀

وی فرزند سید صالح کشوان موسوی قزوینی و خود از علما و فقهاء این عصر می باشد که در این سال - چنان که در «الذریعه ۷ش ۸۹۴» فرموده - در کاظمین متولد شده و در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۲۸۷» در سنه ۱۲۸۲ گفته . و بهر حال وی هم در کاظمین بتحصیل پرداخته و در حدود (۱۳۰۰) بسامره رفت و بدرس میرزای شیرازی و تلامذه مهم او ماند میرزا ابراهیم محلاتی (۱۳۳۶) و شیخ اسمعیل ترشیزی حاضر شد ، و در سنه ۱۳۱۴ بمشهد رفت و بعد از آن بکویت رفته در آنجا اقامت نمود و سال ها مرجع امور شرعی آن شهر بود ، تا در سنه ۱۳۴۳ بیصره رفت و در بصره سکونت نمود و همواره بأداء وظیفه شرعی و تألیف بصرمی برد ، و او چندین کتاب تألیف کرد ، از آن جمله : اول کتاب «القام الحجر» بفارسی در رد شیخیه که نام اصلی آن «هدی للمتقین» بوده و مرحوم آقای شریعت نام آن را «القام الحجر»

نهاده . و این کتاب بحریمی هم ترجمه شده و نام «مخازی الشیخید» است . ۵۰ ویم کتاب «برهان‌الدین الوثیق» در نقض کتاب «عمدة التحقیق» که آنرا یکی از اهل سنت تألیف کرده ، انجام تألیف آن ۱۵ج ۱۳۳۱ سنه . چهارم کتاب «حلیة النجیب» در منع از تقلید بیت ابتداء که کتاب «الدرا فیضید» در مسئله تقلید در رد آن نوشته شده ، و هم چنین شیخ علی بن حبیب آل شیراخباری خاقانی نیز ردی بر آن نوشته ، و ادیب محمد هادی دفتر در کتاب «نظرة الیقین» ردی بر خاقانی دارد ، چنانکه در «الذریعه ۷ش ۴۶» فرموده . پنجم کتاب «حی علی الحق» در رد کتاب «المسیح فی الاسلام» که یکی از ترسایان تألیف کرده . ششم کتاب «خصائص - الشیعه» که آورده است آنرا شریعت ، انجام تألیف آن رجب سنه ۱۳۴۱ . هفتم کتاب «حیة المتقاض المریب» در رد «حلیة النجیب» (یا اینکه «حییه» در رد این «حلیة النجیب» سید محمد مهدی است از دیگری، زیرا که در «الذریعه ۷ش ۱۳۷۹» بطوری نوشته که معلوم نمی شود «حییه» از صاحب عنوان یا از دیگری در رد «حلیه» اوست) .

او در روز دوشنبه ششم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۸ هزار و سیصد و پنجاه و هشت - مطابق ۲۶ آذرماه باستانی - در بصره وفات کرد و نعش او بنجف حمل شده و در ۴ شنبه ۸ آنرا با سید عدنان و سید مهدی بحرانیان در حجره طرف چپ درایندة صحن از در مغربی معروف بیاب سلطانی دفن شد .

و در «فهرست کتابخانه رضویه ، جلد و صفحه مرقوم» وفات او را در شب ۳ شنبه ۸ ذی القعدة اینسال آورده ، و این مبنی بر ناقص بودن شوال است بافق بصره ، و ما طبق تقویم ایران آنرا تمام دانسته که غره ذی القعدة ۴ شنبه شده . و در آنجا از اساتید او حاج میرزا محمد تقی شیرازی و حاجی نوری و حاج شیخ محمد طه نجف و سید محمد هندی را ذکر کرده .

### ❦ (۱۲۵۷- وفات مرحوم شیخ مشکور حوالوی نجفی ، ره) ❦

وی فرزند محمد خاقانی و خود از علماء مشهور عصر خویش بوده که در «المآثر: ۱۳۹» وی را عنوان و تمجید نموده ، و اوسفری بطهران آمده و قبلاً در نزد شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی درس خوانده و در جمعه بیست و دویم ماه ربیع الاول این سال ، چنانکه در «فهرست کتا بخانه رضویه ۵: ۵۸۰» نوشته مطابق (... ) عقرب ماه برجی - در حمام هندی در نجف ، چنان که در «الذریعه ۸: ۲۹۷» فرموده ؛ غرق شده و وفات کرده و هم آنجا دفن شد . و دختر او زوجه ملا ابراهیم قمی (۱۳۰۱) است. و کتا بخانه ثی از صاحب عنوان بازمانده که اینک در دست نواده اش شیخ حسین بن مشکور بن شیخ جواد بن مشکور کبیر صاحب عنوان است .

### ❦ (۱۲۵۸- وفات میرزانبی ، غبار شاعر رازی تهرانی) ❦

غبار از شعراء بزرگ و مانند ابوالعلاء معری و خلیلی دیگر از معاریف علم و ادب از دیده ناینا بوده و در این سال بسی و چهار سالگی وفات نموده . و در سال (۱۲۷۰ ش ۱۱۹۲ ص ۱۹۵۵) و نفر دیگر شاعر غبار تخلص گذشتند .

### ❦ (وفات نجفقلی میرزا ، والی شاعر قاجار) ❦

شرح احوال او در (۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۲۸ ص ۷۶۰) گذشت .

﴿۱۲۵۹- وفات همر پورژستال ، مستشرق اطریشی﴾

همر پورژستال از معارف مستشرقین است که در این سال (یا سال ۱۲۷۳) وفات کرده و کتب چندی ترجمه یا تألیف نموده و از جمله تألیفات او کتاب «تاریخ آداب لغت عرب» است در هفت جلد که تمام نشده (۱) .

شمسی	۱۲۳۵	سنة	مطابق	قمری	۱۲۷۳
					۳شنبه غره محرم الحرام
		(...)			
		سنبله ماه برجی			

﴿۱۲۶۰- تولد مرحوم میر محمد تقی ۴۰ مدرس اصفهانی﴾

وی فرزند مرحوم میرسید حسن ۳۹ مدرس است که در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشت. مرحوم میر محمد تقی از معارف علماء اصفهان بود که در ۲شنبه سیزدهم ماه صفر المظفر این سال - مطابق (...): میزان ماه برجی - متولد شده و در سه چهار ماهه گی وی پدر بزرگوارش

(۱) Hammer – Purgstall, J. Von (۱۷۷۴ - ۱۸۵۶م) شرح حال او در کتاب «المستشرقون ۲: ۲۷-۶۲۹» نجیب العقیقی بتفصیل مذکور است و آنجا گوید که «تاریخ الاداب العربیه» هفت جلدی او است که دستور کار بروکلیمان در «تاریخ الاداب العربیه» گردید، ایضاً رجوع به «الاعلام زرکلی ۹: ۲۹۶» و «فرهنگ خاورشناسان: ۱۶۰» شود. م.

بدرد جهان نمود و میر محمد تقی با (وجود) بی پدری پس از طی مراتب کودکی همت بتحصیل گماشته و بعبات عالیات رفت و مدتها در آن اراضی شریفه خدمت چندین نفر از معارف علما درس خواند، و سپس باصفهان برگشت و بتدریس پرداخت و ریاستی شایسته بهم رسانید، تا آخر پس از مدت شصت سال و یک ماه قمری و بیست و چهار روز عمر، در شب دوشنبه هفتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۳ هز اوسو صد و سی و سه - مطابق ۳ حوت ماه برجی - در اصفهان وفات کرد و در مقبرهٔ والد ماجدش دفن شد (۱) .

و چندین نفر پسر بر جانهاد، از آن جمله: آقا میر سید حسن ۴۱ که بزرگتر از همه و بجای پدر در مسجد رحیم خان امامت جماعت می نماید (۲) .

(۱) صاحب عنوان از اساتید خارج اصول فقه آقای حاج میرزا سید حسن روضاتی (ره) نیای مادری راقم این سطور بوده و لذا شرح حال مفصل آن مرحوم را بنقل از «مقالات مبسوطه» علامه معلم در «زندگانی آیت الله چهارسوقی : ۲۰۶-۲۰۹» ذکر کرده ایم .م.

(۲) از این عالم جلیل القدر (آقا میر سید حسن) که زوجه اش دختر میرزا بهاء الدین ابن سید محمد علی آقا مجتهد ابن سید صدر الدین عاملی (رحمة الله علیهم) بوده چهار فرزند پسر و یک دختر بازماند که فعلا تنها پسر باقیمانده جناب عالم فاضل بزرگوار آقای حاج سید علاء الدین (مدرس مطلق) از اصداق و اقرباء راقم این سطور، امام جماعت مسجد نیای عالیقدر و از مدرسین فقه و اصول حوزه علمیه اصفهانست، تولد ایشان ۱۵ جمادی الاولی ۱۳۴۴، و بشرحی که در حین طبع این اوراق اظهار داشتند مرحوم آقا میر محمد تقی صاحب عنوان در سن هجده سالگی دوسالی بدرس آیه الله آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (۱۲۳۵) حاضر شده و سپس بعراق عرب منتقل و چهارسالی تحصیل علم نموده و باصفهان مراجعت و خواهر شیخ محمد علی اشتری اصفهانی را بزنی گرفته و پس از زفاف دوباره بعراق بازگشته و زوجه حامله اش در اصفهان بود تا فرزند دختری از بوجود آمد و آندختر در حدود ده سالگی وفات یافت و پدر را ندید . آقا میر محمد تقی مقارن آن احوال باصفهان بازگشته و از آن پس خداوند سه فرزند ذکور بنامهای میر سید حسن (متولد ۱۸ ذی الحجه ۱۳۰۵) و میر محمد حسین (متولد حدود ۱۳۰۷ متوفی شب غره ذی القعدة ۱۳۸۸) و میرزا \*

و دیگر آقا سید جواد ۴۱ و آقا سید رضا ۴۱ که مادرین دونفر گوهر آغا بیگم ۳۳ دختر حاج میرزا ابوالقاسم ۳۲ زنجانی (۱۳۳۶) است .  
 و میرسید حسن در شب جمعه ۲۵ج ۱۳۷۲ - مطابق ۱ اسفند ماه باستانی سنه ۱۳۳۱ شمسی - در اصفهان وفات کرد و در مسجد رحیم خان در مقبره جد و پدر خود دفن شد ، چنان که در «روزنامه چهلستون . س ۲ ش ۶۸ (۲ج ۸)» نوشته .  
 و دیگر حاج میرسید محمد حسین ۴۱ مدرس که در «ارشادالمسلمین . ص ۴۹» نوشته که وی پس از فوت پدر خود چندی در اصفهان بود و بعد از چند سال حرکت بتهران و در آنجا اقامه جماعت کنند و یکی از علماء آن شهر محسوب میشوند ، انتهى (۱) .

### توضیح راجع بکلیشه صفحه بعد

منتخب رساله «هدایة الطالبین» در عبادات بفارسی که اصل از مرحوم آقا میرسید حسن مدرس بزرگ و منتخب از شاگردش مرحوم آخوند ملا محمد صادق بن احمد پیکانی «مذکور در تذکره القبور: ۲۹۳» است و بسال ۱۳۲۱ق با حاشیه فرزند مؤلف مرحوم آمیرمتمد تقی صاحب عنوان در اصفهان چاپ شده است .م.

\* محمد باقر (متولد حدود ۱۳۱۲ متوفی روز جمعه ۲ ماه شعبان ۱۳۸۸) از همان مخدره باو کرامت فرمود که هر سه نفر از اهل علم و فضل و تقوی و در عصر ما از اخیار روزگار بودند .  
 رحمة الله علیهم اجمعین . زوجه موصوفه در حدود ۱۳۱۳ وفات یافته و میر محمد تقی دختری از خاندان ملا باشی بزوجیت اختیار مینماید که آن علویه نیز دختری بدنیآ آورده و خود حین وضع حمل وفات میکند و آن دختر بزرگ شده و ازدواج نموده که فرزندان از او باقیست .  
 پس از سالها باز میر محمد تقی یکی از دختران مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی را بزوجیت اختیار نموده که از او نیز دو فرزند پسر بنامهای سید محمد رضا (متولد ۱۳۲۸ متوفی ۱۳۹۴) و آقا سید محمد جواد (متولد ۱۳۳۰) بوجود آمده که فقط اخیر در قید حیات و ساکن طهران است .م.

(۱) شرح حال مرحوم حاج سید محمد حسین مذکور در (۱۳۸۸) بیاید .

بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد واله الطاهرين من قولنا اللهم  
 الملقط والنفث الاحول لا تقدر عليك ان الملائمة المكلف اعم من العاصم والنجاة والقبلة اذ انما  
 انما هو لعدم حصول الامارات المفوضة بالحق عليها كما هو واضح والتحقيق انكم انتم وخدمتكم  
 عايشوا الموضوع علم الزبور حقه كون الموضوع بالذات العلم على الاحوال انما هو من  
 حيث تعلقت بالكم الزبور وان كان قد يقع الكلام فيما اذا تعلقت الموضوع ايضا الا انه من حيث  
 الاستطراد والتسوية للاصناف وجزء من الزبور في الثلاثة عطف عن حيث حصوله من الزبور وان  
 بين المقروء والاشياء المحيطة به حيث هو من زجر ان احد الاحتمالات ورجحانه هو الجمع والتعويض  
 مما استلزمه من غيره واما اليوم فهو وان كان في امر الكالات العارضة للمكلف ايضا الا انه لا يرد  
 للظن مع اني حكمه ليس بمتاخر للذات لم يتعوض له فقه بر قولنا فان حصل له الكس او

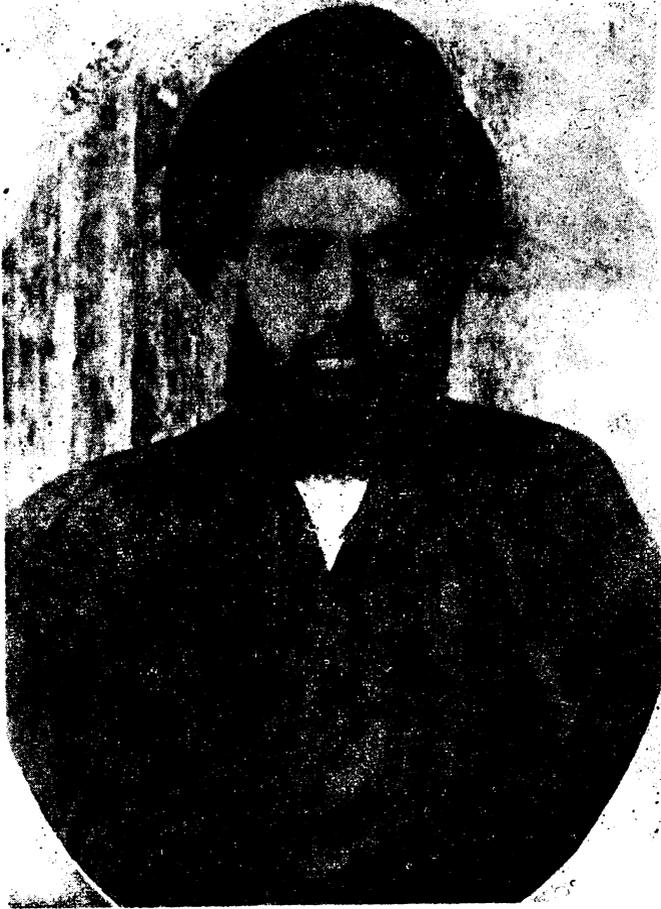
سرخاز «حاشية فرائد الاصول» آقا مير محمد تقی بخط خودش

## ذكر تقليد السنن

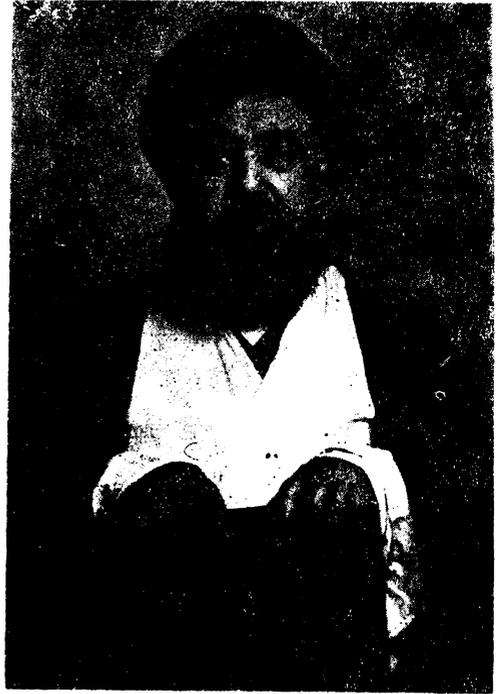
ذكر صحة عمل او بدلت واما هر كاه عاجي علمه الجا او بدلت  
 تقليد سنن هر كاه عمل ان مطابقا واقع بوده باشد صحيح  
 والا باطل خواهد بود خواه او جاهل قاصن بوده باشد اما مقتصر  
 اگر چه اخیرا له از اشكال بدست و احوط اعاده در وقت  
 در خارج وقت سنن پس بنابر آنچه ذكر شد معلوم شد كه اجتناب  
 و تقليد شرط صحیح عمل بجای باشد پس هر كاه ماجتبات بنو ائمه  
 ایتان بعمل صحیح نماید عمل صحیح خواهد بود هر چند در حق  
 غیر مجتهد جمیع مسائل غیر عاشره را بنواند احتیاطا كند عاشره

هر كاه در وقت عمل  
 منزه باشد از عجز  
 و فسق و مانع از اعراض  
 بجای او در وقت عمل  
 اشكال نیست بوانه كس  
 مطابق هم بوده باشد  
 هر چه تقی میگوید  
 ما ظننا انما

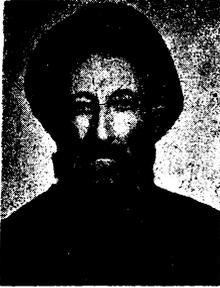
توضیح در صفحه قبل



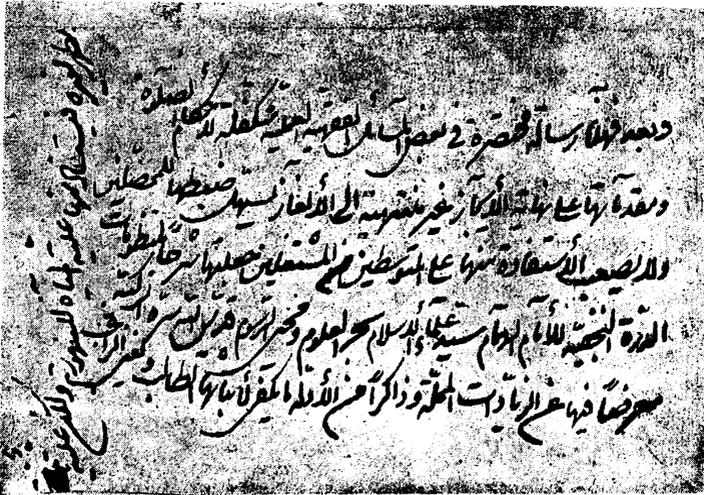
آقا میر سید حسن بن میر محمد تقی



حاج سید محمد حسین بن میر محمد تقی



سید محمد رضا بن میر محمد تقی



سراغاز شرح منظومه «الدرة النجفیه» بحر العلوم بخط شارح میر سید حسن بن میر محمد تقی

﴿﴿۱۲۶۱- تولد میرزا لطف‌الله خان اسدآبادی همدانی﴾﴾

وی بطوری که در «الذریعه ۹: ۹۷۵ ش ۶۳۷۹» نوشته فرزند میرزا حسین بن میرزا حبیب‌الله بن میرزا مهدی بن میرزا حسین مستوفی است .

میرزا لطف‌الله خان از فضیله‌ی زمان و آزادی خواهان منورالفکر بود که در جمعه بیست و دویم ماه ربیع‌المولود این سال - مطابق (عقرب - قوس) ماه برجی - متولد شده و در نزد دایی خود سید جمال‌الدین اسدآبادی که در (۱۲۵۴ ج ۵ ش ۸۳۰) گذشت درس خوانده تا بکمال علم و دانش زینت یافت و در سرودن اشعار طبیعی سرشار بهم رسانید و تخلص خود را «محزون» قرار داد، و کتب چندی تألیف کرد، از آن جمله «رساله ئی در احوال دایی مذکور خود». و پس از مدت شصت و هفت سال و نیم قمری عمر؛ در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل - مطابق (ثور - جوزا) ماه برجی - وفات کرد.

و فرزندش صفات‌الله خان از فضلاء زمان و در اشعار تخلص صفا می نماید . و چندین نفر شاعر دیگر بتخلص محزون هستند که فهرست آنها در سال (۱۲۷۴ ش ۱۲۹۱) بیاید . و نیز چندین نفر بلقب یا تخلص صفا هستند که در (۱۲۲۱ ج ۳ ش ۳۰۶) گذشتند .

﴿﴿وفات مرحوم آقا میرسید حسن مدرس اصفهانی ، رد﴾﴾

ج ۲ . شرح احوال وی در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشتند .

المجلد رتب العالمين وحل الله على محمد وآله الطاهرين كتابا  
 قالوا يا ربنا من حق التوكل المستوفى الشرع على ربهم المصروف عنه العاوض  
 نقصنا لاكتساب عند التوكل والاداء بها هذا الغرض هو الذي هو الغرض الذي  
 عالمنا وصلة ذلك انما هو ما اطلنا على علمه على اذنا والحق ان يكون بوجه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام  
 على اشرف الانبياء والمرسلين محمد الطيبين  
 على الانس والجن اجعنا والدون تارة وبالموت  
 الطاهرين وبعد فان العالم الفاضل الذي  
 في حلة من مصنفات الراجح لا عن التفتيح  
 التوفيق المولوي والشريف ابيه الله تعالى  
 المسؤول عن حاله في حلة المسائل وقادها  
 ونكبت معه ايضا في اجتهاد المطلق وقادها  
 بالوادعة الاجتهاد المشتمل على غير  
 استنباط الاحكام واهل لذلك كثر الله تعالى  
 على النفا المعين واهل ذلك واعطاه العالم  
 في الطائفة المحقة امثالهم واهل ذلك  
 واجتهد ان يروي عن جميع المصنفين  
 وليتبر عن مشايخنا من الكثرين المصنفين  
 في الحديث والفقه والفقهاء واصحاب  
 اعلمنا وقاتلنا في استنباط الاحكام  
 ما نحن ها هنا على اوصافهم  
 وان لا يسيروا في سبيلهم  
 هذا ما وجدناه في بعض النسخ



نسخه اصل اجازة مرحوم آقا ميرسيد حسن مدرس (ش ١٥٣١) بصاحب «روضات الجنات» در ٦ سالگی متخرج  
 ودر ٣٢ سالگی مجاز . اصل آنرا که در حاشیه سؤال مردم اصفهان راجع با جهته صاحب روضات مرحوم دانسته  
 در کتاب «ریاض الابرار» ضبط کرده ایم . تصویب دیگری چند سطر از آغاز کتاب متاخر «شرح المختصر النافع»  
 است . بخط سید مدرس و تألیف خود آن مرحوم م .

سنه ۱۲۳۶ شمسی

اول حمل ماه برجی

شنبه ۲۴ رجب المرجب

## ﴿۱۲۶۲- تولد سید محمد باقر حجت کر بلائی، ره﴾

وی فرزند مرحوم سید ابوالقاسم حجت است که در (۱۲۴۲ج ۴ش ۶۱۷) گذشت .  
 مرحوم سید محمد باقر از علماء عصر و اهل شعر و ادب بود، و در شب هفتم ماه شعبان المعظم  
 این سال - مطابق ۱۵ حمل ماه برجی - تولد شده ، و اراجیز چندی بنظم آورده از آن  
 جمله ارجوزه ئی در امامت بنام «الشهاب الثاقب» . و در یازدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۳۱ هزار  
 و سیصد و سی و یک ، چنان که در «الذریعه ۱: ۴۰» فرموده - مطابق (... حوت ماه رجبی -  
 وفات کرده و در کربلا دفن شد . و فرزندش سید محمد صادق در (۱۳۳۷) بیاید . و دیگر از  
 تألیفات سید محمد باقر صاحب عنوان «تتمیم درد بحر العلوم» است بانمام نماز و ضم  
 نمودن حج بر آن.

## ﴿۱۲۶۳- تولد مرتضی قلیخان صنیع الدوله تهرانی﴾

وی فرزند حاجی علی قلیخان مخبر الدوله است که در (۱۲۴۵ج ۴ش ۶۵۱) گذشت .  
 مرحوم صنیع الدوله از معاریف رجال ایران و فاضلی کافی و کاردان بود ، و در شب

يك شنبه نهم ماه شعبان المعظم ابن سال - مطابق ۱۶ حمل ماه برجی - متولد شده و در ایران و برلن در علوم عدیده و فنون جدیده درس خوانده و خود را بفنون فضائل آراست ، و در دولت ناصری و مظفری دوره مشروطه مصدر کارهای بزرگ و مورد خدمات مهمه بود . و در سنه ۱۳۰۴ پس از لقب محمد حسنخان صنیع الدوله با اعتماد السلطنه - چنان که در «منتخب التواریخ مظفری» است - لقب صنیع الدوله یافت . و در اخلاق انسانی و کمالات نفسانی و درویش دوستی همواره بطریقه جد و پدربسر می آورد ، تا در روزیک شنبه پنجم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه بتحریک اولیاء دولت روسیه بدست دونفر گرجی از بعد آن دولت بقتل رسید ، و مدت پنجاه و پنج سال و پنج ماه قمری و بیست و شش روز عمر نمود .

### ﴿﴿ ۱۲۶۴ - تولد سید محمود شکر الوسی بغدادی ﴾﴾

وی سید جمال الدین ابو المعالی فرزند سید عبدالله الوسی بغدادی است که در (۱۲۴۸ ج ۴ ش ۷۲۲) گذشت . سید محمود از علماء بزرگ اهل سنت در بغداد بود ، و در پنج شنبه نوزدهم ماه رمضان المبارک ابن سال - مطابق (...) ثور ماه برجی - در بغداد متولد شده و در نزد پدر خود و چندین نفر دیگر از علماء درس خوانده و کتب بسیاری تألیف کرد ، از آن جمله: اول کتاب «أخبار بغداد» در سه جلد: ۱- درامکنه و محال و توابع آن . ۲- در تراجم رجال آن در قرن ۱۳ که نامش «المسک الاذفر» است و ما بسیاری از آن در این کتاب آوردیم . ۳- در مساجد آن ، انجام تألیف سنه ۱۳۲۱ . دویم کتاب «الاسرار الالهیه» در شرح «قصیده رفاعیه» . سیم کتاب «بلوغ الارب» در معرفت احوال عرب و جاهلیت . چهارم کتاب «غایة الامانی» در رد بر نهبانی ، یعنی رد کتاب «شواهد الحق» در استغاثه بسید خلق تألیف شیخ یوسف بیرونی در دو جلد . و پس از مدت شصت و نه سال قمری و پانزده روز عمر ، در پنج شنبه چهارم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو - مطابق ۱۸ ثور ماه برجی - وفات

کرد ، ودرمدت عمر مجردانه بسر آورد و پای بست زن و فرزند نگردید . واورویت میکند از پدرش . وروایت میکند از امیرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجانی (۱۳۰۲) .

### ﴿۱۲۶۵﴾ وفات سید محمد سعید افندی بغدادی ﴿﴾

وی فرزند سید محمد امین افندی سنی است که در (۱۲۳۶ ج ۳ ش ۵۰۹) گذشت .

سید محمد سعید از علماء مشاهیر و آجله فقهاء اهل سنت است و در فقه و اصول و عربیت و حدیث و تفسیر از اساتید عصر خود بوده ، و در نرسد پدر خود داود پاشا و عبدالرحمن افندی روزبهانی درس خوانده ، و مدتی در حله فتوی می راند . آن گاه در بغداد بنیابت منصوب و پس از چندی بسمت مفتی گری حنفیه نائل گردید و بعد از آن از این شغل منفضل شده و در خانۀ خود بتدریس پرداخت و کتب چندی تألیف کرد : اول «اسئله ئی از شرح همزیۀ ابن حجر» که آنها را از برخی از علمای حیدریه هم عصر خود سؤال کرده و پس از این که اوجواب داده سید محمد سعید جواب های او را رد و خودش بیان مراد را نموده . دویم «شرح بر آیات در» . سیم «شرح بر بسیاری از در مختار» . چهارم شرح بر چندین رسالۀ کوچک در موضوعات متفرقه . پنجم «شرح شرح قوشچی» . ششم «شرح شواهد کتاب مجیب النداء» شهاب فاکهی در شرح «قطر الندی» ابن هشام از اشعار و امثله و آیات . هفتم «شرح اشعار عبدالباقی افندی عمری» درباره ابوحنیفه که مطلعش این است :

یامن علاقی الاجتهاد مناره و بسدر مذهب غلامقداره

هشتم «شرح عصام» در وضع ، و در این شرح و «شرح شرح قوشچی» مشکلات این دو کتاب را رد کرده .

سید محمد سعید با این همه فضائل مبتلا بوسواس بوده و کتابخانه ئی مهم داشت که پس از فوتش همه متفرق گردید ، و بذل و بخشش بسیار برفقرا می نمود . و در بامداد روز شنبه

سیزدهم ماه شوال المکرم این سال - مطابق ۲۷ ثور ماه برجی - وفات کرد و در مقبره خیزران نزدیک ابوحنیفه دفن شد . و چندین نفر از شعرا برای وی مرثیه و ماده تاریخ گفتند ، از آن جمله سید عبدالغفار احرس که در (۱۲۹۱) بیاید گفته :

فی رحمة الله حل شیخ	و جنة دارها الخلود
تفیض من صدره علوم	وقد طمی بحر ها المدید
و لم یزل میتاً و حیاً	من علمه الناس تسفید
فوائد کله و فضل	و ذلك العالم المفید
فیه علم و فیه حلم	و فیه باس و فیه جود
سار الی ربه غیر فان	بالعز و هو العزیز الحمید
ومذ توفاه قلت أرخ :	مضى الی ربه السعید

۱۲۷۳

در «المسک الاذفر» وفات او را در ۳ شنبه ۱۳ شوال این سال نوشته ، و از قراری که ما در وفات سید محمود الوسی آنفاً نوشتیم ۱۳ شوال آن سال شنبه بوده بدلیل تقویم آن سال و غیره ، از این روما شنبه ۱۳ نوشتیم ، و احتمال دارد که ۳ شنبه ۲۳ بوده باشد .

### ﴿۱۲۶۶- تولد شیخ ابراهیم زنجانی﴾

وی (بطوری که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: ۵۹» نوشته) فقهی متأدب و ازدانش هیئت و تاریخ و زبان فرانسه آگاه بوده ، و همانا در اینسال در زنجان متولد شده و سال ها در نجف درس خوانده و در سنه ۱۳۰۵ بزنجان بازگشت و در آنجا بوعظ و تدریس پرداخت و در دوره اول و دویم مجلس از زنجان بوکالت منتخب و در تهران اقامت نمود و چندین کتاب تألیف فرمود : اول «توضیح مراسم دمکرات» . دویم «راه زندگی در ایران» .

سیم «تلخیص ژان والزان» ویکتورهو گو. چهارم «شهریارهوشمند». و آخر در حد و د ۱۳۴۷ وفات کرد، انتهای.

﴿۱۲۶۷- تولد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی، ره﴾

ازقراری که در جزء ۷ جلد ۸ «اعیان الشیعه» نوشته نام وی احمد و او فرزند حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری (۱۲۳۶ج ۳ش ۴۹۸) است.

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل (قدس الله روحه) از اجلاء و عظماء علما و فقها در عصر خود در تهران بوده و در علوم معقول و منقول و حکمت و کلام و ریاضیات تبحری تمام داشته و در سیر و تاریخ و احوال رجال و ادبیات بحری موج بوده و اقسام اشعار عربی و پارسی را نیکومی سروده. و شرح احوالش در چند جا نوشته، از آن جمله «نقباء البشر: ۵۳» و «اعیان الشیعه» که در صدر عنوان ذکر شد و غیر آنها.

و او در این سال - چنان که در «الذریعه ۶: ش ۴۵۸» فرموده - در تهران متولد شده و علوم شرعیه را در خدمت پدر بزرگوار و معقول را نزد آقا محمد رضا قمشه‌ئی و میرزای جلوه درس خواند، و در سنه ۱۳۰۰ بعتبات رفت و چندی در نجف در نزد میرزای رشتی و در سامره در خدمت میرزای شیرازی درس خواند. و فن رجال را از حاجی نوری فرا گرفت، و از شیخ محمد حسین کاظمینی اجازت روایت درست کرد. آن گاه در سنه ۱۳۰۶ بمکه رفت و در سنه ۱۳۰۷ بتهران برگشت و سالها آنجا در مسجد و مدرسه ناصری - از بنا های مرحوم حاجی میرزا حسین خان سپهسالار - بتدریس و امامت جماعت پرداخت و طلبه (۱) مدرس شریفش را فوزی عظیم گرفتند. و او را تألیفاتی چند است: اول «ارجوزه در نحو» که تا باب حال رسیده. دوم کتاب «تمیمة الحدیث» در درایت. سیم «حاشیه بر رسائل شیخ انصاری». چهارم «حواشی بر رجال نجاشی» که در اطراف آن بعلامت «ا. ب.» نوشته. پنجم کتاب «الدرالفتیق» در رجال.

(۱) از اثر چکیدن مرکب بمقداریک کلمه در نسخه اصل محو شده است. م.

ششم «دیوان اشعار». از قصائد و غزلیات عبری و فارسی (۱). هفتم کتاب «شفاء الصدور» در شرح زیارت عاشور (یا عاشورا) که خزینه‌ئی گرانبها از تحقیقات علمی و اطلاعات عمیقہ از رجال و تاریخ و علوم عربیہ و غیره است، آغاز تا تألیف آن او اخر ماه رمضان سنہ ۱۳۰۸ ، انجام شبہ غره صفر سنہ ۱۳۰۹ . هشتم کتاب «صدح الحمامہ» در احوال والد علامہ ، یعنی پدر بزرگوارش . نهم «کتابی در تراجم» که شاید همان «الدرالفتیق» باشد. دهم کتاب «میزان القلک» در ہیئت کہ منظومہ عربی است . یازدهم «منظومہ ثئی در صرف». دوازدهم «رسالہ عشقیہ». سیزدهم «حواشی بر أسفار» . چهاردهم «حاشیہ بر مکاسب» .

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل دوران زندگی عزیزش چون ایام گل اندک بود و در روزگار جوانی در سه شبہ هشتم ماه صفر الخیر سنہ ۱۳۱۶ هز اروسید و شانزده ، چنانکہ در حاشیہ «هدایة الانام: ۴۲» بدون روز هفته نوشته - مطابق (... سرطان ماه برجی - بمرض محرقه و حصبه وفات کرد و در نزد پدر خود در شاه عبدالعظیم (ع) دفن شد ، چنان کہ در «الذریعہ جلد مرقوم» فرموده ، وهم ما آنجا زیارت تربت پاک او مشرف شدیم . و در «اعیان ، جلد مرقوم» و جلد اول «الکنی والالقب» قبرش را در وادی السلام نوشته اند ، چنانکہ وفاتش را در کتاب «حیة الشیخ الطوسی . ص ۱۰ و شماره ۱۰ از اجزاء کتاب دانشگاه مشهد ص ۲۶۷ (۲) در سال ۱۳۱۹ نوشته .

(۱) اشعار عربی صاحب ترجمہ راسید سند عالم فاضل صدیقنا الحاج میر جلال الدین حسینی محدث ارموی (دام فیضه) ط ۸۰ . ۴ صفحه رقمی بسال ۱۳۷۰ در طهران بطبع رسانیده و بعنوان «دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی المتوفی سنہ ۱۳۱۶ ه ق» منتشر کرده اند ، جزاه الله تعالی خیراً . این کتاب شریف دارای مقدمه مبسوطی است در ۱۰۸ صفحه کہ در آن ناشر محقق شرح حال صاحب عنوان و خاندانش را با فوائد متفرقه بسیار بتفصیل بیان داشته و نیز در حواشی دیوان تعلیقات فراوان در توضیح ابیات و مطالب و مضامین آنها نگاشته ، و در مقدمه گوید کہ ناظم را شعر فارسی زیادی نبوده است . ۴۰ .

(۲) مقصود مرحوم معلم مقاله ممتع «تحقیق و بررسی مؤلفات چاپی و عربی و غیر چاپی شیخ طوسی ...» است بقلم جناب عالم فاضل آقای حاج سید هاشم رسولی محلاتی (دامت افاضاته) کہ در مجلد اول «یاد نامه شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی» نشریہ بسیار مفید کنگره هزاره شیخ طوسی در مشهد مقدس رضوی (ع) بسال ۱۳۸۹ چاپ شده است . ۴۰ .

و اورا فرزندی است بنام حاج میرزا محمد که از فضلاء عصر بشمار آید .  
 ودائی حاج میرزا ابوالفضل صاحب عنوان حاج حسینعلی خان بوده که او شعر  
 می گفته و «دیوانی در اشعار» دارد ، چنان که در «الذریعه ۹: ش ۱۵۲۷» فرموده .

### ❦ (۱۲۶۸- وفات میرزا حاجی آقا ، قراچه داغی ، ره) ❦

وی - چنانکه از «المآثر: ۲۰۷ و ۸» برمی آید - از اَجَلَةُ علماء معقول بوده و در ریاضیات  
 و فن هیئت و نجوم تسلطی تمام داشته و در شهر اهر (بسکون هاء بروزن شهر) که میانه  
 اردبیل و تبریز است متولد شده و تقاویم چندی استخراج و کتب بسیاری تألیف کرده ، از آن  
 جمله : «شرح و حواشی بر قضایا و مقالات کتاب تحریر مجسطی و کتاب تحریر اقلیدس» . و در  
 این سال وفات کرده ، و فرزندی بنام میرزا هدا یت الله برگذار کرد که هم از علماء فن معقول  
 و در ریاضیات ربطی بکمال داشته .

### ❦ (وفات سید حسین دلداری هندی) ❦

شرح احوال او در (۱۲۱۱ج ۲ ش ۱۵۹) گذشت .

### ❦ (۱۲۶۹- وفات ملاحسین منجم افشار) ❦

بطوری که در «المآثر: ۲۰۹» نوشته وی در علم نجوم احاطه شامل و بر عمل استخراج

مهارت کامل داشته و در نزد میرزا محمد افشار ۱ و ملا آقای منجم افشار ۲ و ملا صادق منجم افشار ۳ و ملا علی منجم افشار ۴ درس خوانده و مردی خوش مشرب و نیکو محضر بوده، اَنْتهی .  
ووی در اینسال وفات کرده ، و در صفحه مرقومه «المآثر» گوید او دختر مرحوم فضان آقاسی میر پنج را در حباله نکاح داشت و اولادی که قابل جانشینی پدر در این علم باشد بر جا نگذاشت ، اَنْتهی .

### ﴿۱۲۷۰- تولد حفنی بك ناصف مصری﴾

وی از اهل علم و ادب عصر ما بود که در اینسال - چنان که در «معجم المطبوعات : ۷۸۲» نوشته - در برکه الحج از اعمال قلیوبیه بمصر متولد شده و در جامع الازهر درس خوانده ، آنگاه کاتب سرهیت اعزامی علمی مصری که در حدود ۱۳۰۳ بمؤتمرشرقی ویانا (وین . م) روانه شدند گردید ، وهم اورئیس مجلس دارالعلوم قاهره و مفتش اول نظارت معارف و قاضی محاکم اهلیه و مدرس انشاء در مدرسه حقوق و علم ادب در دانشگاه بود ، و کتب چندی تألیف نمود : **اول** کتاب «تاریخ الادب» یا «حیة اللغة العربیة» که مجموعه محاضرات او در دانشگاه مصر است . **دویم** کتاب «دروس البلاغه» برای شاگردان مدارس درجه دو که آنرا بکمک سلطان محمد و محمد دیاب و مصنفی طوموم تألیف کرده . **سیم** کتاب «الدروس النحویه» که با محمد افندی دیاب و شیخ مصطفی طوموم و محمد افندی صالح تألیف کرده و آن کتاب را این مؤلفین برای مدارس ابتدائیه بطریقه ثنی بغایت مفید درسه جلد برای سه کلاس تألیف کردند ، و جلد چهارم آنرا در نحو و صرف مدارس ثانیه قرار دادند . **چهارم** کتاب «ذکری الهجرة النبویه» . **پنجم** کتاب «اوزان الشعر العربی» . **ششم** کتاب «القطار السریع» برای علم بدیع . **هفتم** کتاب «مميزات لغات العرب» که آنرا در اوقاتی که در مؤتمرشرقی ویانا بود تألیف و بدان مؤتمراهدا نمود ، و در این کتاب لغات عامیه ثنی را که ممکن است بعربی آورد

تخریح نموده .

وآخر پس از مدت شصت و چهار سال قمری عمر ، در سنه ۱۳۳۷ هزار و سیصد و سی و هفت در قاهره وفات کرد .

### ❦ (۱۲۷۱- وفات مرحوم شیخ خلف آل عصفور، ره) ❦

وی فرزند شیخ عبد علی بن شیخ حسین است که در (۱۲۱۶ج ۲ش ۲۲۹) گذشت . شیخ خلف از علما و فقها بوده و چنان که در «شهداء الفضیله» نوشته در بوشهر بامامت جمعه و جماعت اشتغال داشته و تألیفاتی دارد : اول «رساله فی در اصول فقه» . دویم «رساله فی حاوی جمله فی از مسائل فقهیه» . و در این سال در قریه دالکی بوشهر وفات کرده چنان که در «فارستامه» است . و فرزندش شیخ عبد علی در (۱۳۰۳) بیاید .

### ❦ (۱۲۷۲- وفات ابن الحاج سلمی سنی) ❦

وی شیخ طالب ابن حمدون بن الحاج حمدون معروف به ابن الحاج است که از اهل علم و ادب بوده و کتب چندی تألیف نموده : اول «حاشیه بر شرح شیخ بحرق حضرمی بر منظومه لامیه الافعال» ابن مالک . دویم کتاب «العقد الجوهری من فتح الحی القیوم» در حل «شرح ازهری بر مقدمه ابن آجروم» که حاشیه بر «شرح آجرومیة نحویه» خالد ازهری است و در سنه ۱۲۶۹ آنرا تمام نموده . و در این سال چنان که در «معجم المطبوعات : ۷۰» نوشته وفات کرده (۱) .

(۱) مرحوم معلم در سال آتی (۱۲۷۴ ش ۱۲۹۰) عنوان دیگری برای شیخ ابو ←

### وفات عباسقلیخان کلهر، ره (۱۲۷۳-)

عباسقلیخان مردی فاضل و ریاضی دان بوده و «شرحی بر کتاب تشریح الافلاک» شیخ بهائی درهیت تألیف فرموده. و در این سال در شیراز وفات نموده، چنان که در «مجمع الفصحا» در ضمن سلطان کرمانشاهی نوشته:

«عبدالله محمد بن حمدون ابن‌الحاج متعقد ساخته و هر دو شرح حال را منحصرأ از دو عنوان مستقل «معجم المطبوعات : ۷۰» گرفته است که آنجا در اولی گوید : ابن‌الحاج السلمی (۱۲۷۳) الطالب بن حمدون ... ، و در دومی گوید : ابن‌الحاج السلمی محمد (۱۲۷۴ هـ) ابو عبدالله محمد بن حمدون ... ، و تنها مأخذی داد که نشان ه در موضع دوم است ، گوید شرح حال وی در آغاز کتابش «نظم اوضح المسالك» مذکور است ، انتهى .

لکن از کتاب «الاعلام : ۷ : ۴۰» تألیف خیرالدین زرکلی (متوفی پنج شنبه سوم ذی‌الحجه ۱۳۹۶) و «معجم المؤلفین ۱۰ : ۹۵» تألیف عمر رضا کحاله مستفاد میشود که این هر دو عنوان از آن يك نفر است نه دو نفر، و زرکلی وفات را در (۱۲۷۳) و بقولی (۱۲۷۴) و کحاله در (۱۲۷۴) نوشته و هر دو مأخذ متعددی برای شرح حالش ذکر کرده اند .

و مولانا عبدالحی بن عبدالکبیر حسینی ادریسی کتانی فاسی از مشایخ اجازه راقم این سطور در کتاب گرانقدرش «فهرس الفهارس والاثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات ۱ : ۳۵۰ طبع فاس مراکش» شرح حال مفصلتری برای همین شخص نوشته بخلاصه اینک : «الطالب ابن‌الحاج . آخرین قاضیان عدل فاس ، ابو عبدالله محمد الطالب بن جد جدی من قبل امه الامام ابی الفیض حمدون ابن‌الحاج السلمی الفاسی . غلامه فقیه مسورخ نسابه ، متوفی در فاس بسال ۱۲۷۴ در حالی که قاضی آنجا بود . پس از فوتش چیزی که بتجهیز او کفایت کند نداشت با اینکه پیش از فاس سیزده سال قاضی مسراکش بود ! فراستی صادق و تحری و تثبتی تمام و اعتقادی صحیح و اطلاعی واسع و مشارکتی نیکود است . از تألیفات اوست : «شرح احیاء المیت فی فضائل آل البیت» سیوطی و «الازهار الطیبة النشرفی مبادئ العلوم العشر» که چاپ شده و جز اینها تألیفات دیگر در فقه و تصریف و تاریخ و نساب دارد ... الخ . م .

### ❁ (۱۲۷۴- وفات میرزا علی اخباری نیشابوری) ❁

وی کوچکترین فرزندان مرحوم حاج میرزا محمد اخباری است که در (۱۲۳۲ ج ۳ ش ۴۳۲) گذشت. و خود از علما و فضلا بوده و چندین کتاب تألیف نموده، از آن جمله: اول کتاب «سیکة المسجد» در تاریخ بایجد، که در آن تواریخ پادشاهان عرب و عجم را از صدر اسلام تا زمان خود بحساب حروف ابجد در پانصد صفحه نوشته و کتاب بزرگی شده. و بالاخره وی در این سال وفات کرده، چنانکه در «الذریعه ۱۲: ۱۳۶ ش ۹۳۲» فرموده، و در «نقباء البشر: ۲۰ ش ۱۰۴۵» در سال ۱۲۷۵ نوشته.

و فرزندش میرزا عبداللّه در سنه ۱۳۲۹ وفات کرده.

و نواده او سید رفیع بن میرزا محمد بن میرزا عبداللّه مذکور چندی در نجف تحصیل و سپس در قصبه از اعمال آبادان (عبادان) سکونت نموده، و مؤلف «الذریعه» کتاب «سیکة» مذکور را در نجف در نزد او دیده، چنان که در جلد دوازدهم (ص ۱۳۶ ش ۹۲۲) فرموده.

و فرزند دیگر میرزا علی صاحب عنوان میرزا حسین است که در (۱۳۱۸) بیاید.

### ❁ (وفات سید علی هندی نجفی) ❁

شرح احوال او در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۵۸) گذشت.

## ﴿۱۲۷۵- تولد میرعین الدین دزفولی﴾

وی فرزند سید حسین بن محمد رضاء ذہبی موسوی و خود از اہل علم و ادب و عرفان  
 بودہ و شعر ہم می گفتہ ، و بطوری کہ در «الذریعہ ۱۹ : ۲۳۴ ش ۱۰۴۷» فرمودہ در این سال متولد  
 شدہ و در نزد پدرش ( کہ شاگرد آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی کہ در ۱۲۵۸ ج ۵ ش ۹۱۸  
 گذشت بودہ ) شاگردی نمودہ ، و چندین رسالہ و کتاب نظماً و نثراً تألیف فرمودہ : اول  
 «آداب الطریقہ» . دویم «تاریخ مختصر دزفول» . سیم مثنوی «تحفۃ الحجاز» . چہارم مثنوی  
 «جوہر الاسرار» . پنجم «دیوان» . ششم مثنوی «رشحات نوریہ» . ہفتم مثنوی «رفیق الاولیا»  
 یا «ہدایت نامہ» . ہشتم مثنوی «صحیفۃ الاصفیا» کہ در حدود ۵۴۰ بیت در بحر تقارب است  
 و دہ روز آنرا بنظم آورده . نہم «فوائد» . دہم «فوائد الحسینیہ» . یازدہم مثنوی «مشرق  
 الانوار» . دوازدهم مثنوی «نعمۃ الاولیا» . سیزدهم مثنوی «نفحۃ الانوار» .

## ﴿۱۲۷۶- تولد شاطر غلامحسین صفائی﴾

«مؤلفین کتب چاپی»

«ج ۴ ستون ۶۸۰» (۱)

شاطر غلامحسین صفائی قمی (۱۲۷۳ ق - معاصر) . در قم متولد شدہ و از سن دہ سالگی

(۱) مرحوم معلم تنها عنوان و نام مأخذ را بنحو مرقوم در نسخہ اصل نوشتہ بودند ،  
 بناچار عین عبارت مأخذ نقل شد ، و در کتاب «فرہنگ سخنوران» نام این صفائی قمی  
 بنظر نرسید م.

تا بحال (۱۳۱۵ش) در طهران مقیم است . قریب بیست هزار بیت اشعار سروده است :  
 « کانون شعرا ، سال اول ، شماره ۲ » . « دیوان شعر » ، طهران ۱۳۰۷ش ، سربسی ،  
 رقمی ، خاور ، باهتمام محمد مهدی زاده ، ۵۶ صفحه . انتهى .

### ❀(وفات کاترمر ، مستشرق فرانسوی)❀

شرح احوال اودر(۱۱۹۶ج ۱ش ۲۳) گذشت .

### ❀(۱۲۷۷- تولد بانو عظمی افتخارالدوله قاجار)❀

وی کسرائیل خانم دخترناصرالدینشاه (۱۲۴۷ج ۴ش ۶۹۳) وخود از زنان معروف  
 عصر بود که در اینسال - چنانکه در«المآثر: ۱۱» نوشته - از بطن عفة السلطنه مادر ظل السلطان  
 متولد شده ، وپس از بزرگی بحباله زوجیت ابوالفتح خان صارم الدوله که در«المآثر: ۲۲۸»  
 نامی از او برده درآمده ، وفرزندانی که از او آورده در(ص ۱۳) آن کتاب ذکر شده اند ، ویکی  
 که از همه بزرگتر است امیرزاده قهرمان میرزا بوده که لقب سردار اعظم داشته وپس از پدر  
 لقب صارم الدوله یافته وچنان که در «تاریخ نائین ۴: ۱۶۶» نوشته وی شوکه السلطنه دختر  
 دائمی خود ظل السلطان را که مادرش همدم السلطنه دختر میرزا تقیخان امیر بوده تزویج نموده  
 وفرزند وی از او ابوالفتح خان قهرمان است که در دوره شانزدهم مجلس شوری نماینده  
 اصفهان بود . و پس از فوت قهرمان میرزا ، اکبر میرزا مسعود فرزند ظل السلطان لقب  
 صارم الدوله یافت .

وبهرحال ، بانو عظمی در موقع خالصه فروشی بعضی از دیهات اصفهان را خرید

وظلمی فراوان از او بر عیای آن سامان وارد آمد ، چنان که در «تاریخ اصفهان» در (۱۳۱۸) و (۱۳۱۹) اشاره بدانها نموده . و در «احسن البودیعه ۲: ۳۵ و ۳۶» ذکری از او فرموده و نوشته که مخارج سفر مکّه پدر مؤلف را اوداده و تمجیدی از او بجا آورده .

و در کتاب «الذریعه ۱۲: ۵۰۸» شرحی نوشته بخلاصه اینکه نسخه ثنی از کتاب «زهرة الحیاة الدنیا» که آن جلد هفتم از کتاب «وجالس الاخبار» تألیف ملا محمد مؤمن شیرازی و در گذران عمر او است در کتابخانه ناصرالدین شاه بوده و پس از وی بدین بانورسیده او آترا در نجف در معرض فروش در آورده و آن کتابی بزرگ و مشتمل بر علوم و فوائدی از نظم و نثر بود و از آن جمله قصیده ثنی از مؤلف در مدح حضرت امیر (ع) که در هریتی از آن تلمیح بمبختی از مباحث منطق بترتیب انواع قیاسات از اقترانی و استثنائی و تمام اشکال از بعد داشت که منتج خلافت آن بزرگوار میشد ، انتهى .

و بهمین مناسبت ذکر او در این چند کتاب ، ما وی را در این کتاب عنوان کردیم . و او در ماه شوال المکرم سنه ۱۳۵۴ هـ اروسیصد و پنجاه و چهار - مطابق (دی - بهمن) ماه باستانی - وفات کرد .

### تولد شیخ محمد حرز نجفی (۱۲۷۸ -)

وی فرزند شیخ علی حرزالدین است که در (۱۲۷۷) پیاید ، و خود مشهور بشیخ محمد حرز و اشعرا و اهل علم و ادب در عراق عرب بود که در این سال چنان که در «الذریعه ۹: ۹۸۶» ش ۶۴۵۳ فرموده متولد شده ، و «شرحی بر کتاب طب» پدر خود نوشته و نیز اشعار خود را در دیوانی بنام «وشی البرود» جمع کرده ، و این کلمه ازوشی جامه ها گرفته شده که آنها را برنگ های مختلف نقش کنند ، و برود جمع برده میباشد . و او آن را بریست و هشت فصل بعدد حروف قوافی مرتب نموده که در محل مرقوم «الذریعه» فرماید آنها همه مسوده و محتاج بتهدیب است . و آخر پس از مدت نود و دو سال قمری عمر در سنه ۱۳۶۵ هـ اروسیصد و شصت و پنج وفات کرده .

﴿وفات شیخ محمد امین افندی بغدادی﴾

شرح احوال او در (۱۲۲۳ ج ۳ ش ۳۳۸) گذشت .

﴿۱۲۷۹- تولد مرحوم حاج شیخ محمد حسین کر بلائی ، (ره)﴾

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی است که در ( ۱۲۲۷ ج ۳ ش ۳۸۴) گذشت .

مرحوم حاج شیخ محمد حسین از علماء عصر خود در عراق عرب بود و در این سال متولد شده و پس از پدر ریاستی شایسته بهم رسانید و با کمال تحقیق بتدریس اشتغال ورزید ، و در بامداد روز چهارشنبه بیست و دوم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۳۹ هـ از اروسیصد وسی ونه- مطابق ۸ سرطان ماه برجی - در کاظمین (ع) وفات کرد و در کربلا در حجره پدر بزرگوار دفن شد ، چنانکه در «احسن الودیعہ ۱: ۱۲۰» بدون تطبیق با شمسی فرموده . و فرزندش شیخ محمد باقر در سال (۱۳۰۰) بیاید .

﴿۱۲۸۰- تولد شیخ محمد علی یزدی اصفهانی﴾

وی فرزند زین العابدین و خود از علماء اعلام و فضلاء والا مقام در عصر ما بود ،

و بطوری که در «نقباء : ۱۴۴۲ ش ۱۹۵۴» نوشته در اینسال در یزد در محله پای قلعه (۱) متولد شده و چون بحد بلوغ رسید در نزد سید علی مدرس یزدی و سید مرتضی یزدی که ملقب بشیخ مرتضی بود درس خوانده ، و در سنه ۱۳۱۱ به همراه استاد مذکور خود سید علی بمشهد مقدس رفت و چون سید علی مذکور در سنه ۱۳۱۲ در آن شهر شریف وفات کرد وی باصفهان مهاجرت نمود و آنجا در نزد حاجی آقا منیرالدین و آقا میرزا محمد حسن نجفی و غیر آنها درس خواند تا بهره ئی وافر از علم و معرفت بهم رسانید . و چون مرحوم آقا میرزا محمد حسن مذکور در سنه ۱۳۱۷ وفات کرد وی بتدریس بر نشست و جماعتی از مجلس درس او برخاستند ، و در سنه ۱۳۲۳ شروع بمنظره با یکی از ارامنه جلفا نمود که مدت دو سال طول کشید و آخر بر آن مبلغ غلبه نمود و کیفیت آن «مناظرات» را خود در رساله ئی مخصوص نوشته ، و وی سالها در محله جهانبارۀ اصفهان ساکن و همی در مسجد آن امامت می نمود ، و اخیراً در محله احمد آباد ساکن شد و در محله حمام کوچک بامامت پرداخت و در نزد عوام و خواص موقعیتی بهم رسانید ، تا آخر در سنه ۱۳۵۰ هز اروسیصد و پنجاه وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه ملك دفن شد و بر قبر او سنگی افتاده که تاریخ و فاتش بر آن منقور است .

و فرزندش شیخ محمد از شاگردان آقا سید محمد نجف آبادی و آقا سید محمد مهدی درچه ئی بوده (۲) .

و فرزند او شیخ محمد حسین بوده که احوال جد خود صاحب عنوان را بدین طور برای مؤلف تحریر نموده (۳) .

(۱) چنین است در «نقباء البشر» و حفید جلیل آتی الذکر صاحب عنوان اظهار داشتند که پای قلعه در اینجا اشتباهست و صحیح آن محله قلعه کهنه میباشد م.

(۲) فوت مرحوم آقای حاج شیخ محمد یزدی اصفهانی پس از کسالت قلب و سینه ممتد طولانی لیلۀ پنج شنبه ۲۱ ماه صفر ۱۳۷۹ مطابق ۴ شهریور ماه باستانی در منزل شخصی واقع در محله سیداحمدیان ، روز پنج شنبه تشییع و مقارن ظهر در تکیه ملك جنب قبر والدش بخاک سپرده شد ، رحمة الله علیه «نقل از یادداشت های راقم این سطور» م.

(۳) جناب حاج آقا حسین یزدی اصفهانی از افاضل اصداق اینجانب که سالهاست ←

وصاحب عنوان «حاشیه بر مکاسب» و «تقریرات دروس استاد نجفی» مذکور خود را در فقه و اصول تألیف نموده ، انتهى مافی «نقا» .  
و این شیخ محمد علی یزدی غیر از شیخ علی یزدی است که در (۱۳۵۳) بیاید .

### ❦ (۱۲۸۱- تولد قائم مقام التولیة ۴۰ رضوی ، ره) ❦

وی حاجی میرزا محمد علی ۴۰ بن حاج میرسید محمد ۳۹ بن حاج میرزا محسن ۳۸ رضوی است که جدش حاجی میرزا محسن ۳۸ در (۱۲۵۰ج ۴ ش ۷۵۳) گذشت . و پدرش حاج میرسید محمد ۳۹ چنان که در «منتخب التواریخ خراسانی : ۴۹۴» نوشته صدر آستانه مقدسه رضویه (ع) بوده که در سنه ۱۲۵۳ متولد شده و در رجب سنه ۱۳۱۵ وفات کرده و در مشهد مقدس در زاویه رواق پشت سردفن شده (۱) .

← مقیم بلده طیه قم و پدرش و بحث و تحقیق مشغول و همواره براد و روش پدر و جز کرامی در ترویج شریعت مطهره کوشا و در حین طبع این اوراق «ماه مبارک رمضان ۹۷» موقتاً در اصفهان ساکن و لیلانهاراً بوظائف دینی و مشاغل علمیه و تعظیم شعائر در محراب و منبر اشتغال دارد و از مجازین شیخنا الامام الحاج شیخ آقا بزرگ طهرانی صاحب «الذریعه» میباشد . ایده الله تعالی م.

(۱) شرح حال حاج میرزا سید محمد مذکور در کتاب «شجره طیه : ۱۹۰-۱۹۸» مسطور و آنجا گوید : «ولادت با سعادتش یوم سه شنبه بیست و چهارم شهر صفر المظفر هزار و دو بیست و پنجاه و سه در مشهد مقدس اتفاق افتاد و در شهر رجب المرجب هزار و سیصد و پانزده از این دارفانی برای جاودانی ارتحال جست ، در زاویه پس و پشت در سایه رحمت یزدانی غریق بحر نامتناهی گردید ، تاریخ وفاتش (غفر له) است» انتهى .

ومرحوم قائم مقام خود از اجلهٔ رجال خراسان و معاریف استان قدس بنیان رضوی (ع) بوده ، وهمانا اودر اینسال - چنان که در «فهرست کتبخانه رضویه ۴: بیج» نوشته - متولد

شده (۱) ، ودرسنه ۱۳۲۵ چنانکه در «منتخب التواریخ: ۴۳۹» فرموده تعمیری قابل و مهم در دارالضیافهٔ مبارکهٔ آستانهٔ قدس کرده وملکی بر آن وقف نموده و چندین نفرحفاظ را معین کرد که همه روزه صبح وشام در آنجا قرائت قرآن نمایند . ودر شوال سنه ۱۳۴۱ - چنان که در فهرست مذکور (جلد و صفحهٔ مرقوم) نوشته متولی باشی آن روضهٔ مطهره گردید ، ودر «منتخب: ۴۳۰» بدون تعیین ماه درسنه ۱۳۴۲ گفته .



۱ حاج سید محمد علی قائم مقام التولیه

و بهر حال ، وی چنان که در «فهرست» مذکور نوشته از اموال شخصی خود رقباتی بر آستانهٔ قدس ومسجد گوهرشاد وقف کرد ، وبعقدهٔ متبرکهٔ جد بزرگوار خود حضرت موسی-

(۱) مرحوم میرزا محمد باقر مدرس رضوی در کتاب جلیل « شجره طیبه : ۱۹۸ » راجع بصاحب عنوان گوید : «ولادت با سعادتش درذی القعدة هزار و دو بیست وهفتاد و سه در ارض اقدس اتفاق افتاده» ، انتهی ، و سپس چند صفحه بهحامد اوصاف و نقل احکام آن مرحوم اختصاص داده، و آقای سید محمد تقی مدرس رضوی (سلمه الله) فرزند بزرگوار مؤلف شجره طیبه و ناشر محترم آن نیز چند سطر درص ۴۶۰ کتاب پیرامون احوال وی نوشته اند طالب تفصیل خود بدان کتاب شریف رجوع فرماید.م.

المبرقع (ع) رادرقم تعميروصحنى برأى آن بنا نمود . ودر (ذى القعدة ياذى الحجة) سنه ۱۳۵۶ كتب خود را وقف بر كتابخانه مباركه رضويه كـرد . و خود دريك شنبه بيست وششم ماه جمادى الاولى سنه ۱۳۵۷ هزار و سصد و پنجاه و هفت - مطابق ۴ مرداد ماه باستانی - وفات كرد و در دارالضیافه دفن شد (۱) .

و همانا تاريخ وفات او را در «فهرست كتابخانه ۴ : يچ» بدین طور (دوم مرداد ماه ۱۳۷) نوشته ، و گرچه احتمال سقوط «صفر» ورقم «۱» هردو درمیانة رقمين (۷ و ۳) جاری است ، لكن از فرارى كه در دوسه سطر بعد از آن تاريخ وقف كردن او كتب خود را در بهمن ماه ۱۳۱۶ نوشته - كه ما با تبديل بقمري آنفأذ كر كرديم ودر «الذريعة ۶ : ۴۰۱» نیز تصريح بوفات او در سنه ۱۳۵۷ نموده - ما آن رقم ساقط را «۱» دانسته و تبديل بقمري نموده و آنچه نوشتيم درآمد .

(۱) آقاى حاج محمد احتشام در كتاب جليل «شمس الشموس : ۳۲۷» طى ده سطرى كه راجع بصاحب عنوان نوشته گوید : «متوفى دوم مرداد ۱۳۱۷ شمسى مدفون در رواق دارالضیافه ، بزرگ خانندان شريف سادات رضوى ، از اجله اشراف عصر ودر هر كار خير پيشوا وپيشقدم ودر قضاء حوائج مردم كوشا بود» ، الخ . ايضاً درص ۴۳۸ كتاب مزبور ضمن چاپ شبيه صورت آن مرحوم چند سطر ديگرى راجع باونوشته است . و آقاى مدرس رضوى در تعليقات خود بر «شجره طيبه : ۴۶۰» گوید : «و در سال ۱۳۱۷ شمسى در اثر بيمارى ممتدى در طهران چشم از اين جهان بربست ، نعشش بأرض اقدس نقل شد ودر دارالضیافه مباركه مدفون گرديد» ، انتهى .

و در اين روزها كه مشغول به اين شرح حال بوديم «مجله وحيد . ش ۲۱۴ ماه رمضان ۱۳۹۷» واصل گرديد ، در صفحه ۲۶ تا ۲۸ آن مقاله ئى است بعنوان «حاج قائم مقام التوليه رضوى واپسين مالكى بود كه ملك فردوسى را بدو بازسپرد» . نويسنده مقاله آقاى محسن فرزانه پس از شرحى كه راجع بمقبره فردوسى وصاحب عنوان نوشته است در آخر گوید : «حاج قائم مقام التوليه ... با آنكه ملاك بزرگى بود و شايد در ايران كم نظير ... مردى ←

### ❀(وفات آقا محمد کاظم کاشانی ، ره)❀

شرح احوال او در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۱۴) گذشت .

### ❀(وفات میرزا محمد نصیر نراقی کاشانی)❀

شرح احوال او در (۱۲۱۹ ج ۳ ش ۲۷۰) گذشت .

### ❀(۱۲۸۲- تولد حاجی میرزا موسی خان انصاری اصفهانی)❀

حاجی میرزا موسی خان از اهل فضل و کمال و شعرای اصفهان از خانواده حاجی میرزا علی انصاری بود (۱) . وی در این سال متولد شده و کتابی بنام «خلاصه اللغه» تألیف نموده

← متواضع و صاحب کمال بود و میل و افری بآبادی و احداث باغ داشت ، چنانکه پیوسته چاقوی پیوند زنی در جیب داشت . اوشوهر خاله مادرم بود و با همه مهربان . او چهار پسر و سه دختر داشت که مرحوم دانش بزرگ نیا داماد دیگر او بود . حاج قائم مقام رضوی بسال ۱۳۱۸ بدرود زندگی گفت ، پایان مقاله .

او چنانکه گذشت همه مآخذ وفات سید رادر ۱۳۱۷ شمسی نه ۱۳۱۸ قید کرده اند ،

والله العالم م .

(۱) مرحوم حاج میرزا حسن شیخ جابری (متوفی ۱۳۷۶) در صفحه دهم کتاب

«گذارش زندگانی پیرعلیل شیخ جابری» که چهل صفحه آن در اواخر ایام حیاتش چاپ ←

ودر اشعار تخلص انصاری می‌کرد، و در روز چهارشنبه بیست و دویم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت - مطابق ۳۰ بهمن ماه باستانی - در اصفهان وفات کرد و در تکیه آقا میرزا ابوالمعالی در تخت پولاد دفن شد.

### وفات همایون میرزای حشمت قاجار

شرح احوال او در (۱۲۱۶ ج ۱ ش ۲۲۵) گذشت.

— شد و در چاپخانه ناقص ماند و منتشر نگردید، بهنگام ذکر افراد خاندانش سومین پسر حاج میرزا سلیمان (ف ۱۳۰۳) ابن میرزا اسمعیل (ف ۱۲۵۰) ابن میرزا محمد مستوفی (ف ۱۲۱۸) ابن حاج میرزا علیقلی اول ابن میرزا ربیع کلانتر اصفهان را حاج میرزا موسی «بدون معرفی بیشتر» نوشته و شش فرزند پسر با اعقابشان برای او ذکر کرده است. نویسنده فاضل و متبع گرامی جناب حاج سید مصلح‌الدین مهدوی (حفظه الله) نیز چند سطری راجع بصاحب عنوان در «تذکره شعرای معاصر اصفهان: ۶۸» و سپس چند سطری در «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۰۹» نوشته و در هر دو موضع اشعاری از او نقل کرده‌اند، جز اینکه ایشان هم نام پدری را ننوشته و فقط گویند معروف به شیخ الانصار بود، و این بیت را:

وادی ایمن رسید و جابری تاریخ گفت: شد مهاجر موسی انصار و طور حق بدید  
در تاریخ و فاتش از حاج میرزا حسن خان مذکور نقل کرده‌اند م.

سنه ۱۲۷۴	قمری	مطابق	سنه ۱۲۳۶	شمسی
شنبه غره محرم الحرام		( ... )		اسد ماه برجی

وفات فروغی شاعر بسطامی

۲۵ محرم . شرح احوال او در ( ۱۲۱۳ ج ۲ ش ۱۹۵ ) گذشت .

وفات حکیم شاعر شیرازی

محرم . شرح احوال او در ( ۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۷۳ ) گذشت .

۱۲۸۳ - تولد شاهزاده یوسف ۸۶ عزالدین افندی

وی فرزند سلطان عبدالعزیز ۸۵ خان عثمانی است که در ( ۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۵۹ ) گذشت . شاهزاده یوسف از خانواده سلاطین آل عثمان است که در پنج شنبه نوزدهم ماه صفر الخیر این سال - مطابق ( ... ) میزان م - اه برجی - متولد شده ، و ۵ شنبه بودن ۱۹ صفر استخراج از جلد « قاجاریه ناسخ » در وقایع ۱۲۷۳ شده است . و بهر حال ، او بولایت عهد

پسر عمش سلطان محمد خامس که در (۱۲۶۲ج ۵ش ۱۰۰۳) گذشت نائل گردید، و پس از مدت شصت سال و یک ماه قمری و هفت روز عمر، در ساعت هفت و نیم صبح سه شنبه بیست و ششم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۳۴ هزار و سیصد و سی و چهار - مطابق ۱۱ دلو ماه برجی - رگگ خود را گشوده و در اثر آن خود را انتحار نموده وفات کرد. و پس از وی برادرش وحید الدین ۸۶ که در (۱۳۴۴) بیاید و لیعهد شد.

### ❦ (۱۲۸۴- تولد شیخ محمد قاسم اردوبادی ، ره) ❦

شیخ محمد قاسم فرزند حاج محمد تقی بن محمد قاسم بن عبد علی بن حسن بن عبدالحسین بن عبدالحسن بن قاسم بن علی بن محسن بن قاسم است ، و خود از علما و فقهاء بزرگوار عصر بود و در اخبار و رجال و آثار اطلاعی تمام داشت و شعر هم می گفت ، و شرح احوال وی در جزء ۷ (جلد ۸) «اعیان الشیعه» و غیره نوشته ، و آن چه از آنها برمی آید آن که وی در ماه جمادی الاولی این سال - مطابق (قوس - جدی) ماه برجی - متولد شده و در حدود پنجاه جلد کتاب تألیف کرده از آن جمله : کتاب «قبسات النار» در رد فجار، در اصول دین . و در آدینه پنجم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه - مطابق ۲۸ جوزا ماه برجی - در همدان وفات کرد و نعش او را از آن جا بعد از مدتی امانت بنجف آوردند ، چنان که در «الکنی والالقب» نوشته . و فرزندش میرزا محمد علی در (۱۳۱۲) بیاید .

و نام صاحب عنوان در بعضی جاها از آن جمله «الذریعه ۸ش ۲۴۲» محمد قاسم و در بعضی دیگر از آن جمله همین جلد «الذریعه ۳۸۴ش» ابوالقاسم نوشته ، و ظاهراً نام اصلی او قاسم بوده و برای احترام گاهی محمد قاسم و گاهی ابوالقاسم می گفته اند . و او روایت می کند از حاج شیخ محمد طه نجف ، و از او فرزندش میرزا محمد علی مذکور .

سنه ۱۲۳۷ شمسی

اول حمل ماه برجی

یکشنبه پنجم شعبان المعظم

﴿وفات آقا سید محمد شفیع شوشتری ، ره﴾

۲۱ ذی الحجہ . شرح احوال اودر (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۷۳) گذشت .

﴿(۱۲۸۵) تولد میرزا ابراهیم سلماسی کاظمینی﴾

وی فرزند میرزا اسمعیل سلماسی است که در (۱۳۱۸) بیاید .

میرزا ابراهیم از علماء معقول و منقول و مردی فاضل و عابد و زاهد بوده ، و در دوشنبه بیست و هشتم ماه ذی الحجۃ الحرام این سال - مطابق (... ) اسد ماه برجی - متولد شده و در نزد چندین نفر از علماء درس خوانده ، و پس از مدت شصت و هفت سال و یک ماه قمری و شش روز عمر در بعد از ظهر روز یک شنبه چهارم ماه صفر المظفر سنه ۱۳۴۲ هزار و سیصد و چهل و دو - مطابق ۲۴ سنبله ماه برجی - وفات کرد و در کاظمین (ع) نزد جد و پدر خود دفن شد . و دختری از وی بازماند که آن را شیخ موسی فرزند استادش شیخ عباس جصانی تزویج کرد .

## ﴿۱۲۸۶- تولد میرزا آقاخان محاسب الدوله ، ره﴾

وی فرزند حسینقلیخان بن میرزا محمدخان بن بیکلرخان اصفهانی و خود از فضلاء علوم هندسه و حساب و هم از تصوف و عرفان کامیاب بود. شرح احوالش در «مجله عنقا» ص ۱ ش ۷ و ۸ صادره در ع ۱۳۴۵/۲ ص ۱۳۸» نوشته، و از آن با آنچه خود از وی شنیده و در «عراضة الاخوان» نوشته ام چنین برآید که: وی در این سال متولد شده و در تهران در مدرسه دارالفنون علوم ریاضیات را تحصیل کرد و از خدمت مرحوم صفی علیشاه که در (۱۲۵۱ ج ۴ ش ۷۸۰) گذشت بدرجه عرفان و درویشی نائل گردید، و کتب چندی در علوم ریاضیه و غیره برشته تألیف کشید، از آن جمله: اول «کتابی در جبر و مقابله». دوم «کتابی در جغرافیا». سیم «تاریخ مصر». چهارم «تاریخچه مدرسه دارالفنون» که در کتاب «فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان: ۴۶» ذکر شده. پنجم «تاریخ عمومی سلاطین اروپا». و در سنه ۱۳۱۲ - چنانکه در «سالنامه دبیرستان سعدی: ۱۵۲» نوشته - باصفهان آمد، و در بعضی مواضع آمدن او را باصفهان در سنه ۱۳۰۵ نوشته اند.

و بهرحال، وی هم در اصفهان در هفت ساعتی شب شنبه غره ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش - مطابق ۱۹ تیرماه باستانی - بروضة رضوان خرامید و در ایوان مقبره مرحوم آقا میرسید حسن مدرس که در (۱۲۱۰ ج ۲ ش ۱۵۴) گذشت دفن شد، و چندین نفر دختر و پسر از وی بازماند که یکی از دختران مادر فصیح شاعر (۱۳۳۳) است (۱).

(۱) برای تکمیل شرح حال میرزا آقاخان محاسب الدوله (مصنفی) رجوع به «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۳» تألیف منیف جناب حاج سید مصلح الدین مهدوی شود. م.

### ❦ (۱۲۸۷- تولد ملا ابراهيم كازرونى) ❦

وى فرزند درويش محمد است كه اصلا از كازرون و نزيل شيراز بوده ، و در اين سال - چنان كه در «الذريعه ۱۲: ۱۸۶ ش ۱۲۳۵» فرموده - متولد شده ، و كتابى در «سفرنامه حج» خود تأليف نموده كه آن دو نسخه است ، هر نسخه ئى براى يك سفر. و در سه شنبه چهارم ماه ربيع الاخر ۱۳۳۴ هـ و سصد و سى و چهار - مطابق ۱۸ دلو ماه برجى - وفات كرده . و اين ملا ابراهيم شوهر عمه شىخ ضياء الدين ابن يوسف بن ملا ابوالحسن بن يوسف حدائقى مؤلف «فهرست كتب خطى كتابخانه مجلس» بوده .

### ❦ (۱۲۸۸- وفات ملا احمد ارسنجانى ، ره) ❦

مرحوم ملا احمد فرزند ميرزا كرملى و خود از عرفاى بزرگوار و داراى فضائل حسنه و ملكات پسندیده بوده . وى - چنان كه در «آثار عجم» نوشته - اصلا اهل مازندران و ساكن ارسنجان بوده و پس از تحصيل علوم عقليه و نقلیه و ترك علايق دنيوى نموده در خلوت نشست و اصحاب كمال و ارباب وجد و حال از حضرتش فيض ها مى بردند . مدت ها در شيراز توطن گزيده و كتب چندانى تأليف كرد : اول «جواب سؤالات متفرقه» . دويم كتاب «شوریده» كه منظومه مثنوى است . و او در اين سال وفات كرده و در قبرستان دارالسلام شيراز دفن شد. و فرزندانى ازوى بازماند : اول ميرزا عبدالكريم كه در (۱۳۱۰) بيايد . دويم ميرزا كرملى كه در محامد ذات مسلم و ساكن شيراز بوده .

❀(۱۲۸۹- تولد میرزا صادق آقای تبریزی ، ره)❀

وی فرزند میرزا محمد آقا بالا مجتهد است که در (۱۲۶۷ هـ ش ۱۱۳۰) ذکری از او شد . و خود از اعظم علماء این عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله کتاب «المقالات الغریبه» در مباحث الفاظ . و در آدینه ششم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۱ هـ از سویصد و پنجاه و یک - مطابق ۱۲ اسفند ماه باستانی - در قم وفات کرد و در نجف دفن شد .

❀(۱۳۹۰- تولد شیخ عبدالحسین تجلی دزفولی)❀

وی فرزند شیخ محمد طاهر بن شیخ محسن (۱۲۳۴ هـ ش ۳۳۵) است که آن شیخ محسن فرزندی داشته : یکی شیخ محمد جواد (۱۳۵۲) و دیگر شیخ محمد طاهر مذکور . و شیخ محمد طاهر - بطوری که در «المآثر: ۱۵۱» فرموده - منقھی اصولی بوده و در ایالت خوزستان ریاستی عامه و شهرتی تامه داشته وصیت فقاھت و فضیلت و زهد و تقوی و ورع و قدس وی تا بهمه جا رسیده بوده: انھی . و بموجب مرقومات «فوائد الرضویه: ۵۴۸» در سال (۱۳۱۰ و اندی) وفات نموده .

و شیخ عبدالحسین خود از علمای بزرگ و ادبای نامی خوزستان بوده و در این سال - چنان که در «الذریعه ۹ ش ۱۰۵۲» فرموده - در دزفول متولد شده و از خدمت پدر نامور و غیره در تحصیل علوم بهره مند گردید تا در علوم فقه و اصول سرآمد اقران خود گردید و مدتی ریاضت و تهذیب نفس اشتغال ورزید ، و در وعظ و خطابه تسلطی تمام بهم رسانید ، و در شعر

گفتن طبعی روان پیدا کرد و از نخست در اشعار بهار آنگاه تجلی تخلص نمود ، و کتب چندی تألیف فرمود ، از آن جمله : کتاب «ازاحة الشكوك والاهوام» از مشروطیت دولت اسلام ، انجام تألیف آن سنه ۱۳۲۸ . و او در سنه ۱۳۰۸ باصفهان آمده آنجا سکونت نمود ، و در شب آدینه بیست و هشتم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه ، چنان که در شماره (۸-۹) سال دهم «مجله ارمغان» نوشته - مطابق ۱۵ جوزا ماه برجی - در دزفول وفات کرد ، لکن آن درست نمی آید ، زیرا که طبق تقویم آن سال از میرزا ابوالقاسم خان نجم الملك : ۲۸ ماه رمضان يك شنبه و اگر نه دوشنبه بوده .

و بهر حال ، شیخ عبدالحسین پس از خود فرزندان بنام میرزا محمد علی و میرزا جلال که هر دو از اهل علم و فضل باشند برج گذاشت .

### ❁ (۱۲۹۱- وفات محزون شاعر) ❁

بطوری که در «الذریعه ۹: ۹۷۵ش ۶۳۸۳» فرموده ، وی مولوی عبدالرحمان واعظ هندی است که در این سال وفات کرده و «دیوانی در اشعار» دارد ، و در این صفحه «الذریعه» و صفحه ماقبل آن هفت نفر شاعر محزون تخلص دیگر ذکر کرده که با صاحب این عنوان بجمله هشت نفر شوند و چند نفر دیگر هم ما نشان داریم که اینک همه را بترتیب حروف اوائل کلمات بعد از تخلص های شان اینجا می آوریم :

اول . محزون اسدآبادی که در (۱۲۷۳ ش ۱۲۶۱ ص ۲۰۳۷) گذشت .

دوم . محزون اصفهانی که در (۱۳۰۱) بیاید .

سوم . محزون بختیاری که در «جنگ بهترین اشعار» نوشته .

چهارم . محزون بلگرامی که در «الذریعه» جلد و صفحه مرقوم در ضمن صاحب

عنوان نوشته .

پنجم محزون حبیب آبادی که در (۱۳۰۱) در ضمن محزون اصفهانی مذکور بیاید .  
 ششم . محزون دیگر که نامش آقا محمد هاشم و در «الذریعه» ج و ص مرقوم نوشته .  
 هفتم . محزون رشتی که در «الذریعه» ج مذکور ص ۹۷۴ نوشته .  
 هشتم . محزون سدهی که در (۱۳۶۷) بیاید .  
 نهم . محزون تبریزی که او . محمد حسین بن عنایت الله شیخ الاسلام است و در سنه ۹۲۷ وفات کرده و شاید در «تذکره نصر آبادی» یا «دانشمندان آذربایجان» باشد .  
 دهم . محزون همدانی که نیز در «الذریعه» جلد مرقوم بشماره ۶۳۸۴ نوشته .  
 و اینهارا عقب تر یافتیم که بی ترتیب نوشته و می نویسیم .  
 یازدهم . محزون ، و خوشرو اصفهانی که آقای روضائی در ۱۴ رجب ۱۳۸۷ می گفتند که هنوز زنده و ساکن محله طوقچی مقابل ایستگاه ماشین است ، انتهی . و احوالش باید از حاج ملاعباس تاجمیر ریاحی پرسیده شود (۱) .

### ﴿۱۲۹۲- تولد عبدالعلی میرزا احتشام الدوله ، ره﴾

وی فرزند مرحوم حاج معتمد الدوله (ره) است که در (۱۲۳۳ج ۳ش ۴۴۸) گذشت .  
 مرحوم عبدالعلی میرزا از شاهزادگان بزرگ و اهل علم و فضل بوده و در علوم ادبیت

(۱) شرح حال مرحوم میرزا عباس و خوشروی معروف به ادیب و خوشروی را در سال تولدش (۱۳۱۶ در ۲۷ ماه رجب) ذکر می کنیم . و فاتش در ۲۶ ماه رمضان ۱۳۸۷ واقع شد و در تکیه گلزار تخت فولاد بخاک رفت .

شاعر فرزانه حاج ملاعباس تاجمیر ریاحی نیز در هفتم ماه صفر ۱۳۹۵ وفات یافت و در تکیه آیه الله صاحب روضات دفن شد .

در «فرهنگ سخنوران» ده تن محزون و یک محزونی تخلص را ذکر کرده است که با مذکورین متن مکمل یکدیگرند . م.

وعریت وریاضیه و حکمت متعالیه تسلطی تمام داشته وخط را خوش می نگاشته ، ودر عرفان و تصوف از خدمت مرحوم منورعلی شاه وصفی علیشاه فیضیاب شده و شعر هم می گفته و تخلص عبیدی می نموده . او در این سال متولد شده و پس از تحصیلات و کسب عرفان از طرف منورعلیشاه لقب ظهورعلی یافته و پس از وفات پدر در سنه ۱۳۰۶ که برادرش سلطان او پس میرزا لقب معتمدالدوله یافت وی ملقب به احتشام الدوله و پس از وی معتمدالدوله گردید ، و کتب چندی تألیف کرده ، از آن جمله « کتابی در رجال » . و در ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۲۱ هزار و سیصد و بیست و یک - مطابق قوس ماه برجی - در تهران وفات کرد . و فرزندش شبل الدوله در سالنامه «نامه دانشوران» ذکر شده ، و شاید اشعاری که در کتاب «نایفه علم و عرفان : ۷۷» از عبیدی شاعر در مدح حاجی ملاسلطانعلی گنابدی نقل کرده از او باشد (۱) .

### ﴿ ۱۲۹۳ - تولد شیخ عبدالله قطیفی ، (ه) ﴾

وی فرزند معتوق بن عبدالحسین بن مرهون ، و خود از علماء عصر ما بود ، و بطوری که در «الذریعه : ۱۲ : ۱۹۷ش ۱۳۱۹» فرموده در این سال متولد شده و کتابی بنام «سفینه المساکین» برای نجات شاکین ، در احکام شکوک نماز تألیف نموده (که تمام آنرا شیخ فرج آل عمران در کتاب «الازهار الارجیه» درج کرده) . و پس از مدت هشتاد و هشت سال عمر در سنه ۱۳۶۲ هزار و سیصد و شصت و دو وفات کرده .

(۱) مأخذ اصلی مرحوم معلم در این شرح حال «طرائق الحقایق : ۳ : ۲۰۶» بوده و سایر مصادر در «فرهنگ سخنوران» مذکور است . م .

﴿ ۱۲۹۴ - تولد شیخ علی بلادی بحرینی ﴾

وی فرزند شیخ حسن بن شیخ علی بن شیخ سلیمان بن احمد آل حاجی بلادی است، و خود از علما و فقها بوده و چنانکه در «شهداء الفضیله: ۳۰۷» نوشته در این سال متولد شده، و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «أنوار البدرین و مطلع النیرین» در تراجم علماء قطیف و أحساء و بحرین، انجام تألیف آن ۳ شنبه ۱۰ ج ۱۰ سنه ۱۳۲۷ (۱).  
 و در سه شنبه یازدهم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل - مطابق ۱۹ جدی ماه برجی - وفات کرد. و فرزند وی بنام شیخ حسین برجا نهاد که در (۱۳۰۱) بیاید.

﴿ ۱۲۹۵ - تولد میرزا علی اصغر خان صدراعظم تهرانی ﴾

در جلد ۱ مقدمه (ص ۴۹) شرحی درباره صدر و اینکه آن منقسم بخاصه و عامه و صدر الممالک میشود نوشتیم، اینک اینجا گوئیم: یکی از متفرعات کلمه صدر همانا صدراعظم است و از قراری که در «کتاب الاوائل: ۴۵۳» نوشته اول کسی که ملقب بدان شد مرحوم میرغیاث الدین منصور شیرازی از علماء معروف زمان شاه اسمعیل صفوی است و قبل از آن این لقب در اسلام نبوده، انتهى (۲).

(۱) این کتاب شریف بنام «أنوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین» بدون ذکر مرادف «مطلع النیرین» بسال ۱۳۸۰ باهتمام فرزند علامه مؤلف شیخ حسین قدیحی قطیفی در نجف اشرف چاپ شده است، و ۱۴ صفحه مقدمه در شرح حال مؤلف و تقاریظ کتاب، ۴۲۰ صفحه متن و ۱۳ صفحه فهرس آن میباشد. م.  
 (۲) کتاب الاوائل، گرد آورده سید عالم جلیل مرحوم حاج آقا مقدس اصفهانی است که بترتیب و تهذیب و کوشش راقم این سطور سالها پیش در اصفهان بطبع رسید. م.

ومیرزا علی اصغر خان صاحب این عنوان فرزند آقا محمد ابراهیم امین السلطان است که در (۱۳۰۰) بیاید .

مرحوم میرزا علی اصغر خان از معاریف رجال ایران و اهل فضل و کمال بود و شعر هم می گفت . و او در این سال متولد شده و پس از وفات پدر در سنه ۱۳۰۰ لقب امین السلطان یافت و در ۷ رجب سنه ۱۳۱۰ ملقب بصدر اعظم و در ۲ شنبه ۳ شعبان سنه ۱۳۱۸ ملقب به اتابک اعظم گردید . و در ۳ شنبه ۲۲ ج ۲ سنه ۱۳۲۱ از صدارت عظمی معزول شد . و او «دیوانی در اشعار» دارد و تخلص قدسی می نمود. و در یک شنبه بیست و دویم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۲۵ هزار و سیصد و بیست و پنج - مطابق ۹ سنبله ماه برجی - در تهران در جلوه خان مجلس شورای ملی بضر ب شش لول عباس آقای ترك مقتول و در قم در یکی از حجرات صحن پدرش دفن شد . و فرزندانی از او بازماند ، از آن جمله یکی حاجی میرزا احمد خان اتابکی مشیر اعظم است که پسر دویم او و در ۲۰ ع ۲ سنه ۱۳۳۴ وزیر فوائد عامه شد .

و قدسی تخلص چند نفر دیگر غیر از صاحب عنوان است که اینک اسماء آنها بترتیب حروف مضاف الیه های تخلصاتشان اینجا ذکر میشود (۱) :

(۱) در «فرهنگ سخنوران» جمعاً بیست و سه شاعر قدسی تخلص ذکر شده و نخستین آنسان «قدسی اتابک» همین صاحب عنوان است و مآخذ او را فقط دو کتاب مدایح نگار «تذکره مجدیبه» و «انجمن ناصری» و نیز جلد نهم «الذریعه : ۵۳» نوشته و گویا به پیروی مآخذ اخیر او را «پسر آقا باقر خان آبدار» و وفاتش را در ۱۳۲۷ قید کرده و در (ص ۶۵) نیز قریب بهمین مضمون گفته است . لکن این هر دو مطلب اشتباه و آنچه در متن نوشته صحیح میباشد . بامداد نیز در ج ۲ «تاریخ رجال ایران» وی را «پسر دوم آقا ابراهیم امین السلطان» و کشته شدنش را در شب یکشنبه ۲۲ ماه رجب ۱۳۲۵ ذکر کرده ، و آقا باقر خان آبدار که در «ذریعه» گفته ظاهراً مقصود آقا باقر خان سعد السلطنه خالوی صاحب ترجمه باشد که در سال ۱۲۹۰ طباطباقی آقا ابراهیم امین السلطان بوده و پس از آن بترقیات مهم نائل آمده و اتفاقاً او نیز در ۱۳۲۵ که حاکم زنجان بوده مضروب و در اثر آن وفات یافته و در مقبره ثنی مخصوص از صحن جدید قم بخاک رفت . و در «الذریعه» بجای علی اصغر ابن آقا باقر خان باید علی اصغر ابن ابراهیم خان ←

«اول» قدسی اخوی که در (۱۳۳۵) بیاید . «دویم» قدسی اصفهانی که در (۱۲۸۷) بیاید . «سیم» قدسی رشتی که نامش میرزا زمان است . «چهارم» قدسی سبزواری که نامش میرقدسی و از شعراء مائه دهم بوده و در «تحفه ساهمی» نوشته . «پنجم» قدسی شیرازی که وی میرزا سلطان محمد حسنی است و در سال ۱۳۶۱ بیاید . «ششم» قدسی مشهدی که نامش حاجی محمد جان بن عبدالله است ، وفاتش ۱۰۵۵ (با ۵۶) . «هفتم» قدسی یزدی که نامش سید محمد و در حدود (۱۳۵۵-۱۳۵۶) وفات کرده ، چنان که در «تاریخ یزد» فرموده ؛ و بجمله با این قدسی صاحب عنوان هشت نفر از رجال بتخلص قدسی میباشند ، و شاید یکی از آنها همان باشد که در «جنگک بهترین اشعار» بعنوان قدسی (مطلق) بدون وصف و قید نوشته است و شاید او غیر از این هشت نفر هم باشد.

دیگر قدسی بیرجندی که در (۱۳۵۴) بیاید .

### ﴿﴿۱۲۹۶- تولد حاج علیقلیخان سرداراسعد بختیاری﴾﴾

وی فرزند سیم حسنقلیخان سیاره بختیاری است که در (۱۲۹۹) بیاید . مرحوم حاج علیقلیخان از رجال فاضل و تحصیل کرده و روشن فکر بختیاری بود ، و او در این سال متولد شده و چندین سال در تهران و اروپا بسر برد و یکی از عوامل مهم مشروطه گردید و کتب چندی در روان از زبانهای اروپائی پیاری ترجمه کرد . و آخر در عصر روز پنج شنبه هفتم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش - مطابق ۲ عقرب ماه

→ نوشته باشد که او مدتی آبدارباشی خاصه ناصرالدینشاه بود و در «مجله وحید» ش ۲۱۵ ص ۵۱ مورخه ماه رمضان ۹۷» که حین طبع این اوراق منتشر گردیده ، در مقاله ئی زیر عنوان خاندان اتابک شرح حال میرزا علی اصغر خان را مفصلاً نگاشته و اشتباهاً کشته شدن او را در ۵ شنبه ضبط کرده است . ایضاً رجوع به «یاد بودهای سفارت استانبول : ۳-۴-۲۴۴» نگاشته خان ملک ساسانی فرمائید.م.

برجی - در تهران وفات کرد و در تخت پولاد اصفهان در تکیه میرنزد پدرش دفن شد. و فرزند ارشدش جعفر قلی خان سردار اسعد در (۱۳۵۲) بیاید. و فرزند دیگرش محمد حسن در آدینه ۴ محرم سنه ۱۳۱۸ وفات کرده و در تکیه میر در اطاق اول بزرگ تکیه دفن شد.

### ﴿﴿ ۱۲۹۲ - تولد طغرل شاعر چهارم محلی ﴾﴾

وی میرزا علی محمد بن میرزا محمود بن ملا محمد بن ملامک احمد چهارم محلی است. میرزا محمود و پدرانش از علما و افاضل و برخی بمنصب قضاوت عسکر نائل بوده اند، چنانکه برادرش میرزا شهاب لای هم از شعرا و در (۱۲۹۱) بیاید. و طغرل از اهل قریه لاو سمیرم علیا و از جمله شعراء اصفهان بود که در این سال - چنانکه در «نامه سخنوران : ۱۱۶» فرموده - در اصفهان متولد شده و در شاعری ابتدا شهاب و بعد از آن طغرل تخلص می نمود، و در روز دوشنبه سیزدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو - مطابق ۱۸ جوزا ماه برجی - در سفر خراسان در سمنان وفات کرد و جنازه اش بوسیله میرزا مرتضی قلیخان نایب السلطنه بمشهد حمل و در پای پنجره فولاد دفن گردید، چنانکه در «ماه نامه و حید. ص ۵ ش ۹ مسلسل ص ۵۷ ص ۷۶۵» نوشته.

### ﴿﴿ وفات ابن الحاج سلمی سنی ﴾﴾

وی شیخ ابو عبدالله محمد بن حمدون ابن الحاج است که از اهل علم و ادب بوده و کتاب «اوضح المسالك» به «القیة ابن مالک» تألیف ابن هشام را بنظم آورده و حواشی بر آن و شرحی بر نظم مذکور نوشته، و در این سال چنان که در «معجم المطبوعات : ۷۰» فرموده وفات نموده (۱).

(۱) این ابن الحاج همانست که بشماره ۱۲۷۲ در صفحه ۲۰۴۷ گذشت ۴۰.

## ﴿۱۲۹۸- تولد مفتون شاعر محلاتی﴾

وی بطوری که در «الذریعه ۹: ۱۰۸۴ ش ۷۰۱۹» فرموده نامش شیخ محمد و فرزند حاج ملاعلی اکبر واعظ خراسانی است که پدرش از خراسان بمحلات آمده و کتابی بنام «هادی المصلین» در اصول دین بفارسی تألیف کرده که قریب پنجاه هزار بیت است. وهم آنجا بسنی در حدود ۹۰ وفات کرده.

و مفتون خود در این سال در محلات متولد شده و در هزار و سیصد و انصدی بعراق عرب رفته و خدمت ملا حسینی همدانی رسیده و در نزد حاج میرزا حسین خلیلی در فقه درس خوانده و مردی پارسا بوده و در نجف سکونت نموده و «دیوانی در مناقب و مراثی» دارد، و در ایام محصور بودن نجف در سه شنبه پانزدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۶ هـ زار و سیصد و سی و شش - مطابق ۴ سرطان ماه برجی - وفات کرد. و فرزندش شیخ علی اکبر در (۱۳۱۹) متولد شده و بنام جد خود موسوم گردیده و دخترسید حسین فخرالذاکرین واعظ خراسانی محلاتی را تزویج نموده و فرزند از این مخدره آورده که وی آقای صدرالاشراف است که در (۱۳۸۲) بیاید.

و مفتون تخلص چندین نفر دیگر از شعرا است که در (۱۲۴۰ ج ۴ ش ۵۷۲) یاد آور شدیم.

## ﴿۱۲۹۹- تولد شبلی نعمانی هندی اعظم گره ٹی﴾

وی از اهل علم و ادب عصر خود بوده و از قراری که در «مجله یادگار. س ۵ ش ۳ ص ۵۱» نوشته نامش محمد و در این سال در اعظم گره متولد شده و علوم اسلامی را از فقه وحدیث

و غیره و زبان عربی و فارسی را تحصیل کرده و در سنه ۱۳۰۰ در مدرسه علیگره بسمت معلمی این دوزبان بسر قرار شد. و در سنه ۱۳۱۰ سفری بخاورمیانه نمود و مدتی در بلاد سوریه و مصر و استانبول و بیروت و بیت المقدس سیاحت کرد. آن گاه در سنه ۱۳۱۴ از جانب نظام حیدر-آباد مدیر اداره علوم و فنون آن شهر شد و همواره بواسطه اطلاعاتی که از علوم اسلامی و ادبیات اُلسنة ثلاثه اردو و عربی و فارسی داشت از شغلی بشغلی و از منصبی بمنصبی از مشاغل و مناصب علمی منتقل می گردید، و شاگردان بسیاری در اطراف وی جمع شدند، و کتب چندی تألیف کرده، از آن جمله:

اول کتاب «شعر العجم» در تراجم شعراء ایران بزبان اردو در چهار جلد که آقای سید محمد تقی فخرداعی گیلانی آنرا بفارسی ترجمه کرده بنام «ادبیات منظوم»: جلد اول در احوال شعراء متقدمین. جلد دوم در احوال متوسطین. جلد سیم در احوال متأخرین. جلد چهارم در ادبیات ایران بطور کلی، و آقای فخرداعی مذکور مقدمه ئی بر این جلد چهارم نوشته و شرح احوال مؤلف اصل (صاحب عنوان) را در آن مفصلاً ذکر کرده (۱).

دویم کتاب «کلیات» که مجموعه ئی است از اشعار فارسی. سیم کتاب «فاروق». و آخر درسه شنبه بیست و هشتم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۲ هـ و ارسیده و سی و دو - مطابق ۲۵ عقرب ماه برجی - وفات کرد.

(۱) چاپ اول کتاب فخرداعی بسال (۱۳۱۶ش) در مطبعه محمد حسن علمی و شرکاء در طهران و چاپ دوم آن بنام «شعر العجم» در پنج جلد با تغییراتی از (۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ش) بوسیله کتابفروشی ابن سینا در تهران منتشر گردیده و شرح حال شبللی در این چاپ در مقدمه جلد اول است و مطالب جلد پنجم پیرامون قصیده و غزل و انواع شعر و شاعری است م.

† (۱۳۰۰- تولد حاجی شیخ محمد باقر، وائق شاعر همدانی) †

وی فرزند آقا ملاحسنعلی بن محمد بن میرزای همدانی، و خود ازا هل علم و فضل و شعر و ادب در اصفهان بود، و چنان که از کتاب «نصح الحیب» خود وی و «معادن الافادات» فرزندش نیر (ج ۲ ص ۲۶) برمی آید، در این سال در همدان متولد شده و در سنه ۱۲۹۵ برای تکمیل تحصیل باصفهان آمد و آنجا در نزد ملا محمد باقر فشارکی (۱۳۱۴) درس خواند تا خود از علما و فضلا گردید، و در شعر تخلص و ائق را برای خود برگزید، و صفرا دختر میرزا محمد علی خوشنویس (۱۲۸۷) را تزویج کرد، و در مدرسه صدر بتدریس نحو و صرف و معانی و بیان و فقه و اصول و منطقی مشغول شد، و در سنه ۱۳۱۹ بمکه مشرفه رفت، و کتابی بنام «نصح الحیب» بسروزن «مثنوی مولوی» در سنه ۱۳۱۵ در حدود هزار و سیصد شعر در نصایح و مواعظ بنظم آورده که آن را فرزندش میرزا حیب الله نیر (۱۳۰۸) با سایر اشعار او که در حدود سیصد شعر می باشد در مجموعه ئی جمع و تدوین نموده.

و بالاخره در بامداد روز شنبه دوازدهم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش - مطابق ۶ دلوماه برجی - در اصفهان در خانه خود در محله درب امام وفات کرد و در تخت پولاد در صحن تکیه میرزا عبدالغفار تویسرکانی (۱۳۱۹) دفن شد و اینک قبر او در پشت بقعه در میان صحن طرف قبله بقعه معروف است، و این غزل از وی بخط فرزندش جناب نیر مرقوم (سلمه الله) که در نوشتن مرقومات بالا حاضر بود و آنها را تقریر می نمود نوشته شد:

از جمله غزلیات:

خس زلفت چنان شد پای بندم	که گوئی صید لاغر در کمندم
ندیدم چون گل رویت بیستان	هر آنچه دیده بر گلها فکندم
چنان مد هوشم از پیمانہ عشق	که تا محشر نبینی هوشمندم
بمن در دوستی جوری پسندی	حرام است اربدشمن من پسندم

کند بیرون ز بستان باغبان سر      اگر بیند قد سرو بلندم  
 طیبیا داروی نسیان مراده      که من از یاد خوبان دردمندم  
 کنم من بعد ساز عشقبازی      برغم ناصحی کو دادم پندم  
 نشاید ناله از خوبان وگرنه      پرست از ناله چون نی بند بندم

اگر اندر غم من شادی تو است

غم عالم به واثق می پسندم

فرزند دیگر مرحوم واثق میرزا عبداللّه بوده که بطوری که حاج شیخ محمد علی عالم  
 خبرداد در شعبان ۱۳۹۱ وفات کرده و در مدرسه چهارباغ برای اوفاتحه گرفته اند و در نزد  
 پدر و برادر خود دفن شد (۱).

### ﴿۱۳۰۱﴾ وفات میرزا محمد تقی منصور علی خوئی (ره)

وی خواهر زاده حاج محمد ابراهیم مطلوب علی خوئی است و مقدمه در شرح حال وی  
 گوئیم که مرحوم حاجی محمد ابراهیم از عرفا بوده و در اصفهان و کربلا تحصیل علوم  
 حکمت و شریعت نموده و شیخ الاسلام نجوی گردید و در خدمت مرحوم حسینعلیشاه که در  
 (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۵۷) گذشت بشرف عرفان رسید و لقب مطلوب علی یافت ، و در سنه ۱۲۲۲  
 از جانب فتحعلیشاه بعنوان تهنیت جلوس سلطان مصطفی خان عثمانی بروم رفت و باز آمد  
 و سفر خجاز و شام و یثرب کرد و در آذربایجان بتربیت مریدان پرداخت و حقی تمام بردمت این  
 طایفه بهم رسانید ، تا آخر در شهر تبریز مسموم وهم آنجا در حدود سال هزار و دوویست

(۱) این مطلب صحیح میباشد ، و حاج شیخ محمد علی (ملا محمد علی) عالم مذکور  
 از مدرسین و اهل منیر اصفهان و حیب آباد بشمار و از دوران جوانی تا کنون همواره بار و ساء علماء  
 شهر رفت و آمد داشته است . م.

وسی واند وفات یافت و فرزندى بنام آقا فتح الله بازنهاد که از خدمت مجذوبعلیشاه و مستعلیشاه بهره ور گردید و از مرحوم صدر الممالک اجازه دستگیری یافت .

و آقا محمد تقی صاحب عنوان هم از عرفاء این فرقه و ازدائی مذکور خود در هیجده سالگی برخی از اوراد و اذکار گرفت و بعد از آن از خدمت مرحوم حاج شروانی مستعلیشاه که در (۱۱۹۴ ج ۱ ش ۹) گذشت توبه و تلقین یافت و هفت سال ریاضت کشید ، و نیز از فیض صحبت مجذوبعلیشاه بدرجات عالیہ رسید تا در این سال درخوی وفات کرد (۱) .

### ﴿۱۳۰۲- تولد شوریده شاعر شیرازی﴾

وی مرحوم حاجی میرزا محمد تقی مجد الشعرا ابن عباس شاعر شیرازی است که در (۱۲۸۵) ییابد .

مرحوم شوریده از اجله شعرا و بزرگان سخنوران بوده و در روانی سخن و جذابیت کلام در چندین صد سال از این پیشرتا کون خیلی کم نظیر می نمود . او در این سال (یا سال ۱۲۸۰) متولد شده و در هفت سالگی چشمانش از آبله ناینا شد و باللعجب با این حال بتحصول اشتغال ورزید و در اقسام اشعار بمراتب بلند رسید چندان که از نخست مجد الشعرا لقب یافت ، و در سنه ۱۳۱۱ حسب الامر ناصرالدین شاه بتهران رفت و پس از ملاقات با وی در سنه ۱۳۱۳ او لقب فصیح الملك بوی داد ، و در اشعار شوریده تخلص می نمود . و او تألیفاتی دارد از آن جمله کتاب «نامه روشن دلان» در شرح احوال شعراى ناینا که تمام نشده . و در شب پنج شنبه ششم ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۴۵ هزار و سیصد و چهل و پنج ، چنان که در شماره (۲-۳) سال ۹ «مجله ارمغان» نوشته - مطابق ۲۱ مهرماه باستانی - وفات کرد و در تکیه سعدیه

(۱) مأخذ مطالب این شرح حال را که مرحوم معام فراموش کرده بنویسد منحصرأ کتاب «طرائق الحقائق ۳: ۱۰۴ و ۱۳۱» است و غالب عبارات عیناً نقل شده م. .

شیراز در عمارتی که در حیات خود ساخته بود دفن شد . و پنج نفر پسر باقی نهاد که دونفر بزرگ تر آنها بترتیب : میرزا حسین خان شیفته فصیح زاده و میرزا حسن خان احسان فصیحی ، که این دونفر از شعرا و همه در شماره های مذکور مجله مرقومه نوشته اند (۱) .

### ﴿ ۱۳۰۴ - تولد چهره شاعر مجلسی اصفهانی ﴾

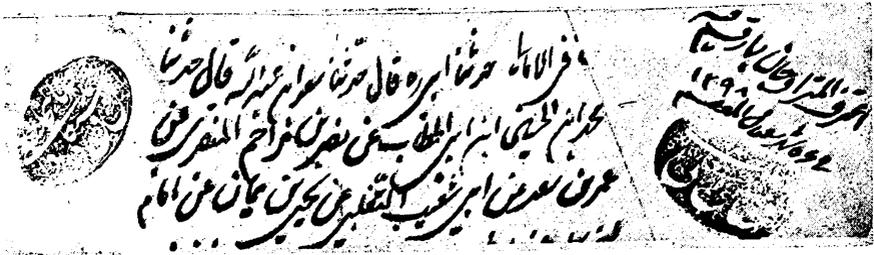
وی میرزا نورالدین محمد حسین بن میرزا حسنعلی بر میرزا محمد صادق بن میرزا حسنعلی بن میرزا ابوطالب بن میرزا محمد تقی الماسی (رحمه الله) است .  
میرزا محمد تقی الماسی در (۱۲۱۴ ج ۲ ش ۲۰۴) گذشت .



« آخر » رساله در باب فضائل و أعمال روز غدیر» تألیف میرزا محمد تقی الماسی که نسخه « اصل آن بخط مؤلف در ۶۴ ورق بحجم ربع در کتابخانه راقم این سطور موجود و این همان « نسخه ایست که در الذریعه ۲۷: ۱۶ » بنام الغدیریه معرفی شده لکن در آنجا اشتباهاً بجای محمد تقی « الاصفهانی (الاصطهباناتی) چاپ شده و نیز کلمه لمؤلفها قبل از (القبر) افتاده است .م.»

(۱) مآخذ متعدد راجع به شوریده در «فرهنگ سخنوران» مذکور و شرح حال خوبی از او در «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۳: ۳۲۳» بیعد با مقدار زیادی از اشعارش ( ناص ۳۶۳) آمده است ، و از ص ۳۲۴ مستفاد میشود که دو فرزند مذکور صاحب عنوان در تاریخ طبع آن جلد (۱۳۴۰ ش) اولی در تهران و دومی در شیراز سکونت داشته اند .م.

فرزندش میرزا ابوطالب دختر میرحسب احمد آبادی را داشته و مادر این دختر که زن میرحسب باشد دختر آقارضا بن ملامحمد نصیرالدین بن ملاعبدالله بن ملامحمد تقی مجلسی بوده، و میرزا ابوطالب از این دختر فرزند خود میرزا حسنعلی معروف باقامیرزا را بهم رسانیده. و این میرزا حسنعلی را درملحقات «تذکره القبور» چاپی (ص ۲۱۰) میرزا حسینعلی و وفاتش را در سنه ۱۲۲۷ و قبرش را در صحن تکیه خوانساری ها نوشته. و نیز میرزا ابوطالب دختری از این دختر میرحسب داشته که وی زوجه میرزا حیدرعلی مجلسی (۱۲۱۴ ج ۲ ش ۲۰۴) بوده. و یکی دیگر از زنان میرزا ابوطالب مرقوم زنی بوده که مادر او دختر میرزا جعفر بن ملامحمد باقر مجلسی بوده و از او پسری بنام میرزا محمد حسین و دختری بهم رسانیده. و میرزا محمد صادق فرزند این میرزا حسنعلی دختر عمش این میرزا محمد حسین بن میرزا ابوطالب را داشته، چونکه میرزا محمد حسین مرقوم از زوجه خود که دختر عمش میرزا ابوالقاسم بوده سه پسر و چهار دختر داشته که یکی از دختران همین زوجه میرزا محمد صادق و دیگری زوجه میرزا محمد حسین نواده مرحوم آقا حسین خوانساری بوده و از او هم اولادی بهم رسیده.



نمونه خط و مهرهای پدر صاحب ترجمه. سجع آنها چنین است :

«لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده حسنعلی» و «حسنعلی بن محمد صادق المجلسی» م.م.

و بهر حال، میرزا نورا لدین صاحب این عنوان از شعرا و اهل وعظ و منبر در اصفهان بود، و بطوری که از کتاب «تاریخ جرائد و مجلات ایران ۱: ۲۹۵» بر می آید او در این

سال در اصفهان متولد شده (۱) و سال هادرمحله شمس آباد سکونت داشت ، و در اشعار تخلص چهره می نمود ، و مردی خوش محاوره و خوش محضر بود ، و در مدرسه شمس آباد که از بناهای جدش میرزا محمد تقی الماسی بود امامت جماعت داشت ، و چندین کتاب تألیف کرد: اول «روزنامه انجمن بلدیه» . دویم «رساله فی در توحید» . سیم «تاریخ فهرست ملل» . چهارم «رساله فی درهیت و نجوم» . پنجم «کتابی در اخلاق» . ششم «نثرهزل» . هفتم اشعار بسیار که تاکنون جمع نشده ، و علاوه بر فضائل فوق انواع خطوط را از نسخ و رقاغ و شکسته و نستعلیق خوب مینوشت و در تذهیب و نقاشی و کاریکاتور و آوردن نقشه های بدیع بواسطه ناخن بروی کاغذ کمال مهارت را داشت .

و بالاخره ، در بک ساعت گذشته از شب دوشنبه نیمه ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۷ هزار و سیصد و چهل و هفت - مطابق اسفند ماه باستانی - وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه خوانساریها

(۱) میرزا حسنعلی پدر صاحب عنوان پیرامون هفتاد منقبت از مناقب حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیهما السلام) که در کتاب «خصال» شیخ صدوق (ره) روایت شده با شمه فی ازمصائب معصومین (علیهم السلام) کتاب مبسوطی بنام «منتخب المناقب فی فضایل علی بن ابیطالب» بفارسی تألیف نموده که نسخه اصل آن بخط کاتب «سید هاشم موسوی» و تصحیح و تکمیل شخص مؤلف در ۲۹۵ ورق رحلی اینک در کتابخانه راقم سطور است و در پایان کتاب تاریخ ختم تألیف را که مقارن با ولادت صاحب عنوان بوده مؤلف چنین نوشته است: «وقد اتفق الفراغ من تألیف هذا الكتاب المستطاب فی العشر الاول من شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنة اربع و سبعین و مائتین و ألف ، وقد طابق اختتام هذا الكتاب مع ولادة ولدی العزیز نورالدین محمد حسین (طول الله عمره) و كان ولادته فی وقت زوال يوم الجمعة السابع والعشرين من شهر ذی القعدة الحرام المزبور ، و من حسن الاتفاق مادة التاريخین : تولد نورالدین محمد حسین مبارك الخ . که معلوم میشود ولادت صاحب ترجمه بهنگام ظهر روز جمعه ۲۷ ذی القعدة بوده است . این نسخه «منتخب المناقب» و نسخه «رساله غدیریه» میرزا محمد تقی الماسی از کتبی است که مرحوم میرزا مجدالدین نصیری امینی در حدود پنجاه سال قبل از خاندان الماسی خریداری کرده و پس از فوت آن مرحوم بدست اینجانب رسید . م.



اصل این سر مشق در نسخه «منتخب المناقب» بود  
 و اجتماعاً بخط میرزا نورالدین مجلسی «چهره» است. ۴۰

دفن شد ، و مرحوم سینای کرونای این اشعار را در مرثیه و ماده تاریخ وی فرموده :

دریغ از آفتاب علم نورالدین      که بنمود از غروبش دوستان غمگین  
 کسی کز برك گل جسمش بیازردی      نمودی خاک بسترخشت را بالین  
 معانی و بیانش بس بدیع آمد      که نظم دلکش او بود چون پروین  
 چو بشنید ارجعی لبیک گوشادان      پی رفتن بزد بر مرکب جان زین  
 رقم زد کلک سینا      بهر تاریخش

بجاویدان حیاتی یافت نورالدین

۱۳۴۸

این ماده تاریخ علاوه بر اینکه يك عدد زیاد است از طبع غراء استاد شعراء اصفهان

در عصر خود مرحوم سینا این بحر نامطبوع غریب است !

و بهر حال، میرزا نورالدین فرزندان بنام میرزا جلال الدین و جمال الدین و کمال

الدین و ضیاء الدین و يك دختر داشته ، جلال الدین وفات کرده و کمال الدین و جمال الدین

هر دو اهل فضل و شاعری را از پدر بارث برده اند و در وزارت فرهنگ کار می کنند ، و ضیاء الدین

عضودفتری بنگاه راه آهن است (۱) .

(۱) از فرزندان یاد شده صاحب عنوان در تاریخ طبع این اوراق کسی باقی نیست .۴۰

سنه ۱۲۷۵ قمری	مطابق	سنه ۱۲۳۷ شمسی
۴شنبه غره محرم الحرام		(...) اسد ماه برجی

### ✽ (۱۳۰۴) - تولد مارگلیوس خاورشناس انگلیسی ✽

مارگلیوس که اورا در عبارات عربی داود (دافید) صمویل (مرجلیوس) می نویسند ، فرزند حزقیل مارگلیوس ، و از مستشرقین معروف اروپا است و بخصوص در آداب لغت عربی تجر و تخصصی تمام دارد . وی در یک شنبه نهم ماه ربیع الماود این سال - مطابق (...) میزان ماه برجی - در لندن متولد شده ، و کتب چندی تألیف و ترجمه نموده ، از آن جمله: اول « کتابی در شاهد اورشلیم (بیت المقدس) و دمشق » . دویم کتاب « محمد و نهضت اسلام » . سیم کتاب « دیانت محمدیه » . و چندین کتاب از آن جمله کتاب « معجم الادباء » یا قوت را که نامش « ارشاد الاریب الی معرفة الادیب » است تصحیح و طبع نموده (۱) .

(۱) Margoliouth , David Samuel. زر کلی در « الاعلام ۳: ۴ » گوید که وی چیزهایی از اسلام و مسلمین بزبان خود نوشته لکن با وجود اطلاع و معرفت پهناوری که از مسلمین و فرهنگ آنان داشته از خود خلوص عقیده علمی نشان نداده ، غرض رانی کرده است . شرح حال و تفصیل اسامی تألیفات و آثار مارگلیوس در « المستشرقون ۲: ۵۱۸ » بیعد و « معجم المؤلفین ۴: ۱۳۸ » و « فرهنگ خاورشناسان: ۲۲۴ » بیعد آمده و در مستشرقون تولد و وفاتش را بیلادی (۱۸۵۸-۱۹۴۰) نوشته و در معجم المؤلفین آنرا مطابق (۱۲۷۳-۱۳۵۹) هجری قمری دانسته است . م.

❦ (۱۳۰۵- تولد شیخ احمد آل حر عاملی ، ره) ❦

آل حر در (۱۲۰۷ج ۲ش ۱۲۳) گذشت . و شیخ احمد فرزند شیخ علی بن شیخ احمد جیاعی ، و خود از اهل علم و اخلاق حسنه بوده و در روز آدینه از ماه جمادی الاولی این سال - مطابق (قوس - جدی) ماه برجی - متولد شده ، و در جمیع دروس شیخ محمد حسین محمد عاملی درس خوانده ، و در سه شنبه سیم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۳۴ هجری و سیصد و سی و چهار - مطابق ۱۳ سرطان ماه برجی - وفات کرد (۱) .

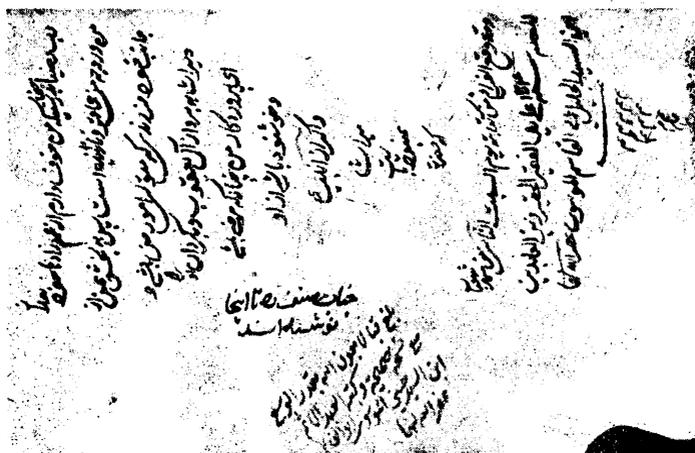
❦ (۱۳۰۶- وفات مرحوم حاجی میرزا زین العابدین ۳۲ خوانساری) ❦

❦ (اعلی الله مقامه) ❦

وی فرزند مرحوم آقا سید جعفر ۳۱ ثانی خوانساری است که در (۱۲۴۰ج ۴ش ۵۶۶) گذشت . و شرح احوالش در چندین کتاب نوشته که از آن جمله «رساله» فرزندش میرزا محمد باقر در احوال آباء و اجدادش باشد ، و آنچه از همه اینها بر می آید این که : او از عظامه علما و فقهاء اصفهان بوده و مانند پدران و فرزندان خویش در ادبیت و عربیت بحری غریب داشته ، و در هشتم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۱۹۰ هجری و تود ، بنص «رساله» مذکوره

(۱) این شرح حال منحصرأ مأخوذ از «اعیان الشیعه ۱۰: ۱۳۹ ط ۲» است ، و ترجمه سه منطری صاحب عنوان در «نقباء البشر: ۱۱۰» نیز ظاهراً از همان کتابست ، لکن شاگردی او را نزد شیخ عبدالله نعمه که در نقباء آورده از اعیان استفاده نمیتوان کرد و تنها گفته است که در مدرسه شیخ عبدالله نعمه در جمیع دروس میخواند . م.

(ص ۶) - مطابق (...) قوس ماه برجی سنه ۱۱۵۷ شمسی - درخوانسار متولد شده، و چندی

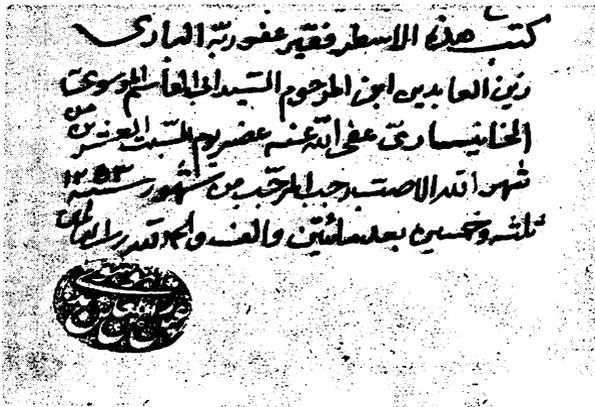


«خط صاحب ترجمه درنوجوانی بسال ۱۲۰۴ وخط پدرش درحاشیه»

در آنجا مانده و در نزد پدر خود و دو پسر عمش سید ابوالقاسم (۱۲۱۲ ج ۲ ش ۱۷۸) و سید محمد مهدی (۱۲۴۶ ج ۴ ش ۶۹۰) درس خواند، آنگاه بعتبات رفت و اندکی توقف و تحصیل نموده و بخوانسار باز آمد و از آنجا باصفهان رفت و تحصیلات خود را تمام کرده و کتب چندی تألیف فرمود، از آن جمله کتاب «شرح زبده شیخ بهائی (ره)» در اصول فقه که آنرا در اوائل عمر خود نوشته (۱). و در «رساله» مرقومه در (ص ۹ تا ۱۴) چندین نفر را از مشایخ روایت و اساتید درس او نوشته بدین شرح :

(۱) از صاحب ترجمه «قدس الله روحه» تألیفات متعددی بجای مانده است که چند رساله از آنها در نزد راقم این سطور موجود و با تعدادی از کتب مستنسخه آن مرحوم هم‌رازا با شرح احوال خود و خاندانش در چندین کتاب، از جمله «زندگانی آیت الله چهارسوقی» و مجلدات «فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان» و «شرح روضات الجنات» و «جامع الانساب» و جاهای دیگر معرفی کرده ایم. م.

- ۱- پدرش آقا سید جعفر ۲- حاج میرمحمد حسین (۱) امام جمعه ۳- حاج سید محمد باقریدآبادی ۴- میر محمد معصوم رضوی مشهدی ۵- آقا سید صدرالدین عاملی
- ۶- حاجی کرباسی ۷- ملاعلی اکبراجیه ثنی ۸- ملاعلی نوری ۹- شیخ حسین بحرینی برادر- زاده شیخ یوسف که وی را در (ص ۱۴) ذکر کرده و فرماید پدرش این شیخ حسین را در سفر حج در یکی از بنادر درک کرد ۱۰- پسر عمش سید ابوالقاسم مذکور که در (۱۲۱۲) گذشت ۱۱- پسر عم دیگرش سید محمد مهدی مذکور که در (۱۲۴۶) گذشت .



«نمونه نی دیگر از خط صاحب عنوان»

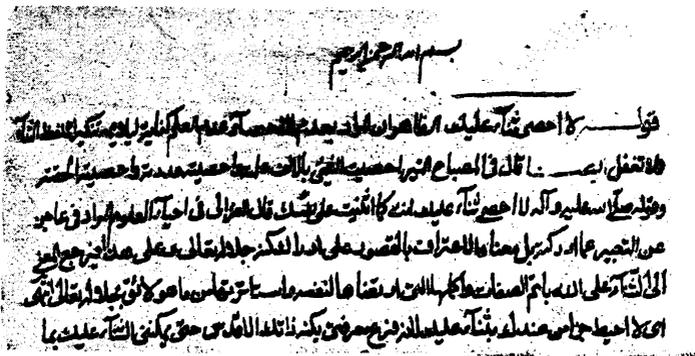
و پس از مدت هشتاد و دو سال و هفت ماه قمری و یک روز عمر (۲) ، در هنگام طلوع فجر

(۱) تاریخ اجازه حاج میرمحمد حسین دهه اخیر ۱۲۲۲ بوده و آنجا مجازا چنین وصف کرده است : «... السيد الايدان نجيب الحبيب النسب الاديب الفطن الالمعي المتوقد الذكي البارع الزكي العالم العامل الصالح حاوي فنون الكمالات حاز قصب السبق في مضامير السعادات سالك مسالك البر والتقى مجتنب مهاوى الغي والردى المشتغل بطاعة رب العباد ...» تا آخر مدایح و محامدی که برای آن مرحوم نوشته است .م.

(۲) ابن حساب مبنی بر تولد صاحب عنوان است در سنه ۱۲۹۲ که مرحوم معلم ابتدا به پیروی از چاپ اول «روضات» در اینجا نوشته بود و بعد که طبق مأخذ دیگر سال ولادت



۲۸ رمضان سنه ۱۲۹۳ ، چنان که در «شجره نامه چهارسوئی ها» است و در «نسبنامه الفت» در سنه ۱۲۹۳ (درصص ۲۱۸) و در (صص ۱۱۴) ۱۲۹۷ نوشته که مانند «احسن الودیع» باشد. و قبرش بالای سرپدرش در بیرون بقعه است (۱). و اگرچه تولدش در این سال با دروس خواندنش نزد میرزا قدری منافات دارد لکن در «احسن الودیع» این طور نوشته ، و فرزندانی از او بازماند ، از آن جمله مرحوم آقا میرسید علی ۳۴ که در (۱۲۴۷ ح ۴ ش ۶۹۶) گذشت. و سه نفر دیگر فرزندان صاحب عنوان میرزا محمد باقر ۳۳ و میرزا محمد صادق ۳۳ و میرزا محمد هاشم ۳۳ در (۱۲۲۶ و ۱۲۲۸ و ۱۲۳۵ ح ۳ ش ۲۷۰ و ۳۸۷ و ۴۷۷) بترتیب گذشتند .



«سر آغاز تعلیقات شرح لعمه تألیف محقق علامه حاج سیدحسین موسوی»  
 «خو انساری جد صاحب عنوان که ۱۵ صفحه اول نسخه بخط مرحوم میرزا محمد»  
 «جو او در ۴۴ صفحه بقیه بخط برادرش حاج میرسید محمد ساقی الذکر است. م.»

(۱) حاج میرسید محمد مذکور از علماء اعلام و محققین عظام بوده تألیفاتش دارد و بالخصوص در احیاء نسخ نادره و آثار نفیسه اهتمامی تمام داشته صد ها کتاب و رساله بخط جلی خود استنساخ یا تکمیل فرموده و مجموعه ها و جنگگ های بسیار مرتب نموده و همه را خود مقابله و تصحیح و سپس بصحافی و تجلید رسانیده است ، شکرالله سعه . از اینگونه آثار آن مرحوم مقدار زیادی در نزد راقم این سطور وهم در دست بعضی منسوبین و بلکه در —

و فرزند بزرگش میرزا محمد جواد ۳۳ در ۱۷ صفر سنه ۱۲۱۹ متولد شده و از خوانسار به همراه پدر باصفهان نیامده و همانجا مانده و وفات کرده و دفن شده و اعقابی ذکوراً و انثاءاً از او باقی و بازمانده (۱) .

قد وقع الفراغ من تفتيح هذه الرسالة الشريفة عصر يوم الاحد السابع  
والعشرون من شهر ربيع الثاني لسنة ثلث واربعمائة  
بجلا لاف طمانين من هجرة رسولنا الكريم  
الله عليه واله الصلوات في دار السرى  
بمرور في المدينة المنورة  
سنة سبعمائة على يد  
الشيخ محمد بن القوي بن السيد الجليل القائل بين العابد بن جواد السوي هدها  
صراط السوي

«نمونه دیگر از خط مرحوم میرزا محمد جواد خوانساری در پایان یک»  
«مجموعه از رسائل نفیسه که تماماً بخط آن مرحوم و در کتابخانه راقم این»  
«سطور است. تصویر و صفحه کامل نیز از خط وی در یک مجموعه دیگر»  
«(در ج ۵ ش ۱۰۵۱) چاپ شد. م.»

— کتابخانه های خصوصی و عمومی اصفهان و بلاد و اماکن دیگر موجود است و برخی از آنها را در جلد چاپ شده و مجلدات چاپ نشده «فهرست کتب خطی» معرفی کرده ایم. م.  
(۱) فرزند ذکور آن مرحوم سید ابوالقاسم خوانساری است که نیمه اخیر یک نسخه «شرح دعاء صباح» آخوند ملا اسمعیل خاجوثی (ره) را بخط خود نوشته و در «ظهریوم الاحد غرة شهر محرم الحرام و هو یوم تحویل الشمس السی المیزان» بسال یک هزار و دو بیست و هفتاد و یک از آن فراغت یافته. بنا بر این، عنوان اول سال ۱۲۷۱ در (ص ۱۹۷۲) این جلد حاضر که مرحوم معلم غره محرم را مطابق سنبله نوشته درست نیست و همان روز مطابق با اول میزان بوده است. نسخه موصوفه بسال ۱۲۷۵ بقانون ارتکب بحرم آیه الله آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (عم سید ابوالقاسم) منتقل گردیده که مطلب را روی برگ اول آن قید کرده اند. نیمه اول نسخه بخط یکی دیگر از دانشمندان این خاندان است. م.

و فرزند هشتم او میرزا محمد حسن ۳۳ مشهور بمجتهد که در اصفهان دفن است .  
و ششم میرزا محمد کاظم ۳۳ متولد در ۴ ج ۲ سنه ۱۲۳۰ ، هر دو بلا عقب بوده اند .  
ویک دختر هم داشته بنام رقیه بیگم ۳۳ که وی زن حاج سید عبداللّه چهار سوئی  
بوده و از وی یک پسر بنام سید محمود بلا عقب داشته .  
و فرزند سیمش میر سید علی ۳۳ در ۴ ذی الحجّه سنه ۱۲۲۵ متولد شده و بکودکی  
وفات کرده .  
و بالاخره معلوم شد که وی هشت پسر که اول میرزا محمد جواد و هشتم میرزا محمد  
حسن باشد و یک دختر داشته که بجمله نه نفر بشوند (۱) .

سنه ۱۲۳۸ شمسی

اول حمل ماه برجی

دوشنبه شانزدهم شعبان المعظم

❖ (۱۳۰۷- تولد حاجی میرزا محمد حسین ۳۴ روضاتی اصفهانی) ❖

وی فرزند مرحوم آقا میرزا محمد باقر ۳۳ چهار سوئی است که در (۱۲۲۶ ج ۳  
ش ۳۷۰) گذشت .

(۱) مخفی نماند که از این نه نفر فرزندان نیای گرامی ما (روح الله ارواحهم) تنها  
مرحوم حاج میر سید محمد فرزند دومش بسفر حج موفق گردیده و برخلاف آنچه در برخی کتب  
تراجم نوشته اند هیچ یک از فرزندان دیگر آن مرحوم حج نگذاردند .م.

مرحوم حاجی میرزا محمد حسین از علماء اصفهان و بنسبت کتاب جلیل پدر و الاشان مانند بسیاری دیگر از این سلسله به روضاتی معروف بود . او در شب آدینه بیست و پنجم ماه رمضان المبارک این سال - مطابق (... ) ثور ماه برجی - متولد شده ، و پس از مدت هفتاد

تصویر مرحوم حاج میر محمد حسین صاحب عنوان و دوتن برادرزاد گانش مرحومین حاجتین آقا میرزا جلال - الدین و حاج میرزا سید حسن با ۴ تن متفرقه اشتباهاً در صفحه ۱۹۷۸ بچاپ رسید (۱) ۴۰.

و شش سال و هفت ماه قمری و سیزده روز عمر ، در بامداد روز چهارشنبه هشتم ماه جمادی الاولی ( که هم روز وفات پدرش بود ) سنه ۱۳۵۲ هـ زار و سیصد و پنجاه و دو وفات کرد و در تخت پولاد در تکیه پدرش دفن شد . و در «شجره نامه» اولادی از وی نیاورده ، لکن خود مؤلف آن شفاهاً فرمودند که

یک دختر ۳۵ اوزوجه سید مجید میر احمدی (۱۳۶۷) میباشد ، و دختر ۳۵ دیگرش زوجه میرزا حبیب الله معینان کوبائی ، و سوهین دخترش ۳۵ زوجه حاج سید فخر الدین روضاتی (۱۳۱۱) میباشد که از این دو هیچ اولادی بهم نرسیده و از میر احمدی سه دختر آمده است .

(۱) تصویر منقردی نیز از صاحب عنوان بنظر رسید که این ابیات در گرد آن نوشته بود:

سمی حسین و سلیل پیمبر	بر اسلام زینت بر آفاق زیور
پدر بوالمفاخر که بودی	بر اسلام حجت بر آفاق سرور
بسرذو المآثر حسین آنکه آمد	کرم را پسر عم شرف را برادر
منا و حرم ، کعبه و حجر و زمزم	حطیم و حجر ، مروه و خیف و مشعر
اگر شکل هستی ندیدی مجسم	مجسم در این صفحه عکس بنگر
یکی خود در آینه سازد تجلی	تعاکس پذیر است خورشید خاور
حماه الله این طرفه تمثال میمون	عطار است مظهر سخا است مظهر

رقم زد بتاریخ او کلک ۱۵ انا

از این صفحه شکل عطا شد مصور

## ﴿(۱۳۰۸- تولد مرحوم میرزا آقای جندقی ، ره)﴾

از جزء ۱۴ جلد ۱۵ «اعیان الشیعه» چنین برآید که وی فرزند مرحوم میرزا حبیب‌الله موسوی و خود از علما و خانوادۀ شرافت و بزرگواری بوده و در این سال متولد شده و در نزد پدر خود که هم از اجله علما بوده درس خوانده و شعر هم می‌گفته و تخلص اقبال می‌نموده ، و پس از مدت چهل سال قمری عمر در سنه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده در تهران وفات کرده و در صحن شاه عبدالعظیم (ع) دفن شد .

## ﴿(۱۳۰۹- تولد میرزا ابراهیم واعظ اصفهانی)﴾

در جلد پنجم جزء ششم «اعیان الشیعه» فقط درباره وی همین اندازه دارد که او فرزند حاج محمد علی تاجر و ملقب به امین‌الواعظین است و در این سال متولد شده و وفاتش معلوم نیست ، انتهى . و در «خلد برین ۱: ۱۰۲» فرماید : وی از بزرگان واعظ است و در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرده و تألیفاتی دارد از این قرار: اول کتاب «امان‌الخائفین» در امامت . دویم کتاب «تحفة المعاد» . سیم کتاب «روح‌العالمین» در توحید . چهارم کتاب «طریقه‌الحق» در نبوت ، انتهى . و آقای مهدوی در نامه‌ئی که در ۱۹ آذر ۱۳۲۸ شمسی (۱۹ صفر ۱۳۶۹) باین بنده نوشته‌اند يك نفر را بدین نام و نشان نوشته که در ۲۱ع ۲۶ سنه ۱۳۵۹ در فروشان سده وفات کرده ، و ظاهراً این درست باشد .

﴿ ۱۳۱۰ - وفات مرحوم سید ابوالحسن ۳۵ عاملی، ره ﴾

وی فرزند مرحوم سید صالح ۳۴ عاملی است که در (۱۱۹۳ ج ۱ ش ۵) گذشت .  
 مرحوم سید ابوالحسن چنان که از جزء ۶ جلد ۷ «اعیان الشیعه» برمی آید از اهل علم و فضل بوده و شعر را نیکومی سروده و خطی خوش و صورتی دلکش و ثروتی فراوان داشته ،  
 و در نزد شیخ موسی و شیخ علی فرزندان شیخ جعفر نجفی درس خوانده و شیخ موسی خواهر  
 زاده خود دختر شیخ اسدالله کاظمینی را که در (۱۲۳۴ ج ۳ ش ۴۶۵) گذشت بوی ترویج نمود  
 و خود با برادرانش خیلی احترام از اومی داشت و هم چنین برادران زوجه اش اولاد شیخ اسدالله.  
 و او «کتابی در اصول فقه» از اول تا آخر تألیف کرده ، و در این سال در تهران رو بیجان  
 جاویدان آورده و در کربلا دفن شد . و دو نفر فرزند از دختر شیخ اسدالله بنام میرزا جعفر ۳۶  
 و میرزا محمد علی ۳۶ آورد که هر دو در (۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۲ و ۷۰) گذشتند .

﴿ ۱۳۱۱ - تولد شیخ ابوالقاسم کاشانی نجفی ﴾

وی فرزند عبدالحکیم کاشانی و خود از جمله علما بوده و شعر هم می گفته و در این سال  
 در نجف متولد شده و در بمبئی سکونت نموده و تألیفاتی دارد : اول اشعاری که آنهارا فرزندش  
 شیخ محمد حسن جمع کرده و بنام «منظومات الشیخ» نامیده . دویم کتابی در جواب کتابی که  
 از حیدرآباد از سید علی شوشتری سلطان العلماء بوی رسیده ، و آن «کتابی مبسوط ادبی» است  
 چنان که فرزندش شیخ محمد حسن نزیل نجف فرموده . و شیخ ابوالقاسم خود در سنه  
 ۱۳۵۱ هزا رو سبده و پنجاه و یک در نجف وفات کرده ، چنان که در جلد پنجم «الذریعه : ش

۸۲۵ و ج ۹: ش ۲۶۶» نوشته . و بنا بر این مدت عمرش هفتاد و شش سال قمری است .

### ❖ (۱۳۱۲- تولد میرزا جهانگیر خان ناظم الملک مرندی) ❖

میرزا جهانگیر خان فرزند مجبلی خان بن میرزا محمد تقی خوشنویس و از فضلا و ارباب کمال بوده و شعر هم می گفته و تخلص ضیائی می نموده و در این سال متولد شده و تألیفاتی دارد ، از آن جمله : «شرح ترجمه سه وصیت» از وصایای حضرت امیر بامام حسن علیهما السلام پیارسی که در سنه ۱۳۱۹ آنها را ترجمه کرده یعنی بنظم آورده . و در غره ماه رجب الفرد سنه ۱۳۵۲ هزار و سیصد و پنجاه و دو در قم وفات کرد ، چنان که در «الذریعه ۵ : ۱۴۶۸» فرموده، و در «سخنوران نامی معاصر ۱ : ۱۵۶» عنوانی برای او آورده و او را وصف به حسینی نموده و از تألیفاتش غیر از «وصیت نامه» منظومه های «سیاست نامه» و «حقیقت نامه» را ذکر کرده و هم این اشعار را از او نوشته :

نامست شراب عشق	زان ساغر لریزم	که مرغ شباهنگم	که شاهد شبخیزم
پر غلغله شد گردون	از آه شباهنگم	پر لوله شده امون	از بانگ شباویزم
فرهاد نیم کز یار	مشغول شوم با کوه	من سلسله جنبان	صد خسرو پرویزم
نی خسرو پرویزم	کاندر طلب شیرین	تازم زپی گلگون	با توسن شبدیزم
چنگیز چه یازد دست	در عرصه میدانم	در سلسله صد چنگیز	افکنده بدهلیم
من عشق بتی دارم	کز چنبره زلفش	بر چنبر این گردون	صد چنبره آویزم
در دوره این دوران	چون برق سبک سیرم	در بهنه این پهنا	چون ابر گهر ریزم
گسر پای یفشارم	در حلقه مهر و ماه	رخش فلکم لـرزد	از کاوش مهمیزم

تا در مقطع فرماید :

هر دم که ضیائی سان ای دوست همی گویم  
زین عالم امکانی صد شور بر انگیزم

### ❁ (۱۳۱۳- وفات شیخ حسن قفطانی نجفی ، ره) ❁

وی فرزند شیخ علی بن نجم سعدی رماحی ، و خود از شعرا و اهل علم و ادب بود ،  
 و «قصیده ثی لامیه» در مدح حضرت امیر و مرثیه حضرت سیدالشهدا (ع) گفته که زیاد بر صد شعر  
 است و آن را شیخ حسن سبتی که در (۱۲۹۹) بیاید تخمیس نموده ، چنان که این همه را در  
 جلد چهارم «الذریعه» فرموده . و بالاخره او در این سال وفات کرده ، و در جلد ۱ «اعیان الشیعه :  
 ۴۰۵» وی را بعنوان «حسن بن علی سعدی رماحی نجفی مشهور بأبوقفطان» ذکر کرده  
 و گوید از شعرا بوده و در سنه ۱۲۷۸ وفات نموده ، و در «الذریعه ۸: ش ۲۷۱» پنج  
 نفر فرزند از او بنام های : شیخ حسین ، شیخ ابراهیم ، شیخ احمد ، شیخ مهدی ،  
 شیخ علی نوشته و گوید : همه از علما و صاحبان آثار خالده بوده اند و اولی قبل از ۱۲۶۳  
 وفات کرده . و نیز در «الذریعه ۹: ش ۸۸۶» او را عنوان فرموده .

### ❁ (۱۳۱۴- وفات خادم ، شاعر لکهنوی) ❁

وی خادم حسین خان فرزند مولوی عبدالقادر خان جایی است ، و همانا جایس از  
 أعمال لکهنواست ، و مادرش دختر سید دلدار علی (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۷۵) و خود از اهل علم  
 و ادب و در گانپور صدر الصدور بوده و شعر هم می گفته و در این سال در جو نیور وفات کرده ،  
 چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۱۶۷۳» فرموده . و در چندین شماره قبل از آن چند نفر شاعر خادم  
 تخلص را ذکر کرده . رجوع شود ب فهرست کتب خودم «ص ۵۶ ش ۴۴» (۱) .

(۱) مع الاسف نسخه فهرست مذکور فعلا موجود نیست که مطالب آنرا نقل کنیم . در  
 «فرهنگ سخنوران» مآخذ صاحب ترجمه را تحت عنوان خادم بنارسی یاد کرده و ۱۲ شاعر  
 خادم تخلص و دو تن خادمی نیز در آنجا مذکورند . م.

### ❁ (وفات شعری ، شاعر اصفهانی) ❁

شرح احوال اودر (۱۲۲۴ ج ۳ ش ۳۲۷) گذشت .

### ❁ (۱۳۱۵- وفات عارف حکمت بك) ❁

وی از فضلا بوده و «ذیلی بر کشف الظنون» نوشته که فقط تا حرف جیم بانجام رسیده و در این سال وفات کرده ، چنان که در «مجله یادگار: ش ۱۰ ص ۷۵» گفته (۱) .

(۱) شرح حال صاحب عنوان در «الاعلام ۱: ۱۳۸» و «معجم المؤلفین ۱: ۲۵۷» بنقل از مأخذ عدیده مذکور و از آنها چنین برآید که وی نامش احمد عارف حکمت شیخ الاسلام شهاب الدین فرزند ابراهیم عصمت (چنانکه در معجم المؤلفین یا ابراهیم بن عصمت چنانکه در الاعلام است) فرزند اسمعیل رائف پاشا رومی حنفی ، فقیه مورخ وقاضی قدس و مصر و مدینه منوره و هم شیخ الاسلام قسطنطنیه از ۱۲۶۲ تا ۱۲۷۰ بوده و از هنگام سرکناری از سمت اخیر تا آخر عمر بعبادت و مطالعه و تألیف کتب پرداخته تا در ۱۶ ماه شعبان ۱۲۷۵ در همان آستانه وفات یافت و در اسکدار دفن شد . در «الاعلام» اورا از خاندان نبوت و از نسل حضرت سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السلام) دانسته و در «معجم المؤلفین» بنقل از «حلیه البشر» ببطارولادتش را در ۲۵ محرم ۱۲۰۱ نوشته لکن در عنوان هردو کتاب آنرا در (۱۲۰۰) ضبط کرده اند . صاحب ترجمه عبری و فارسی و ترکی شعری گفته و از تألیفاتش «الاحکام المرعیة فی الاراضی الامیریة» و «مجموعه نسی در تراجم علماء قرن ۱۳» میباشد ، و شهاب الدین محمود الوسی کتابی در شرح حال وی بنام «شهی النغم فی ترجمه عارف الحکم» تألیف کرده ، و عمده شهرت صاحب عنوان بسبب کتابخانه بزرگ او است که بر مدینه منوره —

## ﴿۱۳۱۶- تولد لویس شیخو یسوعی﴾

وی از اهل علم و ادب و بطور مفهوم از «فهرست کتابخانه رضویه ۶: ۵۰ ۱: ش ۱۱۳» در اینسال متولد شده و مجموعه‌ئی مشتمل بر چهار رساله تألیف کرده و برهريك مقدمه ئی مختصر نوشته بدین تفصیل: اول «رسالة مفسر جمله ئی از آثار ارسطو»، دویم رساله «تدبیر المنزل» از روفس طیب یونانی، سیم «الاحادیث المطرقة» تألیف ابو الفرج (غریغوریوس) معروف به ابن العبری ملطی فاضل مسیحی صاحب «تاریخ الدول» و غیره، چهارم «رساله در حقیقت نفی هم و غم و اثبات زهد منسوب بأفلاطون». دویم از تألیفات صاحب عنوان «مجله المشرق». و بالاخره پس از مدت هفتاد و یک سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرده (۱).

← وقف کرده و اینک مهمترین کتابخانه عمومی آن شهر مقدس و در جوار روضه مطهره نبویه (ع) است. راقم این سطور در سه سفر تشریف خود از آنجا دیدن کرده و از برخی نسخ نفیسه آن استفاده نموده است. ناگفته نماند که در دو مأخذ مذکور یادى از «ذیل کشف الظنون» صاحب عنوان نشده است. م.

(۱) صاحب ترجمه Louis Cheikho از پدران ترسا (آباء یسوعین) نامش قبل از رهبانیت رزق الله بن یوسف بن عبدالمسیح بن یعقوب شیخو بوده در ۵ شباط ۱۸۵۹ میلادی در جزیره فسراتیه ماردین متولد و در ۷ کانسون اول ۱۹۲۷ در بیروت ازدنیا رفت. وی از مسیحیان پرکار و سخت کوشای عرب و دارای تألیفات و آثار فراوانست که اشتهر آنها «مجانى الادب» میباشد. شرح حالش در «الاعلام ۶: ۱۱۳» و «معجم المؤلفین ۸: ۱۶۱» و «المنجد فی الاعلام: ۳۹۷ ط ۷» و مواضع بسیار دیگر موجود است. م.

### ❁ (۱۳۱۷) - تولد سید محمد فیروز آبادی ❁

وی از علماء اعلام و فقه‌های عظام در عصر حاضر است ، و بطوری که در «الذریعه ۲۰ : ۱۶ ش ۱۹۰۵» فرموده با ملاحظه بعضی از مواضع دیگر ، فرزند سید باقر حسینی از قریه فیروز-آباد یزد است که در این سال در یزد متولد شده و در نزد مرحوم آخوند خراسانی (که در ۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۷۵ ص ۱۵۱۲ گذشت) و آقا سید محمد کاظم یزدی ( که در سال ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۲۰ ص ۱۳۲۱) گذشت درس خوانده و بعد از وفات آن دو بزرگوار مرجع تقلید بسیاری از بلاد قرار گرفت و «رساله عملیه» او مطبوع گردید ، چنانکه هم رساله ثنی بنام «جامع الکلم» در حکم لباس مشکوک تألیف کرده و «مجموعه ثنی در اخلاق و مواعظ» دارد ، و هم مجلس درسی دارد که چندین نفر از فضلا در آن حاضر می شوند همچون میرزا عبدالحسین امینی (که در ۱۳۲۰ بیاید) و حاج میرزا فضل الله زنجانی که در (۱۳۰۲) بیاید .

افسوس که مرحوم آقا سید محمد در شب جمعه سلخ ماه ربیع المولود سنه هزار و سیصد و چهل و پنج - مطابق ۱۵ مهر ماه باستانی - در سامره وفات کرد و روز جمعه نعش او را بنجف اشرف آورده و آنجا دفن نمودند .

### ❁ (۱۳۱۸) - تولد مرحوم سید محمد تقی خراسانی نجفی ❁

وی فرزند سید محمد رضاء خراسانی است که در (۱۳۰۲) بیاید ، و خود از جمله علماء بود که در این سال در کاظمین متولد شده و در «الذریعه ۳ : ش ۱۵۶۲» او را وصف بعالم و روح نموده ، و در یک شنبه هفدهم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه - مطابق ۲۰

مرداد ماه باستانی - درسنامه وفات کرد و همان روز نعلش او را حمل بنجف نمودند . وارد دختر سید صالح نجفی (۱۲۰۸ هـ ۲ ش ۱۳۲) را بزوجیت داشته .

❀ (۱۳۱۹- تولد حاج ملا محمد حسن مرتاض نائینی ، ره) ❀

وی فرزند حاج محمد حسین بن حاج محمد صادق است و شرح احوالش در «تاریخچه نائین» تألیف برادرش سنالك (ص ۷) و «تاریخ امامی» ص ۷۶ و «تاریخ نائین» ۱: ۱۸۵ و ۴: ۱۲۶ نوشته ، و از آنها همه چنین برآید که حاج محمد صادق از اهل محله سرای نو نائین و مانند تمام مردم آن محله مردی تاجر و با اینحال از عرفاهم بوده و اظهار ارادت بمرحوم حاجی عبدالوهاب می نموده . و فرزندش حاج محمد حسین هم تاجر بوده و فرزندان ذکوراً و انانثاً داشته که ما دو نفر آنها را در این جا می نویسیم و چنین گوئیم که پسر میانی از سه پسر حاجی محمد حسین مرقوم مرحوم حاج ملا محمد رضاء سالک التاجار بوده که از بازرگانان و در عرفان قدمی راسخ داشته و شهر هم می گفته و تخلص چنان که در «تاریخ نائین» ۱: ۱۹۰ نوشته سالک می نموده و کنایه کوچک در «تاریخچه نائین» درج ۲ سنه ۱۳۵۵ تألیف کرده که عنقریب از آن نامی بردیم ، و در (صفحه ۱۳) آن این اشعار را از خود در مدح یکی از فقراء بالله آورده :

مخمس :

چین سر زلف تو مأوی من قامت تو سرو دل آرای من

کوئی تو شد ظور تمنای من عشق تو بگرفته سرا پای من

زان بود جز تو در اعضای من

ای مه برج شرف و اقتدار بین چو هلالم تن رنجور و زار

یک نظری سوی فقیران بدار نیست مرا طاقت و صبر و قرار

صبر ندادد دل شیدای من

غنچه بشکفته چو وا میکنی      شور قیامت چو پیا میکنی  
با دیگران مهر و وفا میکنی      با من غمگین چو جفا میکنی

وای بحال دل رسوای من

یک قدمی نه سوی کاشانه‌ام      جز غم تو نیست بوی رانه‌ام  
بر رخ شمع تو چو پروانه‌ام      خال و خطت دام من و دانه‌ام

عشق تو سرمایه و کالای من

از غم هجران تو در روز و شب      بیکس ورنج و روهم آغوش تب  
سینه پراز آذر و خاموش لب      تا بکی ای دوست قرین تعب

رحم بدین ناله و غوغای من

گر غم عشق تو روایت کنم      از مژگان دشت سقایت کنم  
گر نکنی رحم شکایت کنم      نزد شه خویش حکایت کنم

آن که بود مقصد و مولای من

جان جهان عالم سرو نهران      آن حسنی خلق حسینی نشان  
قدوه اختیار بزرگ زمان      نادره دهر و وحید جهان

جان جهان ملجا یکتای من

شخص ضیا عنصر مهر و وفا      اصل سخا دوحه جود و عطا  
ریشه مجد و فلک اعتلا      محفل او مجمع اهل صفا

راهبر دنیسی و عقبای من

فخر کنم بر فلک ار دانیم      سالک وهم مادح خود خوانیم  
از تو پر، از خویش همه فانیم      وای بحالم چه ز خود رانیم

خاک بفرق دل رسوای من

و آن جناب در حدود ۱۳۵۶ بهفتاد سالگی وفات کرده و در نائین در اواسط صحن امامزاده

سلطان سید علی (۱۲۸۸) دفن شد .

و در «تاریخ نائین ۴: ۱۲۶ و ۱۲۷» هفت پسر و دو دختر برای او آورده که بعضی از

پسران هم در عرفان راهی داشته و از یکی پسران بیشتر عقبی بازمانده .

**و بالجمله**، پسر بزرگ حاجی محمد حسین : مرحوم حاجی ملا محمد حسن مرتاض صاحب این عنوان (علیه الرحمة والرضوان) بوده ، و آن جناب از علما و فقهاء عصر خویش در نائین و بطور غریبه از جفر و رمل و غیره شوقی غریب و اعتقادی تمام داشته و در نتیجه معلوماتی در آنها بهم رسانیده و شعر هم می گفته و تخلص **مرتاض** می نموده (۱) و خط نستعلیق را خوش می نوشته . او در این سال متولد شده ، و مادر وی و دو برادر دیگر مخدره دختر حاج محمد کریم بن حاج محمد بوده . مرحوم **حاج محمد** از عرفاء عهد خود در نائین و پیری روشن ضمیر و مجذوب مرحوم حاج محمد حسن نائینی بوده و مرحوم میرزا محمد جعفر ۳۹ (۱۳۳۳) خدمت او ارادت ورزیده و در سنه ۱۲۸۱ وفات کرده، و در بقعه مصلی دفن شده و بر قبرش سنگی منصوب و اشعاری بر آن منقور است . و ارشد اولاد او مرحوم **حاج محمد کریم** بطوری که در «تاریخچه نائین : ۶» در دنباله احوال پدرش نگاشته در ریاضیات و ادبیات ید طولائی داشته و در هندسه با مهارتی تمام و در خط نستعلیق بدرجه استادی رسیده و در سنه ۱۲۹۱ وفات کرده .

**و بهر حال** مرحوم حاج ملا محمد حسن برای تکمیل تحصیلات خود از نائین باصفهان آمده و آنجا در نزد مرحوم **آقا میرزا محمد هاشم** چهارسوئی درس خواند ، چنانکه در «تاریخ نائین ۱ : ۱۸۶» نوشته . و نیز بطوری که خود در «گوهر شجر آغ ۲ : ۷۸» فرموده یکی از اساتید او مرحوم حاجی میرزا یحیی بیدآبادی (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۷۶) بوده، و پس از فراغت از تحصیل بنائین برگشت و بتدریس و تألیف و امامت جماعت در مسجد بابا عبدالله پرداخت و همواره بگوشه گیری و انزوا بسرمی برد ، و زیاده برسی جلد کتاب در علوم متفرقه تألیف کرده که بیشتر آنها منظوم وارجوزه است و در «تاریخ نائین ۱ : ۱۸۶ تا ۱۸۸» آنها را ذکر کرده ، از آن جمله کتاب «طرائف السوانح» معروف به «گوهر شجر آغ» در علوم متفرقه

(۱) در «فرهنگ سخنوران» تنها مرتاضی که ذکر کرده از قرن نهم است ، و سالك سابق الذکر نیز در میان سالکان متعدد آن کتاب مذکور نیست . م.

دو جلد که بسیاری از مطالب آن که همه را بعبارت «گویند» آورده مورد تردید است. او در اواخر عمر خود برای معالجه باصفهان آمد و در مراجعت در کوه پایه - چنانکه آقای امامی شفاهاً ذکر نمود - در اوائل دهه آخر ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار - مطابق تیر ماه باستانی - وفات کرد و در اطاق کفشکن امامزاده سلطان سید علی مذکور، که در وقت ورود بحزم در طرف چپ وارد می افتد دفن شد. و تنها دونفر دختر از وی بازماند. و تاریخ قمری وفات او بطور مسطور نص «الذریعه ۳: ش ۷۷۰» و شمسی آن نیز نص «تاریخ امامی ص ۷۶» و «تاریخ نائین ۴: ۱۲۶» است، و آنها طبق تقویم آنسال مطابق بکدیگر خواهد شد، لکن در «تاریخ نائین ۱: ۱۸۶» در اوائل (ج ۱) اینسال نوشته و آن مطابق تیر ماه نخواهد شد بلکه مطابق مرداد می باشد.

### ۱۳۲۰- وفات آقا محمد علی، مذهب اصفهانی

وی فرزند آقا ابوطالب و مردی شاعر و مذهب بوده و در غزل سرائی و صنعت تذهیب مقام استادی داشته و در اشعار نخست تخصص بهار و پس از آن فرهنگ می فرموده و در ابتکار مضامین عالیه قدرتی غریب اظهار می نموده و شاهد بر آن تألیف کتاب «بخچالیه» است که آن را در برابر «آتشکده» آذر بطور هزل در دو جلد در احوال چند نفر از شعرای موهوم تألیف کرده.

در «الذریعه ۹: ش ۹۰۶» فرماید که وی «دیوانی در اشعار» دارد، و همانا در سنه ۱۲۵۹ کتابی بنام «مدایح معتمده» در احوال شعرائی که منوچهرخان معتمدالدوله گرجی را مدح کرده بودند تألیف کرد، پس یکی از معاصرین او تذکره می مانند آن تألیف کرد و نسبت سرقت اشعار بوی داد. پس او غضب نموده و «بخچالیه» را در هجو چندین نفر از شعراء زمان خود تألیف کرد، اتمهی. و شاید این کتاب همان باشد که در «مجمع الفصحا ۲: ۳۹۸» که

شرح احوال او را نوشته تعمیر از آن به «طرب الاحباب» نموده .  
 و بالاخره، او در این سال در اصفهان روی بسفر آخرت آورده ، چنان که در «تاریخ اصفهان چاپ دوم» نوشته . و مرحوم میرزا محمد حسین ذکاء الملک در موقعی که «یخچالیه» را چاپ می کرده اند مختصر شرح حالی در پشت آن از وی نوشته و آنجا فرماید : من صحبت او را درک نموده و از اوفیض ها بردم ، بسیار نیک نفس و پاک طبع بود و در نظم درجه ثی بلند داشت و در بهار جوانی این کتاب را بجهت ادخال سرور در قلب مؤمن نوشته بود . و در آخرت در تالیفاتش از آن تألیف و بجهت آن که حمل بر غیبت و خبیث عقیدت نشود از انتشار آن تحاشی می نمود ،  
 انتهی ( ۱ ) .

و در «تاریخ نائین ۱ : ۳۰۰» ذکری از نواده و همنام وی آقا محمد علی ابن آقا محمد حسین بن آقا محمد علی مذکور نموده که با ملاحظه (ج ۳ ص ۱۲۷) چنین برمی آید که وی نیز در صنعت تذهیب آمیخته بقاشی استاد و در اصفهان بدان مشغول بوده و هم بمشرب تصوف بر طریقه خاکسار گرویده و از مریدان مرحوم حاج سید احمد دهکردی بشمار میرفت . و او فرزندی داشته بنام میرزا اسدالله که در دبیرستان صارمیه اصفهان تحصیل می کرد و بسی باهوش و فراست بوده و در اثر رقابت نو و کهنگی لباس باشا گردان دیگر غیرت کرده و در شب يك شنبه ۱۱ رجب ۱۳۴۲ (مطابق ۲۸ دلو ۱۳۰۲) در موقعی که پشت کرسی در نزد پدر و مادر خود خوانیده بود بوسیله تریاک خود را مسموم نموده و وفات کرد ، و آقا محمد علی بعد از آن از شدت اندوه شبیه جنون و مایخولبائی مبتلا شده بمخیال تسخیر ارواح طیبه و خبیثه افتاد و همواره بریاضات شاقه مشغول بود ، چنانکه مؤلف تاریخ مرقوم گوید وی را در شبی از شب های چله زمستان سال (۱۳۴۸) (۱۳۰۸ شمسی) ملاقات کردم که با آن شدت سرمای معمه، دآن سال در اصفهان که نظیرش کم دیده و شنیده شده با يك عبا بسر برد و سحر از نزل بیرون آمده بقرستان طوقچی رفته و در نهر آنجا غسل کرد ا انتهی .

(۱) مأخذ ترجمه صاحب عنوان در «فرهنگ سخنوران» بتفصیل ذکر شده است . م.

سنه ۱۲۷۶	قمری	مطابق	سنه ۱۳۳۸	شمسی
۲	شنبه غره محرم الحرام		(...)	اسد ماه برجی

﴿ (۱۳۳۱ - تولد مرحوم حاجی شیخ محمد باقر بیرجندی) ﴾  
 ﴿ (اعلی الله مقامه) ﴾

وی مرحوم شیخ ابوالحسن بن ملامحمد حسن بن ملااسدالله بن ملاعبدالله بن حاجی علی بن محمد شریف قهستانی است .

حاجی شیخ محمد باقر ازاجله علماء محققین وفقها و اصولیین عصر بود ، و در رجال و درایت و حدیث و مقدمات آنها تبرزی تمام داشت . و او در ماه ربیع المولود این سال - مطابق (سنبله - میزان) ماه برجی - درقریه جازار قاین که معروف به ام القری است متولد شده و چندین کتاب در فقه و اصول و اخبار و غیره تألیف کرده ، از آن جمله : اول کتاب « اکفاء المکائد و اصلاح المفاسد » در رد صوفیه ، انجام تألیف آن رجب سنه ۱۳۱۶ . دویم کتاب « نور المعرفه » در اصول دین ، انجام تألیف آن ۲۶ ماه رمضان سنه ۱۳۱۴ . سیم کتاب « الکبریة الاحمر » در شرایط منبر .

و ازقراری که فرزندش حاجی شیخ محمد حسین در « بهارستان : ۳۱۹ » نوشته علاوه بر علوم ظاهریه در مقامات عرفان مقالاتی و در سیر و سلوک حالاتی داشته و شعر هم می گفته و تخلص « صافی » می نموده ، انتهی . و چنان که در « الذریعه ۹ : ش ۷۳۴ » فرموده « دیوانی در اشعار » دارد . و بالاخره ، روایت می کند از او میرزا محمد علی اردوبادی ( ۱۳۱۲ ) . و خود در سحر شب

آدینه چهاردهم ماه ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۳۵۲ هـ از روسیصد و پنجاه و دو - مطابق ۱۰ فروردین ماه باستانی - وفات کرد ، و پنج نفر فرزند ذکور از وی بهم رسید :

اول مرحوم شیخ محمد حسن که «شرحی بر تهذیب علامه» می‌نوشته و در مشهد در حیات پدر وفات کرده . دویم شیخ محمد تقی که در (۱۳۴۷) بیاید . سیم حاجی شیخ محمد حسین که در (۱۳۱۰) بیاید . و دیگر شیخ مرتضی و شیخ لطف‌الله که هر سه زنده‌اند .

رجوع شود بضمیمه «تاریخ علماء خراسان : ۲۶۰» (۱) .

### وفات میرزا ابوالحسن یغمای شاعر جندقی

جندق - برون جعفر - نام قریه ئی است در ناحیه بیابانک که مرکز وقاعده آن ناحیه است و نیز خود آن ناحیه را علاوه بر بیابانک جندق نیز می‌گویند ، و این ناحیه بطول چهل فرسنگ و بعرض سی فرسنگ که هزار و دو بیست فرسنگ مربع باشد در کویر مرکزی ایران واقع و در میان شهرهای شاهرود و خراسان و اصفهان و یزد افتاده ، یعنی از طرف شمال و مشرق و مغرب بحدود خاک این چهار شهر محدود و اما فاصله هریک از آنها تا مرکز این ناحیه کمتر

(۱) آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی (دامت افاضاته) کتاب نفیس «تاریخ علماء خراسان» مرحوم میرزا عبدالرحمن مدرس اول آستان قدس رضوی (متوفی ۱۳۳۸) را بسال ۱۳۸۲ در مشهد مقدس طی ۱۴۱ صفحه بطبع رسانیده و از ص ۱۴۲ تا ۳۱۹ ذیلی بر کتاب مذکور بعنوان «ضمیمه تاریخ علمای خراسان» نگاشته‌اند که همانند اصل حاوی مطالب گرانقدری است . در ص ۲۶۰ و ۲۶۱ شرح حال حاج شیخ محمد باقر بیرجندی را نوشته‌اند که با مرقومات متن مکمل یکدیگرند و در ص ۲۶۲ و ۲۶۳ مختصری از احوال پنج نفر فرزندان آن مرحوم را ذکر نموده و شیخ محمد حسن را گوید که در ۲۱ ماه رجب ۱۳۳۴ وفات یافته و در دارالسیاده دفن شده ، و درباره شیخ لطف‌الله توضیحی نداده ، و شیخ مرتضی را نوشته است که از فضلاست و از آثار او کتابی در احوال حکیم نزاری بیرجندی بنام «نسیم بهاری» در ۱۳۴۲ چاپ شده و در خاتمه آن مجملی از احوال و آثار پدر و برادرش را ذکر نموده .

از شصت فرسنگ نمی باشد. در «بستان السیاحه» در گلشن پنجم که حرف جیم است (درص ۲۳۵) شرحی نوشته بخلاصه اینکه: جندق بفته جیم و سکون نوز و فتح دال و قاف ناصبه می است از سمنان، هوایش گرم و نخلستان فراوان دارد و چند قریه معموزه در آن است، آبش از قنات و مردمش همگی شیعی مذهب و قومی عرب اند که از قدیم آمده آنجا ساکن شده اند، و اشخاص خوب از آنجا ظهور نموده. **آنگاه صاحب عنوان را ذکر کرده و فرماید:**

شخصی دانشمند و شاعری پایه بلند بود، با فرقه عرفا سازگار و از ابناء روزگار در آزار است، چندگاه در خدمت مولانا احمد نراقی بود و از وی اذیت بسیار مشاهده نمود (۱) تا بالاخره مولانا را هجو نموده و در آن مضامین خوب پیدا کرده، و در وقتی که من در کاشان بودم همواره بمنزل من آمده مؤانست و بنمود و سخنان خوب بیان می فرمود و خط را خوب می نوشت و اشعار خوب می گفت و این بیت از اوست:

یاساقی بیاور آن شراب ارغوانسی را  
که یک تکه جرعه اش آدم کند ما ز ندرانی را  
انتهی. و در «مجمع الفصحا ۲: ۵۸۰» نیز وی را عنوان کرده و قریب بمضامین مذکور در باره او نوشته.

و بهر حال، میرزا ابوالحسن صاحب عنوان از شعراء درجه اول مائه سیزدهم و از سخن طرازان نامی و سخنوران مهم آن دوران بشمار آید. شرح احوالش در بسیاری از کتب نوشته که بهتر از همه و جامع آنها کتابی است که آنرا حمیب یغمائی (که در ۱۳۲۰ بیاید) مخصوص احوال او تألیف کرده و از آن چنین بر آید که وی میرزا رحیم بن حاجی ابراهیم قلی جندقی است و در حدود ۱۱۹۶ در قریه خورجندق متولد شده و در هفت سالگی که بشر چرانی مشغول بوده امیر اسمعیل خان عرب عامری فرمان روای بیابانک وی را دیده و از او پیش سؤال می کند یغما می گوید:

ما مردمک خوریم از عقل و ادب دوریم

(۱) چنانکه پس ازین مذکور خواهد شد یغما بسمت وزارت حکومت بکاشان رفته و در این صورت چه اذیتی از مرحوم نراقی مشاهده کرده! جز اینکه بگوئیم غرض نویسنده امر بمعروف و نهی از منکرهای آن نایب الامام و حجة الاسلام بوده است، والله العالم. م.

امیر اسمعیل خان که خود اهل فضل و کمال و ذوق بوده چون این کلام را از یک بچه هفت ساله شنید پی بقابلتش برد و باجازه حاجی ابراهیم قلی وی را همراه خود برده و در تعلیم و تربیتش همت گماشت و یغما تا هفت سال درس خواند و سپس در ردیف منشیان امیر اسمعیل خان قرار گرفت و آداب تیراندازی و سواری را یاد گرفته و بشعر گفتن مشغول و تخلص خود را «مجنون نهاد» ، و بالاخره ترقی کرده تا منشی باشی و پیشکار امیر اسمعیل خان شد . تا در سنه ۱۲۱۶ که امیر اسمعیل خان بدولت وقت یاغی شده و پس از آن شکست خورده و بسطرف خراسان فرار کرد و سردار ذوالفقار خان حکمران سمنان و دامغان گردید .

در این وقت جعفر سلطان نامی از طرف سردار بجندق که در آن وقت ظاهراً از توابع سمنان بوده برای سربازگیری آمد و از روی غرض شخصی یغما را جزو سربازان نموده و بسمنان آورد و وی آنجا شرح حال خود را بسردار گفت و او یغما را از سربازی معاف و او بسمت منشی گری و معاونت در خدمت سردار اقامت نمود و مدت شش سال در نزد وی بود و کتاب «سرداریه» را از قول او که جز (زن قحبه) فحشی دیگر نمیداده بنظم آورده و بعد از آن به افساد حساد، سردار با وی بغضب شده و در اثر آن او را مضروب و محبوس نمود و چندین سوار برای ضبط اموال او و کسانش بجندق فرستاد و آنها نهایت صدمه و غارت اموال بکسان او وارد آوردند . و یغما پس از مدتی ماندن در سیاه چال از حبس رها شده و در این وقت نام و تخلص خود را از (رحیم و مجنون) به (ابوالحسن و یغما) تبدیل و بدان هر دو موسوم و متخلص و معروف گردید چنان که در مقطع غزلی فرماید :

مرا از مال دنیا يك تخلص مانده مجنون است

بکار آید گر ای لیلی وش آنرا نیز یغما کن

بعد از آن بلباس درویشی درآمده و چندین سال سیاحت بلاد و امصار نموده و ضمناً بزیرات عتبات و بغداد هم رفته و خود را بمشرب تصوف وا نمود کرد لکن مذهب شیخیه را اختیار و در اعمال دینی آن را بکار می برد ، و بعد از برگشتن از عراق عرب که سردار هم وفات کرده بود بجندق رفت و پس از شش ماه از راه یزد بتهران آمد و بمناسبت تصوف و درویشی با

حاجی میرزا آقاسی وزیر پادشاه وقت آشنا شده و بحدی در قلب وی نفوذ کرد که حاجی میرزا آقاسی وی را مرشد خود گرفت و در اثر آن در دربار محمد شاه هم مقامی ارجمند پیدا کرد . آنگاه بکاشان رفت و بسمت وزارت حکومت چندی انجاماند و کتاب «خلاصه الافتضاح» را در آن ایام بنظم آورد .

و بالاخره ، در سه ساعت برآمده از روز شنبه شانزدهم ماه ربیع الاخرین سال - مطابق (... ) عقرب ماه برجی - در قریه خور وفات کرد و در همان جا در مقبره سید داود ( که تا حضرت امام موسی الکاظم (ع) هفده نفر فاصله دارد و اعقاب او هم الان آنجا موجود و تقریباً بهمین شماره تا وی فاصله دارند دفن شد .

مرحوم یغما عشق مفرطی بزبان پارسی داشته و تا اندازه می نوشتجات خود را از الفاظ عربی خالی نموده و بخط خود که نهایت خوب بوده کتاب «پرهان قاطع» را نوشته و در هر فصل و باب لغاتی را که از مؤلف فوت شده است درک و یادداشت نموده ، و تخصصش در اشعار در قسمت هجوملیح ، بمضامین عالیه با کره مستحسن الذکر بوده که در این فن نهایت قدرت از خود را برز داشته و نظیری برای او نتوان یافت ، و «دیوانی» دارد مشتمل بر اقسام اشعار که برای اولین بار در تهران در سنه ۱۲۸۳ قمری بچاپ رسیده و «سرداریه» و «خلاصه الافتضاح» مرقومان هم جزو آن است ، اگرچه اشعار الحاقی در آن فراوان آمده خصوصاً هجویاتش ، و خود مرحوم یغما در موقعی که حاجی اسمعیل بیگ تهرانی بامر مرحوم اعتضاد السلطنه علیقلی میرزا آنها را برای چاپ جمع و تدوین می نموده زنده بوده و کرا را اظهار بیزاری از نسبت بسیاری از آنها بخود می نموده لکن حاجی اسمعیل بیگ این را نشنیده و هر چه رامی خواسته در آن بنام یغما جمع کرده ا .

مرحوم یغما - چنانکه در «تاریخ قومس : ۴۹۹» فرموده - چند نفر پسرداشته : اول مرحوم میرزا اسمعیل که شاعر بوده و تخلص همنومی نموده و برای فوت پدر مرثیه و مساده تاریخی سروده . دویم مرحوم میرزا احمد صفائی که در (۱۳۱۴) بیاید . سیم میرزا محمد علی خطر . چهارم میرزا ابراهیم دستان که نیز از کمالات پدر حظی داشته .

و پسر زاده اش کیوان اول که ما نامش را نمی دانیم هم شاعر بوده چنان که در «رسالة احوال یغما» که ذکر کردیم نوشته ، و ما نمیدانیم فرزند کدام يك از پسران او است .

ویکی از نواده‌های او میرزا هادی خان فرمان است که مرخوم میرزا رجاء زفره‌ئی (ده) درمراسله مورخه (۲۱ شوال ۱۳۳۳) که باین حقیر نوشته فرموده است : برای هم شعر گفته‌ایم . وما اورا هم نمیدانیم از کدام يك از پسران یا دختران او است .  
 وصاحب رساله مشارالیها حبیب یغمائی فرزند حاجی میرزا اسدالله منتخب السادات است که او داماد میرزا احمد صفائی و فرزندش که نواده میرزا احمد بشود از فضلا و ادب‌ها بزرگوار معاصرین و اشعار دلنشین خوبی دارد و تخلص حبیب می نماید .

### ❀ (وفات آروینک امریکائی) ❀

اوائل ج ۱۰ . شرح احوال اودر (۱۱۹۷ ج ۱ ش ۲۵) گذشت .

### ❀ (۱۳۲۳- تولد حاج زین العابدین خان قاجار کرمانی) ❀

وی فرزند حاج محمد کریم خان (۱۲۲۵ ج ۳ ش ۳۵۹) و خود از علما و بعد از برادر خود حاج محمد خان جانشین او و مرجع سلسله شیخیه در زمان ما گردید ، و همانا او در هفتم ماه رجب الفرد اینسال ، چنان که در «فهرست کتابخانه رضویه ۴: ۲۸۳» نوشته - مطابق - (...) دلو ماه برجی - از بطن دختر شاهزاده محمد قلی میرزا ملک آرا متولد شده ، و مادر مادر او که زن محمد قلی میرزا باشد - چنانکه در «فهرست کتب مشایخ ۳: ۲» نوشته - دختر شاه رخ میرزا ابن رضا قلی میرزا ابن نادر شاه بوده ، و مادر او که زن شاه رخ باشد دختر شاه سلطان حسین صفوی بوده .

و بهر حال . حاج زین العابدین خان چندین کتاب تألیف کرده ، اول کتاب «ایضاح الاشباه»

در توضیح و تصحیح عقائد و آراء شیخیه . دویم کتاب «صاعقه» . سیم کتاب «صواعق البرهان» و این هردو در رد بایه است و در «مقالات الحنفا» ذکر شده . چهارم شرح این عبارت از «فقه الرضا (ع)»: «وانو عند افتتاح ذکر الله و ذکر رسول الله (ص) الخ . انجام تألیف آن ۳ شنبه ۶ شعبان سنه ۱۳۲۴ . پنجم کتاب «اجوبه المسائل» و این هردو را در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۸۸» ذکر کرده .

و او پس از مدت هشتاد و سه سال و نه ماه قمری و بیست و هشت روز عمر، در یک شنبه پنجم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت - مطابق ۱۱ خرداد ماه باستانی - وفات کرده و در کربلادر رواق روضه مطهره حسینی (ع) دفن شد . فرزندش میرزا ابوالقاسم خان هم از علما و فقهاء این فرقه است که پس از پدر جانشین او گردید و «رساله فی در فلسفه» و «کتابی در مسئله نماز و روزه عرض تسعین» که شش ماه شب و شش ماه روز است تألیف کرده که در شب شنبه ۱۱ صفر سنه ۱۳۶۶ از تألیف آن فارغ شده و او نام خانوادگی خود را ابراهیمی نهاده و در ذی الحجه سنه ۱۳۷۱ بمکه رفته ، چنان که در «نا بغه علم و عرفان: ۴۰۸» در پاورقی فرموده . رجوع شود بسال (۱۳۱۴) (۱) .

(۱) در آنجا شرح حال ابوالقاسم خان تحت عنوانی خاص مذکور است .م.

سنه ۱۲۳۹ شمسی

اول حمل ماه برجی

سه شنبه بیست و هفتم شعبان المعظم

در «شرح زیارت جامعه» مرحوم شیخ احمد احسائی در شرح دعاء وداع آن زیارت در پست صفحه آخر، عید نوروز این سال ۱۲۷۶ را در ۲۶ شعبان نوشته که انجام چاپ آن کتاب بوده و شاید تحویل در بعد از ظهر ۲۶ و روز عید ۲۷ بوده .

### ❦ (۱۲۲۴- وفات میرزا علی محمد خان نظام الدوله اصفهانی) ❦

وی فرزند عبدالله خان امین الدوله بن حاجی محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی است. مرحوم حاجی محمد حسین خان صدر در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۴۹) گذشت .

عبدالله خان امین الدوله (۱) که از رجال معروف دربار فتحعلیشاه و در خیر مندی و سخاوت

نمونه پدرکار آگاه بوده و فاشش شعبان سنه ۱۲۶۳ در نجف و او را فرزندانانی بوده : یکی نصرالله خان که نواده او آقای امیر قلی امینی ابن ابراهیم خان بن مصطفی قلی خان ابن نصرالله خان مذکور از رجال علم و ادب در عصر حاضر و مدیر روزنامه بنام «اصفهان» است. و دیگر میرزا علی محمد خان (که مادرش - چنان که در «الذریعه ۲ : ۲۰۸» با ملاحظه

(۱) برای عبدالله خان رجوع بعنوان خود صدر نیز شود . یادداشت مؤلف .

غلطنامه و «ج ۴ ش ۱۶۷۹» نوشته - سیده ثی حسینی و بهمین جهت بشریف موصوف شده و خود بنص کتاب «جغرافیای اصفهان: ۷۱» اکبر وارشد و اکمل اولاد امین الدوله بوده، از اعیان زمان و هم از جمله علما و اهل ادب بوده و شعر را نیکومی سروده و بهر دوزبان عربی و فارسی بر آن تسلط داشته، و او پس از اشتغال مدتی بکارهای دولتی از آنها استعفا داد، و در نجف مجاورت کرد و خدمت مرحوم حاجی شیخ محمد حسین نجفی که در (۱۲۶۶ ج ۵ ش ۱۰۹۳) گذشت بتحصیل رو آورد و «تقریرات بحث دروس» آن استاد را در تحریر نمود که پس از وفاتش فرزندش صدرالشریعه برخی از مباحث طهارت آن هارا با «تقریرات» خود جمع و طبع کرد.

و نظام الدوله در ۵ شنبه هشتم ماه ذی الحجۃ الحرام این سال - مطابق (... سرطان ماه برجی - وفات کرد و در جوار حضرت امیر (ع) دفن شد. و مادرش را که بنقل از «الذریعه» نوشتیم سیده ثی حسینه بوده در کتاب «جغرافیای اصفهان: ۷۴» گوید دختر حاجی رجبعلی لبنانی بوده. و وی نواب خورشید کلاه ملقبه بشمس الدوله دختر فتحعلیشاه را بزوجیت داشته، چنان که در «طرائق: ۳: ۱۴۷» فرموده، و از او فرزندان با زماند، یکی مرتضی قلیخان که در (۱۳۰۶) بیاید. و دیگر مرحوم شیخ بهاءالدین صدرالشریعه (رحمه الله) که نیز مانند پدر از علما و فقها بوده و کتب چندی تألیف نموده، از آن جمله: «تقریرات دروس اساتید» خود. و روایت می کند از چند نفر از آن جمله مرحوم سید محمد صادق طباطبائی که در (۱۳۰۰) بیاید. و دیگر حاجی علی آقا که در نجف در ذی اهل علم بوده و «رساله ثی در اصول نحو» تألیف نموده، و در حدود سال ۱۳۱۹ وفات کرده، چنان که در «الذریعه: ۱۱: ش ۵۶۰» فرموده، و کلیه اولاد مرحوم نظام الدوله اینک دوطایفه در نجف بنام آل حاجی اسد خان و آل حاجی علی آقا تشکیل داده اند (۱).

(۱) رحمت یزدانی بر روان فاضل صمدانی مؤلف این کتاب باد که پس از نگارش شرح حال مختصر اصلی نظام الدوله، ظرف مدت سی چهل سال بشهادت خطوط مختلف مسوده کتاب، پانزده بار مطالب آنرا بدفعات و از گوشه و کنار تکمیل نموده تا بصورت کنونی درآمده است. و این روش آن مرحوم بود در تمام مدت عمر و بالخصوص در سراسر کتاب مکارم ۴۰.

### ﴿۱۳۲۵- تولد سید اسدالله رودبجاری نقی﴾

وی فرزند سید عباس بن سید عبدالله بن سید حسین بن میر محمد جعفر بن سید شمس الدین گیلانی انگری معروف به اشکوری ، از نژاد مرحوم میر بزرگ ۱۷ مازندرانی است که در (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۳ ص ۱۶۰) گذشت .

سید شمس الدین مرقوم از اعیان عصر خود بوده و سلاطین صفویه فرمانی برای وی نوشته اند که هنوز در این خانواده موجود است .

و مرحوم سید اسدالله از علما و فقها بوده و در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله « کتابی در آوانی طلا و نقره » و « کتابی در تقریرات » دروس استادش مرحوم حاجی میرزا حبیب الله رشتی (ره) که در یازده جلد بزرگ ( پنج جلد در اصول و شش جلد در فقه ) است و « رساله ثنی در جواز نقل موتی » . و در او اخر ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه - مطابق میزان ماه برجی - در نجف وفات کرده ، و فرزندى بنام سید محمد از او بازمانده .

### ﴿۱۳۲۶- تولد میرزا جواد جهان بخش منجم نهاوندی﴾

وی از علماء ریاضی و معروف به منجم پاشی بود و در این سال متولد شده و چند سال « تقویم » های او بچاپ می رسید ، تا در سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه - چنان که در « تاریخ سرتیپ » است - پس از مدت پنجاه و هفت سال قمری عمر وفات کرد ، و در « سالنامه ۱۳۱۰ » در سنه ۱۳۳۴ نوشته (۱) .

(۱) صاحب ترجمه ظاهر آهمانست که احوال شرادانشمند جلیل آقای حاج شیخ غلامرضا مولانای بروجردی در « تاریخ بروجرد ۴۸۱:۲ » بشرح ذیل آورده اند : « میرزا جهان بخش بروجردی . از علماء جامعین در قرن چهاردهم هجری است ، در جمیع فنون و علوم اسلامی ماهر و باضافه در ریاضیات و هیئت شهرت یافته و جمعی در محضرش بهره ور شدند ، از جمله مرحوم شیخ عبدالحسین فرزند شیخ عیسی رشتی گیلانی که مدتی از ریاضیات و هیئت در حوزه درس وی استفاده کامل کرد » انتهى م .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله الذي جعلنا من عباده  
الذين هم خير خلقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله الذي جعلنا من عباده  
الذين هم خير خلقه

عزنا في الدنيا والآخرة  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله الذي جعلنا من عباده  
الذين هم خير خلقه  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله الذي جعلنا من عباده  
الذين هم خير خلقه  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه  
والموتى من عباده  
الذين هم خير خلقه

❦ (۱۳۲۷- تولد حاج شیخ حسن قییم شاعر حلی) ❦

وی فرزند شیخ محمد قییم حلی است که در (۱۲۹۳) ییاید ، و خود از شعرای عراق بوده و شعر را نیکو تر از پدر خود می سروده و همانا در این سال - چنانکه در الذریعه ۸۹۴:۹ ش ۵۹۳۲ فرموده - متولد شده و مراتب شاعری را از شیخ حمادی عراقی (که در ۱۳۲۹ ییاید) گرفته و «دیوانی در اشعار» دارد که آنرا فرزندش عبدالکریم جمع کرده و در سنه ۱۳۳۵ در واقعه ترک که در حله رخ داده سوخته ، و پس از آن در این اواخر برخی از متفرقات آنرا شیخ علی خاقانی جمع نموده و قصاید آن نیز در نزد سید محمد حسن آل طالقانی ( که در ۱۳۵۰) ییاید موجود است، و بعضی از مرثیاتی آنرا با مرثیاتی قاسم بن محمد حلی ؛ شیخ حسن بن علی حلی در ۱۳۳۰ در «مجموعه» ئی جمع کرده .

❦ (وفات میرزا حسنعلی وفای شاعر شیرازی) ❦

شرح احوال او در (۱۲۲۴ ج ۳ ش ۳۴۹) گذشت .

### ۱۲۳۸- تولد سید حسین ۲۸ براقی شاعر نجفی (ع)

وی فرزند سید احمد ۲۷ بن حسین ۲۶ بن اسمعیل ۲۵ بن زین الدین ۲۴ بن محمد ۲۳ بن علی ۲۲ بن یحیی ۲۱ بن ابوالفنائم ۲۰ بن محمد ۱۹ بن فضائل ۱۸ بن احمد ۱۷ بن مرجا ۱۶ بن احمد ۱۵ بن محمد ۱۴ بن علی ۱۳ العالم بن حسن ۱۲ بن محمد ۱۱ بن علی ۱۰ بن ابو عبدالله حسین ۹ الشاعر البرسی بن عبدالرحمن ۸ بن قاسم ۷ بن محمد ۶ البطحانی بن ابویمحمد قاسم ۵ بن ابویمحمد حسن ۴ الامیر بن ابوالحسن زید ۳ بن الامام حسن ۲ المجتبی علی السلام است .

حضرت امام حسن ۲ مجتبی (ع) در فصل دویم مقدمه گذشت . . .

فرزندش زید ۳ از اعیان عصر خود بوده ، وفاتش سنه ۱۲۰ در حاجز میان مکه ومدینه یا بقیع ، علی الاختلاف .

فرزندش حسن ۴ الامیر از معاریف رجال سیاسی دولت عباسی بوده ، وفاتش سنه ۱۶۸ قبرش در حاجز .

فرزندش قاسم ۵ مردی عابد و زاهد بوده الا این که مانند پدر در دربار آل عباس و برای بنی اعمام خود سعایت می نمود . . .

فرزندش محمد ۶ البطحانی از فقها و منسوب است ببطحان - بروزن سبحان - نام وادی در مدینه ، یا بطحا بفتح با - مانند نسبت بصنعا یعنی که صنعانی - بنون می گویند .

وسید حسین ۲۸ صاحب عنوان از اهل علم و فضل بوده و در فنون تاریخ و رجال و جغرافیای بلاد عراق عرب تنبلی تمام داشته و شرح احوال او در مجله مبارکه « المرشد .

جزء ۷ ص ۳ » نوشته که فعلا در نزد ما حاضر نیست ، واجمالا او در این سال متولد و به سید حسون ۲۸ مشهور شده و کتب بسیاری در تاریخ و احوال شهرهای عراق تألیف کرده ، از آن جمله : اول کتاب « بهجة المؤمنین » در احوال اولین و آخرین که تاریخ عام تا عصر حاضر است

در چهار جلد. دویم کتاب «جلاء العین» در اوقات مخصوصه زیارت حسین . سیم کتاب «الحسرة الکما منة للزفرات» در زنان هاشمیه ثی که مصیبت زده شدند در غاضریات . چهارم کتاب «الدره البهیة» در احوال روضه حسینه که تاریخ کسر بلاست ، انجام تألیف آن ۴ شنبه ۱۲ ع ۲۰۲۰ سنه ۱۳۱۶ . پنجم کتاب «قلائد الدر المرجان والعقیان» در تاریخ عمومی و وقایع هر زمان از سنین عدیده که در جلد بزرگی است . ششم کتاب «قره العین» در عمارت کتندة قبر ابوالحسنین ، که آنرا ذیل «التحفة النجفیه» که اینک نوشته میشود قرار داده . هفتم کتاب «التحفة النجفیه والیتمة الغریبه» .

و آخر در ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ هـ از وی سیصد و سی و دو - مطابق (سرطان - اسد) ماه برجی - در قریه لهیبیات حیره ، چنان که در مقاله ثی که شیخ محمد رضاء شیبی در شرح احوال او نوشته و در پشت «تاریخ کوفه» از تألیفات صاحب عنوان چاپ شده (در ص ۵) ذکر کرده؛ وفات کرد ، و نیز در مواضع عدیده از جلد سیم «الذریعه» در همین سنه ۱۳۳۲ نوشته ، لکن در «مجله المرشد . س ۳ جزء ۷» در سنه ۱۳۳۳ نوشته بی تعیین ماه، مانند «الذریعه» (۱) .

### † (۱۳۲۹ - تولد همت شاعر شیرازی) †

وی مرحوم میرزا علاءالدین حسین فرزند مرحوم وقار شیرازی است (۱۲۳۲ ج ۵ ش ۴۳۵) .

مرحوم همت شاعری بلند پایه و فاضلی گران مایه بوده و در این سال متولد شده و در آغاز زندگانی يك چشمش از آبله نابینا گردید و با این حال در تحصیل فضل و کمال کوشید

(۱) برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود به کتب تاریخ و تراجم متعددی که در این اواخر در نجف اشرف بیچاپ رسیده . و مخفی نماند که ولادت سید حسون براقی را در «الذریعه ۱۷: ۱۶۲» اشتباهاً (۱۲۱۶) چاپ کرده و در غلطنامه هم متعرض نشده اند . م.

تا به کمالات خانواده وصالی رسید و در خط نسخ بشیوه علاءالدین تبریزی نوشت ، و در اشعار تخلص همت نمود و «تاریخ چهارده معصوم مجدول» پدر بزرگوار را که ناتمام مانده بود قسمت مهمی از آن را تألیف کرد ، تا در اواخر عمر یک چشم دیگرش نیز نابینا شد ، و آخر در عشر اول ماه ربیع المولود سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو ، چنان که در «تاریخ سرتیپ» نوشته - مطابق اواسط دلو ماه شمسی - وفات کرد و در نزد اعمام خود فرهنگ و یزدانی دفن شد . و در «گلشن وصال» در سنه ۱۳۳۶ گفته . و او دختر عمش میرزا ابوالقاسم فرهنگ را تزویج نموده و از او یک دختر و سه پسر آورده بنام میرزا احمد ناصر (با ناصری) (۱۲۹۹) و میرزا اسمعیل متولد در ۵ شنبه ۱۴ ج ۲ سنه ۱۳۰۴ و میرزا موسی متولد در سنه ۱۳۰۷ که هر یک از اهل علم و ادب و در ادارات دولتی شغلی دارند ، و میرزا اسمعیل از دختر عم خود عشرت دو پسر بنام عیسی و محمود دارد .

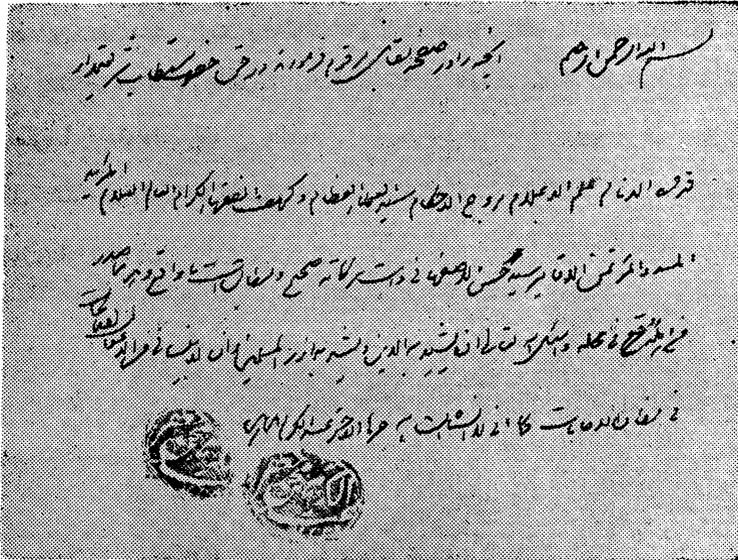
❀ (۱۳۳۰ - تولد مرحوم حاجی شیخ عبدالکریم یزدی) ❀

❀ (اعلی الله مقامه) ❀

وی فرزند مرحوم محمد جعفر و خود از بزرگان علما و فقهاء شیعه بود ، و در اواخر عمرش ریاست عامه این فرقه بوی مرجوع شد و در شهر قم با شهرت و اهمیتی بسزا بتدریس و سرپرستی طلاب علوم شرعیه می پرداخت . و او در این سال - چنانکه در «آینه دانشوران ۵:» نوشته - در قریه مهرجرد که ده فرسنگی یزد و از توابع قصبه میبداست متولد شده ، و بطوری که در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۹۴» گفته علوم مقدماتی را در یزد تحصیل نموده ، و پس از آن بعقبات رفت و آنجا در نزد حاج میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا ابراهیم محلاتی و حاج شیخ فضل الله شهید و آخوند خراسانی و سید محمد فنارکی و سید محمد کاظم یزدی درس خواند و از حاجی نوری اجازت روایت گرفت ، و پس از تحصیلات درسامره و نجف

درسنہ ۱۳۲۴ درحائر طہر سکونت نمود ، ودرسنہ ۱۳۳۲ بشہر سلطان آباد عراق عجم آمد  
 واز این رو بکلمات ( یزدی ، حائری ، عراقی ) شہرت گرفت ، وآخر درسنہ ۱۳۴۰ بقم آمد  
 وتا آخر عمر درآن جا ساکن وبا محبوبیت ومطوبوعیتی ہرچہ تمام تر در انظار ملت ودولت  
 خصوصاً بادشاہ وقت چندین سال درآن جا بسر برد . واورا تألیفات چندی است از آن جملہ:  
 اول کتاب «دررالفوائد» دراصول فقہ از مباحث الفاظ تا تعادل وتراجیح : دوم «کتابی در  
 نماز» بطور استدلال .





خط و مهر صاحب ترجمه (ره) در خصوص گواهی اجتهاد  
مرحوم آیة الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴)

و آخر در نیمه شب شنبه هفدهم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج - مطابق ۱۰ بهمن ماه باستانی - هم در آن شهر شریف وفات کرده و در مسجد بالاسر حرم مطهر دفن شد ، و در قاطبه شهرهای شیعه عزا داری کامل برایش پیاداشتند (۱) .

(۱) در نسخه ثنی که بعد ، از این کتاب نوشته میشود رجوع شود بکتاب «نقا : ش ۱۶۹۲» و مفصلا نوشته شود . یادداشت مؤلف .

مع الاسف مرحوم معلم موفق با افزودن مطالب «نقباء البشر» باین شرح حال نشد و فعلا همین توضیح کافی بنظر می رسد . راقم این سطور نیز شمه ثنی از احوال آیة الله حائری (اعلی الله مقامه) را در کتاب «زندگانی آیة الله چهارسوقی : ۶۰» نگاشته است . و دو نفر فرزندان ذکور آن مرحوم اول آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری از مجتهدان و محققان و مراجع مسلم حوزه علمیه قم و از اساتید قدیم این جانب در «کنایه» و «مکاسب» و دوم علامه مفصال الحاج آقا مهدی حائری که از بزرگان علما و مدرسین بشمارند . ادام الله تعالی بقائهما م .

و نخستین زوجه او دختر حاجی شیخ عبدالحسین یزدی است (۱۳۴۵)، و از او دختری داشت که زوجه شیخ محمد تویسرکانی گردید. و نیز دو پسر بنام آقا مهر ترضی که از علما و محصلین قم بشمار آید و آقا مهدی از صاحب عنوان بازمانند. و نواده دختریش آقا احمد غروی فرزند شیخ محمد مرقوم نیز از محصلین آن مکان مقدس است.

### ﴿﴿ ۱۳۳۱ - تولد شیخ عبدالمجید همدانی ، ره ﴾﴾

وی فرزند عبدالوهاب و عالمی ورع و فقیهی کامل بوده ، و همانا در این سال (چنان که در «نقباء البشر: ۱۲۲۴ ش ۱۷۵۵» فرموده) متولد شده ، و علوم مقدماتی را در نزد چندین نفر از اهل فضل تحصیل نموده ، در حدود ۱۲۹۸ بعراق عرب رفت ، و سالی چند در کر بلاماند و آنجا بمحاضر دروس فاضل اردکانی و حاج شیخ زین العابدین مازندرانی رفت ، و بعد از وفات آنها بنجف مشرف شد و در نزد حاج میرزا حسین خلیلی و دیگران درس خواند ، و در سنه هزار و سیصد و شانزده بامر این استاد راد بهمدان برگشت و بوظائف شرعی پرداخت ، و در سنه ۱۳۲۶ که آن جناب وفات کرد باز زیارت مشرف شده و بهمدان برگشت و بخدمات دینی پرداخت ، و هم در سنه ۱۳۳۸ زیارت آمده و بازگشت . و این بزرگوار از عباد اوتاد و برجانبی عظیم از تقوی و عبادت و صلاح بوده ، و از استاد خلیلی خویش علاوه بر مراتب علمی در بعضی از مقامات عملی فیض یاب گردیده چندان که بعضی از کرامات و قضایا و ملاقات حضرت حجت (علیه السلام) را بوی نسبت داده اند ، چنان که مؤلف «نقبا» می فرماید : چون مرا با وی علاقه دوستی و برادری بود وقتی از وی خواهش کردم که چیزی از آنها را برای من بگوید ، وی فرمود در سنه ۱۲۹۹ من از کاظمین پیاده زیارت عسکرین روانه شدم و چون نیم فرسنگ از خان مشاهده که کنون نیز موجود و ایستگاه قطار است گذشتم ، سخت از پیادگی و تشنگی بزحمت افتادم و از قافله عقب مانده و راه را گم کردم و ترسی تمام در خود یافته و بآئمه (علیهم السلام) برای نجات از آن متوسل شدم که ناگهان دو نفر پیدا شده و از آبی

که همراه داشتند بمن دادند و اندکی با من آمدند که بقریه نمی رسیدم و پرسیدم اینجا کجاست؟ گفتند دجیل است ، و ملتفت شدم که آنها با من نیستند و اثری از آنها نیامد و افاغله پرسیدم ، گفتند هنوز نیامده و من باندیشه و انتظار فرورفتم تا پس از پنج ساعت قافله رسید !

و هم در «نقبا» فرموده که او برای من نقل کرد که در سنه ۱۳۲۶ من چهل روز «دعاء سیفی» را با اجازت از استاد خلیلی خود که وی را از برکت آن حکایات و حوادثی است میخواندم و روز چهلم بمسجد سهله رفتم و بعد از غروب چنین دیدم که گویا آقای سید محمد کاظم یزدی بنماز جماعت ایستاده و من بوی اقتدا کردم و بعد از نماز پیاده با وی بمسجد کوفه رفتم و در راه با او در برخی از امور گفتگومی کردم تا از هم جدا شدیم و من شب رادر کوفه ماندم و صبح بنجف آمدم و پرسیدم که سید یزدی دیشب در کوفه مانده یا بنجف برگشته ، گفتند وی چند روزی است که بیمار و بستری است و از منزل بیرون نیامده ! پس من دانستم که سیدی را که من دیده ام سید یزدی نبوده و شاید حضرت حجت (علیه السلام) بوده . و بالاخره ، در «نقبا» نوشته که وی سالها در مشهد رضوی (ع) مجاور بود تا وفات کرد و همواره بعبثت عالیات می آمد و مدتها می ماند . و چندین کتاب تألیف کرده ، از آن جمله : اول کتاب «مختصر الاحکام» در تکالیف انام . دویم کتاب «مجالس المواعظ» که چهل مجلس است ، و غیر آنها . و وی را اطلاعی نام بر احوال علما و بعضی از وقایع تاریخی بود و تراجم بسیاری از علما را که دیده بود برای من نقل فرمود ، از آن جمله شیخ میرزا علی اکبر دبیر همدانی که از رفقاء وی بود ، و من آنچه از تواریخ دبیر مذکور و تصانیف کثیره او در مجلدات «الذریعه» هریک را بجای خود نوشته ام همه از نقل او است و خود دبیر را ندیده ام (۱).

و هم آنجا دارد که وی در سنه ۱۳۴۶ هزار و سیصد و چهل و شش وفات کرد ، و از زوجه اولیه اش فرزندی بنام شیخ علی صراف داشت که بقتل رسید و از دویمی حسین را داشت و کوچک تر فرزندان او حسن عشاق بود . **انتهی مافی النقباء** و بنا بر آن مدت عمر او هفتاد سال بوده .

(۱) شرح حال دبیر شماره ۱۱۹۹ درص ۱۹۶۱ گذشت م.

﴿ ۱۳۳۲ - تولد مرحوم حاج شیخ علی کر بلائی ، ره ﴾

وی فرزند مرحوم حاجی شیخ زین العابدین مازندرانی است که در (۱۲۲۷ ۳ ج ش گذشت . ۳۸۴)

مرحوم حاج شیخ علی از علما و فقها و معرف به شیخ العراقین بود و در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : کتاب «انصافیه» در اصول دین . و در پنج شنبه بیست و پنجم ماه شوال المکرم سنه ۱۳۴۵ هـ از اوسصد و چهل و پنج ، چنان که در «تاریخ سرتیب» است - مطابق ۷ اردی بهشتماه باستانی- در کربلا وفات کرد ، و در «احسن الودیع» نیز وفات او را بدون تعیین ماه و روز در این سال نوشته ، لکن در «الذریعه» در سنه ۱۳۴۶ فرموده .  
و او را فرزندان یی بوده : یکی میرزا رضاء تجدد که در (۱۳۰۶) بیاید .

و دیگر که کوچک تر است میرزا زین العابدین رهنما که از رجال ادبی و سیاسی عصر حاضر است و چنان که در «رجال مازندران : ۴۳» نوشته در ۲۲ سالگی تحصیلات خود را در فلسفه و عرفان و ادبیات و شرعیات پایان رسانید ، و در ۲۷ سالگی دختر عم خود حاجی شیخ عبدالله (۱۲۸۴) را تزویج کرد ، و در (۱۳۳۶-۱۳۳۷) «مجله رهنما» را تأسیس و پس از یکسال آنرا بشکل روزنامه درآورد ، و همان سال عضو دارالتألیف و ترجمه وزارت فرهنگ شد .  
و در (۱۳۳۸-۱۳۳۹) مدیر «روزنامه ایران» شد ، و در (۱۳۴۲-۱۳۴۳) بارو پا رفت . و در دوره ششم و مابعد ها سه دوره وکیل مجلس شد ، و در (۱۳۴۵-۱۳۴۶) وزیر راه و بعد وزیر کشور شد ، و در (۱۳۶۲-۱۳۶۳) معاون پارلمانی نخست وزیر شد ، و در (۱۳۶۳-۱۳۶۴) وزیر مختار ایران در فرانسه شد ، و در (۱۳۶۵-۱۳۶۶) وزیر مختار ایران در سوریه و لبنان شد .  
و وی چندین کتاب تألیف کرده : اول «شرح احوال مولوی» . دویم کتاب «پیامبر» . سیم کتاب «ژاله» . و از دختر عمش پنج فرزند دارد : اول حمید رهنما که مدیر فعلی «روزنامه

ایران در طهران است. دویم آذر که در علوم تربیتی لیسانس خود را گرفته. سیم دکتر مجید رهنما که در بیروت است. چهارم فریدون که در پاریس تحصیل میکند. پنجم فریده که در بیروت نزد پدر خود میباشد، آنتهی.

### †† (۱۳۳۳- تولد سید علی امین عاملی) ††

وی بطوری که در «نقباء البشر ۴: ۱۵۳۹ ش ۲۰۵۳» نوشته، فرزند سید محمود بن سید علی بن سید محمد الملقب بالامین بن سید ابوالحسن موسی حسینی شقرائی عاملی، و خود عالمی کبیر و ققیهی زعیم و ادیبی بارع بوده، و همانا در این سال در قریه شقراى جبل عامل از دختر شیخ علی شمس الدین متولد شده و علوم اولیه را در همانجا و حنویه فرا گرفته، آنگاه در حدود ۱۲۹۰ بقراب هجرت کرد و سطوح فقه و اصول را در نزد شیخ احمد بن شیخ عبدالحسین جواهری و شیخ محمود ذهب و غیر آنها خواند، سپس بمجالس دروس شیخ محمد حسین کاظمینی و میرزای رشتی و شیخ محمد طه نجف و آخوند خراسانی و حاجی آقا رضاء همدانی و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل حاضر شد، و سالها در جوار جد خود بسر برد و رجال فقه و اصول همی از فیوضاتش استفاضه می کردند، تا اینکه اجتهادش مورد تصدیق بعضی از مشایخش قرار گرفت، و از میرزای شیرازی بدریافت اجازه نائل گردید، و در نجف چندین نفر از افاضل جبل عامل و غیره در نزد او درس خواندند، و در حدود ۱۳۱۰ بیلاذ خود برگشته و بو وظائف شرعیه پرداخت و ریاستی مهم و مکانی عالی بهم رسانید، و در شقرا مدرسه اجداد خود را تجدید بنا نمود و آنرا مدرسه علوییه نامید، و از اطراف بلاد طلاب بدان هجوم آوردند. و بالاخره عمر خود را بتدریس و قضا و ارشاد بسر آورد، تا آخر در شب شنبه یازدهم ماه شوال المنکرم سنه هزار و سیصد و بیست و هشت - مطابق (...)) عقرب ماه برجی - وفات کرد و در مقبره جدش سید ابوالحسن در شقرا دفن شد و روز وفاتش روزی مشهود بود و بسیاری از شعرا برای وی مرثیه ها گفتند، چنانکه خود نیز اشعار بسیاری دارد از آن جمله قصیده ئی در

«رد قصیده بغدادیه» که ناظم آن در آنجا وجود حضرت حجة (عجل الله تعالی فرجه) را انکار نموده . و مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین وی را بمناسبت اینکه سید هاشم شرف الدین شاگرد او بوده ذکر نموده .

### ❖ (۱۳۳۴- تولد میرزا غلامرضا خان مصدق السلطان تفضلی) ❖

وی از اهل علم و ادب و عرفان و اصلاً از مردم یکی از دیهات شاهرود بود ، و در اینسال چنان که در «نایفه علم و عرفان : ۳۶۱» فرموده متولد شده ، و در سنه ۱۲۹۹ در گناباد بخدمت حاج ملاسلطان علی رسیده و بعد از آن در مشهد مقدس متوطن و با دارة گمرک در آمد و همواره بخدمت گذاری ققرا بسر می آورد ، و سفرها بگناباد رفت و آمد نمود .

و آخر در روز دوشنبه بیست و نهم ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۹ هـ از اوسبند و پنجاه و نه - مطابق ۷ بهمنماه باستانی - وفات کرده و در جوار حضرت رضا (ع) دفن شد . و در «شمس التواریخ : ۱۰۷» وی را با عنوانی مخصوص ذکر کرده . و در «نایفه» وفات او را در ۲ شنبه ۲۹ ذی الحجة مذکوره - مطابق ۷ دی ماه - نوشته ، و آن بشهادت تقویم موجود آن سال غلط است ، و نشاید گفت شمسی آن درست و قمری غلط است زیرا که در روزنامه های آن ایام اعلان مجلس فاتحه او را در محرم سنه ۱۳۶۰ نوشته اند ، و بهمن نظر در «تاریخ نائین ۴ : ۱۳۹» وفات او را بدون ماه و روز در سنه ۱۳۶۰ نوشته ، و آن غلط و مبنی بر تقریب است ، و در «تذکره العارفين : ۱۲۴» مخصوصاً در ۲۹ بهمن بدون ماه و روز قمری فرموده .

و بهر حال ، بطوری که در «تاریخ نائین» بعد از ذکر وفات او نوشته وی نه نفر پسر و دختر داشته بدین شرح :

اول صادق خان . دوم جهانگیر خان معاون بانک صنعتی . سیم تقی خسان

معاون سابق کتابخانه مجلس. چهارم. محمودخان عضووزارت فرهنگ. پنجم ابوالقاسم خان قاضی دادگستری. ششم همسراحمد فریدونی معاون سابق وزارت کشور. هفتم همسر سید صدرالدین بلاغی برادر مؤلف (۱۲۸۸). هشتم همسر غلامعلی خان محمودی رئیس دارائی مشهد. نهم همسر حسین درمان تاجر داروجات، انتهى.

ودر «نابغه» فرزند اول (صادق) را بقلب موفق السلطان نوشته. و فرزند دویم (جهانگیرخان) بطوری که در «نامه سخنوران: ۶۵» نوشته شاعری است دارای احساساتی لطیف و بیاناتی شیرین و این چند فرد شعر را از او آورده:

کشیده‌ام که بوده شهی آنچنان مریض	کاورا دوی هیچ طبیی ثمر نداشت
ازبخت خویش بود ملک در ملال وغم	آه ملک بچرخ ستمگر اثر نداشت
ناچار کرد قصد سفر با دلی حزین	بر درد خویش چاره بغیر از سفر نداشت
در راه، چشم شاه بدرویشی افتاد	بگرفته راه خویش و بسطان نظر نداشت
فرمود شاه تا که شود حاضر حضور	آنکو نظر بشاه و کلاه و کمر نداشت
پرسید راه چاره ز درویش پادشاه	در سر بغیر چاره خیالی دیگر نداشت
گفتا بپوش پرهنی را که صاحبش	از درد ورنج فارغ و شوری بسر نداشت
کردند جستجو همه شهر و نبود هیچ	مردی که از جفای فلک چشم تر نداشت
بی غصه کس نبود چو گشتند درجهان	وین مادر زمانه چنان یک پسر نداشت
دیدند لاجرم به بیابان کسی که بود	فارغ زغصه و زغم اصلا خبر نداشت

می خواستند پیرهنش نزد شه برند

بود از قضا برهنه و چیزی بپیر نداشت!

ومیرزا احمد خان فریدونی شوهرششم از معاریف عرفاء زمان و رجال دولتی ایران است. در «نابغه: ۳۴۵» شرحی درباره وی نوشته بخلاصه اینکه: وی برادر مادری

مرحوم میرزا حسینعلی موقت السلطان واصلا شیرازی است ولسی در طهران سکونت دارد .  
درج ۲ سنه ۱۳۰۱ متولد شده وبا آنکه سالها در رأس وزارت کشور قرار گرفته و دفعاتی هم  
کفالت آنرا داشته از تواضع و فروتنی با فقرا فروگذار نکرده و سه پسر دارد بنامهای فریدون  
خان و اسفندیارخان و بهر وزخان ، انتهی .

### ❦ (۱۳۳۵- وفات شیخ قاسم ، هر حائری) ❦

وی فرزند محمد علی حائری و خود از شعرا بوده و در اینسال وفات نموده چنان که  
در «مجالى اللطف» نوشته (۱) .

### ❦ (وفات سید محمد سنوسى صوفى) ❦

شرح احوال او در (۱۲۰۴ ج ۱ ش ۹۶) گذشت .

### ❦ (۱۳۳۶- وفات حاج میرزا محمد تقی ۳۳ قاضی تبریزی) ❦

وی فرزند میرزا باقر ۳۲ بن میرزا محمد تقی ۳۱ قاضی طباطبائی است . میرزا محمد  
تقی ۳۱ در (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۸۹) گذشت .

(۱) ظاهراً شیخ جعفر که در (ش ۱۲۴۵ ص ۲۰۲۲) گذشت از منسوبین صاحب

عنوان بوده م.

فرزندش میرزا باقر ۳۲ بطوری که در «شجره نامه سادات وهابی ها : ۲۳» نوشته در سنه ۱۲۶۵ متولد شده و در سنه ۱۲۶۲ پس از ۲۷ سال عمر وفات کرده و در (ص ۲۰) دو نفر فرزند از او آورده ، یکی حاج میرزا یوسف آقا ۳۳ (۱۲۸۹) و دیگر حاج میرزا محمد تقی ۳۳ صاحب این عنوان که از علما و فقها بوده و در نزد شیخ انصاری در سن خوانده و «حاشیه‌تی بر قوانین» نوشته که مبحث مفهوم و منطوق آن در سنه ۱۲۷۰ و اجماع آن در سنه ۱۲۷۱ بیرون آمده و برخی از آن در سنه ۱۳۱۹ در حاشیه «قوانین» چاپ خورده و نسخه خطی آن نزد میرزا باقر قاضی از علماء معاصر در تبریز است .

و بالاخره میرزا محمد تقی در این سال در موقعی که از حج برمی گشته در راه جبل وفات کرد و نعش او را بنجف آوردند ، چنان که در «الذریعه ۶: ش ۹۵۱» فرموده . و در «شجره نامه سادات وهابی ها : ۳۴» نوشته که او در سنه ۱۲۷۰ سفر حج رفته و در مراجعت وفات کرده که ظاهرش چنان مینماید که وفات او در سنه ۱۲۷۱ باشد ، لیکن ماقول «الذریعه» را اصح دانستیم ، و در (ص ۲۰) که شجره آنان را ذکر کرده فرزندش برای او نبیاورده .

### ۱۳۳۷- تولد سید محمد جعفر ۲۶ موسوی جزائری (۱۳۳۷)

وی فرزند حاجی سید عبدالصمد ۲۵ شوشتری است که در (۱۳۳۷) بیاید، و خود عالمی ادیب و روح تقی بوده ، و همانا در این سال (چنان که در «تقاعالبشر: ۲۹۱ ش ۶۰۸» فرموده) متولد شده ، چنان که مرحوم وفائی شاعر شوشتری تاریخ آن را ضبط کرده . وی علوم اولیه را در نزد پدر خود خوانده و هم در نزد دیگران از علما و فضلا تحصیل نموده تا در علم و ادب براعتی بهم رسانید و از سید محمد کاظم یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی و شیخ محمد طاهر دزفولی و غیر آنها باجازهت روایت سرافراز گردید ، و در حسن انشا و بیانات منبری و وعظ و عطاء به مهارتی تمام داشت و همواره در ترویج دین و هدایت مؤمنین و نشر احکام و دعوت به مراسم اسلام روزمی گذاشت ، و کتابی بنام «نجات‌العقبات» از بیانات و مواعظ خود که در دهه مجرم

وماه رمضان وغیره بر منبری گفته تألیف نمود. و آخر در شب چهارشنبه بیستم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه - مطابق ۸ دی ماه باستانی - وفات کرد. و در «نقبا» فرماید که شیخ محمد سماوی که وفات وی را در سنه ۱۳۵۲ نوشته و بر طبق آن تاریخی سروده اشتباه است ، انتهى .

و فرزندانش سید احمد و سید نعمت الله در (۱۳۰۷ و ۱۳۲۶) بیایند .

### ۱۳۳۸- وفات میرزا محمد مهدی ۳۸ تحویلدار مشهدی

وی فرزند میرزا هادی ۳۷ تحویلدار ابن میرزا مهدی ۳۶ صاحب جمع ابن میرزا محمد ۳۵ ناظر مشهدی است . میرزا محمد ناظر در (۱۲۵۰ ج ۴ ش ۷۵۳) گذشت . فرزندش میرزا محمد مهدی ۳۶ در زمان شاهرخ افشار صاحب جمع آستان قدس بوده . فرزندش میرزا هادی ۳۷ هم در زمان ابن شاهزاده تحویلدار آن عتبه علیه بوده .

فرزندش میرزا محمد مهدی ۳۸ صاحب عنوان از معاریف و اعیان مشهد در عصر خود بوده و در این سال وفات نموده و در گنبد حاتم خان دفن شد . سه پسر از او بازماند : اول میرزا عبدالجواد ۳۹ مشرف روشنائی که در سنه ۱۳۱۲ وفات کرده ، و فرزندش میرزا هدایت ۴۰ مشرف در سنه ۱۳۳۳ وفات کرده و برخی از اولاد و احفاد ایشان هنوز زنده اند . دویم میرزا طاهر ۳۹ که صاحب صنایع غریبه بوده . سیم میرزا هادی ۳۹ که در (۱۳۳۳) بیاید .

## ﴿ (۱۳۳۹- وفات میرزا نصرالله منجم مراغه‌ئی) ﴾

وی فرزند آقا محمد رضا بن آقا ابوالحسن بن شیخ میرزا بابا بن حاج باباخان بن قاضی جهان بن آقاپیک بن قاضی عبدالله بن قاضی علاءالدوله بن قاضی شرف‌الدین بن خواجه شمس‌الدین بن شیخ محیی‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن محمد بن محمد بن محمد از نژاد حاتم ۳۵ طائی جواد سخی معروف است .

ونژاد حاتم ۳۵ طائی را چنین نوشته‌اند که وی : ابوسفانۀ ۳۵ بن عبدالله ۳۴ بن سعد ۳۳ بن حشرج ۳۲ بن امری‌القیس ۳۱ بن عدی ۳۰ بن اخزم ۲۹ بن ابو اخزم هرمة ۲۸ بن ریمۀ ۲۷ بن جرول بن ثعلبة ۲۵ بن عمرو ۲۴ بن غوث ۲۳ بن طی‌جلهمة ۲۲ بن ادد ۲۱ است که در (۱۲۰۵ ج ۱ ش ۱۱۱) گذشت و آنجا شماره اش ۲۴ بود . وفاتش سنه ۸ قبرش در کوه عوارض قبیله طی ، چنانکه در «مجله الهلال : س ۰۸ ج ۰۱ ص ۰۷» نوشته .

و شیخ محیی‌الدین ابوبکر محمد معروف به ابن عربی (بصیغه مفرد ، نه اعرابی وبدون الف ولام ، نه الاعرابی یا العربی) ، از اجله علماء اسلام و در حکمت و تصوف و عرفان و تفسیر در بین مسلمین مقامی معروف دارد و کتب نفیسه چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «الفتوحات المکیه» در معرفت اسرار مالکیه و ملکیه ، انجام تألیف باب ۵۵۹ آن صفر سنه ۶۲۹ ، انجام تألیف جلد آخر بامداد روز ۴ شنبه ۲۴ ع ۱ سنه ۶۳۶ ، و مشهور این که وی از نژاد حاتم طائی معروف مذکور است ، و او از اهل شهر اشبیلیه مملکت اسپانیای اروپا است و از این جهت وی را محیی‌الدین مغربی گویند . تولدش شب ۲ شنبه ۱۷ ماه رمضان سنه ۵۶۰ مدت عمرش ۷۷ سال و ۶ ماه و ۶ روز ، وفاتش شب آدینه ۲۲ ع ۱ سنه ۶۳۸ قبرش در دامنه کوه قاسیون در صالحیه دمشق .

فرزندش خواجه شمس‌الدین را مرحوم خواجه نصیرالدین محقق طوسی برای بستن رصد بمرآه آورد و او آنجا مانده و تا کنون اعقابش در آذربایجان باقی هستند .

ومیرزا نصرالله صاحب عنوان از مردم مراغه و چنان که در «المآثر» فرموده: در علم تنجیم بمقامی عظیم رسیده و در فنون ریاضیه بالکلیه درجه بلند داشت و در اواخر سلطنت فتحعلیشاه منجم باشی خاص شد و بتدریج از اعیان عهد خود گردیده و تبول لایق و مرسوم قابل بهم رسانید، و در این سال وفات کرده و اولادی محصل علوم برجای گذاشت، انتهی،  
 لکن نژاد او را که تا محیی الدین بدین طریق آورده چندین نفر از میزان مرسوم کمتر و ظاهراً قدری افتاده دارد.

شمسی	سنه ۱۲۳۹	مطابق	قمری	سنه ۱۲۷۷
				آدینه غره محرم الحرام
	(...)			اسد ماه برجی

### § (۱۳۴۰- تولد میرزا محمد صادق خان ۴۱ ادیب الممالک فراهانی)

وی فرزند حاجی میرزا حسین ۴۰ بن میرزا محمد صادق ۳۹ شاعر فراهانی است.  
 میرزا محمد صادق در (۱۲۸۹) بیاید. فرزندش حاجی میرزا حسین ۴۰ از دختر عم پدرش میرزا ابوالقاسم قائم مقام بوجود آمده، وفاتش غره شوال سنه ۱۲۹۱ و او دختر عمه اش را که دختر ۴۰ پسر ۳۹ میرزا حسن ۳۸ بن میرزا عیسی ۳۷ (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۵۱۴) باشد بزنی گرفته و از او چهار پسر ۴۱ و دو دختر ۴۱ آورده، که یکی از دخترانش فاطمه خانم ۴۱ شاعره شاهین تخلص (۱۲۸۱) و سیمین پسرانش میرزا محمد صادق خان ۴۱ صاحب این عنوان است که کنیه اش ابو عیسی و تخلصش در شعر امیری و لقبش ادیب الممالک بود.

میرزا محمد صادق خان از اجله و عظماء شعرا و ادبا و رجال نامبردارایسن عصر بود ، بلکه با اعتقاد کثیری از اهل ادب و سخن نخستین شاعر عهد اخیر و بر کافه معاصرین خود در نظم و نثر برتری داشت . او در دوازده دقیقه پیش از طلوع آفتاب روز پنج شنبه چهاردهم ماه محرم الحرام این سال - مطابق (... ) اسد ماه برجی - در قریه کازران بلوک شراه شهر سلطان آباد عراق که اختصاصی مادرش بوده متولد شده و از نخست لقب **امیر الشعر** یافته و از این جهت تخلص خود را که **پروانه** بود در سنه ۱۳۰۸ **امیری** نهاد ، و از آن پس در سنه ۱۳۱۴ از طرف مظفرالدین شاه لقب **ادیب الممالک** یافت ، و چندین کتاب بنظم و نثر تألیف کرده که از همه مشهورتر «دیوان اشعار» او است . و پس از مدت پنجاه و هشت سال و سه ماه قمری و چهارده روز و عمر در روز چهارشنبه بیست و هشتم ماه ربیع الاخر سنه ۱۳۳۵ هزار و سیصد و سی و پنج - مطابق ۳ حوت ماه برجی - وفات کرد و در شاه عبدالعظیم (ع) در صحن مرحوم آقا سید صادق طباطبائی در حجره میرزا ابوالحسن خان قائم مقامی دفن شد . و وی را فرزندی بنام **میرزا عیسی** ۴۲ بوده که در سنه ۱۳۰۸ بده سالگی وفات کرده و غیر از او فرزندان دیگری نیز داشته که همه پیش از خودش وفات کردند و خود در حین وفات بلا عقب در گذشت (۱).

### ﴿۱۳۴۱- وفات سید جعفر طالقانی نجفی﴾

وی فرزند سید علی بن سید حسین بن سید حسن میر حکیم حسینی و خود از مشاهیر عصر خویش در علم و ادب بوده که در سنه ۱۲۰۳ - چنانکه در «الکرام البرره : ۲۶۵ ش ۵۲۳» فرموده - در نجف متولد شده و هم در آنجا نزد پدر خود و آقا سید محمد کربلائی و شریف العلماء و غیره درس خوانده و **حافظ «قرآن مجید»** بوده و همواره نماز جماعت را در صحن شریف پیاپی داشته ، تا آخر هم در آن شهر شریف در عصر سه شنبه پنجم ماه ربیع الاول این سال هزار

(۱) برای مأخذ فراوان امیری رجوع به «فرهنگ سخنوران : ۶۱» شود . م .

ودویست و هفتاد و هفت - مطابق (اسد - سنبله) ماه برجی - هم در نجف وفات کرده و در صحن شریف در مقبره خانوادگی خودشان دفن شد و سه فرزند بنام سید موسی و سید محمد و سید علی برجا نهاد .

### ۱۳۴۲- تولد سید محمد حسن ۳۶ سه دهی اصفهانی ، (ره)

وی فرزند سید محمد علی ۳۵ بن سید حسنعلی ۳۴ بن سید محمد ۳۳ بن سید محمد رضا ۳۲ بن سید محمد علی ۳۱ بن سید مهدی ۳۰ بن سید تراب ۲۹ بن سید کاظم ۲۸ بن سید هدایه الله ۲۷ بن سید مهدی ۲۶ بن سید ابراهیم ۲۵ بن سید زین العابدین ۲۴ موسوی است .

سید زین العابدین ۲۴ در (۱۲۱۰ ج ۲ ص ۳۷۳) بشماره ۲۳ اشتباهاً گذشت ، و چیزی که باید آنجا نوشته شود و برای ضیق مکان نوشته نشد اینکه درباره سید عیسی ۱۲ در ورقه ثی که اینک ذکر میشود و آنرا سید محمد علی پدر صاحب عنوان ترتیب داده نوشته که وی در موضع تمام از توابع الکاء بورجان از توابع لرستان بختیاری دفن است ، و غیر از سید ابراهیم فرزندان دیگری از پسر و دختر هم داشته که از پسران یکی سید علی ۱۳ الاحول است که در زرارجان معروف بزارجان نزدیک سه ده دفن است . و این سید زین العابدین راماپس از نوشتن شماره (۲۴) درست دانستیم .

و سید حسنعلی ۳۴ ورقه ثی ترتیب داده و در آن نسب خود را تا بامام نوشته و جمعی از علماء آن عصر شهادت بر صحت آن نوشته اند و او دو پسر داشته : یکی سید محمد باقر ۳۵ (۱۳۲۴) و دیگر سید محمد علی ۳۵ پدر صاحب عنوان که او هم ورقه دیگری ترتیب داده و نسب خود را در آن تا بامام نوشته و جمعی از علماء شهادت بر صحت آن داده اند ، و این دو ورقه در نزد سید محمد مهدی ۳۷ (۱۳۱۴) فرزند صاحب عنوان بنظر رسید .

وسید محمد حسن صاحب عنوان از علما و فقها بوده و چنان که فرزندش سید محمد مهدی ۳۷ مذکور در ورقه ثی که نزد خود اودیده شد غیر از دو وزقه شجره نوشته ، در بیست و ششم ماه جمادی الاولی این سال - مطابق (... ) قوس ماه برجی - متولد شده و در نزد مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی و آقا میرزا حسن میرزا ابراهیم و جهانگیرخان و آقا سید محمد باقر درجه ثی درس خوانده و چندین کتاب تألیف کرده بدین شرح : اول « رساله اجتماع امر و نهی » . دوم « رساله استصحاب » . سیم « رساله اشتراط استصحاب بقاء موضوع » . چهارم « رساله تمیز مشترکات و حال ابو بصیر » . پنجم « رساله حجیت بینة و فروع آن » . ششم « رساله الرهن » . هفتم « رساله صلح » . هشتم « رساله صلح حق الرجوع » . نهم « رساله ظن » . دهم « رساله فرق بین حیثیت تعلیلیه و تقییدیه » . یازدهم « رساله در قضا » . دوازدهم « مجموعه ثی در وعظ و حدیث » . و در ماه صفر المظفر سنه ۱۳۲۹ هـ از روسیصد و بیست و نه - مطابق ( دلو - حوت ) ماه برجی - وفات نموده و عظامش را بنجف اشرف نقل کردند .

### وفات قلندر شاه ، عارف ونکی ( ۱۳۴۳ - )

قلندر شاه از قراری که در « المآثر » نوشته از مشاهیر صوفیه بوده و در قریه ونک شمیران تهران سکونت داشته و در نیمه ماه جمادی این سال - مطابق ( قوس - جدی ) ماه برجی - وفات کرد و در همان قریه دفن شد و مرحوم میرزا یوسف آشتیانی صدراعظم بر قبری عمارت و بنائی ساخت و خود هم پس از فوت در کنار آن آسود ، و این اشعار را در « طرائق » از روی قبر او نقل کرده که مدرک ما در تاریخ فوت او است :

چون شنید این ندا ز عالم قدس	مژده حور و منظر دلخواه
هفت و هفتاد از هزار و دو بیست	رفته در نیمه جمادی ماه
مرغ روحش فرو شکست قفس	کرد پرواز در بهشت اله

### ❖ (۱۳۴۴) - تولد ثقة الاسلام تبریزی (ره) ❖

وی میرزا علی آقا ابن حاجی میرزا موسی ثقة الاسلام است که در سال ( ۱۲۵۸ هـ ج ۹۴۳ ) گذشت ، و خود از علما و فقهاء معروف آذربایجان بوده و شعر هم می گفته ، و شرح احوالش در «ریحانة الادب ۱: ۲۳۶» و «نقا: ۱۵۴۶» و بعضی از مواضع دیگر نوشته ، و از آنها چنین برآید که : او در شب آدینه ششم (یا هفتم) ماه رجب الفرد این سال - مطابق (جدی- دلو) ماه برجی- در تبریز متولد شده و بجای پدر و جد رئیس شیخیه تبریز گردیده ، و کتب چندی تألیف کرده ، از آن جمله : اول کتاب «ایضاح الانباء» در تعیین مولد خاتم الانبیاء ، انجام تألیف آن ماه رمضان سنه ۱۳۲۹ (۱) . دویم کتاب «لالان» که در آن از سیاست و اجتماعیات بحث نموده و خاتمه کار خود و آذربایجان را خبر داده (۲) . سیم

(۱) از رساله «ایضاح الانباء فی تعیین مولد خاتم الانبیاء و مقتل سید الشهداء» که ظاهراً آخرین تألیف صاحب عنوان و گواه صادقی بر کمال تبحر علمی اوست ۱۶ صفحه بقطع رقعی بسال ۱۳۳۰ در مطبعه امید تبریز (و بنا بشرح مندرج درص ۸۰ آن) در آخرین روزهای حیات خود مؤلف (دهه عاشورا) بطبع رسیده و پس از گذشتن ۲۲ سال میرزا محمد آقای ثقة الاسلام همت در اتمام طبع آن نموده و بقیه را (تا ۷۹ صفحه) در مطبعه حقیقت تبریز بچاپ رسانیده و مقدمه ئی طی ۲۴ صفحه پیرامون شرح حال مؤلف و خاندانش نیز بدان ملحق و تصویر آن مرحوم را هم در آخر مقدمه چاپ کرده است . آقای مشار در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۴۹۱ و ۴۲۰» که شرح حال ثقة الاسلام را بنقل از تربیت و قزوینی آورده و هم در «فهرست کتابهای چاپی ۱: ۶۲۸» حسب المعمول دچار اشتباه شده و سه نوع چاپ برای کتاب ایضاح نوشته اند . م.

(۲) این کتاب در حرف لام «الذریعه ۱۸: ۲۶۸» و «فهرست مشار: ۲: ۲۵۹۷» بعنوان «رساله لالان» معرفی شده و گفته اند که در استانبول بسال ۱۳۲۶ ق و بقول مشار طی ۷۲ ←

«ترجمه کتاب بث الشکوی» عبدالجبارعتبی است که آن قسمت سیم از «تاریخ یمنی» است که تا آن زمان ترجمه نشده بوده و این ترجمه دلیلی واضح بر تبحر او در ادبیات فارسی و عربی است (۱). چهارم کتاب «مرآت الکتب» در اسماء کتب شیعه و مؤلفین آنها، و آقای الفت که در (۱۳۰۱) بیاید می فرمود که من اجزاء کثیره از مسودات «کشف الحجب» خود را در نجف پس از صرف نظر کردن از تألیف چنین کتابی چون دیدم او مشغول بدان است بوی دادم (۲).  
 و بالاخره ، او در روز دوشنبه دهم ماه محرم الحرام سنه ۱۳۳۰ هـ از ویسندوسی - مطابق ۱۰ جدی ماه برجی - پس از مدت پنجاه و دو سال و شش ماه قمری و سه روز عمر از ظلم دولت روس منحوس در تبریز بر سردار جفا رفته و چشم از جهان پوشید . و پس از وی حاج میرزا محمد آقا رئیس شیخیه تبریز شد.

و او را برادری بود بنام میرزا ابوالحسن ثقة الاسلامی که در چند دوره نماینده مجلس بود و در شب ۲ صفر سنه ۱۳۶۸ در تهران بحمله قلبی وفات کرد ، چنانکه در «روزنامه اطلاعات» ش ۶۸۰۸ صادره در ۹ صفر ۱۳۶۸ نوشته .

در «روزنامه اطلاعات» س ۴۵ ش ۳۲۶۲ صادره در ۵ شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۲۹ (۳ ج ۱) سنه ۱۳۹۰) در ص ۱۳۰ پس از شصت سال ، شرحی درباره مرحوم ثقة الاسلام صاحب

← صفحه جیبی بچاپ سری رسیده است . جناب مشار در «مؤلفین» با همین خصوصیات گوید که در تبریز نیز چاپ شده که البته اشتباه کرده اند . م.

(۱) رساله «بث الشکوی» بطوری که از مقدمه ایضاح (ص ۱۸) و فهارس آقای مشار مستفاد میشود ترجمه بخش سوم تاریخ ابوالنصر محمد بن عبدالجبارعتبی و بر حسب سفارش حسنعلی خان امیر نظام گروسی از عربی بفارسی ترجمه و بسال ۱۳۱۸ طی ۶۰ صفحه جیبی در تبریز چاپ سری شده است . م.

(۲) نسخه «مرآت الکتب» هنوز در کتابخانه مؤلف آن در تبریز موجود است ، و بطوری که در فهارس مشار آمده کتاب دیگری از آن مرحوم بنام «تاریخ مکه شریفه و رجال برجسته» بسال ۱۳۳۳ ش طی ۴۳ صفحه خشتی در تبریز چاپ سری شده است . م.

عنوان نوشته بخلاصه اینک وی قبل از اعدام وضو ساخت و دو رکعت نماز خواند سپس بطرف چوبه دار رفت ولی قبل از اینکه روی صندوق قرار گیرد عمامه از سرش افتاد و یک سرباز روس آنرا برداشت ، ثقة الاسلام با خشم عمامه را از دست سرباز روس گرفت و روی صندوق رفت و در جمعیت کثیری که جمع شده بودند نمود و گفت : ای ملت! شما بدانید من برای چه اعدام میشوم : آنها نوشته ئی از من می خواستند و من ندادم و افتخار می کنم که در این روز عزیز عاشورا شهید شوم و چنین نوشته ئی : ( روس ها با جنگ آذربایجان را گسرفته اند ) بدست اجانب ندهم . سپس بروی صندوق رفت و طناب دار را با دست خود بگردنش انداخت و چند قزاق صندوق را از زیر پایش کشیدند ! انتهى .

### ❀ (۱۳۴۵- تولد حاج شیخ محمد هادی بیرجندی ، ره) ❀

وی معروف به هادوی ددرشمر تخلص هادی داشت و فرزند حاج ملاحسین بن محمد محسن بن عبدالله بن محسن بن حسین زاهد است که خانواده آنها اصلا چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۲۵۰» نوشته از اصفهان بوده و پیش از فتنه افغانه بیرجند رفته اند .  
 و خود حاج شیخ محمد هادی از علما و فقها و اهل شعر و ادب در این عصر بود ، چنان که پدرش حاج ملاحسین نیز یکی از علما و زهاد عصر خویش و شاگرد شیخ انصاری بوده .  
 حاج شیخ محمد هادی در پنج شنبه دوازدهم ماه رجب الفرد این سال - مطابق (...)  
 دلو ماه برجی - در شهر بیرجند متولد شده و تا ۱۶ سالگی در نزد پسر خود درس خواند ، آن گاه در سنه ۱۲۹۳ بمشهد رفته و شش سال در آنجا در نزد حاجی میرزا حبیب الله مجتهد و شیخ محمد حسن کرمانی و سید محمد باقر گلپایگانی و ملا محمد رضا روغنی سبزواری شاگرد حاجی سبزواری در فنون مختلفه درس خواند . و بعد از آن بتبایات رفت و در آن اراضی مقدمه

خدمت میرزای رشتی و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و سید یزدی و میرزا محمد تقی شیرازی چندی تحصیل کرد تا برتبه اجتهاد نائل گردید و اجازت روایت از حاجی نوری دریافت . و در سنه ۱۳۱۹ بر حسب دعوتی که از امیر محمد اسمعیل خان شوکه الملك بعمل آمد مرحوم آقای صدر (ره) وی را بعنوان زعامت دینیه بیرجند اعزام داشت و وی با تهی دستی و فقر آنجا بترویج و تألیف مشغول گردید . و در اوان مشروطیت مرحوم آخوند خراسانی وی را بعنوان عالم طراز اول بمجلس شورای ملی معرفی نمود و رئیس مجلس وقت - مرحوم ممتازالدوله تلگرافی حضور او را در مجلس استدعا کرد و او از آن استعفا خواسته فقط در همان بیرجند تا آخر عمر اقامت نمود و بسا خویش و بیگانه بطور عاقلانه و دوستانه معاشرت می فرمود و با علماء اهل سنت بنحوی مراودت می کرد که جاداشت رویه او سمرقند دیگران از این صنف قرار گیرد ، و علاوه بر آنها مراتب نورانیت فکرو علم بمقتضای سیاست وقت او را کمتر کسی از علما با درجه زهد و تقوای او بهم رسانید .

و وی را تألیفات چندی است : اول کتاب «آئین سخنوری» . دویم کتاب «بستان الناظر» بسبک «کشکول شیخ» که از نفایس ذخائر ادبی است . سیم «ترجمه کتاب الادب الکبیر ابن مقفع» . چهارم «ترجمه عهد نامه مالک اشتر» تألیف آن سنه ۱۳۳۳ در ۲۳ رجب . پنجم «تقریرات دروس» اساتید خود . ششم «دیوان اشعار» . هفتم کتاب «مائده محمدیه» در اینکه علوم و معارف منتهی بانبیاء (ع) است ، و غیر اینها . و اینک این چند شعر از او نوشته شد :

مسعود سعد سلمان مجوس بود و من	ما هر دو یادگاریم از محضت زمن
او بیست سال جور کش خصم خویش بود	من شصت سال دستخوش نفس خویشتن
او با تنی مقید در حبس گاه نای	من با دلی مشوش در تنگنای تن
بر او قضای محبس مانند گور بود	بر من قبای اطلس ماننده کفن
او را نه غیر حلقه زنجیر مستشار	ما را نه غیر رشته تقدیر مؤتمن
او را ز تار شبها دیبای شوشتر	ما را ز خون دلها بیجاده یمن
او شامگاه بر زبر دست غصه سر	من صبحگاه بر سرزانوی غم ذقن

او پیش تیغ حادثه گرسر سپر نمود من پیش تیغ دهرزجان می کشم محن

وهم در نکوهش می خواری فرماید :

آن آتش افروخته اندر دل آب گفتم بخرد که چیست گفتا خواموش

کاین شعبده ترسا بچه گان ساخته اند کز خانه ما و تو بر آرنند خروش

بس خانه که داده است این آب بر آب بس دل که گرفته است از این آتش جوش

بس مرد که این آب فرو برده بخاک بس مغز که این باده تهی کرده زهوش

ویران کرده است کاخ آزادان لیک آباد نموده دکه باده فروش

و او پس از مدت هفتاد و هشت سال و یازده ماه قمری عمر در روز شنبه یازدهم جمادی

الاولی سنه ۱۳۶۶ هز اروسید و شصت و شش - مطابق ۱۲ اردی بهشت ماه باستانی - در

بیرجند وفات کرد و در قاینات و بیرجند برای او مجالس تعزیه و تعطیل عمومی بعمل آمد ،

چنان که در «روزنامه اطلاعات» ش ۶۳۳۷ و شرح احوالش هم در (ش ۶۳۴۱) نوشته و این

مرقومات با اندک تصرفی از آنجا اخذ شد .

❀ (۱۳۴۶- عید رسمی قرار دادن دولت ایران) ❀

❀ (۱۳ رجب را) ❀

در «الذریعه ۹: ۷۰ ش ۴۰» شرحی نوشته بخلاصه این که در این سال ناصرالدین شاه

بجمیع مملکت خود ابلاغ کرد که همه ساله روز ۱۳ ماه رجب را که روز تولد حضرت امیر

المؤمنین (صلوات الله وسلامه علیه) می باشد عید قرار بدهند ، و در آن وقت مؤیدالدوله والی

شیراز بوده و حاج کاظم شاعر شیرازی که در شعر تخلص آشفته می نموده قصیده ئی در این

مورد و تهنیت این روز مبارک سروده که در آخر آن مدح ناصرالدین شاه و امین السلطان وزیر وقت

و مؤیدالدوله را ذکر کرده ، انتهى (۱) .

(۱) شرح حال آشفته در سال آتی (۱۲۷۸) خواهد آمد ، و در خصوص عید ولادت ←

۵ (۱۳۴۷- تولد سید جعفر ۳۲ شاعر حلی) ۵

وی سید ابویحیی ۳۲ فرزند شریف ابوالحسین حمد ۳۱ بن محمد حسن ۳۰ بن ابومحمد عیسی ۲۹ بن کامل ۲۸ بن منصور ۲۷ بن کمال‌الدین ۲۶ بن منصور ۲۵ بن زویع

— حضرت سیدالوصیین امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شرحی در کتاب «وقایع السنین ۵۶۱: بعد ذیل وقایع سنه ۱۱۲۲» آمده است که عیناً نقل می‌کنیم: «فأئده هههه» وایضاً از وقایع: تجدید عبد مولود حضرت سیدالوصیا بود. پادشاه (مرحوم شاه سلطان حسین صفوی) از علما تفتیش نمود روز تولد حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را، و چون خلافتی مذکور شد از غلامی شیخ الاسلام امیرمحمد صالح خواتون آبادی او را اعتقاد روز هفتم شهر شعبان المعظم بود بمقتضای حدیثی و قائلی معلوم نبود بجهت آن قول، و حضرت علامه‌العلمائی آقا جمال و حضرت اعلم‌العلماء امیرمحمد باقر مدرس هردو را اعتقاد این بود که سیزدهم رجب روز ولادت با سعادت آنحضرت است؛ پادشاه فرمود که ایشک آقاسی باشی همه علماء اعلام و مدرسین و متوسطین را اجتماع فرمودند در خانه میرزا باقر صدر خاصه و بعد از مناظرات، آقا جمال و امیرمحمد باقر (سلمهما الله) و قریب هشتاد نفر ترجیح دادند که روز ولادت آنحضرت سیزدهم رجب است، و شیخ الاسلام و پسرش میر محمد حسین و دامادش ملا عبد‌الکریم هفتم شعبان را روز ولادت آنحضرت گمان کردند! و هر کس اعتقاد خود را نوشته، محصل امر مزبور بنظر اشرف رسانید. و این مجمع در شب یازدهم شهر رجب منعقد شد، و پادشاه والا جاه ترجیح مجمع علیه داده سیزدهم را عید قرارداد و شب تا صبح بطریق سایر ایام نوبه را فروگرفتند و آن روز را مجلس ساختند و قول هفتم را که از قدما و متأخرین قائلی نداشت و مستند آن بغير حدیثی نبود اعتبار ننمودند، چنانچه قول باینکه ولادت با سعادت در هفتم ذی حجه است یا در چهاردهم رمضان است نیز بغير حدیثی دیگر سند نداشت و کسی اعتبار نکرده بود. پس هر سه قول در یک مرتبه است لهذا ترجیح قول اول دادند. و این عید —

۲۲ بن منصور ۲۳ بن کمال ۲۴ بن محمد ۲۱ بن منصور ۲۰ بن احمد ۱۹ بن نجم ۱۸ بن منصور ۱۷ بن شکر ۱۶ الحسینی (ره) است .

شکر ۱۶ الحسینی در (۱۲۱۱ ج ۲ ش ۱۶۹) گذشت . نواده اش سید کمال الدین ۲۶ سرسلسله طایفه شی در عراق عرب است که آنها را بنسبت وی آل سید کمال الدین خوانند . نواده اوسید حمد ۳۱ در سنه ۱۲۸۷ وفات کرده و فرزندان چندی داشته که اصغر همه سید حبیبی ۳۲ متولد در سال وفات پدر و اشرف آنها صاحب عنوان و دیگر سید هاشم ۳۷ (۱۳۲۱) است .

سید جعفر ۳۲ صاحب این عنوان از شعراء بزرگ عراق عرب و اهل علم و ادب بوده و در علوم دینی و محاضرات دستی قوی داشته و در سه شنبه نیمه ماه شعبان المعظم این سال در یکی از دیهات عذار که بقریه سادات معروف است (۱) متولد شده و در نزد حاجی شیخ محمد طه نجف و حاجی میرزا حسین خلیلی درس خوانده ، و دیوانی در اشعار دارد بنام «سحر با بل و سجع البلابل» که پس از فوتش برادرش سید هاشم مذکور که در (۱۳۲۱) یابد آنرا جمع کرده و بسیاری از اشعار وی را در آن نیاورده ، و اینک این اشعار از او اینجا نوشته شد ، و او اینها را نخست در مدح امام حمید الدین یحیی گفته و بمن فرستاده و پس از آن تفسیر بمدح میرزای شیرازی داده با زیادتی چندی ، چنان که در مدح بسیاری همین طوری کرده :

مر و انه واحکم فانت الیوم ممثل	والامر أسرك لاما تأمر الدول
هناک الملوك انتوا هجراً وما علموا	هانت زدت علواً أم هم سفلوا
نجاة ذی السناج أن يعطیک مقوده	لامه ان عصاک الثکل والهبل

— از مخترعات شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان بن ... است . نفعه الله به فی الدارین . حضار مجلس اجلاس از علما : آقا جمال . امیر محمد باقر شیخ الاسلام . ملا بهاء الدین (ظ فاضل هندی) . ملا محمد حسین لبنانی . ملا محمد حسین و ملا محمد کاظم پسران ملا شاه محمد تبریزی . ملا محمد هادی و ملا محمد جعفر اولاد ملا محمد باقر خراسانی و نظایر این جماعت ... الخ . م .

(۱) قرية السادة احدی قرى الحلة : «نقباء البشر» . م .

من كان في حكمه بالله منتصراً  
فلا تقابله الانتصار والخول  
فمضى فريداً بلا مثل تقاس به  
لكن بطشك فيه يضرب المثل  
ان كان للناس اقوال بلا عمل  
فأنت أسبق من أقوالك العمل  
يمناك قد خصها الله (١) بأربعة  
لها الدعا والندی والبطش والقبل  
هسى السحاب فنهته بضر صبيها  
نخشى اذا اتصلت أن تقطع السبل  
ما الروس والفرس يوماً كآين فاطمة  
ولا كملته الاديان والملل  
فكم له من يدفى العين (٢) يشكرها  
بها تحدثت الركبان والابل  
الدولة اليوم نسى أبناء فاطمة  
بشرى فقد رجعت أيامنا الاول  
قد جانب البخل حتى ماتوهمه  
كان عقيدته لم يخلق البخل  
لم تحمل الناس مادامت مواهبه  
وكيف يجتمع الموسى والمحل

يهزنا ان سمعنا مدحه طرب

كأنما مدحه في سمعنا غزل (٣)

سید جعفر پس از مدتی سی و هشت سال قمری و هشت روز عمر، در دوشنبه بیست و سیم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۵ هزار و سیصد و پانزده - مطابق (... ) جدی ماه برجی - در نجف بفیته وفات کرد و همانجا دفن شد . و شیخ محمد سماوی در مرثیه او فرموده :

(١) چنین است بخط مرحوم معلّم و صواب چنانکه در مآخذ است «قد خصها الباری»

میباشد . م.

(٢) هم چنین است در «اعیان الشیعه» لکن در اصل دیوان «الدین» است . م.

(٣) مرحوم معلّم در هاشم نسخه اصل پاره ئی از لغات غریبه این آیات را چنین توضیح داده است : ١- الهبل . قال فی «جمع البحرین» : الهبل بالتحريك مصدر قولك : هبلته أمه . أى نكلته . ٢- القبل ، كنب : الطاقة . ٣- فنهته : بازدار . ٤- المحل خشك سالی و قحطی .

أی فؤاد عليك ما احترقا      وأی دمع عليك ما اندقا  
یساراحلا و الكمال یتبعه      ما أنت الا الهلال قدسقا  
بسکی عليك القریض منجماً  
وانفجع النضل فیک، محترقا (۱)

(۱) مخفی نماند که تمام ابن شرح حال منحصرأ مأخوذ از «اعیان الشیعه» میاشد باختصار، و دیگر از ماخذ ترجمه سید جعفر حلی «نقباء البشر: ۲۸۸» است که يك صفحه تمام نوشته و در آنجا گوید که وی را در نجف دو برادر بود سید علی و سید یحیی که با هم دروس مقدماتی و سطوح را خواندند و برادر دیگرشان سید صالح از فقها و شاگرد آخوند خراسانی بود و در ۱۳۴۵ وفات یافت. و نیز گوید که سید جعفر در وادی السلام نزدیک مقام حضرت مهدی (عجل الله فرجه) بهلوی قبر پدرش بخاک رفت، و جای تعجب است که صاحب نقباچگونه در اینجا یادی از برادر اضل دیگرشان - سید هاشم نموده با اینکه خود در «الذریعه ۱۲: ۱۵۱» فرماید: «سحر بابل و سجع البلابل، یا تراجم الاعیان و الافاضل. دیوان اشعار سید جعفر حلی ... است که برادر فاضلش سید هاشم آنرا مرتب نموده و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا (متوفی ۱۳۷۴) مباشر طبع آن گردید و شرح احوال ومدو خان سید را بدان افزود و بالاخره کتاب در ۲۳ باب طی ۴۶۶ صفحه سال ۱۳۳۱ در مطبعه عرفان صیدا بطبع رسید» و نیز ناگفته نماند که این کتاب نفیس و پرفایده بار دیگر در حدود سال ۱۳۹۳ بصورت افست چاپ و منتشر گردید. م.

سنه ۱۲۲۰ شمسی

اول حمل ماه برجی

پنجشنبه نهم ماه رمضان المبارک

۵ (۱۳۴۸- وفات مرحوم شیخ عبدالرحیم بروجردی، ره) ۵

در «المآثر: ۱۵۹» فرماید: از أجلة مجتهدین دارالخلاصه طهران بوده، و میرزا تقی خان امیر نظام اتایک اعظم در اوائل امر صدارتش نسبت بوی اظهار عقیدت می کرده است، آنگاه گویند بموجبی از وی سخت بر مید و اعتقادش منسخ گردید، رحلت ایسن عالم جلیل عصر روز پنج شنبه شانزدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۷ بیکهزار و دو بیست و هفتاد و هفت واقع شد. انتهى، و آن مطابق ۸ حمل ماه برجی بوده.

و در کتاب «امیر کبیر» چاپ ۲ ص ۱۵۹ «دروجه این فسخ عقیدت گوید که: شخصی در خصوص ملکی ادعائی بر امیر داشت، امیر مدعی را بسا مأموری از طرف خود بمحض شیخ عبدالرحیم روانه ساخت و بشیخ پیغام داد که مطابق قوانین و موازین شرعی بدین ادعا رسیدگی کرده از روی حق و عدالت حکم صادر کند. شیخ جواب فرستاده بود: ... (۱).

(۱) جواب شیخ را که مؤلف در نسخه اصل، از کتاب «امیر کبیر و ایران: پاورقی ص ۱۳۲ (نه ۱۵۹) تألیف دکتر فریدون آدمیت. ط ۲ تهران ۱۳۳۴ ش» نقل کرده و مشتمل بر هتک احترام و قدح شیخ است مأخذ آنرا نویسنده «کنفرانس دولت آبادی در پاریس سال ۱۹۳۰ م» ذکر نموده، لکن خود ایشان بعداً متوجه غرض رانی و عناد این شخص شده و لذا در (جواب ۲ پاورقی ص ۳۰۸، تهران ۱۳۵۲) مطلب را کوناhter و بدون قدح و ذم آورده و چنین اظهار نظر نموده که: «این داستان را دولت آبادی در کنفرانس خود راجع بمیرزاتقی خان گفت و شیخ المشایخ معزی هم در «نوادرالامیر» با شاخ و برگ فراوان نوشته است، شاید منبای تاریخی داشته باشد، ما سند معتبری نداریم»، انتهى. و بنا بر آنچه گذشت چون آقای آدمیت خود شخصاً داستان مفرضانه آن شخص را در چاپهای اخیر حذف کرده اند لذا از نقل آن در اینجا صرف نظر شد. و آقای سید حسن ←

و مقصود از عزل او که نوشته ، عزل از محضر شرعی بود که امپروی را بدان منصوب نموده و پروبالی بوی داد که از همه محاضر قضائی شرعی متنفذتر گردیده بود.

و این شیخ عبدالرحیم بروجردی غیر از حاج شیخ محمد رحیم بروجردی است که در سال (۱۳۰۹) بیاید . و دختر این شیخ عبدالرحیم (صاحب عنوان) زوجه مرحوم حاجی نوروی (۱۲۵۴) «نورالله تعالی روحه الشریف» بوده ، چنانکه در «الکرام البرره: ۷۲۴» فرموده.

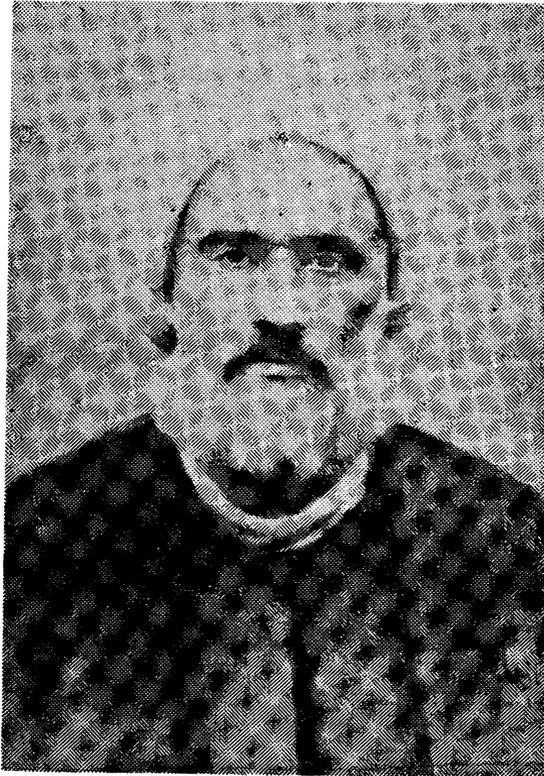
### ❦ (۱۳۴۹) - تولد مرحوم حاجی شیخ مهدی خالصی، ره ❦

وی فرزند شیخ حسین بن شیخ عزیز بن حسین بن علی از اهل ناحیه خالص بغداد است.

شیخ عزیز در سنه ۱۲۸۶ و فرزندش شیخ حسین در سنه ۱۳۱۲ وفات کرده و هر دو در کاظمین دفن اند .

← مکی نیز در کتاب « زندگانی میرزا تقیخان امیرکبیر : ۵۶ ط ۲ و ۱۲۴ ط ۶ » داستان را چنین آورده که «شخصی در مورد ملکی بر یکی از گماشتگان امیر کبیر دعوی کرده» الخ ، و از حاکم شرع مذکور فقط بعنوان «شیخ عبدالرحیم نامی» یاد نموده و بقیه مطلب را شبیه متن آورده ، لکن در این کتاب مطلقاً نام مأخذ ذکر نشده ، و میرزا عباس خان اقبال آشتیانی قضیه را در کتاب خود «میرزا تقیخان امیرکبیر: ۱۶۶» مستقیماً از کتاب معتبر «نوادر الایمیر» تألیف مرحوم شیخ المشایخ معزی و اوهم «کرة بعد اولی از بعضی از علمای ماضی و آنان که در قید حیاتند ...» بنحوی نقل کرده که بکلی با آنچه در «ط ۲» کتاب آدمیت و کتاب مکی آمده متفاوت بوده ، و با ملاحظه آنچه در این کتاب اخیر ذکر شده هیچ نوع اتهامی بمقام صاحب عنوان نمیتوان روا داشت ، والله العاصم . و برای اطلاع بیشتر از احوال آن مرحوم رجوع به «تاریخ بروجرد ۲: ۳۷۲-۳۸۲» شود . م.

وحاجی شیخ مهدی صاحب این عنوان از علماء اعیان و فقهاء عصر بود و در زهد و تقوی و اقامه شعائر الله و اخلاق فاضله خیلی کم نظیر می نمود ، و همانا در دو شنبه پانزدهم ماه ذی الحجة الحرام این سال - مطابق (...) سرطان ماه برجی - در کاظمین متولد شده ، و کتب



تصویر حاج شیخ مهدی خالصی مأخوذ از «احسن الودیعه»

چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «الشریعة السمحاء» در احکام سید الانبیاء که در مسائل سهل العمل از طهارت تا حج بعربی و رساله فی فوائده برای متکلمین است . دویم کتاب « بیان تصحیف المنحة الالهیه » از نفته شیطانیه در رد معرب کتاب «التحفة الاثنی عشریه (۱)» در رد امامیه

(۱) چنانکه در شرح حال عبدالعزیز (ج ۴ ش ۵۵۶ ص ۱۰۸۹) گذشت نام صحیح کتاب

مذکور «تحفة اثنا عشریه» است . م.

که اصل «التحفه» تألیف شاه عبدالعزیز دهلوی در رد شیعه امامیه است بفارسی وسید شهاب الدین آلوسی که در (۱۲۱۷ ج ۳ ش ۲۴۳) گذشت آنرا برعربی درآورده وصاحب ترجمه «یان» را در رد آن نوشته که در سه جلد بزرگ در سنه ۱۳۱۷ شروع در تألیف آن نموده و در سنه ۱۳۱۸ از آن فارغ شده .

و در خلال جنگ بین المللی وی بحمايت دولت عثمانی درآمدہ داخل مجاهدین گردید لاجرم پس از احتلال عراق عرب دولت وقت وی را تبعید و او در ساعت شش و نیم شب سه شنبه ۱۰ ذی القعدة سنه ۱۳۴۱ بسمت حجاز در حرکت و بعد از اداء حج از طریق فارس بطرف ایران رهسپار و در هر شهری از آن جمله اصفهان نهایت احترام برای وی بعمل آمده تا بقم رسید و آنجا با میرزای نائینی وسید مدیسه ثی که هم از نجف بآن شهر مشرف تبعید شده بودند (۱) ملاقات نمود؛ و سپس بمشهد مقدس رفته در آنجا ساکن و بترویج و تدریس مشغول شد و چندی طول نکشید که هم در آن جا پس از مدت شصت و پنج سال و هشت ماه قمری ویست و هفت روز عمر، بعد از غروب روز دوشنبه دوازدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه - مطابق ۱۷ فروردین ماه باستانی - بجان جاویدان انتقال فرمود و نعش وی را با تجلیلات شایسته برداشته و در اطاق صفة برابر در دارالحفاظ در دارالسیاده مبارکه دفن کردند و تا چند ماه در بسیاری از شهرهای ایران و عراق عرب مجالس تعزیه او برپا بود . و فرزندش شیخ محمد خالصی زاده در (۱۳۰۸) ییاید .

### ❖ (وفات سلطان عبدالمجید خان عثمانی) ❖

۱۷ ذی الحجه . شرح احوال وی در (۱۲۳۷ ج ۲ ش ۵۳۱) گذشت .

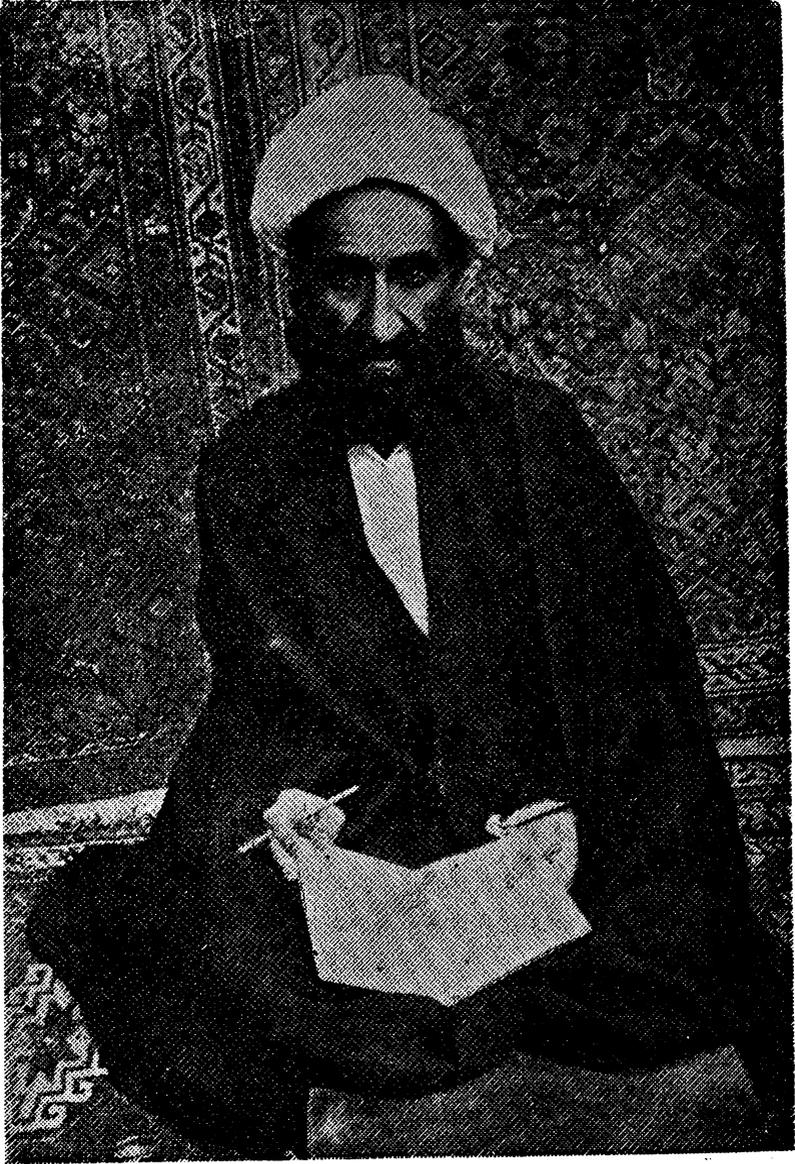
(۱) چنانکه عن قریب در شرح حال آية الله نائینی ( ش ۱۳۶۶ ) ییاید آن مرحوم و آية الله اصفهانی هر دو بعنوان اعتراض از عراق خارج و بقم آمدند نه آنکه تبعید شده باشند .

﴿۱۳۵۰﴾- تولد حاجی شیخ عباسعلی قزوینی منصورعلی (ره)﴾

وی فرزند شیخ اسمعیل بن علی بن معصوم قزوینی است . شیخ اسمعیل از علماء قزوین بوده و در سنه ۱۳۲۷ وفات نموده و در کربلا پهلوی مسجد حاجی سید کاظم رشتی دفن است . فرزندش حاجی شیخ عباسعلی عالمی بلند پایه و واعظی پرمایه و در منبر فصیح‌البیان و طلیق‌اللسان و بالاخره از معاریف رجال این زمان بود .

حاجی شیخ عباسعلی در عصر چهارشنبه بیست و چهارم ماه ذی‌الحجه الحرام این سال - مطابق (... ) سرطان ماه برجی - در محله شیخ‌آباد که جزو محله قوی میدان قزوین است از بطن خدیجه دختر حاج اشور شیدستانی - که دهبی است در سه فرسنگی شمال غربی قزوین - متولد شده ، و پس از تحصیل انواع علوم معقول و منقول خدمت مرحوم حاج ملاسلطانعلی گنابادی رسیده سرسپرد و داخل سلسله صوفیه شد ، و بعد از وفات او بطوری که در «نا بغه علم و عرفان : ۳۰۲» نوشته خدمت فرزندش حاج ملاعلی نورعلی شاه تجدید عهد نمود ، و در ۲۶ ع ۲۶ سنه ۱۳۲۸ از طرف وی لقب منصورعلی یافته و بهدایت و ارشاد مأمور گردید ، و بعد از وفات او خدمت فرزندش حاج ملامحمد حسن تجدید عهد نمود و بر مآذونیت خود در ارشاد و هدایت باقی ماند ، تا پس از چند سال در سنه ۱۳۴۴ - چنانکه در «فهرست کتابخانه رضویه ۴ : ۲۷۸» فرموده - از آن طریق بر گشت و معتقد آذر کیوان پاریسی شده و لقب خود را **کیوان** نهاد ، از این جهت در ۱۶ ع ۱۳۴۵ - چنانکه در صفحه مذکوره «نا بغه» فرموده - از خدمت مذکوره معاف گردید .

و در این او اخر شهرتش کلمه **کیوان** افتاد و کتب چندی در علوم عمده و فنون متفرقه تألیف کرده ، از آن جمله : کتاب «حج نامه» در فلسفه حج مسلمین و کتاب «شهبیده» در وقایع شهادت حاج ملاسلطانعلی چنان که در «نا بغه علم و عرفان : ۶۷» نوشته . و بعد از آن که چندین سال در شهرهای مختلف ایسران ساکن و صاحب ازواج و اولاد



عدیده گردید ، آخر ترك همه را گفته و در تهران متوطن و مقیم گردید ، و بالاخره در ماه شعبان سنه ۱۳۵۸ هـ از اوسیسند و پنجاه هشت چنان که در صفحه مذکور «نابغه» فرموده مطابق (عقرب - قوس) ماه برجی - در گیلان و تنکابن وفات کرد.

ویکی از فرزندان او محمد منصور زاده بوده که در «روزنامه اطلاعات» س ۲۹ ش ۸۵۳۱-۳۳۸۲۶» اعلان مجلس فاتحه او نوشته شده .

در «ماهنامه وحید» س ۷ در چند شماره شرح احوال او نوشته شده و از آن جمله در شماره ۱۲ (که شماره مسلسل ۸۴ باشد) و بالاخره وفات او را در روز نوزدهم شعبان سال ۱۳۵۷ در بیمارستان امریکائی رشت و قبرش را در گورستان سلیمان داراب نزدیک رشت نوشته (۱).

### ﴿۱۳۵۱- تولد میرزا ابوطالب ، عارف سمنانی﴾

وی فرزند مرحوم حاج آقا (آقا سید حسن) بانی مسجد سلطانی سمنان ، و خود از عرفاه عظیم الشان بوده ، و بطوری که در «تاریخ قومس» ۴۰۸ نوشته در اینسال در سمنان

(۱) نویسنده مقالات یاد شده فاضل گرامی آقای غلامرضا کیوان سمعی کرمانشاهی است . نیز رجوع شود به «مؤلفین کتب چاپی ۳: ۶۹۴» . و برای اطلاع کامل از احوال و عقائد و آراء صاحب عنوان بهترین مأخذ همان آثار فراوان چاپ شده او است که در جای آنها مطالبی از این دست ذکر نموده و علاوه در مقدمه «کنوز الفرائد» بر بی و در مقدمه «تفسیر کیوان» بفارسی متعرض شده است ، و از تفسیر مذکور چهار جلد بطبع رسیده از آغاز قرآن کریم تا آخر سوره مائده و تاریخ اتمام طبع جلد چهارم تفسیر سال (۱۳۵۶) قمری است و گویا پس از این تاریخ دیگر چیزی از آثار کیوان چاپ نشده . حدود بیست جلد تألیفات صاحب عنوان عموماً بهمت و هزینه خود او طبع و برای ایگان توزیع شده و در این اواخر با هر نسخه تصویر خود را هم ضمیمه نموده است ۴۰.

متولد شدہ و پس از تحصیلات مقدماتی بمحضر حاج ملاعلی سمنانی راہ یافتہ و کسب فیوضات نمودہ تا بسرحد کمال رسید ، و در ذی القعدہ سنہ ۱۳۲۲ از مرحوم حاج ملاسلطانعلی گنا بدی اجازت دستگیری فقرا ی آن سلسلہ را یافتہ و ملقب بہ محبوبعلی گردید ، و با این مراتب عرفانی متولی مسجد سلطانی سمنان و از علماء متنفذ آن شہر بشمار می آمد ، و در استبداد صغیر طرفدار ملت و شروطہ بود و بہمین جہت در شعبان سنہ ۱۳۲۹ - چنان کہ در (ص ۱۷۳) تاریخ مرقوم نوشتہ - عدہ ثی از تر کمانان کہ در تحت نظر ارشد الدولہ طرف دار محمد علی شاہ بودند بمنزل وی ریختہ و آنجا را غارت کردند و خودش را دستگیر نمودند ولی بعلت مقام روحانی و نجابت و اصالت خانوادگی از کشتش صرف نظر نمودہ و او را آزاد ساختند ، تا بالاخرہ در ماہ شعبان المعظم سنہ ۱۳۴۱ ہزار و سیصد و چہل و یک - مطابق حمل ماہ برجی - در سمنان وفات کرد و در قبرستان پیر نجم الدین در مقبرہ اختصاصی دفن شد ، و چنان کہ در صفحہ مرقومہ این کتاب نوشتہ مرحوم شیخ محمد فانی (ظفر علی) شیخ دیگر ہمین سلسلہ نیز در کنار قبر وی مدفون است .

### ﴿۱۳۵۲﴾ - وفات سید احمد حسن قنوجی ہندی ﴿﴾

قنوج بطوری کہ در «معجم الامکنہ : ۴۱» (۱) نوشتہ از شہرہای خیلی قدیمی ہند و در ازمئہ سالفہ پای تخت آن ولایت بودہ و سوری عظیم داشتہ و سلطان محمود غزنوی آنرا فتح نمودہ و تابع دہلی قرار داد و اینک شہر کوچکی است از ناحیہ فرخ آباد و تابع ولایات متحدہ ، انتہی .

وسید احمد حسن صاحب عنوان فرزند سید اولاد حسن و خود از اہل علم و ادب و شعر را رصین و رقیق میسرودہ ، و در اینسال وفات نمودہ . چنانکہ در «رسالۂ احوال سید عبدالحی

(۱) مقصود معجم الامکنہ کتاب «نزہۃ الخواطر» عبدالحی لکھنوی است . م.

حسنی (۱۲۸۶) : ص ۳ « فرموده (۱) .

### ❖ (۱۳۵۳- وفات ملا اسمعیل واحدا لعین اصفهانی ، ره) ❖

وی فرزند ملا محمد سمیع (۲) و خود از آجله حکماء عظیم الشان عصر خویش در اصفهان

(۱) رحمان علی صاحب (محمد عبدالشکور حنفی متولد روز جمعه ۲ ذیحجه ۱۲۴۲ متوفی ۱۳۲۵) در «تذکره علمای هند : ۱۴» گوید : «مولوی احمد حسن قنوجی ، فرزند کلان مولوی سید آل حسن قنوجی جامع علوم عقلیه و نقلیه بتاریخ نوزدهم رمضان یوم شنبه وقت اشراق سال دوازده صد و چهل و شش هجری متولد شده علوم مروجہ بیلابد متفرقه بخدمت اساتذہ چند آموخت . شاعری قوی الحافظه جید الذهن بود ، در آخر بعلقہ تلمذ مولوی عبد اللہ الجلیل کولی درآمد و اجازت حدیث از شاه عبدالغنی مجددی دهلوی یافته در سال دوازده صد و هفتاد و شش هجری بارادہ حج بیت الله از وطن روانہ شدہ بمقام برودہ ملک گجرات رسید نزد مولوی غلام حسین قنوجی مقیم شد و در آنجا بمرض تپ بیمار گشته نهم جمادی الاولی بروز جمعه سال دوازده صد و هفتاد و هفت هجری رحلت فرمودہ ، بعد نماز جمعه در تکیہ ماتریدیه مدفون گشت ، طاب الله ثراه . پایان کلام «تذکرہ» ، و بنا بر این مدت عمر وی سی سال و هفت ماه قمری و ۲۰ روز بوده است . ضمناً در «نزهة الخواطر» عنوانی برای صاحب ترجمہ و پدرش بنظر نرسید . م.

(۲) در (ج ۴ ص ۱۲۶۶) تصویر قطعہ «بتا ( بکسرباء ) هلاک شود دوست در محبت دوست» بخط درویش چاپ شد کہ کاتب در ذیل آن چنین نوشته است : «بنا بخواہش دوست گرامی علامی آخوند ملا محمد سمیع (حفظہ الله تعالی) در صدد تحریر و تسطیر این چند کلمہ برآمد . بتاریخ ۱۱۸۱ . راقم این سطور احتمال میدہد کہ آن شخص همین ملا محمد سمیع پدر واحدا لعین باشد ، والله العالم . م.

ومعروف بواحدالعین وأرشد تلامذة ملاعلی نوری (۱۲۴۶ج ۴ش ۶۶۸) بوده و تألیفاتی دارد:

**اول** «حاشیه بر کتاب الاسفار الاربعه (باحکمت متعالیه) مرحوم ملا صدری (ره)» .  
**دویم** «حاشیه بر کتاب شوارق الالهام در شرح تجرید الکلام محقق طوسی» که شرح امور عامه وجواهر و أعراض والهی آن است تألیف ملاعبدالرزاق لاهیجانی . سیم «شرح کتاب العرشیه ملاصدری» در حکمت که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه صدر موجود است .  
 و در این سال وفات کرده چنان که در «الذریعه ۶: ش ۶۵» فرموده . لیکن نسخه ئی خطی بخط مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی در نزد آقای سید محمد علی روضاتی است که در آنجا طوری وی را وصف کرده که در سنه ۱۲۷۱ و اگر نه در ۱۲۷۲ مسلماً وفات کرده بوده، و ما مأخذ قول «الذریعه» را ندانستیم کجاست (۱) .

**دوی** غیر از میرزا اسمعیل اعرج است که در «قصص العلما: ۵۹ چاپ طهران ۱۳۱۳» او را ذکر کرده و گوید: هفتاد شاگرد در محکمه طب اومی نشستند و میرزا سلیمان پدر مؤلف نزد او در طب و او نزد میرزا سلیمان در «شرح تجرید» تدارس نموده اند ، انتهى .  
 و نیز غیر از ملا اسمعیل عقدائی یزیدی است بشرحی که در (۱۲۳۰ ج ۳ ش ۲۱۸) گذشت .

(۱) این مطلب را مرحوم مؤلف (قدس الله تعالی روحه) شخصاً از این جانب شنیده و نام کتاب خطی را هم فراموش نموده و لذا جای آن را در نسخه اصل باقی گزارده تا بعد بنویسد، و آن نسخه ئی از «حاشیه شوارق الالهام» است . و مخفی نماند که آنچه در متن این کتاب و جاهای دیگر راجع بمرحوم آخوند ملا محمد اسمعیل اصفهانی نوشته شده همه ناقص و مبتنی بر حدسیات می باشد مخصوصاً در باب تاریخ فوت او، و تحقیق نسبت کامل در احوال و آثار و وفات این حکیم عظیم موکول بمجلدات چاپ نشده «فهرست کتب خطی» نگارش راقم این سطور است ، والله الموفق .م.

### ﴿وفات باجوری شافعی مصری﴾

شرح احوال او در (۱۱۹۸ ج ۱ ش ۳۷) گذشت .

### ﴿۱۳۵۴- وفات فایز شاعر شوشتری﴾

وی بطوری که در «الذریعه ۹: ۵۰۵ ش ۵۲۸» فرموده ، نامش حاج حاجی بوده و «دیوانی در مدایح ائمه معصومین علیهم السلام و مرثیاتی حضرت سیدالشهدا علیه آله و سلم و الثنا» دارد در پنج هزار و اندی شعر که در شوستر موجود است ، و در این سال وفات کرده ، و شباب شاعر شوشتری (۱) قصیده فی در مرثیه وی گفته که ماده تاریخ آن این است :

«ولفایز فوز عظیم» ۱۲۷۷ .

ووی فرزندی داشته بنام محمد طاهر که وی نیز شاعر بوده و تخلص عارف می نموده . و در «ص مذکوره الذریعه» پنج نفر شاعر دیگر بتخلص فایز ذکر کرده که با این فایز صاحب عنوان شش نفر شاعر فایز تخلص خواهند شد . و فهرست شعراء عارف تخلص در (۱۲۳۹ ج ۴ ش ۵۶۰) گذشت (۲) .

(۱) ملاعباس شباب چنانکه در «فرهنگ سخنوران: ۲۹۲» گوید «کلیات اشعار» او با مقدمه فی در شرح حال وی بسال ۱۳۱۲ در بمبی چاپ شده است . اما فایز و فرزندش عارف در میان فایزان و عارفان بسیار فرهنگ نیامده اند . م .

(۲) مرحوم معلم در موضع مذکور از نسخه اصل ، اسامی شاعران عارف تخلص را نوشته است لکن خود بهنگام چاپ جلد چهارم برای اجتناب از تطویل از آوردن اسامی آنان که بالغ بر سی نفر بوده اند صرف نظر کرد . م .

## ﴿وفات مرحوم آقا سید حسین بروجردی ، (ره)﴾

شرح احوال او در (۱۲۳۸ج ۴ش ۵۳۳) گذشت .

## ﴿وفات شیخ درویش علی حایری بغدادی﴾

شرح احوال او در (۱۲۲۰ج ۳ش ۲۸۵) گذشت .

## ﴿(۱۳۵۵- وفات ژوئبول خاورشناس هلندی)﴾

ژوئبول مستشرقی معروف و از علماء روحانی بوده و در زبان عربی تخصصی تمام داشته و چندین کتاب عربی را طبع و نشر نموده و قصاید متنی و معاصرین او را در مدح سیف الدوله بلاتینی ترجمه و منتشر کرده ، و در این سال با سال ۱۲۷۸ رو به عالم آخرت آورد ، و از خود پسری بجا گذارده که وی خدمات پدر را دنبال و کتاب «تنبيه» شیخ ابواسحق شیرازی را در فقه با ترجمه لاتینی آن منتشر نمود (۱) .

(۱) مأخذ این شرح حال منحصرأ «گانهامه ۱۳۱۰: ۱۴۶» است که مؤلف بموقع خود آنرا قید نفرموده و بعد هم فراموش کرده . در چاپ هفتم «المنجد فی الاعلام: ۷۵۷» صاحب عنوان را یوئبول و شیخو در «الاداب العربیه ۱: ۱۲۳ ط ۲» ناودور جوئبول ، و زرکلی در الاعلام ۲: ۷۹» او را «تیودر- فیلم جان جوئبول Jean Juynboll ←

## ﴿۱۳۵۶- وفات عبدالرحمن بن خان صدر اصفهانی﴾

در سال (۱۲۳۹) ج ۴ ش ۵۴۹  
 ص ۱۰۷۵) در عنوان جدش  
 حاجی محمد حسین خان هرچه  
 نوشته ام اینجا نوشته شود (۱).

← Theodore - Wilhelm » خوانده اند . تولدش در همه مآخذ ۱۸۰۲ و وفاتش را که ما در «زندگانی آیه الله چهارسوقی : ۱۲۲» بسال ۱۸۶۰ نوشته ایم منحصرأ مأخوذ از «معجم المطبوعات : ۷۲۵» است . لکن زرکلی که مانند سایرین وفات را در (۱۸۶۱) نوشته «هجری آنرا (۱۲۷۷) و ولادتش را نیز در (۵۱۲۱۶) دانسته که بموجب «رساله تطبیقه» حاج نجم الدوله غازی سال ۱۸۰۲ م مطابق ۲۶ ماه شعبان ۱۲۱۶ و انجام آن ۷ ماه رمضان ۱۲۱۷ بوده . و وفات صاحب عنوان را شیخو در (۱۶ ایلول ۱۸۶۱) قید کرده که مطابق (... ماه صفر ۱۲۷۸) میشود . برای اطلاع بیشتر از احوال ابن مستشرق به «المستشرقون ۲ : ۶۵۷» و «فرهنگ خاورشناسان : ۱۹۲» نیز رجوع شود و در مآخذ اخیر ولادت و وفات را نوشته .

و فرزند او را در «المستشرقون ۲ : ۶۶۱» بنام ابراهیم وایم جونیول و تولدش را در ۱۸۳۳ و وفاتش را در ۱۸۸۷ قید کرده و آثارش را بر شمرده است .

(۱) این یادداشت مرحوم معلم است در حاشیه عنوان عبدالرحمن خان ، لکن در موضع مذکور چیزی را جمع با و نوشته و برای اطلاع از احوال وی رجوع بمآخذ مربوطه شود .

### † (۱۳۵۷) - تولد مرحوم آقا سید علی کازرونی ، (ره) †

وی فرزند مرحوم حاجی سید عباس (۱۰۲۳۸-۱۰۲۳۸ ج ۴ ش ۵۴) و خود از علما و فقها و مانند پدر خود به مجتهد معروف بود . و او در این سال - چنانکه در «الذریعه ۷: ش ۹۳۴-۹۳۵» نوشته - در شیراز متولد شده و در نزد میرزای رشتی و آخوند خراسانی درس خوانده و «تقریرات دروس» آن دو استاد را از نماز و بیع و غیره در کتابی شامل چندین جلد جمع نموده ، و نیز «خطابه هائی بعربی و فارسی در استحکام مشروطیت» انشا فرموده . و آخر در پنج شنبه هیجدهم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۴۳ هزار و سیصد و چهل و سه - مطابق ۲۳ دلو ماه برجی - در شیراز وفات کرد و در تکیه حافظیه دفن شد ، چنانکه نص جلد مذکور «الذریعه» در شماره های مرقوم است ، و در «جلد چهارم : ش ۱۶۷۱» وفات او را در نجف اشرف نوشته ، و در این صورت نشاید که قبر او در حافظیه شیراز باشد ؛ و ظاهراً مرقومات جلد هفتم درست است و در جلد چهارم اشتباه شده .

و در «روزنامه اطلاعات» س ۱۴ ش ۴۱۳۵ صادره در ۲۹ اسفند ۱۳۱۸ ص ۸ «وفات آقا سید علی کازرونی از علماء شیراز را در سن صد سالگی در صبح ۴ شنبه همین ۲۹ اسفند نوشته که مطابق ۱۰ صفر ۱۳۵۹ بشود ، و ظاهراً وی غیر از صاحب عنوان باشد . رجوع شود به «نقا : ۱۴۶۰ ش ۱۹۷۲» .

و بهرحال ، وی را فرزندی است بنام سید محمد که از علما و مشتملین نجف بشمار آید . رجوع شود به «الذریعه ۹: ۷۴۳ سطر ۱۶» (۱) .

(۱) علاوه بر دو مأخذی که مؤلف (ره) اسم برده رجوع به «دانشمندان و سخنراییان فارس» نیز مکمل شرح حالها خواهد بود . م.

### ﴿۱۳۵۸- وفات شیخ علی حرزالدین نجفی﴾

وی فرزند شیخ عبدالله بن حمدالله بن شیخ محمود حرزالدین مسلمی و خود عالمی طیب بوده و بطوری که در «الذریعه ۱۷: ۲۷۷ ش ۲۷۰» نوشته «کتابی در طب و تشریح» تألیف کرده که فرزندش شیخ محمد حرز (که در سال ۱۲۷۳ ش ۱۲۷۸ ص ۲۰۵۲ گذشت) شرحی بر آن نوشته، و در اینسال وفات کرده .

### ﴿۱۳۵۹- تولد شیخ علی بحرینی﴾

احوال وی در پشت کتاب «معراج المتقین» خودش و «نقبا: ۱۴۹۳ ش ۲۰۱۲» نوشته ، و از آن ها و دیباچه «چراغ ایمان» چنین بر آید که وی فرزند علیقی سیرجانی کرمانی حائری است که پدرش از علما بوده و در سنه ۱۳۰۴ وفات نموده ، و خود هم از علما بوده و در این سال در سیرجان متولد شده و در پنج سالگی بمکتب رفت و در مدت سه ماه قرآن را آموخت و بعد از آن «نصاب» و «ألفیه» و «صمدیه» را حفظ کرد و سطوح را نزد پدر خود درس خواند و قبل از بلوغ آنها را در مدرسه معصومیه کرمان درس می داد ، و بعد از آن بمشهد رفت و سه سال در مدرسه فاضل خان نزد ملا عبدالله تونی درس خواند ، آنگاه بیزد رفت و دو سال در مدرسه خان نزد سید ابراهیم مهر جردی درس خواند. و هنوز بیست ساله نشده بود که پنجف رفت و چندی در نزد میرزای رشتی درس خواند ، پس بکر بلا رفت و ده سال نزد مرحوم حاج شیخ زین العابدین مازندرانی درس خواند و از او مجاز گردید و هم چنین از مرحوم حاج میرزا محمد حسین شهرستانی .

و کتب چندی تألیف کرده . اول کتاب «چراغ ایمان» مرقوم در اصول دین با حواشی آن در سؤال و جوابی مربوط بحضرت زهرا (ع) . دوم کتاب «معراج المتقین» در ترجمه و توضیح چهل حدیث در تهذیب اخلاق . سیم کتاب «نورالدین» در مسائل عملیه بطریق احتیاط.

### ﴿﴿۱۳۶۰- تولد سید علی آلوسی بغدادی﴾﴾

وی سید علاءالدین فرزند سید نعمان (۱۲۵۲ج ۴ش ۷۹۲) و خود از علماء اهل سنت در بغداد بوده که در اینسال چنان که در «معجم المطبوعات: ۶» نوشته متولد شده و در نزد پدر خود و سید محمود شکرری پسر عم خود (۱۴۷۳ش ۲۶۴ص ۲۰۴) و غیر آنها از فضلاء بغداد درس خوانده و جامع مابین علم و عمل و سیاست گردید ، و پس از وفات پدر خود بجای وی در مدرسه مرجان رصافه و مدرسه شیخ صندل کرخ بتدریس پرداخت و جمعی از مجلس درس او بیرون آمدند ؛ و چندین کتاب تألیف کرد : اول کتاب «الدرالمنثور» در رجال قرن ثانی عشر و ثالث عشر که تمام نشده . دوم «نظم کتاب آجر و میه» در علم نحو . و آخر پس از مدت شصت و سه سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۰ هزار و سیصد و چهل و فوات کرد .

### ﴿﴿۱۳۶۱- تولد حاج شیخ عیسیٰ لواسانی ، ره﴾﴾

وی فرزند مرحوم حاج ملاشکرالله (۱۳۱۹) و خود از علماء و فقهاء عصر در تهران بوده ، و بطوری که در «الذریعه ۴: ۱۶۱۰ش ۷۹۰» و «نقبا: ۱۶۴۳ش ۲۱۹۶» فرموده در اینسال متولد شده و در دامن تربیت پدر بزرگوارش پرورش یافته و از برکات وی استفاده نموده و هم بمجلس

درس ميرزای آشتیانی حاضر شده و پس از آن بنجف رفت و بمجالس دروس آخوند خراسانی و حاجی میرزا حسین خلیلی و آقای شریعت تشرف یافت تا در عداد اهل علم افاضل و مشتغلین نابین قرار گرفت ، و در هزار و سیصد و بیست و اندی بتهران برگشت و بتدریس و ارشاد و امامت و موعظه و تألیف پرداخت ، و کتب چندی تألیف کرد : اول کتاب «اتیس العارفين» که در «الذریعه» در محل خود ذکر نشده . دویم کتاب «تحفة الاحباب» که هم در «الذریعه» در محل خود ذکر نشده با اینکه آنجا چندین کتاب بدین نام را آورده . سیم کتاب «جلاء الابصار» که نیز آنجا ذکر نشده . چهارم کتاب «الشیخ والشیخة» در احکام آنها که آنجا در (ج ۱۴) ذکر شده . پنجم کتاب «میزان الاخوة» . ششم «کتابی در ترجمه امام غزالی» (۱) .

و آن جناب در چهارشنبه دویم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۶۴ هـ اروسید و شصت و چهارم مطابق ۲۷ دی ماه باستانی - چنان که در «روزنامه اطلاعات» صادره در فردای آن روز (۳ صفر) فرموده وفات کرد و در قم در پهلوی مقبره حاج شیخ عبدالکریم دفن شد . و فرزندش شیخ محمد علی در سال (۱۲۹۸) بیاید .

### وفات فريته خاورشناس آلماني (۱۳۶۲-)

فريته گك از مستشرقين ابن سرزمين است كه در زبان عربی رنجا كشيده و چندین كتاب مربوط باین زبان تألیف کرده ، از آن جمله «قاموسی عبری و لاتینی» كه از «صحاح» جوهری و «قاموس» فیروزآبادی انتخاب نموده ، و در این سال یا سال ۱۲۷۸ از دنیا بیرون رفت . (۲) .

(۱) ظاهراً مقصود چند صفحه نثی است كه آن مرحوم بفارسی در شرح حال ابو حامد غزالی نگاشته و بسال ۱۳۰۵ ضمیمه كتاب «سر العالمین» و كشف مافی الدارین» كه خود بانی طبع آن بوده در طهران چاپ شده است ، لا غیر م .

(۲) مأخذ مؤلف در این ترجمه نیز فقط «گاهنامه ۱۳۱۰ : ۱۴۱۰» بوده و برای ←

۱۲۶۲- تولد مرحوم آقا سید محمد ۲۹ تمکابنی ، (ره) ❀

وی فرزند سید محمد تقی ۳۸ بن سید عبدالمطلب ۳۷ بن میرمحمد تقی ۳۶ بن میر عبدالمطلب ۳۵ بن میرابوطالب ۳۴ بن میرسید علی ۳۳ معروف به بلاسید بن سید حسین ۳۴ بن میرسید وکیل ۳۱ بن میرسید حاتم ۳۰ بن سید خلیل الله ۲۹ بن شاه نصیر ۲۸ بن سید خضر ۲۷ بن سید ناصر ۲۶ بن سید یحیی ۲۵ بن سید سلیم ۲۴ بن سید سمیع ۲۳ بن سید قاسم ۲۲ بن میرکریم ۲۱ بن سید داود ۲۰ بن سید حبیب الله ۱۹ بن سید شمس الدین ۱۸ بن سید غیاث الدین ۱۷ بن سید افضل ۱۶ بن سید افتخار ۱۵ بن سید ضیاء الدین ۱۴ بن سید طاهر ۱۳ بن سید طیب ۱۲ بن نورالدین ابوالحسن ۱ بن فخرالدین علی ۱۰ بن ابوالقاسم علی ۹ بلیخ ابن ابومحمد حسن ۸ ( که مدفون در بلیخ است ) بن حسین ۷ بن جعفر الحجة ( علیه السلام ) است.

حضرت جعفر الحجة (ع) در (ج ۱ سال ۱۲۰۵ ش ۱۰۶ ص ۲۰۶) گذشت. فرزندش حسین ۷ در «عمدة الطالب: ۳۲۳ چاپ نجف در ۱۳۵۸» ذکر شده و آنجا درباره وی فرماید که او بلیخ رفت و در آنجا اعتابی آورد که در آنها پادشاهان و بزرگان و نفیا بودند . سپس چند نفر از اعتاب او را ذکر کرده ، از آن جمله : سید فاضل ابوالحسن بلیخی

← اطلاع بیشتر از شرح حال این شخص Georg Wilhelm Freytag رجوع شود بکتابهای «فرهنگ خاور شناسان : ۱۳۵» تألیف مرحوم مرزا ابوالقاسم سبحان (رحمة الله علیه) و «الاعلام ۲: ۱۴۷» و «المستشرقون ۲: ۶۹۷» و «الاداب العربیة فی القرن التاسع عشر» ۱۱۸ ۲، ، و همه این مآخذ و ولادتش را در (۱۷۸۸م) که مطابق (۲۳ع ۱۲۰۲ تا ۲۴ع ۱۲۰۳) بوده ، و وفاتش را در (۱۸۶۱) نوشته اند و شیخو در مآخذ اخیر وفات را در شهرین دوم سال مذکور قید کرده که مطابق (۲ع- ۱ج ۱۲۷۸) بوده است . زر کلی نیز ولادت و وفات را در (۱۲۰۲-۱۲۷۸ه) دانسته م.

علی ۱۵ بن ابوطالب حسن ۱۴ الثقیب بیلخ ابن ابوعلی عیبدالله ۱۳ بن ابوالحسن محمد ۱۲ الزاهد ابن عیبدالله ۱۱ بن علی ۱۰ بهرات ابن ابوالقاسم علی ۹ مذکور، که شاید علی ۱۰ که اینجا نوشته درهرات بوده همان باشد که ما فخرالدین علی ۱۰ نوشتیم، ونواده اش ابوالحسن محمد ۱۲ الزاهد ابن عیبدالله ۱۱ بن علی ۱۰ همان باشد که ما نورالدین ابوالحسن ۱۰ بن علی ۱۰ نوشتیم و عیبدالله ۱۱ ساقط شده باشد.

وما این نسب را از «کتاب آقای خاتون آبادی (۱۳۱۶)» نقل کرده و در ت لقب بعضی از قدماء آنها بدانچه نوشتیم و در اسماء بعضی از متأخرین آنها اشکالی که همیشه داشته ایم داریم. و بهر حال، میرسید علی ۳۳ پلاسید فرزندان داشته: یکی میرمحمد مهدی ۳۴ که در (۱۳۲۲) بیاید، و دیگر میر ابوطالب ۳۴ که در عمود این نژاد افتاده. و سید محمد تقی ۳۸ پدر صاحب عنوان از اهل علم و عبادت و شاگرد آقا سید علی قزوینی (۱۲۹۸) بوده چنان که عمش سید مرتضی ۳۸ نیز از اهل ورع بوده.

و خود سید محمد صاحب عنوان از اجله علماء فقه و اصول در طهران بود، و شرح احوالش در رساله بی که خود تألیف کرده و اینک ذکر میشود نوشته، و از آن چنین برآید که وی در اینسال در قریه آخوند محله از توابع سخت سر تنکابن که آنرا ام سومی گویند از بطن دختر آقا سید محمد هاشم تنکابنی (۱۲۶۲ ج ۱۰۲۶) متولد شده، و چندین نفر از بنی اعمام آقا سید هاشم مرقوم را در آن رساله نوشته که از علما بوده اند: اول آقا سید ابوالحسن تنکابنی که بعداً قزوینی شده، و شاید وی همان دائی میرزا محمد باشد که در (۱۳۰۲) اشاره بدو می شود. و سید میر عبدالباقی که مسجد و مدرسه نسی در قریه آخوند محله مرقومه ساخته. سیم آقا سید مرتضی که با سمو مقامی که داشته شعر هم می گفته و مرثیاتی چندی بنظم آورده. چهارم آقا سید صادق. پنجم آقا سید علی.

و بهر حال، مرحوم سید محمد بطوری که خود در آن رساله نوشته در هفت سالگی در نزد شیخ رجبلی نامی خواندن قرآن پرداخت و پس از یک سال از آن فارغ شد و در آن اوان مدارس و فوات کرد، و وی بعد از تعلم کتب فارسی در حدود هیجده سالگی بتحصیل علوم عربی مشغول شد و چندی در نزد ۲ سید حبیب الله و ۳ سید احمد فرزندان سید علی و ۴ سید ابراهیم

سید یوسفی و ۵ سید هادی بن سید مرتضی از وجوه طایفه درس خواند ، پس «شرح لمعه» و «قوانین» را در نزد ۶ ملاحیب الله نارنج بنی خواند و ضمناً بدرس ۷ میرزا باقر لات محلی هم می رفت .

پس در حدود بیست و یک سالگی بامر پدر خود بقرزین رفت و آنجا «ریاض المسائل» را در نزد ۸ حاج ملا آقای خوینی (۱۲۳۷ ج ۴ ش ۶۹۴) و «فرائد» را در نزد ۹ حاجی شیخ حسین الموتی قزوینی خواند ، و نیز بدرس ۱۰ ملا علی اکبر جلوخانی هم حاضر میشد .  
 و پس از دو سال بامر پدر خود بطهران رفت و در مدرسه شیخ عبدالحسین منزل نمود و در آن اوقات بغایت پریشان و از اموال دنیوی تهی دست بود و در طهران زیاده بر پانزده سال بدرس ۱۱ میرزای آشتیانی حاضر می شد و اجل و اعظم اساتید او همانا آن بزرگوار است ، و ضمناً مدت هشت سال در نزد ۱۲ میرزای جاوه کتب حکمت الهی و طبیعی و غیره را درس خواند و هم علوم حساب و نجوم و هیئت و هندسه را نزد ۱۳ میرزا جواد جهانبخش (۱) و ۱۴ میرزا حسین سبزواری خواند ، و مدتی نیز بدرس ۱۵ میرزا عبدالرحیم نهندی رفت ، و در این ضمن در بیست و هفت سالگی متأهل بیکی از بنات عم خود گردید ، آنگاه خود بتدریس پرداخته و مدت سی سال در نهایت ابهت و جلال در طهران مباحثه و تدریس می فرمود و جماعتی از وجوه اهل علم از مجلس درس او برخوردار شده اند . و در این اوقات وقتی با حال فقر و فاقهئی که داشت مبتلا باسهال گردید و بعد از دو سال بموجب بشارتی که از میانۀ نجف و کوفه بوی رسیده بود از آن درد شفا یافته و امور زندگانی او مرفه و از هر حال فارغ البال گردید ، و در طهران در مسجد جامع قدیم بامامت اشتغال ورزید ، و در چهل و دو سالگی آرزوی حفظ قرآن را نموده و آنرا تماماً حفظ فرمود ، و در طول مدت عمر چندین کتاب تألیف کرد :

اول «رساله فی در اصول دین» بفارسی با ادله اجمالیه . دویم کتاب «ایضاح الفرائد» در حاشیه بر «فرائد شیخ» که سی هزار بیت در دو جلد و اعظم و اشهر تألیفات او است . انسجام تألیف آن ۱۲ ذی الحجه سنه ۱۳۵۱ . سیم «کتابی در مقتل» . چهارم «رساله فی در عقل» که

(۱) جهانبخش بشماره ۱۳۲۶ درص ۲۱۱۳ گذشت . م.

آنرا بنا بخواہش میرزا ابوالقاسم سلطان الحکماء نائینی تألیف کردہ۔ پنجم «حواشی بر جلد اول ریاض المسائل»۔ ششم «حواشی بر مکاسب» و این دو حاشیہ تدوین شدہ۔ ہفتم «رسالہ فی احوال خودش» کہ اشارہ بدان نمودیم و آنرا در آخر عمر خود در پنجشنبہ ۲۰ ج ۱ سنہ ۱۳۵۹ تألیف نمودہ و پس از انجام آن بیست روز دیگر در قریہ دماوند طهران زندہ بود، و در روز سنہ شنبہ دہم ماہ جمادی الاخری سنہ ۱۳۵۹ ہزار و سیصد و پنجاہ ونہ (چنانکہ در حاشیہ آن رسالہ کہ در پشت جلد دویم «ایضاح الفرائد» چاپ شدہ نوشتہ) - مطابق ۲۵ تیر ماہ باستانی - ہم در دہ اوئند مذکور وفات کرد و جنازہ اورا بطهران آوردہ و در مقبرہ ابن بابویہ در جوار شیخ صدوق دفن کردند۔ و فرزند ی بنام سید مہدی از او باز ماند کہ با داماد او حاج سید مرتضی در اواخر عمر او متصدی طبع و تصحیح «ایضاح» بودند۔

### ﴿۱۳۶۴- تولد شیخ محمد عوامی قتل فی﴾

وی بطوری کہ در «الذریعہ ۱۲: ۲۲۲ ش ۱۴۶۶» فرمودہ فرزند ناصر بن نمر و خود از علماء اہل راست کہ شعر ہم می گفتہ و در این سال متولد شدہ و «ارجوزہ فی در رضاع» بنظم آورده کہ نزدیک بصد بیت است، و آن را شاگردش شیخ فرج آل عمران در «الازہار الارحیہ» درج کردہ، و در آن بعد از خطبہ چنین فرمودہ:

وبعد فالاهم فی الاحکام	مسائل الحلال والحرام
لاسیما الرضاع حیث تتشیر	عنه امور لانکاد تنحصر
وتیل ما نظمت من نظام	بسلم الوصول للسلام

الخ۔ و پس از مدت ہفتاد و یک سال عمر در سنہ ۱۳۴۸ ہزار و سیصد و چہل و ہشت وفات کردہ (۱)۔

(۱) شیخ محمد بن نمر مذکور از شاگردان شیخ علی بلادی (۱۲۷۴ ش ۱۹۴ ←

﴿۱۲۶۵﴾ - تولد حاجی شیخ محمد باقر بهاری همدانی ﴿﴾

بهار - بفتح باء موحده وهاء والفاء وراء - قریه ئی است از همدان . و حاجی شیخ محمد باقر (که اورا حاجی شیخ باقرهم می گویند) فرزند محمد جعفر بن محمد کافی بن محمد یوسف ، و خود از علما و فقهاء عصر و در رجال و حدیث تبصری تمام داشته و با اخلاقی فاضله امر بمعروف و نهی از منکر می نموده .

شرح احوال وی در جزء ۱۳ جلد ۱۴ «اعیان الشیعه» نوشته و از آن و برخی از جاهای دیگر چنین برآید که وی در این سال در قریه بهار متولد شده و هم آنجا در مکتب رفته چندی درس خوانده تا صاحب مکتب اورا از آنجا بیرون نموده که وی قابل تحصیل نمی باشد ، و او از جد و جهد بسیار از اجله و فحول علما گردید ، بلکه گویند حضرت سیدالشهدا (ع) در عالم خواب وی را بشارت بمقامات عالیه داده و فهم و حفظی قوی بهم رسانید ، و از اینجا چنین برآید که جد و جهد مدخلیتی عظیم در ارتقاء بدرجات بلند دارد ، چنان که از تقال مروزی و ملا محمد صالح مازندرانی حکایاتی در این باب نقل می کنند .

و بهر حال ، او پس از آن در نزد پدر خود بتحصیل پرداخت و بعد از آن بهمدان رفت و علوم مقدماتی را در مدرسه ملاحسین همدانی در نزد ملا محمد اسمعیل همدانی خواند ، و پس از آن بیروجرد رفت و چندی نزد حاجی میرزا محمود بروجردی درس خواند تا از خواندن

← ص ۲۰۶۹) در قطف و نجف بوده چنانکه استاد مذکور خود در کتابش «انوار البدرین: ۳۷۸» در شرح حالی که برای او منقذ نموده فرموده ، و نیز گوید وی از نجف بقطف بازگشت و در آنجا نیز بتحصیلات خود ادامه داد و برادر صالح اوشیخ حسین نیز مدتی در نجف اشرف درس خواند و بوطن بازگشت ، انتهى . و در حاشیه کتاب مذکور آمده است که صاحب عنوان مجتهدی متصرف و پر هیز کار و نیز حکیمی ماهر و طبیی حاذق بود و حکمت را نزد خلیل بن میرزا صادق فرا گرفت و در روز دوشنبه نهم شوال ۱۳۴۸ وفات یافت ، انتهى م.

سطوح فراغت بهمرسانید ، و در دروس خارج نیز بمرتبه عالیّه نائل گردید . آنگاه هجرت بنجف فرمود و مدت بیست سال در نزد مرحوم میرزای رشتی و حاجی میرزا حسین خلیلی و ملا لطف الله مازندرانی و فاضل شرایبانی و فاضل ایروانی و حاجی شیخ محمد حسن مامقانی و میرزای شیرازی و شیخ محمد حسین کاظمینی و حاجی شیخ محمد طه نجف و ملا محمد کاظم خراسانی درس خواند ، و در سنه ۱۳۰۸ از همه آنها باجازهت روایت سرفراز گردید ، چنانکه هم در آدینه ۲۷ ع ۲ سنه ۱۳۰۲ از مرحوم حاجی نوری روایت نموده ، و در خلال این احوال در خدمت مرحوم ملا حسینقلی همدانی بتهذیب اخلاق و تکمیل نفس پرداخته تا از خواص اصحاب وی گردید ، و پس از فوت او بهمدان بازگشت و بلوازم دینی و وظایف علمی پرداخت ، و کتب بسیاری در حدیث و رجال و غیره تألیف کرد از این قرار :

اول کتاب « ابهی الدرر » در تکمله کتاب « عقد الدرر » در اخبار منتظر تألیف ابو بدر یوسف ابن یحیی شافعی سلمی . دوم کتاب « اعلان الدعوه » در تکمله کتاب « الدعوه الحسینیّه » خودش که اینک ذکر می شود . سیم کتاب « ایضاح الخطا » در قیاب استبداد . چهارم کتاب « ایضاح المرام » در امر امام (ع) یعنی در غیبت . پنجم کتاب « بدرالامه » در جفر ائمه (ع) . ششم کتاب « بسط النور » در ترجمه « کتاب النور » خودش که اینک ذکر می شود ، پارسی . ششم کتاب « البیان » در حقیقت ایمان . هفتم « ترجمه کتاب تسدید المکارم » خودش که اینک ذکر می شود ، پارسی . هشتم کتاب « تسدید المکارم و نفضیح الظالم » در بیان مواردی که در کتاب « مکارم الاخلاق » شیخ طبرسی در چاپ مصر تحریف شده که آنها را بصفحه وسط تعیین کرده و کتاب بزرگی شده و چندین نفر از علماء چون میرزای رشتی و حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و میرزای شیرازی و حاجی شیخ محمد طه و ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی بر آن تقریظاتی نوشته اند ، انجام تألیف آن ع ۱ سنه ۱۳۱۱ . و پس از آن که چندین مرتبه « مکارم » مرقوم در ایران بطور صحیح چاپ شده و در حواشی اشاره ب تحریفات چاپ مصر نموده اند همه ما خود از آن کتاب است ، و شنیدی که خود آن را پارسی ترجمه کرده و نیز کتابی در تلخیص آن نوشته چنانکه بیاید (۱) .

(۱) رجوع بصفحات اول و آخر « مکارم الاخلاق » چاپ سنگی تهران در ۱۳۱۴ ق « فرمائید . م .

نهم «تعلیقہ بر مکاسب شیخ انصاری (ره)». ۱۰- دہم کتاب «تفصیل» در معنی تفضیل در رد عامہ در آنچه در معنی تفضیل بین صحابہ گفته اند. یازدهم «تلخیص رسالہ سید حجۃ الاسلام بیدآبادی در احوال ابراہیم بن ہاشم. دوازدہم «تلخیص رسالہ او در احوال ابو بصیر و اسحق ابن عمار». سیزدہم «تلخیص ہفدہ رسالہ دیگر از او در رجال» بدین تفصیل :

- ۱- «رسالہ اتحاد معویہ بن شریح بامعویہ بن مسیرہ بن شریح». ۲- «رسالہ اصحاب اجماع». ۳- «رسالہ ترجمہ ابان بن عثمان الاحمر». ۴- «ترجمہ احمد بن محمد بن خالد برقی». ۵- «ترجمہ احمد بن محمد بن عیسی». ۶- «ترجمہ حماد بن عیسی جہنی». ۷- «ترجمہ سهل بن زیاد آدمی». ۸- «ترجمہ شہاب بن عبد ربہ». ۹- «ترجمہ عبد الحمید ابن سالم عطار و فرزندش محمد». ۱۰- «ترجمہ عمر بن یزید». ۱۱- «ترجمہ محمد بن احمد راوی از عمر کی». ۱۲- «ترجمہ محمد بن اسمعیل راوی از فضل در اسناد کلینی». ۱۳- «ترجمہ محمد بن خالد برقی». ۱۴- «ترجمہ محمد بن سنان». ۱۵- «ترجمہ محمد ابن عیسی بن عبید یقطینی». ۱۶- «ترجمہ محمد بن فضیل راوی از ابو الصباح کنانہ ثی»، و ۱۷ را در «اعیان» ذکر نکرده لکن در «الذریعہ» یکی از رسائل رجالیہ سید را «ترجمہ حسین ابن خالد» نوشته.

چہار دہم کتاب «تنبیہ بر تحریفات» کہ در کتب مکارم الاخلاق و کشکول شیخ در چاپ مصر نمودہ اند. پانزدہم کتاب «تنزیہ المشاہد» از دخول اباعد، در عدم جواز دخول جنب در مشاہد مشرفہ. شانزدہم «جزئی در قضاء». ہفدہم «جملہ ثی از مسائل فقہیہ در نماز جماعت و لباس مصلی و افعال نماز و نماز مسافر و سہو مأموم و احکام خال و زکوٰۃ و صید و اجارہ». ہیجدہم «حاشیہ بر شرح اقلیہ» کہ تمام نیست. نوزدہم «حواشی بر رسائل شیخ انصاری». بیستم «حواشی بر قوانین میرزای قمی». بیست و یکم کتاب «الدرة الغرورية والتحفة الحسينية» در احوال حضرت سید الشہدا (ع) درسہ جلد کہ آغاز تألیف آن را در نجف نہادہ و از این جہت بدین کلمہ نامیدہ شدہ. بیست و دویم کتاب «الدعوة الحسينية» بسوی مواہب اللہ سنہ در استحباب گریہ بر حضرت سید الشہدا (ع) از طرق اہل سنت، و گذشت کہ نیز تکملہ ثی بنام

«اعلان الدعوه» بر آن دارد. بیست و سیم کتاب «دعوة الرشاد» در مدارك أعمال عباد . بیست و چهارم کتاب «ذیل النور» در تکملة «کتاب النور» خودش که اینک ذکر می شود . بیست و پنجم «رساله در احوال اخطاب خواریزم» ضیاء الدین ابوالمؤید موفق بن احمد بن ابوسعید اسحق مکی حنفی که در حدود (۴۸۴) متولد شده و در صفر سنه ۵۶۸ در خواریزم وفات کرده . بیست و ششم «رساله در امر با علم بانفقاء شرط» . بیست و هفتم «رساله در ترجمه عثمان بن عیسی رؤاسی عامری کلابی» . بیست و هشتم «رساله در تفسیر آیه کن فیکون و این که آن برای اخبار نیست. بیست و نهم «رساله در جمع بین دو فاطمیه» . سی ام «رساله در خصوص دو شهر جابر قا و جابر صا» . سی و یکم «رساله در عدالت» . سی و دویم «رساله در فضل عمار» . سی و سیم «رساله در مختصر و تلخیص تسدید المکارم» خودش که گذشت . سی و چهارم کتاب «روح الجوامع» در رجال . سی و پنجم کتاب «سلاح الحازم» برای دفع ظالم در رد کتاب «تظهير الجنان واللسان» از خطور و تفوه بثلث (۱) معویة بن ابوسفیان تألیف ابن حجر متأخر هبشی . سی و ششم «شرح کتاب قطر الندی و بل الصدی» تألیف ابن هشام انصاری که تمام نشده . سی و هفتم کتاب «الطلع الضیید» در ابطال منع از لعن یزید باذیلی بر آن ، هم در رد ابن حجر مرقوم . سی و هشتم کتاب «العلائم» برای رهنمائی هوائم یعنی سرگردانان در علامات ظهور مهدی (ع) . سی و نهم «فوائد اصوایه متفرقه» در تسامح در ادله سنن و اجزاء و مطلق و مقید و مجمل و مبین و مشتق . چهلم «کتابی در اخبار وفات حضرت رسول (ص)» . چهل و یکم «کتابی در استحالة توقیت ظهور حضرت حجت (عج)» . چهل و دویم «مسائلی در اصول» . چهل و سیم کتاب «مستدرک الدر» . چهل و چهارم کتاب «مطلع الشمسین» در فضل حمزه و جعفر ذوالجناحین (ع) . چهل و پنجم کتاب «نثار اللباب» در بوسیدن أعتاب ، در اثبات استحباب بوسیدن (تقبیل) آستانه در مشاهده مشرفه . چهل و ششم کتاب «النور» در اخبار امام مستور (ع) ، و گذشت که خود آن را پیاری ترجمه کرده و ذیلی هم بر آن نوشته . چهل و هفتم کتاب «وجیزه» در رغبت.

(۱) قال فی «تاج العروس» : (ثله یثله) ثلباً ، من باب ضرب (لامه و عابه) . بخط

مؤلف «ره» .

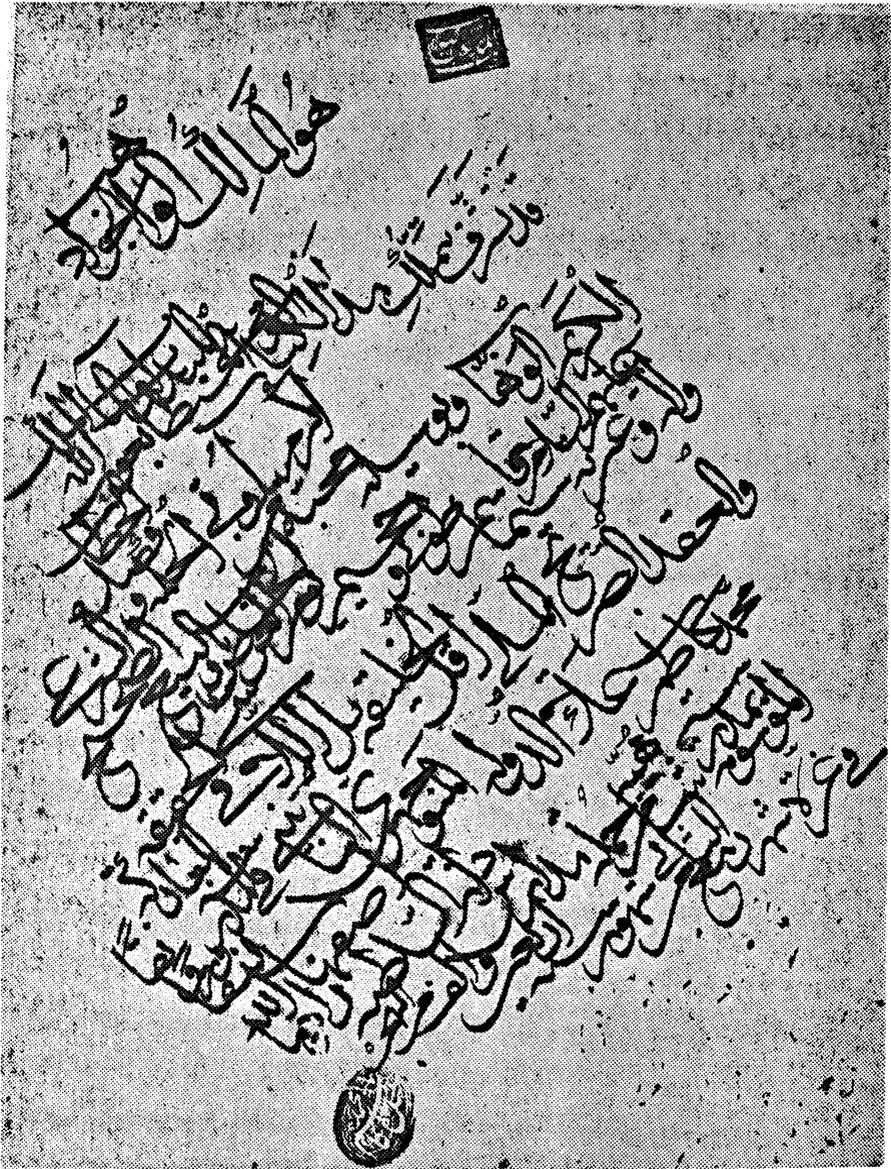
و روایت می کند از او مرحوم آقا شیخ محمد رضاء نجفی (ره) که در (۱۲۸۷) بیاید. و آن جناب در اواخر ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۳ هزار و سیصد و سی و سه - مطابق سرطان ماه برجی - در همدان وفات کرده و هم آنجا دفن شد و اینک قبرش آنجا معروف است. در «أعیان» گوید: در سنه ۱۳۵۳ من در سفر مشهد در قریه بهار فرزند وی شیخ محمد حسین را دیدم و از من اجازت خواست و من او را اجازت دادم و آنجا همان شیخ رضاء بهاری برادر صاحب عنوان بودم (۱).

### ﴿۱۲۶۶﴾- تولد حاج میرزا محمد حسین نائینی غروی ، (ره) ﴿﴾

وی فرزند حاج میرزا عبدالرحیم شیخ الاسلام بن حاج میرزا محمد سعید بن حاج میرزا عبدالرحیم نظرعلیشاه منوچهری نائینی است .

مرحوم نظرعلیشاه در (۱۲۴۰ ج ۴ س ۵۸۰) گذشت . فرزندش حاج میرزا محمد سعید بعد از پدر شیخ الاسلام نائین گردید و هم پس از فوت در نزد او دفن شد ، چنانکه در «تاریخ نائین ۱: ۱۱۸» نوشته ، و همانا وی چهار پسر و هشت دختر داشته که اسما هریسک

(۱) دیگر از آنکه شرح حال مرحوم بهاری صاحب عنوان : ۱- «تقباة البشر: ۲۰۱ بعد» که در آنجا فهرست اسامی تألیفات او را بنقل از خط خودش که بمؤلف نوشته ذکر کرده. ۲- «بزرگان و سخن سرایان همدان ۲: ۵۱-۵۲» که در آنجا وفاتش (بسال ۱۳۳۲ هـ ق) بنقل از مشار نوشته شده و اشتباه است . ۳- «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۴۵-۴۶» که آقای حاج مشار بنج تألیف چاپ شده از او یاد کرده: ۱- «ایضاح الخطا» ۲- «تسدید المکارم» ۳- «درة النجفیه» ۴- «احوال اخطب خوارزم» ۵- «الطلع النضید» . لکن در نسبت «الدرة النجفیه» اشتباه کرده است زیرا این کتاب تألیف میرزا محمد باقر همدانی شیخی صاحب کتاب «اجتناب» است نه صاحب عنوان . خداوند بیجناب مشار جزای خیر دهد . م.



خط یکی از قدماء فضلاء خاندان منوچهری نائینی درظهر نسخه فی از «قواعد» علامه حلی

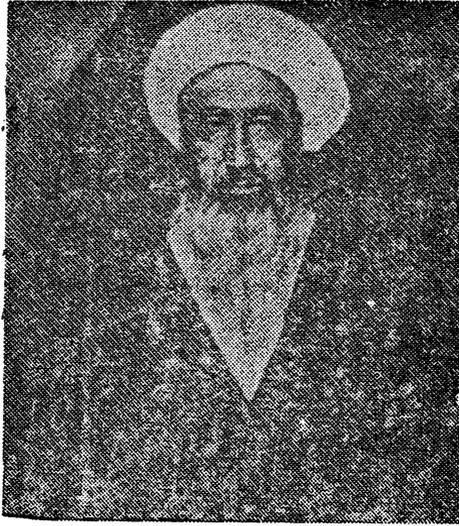
را با اولاد و احفاد چندی در (ج ۴ ص ۵۱ تا ۵۳) بشرح نگاشته، و از آن جمله فرزند دومی او میرزا علی‌محمد صدرالعلما است که در (ص ۵۲) اعقاب او را نوشته، و یکی از آنها مرحوم میرزا جعفر خان شیخ الاسلامی فرزند میرزا محمود نظام‌الشریعه ابن میرزا محمد سعید صدرالعلما - که زوجه اش حسینه خانم دختر حاج میرزا محمد مترجم «احقاق الحق» (۱۳۰۵) بوده - ابن میرزا علی محمد مرقوم بود که وی جوانی هیجده ساله و در غایت هوش و ذکاوت بود و در تحصیل علوم جدی تمام داشت و در ۲۴ ع ۲۷۰ سنه ۱۳۷۰ در مدرسه کاسه گران ملاقاتش دست داد که در دبیرستان سعدی کلاس چهارم درس می‌خواند، ولی افسوس که در چندی قبل از این در اصفهان بیمار و برای معالجه بطهران رفت و آنجا در شب ۵ شنبه ۹ محرم اینسال ۱۳۷۱ وفات کرد، رحمة الله علیه.

و پسر سیم وی میرزا صادق صدرالشریعه است که مردی با فضیلت بوده و سه پسر داشته که همه در (ص ۵۳) نوشته شده‌اند. و چهارم شیخ محمد حسن معین‌الاسلام است که در طریق و ارستگاری و عرفان قدم نهاد و در (ص ۵۳) گوید: در میان فرزندان شیخ بزرگ تنها او بود که در سلوک مسلک تصوف وارد رویه پدر شد، و پسر از آن اعقابی از او آورده.

و بالاخره، فرزند اول حاج میرزا محمد سعید: مرحوم حاج میرزا عبدالرحیم شیخ‌الاسلام است که از علما و معاریف نائین بوده و نه فرزند آورده: هفت پسر و دو دختر که در (ص ۵۱ و ۵۲) اسامی آنها و بعضی از اولاد و احفاد آنها را نوشته، و از آن جمله: پسر اول او مرحوم صاحب عنوان است که به میرزای نائینی مشهور و از اجله علما و فقهاء محققین و افاضل فضلا و مدرسین اصول فقه در نجف اشرف بود، و سالها در آن زمین مبارک در این علم تدریس می‌نمود و جماعتی کثیره بدرس وی حاضر و امروز بسیاری از آنها از حوّه علماء فرقه شیعه بشماراند. و با اینهمه خطی لایح و انشائی فصیح داشته.

شرح احوال وی در کتاب «احسن الودیعه ۲: ۹۶ و ۹۷» و «تاریخ نائین ۱: ۱۸۸ و ج ۲: ۱۰۱ تا ۱۰۴ و ج ۴: ۵۱» و «فهرست کتابخانه رضویه ۵: ۵۵۸» و بعضی از مجلدات منفرقه

«الذریعه» نوشته (۱)، واز آنها چنین برآید که : وی در اینسال - بنص «الذریعه ۶:ش ۸۰۹» -



مرحوم آیه الله حاج میرزا محمد حسین نائینی

- (۱) دیگر از ماخذ شرح حال مرحوم میرزای نائینی : ۱- «ماضی النجف وحاضرها ۳: ۳۶۴» ۲- «نقباء البشر: ۵۹۳ - ۵۹۶» ۳- «ریحانة الادب ۴: ۱۶۲» ۴- «زندگانی آیه الله چهارسوقی : ۶۰ و صفحات دیگر» ۵- «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۷۷۳» ۶- «معارف الرجال ۱: ۲۸۴-۲۸۸» و ۷- «معجم رجال الفكر والادب فی النجف الاشرف : ۴۳۵» ←

متولد شده، و مادر وی و چهار برادری که هر یک از وی بترتیب کوچکتر اند (چنان که در تاریخ نائین ۴: ۵۲۲ فرموده) دختر حاج میرزا علی اکبر بوده. و مرحوم میرزا نخست در اصفهان در نزد مرحوم حاج شیخ محمد باقر نجفی (۱۲۳۵ ج ۳ ش ۴۸۹) و میرزا ابوالمعالی کسرباسی (۱۲۴۷ ج ۴ ش ۶۹۹) درس خوانده و آنگاه بعبثات رفت (۱) و آنجا نخست در سامره در نزد میرزای شیرازی وسید محمد فشارکی و بعداً در کربلا نزد آقای صدروسپس در نجف نزد آخوند خراسانی سالها تحصیل نمود تا خود را از اعظم علما و محققین فقها گردید، و در موقعی که مشروطه خواهی در ایران پیدا شد وی مانند آخوند مرقوم از طرفداران این نهضت بود چندان که رساله‌ای چنان که ذکر می‌کنیم در این باره تألیف فرمود و البته بدین سبب مخالفین مشروطه نظر خوبی بوی نداشتند. و وی بعد از وفات حاج میرزا محمد تقی شیرازی و آقای شریعت مرجعیت نامه بلکه ریاست عامه فرقه شیعه را بهم رسانید، چنان که در آن زمان ریاست تقلید و ایصال سهام امام و سایر مهمات و احکام فقط بوی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا ضیاءالدین عراقی و حاج شیخ عبدالکریم یزدی انحصار یافت. و چون دولت عراق که بهجاهدیت و اهتمام علماء شیعه استقلال بهم رسانیده بود خواست انتخابات مؤسسان فراهم کند و مرحوم حاج شیخ مهدی خالصی آنرا منافی با استقلال آن مملکت می‌دانست فتوی بر حرمت آن داد و باین نتیجه دولت عراق وی را در شب ۳ شنبه ۱۰ ذی القعدة الحرام ۱۳۴۱ بهجواز و ایران تبعید کرد (۲)، مرحوم میرزا و آقا سید ابوالحسن اصفهانی بر این عمل دولت اعتراض کردند و هر دو در اواخر ذی القعدة بطرف ایران معترضانه حرکت نمودند و چندین ماه در ایران ماندند. و چون عمل دولت عراق در ممالک اسلامی اثری بد پیدا کرد ناچار دولت در این اقدام تجدید نظر نموده و علما را ب عراق

← تألیف عالم فاضل محقق صدیقنا الحاج شیخ محمد هادی امینی نجفی (سلمه الله تعالی) و ایشان تاریخ تولد میرزا را بدون ذکر مأخذ بسال (۱۲۷۳) نوشته‌اند م.

(۱) در «نبا» گوید: وی بسال (۱۳۰۳) با اتفاق مرحوم آقا سید محمد باقر درجه ثی

(۱۲۶۴ ج ۴ ش ۱۰۷۲) بعراق مهاجرت کرد م.

(۲) چنانکه در شرح حال مرحوم خالصی (ش ۱۳۴۹ ص ۲۱۴۷) گذشت م.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالة شریفه تدبیراً بالانہ و تشریحاً بالملة کہ اذا فاضت حیاةنا  
شریعت مدار صفوة الفقهاء و المجتہدین ثقت الاسلام و المسلمین  
العالم النامل افاضتہ کتب الثانیة الغروی دامنا فاضلتنا اجل  
از مجتہد و مشروران کہ انشاء اللہ تعالیٰ بتعلیم و تعلیم و تہذیب و تہذیب  
ما خود بودن اصول شرطین از شریعت بحقه استغناء و حقیقتہ  
کلمہ مبارکہ بمؤالاتکم علیکنا اللہ مطالذیننا و اصلح ما کان قدماً  
من دنباؤنا بعین الیقین ادراک نماہند انشاء اللہ تعالیٰ

فی شہر ربیع الاول سنہ ۱۳۲۷

حرره الاحقر الحاج محمد کاظم الخراسانی

محل تہذیب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجاء اللہ تعالیٰ حق ثابت و رسالہ شریفہ تدبیراً بالانہ و تشریحاً بالملة بحیاةنا  
مرقوم فرمودہ انداجل از مجتہد و راہی کجبل عقاید و مضد حق و عملاً  
مسلمین بما خود بودن تمام اصول و مبانی سباسبہ اذین فویلم لا  
کافی و فوق ما موقوت قللہ در مصنفہ المحقق و جزاء عن الاسلام و علیہ  
خبر و کفر فی الفقهاء و المجتہدین امثالہ مجتہد و الہ الطامین حلوا  
اللہ علیہم اجمعین

فی شہر ربیع الاول سنہ ۱۳۲۷

حرره الاحقر محمد کاظم الخراسانی

محل تہذیب

دو تقریظ چاپ شدہ در سر آغاز «تبیہ الامہ»

نبیہ الامہ **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** وَتَزِيهِ الْمَلَّةَ  
 المجدد رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الاولین والآخرین  
 خانم الانبیاء والمرسلین محمد ذالہ الظاہرین ولعنہ اللہ علی خلائمہم  
 الجحیمین الی یوم الدین  
 و بعد مطلقین بر و اویج عالم فاشند کہ مصلح مسیحہ و از و ایمان قبل  
 از جنک صلیب چنانچہ از تمام شعب حکمت علیہ بی ضعیف بودند  
 همین قسم از علوم تمدنیہ و حکمت عملیہ و احکام سیاسیہ ہم با واسطہ  
 عدم تشریح آنها در تشریح سابقہ و با اذکر ذکر تخریب کتب متناوبہ و  
 دو رکعت نبودن آنها بی یومر بودند و بعد از آن واقعہ عظیمہ عدم  
 فوژ شانرا بقصد بیدار شدن و بی علی خود مستند افشاند مصلح ابن  
 املا اللہ منہم المقاصد خود تخریب داده و غاشطانہ و دو مقام طلبی  
 اصول تمدن و سیاسیات اسلامیہ را از کتابت سنت خرامین صادر و  
 از حضرت شاه و کاتب علیہ فضل الصلوة والسلام و غیرها اخذ و در  
 سابقہ خود منصفانہ بدان عنایت و حضور عقل نوع بشر از وضو  
 بان اصول و اسناد تمام تر قبایح فوق العادہ حاصل کرد و کثیر از نصف  
 قرن اول را مباحث پیچیدی ان اتمرد کردند لکن حسن ماریت شد  
 وجودت استنباط و استخراج انان و با عکس کبر و فہمائی و کفرنا  
 اسلامیان بذل و قیبت و اسارت طواغیت امت و معرضین از کتابت  
 سنت طالب امر پیچیدہ از ایمان نتیجہ مشہودہ و طالب طالب منہنی ساخت  
 خطہ میاد و از جنبہ سابقہ ہم نند و بجا فراموش و تمکین نفوس اینہ  
 از چنین اسارت و در قیبت و حشاشہ از او از اسلامین پیدا شدند و از این  
 در اسکا مشرط با تمدن و عدالت کہ سرچشمہ ز قبایح متاخر و با صفت  
 مشط

صفحه اول کتاب «تبیہ الامہ» آیت اللہ نائینی



دعوت نمود و خالصی در مشهد ماند ولی میرزا و آقا سید ابوالحسن در ۴ شنبه ۱۸ ماه رمضان

سنه ۱۳۴۲ بعراق عرب برگشتند و بیش از پیش براهبیت مقام این دونفر افزود (۱).  
 و مرحوم میرزا کتب چندی تألیف کرده : اول «حاشیه بر کتاب العروة الوثقی» آقا سید محمد کاظم یزدی (ره) . و دوم کتاب «وسيلة النجاة» که رساله عملیه مختصری است در ابواب عبادات و معاملات از اول باب تجارت تا آخر باب میراث بر اساس و ترتیب «تبصرة علامه» که آنرا تحریر و تطبیق با فتاوی خود نموده ، انجام تألیف آن ۶ ماه رمضان سنه ۱۳۴۰ .  
 سیم «رساله فی درلباس مشکوک» که در سنه ۱۳۱۵ تألیف کرده (۲). چهارم کتاب «تنبيه الامة و تنزيه المله» در لزوم مشروطیت ایران که گذشت (۳).

و او روایت می کند از چند نفر: اول مرحوم حاجی نوری (ره) . دویم حاج شیخ محمد طه نجف . سیم حاج میرزا حسین خلیلی ، و این دونفر اخیرا میرزا محمد علی اردو- بادی در «اجازه شیخ حسین آل محفوظ» ذکر کرده .

(۱) عظمت مقام صاحب عنوان در اینست که مؤلف «نقبا» گوید : او مردی بود باورع و تقوی و صلاح ، بی اعتناء بحطام دنیوی و حصول ریاست ، هر گاه بنمازمی استاد بدنش می لرزید و اشک چشمانش بصورتش جاری می شد ! انتهى . **رحم الله معشر الماضین . م.**  
 (۲) آخرین تحریر «لباس مشکوک» مرحوم میرزا در سال ۱۳۵۸ بضمیمه جلد دوم «منیة الطالب» مرحوم آقا شیخ موسی خونساری «از ص ۲۲۸ تا ۳۰۵» چاپ سنگی شده و در این اواخر نیز تجدید طبع گردیده ، لکن چون نام آن را روی جلد کتاب نوشته اند مسئله چاپ رساله «لباس مشکوک» برفهرست نویسان زمان معلوم نگردیده است . م.

(۳) این کتاب در گرما گرم فتنه و اوج زمامداری مراجع روحانی نوشته شده ، تاریخ ختم تألیف ربیع الاول ۱۳۲۷ چهار ماهی قبل از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری (ج ۵ ش ۹۵۳) بوده و پس از این واقعه جانگذاست که حقایق معلوم گردید و تأثیر این تنبیه را از زبان یکی از علماء نجف اشرف باید شنید ، مرحوم شیخ محمد حرزالدین در «معارف الرجال» ضمن شرح مبسوطی که در انگیزه نوشتن این رساله و بطور کلی مداخله علماء اعلام در این گونه امور نوشته گوید : زمانی که مرحوم میرزای نائینی مرجعیت تقلید یافت امر کرد تا نسخ این کتاب را که قریب دوهزار بیت کتاب دارد جمع آوری کردند و آخر الامر هر نسخه از آنرا یک لیره طلا خریداری می کرد و بعضی گفتند که تا پنج لیره عثمانی هم بهای آنرا می داد چه او را ثروتی کلان بود ، انتهى . فاعتبر و یا اولی الابصار . م.

وچنان که گذشت چندین نفر از علماء اعلام از برآمدگان مدرس مبارک اویند : اول ، سید ابوالقاسم خوئی (۱۳۱۷) . دویم شیخ حسین بن علی حلی صاحب «رسالة اوضاع لفظیه» که آنرا در سنه ۱۳۳۸ تألیف کرده (۱) . سیم شیخ محمدعلی کاظمینی (۱۳۰۹) . چهارم شیخ محمد ابراهیم کلباسی (۱۳۲۲) . پنجم میرزا محمد باقر زنجانی (۱۳۱۲) .  
و نیز چند نفر از او روایت میکنند : اول آقا سید محسن حکیم طباطبائی . دویم شیخ عبدالنبی عراقی نجفی . سیم آقا میرزا محمدعلی اردوبادی (۱۳۱۲) .  
و بسیاری از این بزرگواران تقریرات دروس آن استاد را در تحریر نموده و از آنها کتبی بوجود آورده اند .

و او در اواخر عمر بسبب نگرزباد یا اثر زکام نزل سامعه بهم رسانید بطوری که تکلم با او خالی از صعوبتی نبود ، تا بالاخره در جمعه بیست و ششم ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۵۵ هجری رسید و پنجاه و پنج چنانکه در الذریعه ۶: ش ۸۰۹ غیر از تهیین هفته (۲) فرموده -

(۱) آیه الله شیخ حسین حلی از بزرگان علما و مجتهدان نجف اشرف بود . ولادتش را در «نقا: ۳: ۶۰۳» حدود (۱۳۰۹ق) و در «معجم رجال الفکر: ۱۳۸» در عین این سال نوشته ، و وفاتش گویا در اوائل شوال ۱۳۹۴ در نجف اشرف واقع شده ، چنانکه از «روزنامه اطلاعات» مورخه ۴شنبه ۷ شوال مطابق ۱/۸/۵۳ش» مستفاد میشود و مجلس ترجمش فردای آن روز در مسجد سید عزیز الله تهران منعقد بوده است . م.

(۲) یعنی در آنجا روز هفته را ننوشته و فقط گوید (متوفی بنجف در ۲۶ج ۱/۳۵۵) ، و در «نقا: ۵۹۵» بیست و ششم را روز شنبه قید نموده ، و در «معارف الرجال: ۲۸۸» پنج ساعت از روز برآمده شنبه ۲۶ و در «ماضی النجف ۳: ۳۶۵» بیست و پنجم جمادی الثانیه نوشته که این دیگر هم در روز وهم در ماه خطای محض است . والد راقم این سطور مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی در نامه ئی که برای عم خود مرحوم آیه الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۱۲۹۴) از نجف اشرف باصفهان فرستاده و تاریخ آن نامه « پنجشنبه ۲۵ شهر جمادی الاولی ۵۵» میباشد درباره استادش صاحب عنوان چنین نوشته است : «حضرت آیه الله نائینی ←



مطابق ۲۳ مرداد ماه باستانی - در نجف وفات کرد و در یکی از حجرات صحن مطهر دفن شد، و... هیچ در ایران مجلس ترحیم و تعزیت برای او گرفته نشد (۱) .

← (دام ظلّه) هم خیلی این اوقات کسالشان شدت نموده و تا یکدرجه تقریباً مایه یأس شده ...» .

و آیه الله چهارسوقی در پاسخ چنین نوشته اند: «از فوت مرحوم آیت الله نائینی در تاریخ شنبه ۲۶ ج ۱ که در «روزنامه ایران» نوشته بود یکدنیا ملول شدم، واقعاً ثلمه بزرگی رسید، با اوضاع حاضر و این پیش آمد ناگوار نیست مگر از ضعف طالع مسلمین». و مرحوم والد در پاسخ این نامه که در (۲۶ ج ۲) تحریر نموده گوید: «فوت مرحوم آیه الله نائینی در اواسط یوم شنبه بیست و هفتم شهر ماضی که حقیقه موجب تأسف و تلهف بسیار گردید و ثلمه بزرگی در عالم دیانت و تحصیل حادث شد» .

**بالاخره** ، از مجموع آنچه گذشت مستفاد میشود که فوت آن مرحوم در روز شنبه مسلم است و فقط در اثر اختلاف در رؤیت هلال ماه جمادی الاولی شنبه را بعضی ۲۶ و برخی ۲۷ دانسته اند و حتی در تقویم آن سال نیز این اختلاف مشهود است ، مرحوم حاج میرزا احمد منجم باشی در «تقویم» خود شنبه را بیست و هفتم و آقای سید جلال الدین طهرانی در «تقویم» خود شنبه را بیست و ششم نوشته اند ، «تقویم پارس» نیز ۲۶ دانسته ، و مرحوم معلم بدون توجه باین اختلاف ۲۶ را نظر بقول دوم جمعه دانسته و لذا آنرا مطابق ۲۳ مرداد ذکر کرده است که البته این هم اشتباه بوده ، و بپهر حال قول صحیح در فوت آیه الله نائینی پیش از ظهر روز شنبه ۲۴ مرداد ۱۳۱۵ شمسی هجری می باشد که مطابق ۲۶ (یا ۲۷) جمادی الاولی ۱۳۵۵ بوده است . قدس الله تعالی روحه م.

(۱) مرحوم آیه الله چهارسوقی در نامه یاد شده خود پس از ذکر فوت صاحب عنوان چنین نوشته اند : « در طهران از قراریکه در روزنامه یومیه بود فقط روز سه شنبه سلخ (۲۷) مرداد) در مسجد شاه مجلس ترحیمی منعقد شده ، شنیدم در قم هم مختصر مجلسی آقای حاجی شیخ تشکیل داده اند ، در اصفهان مطلقاً رخصت ندادند ! از قرار مذکور آقای آقا میرسیدعلی نجف آبادی بزرگوار و دوساعت در مدرسه صدر خیلی باختصار فاتحه گرفته اند...» انتهى .  
و مقصود از آقای حاجی شیخ مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ش ۱۳۳۰ ص ۲۱۱۸) است که آن بزرگوار نیز خود شش ماهی بعد وفات یافت ، و بمصداق حقیقی «اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمة لا یسد هاشیء الی یوم القیمة : بحار ۲: ۴۳» با ازدست رفتن این ←

و چنانکه در «تاریخ نائین ۴: ۵۱» نوشته چهار فرزند از وی بازماند: اول میرزا علی

— دوم مرجع متنفذ عالیقدر اسلام لطمه های شدیدی بجهان تشیع وارد آمد که هیچگاه جبران پذیر نخواهد بود.

اما تأثیر فوت مرحوم نائینی در نجف اشرف بنحودیگری بوده، والد اینجانب در نامه دوم خود چنین نوشته است: «تشییع جنازه مرحوم آیه الله نائینی و مجالس فاتحه ایشان خیلی اینجا با اهمیت شد و انصافاً نجفی ها خیلی همت نمودند، برای کمتر کسی اینطور اقدامات شده است. مدفن ایشان در صحن مطهر حجره مرحوم آقای آقا سید محمد فشارکی (اعلی الله مقامه) گردید» انتهى. در کتب تراجم یاد شده نیز بهمین کیفیت ها نوشته اند. در «نقبا» گوید وی در این اواخر علیل ورنجور شده بود و برای معالجه بیغداد رفت و حکومت عراق توجه بسیار کرد و قصری در اختیارش گذارد و جمعی از پزشکان رسمی را بدرمانش گمارد اما فایده نمی نکرد و من در آخرین ایام حیاتش از او در آنجا عیادت کردم و روز شنبه (۲۶ ج ۱) برحمت ایزدی پیوست و جنازه اش بنجف حمل شد و آن روز بزرگی بود، و عالم پرهیزکار شیخ علی قمی او را غسل داد و آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی بر او نماز گذارد، «تا آنکه گوید: مجالس ترحیم بی شمار برای آن مرحوم منعقد شد و «جریده الکرخ» یک شماره خود را بعنوان یادنامه وی اختصاص داد و مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطا و جمعی از شاگردان او فضلا و شعرا نظماً و نثراً در آن نشریه مقاله نوشتند، و مراسم چهلمین روز در گذشت وی هم بسیار عظیم بود، و سید علی نقی نقوی هندی نیز که از شاگردان آن مرحوم بود شرح حال مبسوطی برای وی در «مجله الرضوان» هند در سه شماره متوالی نگاشت و حق آن استاد را بخوبی ادا کرد. پایان کلام «نقبا». و لکن مؤلف «معارف الرجال» گوید که صاحب عنوان در پنجمین ساعت روز شنبه (۲۶ ج ۱) در نجف وفات یافت و عمرش از هشتاد افزون بود و جنازه اش را بر نهر ملک غازی اول در بحر نجف غسل داده سپس آنرا بسوی نجف اشرف حمل کردند و از دروازه شرقی شهر وارد و در حالی که بازارها تعطیل و همه طبقات مردم نجف در تشییع حاضر بودند آقایان طسلا ب علوم دینی جنازه را تا صحن مقدس غروی حمل و در حجره دوم از زاویه جنوب شرقی دفن نمودند، الخ. و ملاحظه می شود که صاحب «نقبا» —

آقا که نامش در «الذریعه ۱۴: ۱۸۴ ص ۱» برده شده (۱) . دویم میرزا محمد . سیم میرزا مهدی ، و هرسه بعثت کسالت مزاج از تحصیل بازماندند . چهارم دختری که زوجه یکی از علماء همدان شد ، انتهى .

و دیگر از شاگردان صاحب عنوان با ملاحظه عدد آنچه گذشت : ششم شیخ حسن دجیلی (۱۳۰۹) (۲) .

← وفات رادر بغداد و «معارف» و «ماضی النجف» همانند متن در نجف نوشته اند . اما اینکه «معارف» سن آن مرحوم را بیش از هشتاد سال دانسته از روی حدس و تخمین بوده و اشتباهست ، والله العاصم .

(۱) در «ماضی النجف و حاضرها ۳: ۳۶۵» گوید : مرحوم آیه الله نائینی سه فرزند از خود بجای گذاشت که بزرگترینشان میرزا علی است که از اهل علم و فضل و گوشه گیر از مردم و کم معاشرت و در تحصیل کوشا و از خوش نامی برخوردار است ، انتهى . در «تقیاء البشر» و «معارف الرجال» نیز میرزا علی آقا را بعلم و فضل ستوده اند ، و در «معجم رجال الفکر و الادب» او را عالمی جلیل و مجتهدی فاضل دانسته و از تألیفاتش «تقریرات اصول» درس پدر بزرگوار و «مباحث لفظیه» و «شرح کفایه» و نوشتجاتی در فقه و اصول را بسر شمرده و ولادتش را در (۱۳۲۹ ق) ضبط کرده است ، و نیز از دو نفر فرزند ایشان آقایان میرزا عباس (متولد ۱۳۵۸) و میرزا جعفر (متولد ۱۳۶۲) ببنیکی یاد کرده و فضل و کمالشان را ستوده و تألیفاتی از آنان ذکر کرده است . بموجب اعلانات ترحیم مندرج در «روزنامه اطلاعات مورخه پنج شنبه ۲۲ و شنبه ۲۴ شوال ۱۳۹۷» آیه الله حاج میرزا علی آقا نائینی بدنبال کسالتی ممتد در تهران (ظاهرأ در چهارشنبه ۲۱ شوال ۹۷) وفات یافته و مجالس ترحیم متعددی باین مناسبت در مسجد سید عزیر الله و مسجد ارك برگزار شده است .

(۲) مخفی نماند که شاگردان صاحب عنوان از حد احصاء خارجند و این شش نفر از بزرگانیه که مؤلف ذکر نموده بالخصوص اسماء آنان را در مواضع متفرقه «الذریعه» و غیره یافته است ، چند تن نیز در «تقیاء» و «معارف» و مواضع دیگر یاد شده اند که از جمله مشاهیرشان مرحوم شیخ موسی بن محمد خوانساری نجفی (متوفی ۱۳۶۳) است که تقریرات درس ←



### ﴿وفات ميرزا محمد رضا ميرزا ، افسر قاجار﴾

شرح احوال اودر (۱۲۱۱ج ۲ص ۴۰۰ش ۱۶۵) گذشت .

### ﴿(۱۳۶۷- تولد صدرشاعر شوشتري)﴾

وی شیخ محمد رضا بن ملاحسین و خود معروف به صدرالذاکرین بوده و در اشعار تخلص صدرمی نموده ، وهمانا در این سال - چنان که در «الذریعه ۹: ۴۰۴ ش ۴۳۲۳» فرموده - متولد شده ، و «دیوانی در اشعار» دارد که آن را شیخ محسن بن شیخ محمد بن ملا جعفر بن شیخ محمد باقر شرف الدین شوشتري جمع کرده و این شیخ محسن نواده دانی صاحب عنوان بوده ، چه مادر او دختر شیخ محمد باقر مذکور بوده پس ملا جعفر دانی او شیخ محمد پسر دانی و شیخ محسن نواده دانی اومی شده و برادر صاحب عنوان ملاحسن ملهم بوده که در (۱۳۰۰) بیاید.

← فقه و اصول استاد خود را نوشته و تقریرات متاجرش بنام «منیة الطالب فی حاشیة المکاسب» بضمیمه «رسالة فی قاعدة لاضرر» از خود او و «رسالة فی حکم اللباس المشکوک» از صاحب ترجمه بسال ۱۳۵۸ در نجف اشرف در دو مجلد طبع و منتشر گردید .

و از جمله آنان والد این جانب مرحوم سید محمد هاشم علامه روضاتی (۱۳۱۹- ۱۳۵۶) است که در دو سال آخر حیات آن مرحوم از مجلس درسش استفاده نموده مقداری از تقریرات آن دروس را نیز برشته تحریر کشید که اینک موجود است .

همچنین کسانی که از آن عالم بزرگ اجازه روایت داشته اند بسیارند ، و سند روایت راقم این سطور محمد علی بن محمد هاشم روضاتی نیز بواسطه چند تن از علماء اعلام و مراجع عظام بآن مرحوم می پیوندد . م.

### ❦ (۱۳۶۸- تولد شیخ، محمد شریف اردوبادی، ره) ❦

وی فرزند آقا احمد اردوبادی و خود از علماء متقین و ساکن نجف بود و در این سال متولد شده و کتابی بنام «ارشاد المتقین» در علم اعداد بطور رمز تألیف کرده نزدیک به چهار هزار بیت که در «الذریعه» فرماید: تاکنون بجلد در نیامده، و پس از مدت هفتاد و پنج سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۲ هـ از وی صد و پنجاه و دو، با تجرد از اهل و عیال در نجف وفات کرد (۱).

### ❦ (۱۳۶۹- تولد حاج سید محمد علی گلستانه اصفهانی) ❦

وی بطوری که در کتاب «ضمیمه تاریخ علماء خراسان: ۲۹۹ ش ۱۱۵» نوشته از علماء بزرگوار عصر حاضر در مشهد مقدس رضوی (ع) بوده، و همانا در این سال در کربلا متولد شده و پس از پایان تحصیلات بآرض اقدس رضوی آمده و آنجا اقامت نموده و بترویج احکام و اقامت جماعت پرداخته و در مسجد کله واقع در کوسچه چهنو مردم از فیوضات جماعت او استفاده می کردند و تألیفاتی هم دارد: اول کتاب «تحفة الامامیه». دوم کتاب «الوسائل» (۲).

(۱) جای تعجب است که شیخنا العلامه صاحب «الذریعه» در کتاب «نقباء البشر» یاد از صاحب عنوان نکرده اند و محقق امینی هم که در «معجم رجال الفکر و الادب فی النجف الاشرف»: ۴۷ ذیل عنوان (الاوردبادی) سطری درباره او نوشته اند تنها بنقل از «ذریعه» است. م.  
(۲) کتاب فارسی «تحفة الامامیه فی اثبات الحق و ازهاق الباطل» جلد اول آن طی ۴۲۴ صفحه و زیری بسال ۱۳۴۱ ق در مطبعه نادری بمبئی چاپ سنگی شده است و در سر آغاز آن صورت اجازة روایتی مرحوم حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا خلیل رازی نجفی ←

وزیاده ازده مرتبه بمکه معظمه مشرف شده ، وبا پدرمؤلف کتاب ضمیمه نهایت دوستی داشته ووی را وصی خود نموده وهر روز در منزل خود روضه خوانی میکرد ، تا آخر در دوشنبه شانزدهم ماه رمضان المبارک سنه ۱۳۶۱ هز اروسید و شصت و یک - مطابق ۶ مهرماه باستانی وفات نموده و در صحن نومقدس در ایوان طلای مبارک دفن شد . انتهی بتغییر بسیر .

← (۱۲۳۰-۱۳۲۶) بمؤلف که تاریخش ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۵ میباشد بطبع رسیده و در آنجا از وی با القاب و عناوین علمی و شرعی تجلیل بجزاشده مانند «جناب العالم الربانی الید محمد علی اصفهانی المسمی باسم اید المرحوم ...» که معلوم میشود در آن تاریخ که مجاز ۳۸ ساله بوده پدر وی حیات نداشته و پدر هم محمد علی نام داشته چنانکه خود نیز در چند موضع از کتاب گوید : «سمی الاب محمد علی الموسوی الملقب بگلستانه» ، و شاید در او ان تولد یا حتی پیش از تولد وی پدرش وفات یافته بوده و چنانکه مرسوم است نام او را بر فرزند نهاده اند . همچنین از مطالب بالا معلوم شد که وی از سلسله سادات موسوی اصفهان و مشهور بگلستانه و متولد کر بلائی معلی بوده و پس از مدتی تحصیل در عتبات عالیات بمشهد مقدس هجرت نموده و در آنجا مقیم شده و تألیفاتش را نیز در همین مکان شریف نگاشته . پس اینکه در «نقباء البشر: ۱۳۱۲» فرموده اند : «وی از سادات معاصر ما است در اصفهان» مسامحه نمی رفته و وجهی ندارد ، و بهمین قیاس باشد آنچه در کتاب «دانشمندان و بزرگان اصفهان: ۱۸۵» آمده که وی در اصفهان نیز تحصیل کرده است ، فلا تغفل !

و شایان توجه اینکه سادات گلستانه مشهور چنانکه در احوال مورخ الاسلام (۱۳۰۰) یابد از نژاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده اند و صاحب ترجمه خود را از اعقاب حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) دانسته . بهرحال ، تقریظ بلیغی نیز از مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (۱۲۷۸-۱۳۶۹) در صفحه آخر کتاب تحفه چاپ شده ، و آقای حاج مشار ، هم در «فهرست» و هم در «مؤلفین ۴: ۳۵۷» نوشته اند که این کتاب تحفه باردیگر نیز در بهمنی بسال ۱۳۶۴ ایضاً طی ۲۴ صفحه چاپ سنگی شده است ، و الله العالم . باری ، نسخه چاپی ماجلد اول کتاب است مشتمل بر مقدمه می در تعریف عقل و شرحی درباره اسماء ←



← حسناى الهى وبعد اصل اول در توحيد و دوم در نبوت و سوم در امامت ، كه هر اصلى از اين اصول سه گانه در چهار ركن نگارش شده ، و در خاتمه گويد : « در اين جلد اول بملاحظه ضخامت حجم كتاب در ركن سيم از اصل سيم ختم و تحرير شد ، انشاء الله ركن چهارم از امامت در جلد دويم تحرير خواهد شد ، بتاريخ شهر ربيع الثانى سنه ۱۳۴۱ » انتهى . و مسا از جلد دوم اطلاعى بدست نياورديم .

اما نسخه اينجانب از كتاب «الوسائل فى اثبات الحق وازهاق الباطل» طسى ۲۱۶ صفحه رقمى در مطبعه مظفرى بمبى بخط شيخ جواد بن عبدالغنى جهرمى چاپ سنگى شده و تاريخ طبع در آن نيست و تاريخ ختم تاليف و تبويض آن (درص ۲۱۴) دهم ماه رمضان ۱۳۳۹ قيد شده ، و اين كتاب همانند بسيارى از كتب چاپ بمبى خيلى مفلوٹ است اگر چه به

﴿۱۳۷۰﴾ - تولد شیخ مرتضیٰ عاملی کاظمینی ، (ره) ﴿﴾

وی مرحوم شیخ نظام الدین بن شیخ الاسلام حسن بن شیخ مرتضیٰ بن جواد بن ہادی عاملی (ره) است .

شیخ مرتضیٰ از علما و فقہاء این عصر بود و در این سال متولد شدہ و در نزد برخی از علما از آن جملہ فاضل شرایانی (۱۲۴۵ ج ۴ ش ۶۶۳) درس خواندہ و کتبی تألیف کردہ ، از آن جملہ « کتابی در تجزی » از تقریرات درس استاد مرقومش ، انجام تألیف آن شنبہ ۱۶ رجب سنہ ۱۳۱۰ ، وسید ابوالقاسم اشکوری تقریظی بر آن با اجازہ برای مؤلفش نوشتہ . و شیخ مرتضیٰ پس از مدت پنجاہ ونہ سال قمری عمر درسہ ۱۳۳۶ ہزار و سیصد و سی و شش وفات کرد (۱) .

— اصل تألیف نیز از لحاظ انشائی ضعیف بنظر میرسد ، و مؤلف در آن از کتاب سابق الذکرش ہمہ جا بنام « تحفہ اثنی عشریہ » یاد می کند ، معلوم میشود بعداً تغییر دادہ « حنفۃ الامامیہ » اش نامیدہ است . و این کتاب مشتمل است بر ہفت مقدمہ در مسائل گوناگون امامت و خلافت و فصلی (از ص ۱۰۱۷ تا ۱۷۶) در اثبات وجود امام غائب « عجل اللہ تعالی فرجہ » و خاتمہ در علائم ظهور آنحضرت (از ص ۱۷۶ تا ۲۱۴) ، و در دو صفحہ آخر تقریظ حاجی سید علی بن حسین نجفی است . بعربی کہ نویسنده آنرا نشناختیم . و شاید از علما مقبہ ہند بودہ . شایان توجہ اینکہ در این تقریظ صریحاً مؤلف کتاب « حاجی سید محمد علی ، شہور بگلستانہ » را از « اسباط و احفاد میر علاء الدین محمد گلستانہ مشہور » دانستہ و صورت نسب میر علاء الدین را ہم تا حضرت امام حسن مجتبیٰ (علیہ السلام) نقل کردہ است . ضمناً آقای مشار در فہرست خود چاپ دیگری نیز برای کتاب الوسائل نوشتہ و گویند کہ بسال ۱۳۳۱ ہم در بمبئی چاپ سنگی شدہ ، واللہ العالم .

تکملہ: فاضل ارجمند آقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در نامہ مورخہ (۲۸ ع ۲ جاری ۹۸) باینجانب نوشتہ اند: « راجع بمرحوم آقا سید علی رہ (یعنی نویسنده تقریظ مذکور) از ابوی جو یا شدم ایشان اظهار داشتند: چون مدتی فاصلہ شدہ قدرت ہیچ گونه اظہاری ندارم » ، انتہی . تصویر مرحوم گلستانہ صاحب عنوان را نیز حضرت آقای ساعدی مصحوب ہمین نامہ مرحمت فرمودہ اند کہ موجب کمال سپاسگزاری است . همچنین آقای ساعدی اظهار داشتند کہ از مرحوم گلستانہ یک فرزند پسر و یک دختر باقی ماندہ در قدحیاتند . م . (۱) این شرح حال بتمامہ مأخوذ از کتاب « الذریعہ ۳: ۲۴۸ » است ، و در « اعیان الشیعہ » ۴۸: ۴۷۷ گوید: شیخ مرتضیٰ نظام الدین رشتی فرزند شیخ محمد حسن شیخ الاسلام —

## ﴿ ۱۳۷۱ - وفات مریم ۳۹ شاعره قائم مقامی ﴾

وی بطوری که در «الذریعه ۹: ۳۲۰، ۱۰۳۲ ش ۶۷۲۴: فرموده دختر میرزا ابوالقاسم ۳۸ قائم مقام است (که در ۱۲۵۱ ج ۴ ش ۷۷۸ گذشت)، و مادرش دختر میرزا حسن مستوفی الممالک آشتیانی است که در (۱۱۹۵ ج ۱ ش ۱۴) گذشت. و خود زنی فاضله و شاعره بوده و شرح احوالش در «خیرات حسان ۳: ۱۹۷» و کتاب «از رابعه تا پروین: ۲۱۱» نوشته، و چون محمد شاه پدرش را بقتل رسانید وی قصیده‌ی ثی گفت که بوسیله آن خانواده خود را از اذیت آن پادشاه نجات داد، و بالاخره در این سال وفات کرد (۱).

← نزیل مشهد مقدس رضوی فرزند شیخ مرتضی نظام‌الدین عاملی نزیل کاظمین فرزند شیخ جواد فرزند شیخ الاسلام حاج ملاهادی عاملی. و ولادتش در ۱۲۲۷ بوده و در شهر رشت بسال ۱۳۳۶ وفات یافت و در صحن مزار علی بن جعفر در خارج شهر قم در راه جمکران دفن شد. وی از نوابغ فقه و اصول و کلام و حکمت و ریاضیات بود در گیلان، و در نزد فاضل ابروانی و شرایبانی و امامقانی و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ محمد هادی طهرانی (از علماء نجف اشرف) و دیگران درس خوانده و از آنان اجازت روایت داشت، و تألیفاتی دارد از آن جمله «تشریح الحساب» در شرح «خلاصه الحساب» شیخ بهائی بفارسی که بسال ۱۳۱۲ ذرنجف از آن فارغ شده، و دیگر «حیة الایمان» در رد بر شیخیه. جماعتی از او اجازه روایت دارند از جمله سید محمود شمس‌الدین حسینی مرعشی متوفی ۱۳۳۸. از صاحب ترجمه دو فرزند پیر بجای مانند یکی شیخ قوام‌الدین و دیگر شیخ شمس‌الدین. پایان کلام «اعیان الشیعه»، و پرواضح است که تاریخ ولادت او در اینجا که گویند (۱۲۲۷) بوده اشتباه چاپی است. م.

(۱) برای مریم در «فرهنگ سخوران» تنها دو مأخذ «زنان سخنور: ۱۶۹: ۱۶۹» میرزا علی اکبرخان مشیر سلیمی و «ریاحین الشریعه ۵: ۷۱» آیه الله حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی ذکر ←

❖ (۱۳۷۲- تولد سید مهدی ابوظاپو بغدادی) ❖

وی فرزند سید محمد بن حسن بن ابراهیم بن ناصر بن قاسم موسوی است که اصلاً از بغداد و از معارف اهل علم و ادب در عراق عرب بوده و در این سال - چنان که در «الذریعه ۹: ش ۲۳۹» فرموده - در نجف متولد و به کراچی معروف شده ، و لقب بشعر گفتن گشوده ، و بطوری که در آن جلد و نیز جلد اول در شماره های مختلف نوشته منظوماتی دارد از این قرار:

اول «ارجوزه فی درسلسله نسب خود». دوم «ارجوزه فی در شطرنج». سیم «ارجوزه فی در منطق». چهارم «دیوانی در اشعار» که آنرا شیخ عبدالمولی طریحی (۱۳۴۴) جمع کرده . پنجم کتاب «اللؤلؤ والمرجان» که آن ارجوزه فی است در معانی و بیان. و آخر پس از مدت پنجاه و دو سال قمری عمر در این سال وفات کرده ، و فرزندش بنام سید صالح که از اهل علم و فضل است باز نهاد .

---

— شده است . و مخفی نماند که در این مأخذ اخیر بجای عبارت متن (و چون محمد شاه پدرش را بقتل رسانید) فرماید : (در زمانیکه سادات قائم مقام مضموب دولت بودند) ، انتهى . در سال (۱۲۸۹) کتاب حاضر بیاید که میرزا محمد صادق ۳۹ پروانه قائم مقامی این مریم خانم را که دختر عمش بوده بزوجیت داشته و فرزندشان حاجی میرزا حسین ۱۴۰ است که در عنوان فرزندش میرزا محمد صادق خان ۴۱ ادیب الممالک فراهانی (ش ۱۳۴۰ ص ۲۱۳۱) در همین جلد و همین سال گذشت ، که در واقع ادیب الممالک در سال فوت مادر پدرش مریم صاحب عنوان متولد شده است . م.



سنه ۱۲۷۸ قمری مطابق سنه ۱۲۴۰ شمسی

چهارشنبه غره ماه محرم الحرام (... ) سرطان ماه برجی

﴿وفات مرحوم رحمتعلی شاه شیرازی﴾

شب ۱۷ صفر. شرح احوال اودر (۱۲۰۸ ج ۲ ش ۱۳۱) گذشت .

﴿۱۳۷۴- تولد میرزا فضلعلی آقا، صفاء ایروانی تبریزی﴾

وی فرزند مرحوم حاجی میرزا عبدالکریم ملا باشی است که در (۱۲۲۰ ج ۳ ش

۲۷۵) گذشت .

میرزا فضلعلی آقا از علما و فضلاء آذربایجان بود و شعر عربی و فارسی هم می گفت و تخلص صفای می نمود . او در روز یکشنبه ۱۳ ماه جمادی الاولی این سال ، پنج ساعت و نازده دقیقه باذان شام مانده - مطابق (... ) عقرب ماه برجی - متولد شده ، و در «رجال آذربایجان در عصر مشروطیت : ۱۲۵ سطر ۱» که در (۱۲۷۲) نوشته ظاهرآ اشتباه است (۱) .

( ) مرحوم محمد علی صفوت تبریزی در کتاب «داستان دوستان یا تذکره ادبا و شعرای

آذربایجان : ۸۴» تاریخ ولادت صاحب عنوان را در سیزدهم جمادی الاولی ۱۲۸۸ق ←

و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله: کتاب «حدائق العارفين» در جمع آیات و اخبار کتب اربعه اوایل: «کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استبصار و ثلثه و اخر: «وافی، وسائل، بحار» با تفسیر و شرح آنها در چند جلد، و در خاتمه مقدمات کتب مذکوره را با شرحی در ذکر کتب اسلامیة خصوصاً شیعه آورده است. انجام تألیف آن غره ج ۱ سنه ۱۳۲۱ (۱).

— نوشته که آن نیز اشتباهست و ظاهراً غلط مطبعی باشد. و در «ریحانة الادب ۲: ۴۸» گوید «ولادتش در ۱۳ ج ۱۲۷۸/۱ (غریح) در تبریز واقع شده» که با این تصریح و تعیین ابجدی دیگر جای شبهه نمی باقی نیست. و مرحوم حاج ملاعلی واعظ خیابانی تبریزی (متوفی ۱۳۶۸) در کتاب «علماء معاصرین: ۱۲۰» شرح حال صاحب عنوان را از «مطارح الانظار: ۱۵۴» تألیف فیلسوف الدوله زنوزی چنین نقل کرده است: «... بعد از تکمیل مقدمات در تبریز، عمده فقه و اصول را در محضر والد ماجد این بنده مؤلف میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی ... تحصیل نموده بعد بعبات عالیات مشرف شده و در آن بلاد رنجها برده و بر مرتبه اجتهاد رسیده و از شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمینی و علامه محمد مشهور بفاضل شریانی و شیخ علی یزدی حایری مجاز گردیده، عالمی است بی بسدل و مجتهدی بی تکلف و خالی از خلل، محفالش مرجع انام است و مجلس افادتش فیض بخش فضلی اعلام» انتهى ۴۰.

(۱) رجوع شود به «الذریعه ۹: ۸۳۶ ش ۵۶۰۹» یادداشت مؤلف.

در آنجا گوید: «دیوان میرزا فضلعلی تبریزی» فرزند میرزا عبدالکریم بن میرزا ابوالقاسم بن میرزا محمد ابروانسی متولد در تبریز بسال ۱۲۷۸ متوفی ۱۳۳۷، مؤلف «حدائق العارفين» مذکور در (ج ۶ ص ۲۸۶ ذریعه) و «ریاض الازهار» که شنبه «کشکول» است و «سفرنامه اروپا» و «شرح العینة الخمریه». و دیوان مذکور بعربی و فارسی است چنانکه در «دانشمندان آذربایجان: ۲۹۸» است. پایان کلام «ذریعه».

و مخفی نماند که در «داستان» کتاب «شرح العینة الخمریه» را «شرح قصیده: عینیه حمیریه» یعنی سید اسمعیل حمیری نوشته که همین صحیح است و در این موضع «ذریعه» اشتباه چاپ —

ص

المجلد الاقل من حذایق العارفين لمحي اثار الامم  
العصويين في خسر العالما العالمين فخر الفقهاء المحققين  
علم الاعلام الفاضل العالما الاقامين افضل  
الجهت الشريفة الابروان في ام ظلم العالمين  
الاعوام هو مجلد العقل والجهل

تبریز  
کتابخانه  
میرزا فضلعلی آقا  
۱۲۷۸ ق  
۱۲۳۰ ش

الطبعة الاولى

طبعته تبریزی في مطبعة الاستاذ الماهر آغا علي اصغر  
مزيد في فيفد ثامن شعبان المعظم ۱۲۳۰ هـ

صفحه اول نسخه «حذایق العارفين» كتابخانه روضاتی مزین بدستخط مرحوم مؤلف

و پس از مدت شصت و یک سال قمری و هفده روز عمر، در شب چهارشنبه سلخ ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۳۹ هزار و سیصد و سی و نه - مطابق دایماه برجی - در برلین وفات کرده و در قبرستان مسلمانان آنجا دفن شد (۱) .

— شده و در (ج ۱۴ ص ۱۱) صریحاً آنرا «شرح قصیده الحمیری العینیة» عنوان کرده اند و نسخه اصل آن هم در نزد مؤلف «علماء معاصرین» موجود بوده ، و خود صاحب ترجمه رساله ثنی نیز در احوال وی بنام «الفتح العنبری فی احوال السید الحمیری» نوشته ، چنانکه در همان داستان وریحانه با چند تألیف دیگر از او آورده اند که اینک ذکر می کنیم : «مصباح الهدی» در حقیقت تقیه و بداء، «رساله در امصحاب» ، «کلید دانش» در علم صرف ، «رساله در امر با علم بانفاه شرط» ، «رساله در اینکه امر اقتضای اجزا مینماید» ، «ریاض الازهار» که کشکولی است در دو یا سه جلد ، «رساله در احکام اراضی خراجیه» ، «فوائد علویه» در علم صرف ، «رساله در احکام و با و تجربیاتی در آن» ، «رساله در منجزات مریض» ، «سفرنامه اروپا» که در داستان گوید با جلد اول «حدائق العارفین» در تبریز چاپ شده، لکن نسخه حدائق ما فاقد آنست .

و جلد اول «حدائق العارفین» شامل تمام کتاب عقل و جهل در قریب ۷۷۰۰ بیت کتابت بسال ۱۳۲۴ ق بخط نسخ احمدالموسوی با اندازه ربع (خشتی) در چاپخانه سنگی آقا علی - اصغر تبریزی طی ۲۷۳ صفحه با انضمام ۱۶ صفحه دیباچه و فهرست بطبع رسیده و چون آنطور که شایسته یک چنین کتاب مهمی بوده بطبع آن قیام و اقدام نشده است لذا این مجلد چاپ - شده هم متروک و مهجور و قدر آن بکلی مجهول مانده و اهمی در طبع بقیه آن نیز نگردیده و اکنون شایسته است که علماء اعلام و فضلاء عظام حوزه مقدسه علمیه قم (کان الله لهم و کبت اعدائهم) با حیاه تمامی این کتاب جلیل و پرفایده همت فرمایند و الله الموفق م.

(۱) مؤلف «داستان دوستان» در احوال صاحب عنوان بتقریبی گوید که وی در (۱۳۲۴) از سوی طبقه علماء بنمایندگی مجلس شورا انتخاب و بتهران رفت و در مدت نمایندگی خدمات شایانی از او بظهور پیوست . انتهی ، و مؤلف «ریحانه» افزوده است که در (۱۳۲۶) که مجلس بتوپ بسته شد خانه وی نیز بغارت رفت و اخیراً بعضویت دیوان تمیز معین گردید تا در سال هزار و سیصد و سی و ششم هجرت برای معالجه بارو پا رفت ، انتهی ، —

و فرزندش مرحوم منتخب الدوله مولوی در سال (۱۳۲۵) شمسی وفات کرده، چنانکه در «مؤلفین کتب چاپی ۴: ۸۴۸» نوشته .  
 و نواده اش میرزا محمد علی مولوی از فضلا و ادبا در عصر حاضر است .

← لکن مرحوم صفوت گوید که وی در (۱۳۳۴) برای مالجه بارو با سفر کرد و بحکم ضرورت پنجسالی در اروپا اقامت و پطر گراد، استکهلم، هلند و لندن را سیاحت نمود و سفرنامه می حاوی فوائد علمی و ادبی و تاریخی نوشت، و اقامتگاه اصلی و منزل خود را در برلن قرار داد و در انجمن ادبی ایرانیان در آنسامان شرکت مینمود، میرزا محمد خان قزوینی در «بیست مقاله» خود گوید: «از فضلا میرزایین انجمن یکی مرحوم میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی و کبیل سابق آذربایجان بود که فی الحقیقه در ادبیات عربی او را صاحب ید طولی بل ید بیضا یافتم». بالجمله از یادگارهای سفر اروپای آن بزرگوار «قصیده لامیه السفر» اوست که چند بیتي از آن با ایاتی دیگر از منظومات فارسی و عربی آن مرحوم در ریحانه و داستان دوستان مذکور است، از جمله این دو بیت:

خواهی که اگر بینی آینه ذات      بنگر ز علمی ظهور اسماء صفات  
 اندیشه عقل کی بکنهش برسد      هیات از این خام خیالی هیات  
 و صورت لوح قبر صاحب عنوان هم در داستان نقل شده و از اولاد و اعقاب آن مرحوم  
 مطلبی نوشته است م.

❀ (وفات عبدالباقی افندی عمری) ❀

شب سلخ ج ۱ . شرح احوال اودر (۱۲۰۴ ج ۲ ش ۹۵) گذشت .

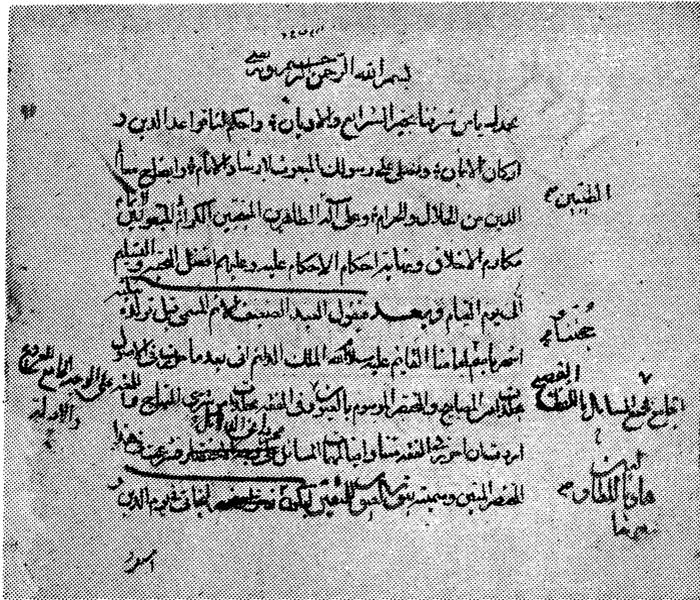
❀ (وفات شیخ محمد بیرم رابع تونس) ❀

ج ۱ . شرح احوال اودر (۱۲۲۰ ج ۳ ش ۲۷۱) گذشت .

❀ (۱۳۷۵- وفات مرحوم آقا محمد مهدی کر باسی ، اعلی الله مقامه) ❀

وی فرزند مرحوم حاجی محمد ابراهیم کر باسی است که در (۱۲۶۱ ج ۵ ش ۹۸۱) گذشت .  
 مرحوم آقا محمد مهدی از عظماء علما و فقهاء محققین اصفهان بوده و پس از وفات پدر  
 ریاستی معتد بها بهم رسانید ، و در ساده لوحی و برخی از صفات دیگر مانند پدر مشهور شده ،  
 و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله : کتاب «معراج الشریعه» در شرح کتاب «منهاج الهدایه»  
 پدرش در فقه ، در چند جلد که جلد دوم آن که انجام تألیفش عشر ثانی شوال سنه ۱۲۶۲ بوده  
 و بخط خودش در نزد آقای سید محمد علی روضاتی بنظر رسید (۱) .

(۱) از کتاب «معراج الشریعه فی شرح منهاج الهدایه» مجلد اول در طهارت و دوم در  
 شرح مقصد ۲۰۱ صلوة هر دو نسخه اصل خط شارح ، و مجلد سوم بقیه صلوة و چهارم در زکوة  
 تا اعتکاف بخط عالم جلیل حاج میرزا بدیع بن سید مصطفی موسوی اصفهانی درب ←



صفحه اول نسخه اصل «نورالعیون للمتقین» بخط مؤلف

← امامی در زردرقم این سطور موجود است و تاریخ فراغ شارح از جلد سوم ۲۴ ذی الحجه ۱۲۶۴ و خاتمه استنساخ جلد چهارم ۸ ج ۱۲۷۳/۲ بوده. از صاحب عنوان تألیفات دیگری نیز در دست داریم از جمله کتاب «نورالعیون للمتقین» بربی در فقه است بدون استدلال و نسخه اصل آن از طهارت تا آغاز مسائل عمره مفرده می باشد. ۵ دیگر «رسالة فی احکام القرعه» که نسبة مبسوط و در مدت دو هفته تمام از ماه محرم الحرام ۱۲۳۱ تألیف کرده و نسخه آن نیز بخط مؤلف است. ۵ دیگر رساله ثی است بعنوان «اقتضاء الامر بالشیء والنهی عن الضد» که هنگامیکه این مسئله را نزد والد ماجدش میخوانده بدستور همو تألیف کرده و در خاتمه گوید که مطلب را در اینجا باختصار برگذار نمودیم و هر که طالب تفصیل باشد بکتاب «مصایح الاصول» ما رجوع نماید و سپس تاریخ تألیف را در دهه سوم صفر ۱۲۳۴ ذکر کرده.

و روایت می کند از آقا محمد مهدی مرقوم مرحوم سید محمد رضاء کلهری کاشانی .  
 و او دختر مرحوم حاجی سید محمد باقر حجة الاسلام را بزوجیت اختیار و از وی فرزندان  
 داشته که تاریخ تولد سه نفر از آنها بخط خودش در پشت ورق اول جلد دویم «معراج الشریعه»  
 بنظر رسید بدین نحو:

اول حاجی میرزا عبدالجواد : يك ساعت مانده بصبح در شب شنبه دوازدهم ماه شوال  
 المکرم سنه ۱۲۵۴ ، چنان که در آن سال (ج ۵ ش ۸۴۰) گذشت . دویم مرحوم میرزا احمد:  
 نیم ساعت متجاوز گذشته از روز پنج شنبه دویم ماه ذی القعدة الحرام سنه ۱۲۵۸ . سیم میرزا  
 محمد حسین : اول طلوع آفتاب روز سه شنبه پنجم ماه جمادی الاخری سنه ۱۲۶۷ . و دیگر:  
 حاجی میرزا ابوالقاسم که در «المآثر» نوشته و در (۱۳۰۸) بیاید .

— و دیگر نسخه اصل همین کتاب «مصایح الوصول الی علم الاصول» مباحث مختص به تخصیص  
 که تاریخ تألیف در آن ذکر نشده . و بالجمله شرح مختصات آثار صاحب عنوان در مجلدات چاپ  
 نشده «فهرست کتب خطی کتبخانه های اصفهان» نگارنده مذکور است . ضمناً حکیم قآنی  
 را در مدح صاحب ترجمه قصیده غرائی است متضمن ۴۸ بیت که در دیوان او (چاپ  
 حروفی تهران . ص ۷۶۲-۷۶۴) موجود و در «تکمله نجوم السماء ۱: ۳۲۴-۳۲۶» نیز  
 با تحریفات فراوان نقل شده است . م.

## ﴿۱۳۷۶- تولد ژرژ زیدان بیر وتی﴾

ژرژ «جرجی» زیدان فرزند زیدان یوسف مطر، و خود از اجلة مورخین واعاظم فضلا ومحققین ابن عصر بود، او در یازدهم ماه جمادی الاخرای این سال - مطابق (... قوس ماه برجی - در بیروت متولد شده، و پس از تحصیل علوم تبحر و تخصصی عجیب در تحقیقات تاریخی و ابتکار در آوردن تاریخ بصورت افسانه بهم رسانید، و کتب بسیاری در این مقوله تألیف کرد که اشهر واعظم همه کتاب «تاریخ تمدن اسلامی» در چهار جلد است که بچندین زبان ترجمه شده و حاوی تحقیقات عمیق و اطلاعات عجیب است (۱). و دیگر «مجله الهلال» برای بیست و دو سال در بیست و دو جلد که بعد از وفاتش فرزندانش بدان مشغول شدند، و چندین کتاب در تاریخ بطور افسانه که نهایت مشهور و متداول و بزبانهای دیگر ترجمه شده.

و آخر در شب چهارشنبه بیست و هشتم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو، چنانکه در «جریده چهره نما» نوشته - مطابق ۳۱ سرطان ماه برجی - پس از مدت پنجاه و چهار سال و دو ماه قمری و هفده روز عمر، وفات کرد. و دو فرزندش امیل یک زیدان و شکری زیدان پس از وی در قاهره بسرپرستی «مجله الهلال» اشتغال ورزیدند.

(۱) عالیترین چاپ «تاریخ التمدن الاسلامی» را «دار الهلال» در بیست سال قبل با مقدمه و تعلیقات مفید دکتر حسین مونس استاد تاریخ اسلامی کلیه آداب جامعه قاهره در چهار جلد منتشر کرده است، و شرح حال کامل جرجی زیدان در همان کتاب و کتب تراجم فراوان مصری و غیرها مندرج می باشد. م.

❖ (۱۳۷۷- تولد کلیم شاعر ہندی) ❖

وی نامش نظیر حسن و برادر بزرگ سید نور الحسن بہادر، و خود مردی شاعر است کہ در بیست و یکم ماہ رجب الفردین سال، چنان کہ در «الذریعہ ۹: ۹۱۶ ش ۶۰۵۶» نوشتہ - مطابق (جدی - دلو) ماہ برجی - متولد شدہ ، و در شعر بر ظہوری و نظیر شاگردی کردہ و از نخست نور و سپس کلیم تخلص فرمودہ .

و وی غیر از کلیم کاشانی است کہ نامش ابوطالب ہمدانی و در ۱۵ ذی الحجہ سنہ ۱۰۶۱ وفات نمودہ . چنانکہ چند نفر دیگر ہم نور تخلص می نمودہ اند و در همین سال ذکر شد (۱).

(۱) در سال قبل (۲۷۷ ش ۱۳۷۳ ص ۱۲۹۱) ذکر شد نہ در این سال . و مخفی نماند کہ بموجب غلطنامہ جلد نہم الذریعہ کہ در این اوقات ضمیمہ مقدمہ آن جلد طبع و منتشر گردیدہ در این موضع ذریعہ اشتباہی واقع شدہ و حق مطالب اینست کہ کلیم صاحب عنوان نامش سید نور الحسن بن محمد صدیق حسن خان و نام تاریخی او «نظیر» و خود مؤلف تذکرہ «نگارستان سخن» می باشد و در همان «ذریعہ ۳۱: ۲۳۱ ش ۶۹۸۹» نیز دوبارہ ذکر شدہ و مآخذ شرح حالش را «شمع انجم» صدیق حسن خان پدرش و «صبح گاشن» محمد علی حسن خان برادرش و «روز روشن» محمد مظفر حسین گوپاموی و بالاخرہ «نگارستان سخن» خود وی نشان دادہ اند، اما اولاً اینکہ در غلطنامہ ذریعہ نام تاریخی او را «نظیر» قید کردہ اشتباہ و صحیح آن «نظیر حسن» است چنانکہ دکتیر سید علیرضا نقوی در کتاب «تذکرہ نویسی فارسی در ہند و پاکستان ۶۰۲» نوشتہ ، و ثانیاً اینکہ خاندان صاحب عنوان تماماً از اہل سنت متعصب ہند بودہ اند و جای ذکرشان در ذریعہ نیست ، و برای اطلاع از احوال و آثار افراد علمی آنان بہمین کتاب اخیر المذکر و جلد ہشتم «نزهة الخواطر و بہجة المسامع والنواظر» عبدالحی لکھنوی - مرآجہ - شود ، و مخصوصاً صاحب عنوان را بسا این عبدالحی محبت و دوستی زائد بودہ و شرح حالش را در (ص ۵۰۴ تا ۵۰۷) آورده و از او تجلیل فراوان کردہ و تألیفاتش را ←

### ❁ (۱۳۷۸- تولد ادوارد براون خاورشناس انگلیسی) ❁

وی فرزند بنجامین از اهل نیوکاسل انگلستان و خود از اجله و اعظم مستشرقین زمان مخصوصاً در ادبیات و زبان پارسی است .

ادوارد براون در هفتم ماه شعبان المعظم این سال - مطابق (...) دلو ماه برجی - در شهر نیوکاسل متولد شده و پس از تحصیل علوم و تبحر غریب در خاورشناسی نه تخصص تنهادر ادبیات فارسی بهم رسانید ، بلکه عشق و علاقه غریبی باین زبان و اهالی ایران و علاوه بدین اسلام و «قرآن مجید» پیدا کرد و همواره از حقوق ایران و ایرانی دفاع می نمود ، و با علماء شیعه در نجف مکاتبات داشت ، اگرچه روی اصل سیاسی و تمایل مصلحتی هم بود که دولت انگلیس در آن سنوات که مقارن با ایجاد مشروطه بود بایران ابراز می نمود (۱) .

— بر شمرده است ؛ لکن گوید که «نگارستان سخن» و چندین کتاب دیگر که نامشان را آورده از تألیفات وی نیستند و آنها را علماء دیگر بدستور صدیق حسن پدرش تألیف کرده و باونسبت داده اند، و بالاخره وفات صاحب ترجمه را در شهر لکهنو در هشتم محرم سنه ۱۳۳۶ هزار و سیصد و سی و شش قید کرده است . این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که سید نقوی در کتاب سابق الذکر خود راجع بسید نورالحسن خان گوید : «وی بفارسی وارد و هردو شعری سرود و در فارسی طیب و نور، و در اردو کلیم تخلص داشت» انتهی ۴۰.

(۱) نظر باینکه ادوارد براون یکی از سرشناسترین خاورشناسان و تفصیل شرح حال او در کتابهای فراوانی که در دسترس همگان می باشد مخصوصاً در آثار میرزا محمد خان قزوینی و مقدمه کتابهایش موجود است لذا از بحث در این باره صرف نظر نموده و تنها بمطلبی که شیخ طنطاوی جوهری مصری ( ۱۲۸۷ - ۱۳۵۸ ) در کتاب تفسیر معروف خود «الجواهر ۲۰۲:۵» راجع باین شخص نوشته است اکتفا می کنیم و این مطلب تاکنون در کتب و مقالات فارسی نیامده و یا بنظر اینجانب نرسیده است. طنطاوی ضمن بحث مفصل و شایان توجهی —

و بهرحال، براون تألیفات چندی دارد که شهره «تاریخ ادبیات ایران» است در چهارجلد بانگلیسی که برخی از آنها پارسی ترجمه شده. و پس از مدت شصت و پنج سال و ده ماه قمری و سیزده روز عمر، در سه شنبه بیستم ماه جمادی الاخری سنه ۱۳۴۴. هزار و سیصد و چهل و چهار - مطابق ۱۵ دی ماه باستانی - وفات کرد و در قبرستان السویک نیوکاسل دفن شد، و اینک قبر او آنجا در مقبره شی مخصوص معروف است. و پس از خود دو پسر که یکی در آن وقت هیجده ساله و دیگری صغیر بودند و مادری ۸۷ ساله بجا نهاد.

← که طی چندین صفحه پیرامون علوم اسلامی و ترقیات مسلمین و سپس توجه مردم اروپا و مستشرقین بذخائر اسلامی و غارت آنها از دست مسلمانان نموده، شرح ملاقات و مذاکره خود را با ادوارد براون در مصر «بین سالهای ۱۹۰۰-۱۹۱۰م» بیان کرده و گوید: وی بهنجویی زبانهای عربی و ترکی و فارسی و لغات دیگر را میدانست و در آندیدار پیرامون امور اسلام با من صحبت داشت و گفت: دولت انگلستان مرا مأمور کرد تا در این موضوع تحقیق کنم که آیا ائتلاف شیعه و سنی امکان پذیر است یا نه؟ و من برای انجام این مأموریت بترکیه رفتم و مدتی در میان مردم آن سرزمین بسر بردم و سپس بایران رفتم و با ایرانیان معاشرت کردم، و در این بین چیزهای دهشت انگیزی دیدم...

سپس براون تا توانسته افتراءات و اکاذیب جعل و از ایرانیان مسلمان با الفاظ زننده و زشت بدگوئی و مذمت نموده و آنها را در انظار علماء اهل سنت خوار و خفیف کرده و ضمناً باقتضای مأموریت خود این سهم مهلك (عدم امکان اتحاد) را بر ضد بزرگانی از فریقین که در آن زمان در ایجاد هماهنگی و همگامی همه مسلمانان جهان زحمت می کشیدند؛ در مغزهای زعمای اهل سنت تزریق می نموده است تا اولیاء دولت امپراطوری بمقاصد استعماری خود آسان تر دست یابند!

این بود نمونه شی از فعالیت سری این مستشرق بزرگ و نامدار جهان. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل، هر کس طالب تفصیل باشد باصل تفسیر طنزادی مراجعه فرماید واقع من و راه القصد م.

❦ (۱۳۷۹- وفات مرحوم حاجی میرزا حسن مشهدی، ره) ❦

وی فرزند حاجی میرزا معصوم رضوی است (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۴۸) .

مرحوم حاجی میرزا حسن از علماء بزرگ مشهد بوده ، نخست چندی در نزد برادر خود حاجی سید محمد قصیر (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۴۸) درس خواند ، آن گاه باصفهان رفت ومدتی از محضر درس شیخ محمد تقی ایوان کبی (۱۲۴۸ ج ۴ ش ۷۲۴) استفاده کرده و سپس بکربلا رفت ودو سال در نزد آقا سید محمد کربلانی (۱۲۴۲ ج ۲ ش ۶۱۱) درس خواند ، پس بمشهد برگشت وبعد از وفات برادر مرجع امور عامه و ریاست نامه گردید ، و چندین نفر از فیض تدریس او بهره ور شدند از آن جمله : حاجی میرزا نصرالله مشهدی (۱۲۹۸) و فاضل بسطامی (۱۳۰۹) . و آخر در ماه شعبان المعظم این سال - مطابق (دلو- حوت) ماه برجی - وفات کرد و در مشهد در مسجد پشت سر حرم مطهر دفن شد .

سنه ۱۲۴۱ شمسی

اول حمل ماه برجی

آدینه بیستم ماه رمضان المبارک

❦ (۱۳۸۰- تولد مرحوم ذوالفنون عراقی تهرانی) ❦

وی مرحوم میرزا حبیب الله بن محمد جعفر واصلا از اولاد دیالمه و از مردم شهر سلطان-

آباد ناحیه عراق عجم (که در ۱۲۴۷ ج ۴ ش ۷۱۴ گذشت) بود. وهامانا محمد جعفر پدر وی در سنه ۱۲۹۲ وفات کرده، و بخود او از اجلة فضلاء عصر و اعظم اهل علم و ادب در این زمان بود. شرح احوالش در کتاب «کرج نامه: ۲۸۶» و «روزنامه اطلاعات» ش ۶۵۲۷ صادره در ۱۴ صفر ۱۳۶۷ نوشته، و حاصل آن با برخی از تصرفات دیگر این میشود که:

وی در چهارشنبه بیست و یکم ماه ذی القعدة الحرام این سال - مطابق (... ) نورماه برجی - در سلطان آباد متولد شده، و در «کرج نامه» در ۱۲۸۱ نوشته. و بهر حال، وی پس از رسیدن بسن بلوغ عشقی مفرط بعلوم فلکی بهم رسانید و در نزد استادی که نام آنرا بتوان برد درس نخوانده، بلکه در اثر توجه و پشتکار و هوش خدا داد در این فن بجائی رسید که بدون وسائل جدیده علمی و دست رسی بر صد خانه های مجهز دنیا اکتشافاتی در حرکات قمر نمود، و در سیر و تحقیق این عوالم هم دست رسی بعلوم ریاضیه عالییه دیگتر پیدا کرد و بخصوص هندسیات عالی و بسیاری از علوم عقلی دیگتر. و با این وصف در اخبار و تفسیر آیات آبتی غریب بود، و در تاریخ و سیر و رجال قدرتی تمام داشت. و این فقیرو در ماه محرم ۱۳۵۲ در تهران کراراً خدمت اورسیدم و آن وقت مدرس علوم عقلیه در مدرسه سهسالار بود، و چندین کتاب تألیف کرده:

اول «تقاویم سنوات عدیده» که هر ساله در «سالنامه پارس» نوشته میشود تا سنه ۱۳۸۴. دوم «کتابی در زیج» از روی ارساد جدیده (۱).

و آخر در عصر روز پنج شنبه دوازدهم ماه جاری صفر الخیر سنه ۱۳۶۷ هزار و سیصد

(۱) از مرحوم ذوالفقون گاه مقالاتی نیز در زمینه علوم فلکی و ریاضی در «سالنامه پارس» که از حدود ۱۳۰۷ ش ببعدمرتباً منتشر میشد بطبع میرسید، از جمله اقتراح مصور سیزده صفحه‌ئی که با عنوان «تناسب مکعبات بهندسه مقدماتی، یکی از مکاشفات آقای ذوالفقون در علوم ریاضی» در سالنامه (۱۳۱۷ ش ۱۳۵۷ ق) چاپ شده و تصویر آتی نیز از ص ۱۴ همان سالنامه می باشد. و مخفی نماند که شرح حال جامعی از مرحوم ذوالفقون بنقل شفاهی از خودش در «نقباء البشر: ۳۵۵» مذکور است، طالبان خود مراجعه فرمایند. م.



و شصت و هفت - مطابق ۳ دی ماه باستانی - در تهران وفات کرد ، پس از مدت هشتاد و هشت سال و دو ماه قمری و بیست و یک روز عمر، و دو ساعت پیش از ظهر جمعه نعشش را از آنجا برای دفن حمل بقم نمودند .

### وفات ملا محمد اسمعیل کجوری مازندرانی (۱۳۸۱-)

ملا محمد اسمعیل فرزند عبدالعظیم بن محمد باقر و خود ملقب بفخرالدین و از عظامه هلمنا بوده ، و بطوری که فرزندش حاج ملا محمد باقر در «جنت النعیم : ۵۲۰» نوشته اصلا از اهل کجور مازندران بوده و پس از بلوغ بسن رشد و تمیز از آنجا بطهران آمده و در محله ارگ سلطانی منزل نمود و در مدرسه آن محله مشهور بمدرسه مهد علیاد نزد مرحوم حاجی ملا محمد

تقی دامغانی مقدمات نحو و صرف و غیره را درس خواند ، و هم در نزد علماء دیگر علوم فقه و اصول و رجال را یاد گرفت ، و پس از چندی بمتبات رفته و در نزد شیخ محمد حسن نجفی و شیخ انصاری تحصیل فقه و اصول نمود و بعد از آن بطهران بازگشت و مرجع احکام شرعی آن شهر گردید .

تا آخر در نزدیکی ظهر روزیک شنبه ۳۰ سلخ ماه ذی القعدة الحرام این سال ، چنان که در (ص ۵۲۱) نوشته - مطابق (... ) جوزا ماه برجی - وفات کرده و در تهران در ایوان شمالی سر قبر آقا دفن شد . و فرزندانش حاج ملامحمد باقر در (۱۲۵۵ ج ۵ ش ۸۲۹) و شیخ محمد جعفر در (۱۲۹۵) و حاج شیخ محمد سلطان در (۱۳۵۳) گذشته و بیایند . و روز وفات او یکشنبه سلخ ذی القعدة منافات دارد با این که ما آنفاً نوشتیم آدینه بیستم ماه رمضان بوده ، چه رمضان و شوال هر دو را تمام یا ناقص و چه یکی را تمام و یکی را ناقص بگیریم ، و غره ذی الحجّه آن سال نیز جمعه بوده ، و آن با بیستم ماه رمضان آدینه بودن منقول از تقویم آن سال است گرچه خود آنرا ندیده ایم ، لکن درست میشود که ماه رمضان و شوال تمام و ذی القعدة غره اش ۵ شنبه و ناقص و غره ذی الحجّه جمعه باشد . و سلخ ذی القعدة یکشنبه بودن را خود در «جنة النعیم» چنان که نوشتیم دیده ایم و فعلاً نیز حاضر و در نظر است .

و بهر حال این تطبیق روز هفته و ماه اشتباه است .

﴿ ۱۳۸۲ - تولد جناب حاجی شیخ علی اکبر نهاوندی ﴾

﴿ (سلمه الله تعالى) ﴾

وی فرزند ملامحمد حسین و خود از اجله علماء عصر و در علم احادیث و اخبار و سیر و تاریخ و فقه و اصول و سایر علوم شرعی و برخی از عقیده از افاضل و اکامل بشمار می آید . و نخستین کسی است بر حسب تاریخ تولد که احوالش در این کتاب نوشته شده . و تاریخ



تحریر زنده است .

شرح احوالش در «نقباء البشر: ۱۵۹۹ ش ۲۱۳۴» نوشته ، بخلاصه اینکه اودر این سال متولد شده - و اینکه در «الذریعه ۸۴: ۱۵ ش ۵۵۱» در ۱۲۹۹ فرموده اشتباه است - ، و پس ازحل و ترحال بشهرهای عدیده ایران و عراق عرب و فراغت از تحصیل علوم و ادب و حضور در مجالس دروس جماعتی از آن جمله حاج شیخ محمد طاهای نجف از چندین سال پیش از این در مشهد مبارک خراسان ساکن و تاکنون هم در آن زمین برین توطن دارد و آنجامر جمعیتی شایسته و ریاستی پسندیده بهم رسانیده و نزدیک بسی جلد کتاب در فنون اخبار و اخلاق و مواظظ و منقرقات دیگر تألیف کرده که بسیاری از آنها مطبوع و منتشر گشته ، و از آن جمله است: اول کتاب «بنیان رفیع در احوال خواجه ربیع» انجام تألیف آن روز ۴ شنبه ۲۰ شوال ۱۳۴۱ . دوم کتاب «جنتان مدهامتان» در عقاید و اخلاق و عرفان و برخی از فنون مفرقه دیگر در دو جلد . انجام تألیف جلد اول آن ۵ شنبه عید غدیر سنه ۱۳۴۶ . انجام تألیف جلد دوم دوشنبه عید

اضحی سنه ۱۳۴۷ . سیم «رساله ثنی در نماز مسافر» از تقریرات دروس استاد مذکورش .  
مرحوم حاجی شیخ علی اکبر از چندین نفر از علما روایت می کند ، وهم روایت می کنند  
از او چند نفر از آن جمله میرزا محمد علی اردوبادی .

صاحب عنوان در شنبه نوزدهم ماه ع ۲ سنه ۱۳۶۹ - مطابق ۱۸ بهمن ماه  
باستانی - چنان که در «الذریعه ۱۲: ش ۸۸۷» فرموده بدون تعیین هفته و شمسی، در مشهد وفات  
کرد ، و اعلان مجلس فاتحه او در طهران در «روزنامه اطلاعات ، ص ۲۴ ش ۷۱۴۹ صادره در  
۲۰۲۰» منتشر شده. و زوجه او دختر مرحوم سید مرتضی واعظ یزدی (۱۲۱۲ ج ۲ ش ۱۹۰) و دختر او  
زوجه شیخ حسین بن محمد صادق خراسانی است که آن محمد صادق در ۹ شوال سنه ۱۳۴۹  
در مشهد وفات کرده ، و شیخ حسین از اهل علم و ادب این عصر است و شعر هم می گوید  
و «دیوانی در اشعار» دارد ، چنانکه در «الذریعه ۹: ش ۱۵۲۰» فرموده .

### ❖ (۱۳۸۳- تولد حاج ابو تراب شهیدی قزوینی) ❖

وی فرزند میرزا ابوالقاسم شهیدی است که در (۱۲۶۳ ج ۵ ش ۱۰۳۶ ص ۱۷۱۵) گذشت ،  
و خود از علما و فضلا بوده و بطوری که در «مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۱: ص ۱۲۶»  
فرموده در این سال متولد شده و چندین سال در نجف درس خوانده و در حدود ۱۳۳۰ ب وطن  
خود قزوین برگشت و از افاضل آن دیار بشمار آمد ، و چندین کتاب تألیف کرده : اول «رساله ثنی  
در نوحید» . دویم «تفسیر آیه نور» . و آخر در ذی القعدة یا ذی الحجه سنه ۱۳۷۵ هزار و سیصد  
و هفتاد و پنج - مطابق تیر ماه باستانی - وفات کرد .

☪ (۱۳۸۴- وفات شیخ باقر کاظمینی ، ره) ☪

وی فرزند شیخ هادی و خود بطوری که در «الکرام البرره: ۱۹۶ ش ۳۹۸» فرموده عالمی ادیب از افاضل ادباء نجف و اعلام آن در عصر خویش (۱) بوده ، سید جعفر خراسان در «مجموعه» خود مرثیه ئی که او برای سید حسن بن علی خراسان (متوفی ۱۲۶۵) سروده آورده و او را عالم ادیب کامل تقی و رع خواننده ، و آن مرثیه لامیه خوبی است در حدود ۴۰ بیت . و از منظومات صاحب عنوان ایضاً تهنیتی است برای مرحوم صاحب «جواهر الکلام» و هم رثائی برای اوورثاء شیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطا و غیر اینها . و شیخ محمد سماوی در «الطلیحه» نیز او را ذکر کرده و گوید وی ادیبی فاضل و شاعری بزرگ بود و از شعر اکتساب نمی کرد و در (۱۲۷۸) وفات یافت .

☪ (۱۳۸۵- وفات حاج شیخ محمد جواد نراقی ، ره) ☪

وی فرزند مرحوم حاجی ملا احمد نراقی (اعلی الله مقامه) است که در سال (۱۲۲۵ ج ۲ ش ۶۵۳) گذشت .  
 و خود از علما و فقهاء عصر خویش در کاشان بوده ، و همانا در سال ۱۲۲۲ هزار و دو بیست و بیست و دو- چنانکه در «لباب الالقاب : ۱۰۳» و «الکرام البرره : ۲۷۵» فرموده اند - متولد شده ، و در نزد پدر بزرگوار و بعضی دیگر از اعلام ابرار درس خوانده تا بدرجه

(۱) مرحوم علامه معلم بیش از این چند کلمه نوشته بود بناچار بقیه را از کرام عیناً ترجمه نمودیم ۴۰

سامیه در علم و عمل نائل گردید و مورد وثوق خاصه و عامه قرار گرفت و بامامت جماعت و امر بمعروف و نهی ازمنکر اشتغال ورزید و در تقوی و نقاوت و فقاوت و فطانت درجه عالی را احراز کرد ، تا پس از مدت پنجاه و شش سال عمر در اینسال رو بمالم آخرت آورد (۱) .

### ❁ (۱۳۸۶- وفات سید جواد قزوینی ، ره) ❁

وی فرزند آقا سید حسین قزوینی است که در (ج ۲ سال ۱۲۰۸ ص ۳۳۹ ش ۱۳۳) گذشت ، هر چند که آنجا نوشتیم که او فرزندی بدین نام داشته .  
و خود - بطوری که در «الکرام: ۲۸۱ ش ۵۵۶» نوشته - از اجلاء و اعظم علماء قزوین در عصر خود بوده و در اینسال وفات نموده و فرزندان چندی از سه زن باز نهاده که از ده نفر آنها عقب گذاشته : اول دختر نایب الصدر. دویم دختر آقا سید محمد مجاهد .

### ❁ (۱۳۸۷- تولد میرزا حسن ، ساکت اصفهانی) ❁

مرحوم میرزا حسن از شعراء اصفهان بود (۲) و در تصوف و عرفان خود را از سلسله صفی علیشاه می نمود ، و او در این سال متولد شده و چندین سال بتریاک فروشی اشتغال داشت ، تا در ماه رجب الفرد سنه ۱۳۵۶ هزار و سیصد و پنجاه و شش - مطابق (شهریور - مهر) ماه باستانی - پس از ابتلاء بمرگ فرزند جوانی بنام میرزا عباس - که زیاده بر یک ماه پیش از وفات وی بدرود جهان نموده بود - وفات کرد .

(۱) این شرح حال در نسخه اصل در سال تولد صاحب آن (۱۲۲۲) بوده لکن چون بهنگام تبیض سهواً از قلم مرحوم مؤلف ساقط شده بود لذا در اینجا آورده شد . م.  
(۲) رجوع به «تذکره شعراء معاصر اصفهان : ۲۳۱» تألیف آقای مهدوی شود . م.

﴿۱۳۸۸- تولد شیخ حسن (فدا حسین) لکهنوی﴾

شیخ فدا حسین که نامش سراج الدین حسن بن عیسی قرشی یمانی هندی است (۱) از جمله علماء عصر بود که در این سال متولد شده و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله : اول کتاب « اکمال المنه » در نقض کتاب « منهاج السنه » که آن از احمد ابن تیمیه حرانی در رد

(۲) در کتاب « اعیان الشیعه ۲۳:۳ » چند سطرى راجع بصاحب عنوان ذکر شده و گوید وی از علماء هند و شاگرد مفتی میرعباس بوده و اجازه روایتی بنا بر تاریخ ۱۳ ماه شعبان ۱۳۱۵ از مرحوم حاج میرزا حسین نوری دارد ، سپس نام ۱۲ کتاب از تالیفات او را آورده است . در « الذریعه ۱: ۱۸۱ » گوید که وی بتوسط علامه سید ناصر حسین و مرحوم شیخ محمد رضا ابوالمجد اصفهانی از حاجی نوری استجازه کرد و نسخه آنرا در کتاب خود « الیم العجاج فی اسانید السراج » درج نموده است . در جلد دوم ذریعه نیز اسامی چندین تألیف دیگر وی را آورده از جمله « الاعتذار عما یعمل من رسوم العزاه فی تلك البلاد والامصار » و « الاستشعار فیما سنح لی من الفلسفة الالهیة من نوادر الافکار » ، و بقیه آثار او در سایر مجلدات ذریعه مذکورست ، و در حرف جاء « نقباء البشر » شرح حال او را حواله بعنوان « فدا حسین » داده اند که مع الاسف هنوز تطبیع نرسیده . و مخفی نماند که نام پدر صاحب ترجمه عیش است بعین و یا و شین معجمه نه عیسی ، چنانکه از جلد ۱۵ « ذریعه : ۲۱۲ » معلوم میشود ، گوید : « عبرات العین علی مصاب الحسین ، أو مقل ابن عیش . للشیخ محمد سراج الدین حسن بن عیش التیمی القریشی الیمانی الکهنوتی المعروف بالشیخ فدا حسین واسمه التاریخی نظیر حسن لانه ولد ۱۲۷۸ » انتهى . لکن در اینجا تحریفات چاپی دیگری واقع شده که التیمی باید التیمی و القریشی باید القرشی و الکهنوی باید اللکهنوی باشد ، : الله العاصم . و در مواضع دیگر ذریعه نیز همانند « اعیان الشیعه » نام پدر را بخطای عیسی نوشته اند . بالجمله فلا تتها ←

کتاب «منهاج الکرامة» علامه حلی درامامت است . دویم کتاب «دفع الاستغراب والانکار» از دومعجزة صلاة وانظار از پدراثمة اطهار (ع) .  
 وپس از مسدت هفتاد و پنج سال قمری عمر، در سنه ۱۳۵۳ هزار و سیصد و پنجاه و سه وفات کرده ، چنان که در «الذریعه ۸: ش ۹۳۳» نوشته .

— ماخذی که برای شرح حال نسبة مبسوط صاحب عنوان در دست داریم «تکملة نجوم السماء ۲: ۲۵۸ تا ۲۶۵» است تألیف میرزا محمد مهدی کشمیری فرزند مؤلف نجوم السماء ، که وی را در زمرة علماء موجودین در زمان تألیف تکملة آورده و گوید : «محمد سراج الدین حسن بن عبش القرشی التیمی العدوی الاموی الیمانی الدرشن خوانی ، معروف است بشیخ فدا حسین و مسمی است باسم تاریخی نظیر حسن ، که از سن (سنه.ظ) ولدنش خبر میدهد . بامداد یوم الخمیس دهم ماه مبارک رمضان سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و الف از هجرت بجهان آمد . نسبش از جانب پدر بخلیفه اول و از جانب مادر بخلیفه ثالث و از جانب مادر پدرش بخلیفه ثانی می پیوندد و از این رو است که خود را در مصنفات خودش «تیمی و عدوی و اموی» بر مینگارد و از خاندان عظیم شیخ زادگان و پیرزادگان لکهنو است .... و والد بزرگوارش خاتم الشعراء المتقدمین حضرت عیش ( اعلى الله مقامه ) مقاطیع شرعیسه مبشر بر میلاد مسعودش انشاد فرموده ...» الی آخره .

مع الاسف در این شرح حال تکمله اغلاط کتابتی بسیاری واقع شده است . و مخفی نماند که از أشهر تألیفات فدا حسین کتاب «سیکة اللجن ثبت مناقب مولانا السید ناصر حسین ابن المیرحامد حسین» است که هم در ذریعه وهم در تکمله موصوف ذکر شده ، و از جمله ماخذ شرح حال وی کتاب «تجلیات» است که میرزا هادی عزیز متوفی ۱۳۵۴ فرزند دیگر میرزا محمد علی صاحب «نجوم السماء» در خصوص احوال سید میرمحمد عباس مفتی (متوفی ۱۳۰۶) بزبان اردو تألیف و در ۱۳۴۴ در لکهنو چاپ کرده است ، و اینهمه طول و تفصیل بخاطر احیاء نام و نشان يك نفع عالم مجاهد جلیل القدر بود ، و من الله التوفیق .م .

## ﴿۱۳۸۹- تولد آقا ضياء الدين عراقى ، (ره)﴾

وى فرزند ملا محمد كزازى است كه پدرش ملا محمد از علماء ناحیه عراق ايران و به ملا محمد كبير معروف بوده و در «المآثر والاثار: ۱۶۵: ۲» وى را در عنوانى مخصوص ترجمه نموده و فرمايد: «ساكن سلطان آباد و از نهباء فقهاء است و بكثرت حفظ و حسن تقرير و وحدت نظر و وجودت قريحه ميان أقران امتياز دارد» انتهى . و بطورى كه در «نقباء البشر» در اول عنوان صاحب ترجمه نوشته وى از مجازين حاج سيد شفيح جابلقى بوده و بعد از سال ۱۳۰۰ وفات نموده ، انتهى .

و آقا ضياء الدين خود از اعظم علماء محققين و افاضل فقها و اصولين در نجف اشرف بود، و شرح احوالش در «احسن الوديعه ۱: ۱۰۹» و بهتر و مفصل تر از آن در «نقباء البشر: ۹۵۶ ش ۱۳۲۹» نوشته ، و از اين اخير چنان بر آيد كه وى در اين سال متولد شده . و در باوردنى نوشته كه نام او على بوده ليكن مطلقاً بدان معروف نشده ، انتهى .  
و بهر حال ، از اين دو مأخذ و بعضى از مواضع ديگر - از آن جمله كتاب «كرج نامه: ۲۸۳» كه آنجا تولدش را در ۱۲۸۷ نوشته (۱) - چنين بر آيد كه وى در نزد پدر خود درس

(۱) تاريخ ولادت مرحوم آقا ضيارا در «نقبا» در دو موضع بارقام هندى (۱۲۷۸) نوشته ، و چنين است در «معجم رجال الفكر والادب فى النجف : ۳۰۹» ، راقم اين سطور نيز سابقاً در «زندگاني آية الله چهارسوقى : ۱۰۶» بهمين قسم (۱۲۷۸) نوشته و مأخذ آن را بخاطر ندارم ، لکن علاوه بر «كرج نامه» مذكور در متن ، علامه فقيه حاج سيد محمد هاشمى (۱۳۳۲-۱۳۹۷) در مقدمه «روائع الامالى» گويد : «ولد طالب ثراه فى مدينة اراك سنة ۱۲۸۷» ، و سپس مدت عمر آن مرحوم را صريحاً ۷۲ سال (اربع و سبعين سنة) نوشته كه ←

خواننده و هم در بعضی از شهرهای علمی ایران فیض مدرس بعضی از علماء آنها را دریافته و بنجف اشرف شتافته (۱) و آنجا در نزد سید محمد فشارکی و حاج میرزا حسین خلیلی و سید یزدی و آقای شریعت و بالاخره آخرین آنها که مرحوم آخوند خراسانی (ره) بوده درس خوانده و شطری و انفراد علوم فقه و اصول و حدیث و رجال و حکمت و کلام و غیر آنها را تحصیل کرد و در همان اوائل بذکاء مفرط و نبوغ مبکر و عبقریت علمی و وسعت معرفت و اطلاع معروف و از موافقی که درس می‌خواند با احترام از طرف اساتید خود و غیره بهره مند گردید و باین که وی از اجلاهی شاگردان آخوند خراسانی است شهرت گرفت ، و چیزی نشد که خود بتدریس نشست و از حسن القاء و عذوبت منطق و براعت در تحقیق شهرتی پیدا کرد، و پس از وفات آخوند مجامع درسش اهمیتی بهم رسانیده و در حدود سی سال همی در نجف بر منبر تدریس می‌کرد و صد ها نفر از مجتهدین افاضل که خود اهل رأی و فتوی بودند بدرس

— البته این مدت عمر با ۱۲۸۷ منطبق است نه ۱۲۷۸ ولابد علامه هاشمی از خاندان خود آن مرحوم تحقیق کرده ، و اهل البیت اداری . مؤلف «فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» نیز آنجا که نسخه چاپی «روائع الامالی» تألیف آقا ضیا را معرفی کرده تاریخ ولادت آن وی را باستاد اطلاعات خارجی باینصورت : «حدود ۱۲۸۷ در سلطان آباد اراک» نوشته ، و ظاهراً مأخذ آقای مشار هم در «مؤلفین کتب چاپی ۲: ۳۷۲» که ولادت را ۱۲۸۷ نوشته همان مقدمه سابق الذکر باشد . و مخفی نماند که مؤلفین اعیان الشیعه و احسن الودیعه و ماضی النجف و معارف الرجال و ریحانة الادب و علماء معاصرین مطلقاً از ذکر تاریخ ولادت و مدت عمر آن مرحوم سکوت کرده اند .م.

(۱) در «فهرست رضویه ۵: ۵۸۲» گوید که وی سطوح فقهی و اصولی و کلامی را در اصفهان خوانده و هم در خدمت اعلامی چون میرزا محمد هاشم چهارسوقی و میرزا ابوالمعالی و آخوند کاشی ، و در نجف نزد سید محمد اصفهانی و سید محمد کاظم طباطبائی تلمذ کرده ، عمده تلمذ و تکمیلش نزد صاحب «کفایة الاصول» بوده و از خواص و اعظام شاگردان او است . انتهی .م.

او حاضر می شدند ، و هر گاه اشکالی از شاگردان وارد میشد آنرا پذیرفته و در اطرافش تحقیقات بعمل می آورد تا درست صدر ضرب المثل و در حقیقت نمونه اساطین علمی سلف و بقیه آنها گردید ، و علماء عصر هم به بلومقام او اعتراف داشتند ، چنان که مرحوم حاجی سید علی نجف آبادی که تصدیق بمقام علمی هیچ يك از علماء عصر خویش نداشت او را اول شخص از علماء و خود را ثانی اومی پنداشت (۱) ، و در «نقبا» نوشته که قول او در مشاغل علمیه حجت و حقا که وی مجدد علم اصول بود ، انتهى .

ووی اجازت روایت از مرحوم حاجی نوری گرفته ، و کتب و رسائل چندی تألیف نموده همه مملو از تحقیقات علمیه و مطالب علیه (۲) از آن جمله : اول کتاب «تکمله» در شرح

(۱) اینجانب علامه معلم در تنگنای عبارت واقع شده ، و حق سخن اینست که مرحوم حاج سید علی مجتهد نجف آبادی اصفهانی (متوفی ۱۳ صفر ۱۳۶۲ یعنی ۲ ماه و نیم پس از فوت آقا ضياء الدين) تا چندی معتقد بود که اعلم زمان همانا صاحب عنوان است نه دیگران ، لکن پس از تشرف بعتبات و درک محضر مرحوم آية الله اصفهانی آقا سید ابوالحسن (فدیه) عقیده خود را کاملاً تعدیل نمود . اینک با در نظر گرفتن داوری چنین مجتهدی و هم آثار فقهی متعدد و رسائل علمیه و تعلیقات عروة الوثقی و غیرها که از صاحب عنوان باقی مانده و در صفحات آینده شرح داده خواهد شد ؛ چقدر جای تعجب است که مرحوم شیخ محمد حرزالدین در «معارف الرجال ۱: ۳۸۶» خود راجع بآن مرحوم شرحی نامناسب و البته از طغیان قلم نوشته و در باره مقام نقاهت آن جناب تأملی نابجا فرموده است ، والله العاصم .م.

(۲) چون در متن کتاب حاضر و سایر کتب تراجم دقتی شایسته در آثار صاحب عنوان نشده ، لذا اندک بسطی در این خصوص لازم بنظر رسید ، اینک گزارش آنچه از تألیفات آن مرحوم نزد این حقیر موجود است : ۱- «شرح تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین للعلامة الحلبي» و منشأ اینکه مرحوم معلم آنرا «تکمله» نامیده معلوم نشد و ظاهراً اشتباهست ، و آنچه از این کتاب شرح تبصرة بطبع رسیده : اول قسمی از معاملات است که از «افضل الثالث فی عقد البيع» تا مبحث اقاله و سپس شفعه و بعد اجاره ، و دومیه و در آخر ؛ بحث دعاوی است با تاریخ ختم تألیف (۳ ماه رجب ۱۳۲۵) که در همانسال بتصحیح و اهتمام و بهزینة «حضرت»

«بصرة علامه». دویم کتاب «قضاء» که تا مبحث تعاقب ایدی رسیده و از تألیف آن در سنه ۱۳۵۷ فارغ شده. سیم کتاب «بیع». چهارم «مقالات اصولیه». پنجم «فروع علم اجمالی». ششم «حاشیه بر العروة الوثقی». هفتم «شرح بصره» که در نقباء فرموده ظاهراً آن همان بیع

← ملاذ المسلمین حجة الاسلام آقا میرزا محمد رفیع مجتهد رشتی المعروف بفقہ الاسلام بخط محمد علی تبریزی در نجف اشرف کتابت و طبع شده است (در ۲۱۸ صفحه وزیرى) و در صفحه اول نسخه شرحی بقلم یکی از شاگردان جبل عاملی، مصنف در مدح کتاب و مؤلف دیده میشود. نسخه ما دارای اصلاحات و اضافات فراوان قلمی است.

دوم کتاب القضاء شرح بصره که باهتمام مرحوم آقا سید مهدى امامى اصفهانى داماد مؤلف در حدود ۱۳۷۰ در نجف اشرف باندازه وزیرى طى ۱۵۳ صفحه چاپ حروفی شده و تاریخ ختم تألیف کتاب قضا (ماه رجب ۱۳۳۳) بوده، و در پایان این کتاب: ۴- رساله فی تعاقب الایدی» که تاریخ تألیف آن (۱۳۵۷) و از ص ۱۵۳ تا ۱۶۰ پیرو کتاب القضاء بطبع رسیده است.

۳- «روائع الامالی فی فروع العلم الاجمالی». سال ۱۳۶۶ مرحوم آقا سید مهدى امامى اصفهانى سابق الذکر مجموعه نئی از آثار آن مرحوم راطی ۱۶۰ صفحه رقمی در نجف اشرف چاپ کرده که دو صفحه آغازش شرح حال مؤلف است بقلم علامه مرحوم حاج سید محمد هاشمی، و از ص ۳ تا ۹۶ «روائع الامالی» است و تاریخ تألیفش. غره ۲۶- ۱۳۳۷ میباشد و سپس تا ۱۰۲ قواعدی است در عین موضوع رساله مذکوره و نقل از شرح بصره مؤلف. سپس:

۴- «رسالة فی اللباس المشكوك» را (از ص ۱۰۳ تا ۱۵۳) چاپ کرده اند که مشتمل است بر تنقیح برخی از مسائل مهمه و فوائد جلیله و تاریخ ختم تألیف روز پنجشنبه ۲۰ ماه رجب ۱۳۴۲ میباشد. و در خاتمه مقاله نسی است نفیس در بحث استحباب عدم ازلی که تاریخ آن ۱۳۴۸ بوده و طبع مجموعه در ۵ ماه رمضان ۱۳۶۶ بهمین جا خاتمه می یابد.

۵- «مقالات الاصول» در دو جلد: اول از بحث مهم موضوع و تمایز علوم تا آخر مجمل و مبین که سال ۱۳۵۸ طى ۱۷۵ صفحه وزیرى بخط محمد علی تبریزی در نجف اشرف ←

مذکور است . هشتم «تقریرات اصولیه» که آنها را دونفرشاگردانش میرزا هاشم آملی و شیخ محمد تقی بروجردی که هر دو از علماء قم هستند چاپ کرده‌اند . نهم «حاشیه بر رساله حاج شیخ عبدالله مازندرانی» برای مقلدین .

و چند سالی قبل ازوفاتش ریاست علماء شیعه منحصر دروی و معدودی دیگر گردید ، و در نجف بساط تدریس پهن کرد و در اواخر برای ضعف مزاج سواره بمسجد طوسی برای تدریس می‌رفت . و چندین نفر از فیض آن مدرس مقدس بدرجات عالیّه رسیده‌اند ، از آن جمله :

← چاپ شده با تقریظی از «محمدالتقی الصادق‌العالمی» شاگرد مصنف ( که شاید تقریظ کتاب‌البیع شرح تبصره نیز از همین شخص باشد) . دوم از بحث قطع تا تقلید که بسال ۱۳۶۹ بخط حسین بن حاج علی‌چاوشی طی ۲۱۰ صفحه و زبیری در طهران بطبع رسیده است . و اما آثار دیگر صاحب عنوان که در دسترس اینجانب نیست فراوان و اسامی آنها بالخصوص در مقدمه «روائع الامالی» مذکور است . و اما «بدایع الافکار» که در «معجم المؤلفین العراقین» - ظاهراً به پیروی از «مؤلفین کتب چاپی» - جزو تألیفات وی ذکر کرده در حقیقت تقریرات درس اصول آن مرحوم است که بقلم آقای آقا میرزا هاشم آملی است و در چهار مجلد در نجف اشرف چاپ شده ، چنانکه تقریرات آقا شیخ محمد تقی بروجردی نیز که از درس اصول همان استاد است بنام «نهایة الافکار» بطبع رسیده .

تذکره مهم : از جمله تألیفات مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی (قدس الله روحه) که در مقدمه «روائع الامالی» از آن یاد شده «تعلیقه علی کفایة الاخواندالخراسانی» است ، از آنجا که این نایفه دوران با آن همه عظمت مقام علمی و عملی در زمان حیاتش بخت مساعدی نداشته و این بی اقبالی را هم دیگران میدانستند و هم خود بدان واقف بود ، چنانکه در نامه‌ئی از آن مرحوم که پس از این طبع میشود بخط خود بدین مطلب تصریح نموده ؛ مع الاسف بعد از فوت نیز بی اقبالی تمام نشده و از آن جمله : در اثر عدم تحقیق و اشتباه و قصور چند نفر - نه بعمد و غرض و تقصیر - «تعلیقه کفایة الاصول» او بالتمام بنام عالم جلیل‌القدر دیگری از دوستان قدیم وی در حوزه مرحوم آخوند خراسانی که نسخه ئی بخط خود استساخ نموده بود ، چند سال قبل در ایران طبع و منتشر گردید . والله العالم . م .

اول حاج شیخ محمد باقرالفت که در (۱۳۰۱) بیاید. دویم شیخ عباس بن حاج آقا محمد آقای تاجر طهرانی که در (۱۳۰۹) بیاید. سیم شیخ محمد حسین آیتی که در (۱۳۱۰) بیاید. چهارم آقا نجفی تبریزی که در (۱۳۱۵) بیاید. پنجم سید عبدالهادی شیرازی که در (۱۳۰۵) بیاید. ششم سید ابوالقاسم خوئی. هفتم سید علی کاشانی یریی. هشتم آقا سید محسن حکیم که در (۱۳۰۶) بیاید. نهم شیخ عبدالنبی عراقی وفسی که در (۱۳۰۷) بیاید. دهم شیخ محمد تقی آملی. یازدهم میرزا حسن یزدی. دوازدهم شیخ محمد تقی بروجردی. سیزدهم شیخ علی محمد بروجردی. چهاردهم میرزا هاشم آملی. پانزدهم سید حسن بجنوردی. شانزدهم سید یحیی یزدی. هفدهم شیخ علی کاشانی. هیجدهم شیخ آقا بزرگ تهرانی مؤلف «نقبا» که در (۱۲۹۳) بیاید، و فرماید: من در مجلس درس آخوند خراسانی با او مصادقت بهم رسانیده و پس از وفات وی بدرس خود او میرفتم. و غیر آنها (۱).

و چند نفر از وی روایت می کنند، از آن جمله سید محمدتقی خوانساری، و دیگر شاگردش آقا نجفی مرقوم (۲).

و بالاخره، وی در ساعت یکم شب دوشنبه بیست و هشتم ماه ذی القعدة الحرام (۳)

(۱) از جمله شاگردان صاحب عنوان، والد ماجد راقم این سطور است که نزدیک سه سال بمجلس درس وی حاضر شده و بسیار طرف توجه و علاقه استاد بوده است، چنانکه از نامه مندرج در ص ۲۲۲۳ مستفاد میشود، و شرح حال آن مرحوم در (۱۳۱۹) خواهد آمد. م. عفی عنه.

(۲) یکی دیگر از آنان مرحوم میرزا محمدعلی مدرس تبریزی «اعلی الله مقامه» است که صاحب عنوان از مشایخ اجازه روایت و اجتهاد او بوده، چنانکه خود در «ریحانة الادب ۲۵:۱» نوشته است.

تکملة: در صفحات قبل شرحی راجع بتالیفات صاحب عنوان که سابقاً چاپ شده بود نوشتیم، اینک اضافه می کنیم که از سال ۱۳۹۷ بیعد نیز چاپ أجزاء کتاب مهم «شرح تبصرة المتعلمین» آن مرحوم بطور کامل و از آغاز کتاب الطهاره در مجلدات عدیده بشکلی مطبوع در قم استمرار داشته و در دسترس اهل علم قرار گرفته است. م. عفی عنه.

(۳) این تاریخ نص صریح «نقبا» است، و مرحوم آیه الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقی - جدّ امی و عم پدر راقم این سطور - نیز در جائی چنین یادداشت ←

سنة ۱۳۶۱ هزار و سیصد و شصت و يك - مطابق ۱۶ آذر ماه باستانی - در نجف وفات کرد ، و در حجرهٔ دویم طرف چپ آن‌که از در مغرب معروف بیاب سلطانی بیرون‌رود و پهلوی دالان است دفن شد ، و بوفات او فاجعهٔ بزرگی بمذهب شیعه رخداد (۱) ، و در نجف چندین روز و همچنین در سایر شهرها مجالس تعزیه متعدده برای او برپا نمودند ، چنان‌که مرحوم حاجی سید علی نجف‌آبادی نیز در اصفهان در ۱ شنبه ۱۱ ذی‌الحجه مجلسی برای ترحیم وی فراهم نمود . و مراثی عدیده برای او گفته شد ، از آن جمله شیخ جواد قسام خطیب نجفی فرموده :

ماتات من آثاره بعده	بین الوری باقیة الاسم
لما سروا بنمشه والهدی	ظلت اسی عیونه تدمی
بلوغة أرخته : قد دجا	بعد ضیاء أفق العلم

۱۳۶۱

در « نقبا » فرماید : ظاهراً ناظم دجا را با الف مقصوره نوشته و در حساب یاء گرفته و ده اعتبار کرده . و در « ص ۹۵۸ ) فرماید : فرزند وی در حیات خودش بدیوانگی مبتلا شده و وفات کرد (۲) .

← کرده‌اند : « رحلت مرحوم آقای آقا ضیاء‌الدین عراقی مجتهد طراز اول نجف : شب ۲۸ ذی قعدة ۱۳۶۱ » انتهى ، و در « معارف الرجال » روز دوشنبه ۲۸ قعدة نوشته‌که البته ناظر بدفن در آنروز است . لکن در « اعیان الشیعه » و « ریحانة الادب » و « مؤلفین کتب چاپی » و « فهرست کتابخانه استان قدس » همه با اشتباه ، وفات را در ذی‌الحجه نوشته‌اند . م . عفی عنه .

(۱) خصوصاً که يك هفته‌ئی پس از درگذشت آن مرحوم ، شخصیت بی نظیر دیگری در جهان دانش شیعه یعنی آیه‌الله حاج شیخ محمد حسین اصفهانی ( متولد ۱۲۹۶ ) در همان نجف اشرف برحمت ایزدی پیوست و با این دو فقدان دردناک ، حوزه مقدسه علمیه بهترین و کاملترین مجتهدان محقق و مربی و مدرس بی نظیر خود را از دست داد . م .

(۲) در ص ۲۲۱۷ گذشت که مرحوم آقا سید مهدی امامی داماد صاحب‌عنوان بوده ، اینجا اضافه می‌کنیم که او را از این مواصلت فرزندان پسر و دختر متعددی فراهم آمد ، و خود خلف مرحوم سید محمد خاتونا بادی است که مدتی در نجف بوده و سپس بکربلا منتقل و در همانجا در گذشته و دفن شده و او را بغیر از سید مهدی اولاد ذکور و اثنا دیگری ←

← نیز بوده ، یکی از دخترانش در نجف بزوجیت مرحوم آقا شیخ محمدرضا ابوالمجد



حاج سید محمد هاشمی نجفی

نجفی اصفهانی (۱۲۸۲) در آمده و مادر سه تن از فرزندانش میباشد. و دیگر سیدزین العابدین بن سید محمد متوفی ۱۳۵۶ در نجف که دختری از او زوجه علامه مرحوم حاج سید محمد جمال هاشمی سابق الذکر است ، و این سید جلیل از نوابغ علم و ادب حوزه نجف اشرف و از اصدقاء دیرین راقم این سطور بود و گویا بهارضه سکنه در شب جمعه ۱۴ - ۱۳۹۷ - ع در نجف وفات یافت و در جوار والد ماجدش آية الله آقا سید جمال الدین گلپایگانی « رحمه الله علیهما » در مزار مطهر وادی السلام بخاک سپرده شد ، چهارم و آخرین فرزند مرحوم سید محمد خاتونا بادی : آقا سید علی

مقیم نجف اشرف می باشد . والسلام . م . عقی عنه .



آیه‌الله آقا ضیاء عراقی

تصویر دیگری از آن مرحوم در «ریحانة الادب»  
و بنقل از آنجا در «مؤلفین» مشار چاپ شده است

معرض عالم ربانى در وصف عظمه جلاله در عوالم نامرئى و نامرئى

که در اصل عظمه بعد از قسه بودیم فرود چه را که این نعمت عظمی از می فرست  
 چون بگفته نام عظیم این بود که اسکندر در او صومعه دو سفینه کند نشان از  
 که ماله عظیمی را بر سر که خمر الرابع ماله نشسته السفین طعمه  
 که شش منی را به سببت چرا که در مقام امر مومنین معلوم این  
 منت مکرر کرد و خطایش را با این وصف حقه تصور حاصل کرد  
 ماهدستان جعفر عجمی که سلام را معین و نام بود اما مشیت  
 محروم و شکیبایان که نماند در کف شکر گواری و علم در صفا  
 السیدان صفات عظمه از این است که بقدر سببت عوالم بود  
 مقام شگفته در صفا و انوار اللهب غیبی در این کوه  
 مالمسه ملک وجودات خمر نه زره مکرمان بردن است  
 عیبش فرموده در فرزند و مورثش در دنیا و آخرت  
 هم گفته ای است که در نامه در ناچیه که تقریرها بود و در عوالم  
 لذا سادرس لعلی تسلیمه السامه لعله باره منو کالام

میرزا سید حسن چهارسوقی در تسلیت فوت آية الله میرزا  
 سید محمد هاشم روضاتسی ، رحمة الله عليهم اجمعين .  
 ۱۱۱۱  
 در تسلیت فوت آية الله میرزا  
 سید محمد هاشم روضاتسی ، رحمة الله عليهم اجمعين .

نامه آية الله آقا ضياء الدين عراقى به آية الله آقا  
میرزا سید حسن چهارسوقی در تسلیت فوت آية الله میرزا  
سید محمد هاشم روضاتسی ، رحمة الله عليهم اجمعين .

### ❁ ( ۱۳۹۰ - وفات عباسقلیخان جوانشیر معتمدالدوله ) ❁

وی فرزند ابوالفتح خان بن ابراهیم خلیل خان بن پناه خان بن ابراهیم خلیل خان سیم ابن پناه آقای دویم ابن ابراهیم خلیل آقای دویم ابن پناه آقای بن ابراهیم خلیل آقای قراباغی ، و خود از بزرگان دولت قاجاریه بوده که سالها مناصب ارجمندیافته، و در اینسال ( چنانکه در « منتظم ناصری » دارد ) وفات کرده (۱) .

### ❁ ( ۱۳۹۱ - تولد میرزا عبدالباقی ۵۱ ملاباشی شیرازی ) ❁

وی فرزند حاجی میرزا محمد باقر ۵۰ ملاباشی ابن حاجی میرزا سید محمد ۴۹ ابن حاجی میرزا محمد باقر ۴۸ ملاباشی شیرازی است .

حاجی میرزا محمد باقر ۴۸ در ( ۱۲۴۰ ش ۵۷۱ ج ۴ : ۱۱۰۸ ) گذشت .  
فرزندش حاجی میرزا سید محمد ۴۹ ملاباشی از اعیان عصر خود بوده ، وفاتش سنه ۱۲۹۷ و بنا بر آنچه در « آثارعجم : ۵۲۶ » نوشته وی پسرخاله میرزای شیرازی است .

فرزندش حاجی میرزا محمد باقر ۵۰ ملاباشی از معاریف عصر بوده ، تولدش سنه ۱۲۵۳ .

فرزندش میرزا عبدالباقی ۵۱ صاحب عنوان از اهل علم و فضل بود ، وادراین سال متولد شده ، و پس از مدت هفتاد و هشت سال قمری عمر در سنه ۱۳۵۴ هزار و سیصد و پنجاه و چهار - چنانکه در جلد سیم « الذریعه : ش ۶۷ » نوشته - وفات کرد ، و فرزندانی - چنانکه در « آثار الحجه ۱ : ۸۴ ش ۱۹ » نوشته - باز نهاد ، یکی آقا سید محمد باقر ۵۲ عالم آیه‌اللهی که از علماء شیراز است (۲) ، و دیگری حاجی سیدمحمد کاظم ۵۲ آیه‌اللهی که در قم ساکن و از علماء آن بشمار آید .

(۱) شرح حال متوسطی از صاحب عنوان در کتاب بامداد « تاریخ رجال ایران ۲ : ۲۲۷ - ۲۲۹ » مذکور و در آنجا گوید : « عباسقلیخان معتمدالدوله مردی بوده عاقل عادل ، با سیاست ، موقر و رؤوف و بر خلاف سایر حکام چندان نظر تعدی و تجاوز نسبت ب مردم نداشته است . م . عفی عنه .

❁ (۱۳۹۲ - وفات حاج میرزا علی اصغر ۳۲ شیخ الاسلام تبریزی ، ره) ❁

وی فرزند میرزا محمد تقی ۳۱ قاضی (۱۲۲۰ ش ۲۸۹ ج ۳ ص ۷۰۱)، و خود از علما و معاریف عصر خویش در آذربایجان و از جمله رؤسا و مصادر امور آن سامان بوده. شرح احوالش در «شجره نامه سادات وهابی ها . ص ۳۷» و «هدیه لآل العبا : ۴۰ و ما بعدها» نوشته ، و از آنها با ملاحظه بعضی از مواضع دیگر چنین بر آید که: وی در سنه ۱۱۶۴ هزار و صد و شصت و چهار - مطابق (۱۱۲۹ - ۱۱۳۰) شمسی- متولد شده ، و ابتداءً نقابت اشراف را داشته . او و آقا میر فتحاح ( ۱۲۰۹ ش ۱۳۶ ج ۲ ص ۳۵۷) هر دو دختران میرزا عطاءالله شیخ الاسلام ( ۱۲۱۳ ش ۱۹۶ ج ۲ ص ۴۷۸) را بزوجیت داشته اند . و در سنه ۱۲۴۳ که قشون دولت روسیه تبریز را گرفت و آقا میر فتحاح اظهار تمایل با آنها نمود وی مخالفت کرد و از این جهت بعد از ورود قشون بشهر چند روزی محبوس گردید ، و در اثر آن مورد اعتقاد دولت ایران و عموم مردم قرار گرفت ، و نایب السلطنه عباس میرزا وی را شیخ الاسلام آذربایجان نمود ، و او سالها با تصدّر و نفاذ امر و بسط ید و تمولی وسیع بدان امر اشتغال داشت ، و در زمان ولی عهدی ناصرالدینشاه در مجلس مباحثه علما با میرزا علی محمد باب حاضر بود ، و در اول سلطنت او میرزا تقی خان امیر وی را با فرزندش میرزا ابوالقاسم بطهران جلب کرده و سه سال توقیفشان نمود ، و بعد از عزل و قتل وی میرزا آقا خان نوری آنها را رها کرده و با کمال احترام بتبریز ارجاع داشت .

و او همی آنجا بود تا در اینسال بسن صد و چهارده سالگی قمری وفات نمود ، و جنازه اش را بکربلا برده آنجا دفن کردند ، و با اینکه عمرش از صد و ده سال متجاوز بوده با قوت مزاج و مشاعرش همه درست می بود ، و بعد از صد سالگی فرزند بهم رسانیده . **انتهی بتغییر سیر .**

→ (۲) حاج سید محمد باقر عالم در اواخر ماه رمضان ۱۳۹۹ مطابق اواخر مرداد ۱۳۵۸ وفات یافته مجلس ختمش در شب ۲۹ ماه رمضان در مسجد حضرت علی- اصغر شیراز برگزار گردید و برخی از روزنامه های آن ایام از ایشان تجلیل کردند .  
م . عفی عنه .

آنگاه در « شجره نامه ص ۲۲ تا ۲۴ » ده نفر فرزند برای او آورده که ما در این کتاب فقط چهار نفر ایشان را عنوان می‌کنیم ، یکی حاج میرزا ابوالقاسم ۳۳ که از همه بزرگتر بوده و در (۱۲۷۹) بیاید . و دیگر حاج میرزا محمود ۳۳ که در ( ۱۲۴۰ ) ش ۵۸۴ ج ۲ ص ۱۱۲۳) گذشت . و دیگر میرزا شفیع ۳۳ نقیب‌الاشراف ( ۱۲۸۱ ) ، و مادر این سه نفر دختر میرزا عطاءالله شیخ‌الاسلام بوده . و دیگر شیخ آقا که در (۱۲۹۴) بیاید . و کوچکترین فرزندان او مرحوم میرزا محمد آقا ۳۳ شیخ‌الاسلام بوده که در سنه ۱۲۹۶ بجوانی در حدود بیست و پنج سالگی وفات کرده ، چنانکه در « شجره نامه : ص ۴۱ » نوشته و در « هدیه لآل العبا : ۴۶ » نوشته که فرزندوی حاج میرزا علی اصغر ۳۴ طباطبا - که در سنه ۱۲۹۰ متولد شده - فعلاً شیخ‌الاسلام آذر بایجان و رئیس خانواده و در احترام مقدم بر کل میباشد ، انتهى .

### ❁ ( ۱۳۹۳ - تولد صابر ، شاعر شماخیه‌ئی ) ❁

وی میرزا علی اکبر طاهر زاده و از شعراء این عصر بوده ، و در دهم ماه ذی‌الحجه الحرام این سال - چنانکه در « ریحانة الادب ۳ : ۱۰ » نوشته - مطابق ( ... ) جوزاماه برجی ، در شماخی متولد شده ، و در هشت سالگی بمکتب رفته و بسی در نوشتن دروس خود حریص بوده و در عوض تشویق از طرف معلم خود مورد شکنجه واقع شده ، و چون فی‌الجمله خواندن و نوشتن را یاد گرفت پدرش او را از درس خواندن بازداشته و باخود بتجارتخانه اش برد ، و او در اثر شوق فطری و ذوق شعری بنوشتن حریص تر شده و اشعاری میسرود تا پدرش ملامتش کرده و کتاب اشعارش را پاره نمود و او ناچار فرار اختیار و با قافله ابرار بخراسان رهسپار شد و پدرش از اثنای راه او را برگردانید ، بعد از آن در اثر نوحه‌هایی که در مرثیه حضرت سیدالشهداء ( علیه السلام ) سروده محبوب والدین و دیگران گردید .

و بالاخره ، وی در سنه ۱۳۰۱ بمشهد مقدس رفته و مدتی در شهرهای مختلفه خراسان و ترکستان سیاحت نمود و بعد از آن بشماخی آمده و بکربلا رفت و کتابی بنام « هوپ هوپ نامه » در هجو ملیح تألیف کرده ، و نیز « دیوانی » دارد در اشعار ترکی .

و پس از مدت پنجاه سال و هفت ماه قمری و هیجده روز عمر، در ۳ شنبه بیست و هشتم ماه رجب الفرد سنه ۱۳۲۹ هزار و سیصد و بیست و نه مطابق ۲ اسد ماه برجی وفات کرد (۱).

### ❦ ( ۱۳۹۴ - تولد نظام الشعراء فراهانی عراقی ) ❦

وی سید فتح الله بن حاج میرزا حسین بن حاج میرزا اسدالله بن حاج میرزا فضل الله حسینی از اقوام (۲) نزدیک مرحوم قائم مقام، و خود از فضلا و شعراء عصر ما بود، و تخلص نظام می نمود. و همانا او در اینسال در مشهد الکربه متولد شده، چنان که در «کرجنامه: ۲۸۸» نوشته و فرماید: اکثر اشعاری که گفته قصائدی است در مدح ائمه اطهار علیهم السلام و تاکنون اقدامی بجمع آن نشده. و پس از مدت هفتاد و یک سال قمری عمر در سنه ۱۳۴۹ هزار و سیصد و چهل و نه وفات کرد.

(۱) در این ترجمه آنچه شاعر صابر تخلص هستند که در «الذریعه ۹: ۵۷۲ وما بعدها» ذکر شده اند نوشته شود و بخصوص آنرا که بنام آقا مهدی آورده و مادر احوال سکوت (ش ۵۵۲ ج ۴ ص ۱۰۸۳) من آخر (نوشتیم). یاد داشت مؤلف توضیحاً در «فرهنگ سخنوران» ۲۴ شاعر صابر تخلص و یک تن صابری را با مآخذ تراجمشان نوشته که یکی از آنها صاحب این عنوان صابر قفقازی است و مآخذ شرح حالش را غیر از «ریحانه» دو کتاب «دانشمندان آذربایجان» و «لقتامه دهخدا» برشمرده است، م. عفی عنه.

(۲) در این گونه موارد آوردن کلمه ارحام بهتر از اقوام است، و مقصود از قائم مقام مرحوم میرزا عیسی است که در (ج ۴ ص ۱۰۴۰ ش ۵۱۲) گذشت. م. عفی عنه.

❁ ( ۱۳۹۵ - وفات مولوی فضل حق چشتی ) ❁

« مؤلفین کتب چاپی ۴ : ۸۴۶ » (۱) .

رحمانعلیصاحب در « تذکره علمای هند ، ملقب به تحفة الفضلاء فی تراجم الکملاء : ۱۶۴ ط لکھنو ۱۳۳۲ ق » گوید : « مولوی فضل حق خیرآبادی عمری حنفی ماتریدی چشتی ، در سال ۱۲۱۲ هـ ولادت یافته شاگرد پدرِ خود مولوی فضل امام است ، حدیث از مولانا عبدالقادر دهلوی مانند کرده ، و « قرآن مجید » در چهار ماه یاد گرفته و فراغ علمی بمر سیزده سالگی حاصل نمود ... نظمش زائد بر چهارهزار اشعار خواهد بود ... بسال ۱۲۶۴ هـ مؤلف هیچمدان بمقام لکنھو بخدمتش رسیده ... تألیفات رائقه داد و انگریزان او را بزمانو فسادِ هند قید کرده بجزیره رنگون فرستادند ، همدر آنجا بتاریخ دوازدهم صفر سال ۱۲۷۸ هـ وفات یافته » انتهى ، و مخفی نماند که مرحوم لشار در مأخذ مزبور گوید که دو تألیف از صاحب عنوان در گانپور بطبع رسیده ۱- « امتناع النظر » در ۳۳۶ صفحه ۲- « الهدية السعدية فی الحكمة الطیبة » و در هاشم آن « التحفة العلیه » در ۳۳۹ و ۲۷ صفحه که هر دو کتاب باندازه وزیر و چاپ سنگی میباشد . ایضاً ناگفته نماند که شرح حال صاحب عنوان در « نزهة الخواطر و بهجة المسامح والنواظر ۷ : ۳۷۴ - ۳۷۷ » نیز با ذکر چند قطعه شعر عربی از او آمده و مؤلف آن کتاب با اعتراف بمقام شامخ علمی او نکوهش فراوانی هم از او بعلت ارتکاب منکراتش نموده ، و نیز از کتاب « نزهة » مستفاد میشود که آنچه مرحوم لشار آنرا « امتناع النظر » نامیده صواب « امتناع النظر - نظیر النبی صلی الله علیه و آله » است ، و هم در آنجا از جمله تألیفات این شخص « حاشیة علی « الأفق المبین » للسید باقر داماد » را ذکر کرده و ضمناً توضیح داده است که این شخص اصلاً در زی امراء بوده نه علماء والله العاصم . م . عفی عنه .

(۱) مرحوم معلم در نسخه اصل همین دو کلمه را با ذکر مأخذ نوشته بودند که چون

مأخذ مزبور به « تاریخ علمای هند » ارجاع داده لذا شرح حال متن را باختصار از آنجا آوردیم ، و با اینکه روز و ماه تاریخ فوت صاحب عنوان در مأخذ اصلی قید شده ←

### ❀ ( وفات حاج کاظم آشفته شیرازی ) ❀

وی (۱) بطوری که در « الذریعه ۹: ۷ ش ۴۰ » نوشته « دیوانی در اشعار » دارد که در یکی از قصاید آن ذکر زلزله واقعه در شیراز را فرموده و دعاء برای مردمان آن کرده ، و در اینسال وفات نموده و در نجف دفن شده ، انتهی .  
و ظاهراً مقصود از زلزله مذکور ، زلزله واقعه در سنه ۱۲۶۹ است که در آنسال در يك ساعت پیش از طلوع صبح شب ۱شنبه ۲۵ رجب زلزله بسیار سختی در آن شهر رخ داد ، چنانکه در « فارسنامه : گفتار اول : ۳۰۸ » فرموده . و کسانی که آشفته تخلص دارند در ( ۱۳۱۹ ) بیایند .

← است ، اما چون در متن نبود از ذکر این شرح حال در جای خود که اول سال ۱۲۷۸ باشد غفلت شد ، گذشته از اینکه چون ولادتش نیز بسال ۱۲۱۲ بوده اصولاً باید در آن سال آورده شده باشد . م .

(۱) در سال (۱۲۸۸) نیز بیاید ، باید پس از تحقیق هر دو عنوان یکی شود .

#### یاد داشت مؤلف .

محرر این سطور گوید : چون مأخذ « الذریعه » معلوم گردید که « ایضاح المکنون ۱ : ۴۸۳ » بوده بدانجا رجوع کردیم دیدیم تصریح بفوت آشفته در عین این سال نموده است بدین عبارت : « دیوان آشفته فارسی ، هوالحاج کاظم الشیرازی المتوفی سنه ۱۲۷۸ ثمان و سبعین و مائتین و ألف » انتهی ، که تاریخ فوت را هم رقومی و هم بحروف ضبط کرده است ، لذا ما عنوان او را از اینسال - اگر چه مأخذ ایضاح معلوم نشد - حذف نکردیم و آنچه را که مرحوم مؤلف در ( ۱۲۸۸ ) نوشته است آنرا نیز بموقع خود خواهیم آورد و چون مؤلف « بزرگان و سخنسرایان فارس ۱ : ۳۰ » همان را معتبر دانسته شماره ردیف را در آنجا خواهیم گزارد . مرحوم خیامپور در « فرهنگ سخنوران » اقوال مختلف را ضبط نموده است . م . عفی عنه .

✽ ( ۱۳۹۶ - وفات ملا میرزا محمد مصاحبی نائینی ) ✽

وی فرزند حاج میرزا احمد بن میرزا محمد شرف بن میرزا حسین بن حاج میرزا محمد جعفر بن امیر نظام الدین محمد بن ملا مصاحب امیر حسینی شهدادی است ، چنانکه در « تاریخ نائین ۴ : ۱۲۷ و ۱۲۹ » و نیز در « ج ۱ : ۱۹۷ » - از حاج میرزا محمد جعفر تا ملا مصاحب - نوشته ، و در « ج ۱ : ش ۱۹۳ » حاج میرزا جعفر بن ملا مصاحب ذکر کرده .

و بهر حال ، شهادت - چنانکه در ( ۱۲۴۵ ج ۴ ص ۱۲۴۴ ش ۶۵۴ ) گذشت - قریه‌ئی است در حومه نائین . و این خانواده - بطوری که هم در آن صفحه از جلد چهارم نوشته - از اعیان دختری خانان مغول اند ، و ملا مصاحب جدّ اعلاّی آنها از شعراء معروف در مائه یازدهم هجرت بوده که در « آتشکده » و غیره او را عنوان نموده اند ، و در « تاریخ نائین ۴ : ۱۲۹ » نوشته که وی با اینکه سید نبوده معلوم نیست چرا کلمه **میر** با اسم او افزوده شده و شاید مخفف امیر است ، انتهی . و در ( ص ۲۸ ) نوشته که قبرش در بقعه گنبد خانه جلو محراب **صُفّه قِلی** مسجد بابا عبدالله نائین است ، انتهی .

فرزندش امیر نظام الدین محمد ، بطوری که در ( ص ۱۲۹ ) نوشته تا سال ( ۱۱۰۷ ) زنده بوده .

فرزندش حاج میرزا محمد جعفر دو پسر داشته : یکی حاج میرزا حسن ( ۱۲۸۵ ) و دیگر میرزا حسین واقع در عمود این نسب .

و نواده او حاج میرزا احمد مردی تاجر و خوشنویس بوده که در خط نسخ مهارتی بسزا داشته و چند جلد قرآن بخط خود نگاشته ، و یک دختر و چهار پسر باز گذاشته که دخترش زوجه میرزا حبیب الله مصاحبی ( ۱۲۸۵ ) بوده . و از پسران سیم و چهارم بنام میرزا ابوالفضل و میرزا هاشم بوده اند ، و دویم میرزا محمد حسین بوده ، و او - چنانکه در « تاریخ نائین ۴ : ۱۳۰ » نوشته - مانند پدر از خطاطان عصر بوده و بیشتر در اصفهان بسر می برده و هم در آنجا وفات کرده ، و دختری از فرزندان میرزا صفی بن حاج میرزا رفیع طباطبائی را بزوجیت داشته ، و سه دختر و دو پسر بنام میرزا

محمد سعید سعید العلما و میرزا احمد طیب بر جا گذاشته ، که میرزا محمد سعید از علما و فضلا بوده و در عتبات تحصیل کرده و مدتی در مشهد مقدس ساکن و آنجا تدریس و امامت داشته و در اواخر عمر بنائین برگشت ، و سه پسر باقی نهاد :

اول - میرزا محمد عرب زاده که یکی از فرزندانش میرزا محمد سعید از اهل منبر و در قریه دولت آباد بر خوار اصفهان ساکن و متأهل شده .  
دویم - میرزا علی محمد شمس العلماء .

سیم - میرزا محمد علی . و از هر يك از این سه نفر نیز اولادی بهم رسیده .  
و میرزا احمد طیب طب را نزد اطباء درجه اول اصفهان درس خوانده و بعد از آن بطهران رفت و آنجا اندوخته های خود را تکمیل نمود و در صحبه قشون خاصه ناصرالدین شاه فوج ناصری در آمده و بریاست بهداری قشون ساختوی طهران برقرار گردیده ، تا در اوان ( ۱۳۰۵ ) وفات کرد ، و از یگانه پسرش حاج میرزا محمد احفادی چند بر جا گذاشت که اغلب در ادارات دولتی می باشند ، چنانکه این همه نیز در صفحه مرقومه نوشته .  
و بالاخره ، پسر اول حاج میرزا احمد : مرحوم ملا میرزا محمد صاحب این عنوان است که در ( ج ۱ : ۱۹۷ ) وی را فرزند ابوالحسن نوشته ، و نیز در ( ج ۴ : ۱۳۰ ) گوید : وی را شیخ محمد بن ابوالحسن نیز نوشته اند ، اتمهی . و ممکن است که کنیه پدرش ابوالحسن بوده باشد . و در ( ص ۱۳۲ ) او را فرزند حاج میرزا حسن بن میر اشرف نوشته .

و بهر حال ، ملا میرزا محمد از بزرگان علما و فقها و اهل فضل و ادب و جامع معقول و منقول بوده ، و بطوری که در « تاریخ نائین ۳ : ۱۰۶ » نوشته در سنه ۱۲۵۸ با خواهر زادگان خود میرزا عبدالخالق و خواهرش از قریه محمدیه نائین باصفهان آمده و بواسطه کمالات خود با مرحوم حاج ملامحمد جعفر آوادهئی و آقا میر سیدمحمد شهبهانی آمیزش بهم رسانید تا آنجا که خواهر زاده خود یعنی خواهر میرزا عبدالخالق را بعیر سید محمد تزویج نمود ، اتمهی .

و در ( ج ۴ ص ۱۲۹ ) تألیفاتی برای ملا میرزا محمد نوشته از این قرار : اول کتاب « اصلاح ذات البین » در شقاق و خلع . دویم کتاب « الدرة الحمراء » در زیارت عاشورا . سیم کتاب « الرسالة الکرية » که آن رساله کوچکی است در شرح دو لغز یکی عربی و دیگری فارسی در تعیین مقدار کرب بوزن و مساحت . چهارم کتاب « الرسالة الهلالية » در اختلاف رؤیت هلال . پنجم کتاب « العرایس البکرية » در عواید صهریه . ششم کتاب

« قاطر الوصول » بسوی مدامین اصول . هفتم کتاب « کشف النهایة » در علم قرائة . هشتم کتاب « اللؤلؤ المکنون » در وقت نافله ظهر . نهم کتاب « مجلدة المشاعر » در علم حکمت . دهم کتاب « مسالك النهج » در مناسک حج . یازدهم کتاب « نظم الدرر » در حل و عقد مختصر ، ائتهی . و ظاهراً مقصود کتاب « مختصر » محقق نغانرانی باشد در اختصار کتاب « مطول » خود او که آن شرحی است بر « تلخیص » خطیب دمشقی و آن مختصری است از قسم سیم کتاب « مفتاح العلوم » امام سگاکى در معانی و بیان .

و او در اینسال وفات کرده و در تخت پولاد در تکیه شیخ محمد تقی دفن شده ، چنان که در « تاریخ نائین ۳ : ۱۰۶ » و پاورقی آن نوشته .

و در ( ج ۴ ص ۱۲۹ ) فرزندانى از او آورده که با ملاحظه ( ج اول : ۱۹۷ ) و ( ج ۳ : ۲۰۷ و ۲۰۸ ) و ( ج ۴ : ۱۳۲ ) و پاورقی های آنها بدین خلاصه می شود که : وی يك دختر داشته که پس از فوتش بحیالۀ زوجیت میرزا عبدالخالق خواهر زاده اش در آمده ، و نیز چهار پسر داشته که سه نفر کوچک آنها بنام : حاج میرزا ابوالحسن متوفی در ۲۹ رمضان سنه ۱۳۳۵ ، و میرزا ابوالفضل ، و میرزا محمد بوده اند .

و فرزند بزرگ او مرحوم حاج میرزا غلامعلی « رضی الله عنه » بوده که از اهل علم و فضل و ادب بشمار می رفته ، و همه انواع خط خصوصاً نسخ را در نهایت خوبی می نوشته ، و شعر هم می گفته ، و چندین کتاب نظماً و نثراً تألیف کرده : اول « الفیه ثانی در اصول » . دوم « الفیه ثانی در صرف و نحو » . سیم کتاب « دموع العین » در مرانی حسین ( علیه السلام ) که منظومه عربی است . چهارم « رساله ثانی در اصول » . پنجم « رساله ثانی در صبر » . ششم کتاب « المنتخب » در نخبه الفاظ عرب . هفتم « منظومه ثانی در مظنه » که در غره ج ۱ سنه ۱۲۸۸ از آن فارغ شده .

و او گاهی در اصفهان و گاهی در نائین بوده و در اواخر عمر بطهران هجرت کرده و هم در آنجا وفات نموده ، و فرزندى بجا نهاد بنام دکتر علی محمد خان مصاحب که از اطباء و در بهداری لشکر بوده و در حدود ( ۱۳۶۴ ) وفات نموده و يك دختر بنام شمس الملوك مصاحب که دکتر ادبیات است و دو پسر باز نهاده که دوم آنها میرزا محمود خان مصاحب رئیس اداره نان طهران ، و اول دکتر غلامحسین خان مصاحب که از اجله و اساتید علماء ریاضی در این زمان است و مقاله ثانی در تاریخ ریاضیات و وضع ارقام و علامات و استعمال حروف و مکعبات و مثلثات و تریس دایره و غیره نوشته که آنرا با رساله « براهین الجبر » حکیم خیام بچاپ رسانیده ( ۱ ) ←

## \* (۱۳۹۷ - تولد شیخ محمد باقر ، وفاء تمامی شیرازی ) \*

وی فرزند حاجی شیخ محمد حسن صفاء شیرازی است که در سال ( ۱۲۵۱ ج ۲ ص ۱۴۰۱ ش ۷۹۰ ) گذشت ، و خود از علما و فقهاء شیراز بوده که در این سال - چنانکه در « فارسنامه ناصری ۲ : ۲۸ » و « فهرست کتابخانه رضویه ۶ : ۳۵۸ ش ۶۲۵ » نوشته - از بطن دختر نیک اختر حاج میرزا علی اکبر قوام‌الملک - که در ( ج ۱ سال ۱۲۰۳ ص ۱۵۱ ش ۸۶ ) گذشت - متولد شده و تحصیل مراتب علمیه و علوم دینیه را نموده و زبان بشاعری گشوده و تخلص تمامی - بنام خانواده خود - فرموده ، و خط شکسته و نستعلیق را خوش می‌نوشته ، و سالیهای متمادی امور شرعیه در محضرش تحریر و تنظیم و قطع و فصل می‌شده ، و کتابی بنام « منتخب الدعوات » در بعضی از سور مبارکات و ادعیه و تعقیبات صلوات که در آخر آن « قصیده‌ئی در مسدح

→ (۱) عنوان کتاب چنین است : « غلامحسین مصاحب « جبر و مقابله خیام » بانضمام تاریخ علوم ریاضی از سه هزار سال قبل از میلاد تا زمان خیام . طهران ۱۳۱۷ ش . چاپخانه و کتابفروشی مرکزی » .

این کتاب بعداً بصورت صحیح تر و کاملتر توسط انجمن آثار ملی تجدید چاپ شد ، و برای اطلاع بیشتر از احوال یاد شدگان در متن رجوع شود به : « مؤلفین کتب چاپی ۴ : ۶۷۶ » « چهره مطبوعات معاصر : ۳۹ و ۱۶۵ » « تاریخ جراید و مجلات ایران ۲ : ۳۳۸ » « روزنامه اطلاعات صادره در ۵۵/۶/۸۵ ش ۵۷/۵/۱۹۰ ص ۲۰ و ۵۷/۵/۲۵ ص ۶ » « تذکره سخنوران نائین ، تألیف آقای جلال بقائی نائینی . کتابفروشی تاریخ ۱۳۶۱ ش تهران : ۴۲ و ۱۳۲ و مواضع دیگر » و بالاخره مخصوصاً « مجله آینده . پائیز ۵۸ ش : ۶۸۸ بیعد و بهار ۶۳ : ۲۱۲ بیعد » .

دکتر غلامحسین در شنبه ۲۱ ذی‌القعده ۱۳۹۹ مطابق ۲۱ مهرماه ۵۸ وفات یافت و خبر فوت او در « روزنامه اطلاعات . ش دوشنبه بیست و سوم » اعلان شد .

اضافه می‌کنیم که تولد او را در عموم مآخذ بسال ۱۲۸۹ شمسی نوشته‌اند .

م . عفی عنه .

حضرت حجت (ع) دارد تألیف نموده .

و آخر در ماه ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۷۵ هزار و سیصد و هفتاد و پنج - مطابق (تیر - مرداد) ماه باستانی ۱۳۳۵ - وفات کرده و در شیراز در یکی از حجرات صحن شمالی شاهچراغ (ع) دفن شده (۱) .

شیخ محمد باقر از اهل علم و فضل بوده و در شعر گفتن وفا تخلص می نموده ، و در حیات پدر گاهی بنیابت از وی قضاوت می فرموده ، و کتابی بنام « الدر الثمین » در فضائل امیرالمؤمنین واثمه معصومین در چند جلد - چنانکه در « الذریعه ۸ ش ۲۱۴ » گفته - تألیف کرده ، و این چند شعر را در حاشیه منه « آثار عجم » از او نقل کرده:

تا چشم من بروی تو ای ماه رو فتاد	در صو لجان زلف تو دل همچو گو فتاد
تا دست من ز موی میان تو دور شد	دل از غمت در آتش هجران چومو فتاد
تا شهره شد بعشق تو اندر جهان وفا	بد نام خاص و عام شد از آبرو فتاد

بتیر غمزهام آن چشم جادو	زند ناواک بلبل هر دم ز هر سو
بعر خود ندیدم جمع با هم	شب و روزی جز آن رخسار و گیسو
و هم او کتابی دارد بنام « مجموعه تمامی » چنانکه در « الذریعه ۳ : ش ۶۶ » نوشته (۲) .	

(۱) مؤلف شرح حال این شخص را سهواً در دو زمان و دو جای نسخه اصل نگاشته اند ، محض مزید فایده و تقدیر از زحمات آن مرحوم مطالب موضوع دیگر را نیز در دنباله اینجا عیناً آوردیم و یاد آور میشویم که بمنظور اطلاع بیشتر بازمرحوم مؤلف در موضع دوم یادداشت کرده اند که : « رجوع شود به الکرام البرره : ص ۲۰۷ ش ۲۵۲ » ، اتمهی . و ما اضافه می کنیم که بگزارش « فرهنگ سخنوران » شرح حال وفا را داور شیرازی نیز در کتاب « مرآة الفصاحه » و مرحوم مدرس تبریزی در « ریحانه ۲ : ۲۷۹ » نوشته اند و مرحوم آدمیت در « دانشمندان و سخنرایان فارس ۴ : ۸۲۰ » چند سطرى باستناد برخی مأخذ قدیم آورده و شگفتنا که خود شخصاً هیچ آگاهی از احوالش نداشته و چنین گوید : « سال فوتش معلوم نشد ، در ۱۳۱۳ زنده بوده است » ا با این وصف دیگر از مرحوم مشار در « مؤلفین کتب چاپی ۲ : ۵۰ » توقعی و انتظاری نیست ا م . عفی عنه .

﴿ وفات محمد تقی میرزای حسام السلطنة قاجار ﴾

شرح احوال او در ( ۱۲۰۶ ج ۲ ص ۳۰۲ ش ۱۱۷ ) گذشت .

﴿ ( ۱۳۹۸ - وفات ملا محمد طاهر بریلوی هندی ) ﴾

وی چنانکه در « رساله احوال سید عبدالحی حسنی ( ۱۲۸۶ ) : ص « نوشته از شعراء زبان بومی هند بوده و در اینسال وفات نموده ( ۱ ) .

→ ( ۲ ) ایضاً رجوع به « الذریعه ۲۰ : ۷۶ و ۲۲ : ۴۰۲ » عنوانهای « مجموعه التمامی » و « منتخب الدعوات ... » شود. مرحوم معلم مأخذ تاریخ فوت وفا را سهواً ذکر نکرده است . م . عفی عنه .

( ۱ ) مخفی نماند که مقصود از رساله مأخذ همان مقدمه الطبع جزء اول کتاب « نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر ، طبع حیدر آباد ، ۱۳۶۶ ق » است بقلم عبدالعالی حسنی فرزند سید عبدالحی مؤلف ، و در آنجا صریحاً واضحاً نام صاحب عنوان « محمد طاهر » بظاہر بی نقطه است ، اما در متن کتاب « نزهة الخواطر ۷ : ۴۴۵ » که مؤلف شرح حال او را نوشته هم در عنوان و هم در مطلب « محمد ظاهر » بظاہر نقطه دار است ، و او در آنجا بیش از بیست سطر شرح حال دارد و حسب و نسبش را چنین نوشته : الشيخ العالم الكبير محمد ظاهر بن غلام جیلانی بن محمد واضح بن محمد صابرين آية الله بن علم الله الحسنی الحسينی البریلوی ، احد العلماء الربانيين . سپس تولدش را در شهر « رای بریلی » بسال ۱۱۹۸ و وفاتش را هم در همان شهر بدون ذکر روز و ماه بمرض فالج نوشته و برخی از تألیفاتش را نیز یاد کرده و ضمناً متذکر شده است که این شخص جید پدر مؤلف « نزهة » بوده است از طرف ام، لذا پدرش قدری اشعار این جد را که بزبان هندی خالص « بهاکا » بوده در کتابش « مهرجهانتاب » گرد آورده است ، الخ . رحمانعلی صاحب نیز که خود ایمن شخص را دیده است در کتاب « تذکره علمای هند : ۱۹۶ » يك صفحه‌ئی در احوال او بسان « نزهة » نوشته و نامش در این کتاب هم بظاہر نقطه دار می باشد ، والله العالم . م . عفی عنه .

❖ ( ۱۳۹۹ - تولد میر سید محمد مهدی ۳۱ بید آبادی اصفهانی ) ❖

وی فرزند حاج سید محمد علی ۳۰ (۱۲۸۲) و خود از اهل علم و ادب بوده ،  
و در این سال متولد شده ، و کتاب کوچکی بنام « غرقاب » در سنه ۱۳۰۳ - که همان  
کلمه غرقاب ماده تاریخ تألیف است - در احوال بعضی علماء از حدود ( ۱۰۰۰ هجری )  
تا زمان خود تألیف نموده ، چنانکه در «مجله یادگار س ۵ ش ۱۰ ص ۴۳ » فرموده (۱).

(۱) رساله « غرقاب » در تملک مرحوم عباس اقبال آشتیانی بوده و پس از فوتش  
بکتابخانه دانشکده ادبیات تهران منتقل گردید ، وصف نسخه در « فهرست » آن کتابخانه  
( ص ۳۶۲ ) مذکور است . بهنگام چاپ این شرح حال بجلد دوم کتاب « جامع الانساب »  
که هنوز بطبع نرسیده است رجوع کردیم ، در آنجا این فرزند را برای صاحب  
« غرقاب » نوشته بودیم بدون توضیح : ۱- آقا فضل الله ۲- آقا محمد ۳- آقا محمود  
( فقیه ) ۴- آقا حسین . باز در اینجا اضافه می کنیم که در این اواخر ۷۰ برگی ناقص  
و نامرتب از يك نسخه خطی « شرح الهدایة الاثیریة » تألیف صدر المتألهین بدست  
آمد که کاتب در قریب بیست موضع از آن حاشیه های مختصر یا مطول نوشته و در آخر  
آنها چنین رقم زده است : « لمولا نالفاضل و استادنا الکامل آقای میرزا محمد مهدی شفتی  
دام ظلّه العالی » و امثال این عبارات . گویا این شخص صاحب این عنوان نبوده بلکه  
عمّ اعظم وی باشد که در ( ج ۵ ص ۱۶۱۹ ) از او یاد شده است . والله العالم  
بحقایق الأحوال . م . عفی عنه .

سنه ۱۲۷۹ قمری	مطابق	سنه ۱۲۴۱ شمسی
یکشنبه غره ماه محرم الحرام		۷ سرطان ماه برجی

❖ ( ۱۴۰۰ - تولد شیخ عبدالحسین خیامی آل صادق عاملی ) ❖

وی فرزند شیخ ابراهیم آل صادق است که در ( ۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۱۸ ش ۲۹۴ ) گذشت .

شیخ عبدالحسین از علما و اهل ادب بوده و شعر هم می گفته ، و در ماه صفر الخیر این سال - چنانکه در « الذریعه ۴ : ش ۱۹۸۸ » نوشته - مطابق ( اسد - سنبله ) ماه برجی - در نجف متولد شده ، و تألیفاتی نظماً و نثراً دارد ، از آن جمله کتاب « تنبیه الغافلین » بر عقاید و هایین . و پس از مدت هشتاد و یک سال و ده ماه قمری عمر ، در ماه ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۶۱ هزار و سیصد و شصت و یک - مطابق ( آذر - دی ) ماه باستانی - وفات کرد . و دو فرزندش شیخ حسن و شیخ محمد تقی هم از علماء و ادباء و شعراء این عصراند ، چنانکه در « شهداء الفضیله » فرموده . و شیخ بشیر شوکینی ( ۱۳۲۲ ) - چنانکه در « الذریعه ۹ : ش ۸۶۲ » نوشته - مرثیه‌ئی برای او گفته .

❖ ( ۱۴۰۱ - تولد میرزا محمود ۴۶ مرعشی تبریزی ) ❖

وی سید شمس‌الدین فرزند سید علی ۳۵ سیدالاطباء (۱۲۰۲ج ۱ ص ۱۳۳ ش ۷۶) و خود از علما و فقهاء عصر ما بود و در علم نسب و رجال و تاریخ و فقه و اصول از اجلة فحول بشمار می‌آمد. و همانا او در ماه صفرالمظفر اینسال، چنان‌که در نامه‌ئی که شیخ حسین آل محفوظ (۱) باقای سید محمدعلی روضاتی در ( ۱۰ع / ۱۳۷۴ ) نوشته ذکر شده - مطابق ( سرطان - اسد ) ماه برجی - در نجف متولد شده، و در نزد چندین نفر از علما درس خوانده، و از چند نفر از آن‌جمله پدر خود اجازت روایت گرفته، و هم چندین نفر را از فیض تدریس و اجازت روایت بهره مند نموده، از آن جمله فرزندش آقای نجفی ( ۱۳۱۵ )، و چندین کتاب تألیف کرده: اول کتاب « تراجم علماء سادات » دویم کتاب « مشجرات » در انساب که آنرا در « الذریعه ۲: ش ۱۵۰۹ » بعنوان « الانساب » ذکر کرده.

و آخر در سنه ۱۳۳۸ هزار و سیصد و سی و هشت در نجف وفات کرده، چنان‌که در شماره مرقومه جلد مذکور « الذریعه » فرموده، و نیز در دو نامه که فرزند مرقومش در ( ۴ ج ۱۳۵۷ / ۲ ) و ( ۱۱ ج ۱۳۶۶ / ۲ ) باین فقیر نوشته ذکر شده. پس این‌که در مجله مبارکه « المرشد. س ۱ ش ۳ » در سنه ۱۳۳۷ نوشته اشتباه است. و معلوم شد که فرزند او آقای نجفی در ( ۱۳۱۵ ) می‌آید.

❦ ( ۱۴۰۲ - وفات میرزا سید جعفر خان ، مشیرالدوله ، ره ) ❦

وی فرزند مرحوم میرزا محمد تقی وزیر حسینی تبریزی است که پدرش میرزا محمد تقی در تبریز در زیر دست مرحوم میرزا بزرگ قانئم مقام ( ۱۲۳۷ ج ۴ ص ۱۰۴۰ ش ۵۱۴ ) کار می‌کرده ، و خود میرزا جعفرخان از رجال باهوش و کاردان ایران و در وطن پرستی و پیش بینی و سیاست تبرزی تمام داشته و علاوه بر آنها در ریاضیات قدیمه و جدیده سرآمد اقران خود بوده .

شرح احوال وی در شماره ۲۷ « مجله یادگار : ۴۳ - ۵۰ » نوشته و خلاصه آن این میشود که : او در تبریز علوم مقدماتی ادبی و عربی را درس خوانده و هم برخی از علوم جدیده را در آن شهر یاد گرفت ، آن‌گاه در ۱۰ ج ۲ سنه ۱۲۳۰ با چهار نفر دیگر بامر نایب السلطنه برای تحصیل بانگلستان رفت ، و نخستین بار که از ایران برای تحصیل علم کسی باروفا رفت آنها بودند، و در ۲۹ شوال بخاک انگلستان رسیدند ، و در غره شوال ۱۲۳۴ از آنجا حرکت کرده و در ( صفر - ع ۱ ) سنه ۱۲۳۵ بتبریز رسیدند .

و میرزا جعفرخان از طرف نایب السلطنه بعنوان مهندسی بتعلیم فنون ریاضی منسوب و پس از چندی ملقب به **مهندس باشی** و یکی از دیهات آذربایجان بعنوان **تیول** ابدی درباره وی برقرار گردید ، و بعد از چندی بلقب **خانی** و **مشیرالدوله** سرافراز شد و تا سنه ۱۲۵۲ در دستگاه نایب السلطنه و محمد شاه بود و در این سال به سفارت دربار عثمانی منسوب گشته و تا سنه ۱۲۵۹ بدین سمت در اسلامبول اقامت داشت، و در این سال حاج میرزا آقاسی وی را برای عضویت در مجلس صلحی که بنا بود در ارزنة الروم « در اثر قتل و غارتی که در سنه ۱۲۵۷ نجیب پاشا در کربلا بعمل آورده بود » مرگب از نمایندگان چهار دولت ( ایران ، عثمانی ، روس ، انگلیس ) تشکیل شود طلب کرد و او بایران بازگشت و از تهران بدین عنوان بآرزنه الروم رهسپار شد ، و چون بتبریز رسید در ۲۳ ذی الحجه این سال بیماری سختی بوی دست داد و ناچار میرزا تقیخان امیر بجای او بآرزنه الروم رفت و میرزا جعفرخان پس از بهبودی در تبریز ماند ، و همواره بخدمت گذاری ناصرالدین شاه که در آن وقت ولیعهد بود بسر

می برد ، تا این که در سنه ۱۲۶۵ برای رفع اختلاف سرحدی بین ایران و عثمانی بیفداد رفت و این اختلاف تا سنه ۱۲۷۱ بطول انجامید و از آن پس وی بایران آمد .  
و چون در محرم سنه ۱۲۷۵ ناصرالدین شاه میرزا آقاخان نوری صدر اعظم را از صدارت انداخت و امور دولتی را در تحت تدبیر شش وزارتخانه و هیئت شورای وزراء نهاد میرزا جعفرخان را در غره صفر رئیس آن هیئت نمود ، و او تا سنه ۱۲۷۷ بدان سمت برقرار بود ، و در این سال با حفظ این عنوان بعنوان سفارت فوق العاده بلندن رفت ، و پس از یک سال در اوائل سنه ۱۲۷۸ بتهران برگشت ، و در ذی الحجه این سال باز با حفظ ریاست شوری متولّیاشی مشهد مقدس شده و بدان زمین برین حرکت کرد ، و چیزی نگذشت که در ماه جمادی الاخره این سال - مطابق ( قوس - جدی ) ماه برجی - هم در آن شهر شریف وفات کرد ، و در دارالحفاظ در ممرخزانه دفن شد (۱) .

و او در عبارات فارسی نوشتن تخصصی بسزا داشته و تألیفاتی دارد :

اول کتاب « تحقیقات سرحدیه » در وقایع تعیین سرحد بین ایران و عثمانی . دوم کتاب « خلاصه الحساب » بطرز حساب جدید که آنرا در سنه ۱۲۶۲ بنام محمد شاه تألیف کرده ، و آن نخستین کتابی است که بهاری بطرز حساب جدید تألیف شده . و ظاهراً وی نخستین کس باشد که در دولت قاجاریه لقب مشیرالدوله یافته ، و پس از آن دوم : حاجی میرزا حسینخان سپه سالار که در ( ۱۲۴۱ ج ۴ ص ۱۱۴۲ ش ۶۰۲ ) گذشت ، و سیم : برادرش یحیی خان معتمدالملک که در ( ۱۲۴۳ ج ۴ ص ۱۲۰۱ ش ۶۳۰ ) گذشت ، چهارم : حاجی میرزا محسن خان ( ۱۳۱۷ ) ، پنجم : میرزا نصرالله خان نائینی ( ۱۳۲۵ ) ، ششم : میرزا حسنخان فرزندش ( ۱۲۹۰ ) ، که اینها هر یک پس از دیگری این لقب را یافته و بشرح حال هر یک در این کتاب اشاره شده و میشود . و فهرست اسماء متولیان مشهد در ( ۱۲۲۰ ج ۳ ص ۷۰۶ تا ۷۱۵ ش ۲۹۱ ) گذشت .

(۱) شرح حال صاحب عنوان در « تاریخ رجال ایران ۱ : ۲۴۱ - ۲۴۴ » و نیز

در « صدرالتواریخ » مذکور است . م .

### ❦ ( وفات سعید پاشای مصری ) ❦

۲۶ رجب ، شرح احوال او در ( ۱۲۳۷ ج ۴ ص ۱۰۴۶ ش ۵۱۹ ) گذشت.

### ❦ ( ۱۴۰۳ - تولد مرحوم میرزا محمد مهدی ۳۳ خان بدایع نگار تفریسی ، ره ) ❦

وی فرزند مرحوم میرزا مصطفی ۳۲ وکیل لشگر ابن میرزا حسن ۳۱ بن محمد مخدوم مرتضی ۳۰ بن میر مصطفی ۲۹ بن محمد مخدوم مرتضی ۲۸ بن میر داود ۲۷ بن میر اسمعیل ۲۶ بن میر محمد حسین ۲۵ بن میر فضل الله ۲۴ بن نظام الدین حبیب الله ۲۳ ابن جعفر ۲۲ بن تاج الدین حسن ۲۱ بن فخرالدین علی ۲۰ بن رضی الدین مرتضی ۱۹ بن زین الدین علی ۱۸ بن شمس الدین محمد ۱۷ بن صدرالدین ۱۶ بن امین الدین ۱۵ بن ابراهیم ۱۴ بن شرف الدین یحیی ۱۳ بن شمس الدین محمد ۱۲ بن ابراهیم ۱۱ بن زین الدین عبدالله ۱۰ بن علی البرطلة حسینی ( ره ) است .

حضرت علی البرطلة در ( ۱۲۴۲ ج ۴ ص ۱۱۶۴ ش ۶۱۳ ) گذشت .  
و میرداود ۲۷ از حکما و عرفا و صاحب تألیفات و کرامات بوده و قبرش در تفرش مشهور است .

فرزندش محمد مخدوم مرتضی ۲۸ در سنه ۱۱۲۵ کتابی بنام « عقد الدرر » تألیف کرده و مادرش دختر مرحوم میرمصطفی صاحب « نقد الرجال » بوده .  
و مرحوم میرزا مصطفی ۳۲ وکیل لشگر از اعیان زمان ناصرالدین شاه بوده و در شب يك شنبه ۱۹ ع ۲ سنه ۱۲۹۸ وفات نموده ، و فرزندانی داشته: یکی حاج میرزا محمد علی خان ۳۳ امیرالدوله که در سنه ۱۲۷۱ متولد شده و از عرفاء با محبت گردیده و در شب ۴ شنبه ۱۷ ماه رمضان سنه ۱۳۳۹ وفات یافته و جنازه او را حمل بکر بلا نموده و نزد پدرش دفن کردند ، چنان که در « نایفه علم و عرفان : ۳۴۹ » فرموده .  
و دیگر : مرحوم میرزا محمد مهدی خان ۳۳ صاحب این عنوان که او از علماء

نصدي في استكشاف مستظرفي علماء الأعلام والاعلام ونزاهة  
الفقه العظيمة مع المعقول والمنقول حيا والفرع والاصول في  
المجتهدين في المسئلة افاض شيخنا فضلنا نورنا من يد الامانة  
العا ساكن دار الخلافه اهلنا من نور من نور انك

بسم الله الرحمن الرحيم

این کتاب مطاب بدایع انوار واحوال است بجمع الائمة الاطهار علیهم السلام  
المکابر که در ترویج فایده نصاب المودع و فخر المودع و فخر المودع و فخر المودع  
افاض الائمة النبیة المنیرة من نورها المخلین فیها بالحق والمحققین علیها  
که شمس بر صدیق علماء اعلام و فواید کرام خصوصاً تصدیق المولی السلام  
والسید محمد عظیم الله نسیم مرجع التجدید و قوام الدین که اهل الشیعة و شیخ  
الامیه غیاث الملوک و نور و حجة الاسلام و آیة الله سیدنا استاد  
و منبع علم و اکره اب السید طبع و مجدد دار الشیعة الماتة  
الثالث عشر اجماع المیرزا حسن الشیرازی مع الائمة المسلمین  
بطلبه در کمال الحان و حسن بیان شریف و جلیل  
وز اخذ صحیح و بیانات کافیه و باطنی و نظایر الائمة  
و در اذیة قصه انوری و خلیلک  
من اثر مع الثانیة

د دستخط مبارک شیخ تهری طالب نوا در تقریظ بدایع الانوار

ترجمه و تصویر شخصی لاهوتی در تاریخ رجال ایران ۴ : ۲۷۳ نیز هست ۲۰



و اهل فضل و کمال این زمان و ملقب به بدایع نگار بود و شعر هم می گفت و تخلص **لاهوئی** و مخلص می نمود ، چنان که در « شمس التواریخ : ۱۰۰ » و « نابغه علم و عرفان : ۳۴۹ » و « الذریعه ۹ : ص ۹۴۰ ش ۶۱۸۴ و ص ۱۰۲۰ س ۱۸ » بعنوان « مخلص » نوشته اند .

و او در هشت ساعتی شب یکشنبه بیست و هفتم ۲۷ ماه رجب الفرد این سال - مطابق ۲۸ جدی ماه برجی - متولد شده ، و در سنه ۱۳۰۱ از طرف ناصرالدین شاه لقب **بدایع نگار** یافت ، و چندین کتاب در علوم متفرقه تألیف کرده که در جزء ۱۳ ج ۱۴ « اعیان الشیعه » برخی از آنها را نوشته ، از آن جمله :

اول کتاب « بدایع الانوار » در احوال هفتمین ائمه اطهار (ع) یعنی حضرت کاظم صلوات الله علیه ، انجام تألیفش ۲ شنبه ۴ ع ۱ سنه ۱۳۰۲ و در آنجا تخلص شعری خود را **مخلص** نوشته . دویم کتاب « ریاض المنجمین » در هیئت قدیم و جدید و معرفت تقویم رقمی ، تألیف آن شوال سنه ۱۳۰۰ . سیم کتاب « صراط العارفين » در اصول دین . چهارم کتاب « اللاهوئیه » در شرح « تهذیب منطق » تفتازانسی بیارسی . پنجم کتاب « العلائم البدیعه » در علماء شیعه . ششم کتاب « افتضاح الکافرین » در اختلاف عبارات « توریسه » و « انجیل » با یکدیگر . هفتم کتاب « حمدان و - نهران » در حکایات مضحکه . هشتم « دیوان اشعار » نزدیک به ده هزار شعر . نهم کتاب « بدایع الأسرار » در اصول دین ، انجام تألیف آن شعبان سنه ۱۳۲۹ . و بالاخره در پنجشنبه بیست و پنجم ۲۵ ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت - مطابق اول خرداد ماه باستانی - وفات کرد و در امامزاده قاسم شمیران دفن شد .

### ✽ ( ۱۳۰۴ - تولد مرحوم حاجی شیخ المشایخ تهرانی ، ره ) ✽

وی مرحوم حاجی شیخ اسمعیل فرزند مرحوم شیخ محمد تقی دزفولی است که در ( ۱۲۲۳ ج ۳ ص ۷۷۱ ش ۳۳۹ ) گذشت . مرحوم حاجی شیخ المشایخ از اهل علم و ادب و عرفان و در علوم عقلی و نقلی با اطلاع و در نقاشی و صحافی استاد بود ، و تخمیناً یک ساعت و نیم پیش از ظهر روز پنجشنبه بیست و سیم ۲۳ ماه شعبان المعظم

این سال - مطابق ۲۳ دلو ماه برجی - در دزفول متولد شده، و پس از تحصیل علوم و فضائل در تهران سکونت ورزید، و در موقعی که برای توطن بطهران آمد بخدمت عضدالملک نایب السلطنه رسید و مورد لطف او واقع شد، و چنانکه در « نایفه علم و عرفان : ۳۴۴ » فرموده در سنه ۱۳۲۲ بوسیله حاج شیخ عبدالله مازندرانی مشرفاً بقر و در طریقه تصوف پیرو سلسله گنابدی‌ها شده و ملقب بشیخ المشایخ گردید، چنانکه هم بمناسبت امیر معزالدین - یکی از اجدادش - به امیر معزی شهرت بهم رسانید، و شعر هم می‌گفت، و خط نسخ و نستعلیق را بغایت خوب می‌نوشت، و تألیفات چندی دارد، از آن جمله « رساله‌ئی در احوال خودش و پدرش ».

و او در زمان احمدشاه رئیس کتابخانه سلطنتی شد و پس از خلع آن پادشاه آنچه خواستند وی را بدان کار وادارند نپذیرفت.

و این فقیر در تهران مکرر او را دیدار کردم و پس از مراجعت این فقیر چند سالی حیات داشت، تا اینکه در عید غدیر سنه ۱۳۵۹ مبتلا بذات‌الریه گردیده و در اثر آن پس از مدت هشتادسال و چهار ماه قمری و هفت روز عمر، در شب چهارشنبه غره ماه محرم الحرام سنه ۱۳۶۰ هزار و سیصد و شصت - مطابق ۹ بهمنماه باستانی - در تهران وفات کرد و نعش او را با تجلیلی تمام برداشته و حسب الوصیه در قریه ونک نزد مرحوم مستوفی‌الممالک دفن کردند. و در کتاب « نایفه » گوید: وی يك روز قبل از فوت این مصرع را برای ماده تاریخ خود گفت: **حسن المشایخ فی جنان الله**. انتهى.

و فرزندی از او بازماند که در وقت وفات پدر در رشت رفته بود.

و از جمله تألیفات او کتابی است بنام « نوادر الامیر » در حکایات مربوط بامیر کبیر چنانکه در کتاب « امیر کبیر » تألیف میرزا حسین مکی در ( چاپ ۲ ص ۱۸۴ ) نوشته، و آنجا گوید: فرزندش آقای مهندس ضیاء الدین امیر معزی است، انتهى.

﴿ ( ۱۴۰۵ - تولد حاج سید محمد، حضر موتی علوی ) ﴾

وی فرزند سید عقیل بن عبدالله بن عمر بن یحیی حسینی و خود از جمله علماء این عصر در یمن بوده که در ماه شعبان المعظم (۱) این سال، چنانکه در « فهرست کتابخانه رضویه (ع) ۵ : ۳۳۹ » نوشته - مطابق (دلو - حوت) ماه برجی - در شهرستان مسلیه (۲) آل شیخ متولد شده، و مسافرت‌های زیادی برای تحصیل علم و تجارت بممالک مشرق و مغرب نموده، و کتب چندی تألیف فرموده، از آن جمله :

اول کتاب « احادیث المختار » در معالی کرار، که در « الذریعه » ذکر کرده .  
دویم کتاب « نصائح الکافیة » (۳) برای دوستدار معاویه، در مثالب آن ملعون و ردِّ برقائل بحرمت لعن او، انجام تألیف آن ۱۱ صفر سنه ۱۳۲۶ .  
و آخر در سنه ۱۳۵۰ هزار و سیصد و پنجاه در مکلاذ یمن وفات کرد (۴).

(۱) در دو روزمانده از آن ماه، چنانکه در شرح حال بسیار خوب و مفصل صاحب عنوان در « اعیان الشیعه ۳۰۹:۴۵ ببعده » گفته و صورت نسبش را نیز چنین آورده است: محمد بن عقیل بن عبدالله بن عمر بن ابی بکر بن عمر بن طه بن محمد بن شیخ بن احمد بن یحیی بن حسن بن علی بن علوی بن محمد مولی الدویله (مذکور در ج ۵ ص ۱۶۷۴).

**مآخذ دیگر :** « الأعلام زریکی ۱۵۱:۷ » و « مؤلفین کتب چاپی ۵ : ۵۹۸ » و مصادر آنها و رجوع بشماره (۱۴۳۵) کتاب حاضر نیز فرمایند. م . عفی عنه .

(۲) چنین است در « فهرست رضویه » که منحصراً از مقدمه « النصائح الکافیة » نقل کرده و گویا اشتباه چاپی است زیرا در مقدمه یادشده و مقدمه « تقویة الایمان » و « اعیان الشیعه » مکرراً مسلیه - بتقدیم یاء برلام - است . م . عفی عنه .

(۳) نصایح، کتابی است بسیار نفیس و ممتنع و آموزنده که فراغت از تألیفش شب شنبه ۱۱ صفر ۱۳۲۶ در شهر سنگاپور بوده و نخست در چاپخانه سنگی « مطبع مظفری بمبئی » بخط « نخبة الکتتاب محمد علی بن آقا محمد کاظم لاری » در ماه آخر همان سال نوشته و بطبع رسیده است ؛ اسم و عنوان کتاب و مؤلف در صفحه اول آن چاپ چنین است: ←

شنبه غره ماه شوال  
المکرم « عید فطر »  
سنه ۱۲۴۲ شمسی  
اول حمل ماه برجی

❦ ( ۱۳۰۶ - تولد ابراهیم حقی پاشای استانبولی ) ❦

وی فرزند محمد رمزی گرجی است که پدرش محمد از نخست اسلام آورده

→ « کتاب النصائح الكافية لمن يتولّى معاوية . جمعُ جامع الفواضل و الفضائل و سلاله السادة العلوية الأماثل ، الناطق بلسان الصدق فی الاخرین والصادع بالحق لایخاف فی ذلك لومة اللائمین ، السيد الجلیل محمد بن عقیل بن عبدالله عمر [ کذا ] بن یحیی العلوی الحسینی » الخ .

چاپ مزبور با ملحقات و فهرس در ۲۲۴ صفحه وزیری و چاپ دوم بسال ۱۳۶۷ در مطبعه النجاج بغداد شامل ۲۳۶ صفحه با يك مقدمه ۱۲ صفحه فی در معرفی کتاب و مؤلف است و اخیراً نیز در ۱۳۸۶ در نجف اشرف تجدید چاپ شد.

زمانی که چاپ اول آن کتاب شریف منتشر گردید مخالفان حق ردی بر آن نوشته و چاپ زدند ، لذا علامه جلیل ، دوست و استاد و وکیل مؤلف ، یعنی سید ابوبکر بن عبدالرحمن بن شهاب الدین علوی حسینی حضرمی - استاد مدرسه دار العلوم حیدرآباد دکن - بآن معترضان معاند پاسخهای دندان شکن داده و دو کتاب نفیس مهم در آن زمینه تألیف و منتشر نمود بنامهای « وجوب الحمیه عن مضار الرقیه » در ۱۱۲ صفحه ؛ چاپ مطبعه امام ، سنگاپور ۱۳۲۸ ، و « الشهاب الثاقب علی السباب الکاذب » که در شرح حال وی ( ج ۵ ص ۱۶۷۴ ) یاد شد ؛ و در اینجا اضافه می کنیم که سید ابوبکر مرحوم از مریه سرایان حضرت سیدالشهداء علیه السلام نیز بوده و نمونه اشعارش بنقل از « دیوان شعر » مطبوع او در کتاب « ادب الطف ۹ : ۴۸ - ۵۶ » موجود است . ایضاً رجوع شود به « الأعلام ۲ : ۶۵ » چاپ رحلی .

تألیفات مهم دیگر صاحب عنوان : ۱ - « العتب الجمیل علی اهل الجرح ←

و سپس رئیس انجمن شهرداری اسلامبول گردید . و ابراهیم حقی پاشا از فضلاء و اهلم علم و یکی از رجال سیاسیون دولت عثمانی بوده .  
 شرح احوالش در جلد اول کتاب « فرهنگنامه پارسی : ۴۰۳ و ۴۰۴ » نوشته و از آن چنین برآید که : وی در شنبه بیست و دویم ماه شوال المکرم این سال - مطابق ۲۲ حمل ماه برجی - در محله بشیک‌طاش استانبول متولد شده و پس از رشد بتحصیل پرداخته و شطری مهم از علوم ادب و حقوق و تاریخ و ألسنة خارجه فراهم ساخت و سپس در کارهای دولتی و سیاسی وارد شده ، تا در سلخ ذی‌الحجه سنه ۱۳۲۷ وزیر اعظم دولت عثمانی گردید ، و کتب چندی تألیف کرد :  
 اول کتاب « تاریخ حقوق بین‌الدول » مختصراً . دوم کتاب « تاریخ عثمانی » که با شرکت محمد عزمی برای مدارس متوسطه نوشته . سیم کتاب « تاریخ عمومی » در سه جلد از قدیم الزمان تا قرن ۱۶ میلادی . چهارم کتاب « حقوق اداره » که گرانبها ترین تألیفات او است . پنجم کتاب « مختصر اسلام تاریخی » که نیز با محمد عزمی برای مدارس متوسطه نوشته‌اند . ششم کتاب « مختصر تاریخ عثمانی » . هفتم کتاب « مدخل حقوق دول » (۱) .

→ والتعديل « که بسال ۱۳۴۲ در سنگاپور تألیف و چاپ شده و کتابی فوق‌العاده مهم بوده و نسخ آن اکنون نایابست . ۲ - « تقوية الايمان » ۳ - « النزاع و التخاصم » که این دو نیز بسال ۱۳۴۲ در صیدا و سپس بسال ۱۳۸۶ در نجف اشرف با مقدمه‌ئی تجدید چاپ گردید . تمامی آثار این دانشمند بزرگ از غنائم روزگار است و عموم متکلمان زمان ما از آنها بهره کامل گرفته‌اند . جزاهم الله خیراً .

(۲) در « اعیان الشیعه » وفات را صبح سه‌شنبه ۱۳ ربیع یکم از سال مرقوم در الحدیدیه یمن نوشته و گوید محاکم سه روز در سراسر یمن بعزای او تعطیل بود . و هم در آنجا فرزندی برای صاحب عنوان بنام سید علی نوشته است . م . عفی عنه .  
 (۱) این شرح حال، مختصری است از نوشته مرحوم سعید نفیسی در « فرهنگنامه پارسی » و در آنجا نیز تاریخ فوت صاحب ترجمه ذکر نشده است . برای اطلاع بیشتر رجوع به همان مأخذ و « دائرة المعارف اسلامی . ترجمه مرحوم محمدعلی خلیلی ۱ : ۸۵ » و « دانشنامه ایران و اسلام ۱ : ۳۵۸ » شود . در این مأخذ متأخر گوید : « ابراهیم حقی پاشا در ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۸ در برلن درگذشت و در ۷ اوت در گورستان یحیی افندی در بشکطاش بخاک سپرده شد » انهمی . در « تقویم حاج نجم‌الدوله » است که ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۸ م دوشنبه بیستم شوال المکرم ۱۳۳۶ مطابق ۶ اسد ۱۲۹۷ بوده ، و هفتم اوت آنسال چهارشنبه ۲۹ همان ماه شوال و ۱۵ برج مذکور است . م . عفی عنه .

### ❦ ( وفات میرزا آقاخان نوری ، صدراعظم - ره ) ❦ (۱)

### ❦ ( وفات عبدالغنی ابن جمیل بغدادی ) ❦

۹ ذی الحجہ . شرح احوال او در ( ۱۱۹۴ ج ۱ ص ۲۴ ش ۱۰ ) گذشت .

### ❦ ( ۱۴۰۷ - وفات امیر دوست محمد خان افغان ) ❦

در « ماهنامه وحید ۵ : ۶ : ۵۴ : ۵۴۷ » شرحی درباره امیر دوست محمد افغان نوشته بمفاد اینکه : وی در سه شنبه بیست و یکم ماه ذی الحجة الحرام اینسال در هرات وفات نموده و در جوار مرقد خواجه عبدالله انصاری دفن شده ، و پسران متعددی از او بجای ماند که یکی از آنها امیر شیرعلیخان بود که هر چند وی بزرگتر از دیگران نبود لیکن سمت ولایت عهدی پدر را اوداشت ، و انگلیسها کمک بوی نموده تا تخت و تاج را تصاحب نموده ، تا در ۲۹ صفر ۱۲۹۶ - چنان که بیاید - وفات کرد .

(۱) تاریخ فوت میرزا آقاخان را مرحوم مؤلف ابتداء در « فرهنگنامه پارسی» سعید نفیسی دیده که آنجا در ۲ ذی الحجہ ۱۲۷۹ نوشته و لذا شرح حال او را در این موضع مفصلاً آورده بود ، پس از گذشت سالها در « ماهنامه وحید » دیده اند که میرزا آقاخان در ۱۲ شوال ۱۲۸۱ وفات یافته ، علیهذا ترجمه دیگری اما مختصر در آن سال برایش ترتیب داده اند که چون (۱۲۸۱) معتبرتر می باشد لذا شرح حال سابق این موضع نیز بدانجا منتقل گردید . م . عقی عنہ .

﴿ وفات میرزا ابوالحسنخان مجتهد فسائی ﴾

ذی الحجّه . شرح احوال او در ( ۱۲۲۱ ج ۳ ص ۷۲۰ ش ۲۹۵ ) گذشت.

﴿ وفات شیخ ابراهیم قنطان نجفی ﴾

شرح احوال او در ( ۱۱۹۹ ج ۱ ص ۹۶ ش ۴۷ ) گذشت .

﴿ ۱۴۰۸ - وفات حاج میرزا ابوالقاسم ۳۳ شیخ الاسلام تبریزی ﴾

وی فرزند حاج میرزا علی اصغر ۳۲ ( ۱۲۷۸ ص ۲۲۲۵ ش ۱۳۹۲ ) ، و خود از علماء آذربایجان و بعد از پدر شیخ الاسلام آن سامان بوده ، در « شجره نامه سادات وهابی ها : ۴۳ » نوشته که او شخص مشخص صاحب شرف و همت و بزرگ فطرت و رئیس خانواده شیخ الاسلام و در سفر طهران همراه پدر خود بوده و بعد از انقضاء توقیف بتبریز برگشته و در اینسال وفات نموده ، و قنات میرزا ابوالقاسم در تبریز از آثار او است ، انتهى بتغییر سیر .

آنگاه در (ص ۲۴) سه نفر فرزند برای او آورده که یکی از آنها : میرزا عطاء الله ۳۴ ( ۱۲۵۸ ج ۵ ص ۱۵۷۱ ش ۹۳۱ ) است .

و دیگری حاج میرزا رضا آقا ۳۴ مجتهد است که در (ص ۴۴) شرحی درباره او نوشته بخلاصه اینکه : وی از معاریف این سلسله جلیله و از اهل حال بوده ، و در بلائیت امر بعنوان تحصیل بنجف رفته و در سنه ۱۳۰۰ بعد از فراغت از آن با عزتسی فوق العاده بتبریز برگشت ، و در عهد خویش بنایت با همت و متفند بوده . و در سنه ۱۳۳۰ که دولت روسیه بعنوان طرفداری از محمدعلیشاه بر آذربایجان مستولی گردید

و بنای قتل عام نهاد وی با جمعی از آقایان و علما بقریه باسنج که بطرف شرقی شهر در راه طهران است رفت و با رئیس قشون روس مخایره و قتل عام را برطرف نمود. آن گاه فرماید: همانا این سلسله از پانصدسال قبل باین طرف با دَوْل هم چوار آذربایجان یعنی ترکیه و روسیه همیشه در زدو خورد بوده اند و این دفاع و زد و خورد با آنها در این طایفه مانند ارث بوده، و با استدعا و تمنای رجال سلف ایسن خانواده سلاطین ماضیه تبریز را دارالسلطنه و ولیمهدنشین نموده اند.

و بالاخره وفات او را در سنه ۱۳۳۲ ذکر کرده.

آن گاه در ص ۲۴ چندین نفر فرزند برای او آورده که یکی از آنها سید ابوالقاسم

۳۵ علامه است که در ( ۱۲۸۸ ) بیاید.

و یکی دیگر از فرزندان صاحب عنوان فرخنده ۳۴ بوده که بزوجیت پسر عم خود میرزا سید محمدعلی ۳۴ نقیب ( ۱۳۰۱ ) در آمده و میرعماد ۳۵ نقیب زاده مشایخ از او بهم رسیده.

### ❁ ( ۱۴۰۹ - وفات سیداحمد موسوی کاشانی ) ❁

وی فرزند سید مهدی و خود بطوری که در « لباب الالقاب : ۶۸ » فرموده، عالمی فقیه و جلیل القدر بوده و مرافعات مردم را طی می نمود و در نزد حاج ملامحمد مهدی نراقی ثانی درس خوانده و از وی اجازه گرفته، و تألیفات چندی دارد: اول « اجوبه سؤالاتی در بیع تادیات ». دوم « رساله‌ئی در اصول دین ». و در این سال در سفر مکه وفات کرده، انتهى.

### ❁ ( ۱۴۱۰ - تولد ادريس بك راغب سنی مصری ) ❁

وی فرزند اسمعیل پاشا راغب است که پدرش ناظر داخلی و رئیس سابق مجلس نظار و خود از وُجهاء و فضلاء گروه مصریین بوده و در این سال - چنان که در « معجم المطبوعات : ۴۱۳ با ملاحظه غلطنامه : ۵ » نوشته - در قاهره متولد شده و در

کودکی آثار زیرکی از او ظاهر بود و از این رو پدرش بزرگان معلمین خودی و بیگانه را بخانه آورد و ادریس بك در نزد آنها بدرس خواندن پرداخت تالغات عربی و ترکی و فرانسه و انگلیسی را کامل ساخت و در ریاضیات و طبیعیات و شریعات حظی تمام بهم رسانید و حکومت، وی را نخست در حدود (۱۳۰۶ - ۱۳۰۷) نایب قضاوت و سپس قاضی مصر قرار داد. آن گاه در حدود (۱۳۰۸ - ۱۳۰۹) بجای محمد توفیق پاشا رئیس بزرگ محفل وطنی مصر گردید و کمکی تمام بماسونیه نمود، و در حدود (۱۳۱۲ - ۱۳۱۳) مدیر قلیوبیه شده و در آن مجلسی ماسونی بپا کرد.

و وی همواره بدرس و مطالعه می پرداخت و کتابخانه می شامل زیاده بر دوهزار کتاب برای خود فراهم نمود، و کتب چندی تألیف کرد:

اول کتاب « التحفة الراغیبه » در أفعال عربیه، در دو قسمت ۱- در تصاریف أفعال  
 ۲- در معجم أفعال. دویم کتاب « طیب النفس » در معرفت اوقات خمس که آنرا هدیه برای عباس پاشا قرار داده. سیم کتاب « القانون الماسونی » برای مجلس بزرگ. چهارم کتاب « الموسیقی الشرعی » که آنرا بكم محمد کامل خلعی در موسیقی ایرانی و فرنگی تألیف کرده.

### ❁ ( ۱۳۱۱ - جلوس اسمعیل پاشای مصری ) ❁

وی فرزند ابراهیم پاشا است که در ( ۱۲۰۴ ج ۱ ص ۱۵۸ ش ۹۱ ) گذشت و از جمله سلاطین مصر بوده. نوشته اند که وی در سنه ۱۸۳۰ متولد شده و در این سال بعد از وفات سعید پاشا بزمامداری مصر رسید و در سنه ۱۸۷۹ از آن خلع شده و در سنه ۱۸۹۵ وفات کرده.

و چون تحقیقاً سال تولد و وفات وی - بقمری - بر ما معلوم نشد از احوال وی بدین چند کلمه در این عنوان اکتفا کردیم (۱)

(۱) شرح حال « الخدیوی اسمعیل » در « الاعلام ۱: ۳۰۲ » تألیف خیرالدین زرکلی با ذکر مآخذ آمده است و آنجا گوید: ولادتش ۱۲۴۵ و وفاتش ۱۳۱۲ و عزل او از مقامش که بامر انگلستان و فرانسه بوده است بسال ۱۲۹۶ و در اسلامبول وفات یافت و در قاهره بخاك رفت. م. عفی عنه.

و او چندین نفر فرزند داشته : بزرگ تر ، محمد توفیق پاشا (۱۳۱۰) ، و دیگر سلطان حسین کامل ( ۱۲۷۰ ص ۱۹۴۳ ص ۱۱۸۴ ) .

### ❀ ( ۱۴۱۲ - وفات میرزا باباخوشنویس شیرازی ) ❀

وی - چنانکه در «فهرست کتابخانه مبارکه رضویه ع : ۶ : ۴۵۳ پاورقی» فرموده - سیدی بوده نجیب و از همه خطوط با نصیب ، و در اینسال بسن بیست و چهار سالگی وفات نموده (۱).

### ❀ ( ۱۴۱۳ - تولد میرزا حسین خویینی قزوینی ) ❀

وی فرزند مرحوم ملا آقای قزوینی است که در ( ۱۲۴۷ ج ۴ ص ۱۲۹۶ ص ۶۹۴ ) گذشت . میرزا حسین از علماء این عصر است و در اینسال متولد شده ، کتاب «تأملیات» که حاشیه پدرش است بر « ریاض المسائل» از آغاز آن تا مبحث روزه اش را در پنج هزار بیت تدوین کرده و باقی آن همینطور متفرق مانده است (۲) .

### ❀ ( ۱۴۱۴ - تولد میرزا حسینخان اعتلاء الدوله اصفهانی ) ❀

وی از اهل علم و ادب در عصر خود در اصفهان بود ، و بطوری که در « تاریخ جرائد و مجلات ایران ۱ : ۱۸۱ » نوشته ، در اینسال در طهران متولد شده و پس از کسب معلومات آنزمان بخدمات دولتی مشغول و سالها در وزارت خارجه خدمت کرد تا در

(۱) رجوع شود بکتاب « احوال و آثار خوش نویسان ۱ : ۸۴ » تألیف مرحوم دکتر

بیانی . م .

(۲) مأخذ این مطالب « الذریعه ۳ : ۳۰۱ » میباشد . م .

سنه ۱۳۲۵ رئیس عدلیه کرمان گردید و در مدت محدودی که بدین سمت در آنجا بود از اعمال خود معنی عدالت را ب مردم آن ولایت فهمانید و در اثر آن معزول شده و باصفهان آمد و دو روزنامه بنام « اصفهان » و « نقش جهان » در آن شهر برقرار نمود و در محرم سنه ۱۳۲۸ بعنوان کارگذاری خوزستان بمحمره رفت و آنجا از حُسن کفایت و سیاست وقت دولت ایران را سر بلند نمود .

و آخر در اوائل سال هزار و سیصد و سی در کرمانشاه از مظالم سالارالدوله وی را بدار جفاکشیده تیرباران کردند و دو روز نمش او بر دار بود تا شبانه کسان زنانه او بزور پول زیاد بدن پاره پاره او را پائین آورده دفن کردند (۱).

### ❖ ( ۱۳۱۵ - وفات شیخ حمادی کواز شاعر حلی ) ❖

وی فرزند حمزه آل نوح شمیری ، و خود از شعراء بزرگ بوده و « دیوانی در اشعار » دارد که آنرا برادرش شیخ صالح کواز جمع کرده و از بابت بسیار بودن آنها تمام آنرا جمع نموده . و شیخ حمادی در اینسال وفات کرده ، چنانکه در « الذریعه ۹ ش ۱۵۹۸ » فرموده .

و او غیر از شیخ حمادی حلی ( ۱۳۲۵ ) است .

### ❖ ( ۱۳۱۶ - تولد شیخ خزعل خان معز السلطنه خوزستانی ) ❖

وی فرزند حاج جابر خان نصره الملك بن حاج یوسف بن حاج مرداو محمره‌ئی است . شرح احوال شیخ خزعل خان و خانواده او در کتاب « تاریخ پانصدساله خوزستان » تألیف سید احمد حسینی تبریزی معروف بکسروی ( ۱۳۰۸ ) نوشته ، و خلاصه آن با ملاحظه برخی از جاهای دیگر چنین می شود که محمره در اصل دیهیی بوده بجای شهر ( ۱ ) برای سالارالدوله رجوع فرمایند بکتاب « زندگانی سردار کابلی : ۱۹۳ ببعد » . م .

**بیان** بیان که در قرون اولیهٔ اسلام از شهرهای خوزستان شمرده می‌شده و بعد  
**محمّره** ویران گردیده مانند دیهیی گردیده و همان دیه را نیز بیان می‌گفته‌اند ، تا  
**خرمشهر** در مائه سیزدهم نام آن کوت المحمره شده و پس از آن محمره گردیده  
 و صورت شهریت بخود گرفته و باز از شهرهای معتبر خوزستان بشمار آمده ، چنان که  
 بعد از تألیف تاریخ مرقوم « پانصدساله » نام آن خرم شهر شده و کنون بدین نام معروف  
 است (۱).

وحاج یوسف مرقوم سرپرست این شهر بوده . و پس از وی فرزندش حاج جابر در  
 زمان فرمانروائی شیخ ثامر کعبی در خوزستان رئیس این شهر و در زمان وی رونق آن  
 زیادتر شده و او در سنه ۱۲۹۹ - چنان که در « مجله المجلات » نوشته - یا سال  
 ( ۱۲۹۷ یا ۱۲۹۸ ) چنانکه در « تاریخ پانصدساله » است - در محمره وفات کرد  
 و سه فرزند برجا نهاد :

اول : شیخ محمد که پس از پدر ، ناصرالدین شاه فرمان حکمرانی محمره را  
 برای او فرستاد لکن برادرش شیخ مزعل با او نساخته و شیخ محمد تابِ طرفیتِ برادر  
 را در خود ندید و ترك حکومت گفته از خوزستان بصره رفت و آنجا نشیمن نمود .  
 دویم : شیخ مزعل ، چنان که ناصرالدین شاه لقب نصرة الملك که از پدرش بود  
 بوی داده و بعد از آن او را به عز السلطنه لقب داد که در « المآثر : ۲۳۸ س ۲ » باین  
 لقب ذکر شده . و او مانند پدر در ظاهر دولنخواه ایران و در باطن همدست انگلیسیان  
 و از این رو شکوهی تمام در خوزستان بهمرسانید و در حدود ده سال با برادر خود شیخ  
 خزعل صاحب عنوان طرفیت نموده ، تا آخر بدستور همین برادر ، در ۴ شنبه غره محرم سنه  
 ۱۳۱۵ در کوشک فیلیه محمره کشته شده و گرچه پانزده نفر زن داشت لیکن پسری از خود  
 نگذاشت .

سیم : شیخ خزعل خان صاحب عنوان که از رجال معروف خوزستان در عصر  
 خود و وقایع اخیر او فصلی از تاریخ این ولایت بلکه مملکت ایران را اشغال کرده ،  
 چنان که شیخ محمد جواد شیبی ( ۱۲۸۱ ) « رساله‌ئی مخصوص احوال او » تألیف  
 نموده .

و او در این سال - چنان که در جریده « مجله المجلات . سال ۶ : ۱۷۴ » نوشته -

(۱) رجوع شود به « دائرة المعارف الاسلامیه ۸ : ۱۰۱ بعد » تألیف آقای

عبدالعزیز صاحب جواهر . م .

از بطن دختر طلال - یکی از اشراف عشیره باوی عربستان - متولد شده ، و پس از کشته شدن مزعل لقب معز السلطنه و سپس سردار اقدس یافت، و در محرمه و حدود و اطراف خوزستان نفوذی تمام بهم رسانیده و تمول و تسلطی غریب پیدا کرد . و بتول خانم دختر حسینقلیخان مافی نظام السلطنه ( ۱۲۴۸ ج ۴ ص ۱۳۳۲ ش ۷۲۸ ) ، و هم چنین دختر برادر عبدالحمید میرزای عین الدوله را بزنی گرفت ، و در اجراء مقاصد و پیشرفت نفوذ خود از هر سیاه کاری و قتل و غارت ناحقی باک نداشت ، و مانند پدر و برادر با دولت انگلیس سازش کرده و دولت ایران را هیچ نمی انگاشت ، و در جنگ بن المللی که دولت ایران رسماً و علناً اعلان بی طرفی داده شیخ خزعل آشکار بدولت انگلیس پیوسته و یکی از علل شکست لشکر عثمانی در عراق عرب گردید ، و بعد از آن سردار ارفع لقب یافت .

و بالاخره بر دوئلت خاک خوزستان حکم روا و تسلطی در آن سرزمین بهم رسانیده که از زمان شاه اسمعیل صفوی تا آئزمان چنوکسی را دست نداده بود . تا این که پادشاه سابق پهلوی ظهور نمود ، و او در سنه ۱۳۴۲ لشکر بخوزستان فرستاد و در سنه ۱۳۴۳ کار را بر شیخ تنگ نمود، تا در یک شنبه ( ۱۰ ج ۱ ) آن سال یک باره در جنب دولت وقت تسلیم گردید و در ماه شوال وی را به تهران بردند ، و آنجا بپود تا - چنان که در شماره ۴۹۴۶ سال ۱۷ صادره در ۷ رجب سنه ۱۳۶۱ - ۳۱ تیر ۱۳۲۱ « روزنامه اطلاعات » نوشته - در شب دوشنبه چهارم ماه ربیع المولود سنه ۱۳۵۵ هزار و سیصد و پنجاه و پنج، مطابق ۴ خرداد ماه باستانی ، هم در آن شهر درخانه خودش بحیله و خفیه مانند خیلی دیگر از کسان که بغدر و امر و دستور این پادشاه کشته شدند - درحالی که بیمار بود او را با درفشی که در گنج گاه او فرو بردند کشتند.

و در « تاریخ پانصد ساله » و « مجله » پسرانی بنام شیخ عبدالحمید و شیخ عبدالکریم و شیخ عبدالله از او نام می برند . و نیز پسر وی در « مجله یادگار » بدون ذکر نام او نوشته که شاید یکی از این سه نفر مذکور باشد .

و از جمله کارهای وی - ازقراری که در این تاریخ نوشته - این که برای پیشرفت مقاصد خود همواره پول های بسیاری که همه را از طرق غیر مشروع و خون دل بیچارگان فراهم نموده بر روزنامه نویسان عراق و مصر و غیره و شعرا و ادباء متملق بی شرافت وقت داده تا وی را بالقاب و عناوین سلطنتی و غیره بلند آوازه کنند ، و آن ها هم چنین نموده تا آن جا که کتابی بنام « الریاض الخزعلیة » در سیاست انسانیّه ، بعنوان این که

تألیف شیخ است منتشر و آن را دوبار در مصر چاپ کردند ، و در « تاریخ » مرقوم گوید : باسانی پیدا است که مؤلف آن سالها در نجف نشیمن داشته و شیخ هیچ گاه بنجف نرفته ! ( ۱ ) .

( ۱ ) « ریاض خزعلیه » بزبان عربی و کتاب مفیدی است در دو جلد ، جلد اول نسخه‌ها دارای ۶ صفحه سرآغاز و ۳۲۷ ص متن و ۸ ص فهرست ، و جلد ۲ در ۴۰۳ ص متن و ۹ ص فهرست ، و هر دو در ۱۳۱۸ و ۱۹ قمری تألیف اودر ۱۰۲۱ در دو مطبعه هندیه و عمومیة قاهره بچاپ رسیده ، و شخصی که خود رامتصدی امور طبع و تصحیح معرفی نموده **عبدالمجید بهبهانی بصری ایرانی** است که از برخی مواضع کتاب ( مانند حاشیه ص ۲۷۱ ج ۲ ) معلوم میشود این شخص خود مؤلف حقیقی آن است ، و زرکلی نیز در « الاعلام ۲ : ۳۰۵ ط ۸ جلدی » همین نظر را دارد ، لکن مرحوم صاحب « الذریعه » فرماید کتاب تألیف شیخ محمد بن شیخ عیسی نجفی و بترتیب فاضل ادیب شیخ عبدالمجید بصری... است ، والله العالم .

ناگفته نماند که زرکلی در شرح حالی که برای خزعل با ذکر مأخذی نوشته است مطالب متن را تأیید و درباره جزاوه شیخ گوید که پس از مدتی آنرا از طهران بنجف اشرف منتقل و در وادی السلام دفن کردند . بامداد نیز در « تاریخ رجال ایران ۱ : ۴۷۶ » شرح حال دو صفحه‌ئی برای شیخ خزعل ترتیب داده است .

دیگر مطلب اینکه در « روزنامه اطلاعات : ش ۱۴۲۷۸ ص ۶ صادره ۴شنبه ۵۲/۹/۲۱ مط ۱۶ قلمه ۹۳ » بمصلحت وقت نامئی از **عبدالامیر بخزعل فوزند** شیخ خزعل در تعریف و تمجید و ایرانی بودن پدر و نیاکانش و هم پانسخ بمقاله « چیزی در تاریخ بغداد » مندرج در همان روزنامه « ش ۱۴۲۷۱ سه‌شنبه ۹/۱۳ » چاپ شده است ، طالبان عزیز خود بدانجاها و به « جامع الانساب ۱ : ۱۲۷ » تألیف اینجانب و ایضاً به دو کتاب « زندگانی احمد شاه » مکی و « در راه سلطنت رضاشاه » صنوی رجوع فرمایند . منبع اخیر در چاپ دوم بنام « اسرار سقوط احمدشاه » از طرف ناشر تغییر یافته ، و تازه‌ترین مرجع ارزشمندی که در این زمینه منتشر گردیده و نامه‌ئی از سیدحسن مدرس و کیل مشروطه خواه مجلس را بخزعل ( در ص ۱۷۴ ) دارد ، کتاب مفصلی است که عنوانش چنین است : « شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان . خاطرات سیاسی سرپرسی لورین ، وزیر مختار انگلیس در ایران . ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی » چاپ تهران ۱۳۶۳ ش ۲۹۳ ص ، والسلام . م . عقی عینه .

## ﴿ ۱۴۱۷ - تولد دکتر خلیل خان ثقفی اعلم الدوله تهرانی ﴾

وی فرزند حاج میرزا عبدالباقی ۴۷ بن حاج محمد اسمعیل بیک ۴۶ بن آقا بابابیک ۴۵ بن علینقی بیک ۴۴ بن حسین بیک ۴۳ بن مختار علی بیک ۴۲ بن ابراهیم خلیل ۴۱ بن محمد جلال الدین ۴۰ بن جلیل ۳۹ بن خلیل ۳۸ بن اسمعیل ۳۷ بن ابراهیم ۳۶ بن احمد ۳۵ مختار جلال الدین بن عبدالحمید ۳۴ ابن عبدالمجید ۳۳ بن مختار علی ۳۲ بن محمد ۳۱ کمال الدین بن اسمعیل ۳۰ بن اسدالله ۲۹ بن حسین ۲۸ بن ابراهیم ۲۷ بن حسن ۲۶ بن علی ۲۵ بن عبدالله ۲۴ بن اسد ۲۳ بن راشد ۲۲ بن احمد ۲۱ بن مختار ۲۰ بن ابو عبیده ثقفی ۱۹ ( ره ) است، که پدرش حاج میرزا عبدالباقی ملقب به اعتضاد اطباء بوده و در « المآثر : ۲۲۳ » عنوانی دارد و آنجا درباره وی فرماید :

« در فن طب و تدریس کتب اساتید سلف و بعضی از علوم عتلاویه مسلم صناید اساتید و مدرسین دارالخلافه تهران می باشد ، ، انتهى .

و در « مجله یادگار . س ۳ ش ۵ : ۴۵ » خلاصه‌ئی از احوال او نوشته ، بحاصل این که : او در حدود سال ( ۱۳۱۶ - ۱۳۱۷ ) در کربلا وفات کرده و شاگرد حاج میرزا سید اسدالله طبیب و او شاگرد حاج میرزا بابا حکیمباشی نایب السلطنه و فرزندش محمدشاه بوده ، و حاجی میرزا عبدالباقی چند کتاب طبی و ادبی را چاپ کرده و بر آنها مقدماتی در احوال مؤلف یا غیره و حواشی مفیدی نوشته ، از آن جمله « قانون » شیخ رئیس که « حواشی » مفیده بر آن دارد و « گنجینه معتمدی » یعنی رسائل و اشعار معتمد الدوله نشاط و « دیوان یغما » که پدرش همت بطبع آن گماشته و وی بخط خود آن را نوشته و مقدمه آن از پدرش می باشد ، انتهى .

و مرحوم حاج میرزا عبدالباقی چندین پسر داشته : ۱- صاحب عنوان ۲- عبدالحمیدخان متین السلطنه ( ۱۲۹۶ ) ۳- میرزا جلیل خان دبیرالدوله مؤیدالحکماء مدیر « روزنامه اصلاح » ۴- عبدالمجیدخان حاذق الدوله .

و بهر حال ، مرحوم اعلم الدوله از مشاهیر اطباء این عصر بود و در برخی از فضایل دیگر نیز تتبع و تحقیقی کامل داشت و نثر را بسیار جذاب و ساده می نوشت ، شرح احوالش در « مجله یادگار ، سال و شماره و صفحه مرقوم » و بجزء اول

کتاب « فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف : ۱۶۴ » نوشته ، و از آن ما چنین برآید که : وی در این سال متولد شده و پس از تحصیلات طبیب مخصرص مظفرالدین‌شاه گردید ، و در مدرسه دارالفنون بتعلیم طب پرداخت و لقب **اعلم‌الدوله** یافت و بجای دکتر ابراهیم حکیم‌الملک طبیب مخصرص وی گردید ، و در تهران شهرت و اهمیتی بهم رسانید ، تادر اواخر عمر خود بواسطه انتحار یکی از پسران رشیدش افکاری گوناگون در او پیدا شد و معتقد بشخیر ارواح گردیده و در تهران بریاست یا عضویت «انجمن معرفة الروح تجربتی ایران» برقرار شد و برخی از حکایات تألیفاتش روی ایسن افکار ده بیست سال آخر عمرش بیان شده ، و او را تألیفات چندی است :

اول کتاب « تحفه نوروزی » . دویم « ترجمه درسهای کلینیک » - یعنی معالجه مرضی در بستر - تألیف دکتر آلبو فرانسه‌ئی معلم طب دارالفنون در عهد ناصرالدین‌شاه . سیم « ترجمه کتاب جراحی » دکتر مرقوم . چهارم کتاب « تشریح » . پنجم کتاب « خردنامه جاویدان » در حکایات و قصص . ششم کتاب « صد و پنجاه مقاله یادگار عمر جدید » که آنها را در « مجله عصر جدید » که در تحت مدیریت برادر کوچکش عبدالحمیدخان متین‌السلطنه (۱۲۹۶) منتشر می‌شد نوشته و پس از کشته شدن وی آنها را جمع و تدوین نمود و در ص ۲ آن - چنان که در « مجله یادگار » گفته - نسب خود را تا مختار بن ابوعبیده ثقفی ذکر کرده که در مجله آنها نیآورده لکن در « تاریخ جرائد و مجلات ایران ۳ : ۱۵۵ » آنها نقل کرده و ما در صدر عنوان از آن نقل کردیم .

هفتم کتاب « فلسفه جدید » . هشتم کتاب « فوائد لغت فرانسه » . نهم کتاب « فوائد النصائح » . دهم کتاب « کلید زندگی » . یازدهم کتاب « مقالات گوناگون » در وقایع تاریخی قاجاریه . دوازدهم کتاب « هزار و یک حکایت » . سیزدهم کتاب « هزار و یک نصیحت » . چهاردهم کتاب « هفتاد و یک مقاله معرفة الروح » که مربوط بانجمن مرقوم است . و او در صبح روز دوشنبه سیم ماه ربیع الآخر سنه ۱۳۶۳ هزاد و سیصد و شصت و سه - مطابق ۷ فروردینماه باستانی (۱) - در تهران وفات کرد .

(۱) مقصود سال ۱۳۲۳ شمسی است و در « تاریخ رجال ایران » تألیف بامداد باشتباه (۱۳۰۳) بحروف چاپ شده . بامداد تاریخ تولد صاحب عنوان را ننوشته لکن سن او را بهنگام فوت ( حدود نودسال ) دانسته است . برای آگاهی بیشتر از احوال ثقفی رجوع شود بتاریخ بامداد و « مؤلفین کتب چاپی » مرحوم مشار . م . عقی‌عنه .

و در مجله عمر او را هشتاد و هفت سال نرشته ، و این منافات با تاریخ تولداو-  
که ما بقتل از « فهرست کتابخانه عمومی » نوشتیم - دارد .

و اینک گوئیم که حضرت مختار ۲۰ بن ابو عبیده - که این طائفه نسب خرد را  
بوی می‌رسانند - کنیه اش ابواسحق و لقبش کیسان و از معاریف (۱) تواین و قاتل قتله  
حضرت سیدالشهداء (ع) است و در قدح و مدح او در کتب اخبار و رجال اختلاف  
است . تولدش سنه ۱ شهادتش ۱۴ ماه رمضان سنه ۶۷ قورش در مسجد کوفه . و او فرزند  
ابو عبیده ۱۹ بن مسعود ۱۸ بن عمیر ۱۷ بن عقیله ۱۶ بن عنز ۱۵ بن عوف ۱۴ بن قسی  
۱۳ - این قسی ملقب بتقیف و سرساسة این طایفه است - بن منبه ۱۲ بن بکر ۱۱ بن هوازن  
۱۰ بن منصور ۹ بن عکرمه ۸ بن حصه ۷ بن قیس ۶ بن عیلان ۵ ( ناس ) بن مضر ۴ است  
که در مقدمه ( فصل سیم ص ۲۵ ) گذشت .

### وفات شیخ طاهر حجامی مالکی (۱۴۱۸-)

وی فرزند شیخ عبدعلی بن عبدالرسول بن اسماعیل مالکی ، و خود از علما و اهل  
فضل و ادب بوده ، و در سوق الشیوخ سکرنت داشته ، و کتابی دارد بنام « الانوار-  
السنیه » در شرح « شرح آجرومیه » .

تبین این که : « آجرومیه » کتابی است از شیخ محمد بن محمد صنهاجی در نحو  
و آن را « جرومیه » نیز گویند و چندین نفر بر آن شرح نوشته اند ، از آن جمله یکی از  
علماء شیعه که این شیخ طاهر صاحب عنسوان نام او را از شیخ محمد قطیفی شنیده  
و فراموش کرده ، و « الانوار السنیه » مرقوم شرح بر این شرح است ، و آنرا بنام دوپسر  
خود شیخ علی و شیخ دخیل تألیف کرده ، انجام آن ۱۴ صفر سنه ۱۲۶۴ .  
و خود در این سال در حدود نورد سالگی وفات کرده و چندین نفر فرزند داشته :

(۱) معاریف و برخی از کلمات رایج دیگر مانند مدرک تدقین ، فتن ،  
جمادی الاخری و امثالها از اغلاط مشهوره اند و صواب در اینجا معارف است .  
بحث خوبی درباره اغلاط مشهوره در کتاب « الکلام یجر الکلام ۲ : ۷۱ » هست ،  
طالبین خود مراجعه فرمایند . م .

یکی شیخ علی که نوشتیم « الانوار » بنام او تألیف شده و در سنه ۱۲۸۴ وفات کرده .  
و دیگر شیخ دخیل ( ۱۲۴۵ ج ۴ ص ۱۲۵۰ ش ۶۵۶ ) و شیخ عبدعلی ( ۱۳۵۷ ) .

### ﴿ ۱۴۱۹ - تولد میرزا عبدالرحیم مهانی زنجانی ﴾

وی از علماء این عصر و بطوری که در « فهرست علماء زنجان : ۷۲ » فرموده  
منسرف بیکی از دیهات طارم در نزدیکی قریه سردان این شهر است ، و همانادراینسال  
متولد شده و در سنه ۱۲۹۹ بمراق عرب رفته و آنجا در نزد آخوند خراسانی درس  
خوانده و در سنه ۱۳۱۴ بازگشت و در جلال و فضل شهرتی بهم رسانید ، زیرا که  
وی مجتهدی محقق کثیرالعلم سلیم النفس حسن الخلق جیدالخط بود و در مسجد جمیلیه  
نماز جماعت می کرد و هم بمنبر می رفت و بمواعظ متینه مردمان را بهره مند می نمود ،  
و هیچ وقت پس از مراجعت از نجف از زنجان بجائی سفر نکرد الا اینکه گاهی - آن هم  
کم - بعضی از دیهات آن می رفت .

تا بالاخره در پنجشنبه دوازدهم ( یا ۱۳ ) ماه صفر المظفر سنه ۱۳۶۵ هزار و سیصد  
و شصت و پنج - مطابق ۶ بهمنماه باستانی - وفات کرد . و دو فرزندش آقا کمال الدین  
و آقا عمادالدین از محصلین اند .

و برادر صاحب عنوان حاج ملا فتح الله هم از علماء است که در هیدج در نزد  
ملاعلی درس خوانده تا فاضلی جلیل گردید و هم در آن ولایت سکونت گزید و فرزندش  
آقا میرزا عبدالعظیم در هیدج نزد مدرسین آن درس خوانده تا از اهل فضل گردید .  
و فرزند وی میرزا عبدالرحمن از فضلاء محصلین در شهر مقدس قم می باشد (۱) .

(۱) رجوع شود به: « گنجینه دانشمندان ۵ : ۲۴۲ - ۲۴۹ » و « تاریخ علماء

زنجان : ۳۳۸ - ۳۳۹ » . م .

### ﴿ ۱۴۰۲ - تولد سیدعلی اکبر ۳۷ فتوحی زواره‌ئی ﴾

وی فرزند مرحوم سید محمدعلی ۳۶ بن سیدعلی اکبر ۳۵ بن حاج میرزا رفیعا ۳۴ بن میرسید محمد ۳۳ بن میرمحمدحسین ۳۲ بن میرزا رفیع‌الدین محمد ۳۱ طباطبائی نائینی (ره) است .

میرزا رفیع‌الدین محمد ۳۱ در ( ۱۱۹۵ ج ۱ ص ۳۵ ) گذشت ، و آنجا وعده دادیم که شرح احوال فرزندش میرمحمدحسین ۳۲ را در اینسال بنویسیم .  
اینک گوئیم که مرحوم میرمحمدحسین مرقوم - بطوری که در « تاریخ نائین ۳ : ۹۶ » نوشته - سیدی محدث و فقیه بوده و در سنه ۱۱۷۵ وفات نموده و در اصفهان در قبرستان آب‌بخشان نزدیک بمسجدی که در کنار آن بوده دفن شده و بر قبرش سنگی افتاده و بر آن عباراتی منقور بوده که در مرقمی که قبور آن قبرستان را برای امتداد خیابان جدید چهارباغ تا آخر شهر بطرف پرخوار خراب می کرده‌اند و مخصوصاً عماجات این کار داشته‌اند کلنگ میزده‌اند آقای نجفی مرعشی عبارات آن سنگ را و امی نوشته و از جمله این شعر ماده تاریخ بوده :

گفتا رفیق از پی تاریخ آن امام یارب بخلسد جای محمدحسین باد

انتهی کلام « تاریخ نائین » الا تغییر در تاریخ وفات ، بدین معنی که ماده مزبور ( ۱۰۹۰ ) میشود نه ( ۱۱۷۵ ) ، و ما آنرا بدو راه اشتباه دانستیم : یکی اینکه میرمحمد حسین مرقوم برادر میرسیدعلی ۳۲ ( ۱۱۹۵ ج ۱ ص ۳۵ ش ۱۳ ) و در طبقه او است و نشاید که تقریباً صدسال پیش از او یا هشت سال بعد از جد اعلا ایشان میرزا رفیعا ی نائینی ۲۸ معروف وفات کرده باشد .

دیگر آن که : گوینده این شعر - چنان که دیدی - رفیق اصفهانی ( ۱۲۱۲ ش ۱۸۰ ) است و او در ( ۱۰۹۰ ) نبوده بلکه در حوالی ( ۱۱۷۵ ) بوده و این ماده را گفته و در نقل ماده اشتباه شده ، و اصل آن را آقای میرسیدمحمد ۳۷ یزدانیان که اینک ذکر میشود چنین نقل می کرد :

گفتا رفیق از پی تاریخ آن مدام « الخ »

و این وقت سنه ۱۱۷۵ میشود و درست است .

و او علاوه بر چندین شعر مرثیه و ماده تاریخ بطور مذکور ، عبارات نثری روی سنگت را نیز داشت که پدرش سید اسمعیل آنرا در سنه ۱۳۵۲ که قبرستان را خراب می کرده اند و نوشته بود و از جمله آن تصریح بتاریخ وفات در ۳ ج ۱ همین سال . ۱۱۷۵ بود .

و میر سید محمد مرقوم بطوری که می گفت فرزند سید اسمعیل ۳۶ بن سید حسن ۳۵ بن میرزا محمد حسین ۳۴ شیخ الاسلام بن میر محمد صادق ۳۳ مدفون در زواره ابن میر محمد حسین ۳۲ مذکور است و « شجره نامه‌ئی » در دست داشت که آنرا عم پدرش سید اسمعیل ۳۵ بن میرزا محمد حسین ۳۴ شیخ الاسلام در ذی الحجه ۱۲۲۳ بخط نسخ بسیار خوب در نسب خودش تا میرزا رفیعا بطوری که اینجا نقل کردیم و از او تا حضرت امام حسن (ع) مانند آنچه در ۱۱۹۵ ذکر شد نوشته بود ، الا یکی دو جا تفاوت ، و آن « شجره نامه » هم خالی از اشکالی که در اغلب انساب سادات بدان اشاره نموده ایم بود ، مانند عم بودن او نسبت بسید اسمعیل پدر سید محمد یزدانیان مرقوم ، و هیچ شعب و فروعی در آن نبود ، و فقط همان نسب خود را تا حضرت امام حسن (ع) نوشته بود .

و **بهر حال** ، فرزند ابن میر محمد حسین : مرحوم میر سید محمد ۳۳ - بطوری که در « تاریخ نائین مرقوم ۳ : ۹۳ » نوشته - در تخت پولاد پهلوی قبرجدش میرزا رفیعا می مذکور دفن است .

فرزندش حاج میرزا رفیعا ۳۴ در نجف دفن است .

فرزندش سیدعلی اکبر ۳۵ مشهور به **محمی** طیب بوده .

فرزندش سید محمدعلی ۳۶ مشهور بشمس الاطباء و در نجف دفن است ، و او چهار پسر داشته : **اول** سیدعلی اکبر ۳۷ صاحب عنوان . **دویم** سید ابوالحسن ۳۷ که در زواره بزایوه مقدسه حضرت شاه عبدالعظیم « علیه التحیه والتسلیم » مهاجرت نموده رفتی برای ازدواج و طلاق دارد . **سیم** سید عبدالجواد ۳۷ که در زواره بزراعت می - گذراند . **چهارم** سید مصطفی ۳۷ فتوحی که از زواره بزایوه مقدسه آمده و آموزگار دبستان دولتی است ، چنان که این همه در جلد و صفحه مرقومین تاریخ مزبور نوشته .

و سیدعلی اکبر صاحب عنوان از اهل علم و ادب است و شعر هم می گوید و بطوری که در آن صفحه گفته در اینسال متولد شده و نخستین کسی است از این خانواده که از زواره بزایوه مقدسه حضرت شاه عبدالعظیم (ع) هجرت نموده و تاکنون در آنجا سکونت دارد ، **انتهی** . و شهرت او بفتوحی بنسبت جدش ابوالفتوح احمد ۹ است

❖ (۱۴۲۱- وفات نواب فخرالدین حیدرآبادی هندی) ❖

حیدرآباد - بطوری که در « معجم الامکنه : ۲۳ » نوشته - ولایتی است از هند جنوبی معروف بحیدرآباد دکن که در قدیم حکمران آن تابع پادشاه دهلی بوده، و پس از آن چون نظام‌الملک آصفجاه اول بر آن دست یافت از تبعیت آن ولایت خارج و خود مملکتی مستقل و بمملکت نظام معروف شد ، و شهر حکومت نشین و قاعدهٔ این ولایت نیز به همین نام حیدرآباد می باشد . و نیز چنانکه در (ص ۲۴) نوشته - حیدرآباد شهری است از مقاطعهٔ سند در ولایت بمبئی .

و نواب فخرالدین صاحب این عنبران - بطوری که در «رسالة احوال سید عبدالحی حسنی ( ۱۲۸۶ ) : ص ی » نوشته - از حکماء ریاضیین هند و ملقب به شمس الامراء بوده و کتبی تألیف کرده : اول کتاب « السنة الشمسیه » دویم کتاب « شمس الهندسه»، و در این سال وفات کرده (۱).

(۱) دو مأخذ فوق از متعلقات « نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر . ط حیدرآباد » است و شرح حال مفصلتر در خود کتاب یادشده (ج ۷ : ۳۶۸ ) بطبع رسیده و در آنجا نام و نسب چنین است : « الامیر الکبیر فخرالدین بن ابی الفتح بن ابی الخیر العمری الفریدی الشکوه آبادی » و تاریخ ولادتش را در پنجم ماه رمضان ۱۲۰۰ در حیدرآباد ضبط نموده . توضیحاً حیدر لفظی است عربی و همیشه باید بفتح -حاء تلفظ شود . و برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار صاحب عنوان رجوع شود بکتاب «الثقافة الاسلامیة فی الهند: معارف العوارف» از همان مؤلف نز ۵۵ . از مطبوعات مجمع اللغة العربیة بدمشق - ۱۴۰۳ .

در اینجا با اینکه هنوز وقایع سال ۱۲۷۹ قمری بپایان نرسیده است مع الوصف بناچار جلدششم مکارم الآثار را ختم می کنیم ، دخل الزمان بنا و فرق بیننا ، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين . بناریخ چهارم ذی القعدة الحرام ۱۴۰۵ مطابق اول مردادماه ۱۳۶۴

## فهرست عناوین جلد ششم

۲۰۸۴	احمدآل حر عاملی / شیخ	۲۲۴۶	ابراهیم حقی پاشای استانبولی
۲۰۶۴	احمد ارسنجانی / ملا	۲۰۴۲	ابراهیم زنجانی / شیخ
۱۹۸۷	احمدبک شافعی حسینی / سید	۲۰۶۲	ابراهیم سلماسی کاظمینی / میرزا
۲۱۵۱	احمدحسن قنوجی هندی / سید	۲۰۶۴	ابراهیم کازرونی / ملا
۱۹۲۸	احمدخان مجاهدالدوله تهرانی	میرزا	ابراهیم واعظاصفهانی امین الواعظین /
۱۹۴۳	احمد شاعر قاجار	۲۰۹۲	
۲۰۹۶	احمد عارف حکمت شیخ الاسلام		ابن الحاج سلمی سنی / شیخ ابو عبدالله محمد /
۲۲۵۰	احمد موسوی کاشانی / سید	۲۰۷۲	
۱۹۸۴	احیاء شاعر جهرمی عبدالوهاب	۲۰۴۷	ابن الحاج سلمی سنی / شیخ طالب
۲۲۵۰	ادریس یک راغب سنی مصری	۲۰۰۶	ابوتراب امام جمعه شیرازی / حاج شیخ
۲۲۰۲	ادوارد براون خاورشناس انگلیسی	۱۹۸۱	ابوتراب خوانساری / سید
۱۹۸۸	ادوارد کلارز آلمانی	۲۲۰۹	ابوتراب شهیدی قزوینی / حاج
۱۹۶۷	ارتضا علی خان صفوی مدراسی	۱۹۵۴	ابوالحسن امید نهاوندی / میرزا
۲۱۰۹	آروینک امریکائی	۲۰۲۱	ابوالحسن تهرانی / ملا
۱۹۴۷	اسدالله امین الواعظین تهرانی / حاج شیخ	۲۰۹۳	ابوالحسن عاملی / سید
۱۹۵۲	اسدالله بروجردی / حاجی ملا	۲۱۰۵	ابوالحسن یغما شاعر جندقی / میرزا
۲۱۱۳	اسدالله رودباری نجفی ، / سید	۲۱۵۰	ابوطالب عارف سمنانی / میرزا
۲۲۵۱	اسمعیل پاشای مصری	۲۰۴۳	ابوالفضل تهرانی / حاج میرزا
۱۹۸۶	اسمعیل خان دبیر تفرشی	۲۰۰۶	ابوالقاسم امام جمعه تهرانی / میرزا
۲۲۴۳	اسمعیل شیخ المشایخ تهرانی / حاجی شیخ	۲۰۰۷	ابوالقاسم دهکردی / سید
۱۹۱۷	اسمعیل محلاتی / شیخ	۲۲۴۹	ابوالقاسم شیخ الاسلام تبریزی / حاج میرزا
۲۱۵۲	اسمعیل واحدالین اصفهانی / ملا	۲۰۹۳	ابوالقاسم کاشانی نجفی / شیخ
۲۰۹۲	اقبال موسوی میرزا آقای جندقی	۲۰۶۷	احتشام الدوله / عبدالعلی میرزا

## فهرست عناوین جلد ششم

۲۲۱۲	حسن (فداحسین) لکهنوی/شیخ	۱۹۵۴	امید نهاوندی میرزا ابوالحسن
۲۰۹۵	حسن قفطانی نجفی / شیخ	۱۸۸۴	امیرکبیر میرزاتقی خان
۲۱۱۵	حسن قیم شاعر حلی / حاج شیخ	۲۰۹۲	امین الواعظین اصفهانی / میرزا ابراهیم <sup>الله</sup>
۲۰۳۵	حسن مدرس اصفهانی / آقا میرسید	۱۹۴۷	امین الواعظین تهرانی / حاجی شیخ اسدا
۲۲۰۴	حسن مشهدی / حاجی میرزا	۱۹۳۵	امین خاقان شیرازی
۱۹۵۵	حسن نائینی / ملا	۱۹۳۳	انجم شاعر نفری فارسی
۱۸۹۵	حسن نقیب الممالک شیرازی / حاجی درویش	۲۱۵۴	باجوری شافعی مصری
۱۹۵۵	حسنعلی میرزا شجاع السلطنه	۲۲۱۰	باقر کاظمینی / شیخ
۲۱۱۵	حسنعلی وفا شاعر شیرازی / میرزا	۲۰۵۱	بانوعظمی افتخارالدوله قاجار
۲۱۱۶	حسین براقی شاعر نجفی / سید	۱۸۹۸	بدیع / نظام الشریعہ خوانساری
۲۱۵۵	حسین بروجردی / آقا سید	۱۹۵۶	پرنس ارفع الدوله تبریزی
۲۲۵۲	حسینخان اعتلاء الدوله اصفهانی / میرزا	۱۸۸۴	تقی خان امیرکبیر / میرزا
۲۲۵۲	حسین خوبی قزوینی / میرزا	۱۹۲۸	ثاقب افندی اخسخهئی
۲۰۴۵	حسین دلدار هندی / سید	۲۱۳۵	ثقه الاسلام تبریزی میرزا علی آقا
۱۸۹۶	حسین علوی سبزواری / حاج میرزا	۲۲۰۰	جرجی زیدان بیروتی
۱۹۵۵	حسین غبار شاعر همدانی / سید	۲۲۳۹	جعفر خان مشیرالدوله / میرزا سید
۱۹۴۳	حسین کامل خدیوی مصری / سید	۲۱۴۰	جعفر شاعر حلی / سید
۲۰۴۵	حسین منجم افشار / ملا	۲۱۳۲	جعفر طالقانی نجفی / سید
۲۰۲۲	حسین نجم آبادی / آقا	۲۰۲۲	جعفر هر کر بلائی / شیخ
۲۰۴۶	حفنی یک ناصف مصری		جهانگیر خان ناظم الملک مرندی ضیائی / میرزا
۱۹۶۵	حکیم هیدجی حاجی ملا محمد	۲۰۹۴	
۲۲۵۳	حمادی کواز شاعر حلی / شیخ	۲۱۱۳	جوادجهان بخش منجم نهاوندی / میرزا
۲۰۲۳	حیدرخان قاجار	۲۲۱۱	جواد قزوینی / سید
۱۹۸۹	حیدرعلی حاجب شاعر مرودشتی	۲۰۷۸	چهره شاعر مجلسی میرزا نورالدین
۲۰۹۵	خادم شاعر لکهنوی خادم حسین خان	۱۹۸۹	حاجب شاعر مرودشتی حیدرعلی
۲۲۵۳	خزل خان معز السلطنه خوزشستانی / شیخ	۲۰۴۵	حاجی آقا قراچه داغی / میرزا
۲۰۴۷	خلف آل عصفور / شیخ	۱۹۴۸	حبیب الله حکیم قآنی / میرزا
۲۲۵۷	خلیل خان ثقفی اعلم الدوله تهرانی / دکتر	۱۹۳۶	حجاب شیرازی آقا فتح الله
۱۹۸۶	دبیر تفرشی میرزا اسمعیل خان	۱۹۲۸	حسنخان ملک الحکماع خراسانی / میرزا
۲۱۵۵	درویش علی حایری بغدادی / شیخ	۲۲۱۱	حسن ساکت اصفهانی / میرزا
۱۹۳۵	درویش علی محمد امین خاقان شیرازی	۲۰۱۵	حسن صدر کاظمینی / آقا سید

## فهرست عناوین جلد ششم

۱۹۴۰	صفا شاعر اصفهانی	۲۲۴۸	دوست محمد خان افغان / امیر
۱۸۹۱	صمد علی عارف تهرانی	۲۲۰۴	ذوالفنون عراقی تهرانی میرزا حبیب الله
۲۲۱۴	ضیاء الدین عراقی / آقا	۲۰۲۳	رحمت شاعر شیرازی میرزا عبدالله
۲۰۹۴	ضیائی میرزا جهانگیر خان مرندی	۲۱۹۲	رحمت علی شاه شیرازی
۱۸۹۹	ظاهر جزائی دمشقی / شیخ	۱۹۵۶	رضا خان ارفع الدوله / پرنس میرزا
۲ ۲۵۹	ظاهر حجامی مالکی / شیخ	۱۹۲۹	رضا عاملی / شیخ
۲۰۷۲	طفرل شاعر چهار محلی میرزا علی محمد	۱۸۹۸	رضانظام الشریعه بدیع / میرزا
۲۰۹۶	عارف حکمت بک	۱۹۵۷	رضی لاریجانی / حاج سید
۱۹۵۰	عباس پاشا خدیوی مصری	۱۹۷۰	زرگر شاعر اصفهانی محمد حسن
۲۱۴۸	عباس علی قزوینی منصور علی / حاجی شیخ	۲۱۰۹	زین العابدین خان قاجار کرمانی / حاج
۲۲۲۴	عباسقلیخان جوانشیر معتمد الدوله	۲۰۸۴	زین العابدین خوانساری / حاجی میرزا
۱۹۰۱	عباسقلیخان سپهر مشیر افخم	۲۲۰۰	ژرژ (جرجی) زیدان بیروتی
۲۰۴۸	عباسقلیخان کلهر	۲۱۵۵	ژوبول خاور شناس هلندی
۲۱۹۷	عبدالباقی افندی عمری	۱۹۰۱	سپهر مشیر افخم میرزا عباسقلیخان
۲۲۲۴	عبدالباقی ملاباشی شیرازی / میرزا	۱۹۷۰	سعید العلماء بار فروشی مازندرانی
۱۹۰۸	عبدالحسین آل کمونه نحفی / سید	۱۹۷۱	شاهد شاعر ایراد خواستی میر محمد مؤمن
۱۹۹۰	عبدالحسین آل محبی الدین / شیخ	۱۹۶۸	شباب شاعر کرمانشاهی میرزا محمد جواد
۲۰۶۵	عبدالحسین تجلی دزفولی / شیخ	۲۰۷۳	شبلی نعمانی هندی اعظم گرهی / محمد
۲۱۵۶	عبدالحسین خان صدر اصفهانی	۲۰۹۶	شعری شاعر اصفهانی
۲۲۳۷	عبدالحسین خیامی آل صادق عاملی / شیخ	۱۹۹۷	شمیم شاعر شیرازی حاج محمد علی حکاک
۱۹۲۲	عبدالحسین نیشان شاعر شهشهرانی / حاجی میرزا	۱۹۵۰	شهاب الدین آلوسی بغدادی / سید
۱۸۹۲	عبدالرحمن مدرس مشهدی / میرزا	۲۰۷۷	شوریده شیرازی حاجی میرزا محمد تقی مجد الشعرا
۲۱۴۴	عبدالرحیم بروجردی / شیخ	۲۲۴۹	شیخ الاسلام تبریزی حاج میرزا ابوالقاسم
۲۰۲۴	عبدالرحیم طالب اوف تبریزی حاجی میرزا	۲۲۲۵	شیخ الاسلام تبریزی حاج میرزا علی اصغر
۲۰۲۰	عبدالرحیم گلی بری نصاری / میرزا	۲۲۴۲	شیخ المشایخ تهرانی حاجی شیخ اسماعیل
۲۲۶۰	عبدالرحیم مهبانی زنجانی / میرزا	۲۲۲۶	صابر شاعر شماخیه شی میرزا علی اکبر
۱۸۹۰	عبدالعلی زنجانی / شیخ	۱۸۹۴	صابر علی شاه گرگویه شی
۲۰۶۷	عبدالعلی میرزا احتشام الدوله	۲۰۶۵	صادق آقا تبریزی / میرزا
۱۹۳۱	عبدالفتاح شیخ الاسلام تبریزی حاجی میرزا	۱۹۴۰	صبور شاعر تبریزی
۲۱۱۸	عبدالکریم یزدی / حاجی شیخ	۲۱۸۴	صدر شاعر شوشتری شیخ محمد رضا

۲۲۰۷	علی اکبر نهاوندی / حاجی شیخ	۱۹۳۲	عبدالله کلیم یمنی / شیخ
۱۹۶۱	علی اکبر همدانی / حاجی میرزا	۲۰۶۸	عبدالله قطیفی / شیخ
۱۹۳۴	علیرضا همدانی / شیخ	۲۱۴۷	عبدالمجید خان عثمانی / سلطان
۱۹۳۴	علیشاه رضوی / سید	۱۹۰۹	عبدالمجید بن کریم مجدوی کردستانی
۲۰۷۱	علیقلیخان سردار اسعد بختیاری / حاج	۲۱۲۱	عبدالمجید همدانی / شیخ
۲۱۱۱	علیمحمدخان نظام الدوله اصفهانی / میرزا	۱۹۵۸	عبدالهادی آل شلیله بغدادی / شیخ
۲۰۷۲	علیمحمد فطریل شاعر چهارمحللی / میرزا	۱۹۸۴	عبد الوهاب حکیم باشی جهرمی احیاء
۱۹۶۳	علی مددکاشانی / ملا	۱۹۵۹	عبد الوهاب قطره شاعر چهارمحللی
۲۱۳۹	عید رسمی ۱۳ ماه رجب	۲۰۲۵	عزیز جنگ شمس العلماء احمد عبدالعزیز ولا
۲۱۵۹	عیسی لواسانی / حاج شیخ	۲۱۱۷	علاءالدین همت شاعر شیرازی
۲۰۵۰	عین الدین دزفولی / میر	۱۹۱۰	علی آل کاشف الغطا / شیخ
۲۰۰۰	غازی شاعر مازندرانی محمد قاسم خان	۲۱۵۹	علی آلوسی بغدادی / سید
۲۰۳۰	غبار شاعر ارازی تهرانی / میرزانی	۱۹۶۰	علی زین عاملی / حاج
۱۹۵۵	غبار شاعر همدانی	۱۹۸۸	علی احمد مذنب شاعر بدایونی
۲۰۵۰	غلامحسین صفائی / شاطر	۲۰۴۹	علی اخباری نیشابوری / میرزا
۲۱۲۵	غلامرضا خان مصدق السلطان تفضلی / میرزا	۲۱۲۴	علی امین عاملی / سید
۱۹۳۵	غلامعلی خوشنویس اصفهانی / آقا	۲۱۵۸	علی بحرینی / شیخ
۲۱۵۴	فایز شاعر شوشتری / حاج حاجی	۲۰۶۹	علی بلادی بحرینی / شیخ
۲۲۲۷	فتح الله نظام الشعراء افرهانی / سید	۲۱۵۸	علی حرزالدین نجفی / شیخ
۱۹۳۶	فتحعلی حجاب شیرازی / آقا	۱۹۶۰	علی شیرازی / حاجی میرزا سید
۱۸۸۹	فتحعلی زنجانی / آقا	۱۹۰۹	علی فومنی رشتی / شیخ
۲۲۶۳	فخرالدین حیدر آبادی هندی / نواب	۲۱۵۷	علی کازرونی / آقا سید
۲۰۰۷	فرخ قاجار فریدون میرزا	۲۱۲۳	علی کر بلائی شیخ العراقین / حاج شیخ
۲۰۰۰	فرصت شیرازی میرزا محمد نصیر	۱۹۹۲	علی مانع نجفی / شیخ
۲۰۶۰	فروغی شاعر بسطامی	۲۰۴۹	علی هندی نحفی / سید
۲۱۶۰	فریتاک خاور شناس آلمانی	۲۲۲۵	علی اصغر شیخ الاسلام تبریزی / حاج میرزا
۲۰۰۷	فریدون میرزا فرخ قاجار	۲۰۶۹	علی اصغر خان صدر اعظم تهرانی / میرزا
۲۲۲۸	فضل حق چشتی / مولوی	۱۹۳۳	علی اکبر آقا اردبیلی / میرزا
۲۱۹۲	فضلعلی آقا صفا ابروانی / میرزا	۱۹۳۳	علی اکبر خان انجم شاعر نغری
۱۹۱۱	فقیر محمد لاهوری / مولوی	۲۲۲۶	علی اکبر طاهرزاده صابر شاعر / میرزا
		۲۲۶۱	علی اکبر فتوحی زواره / سید

## فہرست عناوین جلد ششم

<p>محمد بن عقیل حضر موتی علوی/حاج سید ۲۲۴۵</p> <p>محمد عوامی قطیفی / شیخ ۲۱۶۴</p> <p>محمد فیروز آبادی / سید ۲۰۹۸</p> <p>محمد قطیفی حائری / سید ۱۹۳۸</p> <p>محمد کاظمینی / حاج میرزا ۲۰۱۲</p> <p>محمد لاجوردی / حاجی سید ۱۹۶۴</p> <p>محمد مصاحبی نائینی / ملا میرزا ۲۲۳۰</p> <p>محمد مفتون شاعر محلاتی / شیخ ۲۰۷۳</p> <p>محمد ہاشمی نجفی / حاج سید ۲۲۲۱</p> <p>محمد ابراہیم چہار سولقی / میرزا ۱۹۲۳</p> <p>محمد ابراہیم ذوق شاعر دہلوی / آقا ۱۹۹۶</p> <p>محمد اسمعیل کجوری مازندرانی / ملا ۲۲۰۶</p> <p>محمد اسمعیل نائینی / آقا ۲۰۲۵</p> <p>محمد امین افندی بغدادی / شیخ ۲۰۵۳</p> <p>محمد باقر بہاری ہمدانی / حاجی شیخ ۲۱۶۵</p> <p>محمد باقر بیر جندی / حاجی شیخ ۲۱۰۴</p> <p>محمد باقر حجت کربلائی / سید ۲۰۳۹</p> <p>محمد باقر کوکب خراسانی / میرزا ۲۰۲۶</p> <p>محمد باقر مدر سررضوی / میرزا ۱۹۴۶</p> <p>محمد باقر واثق شاعر ہمدانی / حاجی شیخ ۲۰۷۵</p> <p>محمد باقر وفاق شیرازی / شیخ ۲۲۳۳</p> <p>محمد بیرم رابع تونسلی / شیخ ۲۱۹۷</p> <p>محمد تقی تربتی خراسانی / حاج شیخ ۲۰۲۷</p> <p>محمد تقی خراسانی نجفی / سید ۲۰۹۸</p> <p>محمد تقی قاضی تبریزی / حاج میرزا ۲۱۲۷</p> <p>محمد تقی قزوینی / حاج سید ۱۹۶۷</p> <p>محمد تقی مجد الشعراء شوریدہ شیرازی / حاجی میرزا ۲۰۷۷</p> <p>محمد تقی مدرس اصفہانی / میر ۲۰۳۱</p> <p>محمد تقی منصور علی خوئی / میرزا ۲۰۷۶</p> <p>محمد جعفر موسوی جزائری / سید ۲۱۲۸</p>	<p>قائمی / میرزا حبیب اللہ حکیم شاعر ۱۹۴۹</p> <p>قاسم ہر حائری / شیخ ۲۱۲۷</p> <p>قاسم بیک شاعر آذربائیگانی ۱۹۹۵</p> <p>قائم مقام التولیر رضوی حاج میرزا محمد علی ۲۰۵۵</p> <p>قدرت شاہ عرقمی سید علی ۱۹۹۱</p> <p>قطرہ شاعر چہار محلی عبد الوہاب ۱۹۵۹</p> <p>قلندر شاہ عارف ونکی ۲۱۳۴</p> <p>کاترمر مستشرق فرانسوی ۲۰۵۱</p> <p>کاظم آشفته شیرازی / حاجی ۲۲۲۹</p> <p>کامران میرزا نایب السلطنہ قاجار ۲۰۱۹</p> <p>کسرائیل خانم بانو عظمی قاجار ۲۰۵۱</p> <p>کلیم شاعر ہندی نظیر حسن ۲۲۰۱</p> <p>کوکب خراسانی میرزا محمد باقر ۲۰۲۶</p> <p>کیوان قزوینی حاج شیخ عباسعلی ۲۱۴۸</p> <p>لطف اللہ خان اسدآبادی ہمدانی / میرزا ۲۰۳۶</p> <p>لطفعلی صدر الافاضل / میرزا ۱۹۱۱</p> <p>لویس شیخو یسوعی ۲۰۹۷</p> <p>مارگلیوس خاور شناس انگلیسی ۲۰۸۳</p> <p>مجدی ملک الکلام کردستانی ۱۹۰۹</p> <p>محرزون شاعر ہولوی عبدالرحمن واعظ ہند ۲۰۶۶</p> <p>محسن خنفر شیخ ۱۹۸۵</p> <p>محمد افندی بیومی مصری ۱۹۱۳</p> <p>محمد ترک آبادی / حاج ملا میرزا ۱۹۳۹</p> <p>محمد تنکابنی / آقا سید ۲۱۶۱</p> <p>محمد حجہ الاسلام ماقانی تبریزی / ملا ۱۹۳۸</p> <p>محمد حرز نجفی / شیخ ۲۰۵۲</p> <p>محمد حکیم ہیدجی / حاجی ملا ۱۹۶۵</p> <p>محمد خطی / سید ۱۹۹۵</p> <p>محمد زنجانی / سید ۱۹۳۷</p> <p>محمد سنوسی صوفی / سید ۲۱۲۷</p> <p>محمد صائب شاعر ترکی ۱۹۶۴</p>
---	---

## فهرست عناوین جلد ششم

۲۰۶۱	محمد قاسم اردوبادی / شیخ	۱۹۸۲	محمد جواد خراسانی / سید
۲۰۵۸	محمد کاظم کاشانی / آقا	۱۹۶۸	محمد جواد شباب کرمانشاهی / میرزا
۲۲۳۶	محمد مهدی بیدآبادی اصفهانی / میر سید	۲۲۱۰	محمد جواد نراقی / حاج شیخ
۲۱۲۹	محمد مهدی تحویلدار مشهدی / میرزا	۱۹۲۷	محمد حسن آل کبه / حاج شیخ
۲۲۴۱	محمد مهدی خان بدایع نگار تفریسی / میرزا	۲۱۳۳	محمد حسن سه دهی اصفهانی / سید
۲۱۹۷	محمد مهدی کرباسی / آقا	۲۰۹۹	محمد حسن مرتاض نائینی / حاج ملا
۲۰۲۸	محمد مهدی کشوان کاظمینی / سید	۱۹۹۷	محمد حسین بلبل کوچک خراسانی / سید
۱۹۱۵	محمد مهدی نراقی ثانی / حاجی ملا	۲۰۹۰	محمد حسین روضاتی اصفهانی / حاجی میرزا
۱۹۱۵	محمد مؤمن خان شاعر دهلوی	۱۹۴۰	محمد حسین صبور شاعر تبریزی
۲۰۵۸	محمد نصیر نراقی کاشانی / میرزا	۱۹۴۰	محمد حسین صفاء شاعر اصفهانی
۲۱۳۷	محمد هادی بیرجندی / حاج شیخ	۲۰۵۳	محمد حسین کربلائی / حاج شیخ
۲۰۰۲	محمود بهبهانی / آقا	۲۱۶۹	محمد حسین نائینی غروی / حاج میرزا
۱۸۹۲	محمود خان علاء الملک تبریزی / میرزا	۲۰۲۸	محمد حسین یزدی / آقا
۲۰۴۰	محمود شکر آلوسی بغدادی	۱۹۱۳	محمد رضا خان قوام الملک شیرازی
۲۲۳۸	محمود مرعشی تبریزی / میرزا	۲۱۸۴	محمد رضا میرزا افسر قاجار
۲۰۰۴	محمود نظام العلماء تبریزی / حاج ملا	۲۰۴۱	محمد سعید افندی بغدادی / سید
۱۹۸۸	مذنب شاعر بدایونی / علی احمد	۲۱۸۵	محمد شریف اردوبادی / شیخ
۲۰۹۹	مرتاض نائینی حاج ملا محمد حسن	۲۰۶۲	محمد شفیق شوشتری / سید
۲۱۸۸	مرتضی عاملی کاظمینی / شیخ	۲۱۸۸	محمد صادق خان ادیب الممالک فراهانی / میرزا
۲۰۳۹	مرتضی قلیخان صنیع الدوله تهرانی	۲۱۳۱	محمد صادق مدرس خاتونابادی / میر
۱۹۱۵	مرتضی کشمیری / سید	۲۰۱۲	محمد طاهر بریلوی هندی / ملا
۲۱۸۹	مریم شاعره قائم مقامی	۲۲۳۵	محمد علی اصفهانی / ثقه الاسلام حاجی شیخ
۱۹۹۰	مسکین شاعر اکبرآبادی شیخ عبدالواحد	۱۹۷۳	محمد علی حکاک شمیم شیرازی / حاجی
۲۰۳۰	مشکور حولوی نجفی / شیخ	۱۹۹۷	محمد علی دزفولی اصفهانی / شیخ
۱۹۱۸	مظفر الدین شاه قاجار	۱۹۹۸	محمد علی قائم مقام التولیه رضوی / حاجی میرزا
۱۹۴۴	معصوم علیشاه محمد معصوم نایب الصدر	۲۰۵۵	مفتون شاعر محلاتی شیخ محمد
۲۰۷۳	ملک الکتاب فراهانی میرزا مهدی	۲۱۸۵	محمد علی گلستانه اصفهانی / حاج سید
۱۹۲۱	منیرالدین اصفهانی / حاج آقا	۲۱۰۲	محمد علی مذهب اصفهانی / آقا
۲۱۹۰	مهدی ابوطالب بغدادی / سید	۱۹۱۴	محمد علی نخجوانی / میرزا
۲۱۴۵	مهدی خالصی / حاجی شیخ	۲۰۵۳	محمد علی یزدی اصفهانی / شیخ

## فهرست عناوین جلد ششم

۲۰۰۲	نعمت فسائی میرزا محمودخان	۲۰۰۳	مهدی‌خان‌علیم‌الدوله تهرانی
۲۱۹۱	نورشاعر قاجار، نورالله میرزای جناب	۱۹۴۳	مهدی‌لکهنوی / سید
۲۰۷۸	نورالدین چهره مجلسی اصفهانی / میرزا	۱۹۵۰	مهدی‌ملک‌الکتاب فراهانی / میرزا
۱۹۲۲	نیسان شاعر شهبهانی	۲۰۵۸	موسی‌خان انصاری اصفهانی / حاجی میرزا
۱۹۴۳	هاشم مشهدی / حاجی میرزا	۲۰۶۳	میرزا آقاخان محاسب‌الدوله
۱۹۷۷	هدایه‌الله چهارسوئی / میرزا	۲۰۹۲	میرزا آقا جندقی اقبال موسوی
۲۰۰۴	هلاکوشاعر قاجار	۲۲۵۲	میرزا باباخوشنویس شیرازی
۲۰۵۹	همایون میرزای حشمت قاجار	۱۹۴۴	نایب‌الصدر شیرازی / حاجی
۲۱۱۷	همت شاعر شیرازی میرزا علاءالدین	۲۰۳۰	نبی، غبارشاعر رازی تهرانی
۲۰۳۱	همرپورژستال، مستشرق اطریشی	۲۰۳۰	نجفقلی میرزا والی شاعر قاجار
۲۰۷۵	واثق شاعر همدانی / حاجی شیخ محمد باقر	۱۹۷۲	نصرالله صدرالممالک اردبیلی / میرزا
۲۱۰۵	یغمشاعر جندقی میرزا ابوالحسن	۲۱۳۰	نصرالله منجم مراغه‌ئی / میرزا
۲۰۶۰	یوسف عزالدین افندسی / شاهزاده	۱۸۹۸	نظام‌الشریعه خوانساری / بدیع
(( پایان فهرست عناوین والحمدلله ))		۲۲۲۷	نظام‌الشعراء فراهانی عراقی سیدفتح‌الله

### (( غلطنامه ))

صحیح	غلط	نظر	مفحه
نیر	نیز	۸	۱۹۳۸
معتمد	معتمدو	۱۴	۱۹۵۱
((زائد))	شیخ	۲۴	۱۹۷۹
نیاکاش	نیکاش	۲۲	۱۹۸۳
با ممل	با علم	۱۶	۱۹۹۸
دو	((دو))	۱۷	۲۰۰۱
۱۹۱-	۹۱-	آخر	۲۰۱۰
روی حلد	جلدروی	۸	۲۰۱۶
که طبع آن در	که در	۱۴	۲۰۱۷
بفرزند نسبت داده	بفرزند	۱۷	۲۰۱۹
گذشت	گذشتند	آخر	۲۰۳۷
شبانگام (ظ م)	شباهنگم	۱۲	۲۰۹۴
۱۲۷۶ (ق ۱۲۳۹) اش		عنوان	۲۱۱۲
رودباری نحلی		۱	۲۱۱۳
واژ فافله	وااقفله	۲	۲۱۲۲
کنار	کناره	۱۶	۲۱۳۴
آغاز	فاز	۱۰	۲۱۵۶
و	((و))	۱۹	۲۱۶۰
و	است	۲۰	۲۱۶۱
دانست است	دانسته	۲۱	۲۱۶۱
نزد شیخ رحیمعلی نامی بخوانند	،	۲۲	۲۱۶۲
۱۰	۰۱	۶	۲۱۶۳
کتابت	کتاب	۲۵	۲۱۷۷
فضلی	فضلی	عنوان	۲۱۹۶
وی	آوی	۱۳	۲۲۱۵
روایع	روایع	۱۳	۲۲۱۷